

میش پابوت میش پرن

فرهنگ مردم شناسی

دشنامه، انگلیسی، فارسی،

ترجمه

دکتر صفر عسکری خانقاه

نشر وین

Michel Panoff

Michel Perrin

Dictionnaire

de

l' étimologie

traduit en persan

par

Dr. Asghar Askari Khaneghah

1989

مجله

A

٢٩

25



ترجمه این کتاب به همسر من تقدیم می شود.

اصغر عسکری خانقاه

این کتاب، به دلیل وجود نسخ دیگری از آن
در کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
بر اساس قرارداد ۹۲۷۴۰ جهت استفاده
به کتابخانه طرف قرارداد، منتقل گردید.

میشل پرن

میشل پانوف

فرهنگ مردم شناسی

(فرانسه ، انگلیسی ، فارسی)

ترجمه

دکتر اصغر عسکری خاتقاه



۱۳۶۸

این کتاب ترجمه‌ی است از :

Michel Panoff

Michel Perrin

Dictionnaire de
l'ethnologie

Petite Bibliothèque PAYOT

224/1973



-
- فرهنگ مردم شناسی
 - نوشته : میشل پانوف ، میشل پرن
 - ترجمه : دکتر اصغر عسکری خانقاه
 - چاپ اول : تابستان ۱۳۶۸
 - تیراژ : سه هزار نسخه
 - حروفچینی : هویره
 - چاپ : دوهزار
 - ناشر : نشر ویس
 - نشانی : خیابان انقلاب جنب سینما دیا نا کوچه اسکو شماره ۱۶
 - تلفن ۶۶۴۵۷۷



پیش گفتار

با همه تلاش پی گیری که در عصر ما پژوهندگان و اندیشمندان علوم اجتماعی، انسانی و زیستی برای ره یابی به دنیای واقعی واژه ها از خود نشان می دهند. مع هذا، گاه به نوعی گنگی و تشتت در بیان اندیشه ها بر می خوریم. اینگونه درهم ریختگی و پریشانی، که به هنگام انتخاب واژه ای معادل و مناسب در هر زبانی به چشم می خورد، گاه از نارساییهای بارزی حکایت دارد که بدون شك در زبان اندیشه يك قوم نهفته است و جا و مقام ویژه ای دارد. پا پیش رفت زبان در خط ارتباطات بشری و با حرکت سریع تکنولوژی در قرن حاضر، باید برای بیان اندیشه های بشر - از هر قبیله و قومی که باشند - در جستجوی فکری فوام یافته بود، تا از هر سخنی که بر زبان هر جمعیتی جاری می شود، نمادی دقیق و روشن در دل کاشت و به راز واژگان و لاجرم به سیر تکاملی و تحولی اندیشه های انسان در هر گوشه از جهان پی برد. چه در این بازار آشفته، اگر هر اتفاقی بر سر واژگان يك قوم بیفتد، بر سر فرهنگ و اندیشه های آن افتاده است. زیرا، بر مبنای فرهنگهاست که کار برد واژگان مکان والای خود را اشغال می کند و مردمان يك مرز و بوم در جریان تطور فرهنگها قرار می گیرند. از این رو باید با احتیاط عمل کرد و نیز با فرهنگی خاص با واژه ها برخورد داشت و قلم را با ابداع معادلهای ناهماهنگ و مفاهیم نادرست برای واژگان اقوام نیالود و نیاز زد. چه در این کاروانسرای انسانی معامله بر سر کالای واژه ها نیست، بلکه معامله يك معامله انسانی از پیش ساخته است تا با کاروان واژه ها از مرزها بگذریم و فرهنگها را با پار اندیشه های متنوع و متعددشان دریا بیم و از حاصل تطور و تحرك آن بهره ها بگیریم. چنین است که بزرگان اندیشه بشری جانب احتیاط نگه می دارند و در کاربرد معادلهای مناسب واژه ها کوششی جمیل و حرکتی بی بدیل را بدرقه راه می کنند، تا خرد و تفکر قوام یافته راه بطلان و هبوط نییاید و هر کس به زعم شوخ طبعیهای نارس ادیبانه خود واژه ها را به بازی نگیرد و از ابداع واژه یا واژگانی نارسا و ناموزون بپرهیزد و نیز از نا آگاهی مردمی که در انتظار پاسخی درست برای مفاهیمی گنگ نشسته اند سوء استفاده نکند، که این خود خیانتی ست نابخشودنی به فرهنگ واژگان و بی شبهه به فرهنگ اقوام و از این طریق به فرهنگ ملتها. از این رو، حتی در جوامع شبانی، هلاک تشخیص گسروها زبانشان یا نظم واژگان زبانی آنهاست و به همین دلیل به خانواده های زبانی تقسیم می شوند.

پلهای فولادو (Fouladou) از کشور سنگال، برای توجیه زبان و گفتارشان — که لاجرم یادآور اندیشه‌های متفاوتی است — به سخنان و ضرب‌المثل‌های بیشمار استمداد می‌جویند. آنان در مورد گفتار یا حرف (Parole) مفاهیم متعددی را القاء می‌کنند و حرف یا سخن را در حکم وسیله ارتباط می‌دانند و سودمندی این امر در نزد آنها جای مهمی را اشغال کرده است. در واقع، سخن به منزله یک ابزار برتر در همبستگی اجتماعی است. در نزد آنان هر گفتار جای ویژه خود را دارد و وقتی واژه‌ای دارای نیرو و توان زندگی است، دیگر ملعبه نیست و بازیچه قرار نمی‌گیرد. «روژه لا باتو Roger LABATUT» در این باره می‌نویسد: «اهمیت اجتماعی این مسئله را از یاد نبریم که کلام برای انسان پهل (Peul) تنها یک عمل ساده و به مثابه مشخصه انسانی اوست و آنچنان قوی است که در بسیاری از ضرب‌المثل‌ها و در زندگی اجتماعی به چشم می‌خورد» و اضافه می‌کند: «اهمیت شخص به زبان (Langue) اوست و فرد چیزی جز گفتار (parole)* نیست. بدون گفتار، انسان در حکم حیوان است. انسان آزاد یعنی «حرف» و انسان برده یعنی «طناب». حرف به منزله باد است، چشمه‌اش خشک و ظرفش پرنمی‌شود. حرف همانند آب است؛ یکبار که ریخت دیگر جمع نمی‌شود. یک حرف بد از گلوله دردآورتر است. حرف‌های گفته شده دیگر پیر نمی‌شوند. دهان سگ از دهان آنکس که حرف می‌زند ولی عمل نمی‌کند زیباتر است.»^۱ از این جهت می‌توان گفت که واژه‌ها فعالیت‌های فرهنگی هر قومی را تشکیل می‌دهند و آن قوم که واژه‌هایش مرده باشند یا مورد هجوم قرار گیرند از بی فرهنگی قالب تهی می‌کند و مرداری بیش نیست که طعمه کرکسان خواهد شد. به همین دلیل نمی‌توان نسبت به فرهنگ‌ها که خود از پارمفاهیم و ازگان اقوام قوام یافته و برگستره زمان و مکان تثبیت شده‌اند برخوردی انحصاری داشت و در گردش زمان دوام و ثبات آن را جاودانه دانست. چه‌اذاگان در روند دایمی خود گاه در ذهن روزگار به ثبت می‌رسند و بنایی کهن را پی می‌ریزند و گاه نیز در جریان حوادثی که بر قومی می‌رود بار بینش و آگاهی‌های خود را ازدست می‌دهند، در بستر زمان نابود می‌شوند و در زمانی ناخوشایند با خود اقوام می‌میرند. و گفته‌اند ای پسا وازگان که باز با حرکت عالمانه آگاهان و پخردان جامعه — و در گردونه زمانی خاص — دوباره برمی‌خیزند و در کلام انسان خردمند می‌نشینند و شور برمی‌انگیزند، آنچنان که مرگشان فراموش می‌شود و چنان جای ویژه و باروری را در ذهن و تفکر مردم یک منطقه اشغال می‌کنند که انکار همیشه زنده بوده‌اند و همچنان ماندگار خواهند ماند.

* — برای واژه parole، معادلهای: گفتار، حرف، سخن و کلام را، به تناسب معانی دقیق آنها آورده‌ایم تا مفاهیم رساتر بیان شوند. (م)

1— Roger, LABATUT, «La Parole à travers quelques Proverbes Peuls du Fouladou (Sénégal)», Journal des Africanistes, Tom 57—Fascicules 1—2. Les voix de la parole. PP. 67, 69, 73. Paris. 1987.

اما، آنان که در این پهنه از دریای بیکران اندیشه مستغرقند و در جستجوی معادله‌های مناسب برای واژگان بیگانه هستند، پسر وظیفه سنگینتری را به دوش می‌کشند، وظیفه‌ای که به قرون و اعصار کهن پیوند خورده و خرد را در پستوهای کهنه و غبار آلود پنهان نکرده است. اینان همه حرکات و معانی واژه‌ها را در می‌یابند و سعی بی بدیلشان در قوام خمیر مایه‌های حرکتی است که از فرهنگی فراگیر سرشار است و نیز در گشایشی برای ثبت و ضبط هر آنچه که به دور از کهنه پستی و پس ماندگی است. چنین فرزانه‌گانی، بدون شک، در این راه به سکون ذهنی گرفتار نخواهند شد و جدا ماندگی فرهنگی نخواهند داشت یعنی سوا از همه آن مسایلی هستند که هر اقوام ناویسا در دل تاریخ گذشته است. دنیای فرهنگ ساخته و پرداخته واژگان است و آمیزش فرهنگی جز به زبان و غنای آن وابسته نیست. از این رو، اندیشه و شوق بیان آن و توانایی لازم برای فکر قابل عرضه در صدر همه حرکات انسانی قرار می‌گیرد و به این ترتیب سخن گفتن آغاز می‌شود. «سولایراک» (SOULAIRAC) در این مورد اندیشمندانه نشان داده است که «برای حرف زدن باید شرایط زیر فراهم شود:

- ۱- اندیشه‌ای که قابل بیان باشد. ۲- علاقه و شوق لازم برای بیان آن اندیشه. ۳- توانایی برای به یاد آوردن کلماتی که به طور مستقیم با فکر قابل عرضه در ارتباط باشد. ۴- کاربرد دستوری این کلمات بر طبق معانی آنها. ۵- تجمع کلمات به صورت جمله.^۱

با هر جمله‌ای که بر زبان می‌رود، حرکت برای تبدیل و تحول فرهنگ بر حسب معانی جملات آغاز می‌شود و این تنها آغاز حرکت است. گاه این حرکت عالمانه و خردمندانه صورت می‌گیرد و با تبار انسانی در طی نسلهای متمادی می‌آمیزد. از این گشنگیری که آگاهانه است، واژه‌ها در طی اعصار متولد می‌شوند، تبرک می‌یابند، برگستره فکر انسانها حکومت می‌کنند و سپس از مرزها می‌گذرند و در مسیر همگانی علوم و فنون بر بستر فرهنگهای مختلف می‌آرمند و جرثومه‌های تبار، سنتها، شعایر، مناسک و اسطوره‌ها را می‌سازند و جزء لایتجزای عناصر فرهنگی، اجتماعی و زیستی مردم می‌شوند. به این ترتیب دُریشان در سرزمینهای مختلف دایره‌های فرهنگ و تمدن *Kulturkreise* را رقم می‌زنند. پس، می‌مانند و این ماندگار شدن در هر لحظه از زمان و هستگی و هستیش را در چگونگی بار ارزشی تفکرات قوام یافته دانایان و اولیاء مرزها و پاسداران فرهنگ بشری جستجو خواهد کرد.

با پیشنی خردمندانه بی به این نکته می‌پریم که چگونه واژه‌ها سرنوشت‌ساز می‌شوند و تا چه حد پاشیارهای فکر و ذهن آدمی سروکار دارند. کاربرد و نحوه استفاده از آنها در سطوح مختلف فرهنگی می‌تواند در شکوفایی یا زوال فکر انسانی نقش بازی کند. این شکفتن تنها در قدرتی نهفته است که از رشته‌ها و تارهای به هم

1- Georges OLIVIER., «Anatomie anthropologique», Vigot Frères. Editions, Paris, 1966.

تمیده و اژه‌ها سر بر آورده و در دایره ذهن استوار و ماندنی می‌شود. اگر ندانیم که تاجه حد این نیروهای لایزال کلمات در حرکت یا سکون فرهنگ هر جامعه نقش پذیر خواهند بود، بدون شك «خرد» و «فرهنگ» را به سخریه گرفته‌ایم و باید بر بی‌دانشی خود بگرییم. بنا بر این اگر در راه گزینش واژگان هستیم باید محتاطانه قدم برداریم و صادقانه عمل کنیم و مفاهیم و معانی مترتب بر آنها را با کنج‌کوی و یا دقتی درخور و یا تلاشی پی‌گیر دریا بیم.

قصدا در این مختصر آن نیست که اژه‌های پدیده‌های پیچیده این امر پسرده برداریم. زیرا آگاهان دانش اجتماعی بر آن واقفند و راقم این سطور به مصداق: «بی چراغ جام در خلوت نمی‌یارم نشست زانکه کنج اهل دل باید که نورانی بود» و به دلیل سالها تلمذ در محضر اربابان دانش انسانی و در روزگار تعلیم و تعلم و همگامی و همیاری با پژوهشگران و دانشجویان بر این نکته معترف است که صاحبان اندیشه مردم‌شناسی و نیز دانشجویان رشته‌های علوم اجتماعی و انسانی، گاهی برای یافتن معانی درست يك واژه از زبانهای مختلف و آگاهی از کاربرد دقیق آن در نزد اقوام سرزمینهای دور، بحثهای بی‌حاصل و خسته‌کننده‌ای را - به علت فقدان منابع در این زمینه - دنبال می‌کنند. مسایلی چون فرهنگ اقوام ابتدایی و سایر تکامل جوامع بشری، گسترش روزافزون خانواده که در رابطه کامل با فرهنگ تجاری اقوام در طول تاریخ است و نیز مسایل و مشکلات خاصی که در دایره مهاجرت، تولد، ازدواج، مرگ و سایر پدیده‌های زیستی مطرح می‌شود، نیاز کامل ما را به استفاده از يك زبان خاص مردم‌شناسی نشان می‌دهد. از طرفی نبودن علوم اجتماعی و نیز ارتباط دقیقی که مردم‌شناسی با جامعه‌شناسی در این دایره برقرار می‌کند، ادغام واژه‌های مشابه‌ای را سبب شده است. لذا، کاربرد دقیق واژه‌های مردم‌شناسی با مشکلات روزافزونی مواجه است. از این رو آگاهی از راز مفاهیم واژه‌ها، در این زبان خاص، مستلزم تعمقی است که به عمق دانش و بینش مردم‌شناس و پژوهشگر علوم اجتماعی مربوط است. البته در جوامعی که دانش علوم اجتماعی در آن تازه نیست، مشکل فوق مشخص‌تر است و هنوز بیش از چند سالی از تدوین فرهنگ مردم‌شناسی در آن نمی‌گذرد. در ایران نیز با همه کوششهای مردم‌شناسان آشنایی کامل با واژگان مردم‌شناسی تا به امروز به فراوانی سپرده شده است. شاید به همین دلیل گردآوری واژگان مردم‌شناسی و به‌طور کلی علوم اجتماعی، از بزرگترین نیازهای عمده جامعه ماست. بنا بر این برای تحقق این امر کتاب «فرهنگ مردم‌شناسی» به قلم «میشل پانوف» *Michel PANOFF* و «میشل پرن» *Michel PERRIN*، که واجد کلیه واژه‌های متداول در مردم‌شناسی است، از زبان فرانسه ترجمه شده است تا بدین وسیله دانشجویان و پژوهشگران علوم اجتماعی و انسانی از چگونگی کاربرد دقیق واژه‌ها و مفاهیم آن در مردم‌شناسی و نیز از درجه اختلاف یا هماهنگی و تطابق آنها با واژگان مشابه در جامعه‌شناسی، آگاهی بیشتری یابند. باشد که در این راه خدمتی، ولو اندک، به جامعه دانش‌پژوهان به‌ویژه به پژوهشگران مردم‌شناسی و جامعه‌شناسی که آگاهانه در راه پیشبرد اهداف علوم اجتماعی گام برمی‌دارند

ارایه شده باشد.

ترجمه این کتاب در سال ۱۳۶۰ پایان پذیرفته است. اما، متأسفانه با تمام کوششی که به عمل آمد چاپ آن تا به امروز به تعویق افتاد. دلیل بارز آن را باید در چگونگی خصیصه‌های تجاری برخی از ناشران محترم کشورمان جستجو کرد که حتی گاه بعد از چاپ پنجاه رمان تجاری نیز حاضر به نشر يك اثر علمی نیستند و به مختصر خدمت فرهنگی تن در نمی‌دهند، اما، آیا کسانی که برای اعتلاء فرهنگ سرزمین خود عاشقانه ایثارگری می‌کنند و دل از همه نعمات دنیا تهی می‌دارند تا پله پله این فرهنگ را پاس بدارند و از همه چیز چشم می‌پوشند، تهی کیسه و فقیر می‌مانند و هیچ التفاتی هم از سوی جامعه نسبت به کارشان نمی‌شود، باید به کجا بروند؟ که گمان دارم به قول خواجه شیراز:

«کلید گنج سعادت قبول اهل دل است مباد آنکه در این نکته شك ورپ کند»
باری، کتابی که در دست شماست، حداقل نزدیک‌هزار ناشر، از روز حروف چینی تا زمان انتشار روزگار گذرانیده و حتی در نزد برخی از آنان زندگی دشواری داشته است. کسی چه می‌داند، شاید اگر همت والای آخرین ناشر یعنی آقای همد رحیمیان مدیر «انتشارات ویسی» و زحمات بی‌دریغ و فراموش‌نشدنی حروف چینی هویزه در همه مراحل چاپ نبود، باز هم باید چند صباحی بزرگواران دانشگاهی، پژوهشگران و دانشجویان محترمی که در این راه با سلامت نفس و پاکی اندیشه راهنمای ما بوده‌اند، منتظر می‌ماندند. تنها مایه تأسف ما این است که برخی از اصحاب اندیشه مردم‌شناسی که نامشان در این کتاب آمده است این قدر تحمل نداشتند که کتاب به ترجمه فارسی آراسته شود و چند سالی است که دارفانی را وداع گفته‌اند! از زمره آنان می‌توان از «آندره لوردوآ- گودان»، «میرچا الیاده» و تنی چند نام برد. این هم از برکت محبتی است که بعضی ناشران مملکت ما نسبت به مؤلفان و مترجمان دارند. در واقع، این روزها باید تاریخ چاپ هر کتاب را از شناسنامه آن حذف کرد زیرا عددی است قلابی که فقط به سال انتشار از طرف ناشر برمی‌گردد و بهتر است در شناسنامه کتاب، تاریخ پایان ترجمه یا تالیف و تاریخ تحویل آن به نخستین ناشر نیز قید شود،

«حافظا باز نما قصه خوانا به چشم که برین چشمه همان آب روان است که بود»
در اینجا از همه ناشران به خاطر این مختصر که مذکور افتاد عذر می‌طلبیم و هرگز از این اندیشه غافل نبوده‌ایم که هستند ناشران بزرگوار که با مناعت طبع و بی‌هیچ ریب و ریا همه هستی خود را برای چاپ مطالب علمی در طبق اخلاص گذاشته‌اند و اگر اندک مساعدتی بشود و تسهیلات بیشتری برای این دسته از ناشران محترم در نظر گرفته شود، شاید بتوان از این راه به چاپ هر چه بیشتر مطالب علمی امیدوار تر بود.

همان‌طور که اشارت رفت، این کتاب از زبان فرانسه ترجمه شده و مترجم در فهرست واژگان برای کمک به دانشجویان و پژوهشگران معادلهای انگلیسی هر واژه را در مقابل مفاهیم فارسی و فرانسه آن ارایه داده است. بنا بر این، واژگان

این کتاب به ترتیب الفباء فارسی، فرانسه و انگلیسی آورده شده‌اند. بخشی نیز اختصاص به واژگانی دارد که در متن کتاب معادلهای انگلیسی آنها ذکر نشده‌اند و احتمال خاص پژوهشگران فرانسوی یا فرانسه زبان است.

تذکر این نکته را لازم می‌دانیم که قصد ما از ترجمه این کتاب انجام وظیفه‌ای بوده است که در طی سالها تعلیم و تعلم در دانشگاه برگردن داشتیم و بر این باوریم که انجام اینگونه وظایف برای هر حرکت علمی که در آن آگاهی و بینش جایگزین تاریکی و پیچیدگی است لازم بوده و حتی اصل و اساس است. در این کار، برای خلق برخی از واژگان مردم‌شناسی از جانب خویش، داعیه‌ای نداریم. چه در این راه از حاصل تلاشهای پرثمر عالمان و اندیشمندان علوم اجتماعی و انسانی استفاده شده است. اگر از همه آنان نام برده نمی‌شود به دلیل رواج مستمر و روزافزون واژگانی است که در سیر جاودانه خود چنان در ذهنها و اندیشه‌ها جایگزین شده‌اند که انکار از روز نخست جزء لاینجزای فرهنگ پارسی بوده‌اند و هرگز از زبان دیگری نیامده‌اند. از این جهت از همه این سروران دانشگاهی و دانش پژوهان باخرد و آگاه که به احتمال قوی پیش از ما در یافتن مفاهیم و معادلهای درست بسیاری از واژگان علوم اجتماعی پیشگام بوده‌اند، صادقانه عذرمی‌خواهیم و پوشیده نیست که از دانش پر بارشان برای یافتن معانی دقیقتر هر واژه استفاده شایان برده و بهره فراوان گرفته‌ایم.

اما، بدون شك، این کتاب نیز نظیر همه فرهنگ‌نامه‌ها خالی از اشکال نخواهد بود. در طی سالها کوشش برای ترجمه این کتاب سعی بر آن بوده است که، با توجه به وسواسی که خود در کاربرد واژگان علوم اجتماعی داریم، حتی الامکان انتقال فکر نویسندگان این اثر به خوانندگان، در نهایت امانت صورت پذیرد. امید است از راهنماییهای همه دست‌اندرکاران دانش اجتماعی انسانی و همه خردمندان و پژوهشگران این راه برخوردار شویم تا اشکالات این اثر با انتقادات سازنده آنان برطرف شود و بعدها شکل جمیلی به خود بگیرد و مقبول افتد.

در خاتمه لازم می‌دانیم از دوستان خردمند و یگانه: آقایان صمد رحیمیان و مرتضی فرشادجو که در نهایت انسانیت و با ایثارگری زاید الوصفی، به فاصله کمتر از ۶ ماه، همه کارهای چاپی این اثر را به اتمام رسانیده‌اند سپاسگزاری کنیم و درود و سپاس بی‌پایان خود را بنابر همه کارکنان حرفه‌چینی هویزه می‌نماییم که با کمال صمیمیت و محبت، همه تجدید نظرهای اینجانب را در هر احوال مختلف چاپ این اثر پذیرفته و خم به ابر نیامورده‌اند. والسلام.

اصغر عسکری خانقاه

اردیبهشت ۱۳۶۸

مقدمه

تهیه يك فرهنگ اقدامی است سرشار از خطر. خطر اصلی و نخستین، که احتمالاً مانند قانونی که برای «نوع» تدوین شده باشد اجتناب-ناپذیر و دایمی است، آن است که چیز مورد بحثی را به شیئی بی جان و بی روح تغییر شکل دهیم. اما خطرناکتر از آن هم وجود دارد؛ یعنی خطر اینکه به چیزی، ظاهری واقعی و پنداری جوهری نسبت دهیم که در اصل فاقد آن است. حال شاید این سؤال مطرح شود که اذهان پوچ گرایان یا منتقدان افراطی در این زمینه چگونه عکس العمل خواهند کرد. در واقع آیا نمی توان به زور تصریح و تبیین، این فکر را القا کرد که، مردم شناسی دانشی همانند ساز و تلفیقی است که باید آن را به عنوان قطعه نان مفیدی تغذیه کرد و یا دانش تثبیت شده بی است که می توان آن را مانند جدول ضرب و يك بار برای همیشه آموخت؟ در این صورت این مسئله حتی به منزله نفی مردم شناسی و تجلیل «بوداد» (Bouvard) و «پکوشه» (Pécuchet) خواهد بود.^۱

۱- «بودار» و «پکوشه»، نام قهرمانان يك اثر هجایی به قلم «گوستاو فلوبر» (G. Flaubert) (۱۸۸۰-۱۸۲۱) نویسنده بزرگ فرانسوی است. (م).

اگر پیش از همه، موضوع آشکار کردن گفتگوها و صحبت‌های تعارض‌آمیزی بود که به هر کس اجازه می‌داد تا در مشاجرات تند و سختی داخل شود که سرانجام به چشم خود آنچه را که «پوله یا برعلیه مردم‌شناسی» اقامه می‌شود ببیند؟ یا اگر مسئله علنی کردن تردستی‌های کوچکی بود که چند فقره از آن به جهت سحرآمیز بودنش، برای صاحبان فضیلت و بینش عالی و نیز به خاطر ارباب از هر چیز خارج از مذهب، به کار می‌رفت؟ یا اگر همچنین، آشکار کردن تروریسم و نادانی افرادی مانند «فوکیه-تنویل»^۱ (A. Fouquier – Tinville) در مقابل چشمان همه مردم بود که مردم‌شناسی را متهم می‌کنند، بدون اینکه حتی به خود زحمت خواندن کتاب‌هایی را دهند که ما را مجبور به سوزاندن آنها می‌کنند و نیز حتی بی‌آنکه به عمل مشاهده، بررسی و مشارکتی فکر کنند که آن را به نحو مناسبی وارونه جلوه داده و به ریشخند گرفته‌اند؟ آیا در این صورت مسئله درست برعکس می‌شد؛ بله، درست به همین دلیل، کوشش و اقدام ما در اینجا، بر «عاهی کردن» نزاع و مشاجره‌ی بی‌ست که قسمت‌های زیادی از شدت و بی‌ثمر بودنش را مدیون کاربرد زبانی می‌دانیم که سخت محرمانه و سری است.

در آغاز، طرح ما بی‌نهایت ساده بوده است. ما می‌خواستیم تعریفی از چندین اصطلاح فنی را در اختیار دانشجویان قرار دهیم که کاربرد فراوان آن نیل به ادبیات تخصصی را مشکل می‌کرده است. از طرفی چون به طور قطع و یقین انجام «پله به پله» این امر تنها با انتخاب تعداد کمی از واژگان و استخراج آنها بدون ذکر زمینه‌های تاریخی‌شان و نیز باقی‌مانده اصطلاحات مردم‌شناختی

۱- «آنتوان فوکیه - تنویل» (۱۷۹۵ - ۱۷۴۶)، قاضی، سیاستمدار مشهور فرانسوی و صاحب عقاید انقلابی که در جریان انقلاب در مقابل دادگاه انقلابی به عنوان قاضی و وظیفه وزارت عمومی رانین به عهده داشت. از این زمان بود که «فوکیه-تنویل» به صورت نمادی از سخت دلی، بی‌رحمی، سببیت و عامل ترور درآمد و بعدها در جریان یک دادرسی طولانی محکوم به مرگ شد. (م).

امکان نداشت، بنا بر این لازم دیدیم که کمی دور تر برویم. سرانجام علاوه بر آن و در طی سلسله حوادثی که پیش آمد، رفته رفته خود را در برابر چشم اندازی از نظریه های «بزرگ» و در برابر مجموعه عظیمی (Bottin) از مردم شناسان مشهور و فهرستی از قبایل مشخص محلی یافتیم! ناسا گهان و یکباره امکانات استفاده از کارما گسترش می یافتند: به جای اینکه این کار اساساً مختص دانشجویان و عامه مردم باشد به صورت چیزی در می آمد که می توانست ویژه کمک به خود مردم شناسان و متخصصان نظامهای نزدیک به مردم شناسی نیز باشد. اگر نمی دانستیم که تا کنون هیچ اثری از این نوع در فرانسه وجود نداشته است و از آن رنج می بردیم، در این صورت از نتیجه به دست آمده سخت در شگفت می ماندیم. بنا بر این برای ما چنین نتیجه ای پاسخ به یک نیاز غیر قابل تردید بود و نیز نفع فزاینده عامه را نسبت به مردم شناسی، مدام آمرانه تر و میرمتر می کرد. چگونه با احترام از آن جاه طلبی که ویژه دایرة المعارفهاست کتاب کوچک حاضر کوشیده است تا در مقابل این تقاضا قد علم کند؟

۱- برای واژگان و اصطلاحات فنی، تصمیم زیر پذیرفته شده است: از یک طرف کوشیده ایم تا تعریفی از بزرگترین تعداد ممکن از واژگان و ویژه مردم شناسی (مانند: «پسر دانیهای عرضی Cousins Croisés») را به دست دهیم و از طرف دیگر واژگانی را نیز در نظر گرفته ایم که معمولاً در یک زبان مشترک و عمومی و یا در دیگر نظامها نظیر جامعه شناسی کاربرد داشته و مردم شناسی برای آن تعریف ویژه ای دارد (مانند: «خویشاوندی نسبی filiation»). اما مفاهیم عمومی مختلفی را که برخی از خوانندگان انتظار داشته اند تا در این کتاب پیدا کنند، به دلیل خصلت بسیار مبهم این مفاهیم کنار گذاشته شده یا به همان اندازه که مدت مدیدی است از انجام یک بحث عمیق فلسفی خودداری می شود (نظیر بحث در باره: «جامعه société»)، این مفاهیم نیز فاقد ارزش عملی شده اند. به طور قرینه از کاربرد واژگان و اصطلاحات بسیار فنی نیز که ویژه این یا آن تقسیم فرعی انسان شناختی است و به منزله «ابر-نظام» (super-discipline) به حساب می آیند و به ندرت مورد

استفاده مردم‌شناسان قرار می‌گیرد، صرف نظر شده است. به این ترتیب، در این کتاب برخورد ما با خانواده زبانیست (*famille linguistique*) نه با حوزه گویشی آن یا با قانون گریم^۱ (*loi de Grimm*). به عبارت دیگر در اینجا مراد «شاخص جمجمه» (*indice céphalique*) است نه «انسان اکتوسی» (*Homo erectus*)

سرانجام بعضی از واژه‌های نو که به وسیله شمار بسیار محدودی از مؤلفان یا «به دلیل قویتر» تنها توسط یک فرد به کار برده شده، از قلم افتاده‌اند تا بر حجم زبان عامیانه‌ای که از پیش به قدر کافی پربار و از ابداعات کم‌دوام و اختیاری سرشار است، افزوده نشود. با وجود این مسلم است که بر اساس چنین حذفیست که ذهنیت ما دارای بزرگترین سهم است و از این رو خواننده باید احتراز کند.

۲- طرحی را که برای هر موضوع این فرهنگ انتخاب کرده بودیم، در هر حدی که تکمیل می‌شد، لزوماً حرکت و جنبشی از گستردگی و تفکر عمیقی را که کارما در برداشت منعکس می‌کرد، به این ترتیب، در آغاز می‌خواستیم از خصلت دایرة المعارفی دوری کنیم. اما از آن زمان که در قلمرو این کار به تعریف نظریه‌های اساسی و عمده مردم‌شناختی پی بردیم، دیگر نتوانستیم کاملاً به نیت نخستین خود وفادار بمانیم. این تعاریف در واقع بدون کمک از یک حداقل اطلاعات تاریخی و از سنخ دایرة المعارفی آن، قادر به تشریح و توصیف خود نبودند. دیدگاه مؤلفان نظریه‌ها، در طی سالها عوض شده و معنای واژگانی که توسط آنسان استعمال شده، تغییرات و تحولاتی را در شور و هیجان مشاجره‌های قلمی و جسدلها (مانند «تطور و تکامل‌گرایی» *évolutionnisme*) تحمل کرده است. نتیجه آنکه هر بند و موضوعی معمولاً شامل سه قسمت می‌شود.

۱- «Jakob Grimm» (۱۷۸۵-۱۸۶۳) زبان‌شناس، نویسنده و بانی زبان‌شناسی آلمان با برادرش «ویلهلم گریم» قصه‌ها و افسانه‌های آلمان را به نیکارش درآورده و تاریخ زبان آلمانی را در سال ۱۸۴۸ و فرهنگ زبان آلمانی را در ۵۸-۱۸۵۲ چاپ کرده است. (م).

نخست دارای يك يا چند تعريف است كه كوشش شده تا حد اكثر وقت وبی طرفی در آن رعایت شود. این تعاریف ترکیبی از تبیینها یا گزارشی از عقاید مختلفی است که در بند (پاراگراف) بعدی داده شده اند. گاهی این بند به يك نتیجه انتقادی منتهی می شود که به نظر ما نمی شد از ضرورت آن تنها به بهانه يك «عینیت» بوج و تو خالی دوری جست. خلاصه اینکه احاله و اشارات منطقی به طور وسیع در جریان هر موضوع و تعریفی به کار برده شده اند تا خواننده بتواند با آگاهی از مفاهیم و نظریه های اساسی دیدی وسیع تر کسب کند. ما به ندرت به نقل قول هایی متوسل شده ایم که، به دلیل اختصاری که تحمیل آنها در کاری به این شکل ایجاب می کرد، مواجه با خطر مضحکه کردن اندیشه مؤلفان آنها بوده است. از دید ما، افزایش مآخذ کتاب شناسی، به روشی که اجازه رجوع به منابع و بنابراین بهترین امکان تخمین و تقریب را می دهد، مفیدتر و کم خطر تر به نظر رسیده است.

در عوض، برای واژگان و اصطلاحات فنی که مفهومشان هنوز تثبیت نشده و باز موضوع اختلاف و عدم توافق بین متخصصان فرانسوی است، کمتر محتاط بوده ایم. تا سر حد امکان کوشیده ایم که تعریف دقیقی از این واژگان در اختیار بگذاریم و در آرزوی اینکه روش «جراحی» ما حداقل واجد این برتری باشد که تعداد معینی از مسایل پنهان را رانده و به این ترتیب بتواند به حذف آن دسته از تردیدها و اختلالی که مردم شناسان را مجبور به جبهه گیری می کند کمک نماید.

۳- اسامی خاص: درست در این قسمت است که قلمرو یا چپش پذیرفته شده، حذفها و گزینشهای انجام یافته از همه اختیاری تر به نظر خواهند آمد. در حقیقت باید گفت این همان چیزی است که هادی و راهنمای مادر این کار بوده است.

مسئله این نیست که درباره اقوام مختلف جهان که در حال حاضر شمار تقریبی آنها به دهها هزار نفر می رسد، فهرست جامع و کاملی به دست داده شود، بلکه لازم است به گزینشی فوق العاده جدی و خشن مبادرت ورزیم؛ ضابطه ای که برای اداره این عمل

انتخاب شده دقیقاً و بی‌کم و کاست مردم‌شناختی بوده است. يك گروه انسانی، موقعی که وابسته به نام پژوهشهای جدی و اصلی خود است و نقش مهمی در تاریخ نظام علمی یا در کوششهای نظری‌غریبان برای اصلاح موجودیت سایر تمدنها بازی کرده، به‌وسیلهٔ مردم‌شناسان شناخته و ذکر شده است. مسئله‌ذاتاً چنین است که اینگونه ملاک برای گزینش به‌منتهی درجه قابل بحث است، چونکه با پذیرش آن طوری عمل می‌شود که انگار در مورد تخمین جوامع غیر بومی و بحرانیهای مربوط به اندیشهٔ غریبان، مردم‌شناسان قاضیانی بوده‌اند منزله از اشتباه یا نه حتی بینایانی فوق‌العاده روشن‌بین! اگر برای شروع چنین کاری زحمت شناخت و بازشناخت چینی از حقیقت را که نظام علمی (مردم‌شناسی) ما به‌مدت سه‌چهارم قرن آن‌را اجرا می‌کند به‌خود ندهیم، در حقیقت و باوجود این، هیچ انتقادی از مردم‌شناسی، که به منزلهٔ اقدامی عقلانی از آگاهی زیان‌بار اروپایی‌ست و نیز هیچ‌جا گذاری مورد بحثی از نظام ارزشهای ازلامی تا خط‌مشی مردم‌نگاری، قابل درك نخواهد بود. برای امکان چنین انتقادی‌ست که فرهنگ حاضر گزینشی از اقوام را عرضه می‌کند، اقوامی که در پیشان جوامعی به‌چشم می‌خورد که درست شامل چند صدتن از افراد هستند (مانند: قوم «نامبی کوآدا» *Nambikwara*) در صورتی که نام‌ملتهایی که دارای چند میلیون انسان بوده و با اینهمه اهمیت سیاسی و نظامیشان قابل ملاحظه است با رضایت از قلم افتاده‌اند. دلیل این کار این است که در بینش مردم‌شناسان اعدادی که نمایندهٔ جمعیتها هستند نسبت به آن دسته از انحرافات و تغییرات تفصیلی که از جامعه‌ای به جامعهٔ دیگر به‌تحقق رسیده یا از ارزش انحصاری يك ترکیب پیش‌بینی نشده که مربوط به ساختهای اجتماعی‌ست... و یا حتی از تصادفی که باعث اقامت در محل شده است (مانند: اقامت «مالینوسکی» در جزایر «تروبریاند» *Trobriand*)، دارای وزن و اعتبار کمتری‌ست.

اما در مورد انتخابی که راجع به مردم‌شناسان صورت گرفته و مراد از آن ورودی‌ست در این فرهنگ، باز لازم بود تا مسئله به‌نحو دلنشین‌تری آشکار شود. برای احتراز از يك زیاده-

روی اختیاری باید از يك ضابطه «عینی» که این قدر ریشخند آمیز به نظر می‌رسید صرف نظر می‌شد. بنا بر این برای این کار، تاریخ محدود شده‌ای را ثبت کردیم: مثلاً در این کتاب نمی‌توان به مردم‌شناسانی برخورد که بعد از سال ۱۹۲۰ به دنیا آمده باشند. این تحدید حدود انجام شده، مسئله را به تخمین و تقریبی وابسته می‌کرد که به اهمیت نسبی کارهای هر دو دسته برمی‌گشت؛ روش قضاوت ما بی‌هیچ تردید و به‌طور صددرصد مورد پذیرش همه اعضا مربوط به حرفه مردم‌شناسی نبود. در اینجا هر کس به نوبه خود حس خواهد کرد که ذهنیت مسئله غیر قابل اجتناب می‌نمود و آیا شاید حتی ارجح این نبود که اقدام و کوششی در جهت یک سرشماری جامع و غیر شخصی به عمل آید؟ بعلاوه ما خود را مقید می‌دیدیم که به‌عامه مردم فرانسه آن دسته از مبرسان بزرگ و نظریه‌سازان خارجی را بشناسانیم که تخمین مقدار سهمشان در توسعه مردم‌شناسی اغلب با اشکال مواجه می‌شد. به هر حال و در هر مورد يك کتاب شناسی انتخابی به خواننده اجازه می‌دهد که راهش را در میان تألیف مؤلفان مختلف پیدا کند.

در پایان متذکر می‌شویم که قصد و نیت دیگر این کتاب کوچک، نوعی انجام وظیفه در تهیه واژه نامه‌ای از زبان عامیانه مردم شناختی به دوزبان فرانسه - انگلیسی و انگلیسی - فرانسه است تا در خدمت دانشجو و مترجم قرار گیرد.

ما از کمبودهای این تألیف آگاه هستیم، با وجود این اگر به لطف این اثر یا به پاس کمبودها، در خواننده این احساس برانگیخته شود که مورد سؤال قرار گرفته است و در این صورت تصمیم بگیرد که در بحث و گفتگوهای مربوط به مردم‌شناختی، که البته در آینده نزدیک باز خواهد شد، شرکت کند، بنا بر این احساس خواهیم کرد که به هدف خود رسیده‌ایم.

میشل پانوف، میشل پرن

علایم اختصاری

تذکار: علامت (*) در بالای هر واژه، توجه را
به معنای دقیق آن که جداگانه در کتاب تشریح شده است
جلب می کند.

All. :	آلمانی.
Angl. :	انگلیسی.
Ant. :	متضاد.
Ep. :	همسر (زن).
Fe. :	دختر.
Fr. :	برادر.
Fs. :	پسر.
Ho. :	شوهر.
Me. :	مادر.
Pe. :	پدر.
Sr. :	خواهر.
Syn. :	مترادف.
V. :	نگاه کنید به.
(۲)	مترجم

A

aborigène

ساکنان اولیه

این واژه که مترادف آن بوم‌زاد indigène و بومی autochtone است به جای «اهل محل» یا «خالص» به کار می‌رود. با وجود این کاربرد دقیق این واژه در مورد بومیان یک سرزمین و فرزندان آنان است که درست از لحظه کشف آن سرزمین به آنان اطلاق می‌شود. اما در اکثر اوقات – در مواردی که دقت نظر دیگری در کار نیست – این کلمه، منحصرأ به بومیان استرالیا اختصاص داده شده است.

(Angl. :*aborigine*;adj. :*aboriginal*.)

علائم اختصاری واژگان خویشاوندی

abréviations des termes de parenté

V. parenté, abréviations.

acculturation

فرهنگ‌پذیری

این کلمه از اواخر قرن گذشته به وسیله انسان‌شناسان انگلوساکسون، به کار برده شده و مراد از آن تعیین پدیده‌هایی است که از تماس‌های مستقیم و ادامه‌دار بین دو فرهنگ مختلف نتیجه می‌شود و از تبدیل یا تغییر شکل یک یا دو نوع فرهنگ – در حال ارتباط با یکدیگر – مشخص می‌گردد. بنابراین، مراد از فرهنگ‌پذیری، جنبه ویژه‌ای از فرایند انتشار *diffusion** آن است.

امروزه، واژه فرهنگ‌پذیری - گاهی در معنای محدودکننده‌تر - به تماس‌های فرهنگی خاص بین دو جامعه، که از دنیای ناساوی برخوردارند، اطلاق می‌شود. در این صورت جامعه غالب که هماهنگ‌تر و یا از نظر تکنیک مجهزتر است - معمولاً از نوع جوامع صنعتی - به‌طور مستقیم یا غیر مستقیم به فرهنگ حاکم تحمیل می‌گردد.

چنین به‌نظر می‌رسد که داده‌های مختلفی برای تعیین نوع درجه فرهنگ‌پذیری يك جامعه و نیز برای تشخیص دقیق حوزه و اهمیت پدیده فوق‌الذکر به‌کار برده شده‌اند.

V. assimilation, déculturation, enculturation, endoculturation.

V. nativisme, syncrétisme, transculturation.

Balandier (1962), Bastide (1971), Firth (1959), Fortes (1936), Herskovits (1949), Herskovits et Linton (1940), Kardiner (1939), Redfield, Linton et Herskovits (1936), Tax (1952).

(Angl. :acculturation.)

تذکار: گاهی واژه آلمانی *Kultur fall* نیز برای فرهنگ‌پذیری به‌کار برده شده است.

Achanti

آشانتی

V. Ashanti.

adat

آدا

(کلمه مالزیایی).

واژه «آدا» در اندونزی مختص نوعی حقوق عرفی بوم‌زاد است. گاهی نیز به معنای وسیع‌تر برای هر نوع حقوق معمولی - که در عین حال با حقوق رسمی اروپایی در محدوده استعماری، با هم وجود داشته و به‌کار برده

شده‌اند - به کار می‌رود.

(Angl. :adat law.)

adelphique

آدلفیک

در مورد ازدواج‌های چندهمسری، وقتی زن‌های متعددی مرد، خواهران یکدیگرند با چندزنی آدلفیک *Polygynie adelphique، سروکار داریم و نیز به‌طور قرینه باید گفت که، اگر مسئله مربوط به چند شوهری آدلفیک *Polyandrie adelphique باشد، شوهران مختلف یک زن با هم برادر خواهند بود.

(Angl. :adelphic.)

adobe

آدوب

(کلمه‌پیست اسپانیایی که از لغت atob عرب گرفته شده است).

مراد از واژه adobe خاک‌رسی است که بادست یا با کمک قالب‌ها پرداخته شده، ولی پخته نشده باشد. آن را در معرض باد یا در مجاورت خورشید خشک می‌کنند و سپس از آن در تهیه آجر یا مستقیماً در ساختن بناها در کشور مکزیک و در جنوب غربی آمریکا استفاده می‌شود. به‌طور کلی کاربردش بیشتر در مناطق دارای آب و هوای خشک و نیمه خشک و نیز در قسمت‌های کثیری از جهان، مانند آفریقای شمالی، پرو، ... می‌باشد.

آدوب را اغلب با کاه قاطی کرده و برای پوشاندن ترک‌خوردگی‌هایی که معمولاً بعد از خشک شدن بناهای تازه ساخت ایجاد می‌شود بدکار می‌برند. از این رو قابل مقایسه باديوار گلی است.

به آجر یا بنایی که با این روش تهیه شده است نیز آدوب می‌گویند.

(Angl. :adobe.)

adresse, termes d'

واژگان خطاب

واژگانی است که گوینده آنها را برای اشخاصی که نسبت به او جنبه

خویشاوندی دارند به کار می برد، بنابراین، اصطلاح *terme d'adresse* جزء مکمل يك رفتار قانونی تدوین شده است که يك جامعه مورد نظر - بنا بر حقوق حق خود - آن را از يك فرد نسبت به هر يك از اعمال والدینش تقاضا می کند.

Ant. : *Termes de référence.*

(Angl. : *terms of address.*)

طبقه سنی

âge, classe d'

مراد کلیه افرادی است که صرف نظر از جنس، تقریباً همسن هستند و به گونه ای پیوسته، از گروهی تشکیل شده اند که از نظر اجتماعی شناخته شده و از مناسک گذر **rites de passage* مشابه ای پیروی می کنند. به طوری که از پایگاه (statut) واحدی در بطن جامعه برخوردار بوده و نیز دارای فعالیت های اجتماعی مشابه ای هستند. افراد بسیاری از جوامع - که مردم شناسی از آنها نام می برد - در طبقات سنی مختلفی قرار می گیرند. طبقات سنی به این گروه ها، همان قدرت عملکرد مهمی را می دهد که مثلاً گروه های بنا شده بر اساس خطوط خویشاوندی **liens de parenté* از آن برخوردارند. چنین مسئله ای در یونان قدیم نیز دیده شده است. در حقیقت، در بسیاری از موارد، طبقه سنی خود می تواند سرسرای يك جامعه سری یا يك جمعیت تشریفاتی باشد.

(Angl. : *age set*; All. : *Altersklasse.*)

هم صلیها

agnats

هم صلیها یا بهتر بگوییم هم نسلیها، افرادی هستند که از طریق مردان، نژاد از يك جد مشترك دارند. بنا بر این به خویشاوندی نسبی **filiation* که نسبت به این جد مشترك ایجاد می شود، هم صلی *agnatique* یا پدر تباری *patrilineaire* گویند.

۱- واژه *patrilineaire* به معنای پدر صلی هم به کار رفته است. (م).

Ant.: cognats.

(Angl.: agnates.)

agriculture itinérante

کشاورزی متحرك

این نوع کشاورزی بیشتر در مناطق حاره‌ای آسیا، آمریکا و آفریقا مرسوم است. در این نظام (système) گیاهان محلی را با آتش زدن از بین می‌برند (brûlis) و به‌جای آن فوراً در همان محل بذرپاشیده یا گیاهان خوراکی می‌کارند. از آنجا که خاک سریعاً نیرویش را ازدست می‌دهد، لازم است که به‌طور ادواری مزارع را جابه‌جا کرد. به این ترتیب اغلب اوقات این مسئله باعث جابه‌جایی روستاها هم می‌شود.

اغلب اصطلاحات؛ کشاورزی دوی زمین سوخته agriculture sur brûlis، کشاورزی کوچنده agriculture nomade و کشاورزی براساس کندن و سوزاندن علف agriculture par écobuage، به‌جای هم به‌کار برده می‌شوند. Conklin (1957).

(Angl.: shifting cultivation, یا swidden agriculture.)

aigri (eygris)

اگری

این واژه، در اصل برای مروارید یا سنگی به‌کار می‌رود که توسط صنعتگران کشور سلطنتی بنین (Bénin)، در مرجان آبی رنگی به نام akuri تراش خورده است، که اسکلت‌های مرجانی آنها در اعماق مناطقی از دریا، نزدیک جزایر سان تومه (San Tomé) و سواحل کامرون یافت می‌شوند. در واقع جمع‌آوری اگری و ساخت مرواریدها بعد از انحطاط تمدن بنین در قرن هیجدهم متوقف شده است.

امروزه، به تمام مرواریدهای قدیمی از جنس سنگ و شیشه (مخصوصاً آنها که به رنگ آبی هستند)، اگری گفته می‌شود. از این مرواریدها در ساختن گردنبندها، دستبندها و لوازم آرایش بانوان در غرب آفریقا استفاده می‌شود.

می‌توان رواج و اعتبار اگری را به منشاء برتری آن مربوط دانست

که امروزه، این اعتبار به مرور ایده‌های جنس آبی که در اکثر بازارهای این منطقه از آفریقا به فروش می‌رسد، داده شده است.

(Angl. :aggr, accory.)

Aïnou

آبی‌نو

واژه «آبی‌نو Aïnou» به اقلیت قومی ساکن جزایر هوکایدو (Hokkaido)، ساخالین (Sakhalin) و کوریل (Kuriles) - واقع در شمال ژاپن - اطلاق می‌شود، که در حال اضمحلال بوده و یا در حال اختلاط * *miscégénéation* با ژاپنی‌هایی هستند که به تازگی در این سامان استقرار یافته‌اند.

آبی‌نوها از نظر انسان‌شناسی جسمانی مسایل و مشکلات مهمی ایجاد کرده‌اند. سفیدی پوست و موهای بلند و فراوان بدن آنها باعث شده تا به راحتی از همسایگان خود که از نژاد مغولی هستند متمایز شوند. بعضی فکر می‌کنند که آنها از فرزندان يك نژاد قفقازی می‌باشند. نژادی که، در گذشته دور، در تمام آسیای شمالی پراکنده بوده است. در حالی که گروهی دیگر، آنان را به بومیان استرالیا و کینه نو نزدیکتر می‌دانند.

به‌طور سنتی آبی‌نوها در گروه‌های: شکارچیان، ماهیگیران و گرد-آوردندگان خوراک قرار می‌گیرند. امروزه، آبی‌نوها به فعالیتهای باغبانی نیز می‌پردازند و تحت تأثیر و نفوذ روزافزون ژاپن مدرن قرار دارند.

J. Batchelor, *The Ainu of Japan*, 1901. J. B. Cornell, *Ainu Assimilation*, in *Ethnology*, vol. 3, July 1964. G.P. Murdock, *Our Primitive Contemporaries* (p.163-191), 1934. S. Tachura, *Ainu of Modern Japan*, 1960.

(Angl. :Ainu.)

حوزه بینش زمان شناختی (یا حوزه زمانی)

aire chronologique (ou aire temporelle)

مفهومی که به وسیله نظریه اشاعه گرای *dif fusionniste** متداول شده است. بر طبق آن، در یک حوزه فرهنگی *aire culturelle** مورد نظر، بعضی از خطوط *traits** با سرعت ثابتی از یک محل معین، به مثابه کانون فرهنگی (یا مرکز اشاعه و انتشار)، نشر می یابند. بنابراین، خطوطی که در سطح خارجی حوزه قرار دارند، قدیمتر هستند، در صورتی که خطوط مرکزی که برای فرهنگ کنونی گویاترند، آینده طولانیتری را نوید خواهند داد.

V. Guttman, échelles.

(Angl.: age area.)

aire culturelle

حوزه فرهنگی

منطقه‌یی است جغرافیایی، که چندین قوم *ethnie** را در بر می گیرد، که با وجود اختلافات گوناگون، مع هذا، عناصر فرهنگی مشابه یا قابل مقایسه در بین آنها کم نیست.

مردم شناسان، قاره‌ها را به حوزه‌های فرهنگی مختلفی تقسیم کرده‌اند، (به عنوان مثال: آمریکای جنوبی در کتاب *handbook of South American Indians* به چهار حوزه بزرگ تقسیم شده است: حوزه *andine*، حوزه *circum - caraïbe*، حوزه *la forêt tropicale* و حوزه *marginale*) اما نقشه‌های جغرافیایی که در دوره‌های گوناگون به وسیله مؤلفان مختلف ترسیم شده‌اند، اغلب هیچگونه مطابقتی - نه از روی تعداد، نه از روی اندازه و نه از روی حدود و ثغوری که باعث تفکیک آنهاست - با هم ندارند. این مسئله دقیقاً به انتخاب خطوط فرهنگی مربوط می شود که، کاملاً اختیاری بوده و به عنوان مختصاتی برای حوزه مورد بررسی در نظر گرفته شده است.

بر خلاف واژه آلمانی *Kulturkreise** (دایره فرهنگ یا تمدن)، مفهوم «حوزه فرهنگی»، با وجود اینکه از نظریه‌های اشاعه گرای گرفته شده است، مع هذا برای آن دارای ویژگی خاصی نیست. واژه «حوزه فرهنگی» برای نخستین بار توسط انسان شناسان آمریکایی برای سهولت نمایش اشیاء مردم نگاری در موزه‌ها متداول شده است.

کلمه «تمدن» (*civilisation*)، گاهی به معنای «حوزه فرهنگی» به کار

می‌رود، چنانکه امروزه در آفریقا از تمدن کمان، تمدن انبارها، تمدن نیزه، تمدن محله‌ها و شهرک‌ها و... سخن گفته می‌شود.

(Angl. : *culture area*.)

الگونکین

Algonquin یا Algonkin

زندگی قبیلهٔ الگونکین (که وسکارینی (weskarini) نیز نامیده می‌شود)، از آغاز در حوزهٔ دولتهای کنونی «Québec» و «Ontario» سپری شده است. این قبیله نام خود را به خانوادهٔ زبانی *famille linguistique** پراهمیتی داده است، که در آمریکای شمالی ساکن بوده و به گروههای ویژه زیر تقسیم می‌شود: الگونکینها (les Algonkin)، آراپاهوها (les Arapaho)، بلاکفوتها (les Blackfoot)، شین‌ها (les Cheyenne)، شی‌په‌آها (les Chippewa)، کری‌ها (les Cree)، دلاوآرها (les Delaware)، منومینی‌ها (les Menomini)، میکمک‌ها (les Micmac)، اوجیبوآها (les Ojibwa*)، اوتاواها (les Ottawa) و... از طرفی یورک‌ها (les Yurok) و ویوتها (les Wiyot)، یعنی افراد جدامانده از این خانوادهٔ زبانی، در سواحل اقیانوس کبیرسکونت دارند. امروزه، تعداد کثیری از این قبایل از بین رفته‌اند و آنها که زنده‌اند، معمولاً در شرایط سختی روزگار می‌گذرانند. به نظر می‌رسد که امروزه زبان آلگونکین تقریباً به وسیلهٔ صد هزار نفر (در کانادا و آمریکا) تکلم می‌شود. تعداد کثیری از کلمات فرانسه، که به‌طور دائم به کار می‌روند، اصل و ریشه الگونکینی دارند که از آنجمله‌اند:

totem, sachem, tomahawk, opossum, mocassin و...
(خانوادهٔ زبانی *algonquian, algonkian* نام قبیله *Algonkin*: Angl.)

نظریه‌های همبستگی

alliance, théories de l'

بر خلاف آنچه که اکثر مردم‌شناسان آغاز قرن نوزدهم از آن جانبداری

می‌کردند، واژه‌گان همبستگی (*alliance*^۱) و نظریه‌های همبستگی *théories de l'alliance* فقط مشخص‌کننده رابطه خویشاوندی نسبی *filiation** نیستند، بلکه این نظریه‌ها از ازدواج یا آمیزش (وصلت) نیز، که عامل اصلی وقابل‌سنجش برای نظامهای خویشاوندیست پشتیبانی می‌کنند. دیودز (Rivers) را می‌توان طلایه‌دار نظریه‌های همبستگی به حساب آورد. امروزه از لوی-اشترودس (*Lévi-Strauss**) و نیز به اعتباری، بیش از آن از لویی دومون (*Louis Dumont**)، به‌عنوان نمایندگان اصلی این‌گرایش نام برده می‌شود.

(*Angl. :alliance theories.*)

همبسته‌ها، وصلت‌کرده‌ها *alliés*

این کلمه برای افرادی به کار می‌رود که بین خود نوعی رابطه خویشاوندی - که حداقل شامل حلقه‌ای از ازدواج *mariage** است- دارند.
(*Angl. :affines.*)

آلتائیک *Altaïque*

از نظر مردم‌شناسی آلتائیک‌ها یک خانواده زبانی هستند که در آسیا و اروپا پراکنده‌اند و اساساً از سه گروه تشکیل شده‌اند:

۱- ترک-تاتار (*turco-tartare*)، شامل: باش‌قیرها (*les Bachkirs*)، یاقوتها (*les Yakoutes*)، قرقیزها (*les kirghiz*) و تاتارها (*les Tartare*).

۲- منول (*le mongol*)، شامل: بوریاتها (*les Bouriates*)، کالموکها (*les kalmouks*) و منولها (*les mongols*).

۳- مانچو-تونگوز (*le mandchou - toungeuse*)، شامل: مانچوها (*les Mandchou*)، اردکها (*les Oroks*) و تونگوزها (*les Toungeuse*)...

۱- واژه *alliance* گاهی به معنای وصلت آمده است. (م).

اقامتگاه متناوب

alternée résidence

روش خاصی است برای اقامت، که به تناوب در فاصله زمانی مناسب (مثلاً هر سال) صورت می‌گیرد. به‌طوری‌که مثلاً محل سکونت يك زوج و فرزندان‌شان از اقامتگاه فامیل زن *Uxorilocale به اقامتگاه فامیل شوهر *Virilocale متناوباً تغییر می‌کند.

جزیره نشینان ددو *Dobu، در شرق اقیانوس آرام برای چنین نقل-مکانی مشهورند.

(Angl. : *alternating residence*.)

تیره تاج خروسیان

amarantes

به گیاهانی گفته می‌شود که در مراحل مختلف رشد (برگها، گله‌ها، میوه‌ها (پیش از رسیدن)، دانه‌ها و غیره)، به‌مثابه سبزیهای خوراکی به‌وسیله ساکنان قدیمی آمریکای شمالی مصرف می‌شدند. ظهور این گیاهان در حفريات باستان‌شناسی به سه هزار سال پیش از میلاد مسیح می‌رسد.

استفاده و نیز اهلی کردن تاج خروسیان، مختصات نخستین مرحله از تمدنی است که به تمدن «دانه‌کاران» معروف است، این عمل مبتنی بر نوعی کشاورزی خاص در آمریکاست که کاملاً با کشاورزی غلات در اروپا و آسیا-که در آن گیاه پیش از برداشت محصول مسورد استفاده قرار نمی‌گیرد- متفاوت است.

Sauer(1952).

(Angl. : *amaranths*.)

آمبیل-آناک

ambil-anak

(واژه اندونزی).

نوعی قاعده و دستورالعمل ازدواج است که در بسیاری از جوامع اندونزی مورد پذیرش بوده و از قانون کلی و عمومی حاکم بر این جوامع عدول می‌کند؛ وقتی که همه فرزندان يك خانواده فقط دختر باشند، یکی از

این دختران - بدون اینکه شوهرش شیوبها *prix de la fiancée** بپردازد - به شرطی می‌تواند ازدواج کند که اقامتگاه زوجین مادر - مکان *matri-locale**^۱ تعیین شود. در این صورت سایر دختران باید به‌طریق پدر - مکان *patri-locale**^۲ ازدواج کنند.

دو مکان

ambilocale

این واژه مترادف واژه «*bilocale*» است.

(Angl. : *ambilocal*.)

روح

âme

برخلاف تفکرات بیشماری که هنوز در روزگار ما جریان دارد، دانش «روح» در انحصار فلسفه یونان یا تمدن یهودی - مسیحی نیست، بلکه تمام جوامع انسانی در تحت اشکال مختلف از آن بهره برده‌اند. متخصصان تاریخ مذاهب، گاهی از روح شکل خاصی از یک نیروی مافوق طبیعی را تصویر کرده‌اند که با بی تفاوتی (بی حرکتی) در طبیعت، ساکن است. گاهی نیز آن را نمایشی از اساس زندگی موجودات زنده می‌دانند و یا نمونه‌ای از بینش «من» و «شخص» که در جهت معانی اخلاقی و حقوقی آن عرضه می‌شود. در هر حال، طرز تفکر و تلقی اکثر جوامع ابتدایی از روح با آنچه که فلسفه غرب یا مذهب مسیح از این کلمه به دست می‌دهد تفاوت زیادی دارد، تفکری که ما را به آن عادت داده‌اند.

گاهی روح، جوهری (substance) است مادی، چسبنده و باظاهری ملموس که، باطناً از جوهری که جسم انسان و حیوان از آن ساخته شده است متمایز نیست. این بدان معناست که بسیاری از پژوهشگران از کنار این مفهوم، بدون درک دقیق آن، رد شده‌اند و یا موجودیت آن را در نزد اقوام «ابتدایی»

۱ - «مادر - مکان»، قاعده و قانونی است که بر طبق آن باید بعد از ازدواج، زن و شوهر در روی زمین یا روستایی که مادر زن ساکن است اقامت کنند. (م).

۲ - «پدر - مکان»، قاعده و قانونی است که بر طبق آن باید بعد از ازدواج زن و شوهر در زمینهای پدر شوهر یا در روستایی که اوساکن است اقامت کنند. (م).

انکار کرده و به هیچ شمرده‌اند.
تعدادی از جوامع قایل به وجود چندین روح در يك فرد هستند ، که هر يك به تنهایی دارای عملکرد مشخص و مجزایی است.
(Angl. :soul).

amitat

آمیتا

از واژه لاتین *amita, -ae* به معنای عمه آمده است. لوی (*Lowie) و مودداک (*Murdock) آن را از واژه لاتین *avunculat** به معنای عمو گرفته‌اند تا پایگاه (statut) ویژه‌ای را که در بسیاری از جوامع بین يك زن و عمه‌اش وجود دارد، بدخوبی نشان دهند. وقتی بعد از ازدواج، يك زن وشوهر جوان، درهمسایگی یا روی ملك متعلق به عمه زن زندگي كنند، در این صورت به اقامتگاه زن وشوهر، عمه - مكان *amitalocale* گفته می‌شود.
(Angl. :amitate; résidence amitalocale : *amitalocal residence*.)

amok

آمک

(واژه مالزیایی که شاید ریشه هندی داشته باشد).
تظاهرات فرهنگی خاصی است، که در شخص برانگیخته شده و بی اختیار وادارش می‌کند تا تحت تأثیر نیروی محرکه فعالیت‌های روحی، دست به آدم-کشی بزند.
در گذشته، آمک، نوعی حمله بیماری پیش‌بینی نشده بود که ناگهان دیوانگی شدیدی را باعث می‌شد.
امروزه آمک را معادل نوعی خودکشی می‌دانند که اغلب به علت سرخوردگی‌های زندگی زناشویی، تحمل ناکامیها در بین مردم و غیره، حادث می‌شود.
شخص آمک، مدام در حال دویدن است، او اسلحه به دست می‌گیرد و هر که را که رد شود می‌کشد و این عمل را تا زمانی که از حالت آزاررسانی خارج نشده ادامه می‌دهد.

اینگونه رفتار در بسیاری از نقاط دنیا مانند، ملانزی، هند، سیبری و مجمع‌الجزایر تیرادل‌فیوگو^۱ (Tierra Del Fuego) و ... به‌وضوح دیده شده است.

(Angl. : *amok*, یا *amuck*.)

amulette

طلسم، دعا

V. Phylactère

(Angl. : *amulet*.)

تحلیل فرهنگی مقایسه‌ای

analyse culturelle comparative

V. Comparative, analyse culturelle.

Anasazi

آنازازی، آناسازی

V. Basket – makers.

Andaman ou Andamanais آندامان یا آندامانی

این واژه را برای ساکنان جزایر آندامان^۲ (واقع در جنوب شرقی خلیج بنگال، در شمال سوماترا)، یا برای زبانی که در آنجا تکلم می‌شود، به‌کار می‌برند.

آندامانها به‌گروه‌نژادی نگریتو* *Negrito* تعلق دارند و خود به‌چندین

۱ – مجمع‌الجزایر تیرادل‌فیوگو- Tierra Del Fuego به‌مسافت ۷۷۰۰۰ کیلومتر مربع و ۱۰۰۰۰۰ نفر جمعیت، در قسمت جنوبی قاره‌آمریکا قرار دارد و به‌وسیله تنگه‌ی مازلان از آن جدا می‌شود؛ ساکنان عمده آن را فوزینها *Fuegiens* تشکیل می‌دهند. تیرادل‌فیوگو به‌سرزمین آتش *Terre de Feu* نیز معروف است. (م).

۲ – جزایر آندامان *Les îles Andaman* متعلق به هندوستان است. (م).

گروه، دارای زبان و فرهنگ نسبتاً متفاوت تقسیم می‌شوند، اکثر آندامانها، امروزه فرهنگ پذیر شده‌اند. تنها گروه‌های انسانی ساکن جزایر جاراوا (Jarawa) (جزیره آندامان جنوبی South Andaman و جزیره روتلاند Rutland) و اونژ önge (جزیره آندامان - کوچک Little Andaman)، هنوز زندگی سنتی و اولیه خود را حفظ کرده‌اند. در سال ۱۸۶۰ تعداد آنها تقریباً ۵۰۰۰ تن می‌رسید که در سال ۱۹۳۱ به کمتر از ۱۰۰۰ نفر بالغ شده است. آنها گروه شکارچیان و گرد آورندگان خوراک را تشکیل می‌دادند، که از نوعی تکنولوژی ابتدایی برخوردار بوده‌اند. مطالعه دادکلایف - براون (Radcliffe-Brown*) در باره این اقوام، به شناساندن آنها کمک کرده است.

E. H. Man: *on the aboriginal Inhabitants of the Andaman Islands* (1882) A. R. Radcliffe - Brown: *The Andaman Islanders* (1922).

(Angl.: *Andamanese*.)

روح‌گرایی

animatisme

این واژه را مارت (R.R. Marett*)، ضمن انتقاد از نظریه‌های مذهبی تایلر (Tylor*) و فریزر (Frazer*)، برای تشریح گرایش روح و نمایاندن اینکه اشیاء بی‌جان نیز به مثابه موجودات زنده، از احساسات و اراده خاصی برخوردارند، به کار برده است. هدف مارت این بود که این کشش موهوم و گرایش مذهبی وحشیان را به استقرار ارواح درهمه‌جا، که نظریه‌سازان اولیه به آن جان‌گرایی *animisme* نام داده‌اند، مشخص کند. مارت تأکید می‌کرد که وقتی وحشیان تجسمی از پدیده‌های طبیعی داشتند، به ناچار، مرادده‌ای با ارواح برقرار نمی‌کردند.

(Angl.: *animatism*; All.: *Animatismus*.)

جان‌گرایی، همزادگرایی

animisme

این واژه که به عنوان یک نظریه، توسط تایلر (Tylor*) به‌اشتهار

رسیده گویای آن است که نخستین مرحله از تحول مذهبی بشریت، مبتنی بر این باور بوده که، همه چیز در طبیعت دارای روح *âme** است. این نظریه به وسیله نظریه سازان بعدی، به ویژه توسط فریژد (*Frazer**) و هس (*Mauss**) مورد انتقاد قرار گرفت. آنها کوشیدند، تا به درستی نشان دهند که مذهب از پرستش ارواح جد است و از نظر تاریخی نمی تواند از آن مشتق شده باشد. در واقع، این نوع مشکلات و تفاسیر مربوط به آن، از تاریخ وروایتی احتمالی برمی خیزد و بر اساس داده هایی است که از اصل دارای هویت و بررسیهای غلطی بوده و از مردم شناسی پایان قرن نوزدهم و آغاز قرن بیستم منشعب شده است.

امروزه، واژه و اندیشه جان گرایی *animisme* از فرهنگ انسان-شناختی رخت بر بسته است.

V. naturisme

Durkheim (1912), Frazer (1890), Lowie (1924),
Mauss (1950), Tylor (1871).
(Angl. :animism.)

بی‌هنجاری، نابسامانی *anomie*

این واژه که در فاصله سالهای ۱۸۹۳، ۱۸۹۷ توسط دورکیم (*Durkheim**) در جامعه شناسی داخل شده، برای تعیین حالتی از آسیب-شناسی اجتماعی^۱ (*pathologie sociale*) در يك جامعه سنتی به کار می رود که منشعب از گسستگی^۲ (*désintégration*) یا تخریب (*destruction*) و یا بحران اجتماعی (*crise sociale*) گذرا در آن است.

واژه *anomie* نوعی جدایی در همبستگی افراد را نشان می-دهد که بدعت فقدان رشته های قابل انسجام در بین آنها ایجاد می شود. از

۱- برخی از مؤلفان و مترجمان برای *Pathologie sociale* معادل فارسی «دردها و بیماریهای اجتماعی» را به کار برده اند. (م).
۲- برای واژه *désintégration* گاهی معادلهای «نایگانگی و پریشانی» و «از هم گسستگی» نیز به کار برده شده است. (م).

این‌رو، بعضی از مؤلفان آن را در مقابل «خودبینی» و «نوع‌دوستی»^۱ قرار داده‌اند. در این مورد است که رادکلیف - براون* (Radcliffe-Brown) انسان‌شناس انگلیسی، واژه *dysnomie* را که، با اینهمه، کمتر مورد استفاده قرار گرفته، بر آن ترجیح داده است.

(*anomie* یا *anomy*: Angl.)

زایش انسان، نسل انسان **anthropogonie**

از واژه‌های یونانی *anthropos* (انسان) و *gēnia* (زایش، نسل) گرفته شده است. نظریه‌ست (علمی یا اسطوره‌ای) که به شرح ظهور انسان روی زمین می‌پردازد.

Syn.: *anthropogenèse*

(*anthropogenesis* یا *anthropogeny*: Angl.)

انسان‌شناسی **anthropologie**

از واژه‌های یونانی *anthropos* (انسان) و *logos* (گفتار، شناخت) گرفته شده و نخستین بار در سال ۱۷۹۵ به مفهوم تاریخ طبیعی انسان به کار برده شده است.

این واژه از آغاز این قرن نمایانگر علمی بوده است که اکنون به نام انسان‌شناسی جسمانی *Anthropologie physique** نامیده می‌شود. امروزه انسان‌شناسی گرایش به مفهوم گسترده‌ای نظیر گرایشی که مدت‌هاست واژه انگلیسی *anthropology* در کشورهای انگلو - ساکسون از آن برخوردار است از شناخت مالکیت‌های عمومی زندگی اجتماعی و جوامع گوناگون انسانی دارد. بنابراین شمار بزرگی از علوم را که به مطالعه انسان

۱- در فرهنگ لغات «خودبینی *égoïsme*» و «نوع‌دوستی *altruisme*» به عنوان واژه‌های متضاد یکدیگر استعمال می‌شود. (م).

می بردازند، در برمی گیرد، که عبارتند از: انسان شناسی جسمانی، انسان شناسی فرهنگی * *Anthropologie Culturelle*، «مردم نگاری» * *Ethnographie*، «انسان شناسی اجتماعی» * *Anthropologie Sociale*، «مردم شناسی» * *Ethnologie*، جنبه هایی از زبان شناسی (Linguistique)، تکنولوژی مقایسه ای، باستان شناسی پیش از تاریخ، روانشناسی اجتماعی و غیره. مطالعه جوامع اولیه (V.Ethnologie)، یکی از جنبه های انسان شناسی ست که به شناخت کامل انسان منجر می شود.

(Angl. :anthropology)

انسان شناسی کاربردی anthropologie appliquée

هدف انسان شناسی کاربردی، استفاده عملی از نظریه های انسان شناسی و نتایج بررسی های مردم نگاری برای دستکاری جوامع مورد مطالعه است. این دستکاری خواه برای اداره این جوامع (از طریق سیاست استعماری و فرهنگ پذیری «اجباری») به عمل می آید و یا به منظور کمک به آنها (از طریق یگانگی سیاسی و فرهنگ پذیری «برنامه ریزی شده») و به قصد سازگاری با اجتماع ما صورت می گیرد و یا اینکه مراد از آن (با «بررسی یکی از نتایج فرایند فرهنگ پذیری» * *sycrétisme*) توسعه جزئی این جوامع، باحفظ برخی از اصلیت های فرهنگیشان است.

در هر موردی انسان شناسی کاربردی با مشکل فراوانی هدفها و ارزشها، در فرهنگهای مختلف برخورد داشته و سرانجام بایک انتخاب (Option) سیاسی که آغشته به «قوم مداری»^۱ * *ethnocentrisme* است، مطابقت خواهد داشت. به این دلیل بعضی از انسان شناسان در برابر این نظام غیر «علمی» بسیار با احتیاط عمل کرده و بیشتر اوقات، برای جوامعی که مطالعه می کنند، فقط مبنا و اساس یک کمک پزشکی را جایز می شمارند.

V. Acculturation, ethnocide

۱- واژه «ethnocentrisme» یا «قوم مداری»، گاهی به معانی «قوم مرکز» و «اعتقاد به برتری قوم» نیز آمده است. (م).

Arensberg et Niehoff (1964), Balandier (1955), (1956), (1962), Bastide (1971), Evans - Pritchard (1946), Forde (1956), Gluckman (1964), Jaulin (1970), Krøber (1953), Linton (1947), Métraux (1960), Nadel (1953), Panoff et Panoff (1968), Parsons (1949), Redfield (1953), Tax (1954), Wilson et Wilson (1954), *Applied anthropology* (مجله آمریکایی *action anthropology* یا *applied anthropology*: Angl.) (All.: *Angewandte Ethnologie*).

انسان شناسی فرهنگی *anthropologie culturelle*

اساساً «انسان شناسی فرهنگی» در حوزه «انسان شناسی» قرار دارد و به ویژه با آن، بیشتر از طریق مسایل نسبی گرایی فرهنگی (پژوهش در اصل یک فرهنگ)، مطالعه در روابط بین «سطوح» (مراتب) *niveaux** مختلف یک جامعه مفروض، پدیده انتقال فرهنگ و غیره - که در نزد انسان شناسان آمریکایی بسیار رواج دارد - ارتباط برقرار می کند.

واژه «انسان شناسی فرهنگی» به تازگی در فرانسه عمومیت یافته و ضمناً مانند «انسان شناسی اجتماعی» *Anthropologie Sociale** در دل «مردم-شناسی» گنجانده شده است. حد بین انسان شناسی فرهنگی و انسان شناسی اجتماعی به قدر کافی نامشخص است، زیرا بین این دو رشته علمی، اختلاف بیشتر در نظم و ترتیبی هست که در تجزیه و تحلیل مسایل وجود دارد تا در موضوع مورد بررسی (برای حل این مشکل، بعضی به جای این دو واژه، واژه «انسان شناسی اجتماعی و فرهنگی *anthropologie sociale et culturelle* را به کار می برند).

برخی از انسان شناسان (به ویژه در انگلستان)، انسان شناسی فرهنگی را به این خاطر که از جوامع مورد مطالعه خود، دارای بینشی ایستا (statique) است مورد انتقاد قرار می دهند. زیرا، انسان شناسی فرهنگی، «الگوها» (modèles) و «آثار» (œuvres) جامعه را از هم متمایز کرده و از هر چه که عاری از

قاعده و قانون است صرف نظر می‌کند. در صورتی که انسان‌شناسی اجتماعی، پویا و متحرك است و به زندگی واقعی نزدیکتر. بنابراین جامعه را نه در «افعال» (actes) و «عملکرد» (fonctionnement) آن، بلکه در «آثار»ش تشخیص می‌دهد.

V. culturalisme, Culture et Personnalité.
(Angl. : *cultural anthropology*.)

انسان‌شناسی اقتصادی anthropologie économique

«انسان‌شناسی اقتصادی» نظامی است که به پدیده‌هایی که خاصه در جامعه ما پدیده‌های «اقتصادی» نامیده شده‌اند می‌پردازد. این شاخه از مردم‌شناسی که در راه تحصیل پایگاه نسبتاً مستقل و آزادی است از انسان‌شناسی عمومی به وسیله اندیشه‌های نظری-که باعث می‌شوند تا ما فهم اقتصاد سیاسی در آن واحد مورد انتقاد و استفاده قرار گیرند- متمایز شده است و بایک جهت‌یابی تجربی به برتری اعمالی می‌پردازد که مردم‌نگاری سنتی آنها را در درجه دوم اهمیت قرار می‌دهد. این دوگانگی در اصلیت. که تمایل به اشغال مکان مقدسی در بین نظام‌های دانشگاهی دارد، سبب شده تا انسان‌شناسی اقتصادی گاهی مورد اتهام و انتقاد قرار گیرد. زیرا آن الزامی را که در «کل» امور وجود دارد (V. *Fait social total*) و از زمان «مس» (Mauss) به عنوان اصل پرارزشی برای تعداد بیشماری از مردم‌شناسان باقی مانده، رد می‌کند. برعکس، در آنجا که انسان‌شناسی اقتصادی از حدود جوامع «ابتدایی» تجاوز کرده و به رویدادها و نظریه‌های اقتصادی تمدن خاص غربی حمله می‌کند، بیش از خود «مس» پیرو «مکتب مس» است. این حمله و انتقاد، نه تنها از بخش‌های عقب مانده نظام سرمایه‌داری، بل از «پیشرفته»ترین و «تخصصی»ترین حوزه‌ها نیز به عمل می‌آید.

Dalton (1961), Firth (1939, 1967), Herskovits (1952), Malinowski (1922), Meillassoux (1964), Polanyi (1968), Sahlin (1965), Thurnwald (1932), Vayda (1967).

(Angl. : *economic anthropology*.)

انسان‌شناسی جسمانی *anthropologie physique*

«انسان‌شناسی جسمانی» علمی است که موضوعش مطالعهٔ بعضی از خصیصه‌های زیستی انسان است. این خصیصه‌ها عبارتند از: بینش مربوط به نژاد، توارث، تغذیه، اختلاف موجود در زن و مرد و غیره. در بین سایر علوم، شاخه‌های زیر در قلمرو انسان‌شناسی جسمانی قرار می‌گیرند: تشریح مقایسه‌ای (یا تشریح نژادها که شامل: استخوان‌شناسی، استخوان سنجی، جمجمه‌شناسی، بدن‌شناسی و غیره است). فیزیولوژی مقایسه‌ای (شناخت غدد مترشحهٔ داخلی و بیماری‌های آن، مسایل و مشکلات متابولیسم، گروه‌های خونی، نسبت عددی بین مذکرها و مؤنث‌ها یا «نسبت جنسی *sex-ratio» و غیره). آمیب‌شناسی مقایسه‌ای (مصرف نژادی، تأثیر پذیری نژادی و غیره)، مطالعهٔ پزشکی «قطع اعضاء *mutilations»، نظریهٔ تطور و تکامل زیستی و غیره.

تذکار: در قرن نوزدهم و در اوایل قرن بیستم، واژه «انسان‌شناسی» به معنای «انسان‌شناسی جسمانی» به‌کار برده شده است.

Comas (1957), Deniker (1929), Hartweg (1959), Martin et Saller (1959), Montandon (1933), Olivier (1960), Valois (1944).

(Angl. : *Physical anthropology*, یا *somatic anthropology*.)

انسان‌شناسی سیاسی *anthropologie politique*

«انسان‌شناسی سیاسی» برای سرشماری و مطالعهٔ نظری نظام‌های سیاسی جوامعی که به جوامع «ابتدایی» معروفند به‌کار می‌رود (با توجه به: تعریف و طبقه‌بندی نظام‌های مختلف، پژوهش در روابط بین تشکیلات سیاسی یک جامعه و «سطوح» (مراتب) *niveaux دیگر آن و غیره). از طرفی، انسان‌شناسی سیاسی از مسایل مربوط به «قدرت» (pouvoir)، «اقتدار و نفوذ» (autorité)، «حاکم‌نشینی» (chefferie)، «حکومت» (gouvernement) و غیره بحث می‌کند. یعنی، به موضوعاتی می‌پردازد که جا برای

بررسیهای بیشمار فلسفی (در باره منشأ و طبیعت «دولت» (État)، زایش «حقوق» (Droit) و غیره) و تفسیرهای گوناگون از گرایشهای مختلف مردم‌شناسی (به ویژه گرایشهای مربوط به «تطوّرگرایان» **évolutionnistes*)، «کاردگراییان» **fonctionnalistes* و «ساخت‌گرایان» **structuralistes* باز کرده است. به ویژه در این زمینه تا به امروز، بزرگترین سهم از آن انسان‌شناسان انگلیسی‌ست. در حال حاضر، بعضی از مؤلفان نیز که تحت تأثیر مکتب «کاردگرایی» قرار گرفته‌اند، به جنبه «نمادی» (symbolique) پدیده سیاسی توجه نشان می‌دهند.

Balandier (1968), Douglas (1966), de Josselin de Jong (1951), Fortes et Evans - Pritchard (1940), Gluckman (1965), de Heusch (1962), Hocart (1927), (1932), Leach (1954), Mair (1962), Needham (1962), Schapera (1956).

(Angl. : *political anthropology*.)

انسان‌شناسی روان تحلیلی

anthropologie psychanalytique

مراد از «انسان‌شناسی روان تحلیلی» پژوهش و استفاده از مفروضات مردم‌نگاری در یک چشم‌انداز روانکاوی تحلیلی‌ست. مثلاً برای بعضی از مؤلفان که گرایش به این علم دارند، طرز تلقی ما در برابر عقده «ادیپ» (Œdipe) به مثابه عامل اصلی تبیین مبادی و جنبه‌های کنونی بسیاری از نهادهای فرهنگی، اجتماعی و مذهبی شناخته شده است. هر چند که بعضی آن‌را به دلیل فقدان دقت و به ویژه برای دخالت آشکارش در انتخاب «اصول موضوعه» - که نسبت به هم دارای تناقض بوده یا زاید به نظر می‌رسند - شدیداً مورد انتقاد و سرزنش قرار می‌دهند، اما، از آنجا که این شاخه از انسان‌شناسی، اساساً بر مطالعه خوابها، اسطوره‌ها، داستانها، تجزیه و تحلیل بازیها، مراسم و تشریفات، اعمال جادویی، بعضی از جنبه‌های زندگی روزمره، فنون تعلیم و تربیت و غیره بنا شده است، بنابراین تحلیل‌های تازه و جالبی از فرهنگها را فراهم آورده است. از طرفی، نظریه‌های مشهوری چون «رشد انسان در رابطه

با فرهنگ (ontogénétique de la culture) - که بر طبق آنها تطور جوامع تطور انسان را باعث می‌شود - مدیون این شاخه از انسان‌شناسی است. اما، تعادلی که «فروید» (Freud)، بین انسان ابتدایی (primitif) و کودک یا بیمار عصبی (névrosé) برقرار کرده است، امروزه دیگر قابل قبول نیست.

Bastide (1950), Bettelheim (1954), Bonaparte (1952), Devereux (1970), Freud (1913), Kardiner (1939), Malinowski (1927), Reik (1931) (1940), Roheim (1950).

V. ethnopsychiatrie.

(Angl. : *psychoanalytical anthropology*.)

انسان‌شناسی اجتماعی anthropologie sociale

شاخه‌یی از «انسان‌شناسی» است که بعد از مفروضات «مردم‌نگاری» *ethnographie به انجام مطالعه مقایسه‌ای، در سطوح مفروض زندگی اجتماعی (سیاست، اقتصاد، خویشاوندی...) که در جوامع مختلف بررسی شده است، کشیده می‌شود. هدف انسان‌شناسی اجتماعی، تدوین آن دسته از قوانین عمومی در جامعه است که همچنانکه در جوامع ابتدایی قابل قبول است در جامعه ما نیز مورد پذیرش قرار می‌گیرد. از آنجا که انسان‌شناسی اجتماعی کمتر از «انسان‌شناسی فرهنگی» *anthropologie culturelle در قید بعد زمان است، بنابراین، کوشش آن بیشتر در جهت تشخیص «افعال» و «عملکرد» جامعه صورت می‌گیرد.

V. anthropologie culturelle.

(Angl. : *social anthropology*.)

انسان‌خواری (آدم‌خواری) anthropophagie

V. cannibalisme.

(Angl. : *anthropophagy*.)

آپولونی (یا آپولی نی) (apollonien (ou apollinien)

درسرخ‌شناسی (typologie) مربوط به «آ-بندیکت **R. Benedict*»
مردم‌شناس آمریکای شمالی، این واژه به توصیف آن دسته از جوامع انسانی
از نوع «هماهنگ، متعادل، منظم» می‌پردازد که بنا به گفته این مؤلف تمایل
طبیعی به هنر، به سازگاری و غیره دارند. مثال بارز آن مربوط به جوامع
سرخ‌پوستان «پوئبلو **pueblo*» است.

Benedict (1934).

Ant. : *dionysien*.

V. culturalisme.

(Angl. : *apollonian*.)

آراندا

Aranda

V. Arunta.

آراپش

Aarapesh

«آراپش»ها قبایلی هستند که در شمال شرقی «گینه نو» (Nouvelle-Guinée) و در منطقه‌ای بین ساحل «گینه» و قسمتی از بندرگاه رودخانه «سپیک» (*sepik*) سکونت دارند. آراپش‌ها با مطالعه‌ی که «مید **M. Mead*»
مردم‌شناس آمریکای شمالی درباره‌ی آنها انجام داده است، مشهور شده‌اند. «مید» در مطالعات خود، ساختمان جسمانی زنان و مردان این
گروه انسانی را با همسایگان‌شان یعنی «موند وگومود **Mundugumor*»ها و
«چامبولی **Tchambuli*»ها مورد مقایسه قرار داده است.

Fortune R. «Arapesh warfare», in *American Anthropologist*, vol. 41, 1939; Mead (1935): The «Mountain Arapesh», in *Anthropological Papers of the American Museum of Natural History*, vol. 36, 37 et 40, 1940-1947.

آروکان

Araucan یا Araukan

به مجموع جمعیت‌های سرخ پوست «شیلی» (Chili)، «آدوکان» گفته می‌شود، که امروزه شامل «ماپوش» (Mapuche) ها یا «اهل زمین» (gens de la terre)، ساکن «شیلی» مرکزی و «هوئیلیش» (Huillliche) ها (یا «اهل جنوب» (gens du Sud) هستند. تعداد آنها را به بیش از ۲۰۰۰۰۰ تن تخمین می‌زنند که در منطقه‌ای بین رودخانه «بیو - بیو» (Bio - Bio) و ترعه «چاکائو» (Chacao) ساکن شده‌اند. اکثر آنان در ایالات «کوتین» (Cautin) و «مالکو» (Malleco) و نیز در زمینهای اختصاصی که سرانجام در پایان قرن گذشته برای سکونت پذیرفته‌اند، روزگار می‌گذرانند. گروه کوچکی از «آروکان» ها در جنوب «ماندوزا» (Mendoza)، در «آرژانتین» زندگی می‌کنند.

«آدوکان» ها کشاورزند و پرورش دهنده «لاما» (Lama) و از اسب زیاد استفاده می‌کنند. تماسهای متعددشان با جامعه ملی «شیلی»، به ویژه، شیوه زندگی سنتی آنان را تغییر داده است.

J. M. Cooper: «The Araucanians», in *Handbook of South American indians*, 1946. L. C. Faron: *Mapuche Social Structure*, 1961. *Hawks of teh Sun: Mapuche Morality and its Ritual Attributes*, pittsburg, 1964. A. Métraux (1967).

(Angl. :Araucanian.)

آراواک

Arawak

گاهی «Aruak» نوشته می‌شود).

این واژه به یکی از مهمترین خانواده‌های زبانی آمریکای جنوبی و نیز به قبیله‌ای که ساکن فعلی «گویان انگلیس» (Guyane Anglaise) بوده و نام خود را از آن گرفته، اختصاص داده شده است.

امروزه می‌توان قبایل مربوط به خانواده «آراواک» ها را از شمال شرقی کلمبیا (همراه با سرخ‌پوستان گواجیرو Goajiro)، تا جنوب ماتو -

گروسو Mato-Grosso در برزیل (همراه با گوانا Guana) هاو نیز از ساحل اتلانتیک تا شمال کوزکو Cuzco در پرو (همراه با کامپاس Campas) ها پیدا کرد.

به نظر می‌رسد که این خانواده زبانی، تا پیش از پایان قرن پانزدهم - یعنی عصری که در آن گروه‌های مختلف «آراواک» توسط اشغالگران «کدائیب» *Caraiibes از مجمع‌الجزایر آنتی (Antilles) و کلمبیا رانده شدند - هنوز از نظر جغرافیایی دارای وسعت و گسترش پراهمیتی بوده است.

Farabee, W. C.: «The Central Arawak», in *Anthropological publications of the university Museum*, 9, Philadelphia, 1918. *Handbook of South American Indians*, vol. 5 et 6 (1946 - 1959).

(Angl. : Arawakan ، نام قبیله Arawak : Angl.)

درخت نان

arbre à pain^۱

«آرتوکا دپوس انسیسوس» *Artocarpus incisus* یا درخت نان درختی است که همه بوم زادان سواحل اقیانوس آرام از میوه آن استفاده می‌کنند. این درخت در نزد پولینزی‌ها (les polynésiens)، در درجه نخست اهمیت قرار دارد، در صورتی که در نزد ملانزی‌ها (les Mélanésiens)، تنها دارای نقش درجه دوم است. عموماً از گوشت میوه آن بعد از پخته شدن مصرف می‌کنند. اما، بعضی از گروه‌های «ملانزی» دانه‌های آن را برای تغذیه ترجیح می‌دهند. (Angl. : bread fruit tree.)

کمان گلوله انداز

arc a balles

کمان مخصوصی است که می‌تواند سنگ‌ها یا گلوله‌های رسی سبک را

۱ - «درخت نان» (arbre à pain)، درختی است که از میوه آن یکی از غذاهای بومیان تأمین می‌شود. (م.)

پرتاب کند.

(Angl. : *pellet bow*.)

arc à carder

کمان کتانی واخیده

نوعی کمان است که طنابش را در توده‌ای از نخهای از هم جدا شده - از کتان یا شاهدانه - تاب می‌دهند تا الیافش ردیف شوند. این کمان در آفریقا، در هند و در آمریکای جنوبی به کار برده شده است.

(Angl. : *cotton - cleaning bow*.)

arc composite

کمان مرکب

این کمان از چندین ورقه کدوچک چوبی (مثل کمانهای نیمه انعکاسی خیزران در ژاپن «V. arc réflexe»)، یا از مصالحی مثل چوب، شاخ و غیره (نظیر کمانهای انعکاسی مغولی و ایرانی) ساخته شده است.

(Angl. : *composite bow*, یا *compound bow*.)

arc musical

کمان موسیقی

نوعی آلت موسیقی ابتدایی است که از یک کمان که به وسیله یک یا چند زه (بامشاء گیاهی، حیوانی و یا فلزی) کشیده می‌شود، تشکیل شده است. یکی از دوانتهای این کمان، یا در دهان ساز زن - که در حکم حفره انعکاس صوت است - قرار می‌گیرد و یا به دستگاه تولید صدا مجهز بوده و اغلب پوششی از یک میوه خشک شده (مثل: کدوقلیانی و غیره) به وجود می‌آورد. اگر کدوقلیانی، شکاف یا خراش نداشته باشد، باید ترکیبی از زه می‌زنند، زه به نوسان درآمده و به وسیله دستگاه تولید صوت، آهنگ کشداری تولید می‌کند. گاهی باید چوب، خوک متحرک طول زه را تغییر می‌دهند. استفاده از کمان موسیقی در آفریقا بسیار معمول است.

(Angl. : *musical bow*.)

کمان انعکاسی

arc réflexe یا rétroflexe

خمیدگی این کمان، در موقعی که آزاد و شل است، برعکس حالتی است که کشیده شده باشد. اگر فقط قسمتی از این انحنا برگردد، در این صورت، کمان را نیمه انعکاسی (*semi - réflexe*) می‌گویند.
(Angl. : *reversed bow*.)

آرك

arec

«آرك» که میوه نوعی درخت خرما به نام «نخل آسیایی» (*areca-catechu*) و عنصر اصلی نوعی توتون جویدنی، معروف به «فلفل خزنده هندی» **bétel* است توسط تعداد کثیری از مردم آسیای جنوب شرقی، «اندونزی» و «مالانزی» جویده می‌شود. یعنی تکه‌هایی از میوه نخل را که پوششی از برگ فلفل هندی دارد با کمی آهک زنده می‌جویند. به این ترتیب، وجود آهک - باعکس العمل شیمیایی خود - باعث تحریک جوهر اصلی و فعالی می‌شود که در عناصر گیاهی (مثلاً در «میوه نخل» و «فلفل هندی») موجود است. توتونی که از فلفل هندی ساخته می‌شود، با اینکه کمی محرک است، مع هذا دارای عمل ثانویه سودمندی روی دستگاه هاضمه بوده و به بهداشت دهان کمک می‌کند. استفاده از فلفل هندی و میوه نخل دارای بالاترین نقش اجتماعی نظیر نقش شراب در کشورهای مدیترانه است. این نوع توتون، روابط دوستانه‌ای را برقرار می‌کند و به لطف مبادلات مستمری که در بین علاقه‌مندان آن وجود دارد، این روابط دایمی است. از طرفی باعث ایجاد ارتباط با غریبه‌ها شده و ورودشان به جمع تهنیت گفته می‌شود. غالباً این توتون، در «مالانزی» حامل و ناقل «جادوی عشق» و «جادوی تجارت» است.

(Angl. : *areca*.)

آرواك

Aruak

V. Arawak.

آرونتا

Arunta

(گاهی *Arunda* یا *Aranda* نوشته می‌شود).

«آرونتا» قبیله‌ای در «استرالیا یی مرکزی» است که در دره‌ی علیای رودخانه «فینکه» (Finke)، به‌سرمی‌برند. شرح و توصیف این قبیله به‌وسیله «اسپنسر» (Spencer) و «گیلن» (Gillen) در سال ۱۸۹۹ - به‌ویژه با طرح مجدد مسئله «توتیمیسم» (**totémisme*) - انعکاس بزرگی در «انسان‌شناسی اجتماعی» و در «مذهب مقایسه‌ای» (*Religion comparée*) داشته است. آرونتاها که به‌ پنج گروه (یا قبیله فرعی *sous-tribu*) تقسیم می‌شوند، در گویش و در سازمان اجتماعی از هم متفاوتند. پس از آنکه شمار زیادی از آنان، در نخستین دوره برخوردشان با غریبه‌ها، کشته شدند، به‌نظر می‌رسد که از سال ۱۹۶۰، به‌لطف کمک‌های پزشکی و شرایط مساعد زندگی، تعدادشان رو به افزایش می‌رود.

همچنین، آنداند *Aranda* یا آرونتا *Arunta*، نام یک نظام زناشویی است که با هشت بخش فرعی (*sous - section*) مختص «آرونتاها» بوده و در سایر جوامع نیز پذیرفته شده است.

B. Spencer et F. J. Gillen : *The native tribes of Central Australia*, 1899. - *The Arunta*, 1927 (2 vols). Durkheim (1912).

(Angl. : *Arunta* یا *Aranda*.)

آشانتی

Ashanti یا Achanti

جامعه‌یی است با ساختار سلطنتی، که در جنوب «غنا» (ساحل طلا سابق: Gold Coast) برقرار مانده است. کشور پادشاهی «آشانتی» در سال ۱۹۰۲ ضمیمه «بریتانیای کبیر» شد.

آشانتی‌ها، اساساً کشاورز (سیب‌زمینی هندی...) هستند و به‌خانواده زبانی آکان Akan تعلق دارند. مقارن سال ۱۹۵۰، تعداد آنان را تقریباً تا یک میلیون تن (یا ۶۰۰ هزار بر طبق منابع موجود) تخمین زده‌اند.

M. Fortes: «Kinship and marriage among the

Ashanti», in *African Systems of Kinship and marriage*, 1950. R. S. Rattray: *Ashanti*, 1923.- *Religion and Art in Ashanti*, 1927.- *Ashanti Law and Constitution*, 1929 (Angl.: *Ashanti*.)

assimilation^۱

همسانی، مانند‌گردی

نوعی پذیرش و اختلاط در یک مجموعه فرهنگی بهم پیوسته است که در آن، مختصات اساسی فرهنگ سنتی و نیز عناصر اخذ شده از فرهنگ دیگر حفظ شود. چنین ثباتی واژه «همسانی» را از واژه «بی‌هنجاری» *anomie* و نیز از واژه «همتایی» (تلفیق) فرهنگی *syncretisme culturel** - که مع ذلك گاهی با آن اشتباه می‌شود - متمایز می‌کند.

از آنجا که «همسانی» بویشتی «یک‌جانبه» (*unilatéral*) است، بنابراین می‌تواند در معنای وسیع خود، به مثابه یکی از دیدگاه‌ها، یا نتیجه فرایند «فرهنگ‌پذیری» *acculturation** به شمار آید.

Herskovits (1948), Redfield, Linton. Kerskovits (1936).

(Angl.: *assimilation*.)

واژگان همسانی از طریق انشعاب

assimilation par bifurcation , terminologie à

مجموع اصطلاحات فوق برای تعیین معیار «انشعاب» *Bifurcation** - در نظام‌های خویشاوندی - به کار می‌رود. اما، این واژگان برای مشخص کردن خویشاوندان جانبی (خونی) معیاری نمی‌شناسد، به شکلی که هر واژه مانند: «پدر» (*pe*)، «دختر پدر» (*FePe*)، «مادر» (*Me*) و «خواهر مادر» (*Sr Me*)، دلالت بر طبقه‌بندی منفردی می‌کند (*classificatoire**).

۱- واژه «assimilation» گاهی به معنای «همانندسازی» نیز به کار رفته است. (م.)

صورتی که برای «برادر مادر» (FrMe) و «برادر پدر» (FrPe) واژه‌های مشخصی تعیین شده‌اند (مانند واژه «Oncle» که برای «عمو» و «دایی» به کار می‌رود.^۱)

Athapaskan یا Athabaskan

آتاپاسکان

آتاپاسکان یا آتاپاسکان، نام يك خانواده زبانی از سرخ‌پوستان آمریکا است که دو منطقه جدا از هم، در غرب آمریکای شمالی را می‌پوشاند: یکی، در شمال غربی کانادا (خلیج هودسن تا اقیانوس آرام-به‌استثناء منطقه ساحلی که در آنجا به زبان «تلیتیت» *Tlingit* صحبت می‌شود -) که به ویژه، قبایل شی‌پویان Chippewyan را در شرق و تانایی‌نا Tanaina و اینگالیک Ingalik را در غرب در بر می‌گیرد. دیگری، در جنوب غربی آمریکا (کالیفرنیا، نیومکزیکو، آریزونا)، که زبانهای «کرزان» *Keresan*، «تانوآن» *Tanoan*، «زونی» *Zuni* و غیره را در خود جاداده است.

V. Navaho, Pueblo.

(Angl. :athapaskan, یا athabaskan.)

atome de parenté^۲

اجزاء خویشاوندی

این عبارت در سال ۱۹۵۸ توسط «لوی - اشتروس» *Lévi-Strauss* برای تعیین ساختار خویشاوندی (Structure de Parenté) - که می‌توان موجودیت آن را در ساده‌ترین شکلی احساس کرد - معمول شده است.

- ۱- برای آگاهی بیشتر، به واژه‌های زیر معانی آنها توجه شود:
«خواهر پدر» (SrPe) و «خواهر مادر» (SrMe) = Tante = عمه یا خاله.
«برادر پدر» (FrPe) و «برادر مادر» (FrMe) = Oncle = عمو یا دایی. (م).
- ۲- در کتاب «جامعه‌شناسی خانواده و ازدواج» اثر: آندرمیشل و ترجمه: فرنکیس اردلان، برای عبارت «atome de parenté»، معادل فارسی «عناصر تشکیل‌دهنده خویشاوندی» انتخاب شده است. (م).

از نظر «لوی - اشتروس»، ساختار خویشاوندی مبتنی بر چهارعنصر: برادر، خواهر، پدر و پسر است که بین آنها به وسیله دو «جفت همبستگی متفاوت» پیوند ایجاد شده است.

هر ساختار خویشاوندی، الزاماً دارای سه نوع رابطه خانوادگی است که عبارتند از: «رابطه خویشاوندی جانبی (خونی)» (relation de collatéralité)، «رابطه خویشاوندی سببی» (relation d'alliance) و «رابطه خویشاوندی نسبی» (relation de filiation)؛ یعنی روابط پسرعمو (پسرعمه، پردایی، پسرخاله) بادخترعمو (دخترعمه، دختردایی، دخترخاله) (germain à germaine)، شوهر با زن (époux à épouse) و والدین با فرزند (Progéniteur a enfant).

«لوی - اشتروس» گروه دارای چهارعنصر را گروهی می‌داند که به این الزام سه گانه ساختار خویشاوندی (یعنی سه نوع رابطه خانوادگی. م.) تن در داده است. این منش تجزیه ناپذیر و همگانی ساختار خویشاوندی که او به گروه نسبت می‌دهد، نتیجه مستقیم منع زنا با محارم است که دارای خصیصه عمومی وجهانی است.

استرونزی

Austronésien

هنگامی که نسوعی خویشاوندی بین زبانهای «ملانزی» با زبانهای «اندونزی» و «پولینزی» به اثبات رسید، واژه «استرونزی» (Australonésien) توسط «پ. دبلیو. اشمیت» (P. W. Schmidt)، در سال ۱۸۹۹، جانشین اصطلاح زبانهای «مالایو - پولینزی» (malayo-polynésiennes) گردید.

Syn. : Malayo-polynésien.

(Angl. : Austronesian.)

خود معاش، نظام اقتصادی خودمعاش (یا جامعه خودمعاش)

auto - subsistance, système économique d' (ou société d')

به آن نظام اقتصادی رایج در يك جامعه «خود معاش» گفته می‌شود که،

بدون انجام دادوستد با جوامع دیگر، نیازهای خود را از تنها منابع بهره‌گیری که در دسترسش قرار دارد تأمین می‌کند.

Avebury (Lord)

آوبوری (لرد)

V. Lubbock

avunculat^۱

دایی (یا دایی‌سالاری)

(از واژه لاتین *avunculus* به معنای «دایی» (یا «عمو») آمده است).

مراد از آن مجموع حقوق و وظایفی است که یک مرد در برابر پسرهای خواهر خود دارد، همان‌طور که جامعه نیز برای او اعتبار و نفوذی نسبت به آنها قایل است.

(Angl. : *avunculate*.)

دایی مکان، اقامتگاه دایی مکان

avunculocale, résidence

قاعده‌یی است مربوط به اقامتگاه، که بر طبق آن باید بعد از ازدواج، زن و شوهر نزدیک «دایی» (FrMe) شوهر یا روی زمینی که او زندگی می‌کند اقامت کنند (*V. parenté, abréviations*).

V. bilocale, matrilocale, néolocale, patrilocale.
(Angl. : *avunculoal residence*.)

Aymara

آیمارا

«آیمارا» نام یک خسانواده زبانی در آمریکای جنوبی («چرد» و

۱- واژه «avunculat» گاهی «دایی سری» معنی شده است. (م).

«بولیوی») ست که خانواده زبانی دیگری به نام «کچوآ» *Quetchua* را در بصری گیرد. این خانواده از آغاز در منطقه مربوط به دریاچه تی تی کاکا Titicaca اقامت گزیده است. امروزه بیش از پانصد هزار تن - به ویژه روی فلات علیا (یا *altiplano*) در بولیوی - به زبان آیمارا تکلم می‌کنند. به قومی نیز که به این زبان گپ می‌زند، آیمارا می‌گویند.

H. Tschopik: «The Aymara», in *Bulletin of the Bureau of American Ethnology*, 143, 2(P. 501 - 573), 1946.

(. گروه زبانی *Aymara*, *Aymaran*: Angl.)

آذانده **Zandé (sing.) یا Azandé، یا Azandé**

(سابقاً به این واژه نیام - نیام *Niam - Niam* می‌گفتند).

آذانده، ملتی ست در آفریقای مرکزی که به زبان سودانی سخن می‌گوید، و بین نیل و کنگو - در ناحیه تقسیم آنها -، در سرزمینی که میان جمهوری ژنیر (کنگوی سابق بلژیک)، جمهوری آفریقای مرکزی و سودان تقسیم شده است، روزگار می‌گذرانند. آذانده‌ها که در سال ۱۹۶۰، در حدود ۷۵۰۰۰۰ تن ارزیابی شده‌اند، اتحادیه‌ای از قبایل آبان‌دیا Abandiya، آذانده Azandé، ماکره Makéré، نذاکارا Nzakara) ... را تشکیل می‌دهند که هر قبیله قلمرو ویژه‌ای داشته و رییس سیاسی از بین آونگارا Avongaraها (یا Avungara) انتخاب می‌شود.

این نوع حکومت اشرافی، در اصل از تنها قبیله مربوط به آنبومو Anbomuها ناشی می‌شود. «آنبومو»ها به پیروی از رؤسایشان، سایر اقوام را مغلوب و نظام سیاسی خود را به آنان تحمیل کردند؛ نظامی که از تشریفات اداری فوق‌العاده مؤثری برخوردار بوده و موجب تسریع فرایندی از «همسانی» *assimilation** شده است، اصطلاحی که به وسیله آن فرهنگهای نامتجانس در تحت یک زبان و در لوای نهادهای مشترک گرد هم آمدند.

آذانده‌ها، اساساً کشاورزند. مطالعاتی که «سلیگمن» *Seligman** و به ویژه «ایوانس - پریچارد» *Evans - Pritchard** در باره آذانده‌ها انجام داده‌اند به افزایش اعتبار و محبوبیتشان در نزد مردم‌شناسان کمک کرده و اخیراً

نیز باعث بروز جنگهای استقلال «سودان» و «کنگو» شده است.

A. de Calonne - Beaufaict: *Azandé* Bruxelles, 1921.

E. E. Evans - Pritchard: *Witchcraft, Oracles and Magics among the Azande*, Oxford, 1937 (tr. française, *Sorcellerie, Oracles et Magie chez les Azandé*, Gallimard, 1972).

C. R. Lagac: *Les Azandé ou Niam - Niam*, Bruxelles, 1926. B. Z. et C. G. Seligman:

Pagan tribes of the Nilotic Sudan, London, 1932.

(Angl. : *Azande* یا *Zande*.)

* * *

B

باخوفن، یوهان ژاکوب (Bachofen (Johann Jakob

(۱۸۱۵-۱۸۸۷).

باخوفن، مردم‌شناسی از اهالی سوئیس، حقوق‌دانی صرف و عاشق فلسفه بود. او در کتاب معروفش به نام «حق مادری (مادد سری) - *Das Mutterrecht* (اشتوتگارت ۱۸۶۱)، از نظریه‌های تطورگرایان *évolutionnistes* دفاع کرده است (*V. évolutionnisme*). باخوفن به‌ویژه پشتیبان و نخستین کسی بود که به اهمیت برتری نظریهٔ خویشاوندی نسبی «مادد تباری» *matrilinéaire** بر خویشاوندی نسبی «پسدر تباری» *patrilinéaire** - که امروزه دیگر قابل قبول نیست - پی برد و از آنجا، موضوع سنتی «هرج و مرج در مسایل جنسی ابتدایی» *promiscuité primitive* را عنوان کرد.

کارهای پژوهشی این مردم‌شناس بیش از آنچه که مربوط به جوامع «ابتدایی» باشد، تکیه به مطالعاتش دربارهٔ متون یونانی و رومی دارد.^۲

۱- برای واژه‌های «*promiscuité primitive*» می‌توان معادل‌های فاساری «درهم آمیختگی ابتدایی»، «بی‌قاعدگی در امور جنسی ابتدایی» و یا «درهم‌برهمی ابتدایی» را نیز به کار برد. ولی از آنجا که مراد «باخوفن» از عبارت فوق، اثبات این نظریه بوده است که: در جوامع بدوی، روابط جنسی پایه و اساس منظمی نداشته و از قاعدهٔ خاصی پیروی نمی‌کند، لذا برای آن معادل فارسی «هرج و مرج در مسایل جنسی ابتدایی» انتخاب گردید. (م).

۲- برای آگاهی بیشتر در احوال «یوهان، ژاکوب، باخوفن» به کتاب «تاریخ مردم‌شناسی» نوشتهٔ «ه. ر. هیس» ترجمهٔ ابوالقاسم طاهری، صفحات: ۵۲، ۵۴، ۵۵ و ۵۷ مراجعه شود. (م).

لنگرآبی

Balancier hydraulique

لنگرآبی، نوعی چرخ با جریان پیوسته است که معمولاً به دسته‌هاونی نصب شده که برای کندن پوست شالی به کار می‌رود. لنگرآبی در حکم بازوی کوچکی از اهرم است که یک طرف آن به لاوکی ختم می‌شود که زیر باریکه آبی قرار داشته و با حرکت نوسانی خود متناوباً پر و خالی می‌گردد. با این عمل دسته‌هاونی که بدانت‌های دیگر بازوی اهرم ثابت شده است، به‌درون هاون می‌افتد.

لنگرآبی، از مالزی تا ژاپن به‌دراحتی یافت می‌شود.

(Angl.: Water – powered pestle.)

بالسا

balsa

در آمریکای جنوبی (پرو، اکواتور، بولیوی)، بالسا به نوعی قایق کرجی شکل اطلاق می‌شود که از نی‌هایی که سخت به‌هم بسته شده‌اند (*Thypha angustifolia*) و به لهجه محلی اسپانیایی تو تورا Totora نامیده می‌شوند، ساخته شده و آن را به کمک یک تیر چوبی بلند در آب‌های کم عمق به‌جلو می‌رانند.

(Angl.: balsa.)

بامبارا

Bambara یا Banmana

بامبارا، به مردمی سیاه پوست، از خانواده زبانی ماندینگ Mandingue یا مانده mandé، (به انگلیسی: ماند mande) گفته می‌شود که در کشور مالی و در منطقه‌ای واقع در امتداد فوقانی سنگال و نیجر ساکن بوده و به ویژه در اطراف باماگو Bamako، سگو Segou و بوگوری Bougouri مجتمع شده‌اند.

بامباراها تا اواسط قرن نوزدهم از دو قلمرو سلطنتی برخوردار بودند و تشکیلات سازمان یافته‌ای داشتند، اما، در این عصر، با حمله توکولودها les Toucouleur (به انگلیسی: Tukulor)، این دو قلمرو به کلی

ویران شدند و سرزمین آنان در سال ۱۹۵۶ به موجب فرمانی، مستعمره فرانسه شد. در حال حاضر تعدادشان تقریباً به یک میلیون تن می‌رسد (البته بدون محاسبهٔ تبعیدیه‌ها) و کارگرانی که به کشورهای همسایه رانده شده‌اند). با مهارت‌ها، عمدهٔ کشاورزند. هنر، اساطیر و جهان‌بینی آنان، توسط چندین مردم‌شناس، مورد مطالعه قرار گرفته و گاهی اندیشه‌شان نیز با تفکر رایج در یونان باستان به ویژه با فلسفهٔ رواقی - مقایسه شده است و این همان چیزی است که به‌اشتهارشان کمک کرده است.

Dieterlen, Germaine: *Essai sur la religion Bambara*, P. U. F., Paris, 1950. Monteil, Charles : *Bambara de Segou et du Kaarta*, 1924. Pâques, Viviana: *Les Bambara*, P.U.F., Paris, 1954. Zahan, Dominique: *Les Sociétés d'initiation Bambara; le N'domo, le Kore*, La Haye Mouton, 1960. - *La dialectique du verbe chez les Bambara*, 1963.

(Angl. : Bambara.)

بامی لکه

Bamiléké یا Bamiliké

نام مردمی سیاه پوست است که عموماً در خانوادهٔ زبانی «بانتو» *Bantou** طبقه‌بندی شده و در فلات‌های مستقر در جنوب غربی کامرون سکونت دارند. در سال ۱۹۶۵ تعدادشان به ۵۰۰۰۰۰ (با بنا بر منابع دیگر، نزدیک به یک میلیون) تن تخمین زده شده است. ولسی در یک گسترش وسیع جمعیتی بامی لکه‌ها در تعداد کثیری از حاکم‌نشین *Chefferie* های مستقل (تقریباً صد حاکم‌نشین) تقسیم شده‌اند که در حال حاضر، تشکیلات اداری دولت کامرون در صد جمع کردن آنهاست. امروزه، مهاجرت وسیعی از طرف بامی لکه به سمت دوآلا Douala وجود دارد که به بی‌سازمانی

۱- چون مراد از واژهٔ *chefferie* در فرهنگ «روبر» (Robert) سرزمینی است که در آن نفوذ و اقتدار رئیس قبیله اجرا می‌شود، بنابراین، برای معادل فارسی آن، واژهٔ «حاکم‌نشین» یا «استان» انتخاب می‌شود. (م).

désorganisation جامعه سنتی کمک می‌کند. باهمی‌لکه‌ها، که اساساً کشاورز و پرورش دهنده (بز) هستند، در مناطق شهری یا به صورت تاجر درمی‌آیند و با اینکه بیکار می‌شوند. آنان به خاطر هنر مجسمه‌سازی و معماری خانه‌هایشان - به ویژه مسکن مربوط به رؤسای قبایل - که به تدریج و به تائی آماده می‌شود، به اشتها رسیدن‌اند.

Hurault, Jean: *La structure sociale des Bamiléké*, 1962. Tardits, Claude: *Les Bamiléké de l'Ouest-Cameroun*, 1960.

(Angl.: *Bamileke*.)

Bantou

بانتو

واژه بانتو، برای یکی از بزرگترین «خانواده زبانی *famille linguistique*» در آفریقا به کار برده می‌شود. زبانهای بانتو، تقریباً به وسیله شصت میلیون سیاه‌پوست - در منطقه‌ای که به طور تقریب در جنوب خطی که از دوآلا (در کامرون) تا مومبازا (در کینا) کشیده شده است - صحبت می‌شود. زبان «خوآزان **khoisan*» که به وسیله «بوشمین **Bochiman*»ها و هوتانتوها تکلم می‌شود، تنها خانواده زبانی بوم‌زاد دیگری است که در این منطقه به چشم می‌خورد.

(Angl.: *bantu*.)

Baoulé

بااوله

بااوله، قومی است در آفریقای سیاه که به گروه زبانی آکان *akan* وابسته می‌باشد. بااوله‌ها در منطقه‌ای از ساوان *savane* آفریقا و در مرکز ساحل عاج زندگی می‌کنند و در آنجا با دشمنان سنتی خود یعنی «آشانتی *Ashanti*»ها همسایه‌اند.

مقارن سال ۱۹۵۰، تعدادشان ۴۰۰۰۰۰ نفر ارزیابی شده است. بااوله‌ها، اساساً کشاورزند و کیفیتی که در هنر مجسمه‌سازی آنان به چشم می‌خورد، مشهورشان کرده است.

P. Étienne: «Phénomènes religieux et facteurs socio - économiques dans un village de la région de Bouaké (Côte - d'Ivoire)», in, *Cahiers des Études Africaines*, 23 , 1966 . B. Holas : *Arts de la Côte d'Ivoire*, 1966.

(Angl. :Baoule.)

barbarie

بربریت، وحشیگری

V. sauvagerie.

barbasco

بارباسکو

V. nivrée (pêche à la -).

base (Personnalité de -) اساس (شخصیت اساسی)

V. personnalité de base.

Basket-makers

باسکت - میکرز

(واژه‌بیست انگلیسی و معنای تحت‌اللفظی آن : «سازندگان سبد» است).

باسکت - میکرز ، فرهنگ قدیمی آمریکای شمالی است که تا آغاز عصر ما ادامه یافته و در جنوب ایالات اوتا Utah ، آریزونا Arizona و مکزیك Nouveau Mexique ، متمرکز شده است. این فرهنگ در بین سایر اقوام، از راه ساختن سبدها مشخص می‌شود.

باسکت - میکرزها را به مثابه اسلاف اقوام فعلی «پوئبلو» *pueblo به حساب می‌آورند. گاهی ؛ واژه ناواهو آنازازی Navaho Anasazi (گذشتگان)، به عنوان معادل آن به کار رفته است.

باستیان آدولف

Bastian, Adolf

(در سال ۱۸۲۶ در Bremen به دنیا آمد و در سال ۱۹۰۵ در جزیرهٔ تروینیدا درگذشت).

باستیان، پزشک، از اهالی آلمان و وابسته به نیروی دریایی تجاری بود. این همیشه مسافر بزرگ، به پیشرفت تفکر مردم شناسی کمک فراوان کرده است. او اندیشه‌های تطور گرایی «باخوفن» *Bachofen* را پذیرفت اما در حالی که می‌کوشید تا نهایت تعدد فرهنگها را نشان دهد، در مطالعات خود بیش مر بوط به تقسیمات جغرافیایی را داخل کرد و به این ترتیب از تزیهای «اشاعه‌گرایی» *diffusionniste* جلوگیری به عمل آورد.

باستیان در سال ۱۸۶۹ - به همراه ویرشو Virchow - یکی از بنیان مجلهٔ «*Zeitschrift für Ethnologie*» شد که کارنامهٔ جامعهٔ انسان شناسی «برلن» و یکی از معروفترین مجلات مردم شناسی آلمان بود. ناگفته نگذاریم که یکی از نخستین سنتزهایی را که دربارهٔ جمعیت‌های آمریکایی در فاصلهٔ سال‌های ۸۹-۱۸۷۸ انجام شده است، باید مدیون آدولف باستیان باشیم.

آثار عمدهٔ باستیان به شرح زیر است:

Der Mensch in der Geschichte, Leipzig, 1860. *Das Beständige in den Menschenrassen, und die Spielweite ihrer Veränderlichkeit*, Berlin, 1868. *Die Völker des Östlichen Asien*. Leipzig, 1869. *Rechtsverhältnisse der verschiedenen Völker der Erde*. Berlin, 1872. *Kulturländer des Alten Amerika*. Berlin, 1878-1889 (3 vol.). *Die heilige Sage der Polynesier Kosmogonie und Theogonie*, Leipzig, 1881. *Der Völkergedanke im Aufbau einer Wissenschaft vom Menschen und seine Begründung auf ethnologische Sammlungen*, Berlin, 1881.

Bastide, Roger**باستید، روژه**

(د سال ۱۸۹۸ در Nîmes به دنیا آمد).

جامعه‌شناس فرانسوی که به علم ادیان علاقه‌مند شد و پژوهشهایی در باره مذاهب تلفیقی سیاهان آمریکا، در قلمرو «دوانپزشکی مردمی» *ethnopsychiatrie* انجام داد. باستید برای تحقیق در محل «sur le terrain» در رون Rhône (۳۰-۱۹۲۹)، در رسیف (برزیل؛ ۱۹۴۳) و در ساو پولو (۴۷-۴۶-۱۹۴۳) کار کرده است.

آثار عمده باستید به شرح زیر است:

Les problèmes de la vie mystique, 1931. *Éléments de Sociologie religieuse*, 1936. *Sociologie et Psychanalyse*, 1950, *Le Candomblé de Bahia* 1958, *Religions africaines au Brésil*, 1960. *Sociologie des maladies mentales*, 1965. *Les Amériques Noires*, Paris, Payot, 1966. *Anthropologie appliquée*, Paris, Payot, 1971.

batik یا batikage**باتیک (یا باتیکاژ)**

(کلمه‌ی ست با منشاء جاوه‌ای).

به کیفیت و شیوه رنگرزی (یا گاهی به «رنگرزی با ذخایر»)، باتیک گفته می‌شود و آن شیوه‌ی ست و یژه اندونزی، که برای تزیین منسوجات به کار می‌رود؛ ابتدا ورقه نازکی از موم را روی تکه‌هایی که باید رنگ شوند پهن کرده و بعد پارچه‌ها را در مایع رنگرزی فرو می‌برند. سرانجام ورقه موم محافظ با جوشاندن از تکه‌های رنگ شده جدا می‌شود. به‌الیاف و منسوجاتی که بدین ترتیب به دست می‌آید نیز باتیک می‌گویند.

(Angl. : *batik*.)

bâton à feu**چوب آتش‌زنه**

نوعی چوب دستی‌ست که در اثر مالش، تولید آتش می‌کند. آن را در

حول نك تيزش - كه روى قطعه چوب ديگرى قرار داده شده است - به سرعت مى چرخانند. با اين عمل ايجاد احتراق مى كند، يا پس مانده الياف كتانى كه به دورش پيچيده شده مشتعل مى شود.

Syn. : foret à feu; drille à feu.

(Angl. : fire - drill, fire - stick.)

چوب حفر (يا چوبدستی حفاری)

bâton à fouir (ou bâton à fouiller)

اين وسيله و ابزار ابتدایى، نوعى چوبدستى است كه گاهى نوك تيز آن مى تواند به شكل جنگال بوده و يا بر اثر آتش سخت و سفت شده باشد. از آن براى در آوردن ریشه ها از خاك يا آماده كردن زمين براى بذرافشانى - به ويژه در استراليا، آمريكاي جنوبى، ملائزى و پولينزى - استفاده مى شود.

(Angl. : digging stick, يا digging stock.)

چوب مالش

bâton à friction

V. stridulateur.

چوب پرتاب

bâton de jet

V. Jet.

بندیکت، روت

Benedict, Ruth

(در سال ۱۸۸۲ در شهر نيويورك به دنيا آمد و در سال ۱۹۴۸ درگذشت).

بندیکت، شاعره و مردم شناس آمريكايى، روى مسئله نسبى گرايى

فرهنگی^۱ *relativisme culturel* تأکید ورزید و بینش «سنخ روانشناختی» (*type psychologique*) را که برای فرهنگها به کار برده می‌شود (*V. apollonien, dionysien*) و نیز مفهوم «الگو یا انگاره» *pattern** را - که نام بندیکت به آن وابسته مانده است - توسعه داد. او نزد سرخ پوستان کالیفرنیا، «ذونی» *Zuni* ها (*V. pueblo*)، و در میان آمریکاییان مهاجر، تحقیق کرده است. این مردم شناس بعدها شاگرد «بوآس» *Boas** و «کروبر» *Kroeber** شد و در دانشگاه کلمبیا (در نیویورک) به تدریس پرداخت.

آثار عمدهٔ بندیکت به شرح زیر است:

Patterns of culture,^۲ 1934. *Zuñi Mythology*. Columbia University Contributions to *Anthropolgy*, 2 vol., 21. New York, 1935. *The Chrysanthemum and the Sword*; *Patterns of Japanese Culture*, Boston, 1946.

berdache

برداش

(این واژه که به وسیلهٔ کاشفان فرانسوی در آمریکای شمالی رایج شده، مشتق از لغت ایتالیایی *bardassa* - یا *bardascia* - و به مفهوم جوان همجنس باز است. واژهٔ برداش در فرانسهٔ کانادایی به معنای «همجنس باز مفعول» به کار برده می‌شود.)

در مردم‌شناسی برداش به مردی گفته می‌شود که از لحظهٔ بلوغ یا دیرتر تصمیم می‌گیرد تا نقش يك زن را تقبل کرده و در پایگاه او قرار گیرد.

- ۱- برخی از مترجمان (و حتی مؤلفان!)، واژهٔ *relativisme* را با *relativité* یکی دانسته و برای آن معادل فارسی «نسبیت» را به کار برده‌اند. (م).
- ۲- کتاب «الگوها یا انگاره‌های فرهنگ» (*patterns of culture*)، در سال ۱۹۵۰ به نام «نمونه‌های تمدن» (*Échantillons de civilisation*)، به زبان فرانسه ترجمه شد، که انتخاب معادل غیر قابل قبول «*Échantillon*»، برای واژه «*Pattern*» ناشی از اشتباه محض مترجم فرانسویست (به نقل از متن کتاب. (م)).

بنابراین، جامهٔ زنان می‌پوشد و مثل يك زن رفتار می‌کند. حتی دیده شده که شخص برداشی برای تظاهر به عادت ماهانه، عمداً خود را زخمی می‌کند و یا به تقلید از زنان بساردار، لباسهای گشاد می‌پوشد. چنین تغییری، اغلب هیچگونه ریشهٔ جسمانی ندارد و برداشها نیز همیشه همجنس‌ساز نیستند. گرچه دلایل انتخاب راهشان می‌تواند متفاوت باشد، اما، به نظر می‌رسد که چنین رفتاری اغلب برای فرار از فعالیت‌های ویژهٔ مردان از آنان سر می‌زند. این عادت در بسیاری از قبایل آمریکای لاتین (کرو Crow، داکوتا Dakota، زونی) در سبیری شرقی (میان شوکشه Chukchee ها)، در برنئو (V. Dayak) و غیره پذیرفته شده است. در اینگونه جوامع برداش فرد شناخته شده بی‌ست. حتی اگر دایم به موقعیتش حسد نبرند، باز به‌مثابهٔ عضویست که به‌طور کامل از جامعه طرد شده است. گاهی این تغییر شکل برای او، وسیلهٔ پذیرش يك نقش مذهبیست (مثلاً در نزد کروها و شوکشه‌ها...)

درضمن، برداش‌ها می‌توانند - البته خیلی به ندرت - زنانی باشند که به هیئت مردان درآمده‌اند.

bétel

بتل (فلفل هندی)

بتل، نام يك بوتهٔ فلفل خرنده است (*piper betel*) که برگ‌هایش را برای پوشاندن نوعی توتون (که از تکه‌هایی از میوهٔ «*arec*» ساخته شده و به نام «عصارهٔ فلفل هندی» (*de bétel*) معروف است) به کار می‌برند.

V. *arec*

(Angl.: *betel*.)

bière

آبجو

در يك معنای وسیع، برای هر نوشیدنی تخمیر شده‌ای که مقدار الککل آن ضعیف بوده و از گیاهان بسیار متنوع ساخته شده باشد، واژهٔ «آبجو»

Bière به کار برده می‌شود. مانند «اگو» *agave* (پولک *pulque* در مکزیک)، موز (هیشلا *mishla* در آمریکای مرکزی)، میوه‌های وحشی (در آمریکای حاره‌ای) که اغلب عسل همراه آنهاست، ذرت (شیشا *chicha* در آمریکای لاتین)، مالت، جو (آبجوهای اروپا)، ارزن (آفریقا)، برنج (ساکي *saki* در ژاپن و چین) و غیره.

گاهی ریشه‌ها، نهالها، یا دانه‌هایی را، که در ترکیب آبجوها داخل می‌شوند، قبلاً می‌جوئند، به این ترتیب، بزاق تولید شده به تخمیر آنها کمک می‌کند.

(Angl.: beer.)

bifurcate merging

همسانی از طریق انشعاب

V. assimilation par bifurcation.

واژگان خویشاوندان انشعابی و خویشاوندان خطی

bifurcation^۲ et à lignes, terminologie a

واژگانی است که معیارهای «جانبی بودن» (خویشاوندان جانبی، خونی) *Collatéralité** و «انشعاب» (خویشاوندان انشعابی، شاخه‌ای) *bifurcation** را با هم بدین‌مایش می‌گذارد، به نحوی که کلمات «پدر» (Pc)، «برادر پدر» (FrPc) و «برادر مادر» (FrMc)، «مادر» (Mc)، «خواهر مادر» (SrMc)، «خواهر پدر» (SrPc)، پاسخگوی واژه‌های

۱- اگو *agave* گیاهی است در کشور مکزیک که بسیار زینتی (*Amaryllidacées*) بوده و دارای برگ‌های پهن و گوشتی است. از عصاره این گیاه نوعی نوشیدنی تخمیر شده (*Pulque*) و از برگ‌هایش الیاف بافتنی (*sisal, tampoico*) به دست می‌آید، (به نقل از: Petit ROBERT 1; Dictionnaire de la langue française, P. 35. (م).

۲- برای واژه «bifurcation» می‌توان معادل‌های فارسی: «شاخه»، «شاخه‌ای»، «انشعاب»، «انشعابی»، «دو شاخه‌ای»، «شاخه شاخه شدن»، «دو شاخه شدن»، «همنشعب شدن» و... را به کار برد. (م).

مشخص و متمایزی می‌باشند (V. Parenté)
(Angl. : *bifurcate collateral term*.)

معیار خویشاوندان انشعابی bifurcation, critère de

این واژه یکی از معیارهایی است که برای تفکیک «نظامهای خویشاوندی **systèmes de parenté*» به کار می‌رود. به طوری که یک فرد، بر حسب اینکه به **Ego* به وسیله یک خویشاوند همجنس یا از جنس مخالف وابسته باشد، با واژه متفاوت مشخص می‌شود.

اصطلاحات خویشاوندی در زبان فرانسه از اینگونه تمایز واژگانی بی‌خبر بوده و تنها همان واژه مورد نظر را تعیین می‌کند. مانند واژه «*tante*» که هم برای «خواهر پدر» و هم برای «خواهر مادر» استعمال می‌شود. در صورتی که در اکثر زبانهای مدیترانه‌ای، برای این دو خویشاوند، دو واژه متفاوت به کار می‌برند (مثلاً، «عمه» و «خاله» در زبان فارسی. (م)). به همین ترتیب است وقتی که از عمویا دایی (*oncle*)، مادر بزرگ یا مادر پدر و مادرمادر (*grand-mère*)، پدر بزرگ یا پدر پدر و پدرمادر (*grand-père*)، پسر برادر یا خواهر (*neveu*)، نوۀ مذکر (*petit - Fils*) و غیره، صحبت می‌کنیم.

V. *classificatoire, terme. V. Collatéralité.*

(Angl. : *forking*, یا *criterion of bifurcation*.)

نسب دوجانبه (دوجانبی) bilateral descent (اصطلاح انگلیسی).

V. *indifférenciée, filiation.*

خویشاوندی نسبی دوخطی (دوتباری) bilinéaire filiation

V. *double filiation.*

bilocale, résidence**اقامتگاه دومکان**

قاعده‌بی‌ست که به يك زوج جوان اجازه می‌دهد تا اقامتگاه خود را در نزدیکی منزل والدین یکی از همسرها بنا کنند. تصمیم در این مورد یا به آن چیزی بستگی دارد که عروس و داماد شخصاً ترجیح می‌دهند یا اصولاً با توجه به میزان ثروت و تأثیر نسبی والدین یکی از آنها نسبت به والدین دیگری گرفته می‌شود. گاهی به‌چنین اقامتگاهی، «*ambilocale*» می‌گویند که مترادف «*bilocale*» است.

V. *matrilocale, patrilocale, néolocale, avunculocale*.
(Angl. : *bilocal residence*.)

بیوسنوز (مجموعه‌ای از جوامع گیاهی و حیوانی)**biocénose**

V. *biotope*.

اجتماع مبتنی بر موجودات زنده**biotique, communauté**

V. *communauté*.

(Angl. : *biotic community*.)

بیوتوپ (محیط زیستی گیاهان و حیوانات)

بیوتوپ، حوزه‌بی‌ست جغرافیایی که تابع شرایطی است که در آن، شرایط غالب همگن بوده و این حوزه توسط مجموعه‌ای از جوامع گیاهی و حیوانی *biocénose* با گروهی از موجودات زنده اشغال شده است (این گروه با ترکیبی ویژه و با حضور پدیده‌های وابسته به هم مشخص می‌شود). به مجموعه‌ای متشکل از «بیوتوپ» و «بیوسنوز»، «اکوسیستم» *«écosystème»* می‌گویند.

(Angl. : biotope.)

Boas, Franz**بوآس، فرانز**

(دز سال ۱۸۵۸ در مندان (Minden) واقع در آلمان به دنیا آمد و در سال ۱۹۴۲ در آمریکا درگذشت).

بوآس آلمانی‌الاصل و جغرافی‌دانی صرف بود. او از سال ۱۸۸۶ در ایالات متحده یعنی کشوری که باید در آن ساکن می‌شد، شروع به کار کرد. در محل تحقیق پژوهشگری برجسته بود که به صورت متخصص جوامع «کلمبی بریتانیک» (در کانادا) درآمد. در آنجا تعداد قابل ملاحظه‌ای از روایات (récits) و اسطوره‌ها را به ویژه در نزد اقوام «کواکیوتل» *kwakiutl، تسیمشیان Tsimshian، و شینوک Chinook، گردآوری کرد.

(Chinook Texts, Washington, 1894; Kwakiutl Texts (Boas et Hunt), 1902 – 1905 et 1906; Kwakiutl Tales, 1910 et (new Series) 1935 – 1943; Tsimshian Mythology, Washington, 1916).

با اینکه هیچ تألیف شگرفی به نام بوآس وابسته نیست، مع ذلك، او تمام عصر خود را تحت تأثیر قراردادده است، زیرا علیه همه سنتزهای مهمی که باعث خشونت و خشم زیاد می‌شدند (به ویژه سنتز مربوط به «تطورگرایی خطی *évolutionnisme» linéaire)، به پاخاست. «بوآس» در حالی که مسئله تحقیق را به صورت بسیار محدود و در عین حال بسیار علمی و تفکیک شده پیشنهاد می‌کرد، عقیده داشت که یک چنین پژوهشی باید «تاریخ فرهنگی» را در نظر گرفته و نیز از بعضی جهات از مطالعات «روانشناسی فرهنگی» سبقت

۱- «کلمبی بریتانیک» (Colombie Britanique) یا «کلمبیای انکلیس» ایالتی است مربوط به «کانادا» که در شرق این کشور و در ساحل اقیانوس آرام واقع است و جزایر «رن - شارلوت» (Reine - Charlotte) و نیز جزیره «وانکاور» (Vancouver) را در بر می‌گیرد. مساحت آن ۹۴۸۴۹۰ کیلومتر مربع است که تا سال ۱۹۶۶، تعداد ۱۸۷۳۶۷۴ تن در آن زندگی می‌کردند که ۴۵۰۰۰ نفر از آنان را سرخ‌پوستان تشکیل می‌دادند. (به نقل از: Petit ROBERT 2; «Dictionnaire universel des noms propres», P. 440. (۲).

بگیرد. به‌همین دلیل او به مثابهٔ پیشوای مکتب آمریکایی معروف به مکتب انسان‌شناسی تاریخی (Anthropologie historique) شناخته شده است (V. diffusionnisme). احتیاط او که گاهی از حد برون بود، باعث سرزنشش شده است، از این جهت به کسانی که از این احتیاط در تحقیق برخوردارند، پیروان مکتب «نام‌گرایی بوآسی»^۱ (nominalisme) boasiens گفته‌اند.

تعداد کثیری از مردم‌شناسان معروف از شاگردان بوآس بوده‌اند، که در بین آنان اسامی زیر قابل ذکرند:

«دوت. بندیکت R. Benedict»، «ا. ا. گولدن وایز A. A. Goldenweiser»، «ام. جی. هرسکویتس M. J. Herskovits»، «ا. ال. کروبر A. L. Kroeber»، «اد. آتش. لوی R. H. Lowie»، «اد. رادن R. Radin»، «ا. ساپیر E. Sapir» و غیره.

آثار عمدهٔ بوآس به شرح زیر است:

The Growth of Indian Mythologies, 1896. *The Kwakiutl of Vancouver Island*, New York, 1909. *The Mind of Primitive Man*, 1911 (rééd. 1963). *Contribution to the Ethnology of the Kwakiutl*, N. Y., 1925. *Primitive Art*, 1927 (rééd. 1957). *Material for the Study of Inheritance in Man*, 1928. *Anthropology and Modern Life*, N. Y., 1928 (rééd. 1962). *Kwakiutl Culture as Reflected in Mythology*, N. Y., 1935. *General Anthropology*, 1938. (Boas ed.). *Race Language and Culture*, N. Y., 1940. *Race and Democratic Society*, N. Y., 1945 (posthume). *Letters and Diary of Franz Boas written on the Northwest Coast from 1886 to 1931*.

۱- «نومینالیسم» (Nominalisme)، دکترین یا آیین و عقیده‌ای است که مطابق آن مفاهیم کلی، چیزی جز کلمات و اسامی نیستند (به نقل از: petit ROBERT. 1. Dictionnaire de la langue française. P. 1158. (م).

The Ethnography of Franz Boas, 1969.

Bochiman

بوشیمن

(از واژه «*Bushman*» به معنای «انسان پیشه‌زار» گرفته شده و نامی است که توسط نخستین پیشگامان هلندی به آنان داده شده است).

بوشیمن نام مردمی از آفریقای جنوب غربی است که به گویش «خوآزانی» **Khoisan* تکلم می‌کنند. قسمت اعظم آنها در صحرای کالاهاری و در فلاتی خشک در بوستوانا *Bostwana* یعنی در به شوآنالاند *-Bechua* *naland* سابق، و جنوب غربی آفریقا (نامیبیا) زندگی می‌کنند. از نظر خصوصیات جسمانی، بوشیمن‌ها، قدشان کوتاه و موهای تنشان از رشد بسیار کمی برخوردار است. با «پیگمه‌ها» **Pygmées* ملتی را در آفریقا تشکیل می‌دهند که از نظر تکنیک و اقتصاد کمتر توسعه یافته است. بوشیمن‌ها منحصرأ از دسته شکارچیان و «گردآورندگان خوراک» **collecteurs* می‌باشند و فقر سرزمینی که در آن به سر می‌برند مجبورشان می‌کند تا به زندگی کوچ‌نشینی بپردازند. اغلب به علت همین خصایص فوق‌العاده است که مصداق و شاهدان خوبی برای مردم‌شناسان به شمار می‌آیند. در حوالی سال ۱۸۹۰ تعداد کثیری از بوشیمن‌ها، قتل عام و نابود شدند، به طوری که در سال ۱۹۶۰ جمعیت آنها را تقریباً تا ۵۰۰۰۰ نفر تخمین زده‌اند. هم اکنون گروه قابل توجهی از بوشیمن‌ها به مثابه کارگران کشاورزی در زمینهای مورد بهره‌برداری کشاورزان *(fermier)* سفیدپوست یا «بانتو» **Bantou* کار می‌کنند.

I. Schapera: *The khoiasn Peoples of South Africa: Bushmen and Hottentots*, 1930. P. V. Tobias: «On the survival of the Bushmen», in *Africa*, 26, 1956. V. Ellenberg: *La Fin Tragique des Bushmen*, Paris, 1953.

(Angl.: *Bushman*, Pl.: *Bushmen*.)

واژه «*fermier*» را برای همه افرادی که از یک قلمرو کشاورزی بهره‌برداری می‌کنند. (اعم از مالک و غیره...) به کار می‌برند. (م).

Bohio**بوهیو**

(واژه‌ی ست اسپانیایی و مربوط به آمریکای جنوبی).

V. maison collective.

Bola**بولا**

(واژه‌ای اسپانیایی و به معنای گلوله (*boule*) است).

بولا نوعی سلاح شکاری است که از چندین گلوله سنگی یا عاجی تشکیل شده که به وسیله طناب‌های کوچکی به هم متصل شده‌اند. این سلاح به‌ویژه در آلاسکا و سیبری شرقی برای به دام انداختن پرندگان مورد استفاده قرار می‌گیرد. این واژه اغلب به مفهوم «بوله آدورس» **boléadores* به کار رفته است. (Angl. :bola, یا bolas, یا bolo.)

boléadores**بوله آدورس**

(به این واژه در زبان اسپانیایی بوله آدورس *boleadoras* اطلاق می‌شود که از واژه *bola* به معنای گلوله (*boule*) گرفته شده است).

بوله آدورس سلاحی است از همان نوع «بولا* *bola*»، با این تفاوت که سنگ‌های آن سنگینتر است و به طناب‌ها و تسمه‌های یک کمند (طناب حلقه‌دار)، بسته شده‌اند. بوله آدورس‌ها را در آمریکای جنوبی (در «تیرادل فیوگو» *Tierra Del Fuego*) (سرزمین آتش) و... برای به دام انداختن شکار، مانند خرگوش‌ها، گوزنها و غیره... به کار برده‌اند.

(Angl. :bolas.)

Bororo**بورورو**

بورورو یک خانواده زبانی است که شامل چندین قبیله سرخ پوست در آمریکای جنوبی بوده و نام خود را از مهمترین گروه بین آنها گرفته است.

امروزه بودودوها (که گاهی همزمان با گروههای دیگری که با آنها خویشاوند نیستند، کوروآدوس Coroados نامیده شده‌اند) در سرزمینی نزدیک رودخانه‌های تاپاخوز Tapajoz، بین پاراگوئه و علیا، رودخانه سان لورانسو San Lourenço و آراگویای آلیا Haut Araguaia در حوزه حکومتی ماتو گروسو Mato Grosso در برزیل زندگی می‌کنند. آنها با اینکه مختصراً به کشاورزی اشتغال دارند، اما، به شکار و ماهیگیری بسیار وابسته‌اند و از طرفی به طور سنتی جنگجو بوده‌اند. «لوی-اشتروس» *Lévi - Strauss، با تبیین این مسئله که طرح روستای آنها، در حقیقت تصویری از ساخت اجتماعیشان است، به اشتباه آنها کمک کرده است.

Colbacchini, A.: *A tribu dos Bororos*. Rio de Janeiro, 1919. Colbacchini, A. et Albisetti, C.: *Os Bororos Orientais*, 1942. Fric, V. et Radin, F.: «Contributin to the study of the Bororo Indians», in *Journal of the Royal Anthropological Instiute*, 36, 1906. Lévi - Strauss C.: *Tristes Tropiques*, Plon, 1955. *Anthropologie Structurale*, Paris, Plon, 1958.

(نام قبيله Bororo، نام خانوادهٔ زبانی Bororoan: Angl.)

Boschiman.

بوشیمن

V. Bochiman.

boubou

بوبو

(واژه‌یی ست مربوط به قوم مالینکه (Malinké) - مردمی از گینه - که اختصاص به یک میمون یا پوست آن دارد).

بوبو به نوعی لباس بلند (تونیک) گفته می‌شود که عموماً از پارچهٔ نخی رنگ شده است. امروزه استفاده از بوبو در آفریقای سیاه بسیار رایج است.

بومرانژ boomerang یا boumerang
(این واژه مشتق از يك كلمه بوم‌زاد استرالیایی ست).

بومرانژ نوعی سلاح پرتاب (jet*) است که تنها از يك قطعه چوب مسطح که به داخل خم شده، ساخته شده و مورد استفاده اکثر ساکنان اولیه استرالیا بوده است: بومرانژ بر دو نوع است: مشهورترین آن نوعی ست که می‌تواند بعد از پرتاب مجدداً به محل اولیه خود برگردد. این نوع برای شکار پرندگان یا برای بازی به کار رفته است. نوع دیگر، که سلاحی مؤثر و کاری ست فقط يك بار مورد استفاده قرار می‌گیرد. از این سلاح برای جنگ یا برای شکار حیوانات بسیار بزرگ استفاده شده است. ملتهای بیشمارى در آفریقای سیاه، درهند، در آمریکای شمالی و غیره و طبیعتاً در استرالیا، از این نوع سلاح استفاده کرده‌اند.

(Angl. : boomerang یا comeback club.)

براکى سفال (سرگرد) brachycéphale

V. Indice céphalique.

شیر بها bride price
(يك اصطلاح انگلیسی ست).

V. Prix de la fiancée.

شیر بها bride Wealth
(این اصطلاح انگلیسی در برابر اصطلاح سنتی «شیر بها» bride price ساخته شده تا از مفهوم سوداگرانه آن جلوگیری کند).

V. Prix de la fiancée.

فندك پيستونى

briquet à piston

این فندك كه در اندونزى (برنشو...) پذیرفته شده است از استوانه‌ای چوبی ساخته شده كه در داخل آن پيستونى، حركت مى‌كند. يكى از دو انتهای پيستون پوشيده از الياف كتان بوده و طرف ديگر آن در حكم دستگیره طپانچه (ماشه) است. وقتى ضربه‌ای شدید روی دستگیره وارد مى‌شود، هوای محبوس درون استوانه فشرده شده و با این عمل درجه حرارت درون آن بالا مى‌رود و در نتیجه الياف كتانى آتش مى‌گیرد.
(Angl. : fire pump)

كشاورزى (يا كشت) روی زمین سوخته

brûlis, culture sur —

V. agriculture itinérante.

بال روپر

bull roarer

(واژه‌یى ست انگلیسی).

V. rhombe.

بوشمن

Bushman یا Bushmen

V. Bochimán.

C

cabocio

کابو کلو

(واژه‌ی ست برزیلی).

این واژه در برزیل دلالت بر سه مفهوم مشخص دارد:
- نام يك فرقه یا یکی از اعضا آن است که پیرو يك مذهب تلفیقی بوده و در حال يك کاسه کردن باورهای سرخ پوستان و آفریقاییان است. اما، این باورهای غیرمسیحی، برعکس در حیطه مذاهب تلفیقی «کاندومبله» *candomblé* و «ودو» *vaudou* جادارند.

- گاهی واژه کابو کلو به معنای ربوبیت‌هایی است که به يك کیش معروف به باتوک Batuque پیوسته بوده و در شمال شرقی برزیل، به ویژه در منطقه بلم Belem اجرا شده است. اجراء این کیش با يك رفتار نمایشی که مربوط به طرفداران ساختگی آن است، کاملاً در تحت اختیار کابوکلوهایی است (*caboclos*) که به زمین آمده‌اند تا با نوشیدن و با رقص و آواز به تفریح پردازند (V.Leacock 1964).
- سرانجام، واژه کابو کلو به روستایی دو رگه‌ای اطلاق می‌شود که نسب از سرخ پوست، سفید پوست یا سیاه پوست می‌برد.

cacique

کاسیک

(واژه‌ی ست اسپانیایی که از آمریکای لاتین آمده و دارای ریشه سرخ - پوستی است).

V. chefferie

کدوی قلیانی

calebasse

نامی‌ست که به میوهٔ يك بوتۀ کدوی قلیانی آمریکای حارهای
(*Crescentia; Bigognacée*) و یا به بعضی از میوه‌های طایفهٔ کدو
(*Lagenaria SP.*)، که در مناطق بیشماری از جهان پیدا می‌شود، داده
شده است. این میوه را خالسی و خشک کرده و در موارد متعدد (در ساخت
ظروف، قاشق، «اسباب‌بازیه‌های آهنگ‌دار، جفجغه‌های کدویی *hochets*»،
**musicaux* اجسام شناور برای ماهیگیری و غیره.) از آن استفاده می‌کنند.
(Angl. : calabash.)

کاناک

Canaque

«کاناک» واژه‌یی‌ست که دارای منشاء پولینزی بوده و از نظر ریشه -
شناسی فقط به معنای «موجود انسانی» است. در زبان عامیانهٔ دزدان دریایی
اقیانوس آرام، کاناک تنها واژه‌یی‌ست که برای نشان دادن ذات وحشی و
مفروض يك بوم زاد ترجیح داده شده است. وقتی به این نکته پی می‌بریم که
در زبان محلی فرانسه، اصطلاح «s'encanaquer» (به معنای: مراوده با
مردم حقیر و پست) از روی نمونهٔ «s'encanailler» (به معنای: ضایع و
پست شمردن) ساخته شده است، تا تعداد نادری از سفید پوستان را که دارای
روابطی برابر یا محبت آمیز با بومیان هستند تحقیر کنند، در این صورت باز
مفاهیم نژاد پرستانهٔ واژهٔ کاناک بهتر متجلی می‌شود. در زبان **Pidgin*
در گینه نو، واژهٔ کاناک به ساکنان روستاهای سنتی و «انسانهای پیشه‌زار»
اختصاص یافته است که با واژهٔ «boys» (نوکران بومی مستعمرات) مابینت
داشته و مختص سیاه پوستانی‌ست که در نهالستان یا در شهر کار می‌کنند و
انسانیشان از پیش به وسیلهٔ «تمدن» تغییر شکل پذیرفته و به صورت يك
طبیعت نو کرسفت درآمده است. با وجود همهٔ انعکاسات تحقیر آمیز و سوابق
اندهبار، زبان فرانسه به استفاده از واژهٔ «Canaques» به مثابهٔ نوعی
نامگذاری «سجی» برای جمعیت ملانزی در «کالدونی نو» ادامه می‌دهد.

(Angl. : kanaka.)

candomblé**کاندومبله**

واژه کاندومبله برای مذهب «تلفیقی»^۱ **synchrétique* اجتماعات آفریقایی - آمریکایی شمال برزیل یا برای خود این اجتماعات به کار می‌رود.

Bastide (1958).
(Angl. : *candomble*.)

cannibalisme**همنوع خواری**

(در زبان اسپانیایی واژه *canibal* از کلمه *caribal*، از خانوادهٔ زبانی «کادایب»^{*} **caraibe* ساخته شده است).

این واژه ویژهٔ شعایی است که به هنگام مصرف گوشت انسان انجام می‌شود. گاهی - البته به ندرت - هم‌نوع خواری منحصرأ به منظور یک هدف تغذیه‌یی است که به علت نیاز به غذا (هم‌نوع خواری به هنگام «قحطی»)، یا گاهی به خاطر خوش‌اشتهایی (هم‌نوع خواری به شکل «پر خوری»)، صورت گرفته است.

واژه «درون هم‌نوع خواری» (*endocannibalisme*)، به نوعی هم‌نوع خواری اطلاق می‌شود که در آن قربانی یکی از اعضاء گروه است.

واژه «مرده خواری» (*nécrophagie*) (*burial cannibalism*: Angl.) را برای مصرف گوشت شخصی که به مرگ طبیعی مرده - یا استخوانهای خاکستر شده‌ای که به صورت پودر درآمده است - به کار می‌برند. در بیشتر اوقات این مسئله مربوط به پدران و مادرانی است که مرده‌اند؛ بنا بر این، این خود شکلی از درون هم‌نوع خواری است.

(Angl. : *cannibalism*.)

۱ - مراد از مذاهب تلفیقی یا اختلاطی (*religions synchrétiques*)، آن دسته از مذاهب است که هماهنگ کننده و وفق دهندهٔ عقاید و ادیان مختلف می‌باشد. (م).

capture, mariage par

ازدواج تسخیری^۱

ازدواج تسخیری، به وسیلهٔ بانیان جامعه‌شناسی ابتدایی نظیر؛ هک‌لنن Mac Lennan به مثابهٔ نوع اصیلی از ازدواج در تاریخ بشریت به حساب آمده است. با وجود این، پژوهشهای مردم‌نگاری در محل نشان داده است؛ در مواردی که حقیقهٔ ازدواج تسخیری مورد پذیرش قرار گرفته، وجودی از يك قاعدهٔ ازدواج را به‌طور روشن و مشخص در بردارد که به وسیلهٔ اعضاء جامعه پذیرفته شده است، به قسمتی که این عمل نمی‌تواند از نظر تاریخی مقدم بر نهادی باشد که موجودیتی برای آن قایل است. هنگامی که این نوع ازدواج به کار بسته می‌شود، در هیچ موردی حتی در رایجترین شکلش نیز عمومیت ندارد، مگر اینکه ر بودن زن منحصرأ سمبولیک بوده و همان‌طور که در بعضی از جوامع «اندونزی» یا «گینه‌نو» مرسوم است، از پیش با توافق ضمنی یا صریح گروه متعلق به زن صورت گرفته باشد. البته، آنچه کمتر اتفاق می‌افتد، ازدواج منعقد شده بعد از فرار واقعی یا سمبولیک دو همسر آینده است، هنگامی که آنها موفق شوند از تعقیبهای قضایی در طی يك مهلت مناسب فرار کنند، می‌توانند به مثابهٔ زن و شوهر واقعی به روستا بازگردند. برعکس، تعداد معینی از حرکات یارفتارهای آیینی که در اکثر از دواجها به چشم می‌خورد (نظیر: گریه‌زاری، فریادهایی از طرف اعضاء خانوادهٔ زن که ظاهری مانند پیکار بین گروه شوهر و گروه زن و غیره دارد)، شاهی بر قوهٔ منفعله و کلیتی از يك اسطورهٔ تسخیریست که می‌تواند در ردیف همان مقوله‌ای قرار گیرد که مربوط به اسطورهٔ ادیبیست.

(Angl. : *marriage by capture* ; All. : *Raubheirat*.)

۱ - برای «mariage par capture»، می‌توان واژگان، «ازدواج تصاحبی»، «ازدواج به وسیلهٔ ربودن زن»، «ازدواج توقیفی»، «ازدواج با تصاحب شخص»، «ازدواج غنیمتی»، «ازدواج با فرار دادن زن»، و... را نیز به عنوان معادل‌های فارسی به کار برد که، در هر صورت با آن‌دك اختلاف در معانی، بیان‌کننده يك مفهوم خواهند بود. (م).

کارایب (یا کاریب) **Caraïbe یا Caribe, یا karib**

این واژه مربوط به یکی از خانواده‌های بزرگ زبانی آمریکای جنوبی یا قبیله سرخ‌پوستی است که نام خود را از آن گرفته است. به هنگام کشورگشایی اسپانیا، کاراییها روی قاره جدید و در مجمع الجزایر آنتی جنوبی (یا مجمع الجزایر آنتی کوچک) ساکن بوده‌اند. برخی آنان را بومیان فلاتهای واقع در نزدیکی چشمه‌های xingu و Tapajoz، در برزیل می‌دانند. در حال حاضر فقط يك قبیله از گویان انگلیس به این نام - که بیشتر اوقات *Carib* تلفظ می‌شود - شهرت دارد، اما در تمام شمال غربی آمریکای جنوبی، اقوام بیشماری پراکنده هستند که به خانواده زبانی کاراییب تعلق دارند، مانند: «ماکی ریتار»ها و «پانار»ها در ونزوئلا، «یوکپا»ها در ونزوئلا و کلمبیا، «ماکوسی»ها (les Makusi)، و «وای وای»ها (les waiwai) در گویان انگلیس، و غیره.

V. Arawak.

Farabee, W.C.: «The Central Caribs», in *University of Pennsylvania Museum Anthropological Publications*, X (P. 13-152), 1924. Gillin. J.: «The Barama River Caribs of British Guiana», in *Papers of the Peabody Museum of American Archeology and Ethnology*, 14,2, 1936.

(خانواده زبانی *cariban*; قبیله *Karib* یا *Carib*: Angl.)

آیین کارگو cargo cult, یا culte du cargo
(واژه cargo از کلمه انگلیسی *english - pidgin* نشأت گرفته است).

مجموعه‌ای از باورها و شعار عملی است که در رابطه با کادگو (*cargo*) صورت می‌گیرد. (از طرفی واژه کادگو برای آن قسمت از ثروتهای مادی

۱- *pidgin* در لغت مخفف *pidgeon* (کیوتر) است، اما در زبان‌شناسی به يك نوع زبان تحریف شده گفته می‌شود که در بنادر چین مورد استعمال دارد. (م).

که از ویژگیهای تمدن صنعتی جدید است، به کار برده می‌شود که به وسیله کشتی یا هواپیما، برای سفیدپوستانی که در منطقه بومی زندگی می‌کنند، جهت معیشت و لذا یز زندگی‌شان تقدیم می‌شود.

این واژه، مشخص کننده اختلاف بزرگ تکنیکی بین استعمارگران و استعمارشوندگان ملانزی است. استعمارشوندگان - که دقیقاً به علت این اختلاف آگاه نیستند - آن را به برخورد متفاوت اجداد دوزاد سیاه و سفید مربوط می‌کنند؛ به سفیدان که مطیع پروردگار خود بوده‌اند، روزی بیشتری تعلق گرفته است و حال آنکه سیاهانی که به خدایان خود پشت کرده‌اند، فاقد تکنولوژی پیشرفته‌اند و از حق ویژه‌شان کاسته شده است. آیینی که براساس اینگونه اعتقادات بنا شده، مفروض به استفاده از الطاف پاک اجدادی است که، از آن زمان، «کادگو» را برای ملانزیها - و نه برای سفیدها - خواهند فرستاد. تجسمات و مناسک مشخص و ویژه آیین «کادگو»، شاهی عینی از نوعی آیین تلفیقی* (*syncretisme*) مذهبی است. زیرا، در آنجا امتزاجی از عناصر اخذ شده از وعظ و آیین مسیحی و عناصری که از مصیبت دنیای مذهبی بوم زاد رها شده‌اند، یافت می‌شوند.

در حالی که واژه فوق، در اصل در حوزه ملانزی به کار رفته است، مع‌هذا، اکنون اصطلاح آیین (پرستش) کادگو *culte du cargo*، برای تعیین همه پدیده‌هایی از این نوع که در مناطق دیگر جهان مشاهده شده است، به کار می‌رود.

V. messianisme, nativisme, syncretisme.

La Barre (1971), Lawrence (1964), Leeson (1952), Mühlmann (1961), Worsley (1957).

(Angl. : cargo cult.)

Carib

کاریب

V. Caraïbe.

کازاس (بارتولومه دولاس کازاس)

Casas (Bartholomé de las-)

(درسال ۱۴۷۴ در Seville به دنیا آمد و در سال ۱۵۶۶ درگذشت).

او مبلغ و از اهالی دومینیکن «اسپانیا» بود که از سال ۱۵۰۲ تا روز مرگش از سرخ‌پوستان آمریکای لاتین، علیه اجحاف و ارتشاه کشورگشایان اسپانیایی (conquistadores)، با حرارت دفاع کرد. او مخصوصاً نفوذش را بر ای اصلاح و تغییر نظام استعماری «انکومینداها» *encomiendas به کار برد. کازاس بعدها اسقف حکومت «شیاپاس» Chiapas (حکومت جنوب غربی مکزیک) شد و در اثر معروفش به نام *Brevisima relacion de las Indias* با قدرت تمام سفاکیهای کشورگشایی را افشا کرد. او همچنین مؤلف کتاب «تاریخ عمومی سرخ‌پوستان» *(Historia general de las Indias)* است.

کاساو

cassave

(کلمه‌یی ست با ریشه سرخ‌پوستی -آمریکایی).

این واژه به نوعی کلوچه نانی نشاسته‌دار اطلاق می‌شود که نشاسته‌اش از ریشه‌های «مانیوک» *manioc به دست می‌آید و در جوامع بیشمار از آمریکای حاره‌ای همان مصرفی را دارد که نان در فرهنگهای غربی. در بعضی از مناطق، این واژه مختص خود مانیوک یا هر نوع خوردنی یا نوشیدنی (نظیر cashiri) است که از آن مشتق شده باشد.

(Angl. : cassava.)

۱ - Chiapas: حکومت جنوب غربی مکزیک، که در نوار اقیانوس آرام و در مرز گواتمالا واقع است. دارای آب و هوای زیر حاره‌یی ست. تا پیش از کشورگشایی اسپانیاییها به کشور کائو و کائوچوم معروف بوده ولی امروزه در آن قهوه و نیشکر کاشته می‌شود. (م).

کاست

caste

(کلمه‌یی است بادیشه پرتغالی که به عقیده لیتره (Littre) ، از واژه لاتین *castus* (chaste) گرفته شده است).

واژه کاست ، در درون یک جامعه، به گروهی اطلاق می‌شود که بی‌کم و کاست دارای حدود و ثغوریست و عملکردهای ویژه‌ای در قلمرو شعیار دینی، حقوقی و اقتصادی دارد. تشکیل و گمارش کاست در مواردی انجام می‌شود که مربوط به کاربرد نظام «خویشاوندی نسبی» *filiation** است. تنها در هندوستان است که کاملترین نمونه یک نظام کاست را می‌توان دید. در این کشور کاستهای مختلف (یا *jati*) که به گونه‌ای بسیار دقیق دارای سلسله مراتب هستند، نسبت به یکدیگر مشخص و معین شده و کل اعضاء یک جامعه را در خود جای می‌دهند. برای حفظ وضعیتشان در این سلسله مراتب و برخورداری از امتیازاتی که به این مسئله وابسته است، کاستها «درون‌همسری» *endogamie** را با متمم آن که «فراهمسری» *hypergamie** است، به اجرا می‌گذارند. آن دسته از معیارهای تشخیص که مانع روابط اجتماعی یک کاست از کاست دیگر است، به وسیله نوعی ایدئولوژی تزکیه، به ویژه تزکیه خون، احاطه و پنهان شده‌اند.

V. varna.

Bouglé (1908), Cox (1948), Dumont (1966),
Hocart (1938), Leach (1960), Srinivas (1962).
(Angl. :caste.)

نژاد قفقازی

caucasoïde, race

نوعی نامگذاریست که معمولاً تا اندازه‌ای در انسان‌شناسی جسمانی به جای نژاد سفید یا نژاد اروپایی به کار برده شده است.

(Angl. :caucasoid race.)

cauri**کوری**

(کلمه‌یی است که احتمالاً از واژه‌هندی *kauri* گرفته شده و در سانسکریت *kaparda* ناهیده می‌شود).

کودی، صدف کوچکی است که لبه‌های ضخیمی دارد و اساساً در دریای سرخ و در اقیانوس هند صید می‌شود و برای زینت یا به عنوان کالای مبادله، به ویژه در آفریقا یا اقیانوسیه، به کار می‌رود.

به طور کلی دو نوع کوری قابل ذکر است: *Cypraea moneta* و *Cypraea annulum* که کوچکتر است. استعمال کودی‌ها در قسمت بزرگی از جهان گسترش یافته است. در مصر، در عصر پیش از سلاطین، آنها را همراه مردگان دفن می‌کردند و در چین زمانی دراز به جای «پول» **monnaie* به کار برده شده است. در آفریقا، تا سال ۱۹۴۰ در تمام بازارها، وقتی پول کم می‌آمد، کودی به عنوان مکمل پول (پول تکمیلی *monnaie d'appoint*)، مورد استفاده بوده است. همچنین کودی‌ها در ترکیب زیورآلات مانند: گردن بندها، کمر بندها، حلقه‌ها، پوششهای سر (آرایش مو) و ماسکها داخل می‌شوند که، از آن میان بعضیها کاملاً پوشانده شده‌اند. حالات و صورت ظاهر کودی‌ها و پاره‌ای از اعتقادات که به آنها وابسته‌اند باعث شده است تا گاهی «کودی» را به مثابه نمادی از جنس مؤنث به حساب آورند.

(Angl. :cowrie.)

céphalique, indice**شاخص (ضریب) سر**

V. indice cephalique.

chamanisme یا shamanisme**شامانیسم**

(از واژه *shaman* گرفته شده و در زبان «تونگوز»، از خانواده زبانی «آلتائیک» **altaïque*، به کسی گفته می‌شود که آشوبی در درون دارد و دستخوش هیجان و تأثر شدید است).

شاما‌نیسم، مجموعه پیچیده‌ای از تظاهرات است که روی شخصیت اجتماعی شناخته شده شامان *chaman* (یا روی واژه *chamane* که گاهی *chaman* یا *shaman* هم نامیده شده است)، کشیش یا شفا دهنده متمرکز شده است و نیروهای مافوق طبیعی تحت تسلط دو فن مشخص قرار دارد: ۱- خلسه ۲- تصرف به وسیله ارواح و شیاطین. گاهی در تعریف، ارتباط این دو مرحله نسبت به هم انکار شده است (Éliade, 1951)، اما به ناحق (Lewis, 1971). روش مفروضی که در تحت آن شامان به کمک اعضاء جامعه‌ای می‌آید که برای او کار کرد اجتماعی و یسره‌ای می‌شناسند، «سفر» به آسمان نام دارد. در جریان این «سفر»، شامان با مبارزه یارام کردن خدایان و ارواح، راه شفا یا پیشگویی را برای خود فراهم می‌کند. حروفه شامان به وسیله یک سلسله از مظاهر روانشناختی که به‌ویژه به آن «هیستری شمالی» می‌گویند، مشهور شده است (V. piblotko). پدیده‌هایی از این نوع در تمام مناطق دنیا دیده می‌شود.

Éliade (1951), Lewis (1971), Métraux (1967).
(Angl.: shamanism.)

Chambuli

شامبولی

V. Tchambuli.

charivari

شاری‌واری (آهنگ‌ناموزون)

(اصل این کلمه احتمالاً از هجاهای مشابه به وجود آمده است).

شادی‌وادی، صدای زمخت و شدیدی بود که از به هم خوردن ابزارهای مختلف از قبیل دیگچه‌ها، تابه‌ها و... برمی‌خاست و توأم با فریادها و جوارو-جنجالهایی بود که سابقاً، در فرانسه، همه از دواجها را همراهی می‌کرد. بعدها، دیگر «شادی‌وادی»، مگر هنگام ازدواج و موجود بی‌سروپا و غیرملی یا جلوی منزل زنانی از جماعت ییوگان یا سالخورده‌گان که دوباره ازدواج می‌کردند، اجرا نشد. این رسم به‌طور رسمی در قرن هفدهم ممنوع اعلام شد، اما هنوز هم در بعضی از مناطق فرانسه دیده می‌شود. این عرف که در کانادا

یا در لوئیزیان (Louisiane) معمول شده بود، تحت نام شیوادی *shivaree* شناخته شده است.

(Angl. *charivari*.)

شکارچیان - جمع‌کنندگان خوراك (یا شکارچیان - گردآورندگان خوراك)

chasseurs-collecteurs (ou chasseurs-cueilleurs)

در جوامعی که با تکنولوژی ابتدایی اداره می‌شوند، عموماً جمع‌آوری خوراك کار اصلی زنان است، در صورتی که مردان به فعالیت‌های شکار یا صید می‌پردازند (نظیر موارد مربوط به «اندامانها» *Les Andamanais*، «بوشیمنها» *Les Bochimans*، پیگم‌های آفریقای استوایی...). در اینجا مسئله مربوط به ساده‌ترین شکل اقتصادی است و اغلب از آن به نام جامعه شکار-چیان - گردآورندگان خوراك در مقابل جوامع کشاورزان یا دامداران نام می‌برند.

تذکار: اصطلاح «غارتگران»^۱ که مترادف آن پیشنهاد شده است، ناقص و نارسا به نظر می‌رسد، زیرا این واژه که در اثر عدم آگاهی هم‌ردیف آن قرار می‌گیرد یادآور يك رفتار انگلی‌ست که موجب اختلال در تعادل اکولوژیکی می‌شود و این چیزیست که هرگز در مورد اقوامی که به شکار و گردآوری خوراك می‌پردازند صادق نیست.

(Angl. *food – gatherers and hunters*.)

chefferie

ریس سالاری، (شفری)

مقام یا پستی‌ست که در اختیار فردی قرار می‌گیرد تا به‌طور مداوم اقتدار سیاسی را در گروه معینی اجرا کند. درپاره‌ای از موارد، مردم‌شناسان

۱- مراد از «غارتگران» (*prédateurs*)، انسان‌ها و گیاهانی هستند که از فرآورده‌های دیگر موجودات تغذیه می‌کنند و تقریباً در ردیف انگل‌ها (پارازیت‌ها) قرار می‌گیرند. (م).

از استعمال این واژه پرهیز می‌کنند تا از خطر ایجاد اشتباهات و آشفتگیها جلوگیری شود، به ویژه هنگامی که در اینجا آن کارکرد سیاسی مورد نظر، موقتاً به وسیلهٔ يك مرد یا به طور دست جمعی توسط مقاماتی که یکی از آنان فقط سخنگو و ترجمان دیگران است اجرا شده باشد (به عنوان مثال، موردی که به کرات در جوامع آمریکای حاره‌ای دیده می‌شود).

نیل به مقام دبیس سالادی می‌تواند از طریق حق وراثت یا از طریق انتخاب باشد. به طور کلی صاحب این مقام، واجد امتیازات اقتصادی، تشریفاتی یا جنسی است که او را از سایرین متمایز می‌کند و غالباً اقتدارش از ویژگی مقدسی برخوردار است و حتی مصون از تعرضی است که می‌تواند به دلیل شجره‌های نیاکان و به قصد داشتن اجداد ملکوتی توجیه شود، به معنای وسیعتر، اقتدارش به دلیل آرمانی است که در آن همهٔ مفاهیم مربوط به قدرت سیاسی، وظیفهٔ حقوقی و حرفهٔ مذهبی، که درهم ادغام و مخلوط شده‌اند، دیده می‌شوند.

برای اینکه مفهوم واژهٔ رییس chef، در نقاط مختلف جهان معین و مشخص شود، بیشتر اوقات اسامی منطقه‌ای از نامهای بوم زاد گرفته شده‌اند؛ مانند cacique (کاسیک) در آمریکای لاتین، sachem (ساشم) در آمریکای شمالی، cheikh (شیخ) در آفریقای شمالی و غیره.

(Angl. : chieftainship)

chibcha

شیشا

شیشا يك خانوادهٔ زبانی است که منطقهٔ وسیعی از شمال غربی آمریکای جنوبی را کاملاً می‌پوشاند و شمار مهمی از قبایل سرخ‌پوستی را در خود جای می‌دهد که از آن جمله‌اند؛ باری‌ها (Les Bari) در ونزوئلا و کلمبیا، کوناها (Les Cuna) در آمریکای مرکزی. پائزها (Les Paez) در کلمبیا، تونه‌بوها (Les Tunebo) و غیره. از طرفی شیشا نام یکی از تمدنهای قدیم سرخ‌پوستی است که منطقهٔ بوگوتا (Bogota) را در قلمرو کنونی کلمبیا در تصرف داشته‌است. همچنین «شیشا» به اسامی: Muisca، Mosca یا Muysca نامیده شده است.

(خانوادهٔ زبانی: chibchan: Angl.)

Chicano**شیکانو**

۱- نام يك قوم سرخ پوستی است که کمتر شناخته شده و در منطقه ای واقع در جنوب غربی انحنای رود اورنک (Orénoque)، در ونزوئلا زندگی می کند.

۲- واژه یی است که برای مهاجران مکزیکی در ایالات متحده به کار می رود. این مهاجران که عموماً به زبان انگلیسی تکلم می کنند به تدریج فرهنگ و ویژه ای فراهم کرده اند که نه به مکزیکی مربوط می شود و نه به شمال آمریکا.

chicha**شیشا**

(واژه یی است اسپانیایی مربوط به آمریکای لاتین از ریشه *(taíno)*).

نام نوعی «آبجو» *«bière»* است که عموماً از ذرت تهیه شده و از آن، در تعداد بیشماری از مناطق آمریکای لاتین، هم به عنوان آشامیدنی و هم به عنوان غذا، بسیار استفاده می شود.

chiliastiques mouvements**جنبشهای شیلیاستیک**

(از ریشه یونانی *chilion* به معنی: هزار *mille* آمده است).

مفهوم حقیقی شیلیاستیک در سنت مسیحی، آیین مربوط به انتظار حکومت هزار ساله یا بعثت ثانی است. در يك معنای گسترده، جنبشهای شیلیاستیک در نزد ملتهای ستمدیده جهان سوم به جنبشهای «نهادگرایی» *«nativistes»* اطلاق می شود، که با ظهور پیامبران مشخص شده اند و تمایل به حکومتی از نوع «حکومت هزار ساله مسیح» *«millénariste»* دارند.

Syn.: millénariste.

V.: millénarisme, nativisme.

(Angl.: chiliastic movements; All: Chiliasmus.)

۱- «millénariste»، همان نظریه مربوط به حکومت هزار ساله مسیح در روی زمین، پیش از یوم الحشر (قبل از روز حکم آخرین) است. (م).

شومباردولوو ، پل-هانری

Chombart de Lauwe, Paul-Henri

(تولد: ۱۹۰۹، مرگ: -)

جامعه‌شناس فرانسوی و بانی «مرکز مردم‌شناسی اجتماعی و جامعه‌شناسی روانی» ست. پژوهشهای او و گروهش بیشتر به روانشناسی اجتماعی (جامعه‌شناسی روانی خانواده) و جامعه‌شناسی (مسایل و مشکلات برخاسته از شهری شدن و صنعتی شدن) نزدیک است تا به مردم‌شناسی.

Paris et l'agglomération parisienne (P-H. Chombart de Lauwe, S. Antoine, L. Couvreur, J. Cauthier), 1962
Des hommes et des villes, 1965. *La vie quotidienne des familles ouvrières*, 1966. *Paris, essai de Sociologie*, 1965. *Images de le Culture*, 1966. *Pour une sociologie des aspirations*, 1969.

chthonien

کتونی (ختونی)، زمینی

(از ریشه یونانی «*khthôn*» به معنای «زمین» گرفته شده است).

این واژه به معنی متعلق به زمین یا شریک زمین آمده است. جوامع بیشماری در سطوح مختلف، به‌ویژه در رابطه با شعیس یا اسطوره‌شناسی، بیان‌کننده تضادی آشکار بین مقولات زمینی (یا زیرزمینی) و مقولات ملکوتی (یا آسمانی) هستند. به عنوان مثال در مذهب مسیح، جهنم که شریک و مظهر «بدی» ست در زیرزمین جادارد (*chthonien*)، در صورتی که بهشت که وابسته به «خوبی» ست متعلق به آسمان می‌باشد.

V.dualisme.

(Angl. : *chthonian*.)

شورینگا یا tshuringa یا tjourounga

(واژه‌پی‌ست در زبان آداندا *aranda* که مربوط به ساکنان اولیه استرالیا است). از نظر ریشه‌شناسی، به هر شیئی یا هر ارزشی که به وسیله ارواح

منتقل می‌شود، شودینگا می‌گویند. بیشتر اوقات، در ادبیات مردم‌شناسی، این واژه مختص آن دسته از اشیاء آیینی است که از جنس چوب یا سنگ بوده و می‌توانند محل تجمع روح مردگان یا روح کودکان متولد شده باشند. از طرفی این اشیاء در تشریفات مربوط به گذرهای آیینی مورد استفاده قرار گرفته‌اند. در يك معنای محدودتر، وقتی شیء مورد نظر از چوب باشد، شودینگا منحصرأ در حکم يك تیغه چوبی (صوتی) **rhombe* عمل می‌کند. (Angl. : *churinga*, یا *t jurunga*.)

churuata

شوروآتا

(واژه‌ای ست اسپانیایی و مربوط به آمریکای لاتین).

V. maison collective.

civilisateur, héros

قهرمان اشاعه تمدن و فرهنگ

V. héros culturel.

(Angl. : *culture hero*.)

civilisation

تمدن

غالباً چنین برمی‌آید که واژه تمدن دارای وضعیتی است که تعداد معینی از «فرهنگها» **cultures* در جریان تاریخ انسانی به آن رسیده‌اند. برای بعضی، «تمدن» با ظهور شهر (که گاهی متصف به «انقلاب شهری» است) یعنی مرکز فعالیت‌های تشریفاتی، اقتصادی و سیاسی، از «فرهنگ» متمایز می‌شود (مثلاً در این مورد به کتاب چاپلد (۱۹۵۴) مراجعه شود). به عنوان مثال همیشه از تمدنهای پیش از کلمبیا^۱ (آزتک، اینکا، مایا

۱- مراد از «تمدن پیش از کلمبیا» (*civilisation précolombienne*)، تمدنی است که برای تاریخ و تمدن آمریکا، تا پیش از آمدن کریستف کلمب، قایلند. (م).

و غیره)، از تمدن چین، از تمدن غربی و غیره حرف می‌زنند، ولی می‌گویند؛ فرهنگ «دگن» *Dogon**، فرهنگ «پوئبلو» *Pueblo**، فرهنگ «تروبریاند» *Trobriland** و غیره. این تمایز، طبعاً، مورد پذیرش واقع شده و اعتقاد اکثر مردم شناسان براین است که تفاوت‌های جوهری (substantielle) یا وجودی (ontologique) بین فرهنگ و تمدن وجود ندارد. همچنین، گاهی این واژه به معنای «حوزه فرهنگی» *aire culturelle** به کار برده شده است.

(Angl. : civilization.)

کلان

clan

(واژه‌بی‌ست مربوط به سلسله‌های *celtes* ساکن ایرلند یا اسکاتلند: *clann gaëlique*.)

کلان، گروهی است که از يك يا چند «طایفه» *lignage** تشکیل شده و محل آن معین یا نامشخص است و می‌تواند «پرونده‌همسر» *exogame** بوده یا نباشد. اما، برای برخورداری از چنین اعتباری، باید واجد روحی باشد که در يك جسم کاملاً مشخص و معینی جان و توان یافته است و نیز به منزله چارچوبی که بتواند همبستگی فعالی بین اعضایش ایجاد کند. کلان مجموعه‌ای از افراد است که درحالی که، برطبق يك قاعده خویشاوندی يك خطی، خود را به مثابه خویشاوندان می‌شناسند، مع‌هذا، هیچگونه وجه مشترك دیگری ندارند و در واقع نه يك «کلان» بلکه يك طبقه^۱ (*categorie*) را تشکیل می‌دهند. اعضاء يك کلان معمولاً قادر به ایجاد ارتباط دودمانی با جد مشترکی که نام خود را از او گرفته‌اند نیستند و این همان چیزی است که باعث تشخیص و تمیز این گروه طایفه‌ای می‌شود، یعنی مجموعه‌ای از خویشاوندان که در بین آنها همیشه می‌توان خطوط دودمانی (*généalogique*) را ترسیم کرد. تذکار: بعضی از انسان‌شناسان آمریکایی به چنین موجودیتی «clan»

۱- واژه «*lignage*»، گاهی به مفهوم «تیره» نیز به کار رفته است. (م).

۲- واژه «*catégorie*» در بسیاری از موارد به معنای «مقوله» است و در این صورت کاربرد صحیحتری را القاء می‌کند. (م).

می‌گویند و برخی دیگر برای آن واژه «sib» را ترجیح می‌دهند و واژه «clan» را فقط در مورد «sibs» که دارای بنیان زراعی ویژه‌ی ست، به کار می‌برند.

طبقات زناشویی (یا طبقات ازدواج)

classes matrimoniales (ou classes de mariage)

این واژه در مورد تقسیمات مربوط به کل جامعه به کار می‌رود که عملکرد آن تنظیم ازدواج است، در حالی که همسران احتمالی و ناممکن را در واحدهای متفاوتی قرار می‌دهد. این مکانیسم، زمانی دراز در نزد بومیان استرالیا به منزله مسئله‌ای بسیار مهم و دست اول به حساب آمده و از دید دانشمندان اروپایی همچون شاهد و دلیلی برای ظرفیتهای بزرگ عقلانی و فکری آنان بوده است.

(Angl.: marriage classes.)

واژه خویشاوندی طبقه‌بندی شده (یا واژگان طبقه‌بندی شده)

classificatoire^۱, terme de parenté (ou terminologie -)

وقتی به يك واژه خویشاوندی طبقه‌بندی شده می‌گویند که در مورد اشخاصی به کار رود که به دو طبقه متمایز و مجزا از خویشاوندان یا بیشتر تعلق داشته باشند. حضور واژگان طبقه‌بندی شده، به طور قابل ملاحظه‌ای، که متطابقاً امکان‌پذیر است، از شمار طبقات خویشاوندی می‌کاهد. مثلاً در خویشاوندی غربی واژه «پدربزرگ» که برای پدر پدر یا پدر مادر به کار می‌رود، يك واژه طبقه‌بندی شده است. به همین ترتیب، این مسئله در مورد «عمو، دایی» (oncle)،

۱ - واژه «classificatoire» اصولاً در تعلیم و تدریس به کار می‌رود و به معنای «تشکیل طبقه‌دادن یا شرکت در طبقه» آمده است اما واژه «parenté clasificatoire» که در اینجا «خویشاوندی طبقه‌بندی شده» ترجمه شده است، «از نظر مردم‌شناسی روی معیارهای مربوط به روابط اجتماعی نباشد و تشخیص بین خویشاوندان مستقیم و خویشاوان جانبی را بی‌اثر می‌کند». نقل به اختصار از Robest, 1. ص ۳۲۳. (م).

«برادرزن، برادرشوهر» (beau - frère)، «پسردایی، پسرعمو، پسرعمه، پسرخاله» (cousin) و غیره نیز صادق است.

(Angl. : *classificatory kinship term.*)

واژگان خویشاوندی طبقه‌بندی شده (یا نظام خویشاوندی طبقه‌بندی شده)

classificatoire, terminologie de parenté (یا **classificatoire, système de parenté**)

نوعی واژگان خویشاوندی است که به‌طور جزئی یا کلی از تمایز بین خویشاوندان مستقیم و خویشاوندان جانبی* (*collatéraux*) بیخبر است. مثال بارز در این مورد مربوط به «نظام خویشاوندی هاوایی، *Hawaiien**» *système de parenté* است، که در آن پدر (*père*) و عمو، دایی (*Oncle*) به وسیله یک واژه معین شده‌اند و به همین ترتیب برای برادر (*frère*) و پسردایی ... (*cousin*)، یک واژه به‌کار رفته است.

V. dénotatif, descriptif

V. parenté

V. Crow, Eskimo, Hawaiien, Iroquois, Omaha, Soudanais.

(Angl. : *classificatory kinship terminology.*)

Cliffdwellers

کلیف‌دولرز

(اصطلاحی ست‌انگلیسی به معنای: صخره‌نشینان یا ساکنان مرتفعات کناردریا).

این واژه مختص اجداد سرخ‌پوستان «پوبلو» *Pueblo** است که در روستاهایی که در پناه صخره‌ها یا مرتفعات بزرگ ساخته شده یا در درون آنها حفر شده بود زندگی می‌کردند.

clitoridectomie**قطع چوچوله یا ختنه زنان**

V. excision

(Angl. : *clitoridectomy*.)**clone****تولید مثل یا آبستنی غیرجنسی**

clone مجموعه‌ای از افراد (گیاهان) است که از یک موجود (گیاه) منحصر به فرد از راه نمو (*végétative*) یا از راه غیر جنسی (*asexuelle*) نسب می‌برند. در قلمرو کشاورزی و گلکاری مناطق حاره، عمل قلمه زدن یا تکثیر گیاهی به نام «تادو**taro*»، که با قراردادن قطعه‌ای از پیاز آن در زمین صورت می‌گیرد، نمونه‌های بارزی از آبستنی غیر جنسی یا تشکیل «کلونها» *clones* است.

(Angl. : *clone*.)**coépouses****چندهمسر ها**

این واژه در مواردی به کار می‌رود که در آن، در یک ازدواج چندزنی (*polygyne*)، زنان دارای یک شوهر هستند.
(Angl. : *plural wives*, یا *plural spouses* یا *cowives*.)

خویشاوندی همزادی (یا نظام خویشاوندی همزادی)**cognatique, filiation^۱ (ou système –)**V. *filiation indifférenciée, système bilatéral.*(Angl. : *cognatic descent*.)

۱ – برای واژه «*filiation*»، گاهی معادل فارسی «نسب» نیز به کار رفته است. (م).

همزادها

cognats

همزادها افرادی هستند که به‌طور یکسان، از طریق مردان و زنان، از یک جد مشترک نسب می‌برند. گاهی به‌روابط بین همزادها؛ خویشاوندی «زیستی» یا خویشاوندی «طبیعی» می‌گویند. بنا براین، نظام خویشاوندی همزادی، عکس نظام یک خطی است (V. *matrilinéaire*, *patrilinéaire*).

تذکار:

در نزد برخی از مؤلفان قدیمی، همزادها به‌مثابه خویشاوندان همخون در خط خویشاوندی مادری توصیف شده‌اند. امروزه این پذیرش دیگر مورد قبول نیست.

Ant. :agnats.*

(Angl. :cognates.)

معیار جانبی بودن، معیار خویشاوندان جانبی

collatéralité, critère de

یکی از ملاک‌هایی است که برای تفکیک آن دسته از نظام‌های خویشاوندی به کار می‌رود که حضورشان در یک واژگان به معنی مشارکت در موجودیت «واژگان تعیینی» **termes dénotatifs* است. در حقیقت ارتباط بدینگونه است که در میان همه خویشاوندان همخون که از یک جنس بوده و از یک نسل هستند برخی کمتر از دیگران به هم نزدیکند، زیرا در ضمن استخراج منشاء آنها از یک جد مشترک معلوم می‌شود که از یکدیگر نسب نمی‌برند. بسیاری از زبانها اینگونه تمایز و تفکیک را در نظر نمی‌گیرند و خویشاوندان مستقیم و جانبی را بایک واژه نشان می‌دهند؛ در این صورت بسایک نظام «طبقه‌بندی شده» **classificatoire* سروکار خواهیم داشت. مثلاً این معیار در زبان فرانسه، که برای پدر (père) و عمو (oncle) تفکیک قایل است، به کار می‌رود، درحالی که زبان تائیتی از این مسئله بیخبر مانده است زیرا در این زبان برای این دو خویشاوند یک واژه مشترک وجود دارد.

V. assimilation, bifurcation.

(Angl. :criterion of collaterality.)

جمع کنندگان (یا گردآورندگان) خوراک

collecteurs (ou cueilleurs)

واژه گردآورندگان یا جمع کنندگان مواد غذایی، آن دسته از گروه‌های انسانی را توصیف می‌کند که یکی از اساسی‌ترین شیوه‌های تحصیل خوراکشان جمع‌آوری (یا گردآوری) محصولات گیاهی (میوه‌ها، ریشه‌ها، غده‌ها و غیره) و حیوانی (کره‌ها، حشرات، چهارپایان مرده...) است. معمولاً اینگونه فعالیتها توسط زنان صورت می‌گیرد، درحالی‌که مردان به شکار یا صید می‌پردازند.

V. chasseurs – collecteurs.

(Angl. : *food-gatherers*; cueillette: *food-collecting*.)

collective, maison

خانه جمعی

V. maison collective.

colombin, poterie au

کوزه‌گری به روش مارپیچ

نوعی شیوه ساخت ظروف سفالی است. در این روش لوله‌های خمیر را به شکل مارپیچ می‌پیچند و سپس به وسیله صیقل جوش می‌دهند. این روش اجازه می‌دهد تا ساخت ظروف از نظم و ترتیب شگرفی برخوردار باشد. چنین روشی را می‌توان در مناطقی از آفریقا، ملانزی و آمریکا مشاهده کرد، مناطقی که در آن اغلب، فنی که قابل مقایسه با سبب سافی مارپیچی شکل است مورد پذیرش قرار گرفته است.

(Angl. : *pottery by coiling*.)

communauté

اجتماع (واحد اجتماعی)

این واژه در یک معنای کلی به گروهی اجتماعی اطلاق می‌شود که از خانواده‌هایی که به یکدیگر وابسته‌اند تشکیل شده است. اعضای این گروه دارای ثروت و منافع مشترکی هستند و معمولاً باهم زندگی می‌کنند.

از نظر محیط‌شناسی، مراد از واژه *communauté* (یا «اجتماع موجودات زنده *communauté biotique*») مجموعه‌ای از جمعیت‌هاست که در مکان معینی زندگی می‌کنند.

(Angl. : *community*.)

کمونیسم ابتدایی (جامعه اشتراکی اولیه)

communisme primitif

گاه تا آنجا پیش‌رفته‌اند که واژه «کمونیسم» را که به‌عنوان «مالکیت جمعی وسایل تولید» یا به‌طور بسیار مبهم «فقدان مالکیت خصوصی» معین شده است، علامت مشخصه جوامعی می‌دانند که به جوامع اولیه معروف است (این مسئله به‌ویژه در مورد «تطور و تکامل‌گرایان» **évolutionnistes* صادق است). اما چنین تأکیدی، در بیشتر اوقات، جز انعکاسی از مسایل و پیشداوریه‌های ویژه تمدن غربی نیست. در واقع، تعداد بیشماری از پژوهش‌های مردم‌نگاری نشان داده‌اند که در اکثر جوامعی که توسط مردم‌شناس مطالعه شده است، حقوق فردی و حقوق جمعی با هم وجود دارند.

(Angl. : *primitive communism*.)

کمونیسم جنسی

communisme sexuel

V. mariage de groupe.

V. Promiscuité primitive.

(Angl. : *sexual communism*.)

کومپادرازگو

(واژه اسپانیایی).

compadrazgo

به‌طور نظری واژه *compadrazgo*، شباهت به‌نوعی رابطه «عمیدی»

(شرکت در تعمید^۱ compérage) دارد که بین پدر و مادر يك طفل و پدر و مادر تعمیدی او برقرار است - واژگان مستقیم خویشاوندی که در بین آنها به کار می رود، «پدرخوانده» و «مادرخوانده» است - در عمل، این واژه در آمریکای لاتین، در بیشتر اوقات مبتنی بر «ارتباط دوستانه» ساده ای بین دوفرد است که وابستگی آنها نسبت به هم الزاماً به خاطر يك پسر یا دختر خوانده نیست. گاهی این واژه نیات مربوط به تسلط اقتصادی یا سیاسی - اجتماعی را پنهان می کند. چنین عرفی، به ویژه در بخشهای مربوط به محل استقرار سرخ پوستانی که در راه «فرهنگ پذیری»^{*} acculturation هستند، گسترش وسیعی یافته است. به درستی که قدرت و اعتبار سلاطین و امیران محلی (معروف به کاسیک cacique) مدیون شمار بزرگی - تا صدها تن - از «پدرخوانده ها» است، که در بین اعضاء طبقات محروم و بی چیز جا دارند.

تحلیل فرهنگی مقایسه ای

comparative, analyse culturelle

يك نوع روش مقایسه ای است که مبتنی بر فهرست بندی مقوله های مربوط به مفروضات و داده های اقوام بسیار مختلف است. نظیر: راز آموزی، ازدواج، زینت آلات (آرایش)، قطع برخی از اعضاء (در رابطه با مناسک گذر) و ...

مراد از این روش کشف پاره ای از خصیصه های شناخته شده یا برخی از نظمها، یا برجسته کردن بعضی از تفاوتهاست. این روش اغلب متکی بر تجزیه و تحلیل آماری است. نظام * «H.R.A.F»، اساساً برای تسهیل این نوع مطالعه به وجود آمده است.

Mead (1953), Murdock (1949), (1957).

(Angl.: cross - cultural survey, یا cross - cultural analysis.)

۱ - برای واژه «compérage»، که در زبان فرانسه به معنای: «همدستی در»، «شرکت در (جرم یا تقلب)» و غیره آمده است، در این متن مفهوم «شرکت در تعمید» انتخاب شده تا معنای آن در بین سایر عبارات بهتر بیان شود. (م).

روش مقایسه‌ای

comparative, méthode

از این روش که مبتنی بر نزدیک کردن رویدادها و موضوعات فرهنگی متفاوت به منظور مقایسه آنهاست؛ در انسان‌شناسی و علوم اجتماعی بسیار استفاده شده و می‌شود و یکی از اهداف آن کشف قوانین و قواعدی است که برای تمام جوامع معتبر است. خطر اصلی روش مقایسه‌ای - که برخی از مؤلفان گرفتار آن هستند - این است که این روش بیش از حد تعمیم داده شود تا، با این هدف که می‌خواهد پدیده‌های ویژه در هر فرهنگ را باهم مقایسه کند، آنها را از شکل بیندازد یا غیر قابل تشخیص نماید.

Boas (1896), Dumézil (1968, 1971, etc), Frazer (1890), Freud (1912), Lévi - Strauss (1949, 1958, 1962, etc.), Mead (1935), Morgan (1877), Murdock (1949), etc.

(Angl. : *comparative method*, یا *cross-cultural method*.)

همدستی در (شرکت در)...

compérage

V. compadrazgo.

(Angl. : *compaternity*.)

تحلیل ترکیبی (عاملی، جزء به جزء)

componentielle, analyse

تحلیل ترکیبی نوعی شیوه عمل صریح و قطعی است که زبان‌شناسی آن را از مردم‌شناسی عاریت گرفته است تا آن دسته از مفاهیم فرعی را که در قاموس هر واژه و در واژگان مختلف وجود دارد، ظاهر سازد. در واقع، در مجموعه اصطلاحات خویشاوندی و در زبانهای مختلف است که بیشتر اوقات تحلیل ترکیبی با حداکثر موفقیت به کار برده می‌شود، اما در بخشهای دیگر واژگان نیز، به این منظور، اعمال مشابهی صورت گرفته که عبارتند از: شیوه طبقه بندی رنگها، نظامهای نامگذاری رنگها و غیره.

تحلیل ترکیبی مستلزم شناخت عمده‌ای از مجموع زبانهای بومی است که بخش ویژه‌ای از آن به عنوان راه‌حل (در طبقه‌بندی) مجزا خواهد شد. این روش اعمال مختلفی را به کار می‌گیرد که از یک منطق صریح و قطعی (منطق مربوط به طبقات و ارتباطات) برمی‌خیزد و فرصت دستکاری و استفاده از قالبها (ماتریسها) را به دست می‌دهد.

Goodenough (1956), Lounsbury (1956), Panoff (1965).

(Angl.: *componential analysis*.)

connubium

همسرگزینی

این واژه مختص عمومیت‌ترین نظامهای مبادلات زناشویی بین دو یا چند گروه است.

تذکاد: تحت نظام «همسرگزینی رایج»، انسان‌شناس هلندی وان وودن (Van wouden, 1935)، نظریه‌ای پیشنهاد کرده است که مدتها ناشناخته مانده و از نظریه لوی - اشتروس Lévi-Strauss در کتاب «ساختارهای بنیانی خویشاوندی» (1949) پیشی گرفته است.

جادو به وسیله سرایت (یا، جادوی مسری)

contagion, magie par (ou, magie contagieuse)

نوعی جادوست که عقیده دارند اگر شیئی را که مایلیم نظیرش را به دست آوریم یا مثلاً جزیی از حیوانی را که چشم امید به کسب پاره‌ای از ویژگیهای خاص آن داریم، دستمالی کرده یا با خود حمل کنیم، به طور قطع اثر خواهد کرد.

Quasi syn.: *sympathique**, magie.

V. contiguïté

Frazer (1890), Mauss (1950).

(Angl.: *contagion magic* یا *magic by contagion*.)

قانون مجاورت (قانون همجواری) *contiguïté, loi de*

بنا به گفته فریزر، اعمال جادویی از کاربرد دو قانون، که معروف به «سرایت» *contagion** و «هم‌و‌محبت» *sympathie** هستند، یعنی؛ «قانون مجاورت» *loi de contiguïté* و «قانون تجانس» *loi de similarité* منتج خواهند شد که در فرمول مشهور زیر خلاصه شده‌اند: «اشیایی که با هم در تماس بوده‌اند، با قطع این تماس باز روی هم تأثیر می‌گذارند و آن را ادامه می‌دهند، به‌طوری که انگار تماس بین آنها همیشه برقرار بوده است یعنی همجنسان نظیر خود را به وجود می‌آورند». برخی از مؤلفان این دو قانون را که به‌دو شکل از جادو یعنی «جادوی مسری» *magie contagieuse* و «جادوی همانندی» *magie homéopathique* وابسته بوده و با دو نوع تداعی روانی مطابقت دارند، در مقابل و رو در روی هم قرار داده‌اند. می‌توان این تفکیک و تمایز را به‌صورت متفاوت و قابل مقایسه‌ای در ساخت‌گرایی - زمانی که، کنایه و استعاره یا ترتیب و نمونه، برخلاف هم و به نوبت به «جادوی مسری» و به «جادوی همانندی» نزدیک می‌شوند - پیدا کرد.

(Angl.: *contiguity, law of*.)

convergence

همگرایی

واژه همگرایی، نوعی آگاهی و تصور ذهنی است که برای تسویه و اثبات رویدادهای فرهنگی یکسان (موضوعات، فنون، رسم و رسومات و غیره) در جوامع متفاوت معمول شده است، بدون آنکه مجبور شویم تسا به‌مقایسه «اشاعه» *diffusion** یا بسدعت آزاد و مستقل که به ترتیب از مختصات «اشاعه‌گرایی» *diffusionnisme** و «تطود و تکامل‌گرایی» *évoluti-onnisme* دقیق و جدی‌ست، مراجعه کنیم. در واقع، ظهور یکسان دوطبقه، نشان‌دهنده منشاء مشترکشان نیست؛ برعکس، آنها می‌توانند دارای یک توالی در توسعه‌های قبلی باشند که از اصل باهم متفاوتند. اما آگاهی از «امکانات محدود» یک شکل فرهنگی که با اندیشه همگرایی عجین شده است، نه تنها مشکل دلایل توسعه فرهنگی را حل نمی‌کند، بلکه بیش از پیش از آن دوری می‌جوید، در واقع این مفهوم و آگاهی به توسعه فرهنگی تبیین و توصیفی «نیمه راه»

(mi - chemin) عطا می‌کند که بین جبر گرایی تکاملی و «تصادف» اخذ شده از اشاعه گرایی قرار دارد.

Boas (1896), Goldenweiser (1933), Graebner (1911), Herskovits (1949), Kroeber (1948), Linton (1936).

(Angl. :convergence.)

کوردیلین

cordyline

کوردیلین، گیاهی است که می‌تواند به اندازه درخت کوچکی قد بکشد. این گیاه در اقیانوسیه برای زینت باغهایی که آذوقه و خوراک را تأمین می‌کنند، در قبرستانها و در روستاها مورد استفاده قرار گرفته است، اما، اغلب نقش بارزی نیز در جادو و شعائر مذهبی بازی می‌کند. از ریشه‌اش ساکنان قدیمی پولینزی قند استخراج می‌کردند.

(Angl. :cordyline.)

گروه اخلاقی (روحی، عقلی)

corporate group

این اصطلاح انگلیسی، ویژه تشخیص گروههایی است که، از نظر حقوقی در جوامع فاقد قواعد نوشته شده، از يك «شخصیت اخلاقی» برخوردارند و در مقابل گروههای اشتراکی دیگری قرار دارند که نه در طی زمان دارای پیوستگی و استمرار بوده‌اند و نه استعداد ولایت اجرایی قوانین در آنها مشاهده شده است.

کوروبوره

corroboree

کوددبوره، نوعی تشریفات بومیان استرالیا ییست و به وسیله رقصها یا لال بازیهای (pantomimes) مشخص شده است که صحنه‌ها یا رویداد-های اسطوره‌شناسی محلی را عرضه یا باب روز می‌کند (نظیر: صحنه‌های جنگی، مراحل شکار، ظهور قهرمانان فرهنگی و غیره).

(Angl. :*corroboree*.)

پسر دایی (عمه) ها و دختر دایی (عمه) های عرضی (مقاطع) **cousins croisés^۱**

این اصطلاح برای فرزندان مربوط به دو «ژمن^۲*germain» باجنس متفاوت به کار برده می‌شود. این نام که به وسیلهٔ یک زبان مشخص و معین به پسر داییهای عرضی *cousins croisés* داده شده یکی از معیارهای اصلی است که در سنخ [نوع] شناسی واژگان و «نظامهای خویشاوندی *systèmes de parenté** استفاده شده است.

Ant: *cousins parallèles*.

(Angl. :*cross cousins*.)

ازدواج پسر دایی (عمه) ها و دختر دایی (عمه) های عرضی **cousins croisés, mariage de**

از همه «ازدواجهای ترجیحی* *mariages préférentiels*» یا تجویز شده (*prescrits*) شناخته شده تر بوده و بهتر و بیشتر مطالعه شده است. این ازدواج می‌تواند با دختر دایی (عمه) های عرضی پدرجانبی (دختر خواهر پدر) یا مادر جانبی (دختر برادر مادر) یا بی‌هیچ تفاوتی با یکی از این دو دختر عمه یا دختر دایی صورت گیرد. قاعدهٔ ازدواج را در دومورد نخستین بی‌قرینه و ناموزون و در مورد آخر متناسب و موزون می‌گویند.

در پاره‌ای از موارد مثلاً در نظام «کادیرا* *kariera*»، قاعدهٔ ازدواج بر این روال قرار می‌گیرد که یک مرد با دختر دایی (عمه) دوجانبی (*bilatérale*) خود ازدواج کند یعنی بازنی که در آن واحد هم دختر دایی (دختر برادر مادر) و هم دختر عمه (دختر خواهر پدر) اوست.

۱- برای این اصطلاح می‌توان معانی مختلف دیگری نیز به کار برد. (م).
۲- ژرمنها *germans* بدون در نظر گرفتن جنسشان، به فرزندان اطلاق می‌شوند که از یک والدین باشند. (م).

(Angl. : *cross cousins marriage*.)

پسرعمو (خاله)ها و دخترعمو (خاله)های موازی **cousins parallèles^۱**

این اصطلاح برای فرزندان مربوط به دو «ژدمن» **germain* از یک جنس به کار برده می‌شود. این نام که به وسیلهٔ یک زبان مشخص و معین به پسر-عموهای موازی *cousins parallèles* داده شده، یکی از معیارهایی است که در سنخ [نوع] شناسی واژگان و «نظامهای خویشاوندی» **systèmes de parenté* استفاده شده است.

Ant: consins croisés.

(Angl. : *parallel cousins*.)

کواد (زایمان دروغی مردان) **couvade**

رسم رایجی است، مربوط به مرحلهٔ پیش از زایمان. بنابراین رسم، پدر آینده شماری از ممنوعیتها را که بر او تحمیل شده است می‌پذیرد. همان‌طور که رفتار تثبیت شده‌ای نیز مادر آینده را مجبور به انجام تشریفات خاصی می‌کند، نظیر؛ استراحت پیش از زایمان، جدا ماندن از دیگران و تنهایی اختیار کردن، وضعیتی ساکن و خوابیده داشتن و غیره. بنابراین، پدر آینده در حکم کسی محسوب می‌شود که همانند مادر آینده در به دنیا آوردن فرزند مشارکت داشته است! نظریه‌های بیشماری برای توجیه کوداد پیشنهاد شده است؛ بنا بر برخی از این نظریه‌ها، کوداد یادآور مفهوم و تصویر ذهنی «جادوی مسری» **magie par contagion*، و بنا بر نظریه‌های دیگر، متبادر کنندهٔ روان-تحلیلی است.

(Angl. : *couvade*.)

۱- به فرزندان دوبرادر یا دوخواهر، «Cousins parallèles» و به فرزندان یک برادر و یک خواهر، «Cousins croisés» می‌گویند. (م).

زبانهای کرئول

créoles, langues

زبانها یا لهجه‌های کرئول، به انواع گفتارهای مختلطی اطلاق می‌شود که در جزایر آنتی (Antilles) به دنیا آمده و در حوزه کاراییب بسیار رشد کرده است و صرفاً به منظور رفع نیازهای ارتباطی بین سوداگران و مستعمره‌نشینان سفیدپوست از یک طرف و بوم‌زادان از طرف دیگر به کار می‌رود.

اساساً، این زبانها را عناصر يك زبان اروپایی (فرانسه، انگلیسی، اسپانیایی) تشکیل می‌دهند و عموماً از يك ریخت‌شناسی ابتدایی به قدر کافی برخوردارند. در يك معنای گسترده‌تر می‌توان گفت که این اصطلاح برای سایر زبانهای مختلط استعماری، در خارج از حوزه کاراییب نیز به کار برده می‌شود.

V. pidgin. V. véhiculaires, langues.

(Angl. : creole languages.)

پسردایی (عمه)ها و دختردایی

croisés, cousins

(عمه)های عرضی

V. cousins croisés.

کرو

Crow

نام يك قبیله سرخ‌پوستی از خانواده زبانی «سیو*Siou» ست که در دشتهای آمریکای شمالی و در منطقه‌ای واقع در حوزه ایالات مونتانا و یومینگ wyoming زندگی می‌کرده است.

کروها اسب‌تربیت می‌کردند و گله‌های گاو و وحشی و سایر مهره‌داران بزرگ مورد بهره‌برداری و تغذیه آنها قرار می‌گرفت. تاحوالی سال ۱۹۵۰ در حدود ۲۰۰۰ تن از آنان ارزیابی شده‌اند، که امروزه در يك منطقه اختصاصی و جدا شده (réserve) در ایالت مونتانا زندگی می‌کنند

(Angl. : Indian reservation)

اساساً، کروها به وسیله مردم‌شناسان شناخته شده‌اند. زیرا، برای توصیف نوعی نظام خویشاوندی و نیز برای تحریر نگاری به وسیله «لوی*Lowie»

از نام آنها استفاده شده است.

R. H. Lowie, *The Crow Indians*, New York, 1935,
(Angl.: Crow.)

نظام خویشاوندی کرو Crow, système de parenté

در نوع شناسی مربوط به موداک (۱۹۴۹)، این اصطلاح برای نوعی نظام خویشاوندی به کار می رود که به وسیله خویشاوندی نسبی «مادر تباری» *matrilinéaire** یا «مضاعف» *double** و واژگانی از نوع کرو. برای «دختر دایی» (عمه) های عرضی *cousines croisées**، مشخص شده است. بنا به تعریف هنگامی به سلسله اصطلاحات «کرو» گفته می شود که دختر خواهر پدر FeSrPe (دختر عمه) و دختر برادر مادر FeFrMe (دختر دایی) نامهای متفاوتی داشته باشند و نیز در عین حال که دختر خواهر پدر FeSrPe (دختر عمه) با خواهر پدر SrPe (عمه) و دختر برادر مادر FeFrMe (دختر دایی) با دختر برادر FeFr (برادرزاده) مخلوط و یکی شده اند، بتوان هر يك از خواهران و دختر عمو (خاله) های موازی را مشخص و متمایز کرد. یکی از مشخصترین خطوط واژه شناسی کرد فقدان تشخیص و تمایز بین اعقاب و نسلهاست. در اسلوب خویشاوندی نسبی «پدر تباری» *Patrilinéaire** يك نظام خویشاوندی متقارن و موزون به نام نظام «اوماها» *Omaha** به چشم می خورد.

(Angl.: Crow type.)

cueilleurs

گردآورندگان خوراك

V. collecteurs. V. chasseurs – collecteurs.

culte du cargo

آیین کارگو

V. cargo, culte du.

آیین بحران

culte de crise

V. nativisme

(Angl. : crisis cult.)

بومی شده (کولتی ژن)

cultigène

این واژه برای تشخیص و تمیز یک نوع گیاه کشت شده (بومی) از یک نوع [گیاه] وحشی است. کولتی ژن خود در حکم یک آگاهی و مفهوم پراهمیتی است که در مردم شناسی گیاهی و در مطالعات محیط شناسی مورد استفاده قرار می گیرد.

(Angl. : cultigen.)

کولتی وار (تغییر کشت)

cultivar

مراد از این واژه، انواع یک نوع [گیاه] کشت شده است. بنابراین، کولتی وار یک زیر مجموعه از مجموعه کولتی ژن *cultigène* است. این واژه در حکم یک آگاهی و مفهوم پراهمیتی است که در مردم شناسی گیاهی و در مطالعات محیط شناسی مورد استفاده قرار می گیرد.

(Angl. : cultivar.)

فرهنگ گرایی (فرهنگ طلبی)

culturalisme

واژه بی ست که در تحت آن گاه یک گرایش «انسان شناسی فرهنگی *anthropologie culturelle**» تعیین و انتخاب می شود. این واژه که اساساً یک واژه آمریکایی است، تحت تأثیر روان شناسی، روان کاوی و بعضی از مسایل فلسفه تاریخ قرار گرفته و در جستجوی کشف مختصات (ویژگیهای) یک فرهنگ از طریق مطالعه مظاهرش در میان افراد و تأثیراتش روی خلیقیات و رفتار آنهاست. مکتبی که به آن مکتب «فرهنگ و شخصیت *Culture et Personnalité**» اطلاق می شود، تصویر مشهوری از فرهنگ گرایی است.

مؤسسه و نظام مربوط به «فرهنگ گرایان» وابسته به سنخ [نوع] شناسیهای فرهنگها - مانند «۱. بندیکت *R. Benedict*»، که جوامع «آپولونی *apolonienne**» را از جوامع «دیونیزی *dionysienne**» متمایز کرده است - و نیز استفاده از «آزمونهای فراکن *tests projectifs**» که اکنون عادی شده، ولی برای فرهنگ گرایان هم شهرت به ارمغان آورده و هم سیل شدید انتقادات را به ویژه از جانب مکتب «انسان‌شناسی اجتماع‌سی *anthropologie sociale**» انگلیس و برخی از جریانات انسان‌شناسی فرانسه (مانند مکتب ساخت‌گرایی) به‌سویشان جاری ساخته است، دارای جهت‌های متفاوتی شده‌اند؛ لذا، برای بعضی، واژه فرهنگ‌گرا دالت بر مفهومی دارد که تا اندازه‌ای تحقیرآمیز و بی‌اعتبار است.

فرهنگ

culture

فرهنگ، مجموعه‌ای از آگاهیها (شناختها) و رفتارهای فنی، اقتصادی، آیینی (شعائر)، مذهبی، اجتماعی و غیره است که يك جامعه انسانی معینی را مشخص می‌کند. انسان بدون فرهنگ وجود ندارد؛ اندیشه انسان در «حالت پیش از تمدن» مربوط به يك فرضیه فلسفی است.

در بسیاری از کتابهای مردم‌شناسی به‌واژه «فرهنگ» برمی‌خوریم که معادل «قوم *ethnie**»، جامعه یا «تمدن *civilisation**» آمده است. اما، با اینهمه مؤلفان بسیاری کوشیده‌اند تا برای فرهنگ، تعریف دقیقی انتخاب کنند، نتیجه اینکه. شماری از تعاریف یکسان برای فرهنگ به‌دست آمده است:

A. L. Kroeber et C. Kluckhohn: «culture: a critical review of concepts and definitions», in *Papers of Peabody Museum of American Archeology and Ethnology*, vol. 47, no 1, 1952; réed. N. Y. 1962-1963.

فرهنگ و شخصیت

Culture et Personnalité

این واژگان که برای مکتب مردم‌شناختی آمریکایی به کار برده می‌شود،

بسیار تحت تأثیر کارهای روانشناسی و روانکاوی مقایسه‌ی ست و توجه‌اش روی شخصیت اعضاء يك جامعه شناخته شده، به‌مثابه نتیجه غایی و درعین حال چهره مشخص و ویژه‌ای از فرهنگ بررسی شده، متمرکز شده است. بزرگان این گرایش عبارتند از:

«کاردینه» *Kardiner، «لینتون» *Linton، «بندیکت» *Benedict

و «مید» *Mead.

V. anthropologie culturelle, culturalisme.

V. anthropologie psychanalytique, ethnopsychiatrie.

(Angl. : *Culture and Personality*.)

culture de folk

فرهنگ مردم

V. folk, culture de.

culture de pauvreté

فرهنگ فقر

V. pauvreté, culture de.

culturelle, anthropologie

انسان‌شناسی فرهنگی

V. anthropologie culturelle.

culturologie

فرهنگ‌شناسی

واژه فرهنگ‌شناسی توسط «لسلی وایت» *Leslie White ساخته شده است. بر طبق این واژه، يك فرهنگ از قوانین خاصی پیروی می‌کند و بنابراین نمی‌توان آن را کاملاً به وسیله علوم بنیانی نظیر «محیط‌شناسی» *écologie، روانشناسی، بیولوژی و غیره بیان و تشریح کرد؛ زیرا، کل

فرهنگ با مجموع قسمتهای تشکیل دهنده آن تفاوت دارد و تنها علم ویژه‌ای به نام «فرهنگ‌شناسی» است که اجازه می‌دهد تا يك واقعه اجتماعی قابل فهم شود. مفهوم فوق‌ادگانیك (فوق‌ارگانيسم) که توسط کروب در علوم اجتماعی معمول شده است، باعث ظهور همان اشتغالات فکری می‌شود.

White (1949), kroeber (1952).
(Angl.: *culturology*.)

curare

کورار

(کلمه‌پیست بادیشه کاداییب).

نوعی زهر است که از شیرۀ شاخه‌ها یا ریشه‌های گیاهان مختلفی از نوع استریکنه *Strychnée* یا منیسپرماسه *Menispermacée*، که از درختان یا گیاهان خزانده مناطق حاره هستند، به دست می‌آید. سرخ پوستان منطقه استوایی آمریکای جنوبی نوك پیکانها و اساساً نوك «سلاحشای بادی» *sarbacanes** یا نیزه‌هایشان را به آن اندود می‌کنند تا حیوانات معمولاً کوچک (نظیر پرندگان، میمون‌ها، جوندگان و غیره) را شکار کنند. زهر کودار دارای این خاصیت مشخص است که آنها را درجا فلج می‌کند و در عرض چند دقیقه، بر اثر خفگی، می‌کشد.

کودار به صورت يك خمیر متجانس سیاه رنگ عرضه می‌شود که تهیه آن معمولاً سه مرحله دارد: نخست گیاهان نامبرده را در آب می‌خیسانند، سپس از صافی می‌گذرانند و سرانجام با جوشاندن، آب آنها را می‌گیرند. از کودار که به وسیله تعداد محدودی از اقوام سرخ پوست تهیه می‌شود، به جای «پول قابل مبادله»، در بخش وسیعی از آمریکای استوایی استفاده می‌کنند.

(Angl.: *curare*.)

D

Dakota

داکوتا

V. Siou.

نظام خویشاوندی داکوتا

Dakota, système de parenté

باوجود اسمی که به آن داده شده، نظام خویشاوندی داکوتا در هیچیک از قبایل مربوط به خانواده زبانی «سیو» *Siou* دیده نمی‌شود. در سنخ [نوع] شناسی مودداک که از سال ۱۹۴۹ شکل گرفته و به ارث مانده است، این نظام به وسیله یک خویشاوندی نسبی «پدرتباری» *patrilineaire** و واژگانی از نوع «ایروکوآ» *Iroquois**، برای «دختردایی» (عمه) های عرضی *croisées* توصیف و مشخص شده است.

(Angl. : *Dakota type of kinship system*.)

Danse de l'Esprit

رقص روح (ارواح)

V. Ghost Dance.

Danse du Soleil

رقص خورشید

(رقص خورشید، ترجمه‌ای، از واژه «*Dakota*» است که به این مراسم داده شده است.)

به نوعی تشریفات مذهبی اطلاق می‌شود که مورد پذیرش اکثر «سرخ-پوستان دشتها» * *Indiens des Plaines* ی آمریکای شمالی، به ویژه سرخ‌پوستان آراپاهو، شاین Cheyenne و داکوتاست. معمولاً این مراسم بنا به تقاضای یک فرد که در جستجوی یک کمک ماوراء الطبیعه است برگزار می‌شود. رقص خورشید، در هر سال، در پایان بهار یا در آغاز تابستان و بعد از یک مرحله از پراکندگی قبیله صورت می‌گیرد، اما، در عین حال، می‌تواند در هر زمان و بنا بر نذر و نیازهای یکی از اعضای گروه که چشم زخم دیده یا خواهان انتقام مرگ یکی از والدین است، تشکیل شود. این نوع تشریفات مذهبی که بسیار پیچیده به نظر می‌رسد، بر حسب نوع قبیله متفاوت بوده و شامل چندین مرحله فوق‌العاده تماشایی و برجسته است. مثلاً، برخی از شرکت‌کنندگان باید، لحظاتی بسیار طولانی، خیره وثابت به خورشید نگاه کنند و نیز تا اخذ وحی برقصند، یا به منظور ریاضت و یا کسب الطاف خورشید، به تسمه‌های چرمی آویزان شوند. انتهای هر تسمه به سیخی متصل است که در ماهیچه‌های سینه آنها فرو می‌رود؛ آنها باید در این وضعیت، تا زمانی که گوشت‌هایشان پاره نشده، باقی بمانند (در زبان انگلیسی به این شعایر مذهبی *hook swinging* می‌گویند). از آغاز قرن بیستم، از طرف دولت آمریکا، به این قسمت از تشریفات بسیار مشهور و معروف، مهر ممنوعیت خورده است. امروزه، (قص خودشید، به صورت کاملاً محدود و «کاسته شده»، به هنگام جشن‌ها و ضیافت‌های رسمی در مناطق اختصاصی مختلف برگزار می‌شود. اینگونه مناطق در حال حاضر در برگیرنده قسمت اعظم سرخ‌پوستان دشتهاست.

Jorgensen, H.: *The Sun Dance religion*, 1972.
 Radin, P.: *The story of the American Indian* (rééd. 1934). Spier, L.: «The Sun Dance of the Plains Indians», in *Anthropological Papers of the American Museum of Natural History*, vol 16, part 7, 1921.
 Wissler, C.: *The relation of Nature to Man in Aboriginal America*, 1926.

(Angl.: *Sun Dance*.)

Dayak (ou Dyak)**دایاک (یا دیاک)**

دایاک نامی است که توسط اشغالگران مالی به بومیان برنثو، که در حال حاضراً در داخل جزیره زندگی می‌کنند، داده شده است. دایاکها به تعداد معینی از قبایل تقسیم شده‌اند و به‌ویژه شامل قبایل دوسوم (Dusum)، کاجان (kajan)، کنیاک (Kenyak)، باهان (Bahan) و غیره می‌باشند. لهجه‌های مختلف این قبایل متعلق به خانواده زبانی «مالایو - پولینزی - malayo» * *polynésienne* است و اساساً از دسته «کشاورزان متحرک» *agricul teurs itinérants** به‌شمار می‌آیند. بعضی از آنها در گذشته شکارچیان جمجمه محسوب می‌شدند، اما، به‌نظر می‌رسد که این عمل به‌وسیله اشغالگران جدید جزیره محکوم شده و از بین رفته است. امروزه تعداد زیادی از دایاکها با زندگی ملی آمیخته و عجین شده‌اند.

Freeman, J. D. : *Iban Agriculture*, 1955. Ceddes, W. R. : *The Land Dayaks of Sarawak*, 1934. Leach, E. R. : *Social Science Research in Sarawak*, London, 1950. Provinse, J. : «Stang Dyaks of Central Borneo», in *American Anthropologist*, vol 39, n°1, 1937.
(Angl. : *Dayak*, یا *Dyak*.)

décalage culturel**تأخر فرهنگی**

(این واژه از سال ۱۹۲۲ به‌وسیله «اگبورن» *Ogburn* معمول شده است). در یک جامعه در حال تغییر، تأخر فرهنگی، به مرحله‌ای از زمان اطلاق می‌شود که در حال طی شدن است. اما، لازم به تذکر است که در این جامعه، هنوز همه آن سازگاریهای لازم، برای عبور از یک «ویژگی فرهنگی» *trait culturel** به‌ویژگی فرهنگی دیگر یا از یک شکل از سازمان اجتماعی به شکل دیگری از آن، به پایان خود نرسیده‌اند. به عنوان مثال، تأخر فرهنگی در پدیده‌های بقا آشکار می‌شود.

V. acculturation.

(Angl. : *cultural lag*.)

dème

دم

(از واژه یونانی *dēmos* به معنای «مردم» گرفته شده است).

این واژه را در اصل برای تقسیمات اداری یونان، به‌ویژه، در مورد آتن به کار برده‌اند. چنانکه، اصلاحات کلیستن^۱ Clisthène باعث شد تا در آن واحد یک اجتماع مسکونی، یک حدود و ثغور اداری (به‌ویژه از طریق شناسنامه، وضعیت نظام وظیفه و مالیات) و یک مشارکت و پیوند مذهبی به وجود آید و در ضمن، بسیج سر بازان به‌طور خودکار و به‌روش موروثی انجام شود. مودداک، در سال ۱۹۴۹ پیشنهاد می‌کند که این واژه را در مردم‌شناسی برای یک گروه خویشاوندی بر مبنای محدوده زمین به کار برند، یعنی گروهی که از طریق نظام «دودن همسری» *endogamie* و خویشاوندی نسبی غیر «یک-خطی» *unilinéaire* مشخص شده است. تلقین مودداک مورد پذیرش برخی از مردم‌شناسان قرار گرفت، اما، بعید است که در این مورد به اتفاق آراء به توافق رسیده باشند. گاهی به جای دم واژه آندودم *endodème* به کار برده می‌شود.

(Angl. :deme.)

demi-mariage

نیمه ازدواج (ازدواج نصفه)

در یک جامعه که در آن ازدواج «پدرمکان» *patrilocal*، از طریق پرداخت «شیربها» *prix de la fiancée* به صورت نوعی قاعده و دستورالعمل رسمی درآمده است، واژه نیمه ازدواج را در مورد پیوند زناشویی مردی به کار می‌برند که قادر نیست جز نصفی از قیمت ثابت شده را بپردازد. در این صورت، تقبل می‌کند که نزد والدین زن خود به سر برده و برای آنها کار کند. این رسم در نزد سرخ‌پوستان هوپا Hupa و یوروک

۱- Clisthène (یا به زبان یونانی *kleisthenês*)، رئیس دولت «آتن» در نیمه دوم قرن ششم بود. او قوانین «سلن» (Solon) شاعر و قانونگذار آتنی را بازسازی کرد و با یک انقلاب ملی به قدرت رسید. با اصلاحات وسیع «سلن»، دموکراسی در یونان مستقر گردید. (م).

yurok کالیفرنیا پذیرفته شده است.

(Angl. : *half marriage*.)

dénotatif, terme

واژه تعینی

در مطالعه مجموعه اصطلاحات خویشاوندی، يك واژه تعینی تنها يك مقوله از والدین را تعیین می‌کند و تحت يك ارتباط سه‌گانه؛ نسلها، جنس و سلسله نیاکان با «اگو(من)» *Ego**: واحدی همگن را تشکیل می‌دهد. در بعضی از موارد، واژه تعینی فقط به يك شخص اختصاص می‌یابد (مانند واژه پدر (Père) در زبان فرانسه). در سایر موارد، این واژه می‌تواند چندین فرد را، که با شرایط سه‌گانه مذکور مطابقت دارند، شامل شود (نظیر واژه خواهر (soeur) در زبان فرانسه). وقتی چنین واژه‌ای چند نوع از والدین مشخص را به وسیله نسلها یا جنس یا سلسله نیاکان با *Ego* معین می‌کند، به آن، واژه «طبقه‌بندی شده» *classificatoire* می‌گویند. انتخاب این سه معیار (یعنی نسلها، جنس و سلسله نیاکان) قابل اعتراض است و در «قوم‌مرکزی» *ethnocentrisme** بانیاان مطالعات خویشاوندی احساس می‌شود.

V. classificatoire, descriptif.

(Angl. : *denotative term*.)

descendance

اولادان

این واژه به مجموعه‌ای از اشخاص اطلاق می‌شود که از نظریه یولوژی از يك فرد نتیجه شده‌اند. کلمه «descendance» که در مردم‌شناسی کمتر به کار می‌رود مترادف واژه انگلیسی «*filiation*» است و حال آنکه واژه فرانسه *filiation** که به معنای «خویشاوندی نسبی» و مختص مردم‌شناسی است با واژه انگلیسی «*descent*» مطابقت دارد. البته، این پس‌و پیشی (inversion) بین دوزبان، ابهامات و سوء تعبیراتی را موجب شده است.

(Angl. : *filiation*.)

نظام خویشاوندی توصیفی (یا واژگان خویشاوندی توصیفی) descriptif, système de parenté (ou terminologie de parenté descriptive)

درمقیاسی که در آن بی‌هیچ مشکلی از واژگان تحلیلی (*V. descriptif*, terme) برای ذکر روابط خویشاوندی خود استفاده می‌کنیم، «ال. اچ. مرگان* *L.H. Morgan*» اصطلاح فوق را برای توصیف واژگان خویشاوندی اروپایی، وارد مردم‌شناسی کرده است. خصوصیت نادرست این بینش از مدت‌ها پیش شناخته شده است. چنانکه، خلصت غرض‌آمیز نتیجه‌ای که مرگان خواهان اخذ آن بوده، نشان می‌دهد که: واژگان توصیفی ویژه جوامع متمدن است، در صورتی که، واژگان «طبقه‌بندی‌شده» *classificatoire* جوامع ابتدایی را مشخص خواهد کرد. امروزه می‌دانیم که همه نظام‌های خویشاوندی و نیز نظام‌های خویشاوندی ما (اروپاییان)، شامل واژگان طبقه‌بندی شده هستند و همه این نظام‌ها، واژگان توصیفی را نیز دربردارند. پژوهشگران به‌جای تشخیص نظام‌ها براین مبنا، خود را به‌مقایسه واژگان توصیفی و واژگان طبقه‌بندی شده محدود می‌کنند. (Angl.: *descriptive kinship systems*.)

واژه توصیفی descriptif, terme

واژه‌ای از نظام خویشاوندی است که زنجیره‌های متوالی این نظام را تحلیل و از آنجا با ایجاد رابطه‌ای بین *Ego** و والدین مورد بحث، چندین واژه مقدماتی را برای ترسیم خط خویشاوندی باهم ترکیب می‌کند. به این ترتیب، در زبان فرانسه وقتی از «برادر مادر فرد X...» صحبت می‌شود، یک واژه توصیفی خواهیم داشت و اگر همان شخص را «دایی فرد X...» بنامیم بایک واژه «طبقه‌بندی‌شده» *classificatoire* سروکار داریم. همه زبان‌ها، به دنبال هم، واجد واژگان خویشاوندی توصیفی و واژگان طبقه‌بندی شده می‌باشند. بنابراین، آنچه را که «مرگان* *Morgan*» تصور می‌کرد یعنی؛ اختلاف بین «نظام‌های توصیفی» *systèmes descriptifs* و «نظام‌های طبقه‌بندی‌شده» *systèmes classificatoires* ممکن نیست.

Ant.: *classificatoire, terme*.

V. dénotatif

(Angl. : *descriptive kinship term.*)**diffusion****اشاعه (انتشار)**

فرآیندی که برطبق آن يك امر فرهنگی (يك نهاد، يك اختراع فنی و غیره) که علامت مشخصه يك جامعه مورد نظر است در جامعه دیگری، که آن را به «عاریت» گرفته و مورد پذیرش قرار داده، داخل می‌شود. اشاعه را عموماً در مهاجرتهای جمعیتها، که حاصل تماسهای مداوم و زیاد جوامع همسایه است، تشخیص می‌دهند.

كل فرآیند «فرهنگ‌پذیری» *acculturation** نتیجه پدیده‌های اشاعه است، اما، عکس این مسئله صحت ندارد و فرآیند اشاعه اغلب بدون فرهنگ‌پذیری به چشم می‌خورد.

V. acculturation, assimilation. V. diffusionnisme.

(Angl. : *diffusion.*)**diffusionnisme****اشاعه‌گرایی**

این نظریه، با انتقاد از «تطور و تکامل‌گرایی» *évolutionnisme** زاییده شده است و برطبق آن، برای آگاهی بهتر از وضعیت و مختصات کنونی يك جامعه، لازم است که تاریخ فرهنگی آن را دوباره ترسیم کرد؛ با اتکاء به این امر که اکثریت عناصر تشکیل دهنده آن از فرهنگهای دیگر اخذ شده‌اند و نیز از شمار محدودی از «مراکز اشاعه» *centres de diffusion** (یا کانونهای فرهنگی) - به تناسب قلت نسبی فرآیندهای ابداع - ناشی می‌شوند. دو «ویژگی فرهنگی» *trait culturel** همانند، که در دو فرهنگ مشخص آشکار می‌شوند، به وسیله مکتب قطور و تکامل‌گرایی، به منزله نشانه‌ای از دو نوع تطور و تکامل موازی و مستقل که مربوط به فرهنگهای سنجیده و شناخته شده است، مورد تفسیر قرار گرفته‌اند، در صورتی که برای مکتب اشاعه‌گرایی این شباهت و همانندی نتیجه‌ای از يك «اخذ» مستقیم و غیرمستقیم (و یا انتقال *transfert*) است که به وسیله یکی از جوامع نسبت به دیگری

صورت می‌گیرد.

در میان انسان‌شناسان انگلیسی به دو تن از اشاعه‌گرایان افراطی (hyperdiffusionniste): «دبلیو. جی. پری W. J. Perry» و «الیات - اسمیت *Elliot - Smith» برمی‌خوریم که با نظریهٔ «pan-egyptienne» یا «héliolithique»^۲ خود، که تا اندازه‌ای هذیان‌زده و جنون‌آمیز بود، به نحو گسترده‌ای، در بسی اعتبار کردن این روش سهیم بوده‌اند؛ با اینهمه مکتب اشاعه‌گرای آلمان *kulturhistorische schule* که در زبان انگلیسی *culture historical school* نامیده می‌شود؛^۳ با رواج مفاهیم «مجموعهٔ فرهنگی *Kultur Komplexe*» و «دایرهٔ فرهنگ یاتمدن **kulturreise*» به نتایج جالبی رسیده است (V. Graebner, Schmidt)؛ اما، با بازسازیهای تاریخی و در عین حال احتمالی خود در یک مقیاس جهانی، می‌تواند تابع همان انتقادی باشد که بر مکتب تطور و تکامل‌گرا نیز وارد است.

با تأکید بر بررسی دلایل مربوط به توسعه‌ها و پیشرفت‌های داخلی جوامع و با تکیه بر مطالعهٔ شرایط اخذ شده، «جوآس *Boas»، مطالعهٔ توصیفی و محدود پدیده‌های اشاعه را، به مثابهٔ یک مرحلهٔ مقدماتی لازم برای مطالعهٔ تغییرات فرهنگی یا «فرهنگ‌پذیری **acculturation*»، معتبر شناخته و به این ترتیب برای آنها اهمیت شایسته‌ای قایل شده است.

از جوآس به بعد اشاعه‌گرایی با برخی از موشکافی‌ها و باریک‌بینی‌ها آشنا شده است نظیر: مفهوم «حوزهٔ پخش زمانی **aire chronologique*» و اشاعه متمرکز، که توسط «ویسلر **Wissler*» متداول شده و یسا مفهوم «آرایش فرهنگی» (*sériation culturelle*) که «سپیر **Sapir*» آن را رایج کرده است.

Boas (1927, 1940), Elliot - Smith (V.), Golden -

۱- نظریهٔ pan-egyptienne از وحدت همهٔ ملت‌های مصر جانبداری می‌کند. (م).

۲- *héliolithique* از دو واژهٔ یونانی *héli, hélio* (خورشید) و *litho - lithe* (سنگ)، ترکیب شده که مفهوم کلی آن «خورشید سنگی» است. بر طبق این نظریه، «مصر» گهوارهٔ همهٔ تمدن‌ها خواهد بود و فرهنگ مصری با اعتقاد به صمود سلطان به سوی خورشید مشخص خواهد شد. (م).

Weiser (V.), Graebner (V.), Herskovits (1949), Kroeber (1948), Lévi-Strauss (1958), Perry (V.), Sapir (1958), Schmidt.

V. Vienne, école de.

V. évolutionnisme, fonctionnalisme, structuralisme.

(Angl. : *diffusionism*.)

دیونیزی (یا دیونیزیایی) (dionysien (ou dionysiaque)

این واژه به وسیله «روت بندیکت * *R. Benedict*»، در سنخ‌شناسی وی دربارهٔ فرهنگها و برای توصیف جوامع انسانی از نوع «ازکار افتاده و پرکار *dépressif et excessif*»، متداول شده است.

به عقیدهٔ این مردم‌شناس، واژه «دیونیزی» از طریق فردگرایی، پرخاشگری، اعتبار دادن به جنگ و غیره مشخص می‌شود. مثال بارز این امر مربوط به «سرخ‌پوستان دشتها» * *les Indiens des Plaines* یا «کواکیوتلها» * *les kwakiutl* است.

Ant. : *apollonien*.

(Angl. : *dionysian*.)

بریدن مجرای خارجی ادرار (یا پاره کردن مصنوعی)

discision de l'urèthre (ou hipospadias artificiel)

مراد از آن سنبه زدن تشریفاتی (آیینی) مجرای بول از قاعده آلت تناسلی مرد است که نتیجهٔ آن تغییر مسیر اسپرم و جلوگیری از باروری است. این آیین به وسیلهٔ برخی از قبایل استرالیایی اجرا شده است.

۱- برای آگاهی بیشتر از فرهنگ «دیونیزی» یا «آپولونی» *apollonienne* ر. ک. به: «مردم‌شناسی»، نوشتهٔ ژان کازنو، ترجمهٔ ژریشیبانی، مجت: «روت بندیکت و اصالت فرهنگ». (م).

V. infibulation, mutilation.

Dobu**دُبو**

دُبو، يك جمعیت ملانزیست که در جزیره‌ای که از نظر اداری متعلق به گینه نوست ساکن می‌باشد. این جزیره در همسایگی جزایر تروبریاند، که توسط «مالینوسکی» *Malinowski* مطالعه شده، قرار دارد. جامعه دُبو به خاطر نظام نسبی «مادرتباری» *matrilinéaire*، اهمیت جادوگری در زندگی روزانه و مشارکتش در جریان بزرگ مبادلات درون قبیله‌ای - که معروف به «کولا» *kula* است - شناخته شده است. از طرفی، دُبو، مواد و موضوع يك تک نگاری کلاسیک را برای «آر. اف. فورتون» *R. F. Fortune* فراهم آورده است.

R. F. Fortune *Sarcerers of Dobu*, 1932.

(Angl.: *Dobu, Dobuan*.)

Dogon**دُگن**

(این داژه در گذشته به «Habbe» معروف بوده و هنوز گاهی آن را به‌کار می‌برند).

دُگن‌ها، جماعتی از کشور مالی هستند که به زبان ولتایی (voltaïque) سخن می‌گویند و در يك منطقه کوهستانی در انحنای نیجر به‌سر می‌برند و در سال ۱۹۵۴ به ۲۵۰۰۰۰ تن تخمین زده شده‌اند. دُگن‌ها، به‌طور پراکنده در روستاهای کوچک بیشماري زندگی می‌کنند که بیشتر اوقات در محل ریزش زمینهای مرتفع کنار دریا واقع شده‌اند. البته، آنها در فلات و در دره‌ها نیز ساکنند. این جماعت، اساساً کشاورز و پرورش دهنده چهارپایان کوچک اهلی هستند. جهان‌بینی و تفکر نمادیشان که در اکثر حقایق مادی آنان (نظیر؛ خانه‌ها، اشیاء متداول و هنر) منعکس می‌شوند، به وسیله چندین مردم‌شناس مورد مطالعه قرار گرفته است؛ در این آثار به نحو تابناکی نشان داده شده که تفکر ملت‌های فاقد خط تا چه حد می‌تواند عظیم و عمیق باشد.

G. Calame – Griaule: *Ethnologie et langage, la Parole chez les Dogon*, Paris, 1965. G. Dieterlen: *Les Ames des Dogons*, 1941. G. Dieterlen et S. de Ganay: *Le Génie des Eaux chez les Dogons*, Paris, 1942. M. Griaule: *Masques Dogons*, 1938. *Dieu d'eau. Entretiens avec Ogotemeli*, Paris, 1948. M. Griaule et G. Dieterlen: *Le Renard Pâle*, Paris, 1965. M. Leiris: *La langue secrète des Dogons de Sanga*, 1948. D. Paulme: *Organisation sociale des Dogons*, 1940.

(Angl.: Dogon.)

dolicocéphale

دولیکوسفال (سردراز)

V. indice céphalique.

(Angl.: dolicocephalic.)

dot

جهیز

مجموعه‌ای از دارایی‌هاست که با تشریفات رسمی خاصی در لحظه ازدواج توسط والدین یا گروه متعلق به زن، به شوهر یا به خود زن انتقال داده می‌شود. این واژه قابل مقایسه با «شیربهاء عروس» * *prix de la fiancée* است. (Angl.: dowry.)

double filiation

خویشاوندی دونسبی (نسب دوگانه)

قاعده و دستور العملی است که یک نسب «پدرتباری» * *patrilineaire*

۱- آقای دکتر غلامحسین صدیقی، در دهمین جلسه انجمن لغات و اصطلاحات

←

را به يك نسب «مادر تباری» *matrilineaire** پیوند می‌دهد و هر فرد را به يك گروه از هر نوعی وابسته می‌کند، در حالی که، عناصر مربوط به پایگاه این فرد در يك خط خویشاوندی خاص با آنچه که از پایگاه دیگر به او می‌رسند تفاوت دارد.

Syn.: filiation bilinéaire.

(Angl.: double descent.)

Dozier, Edward

دوزیه، ادوارد

(۱۹۷۱-۱۹۱۶).

ادوارد دوزیه، مردم‌شناس و زبان‌شناسی سرخ‌پوستی‌الاصل بود که به سرخ-پوستان «پوئبلو» *Pueblo** تعلق داشت. او بعد از اینکه به اکراه سمت آسیستانتی و مترجمی مردم نگاران «یانکی» را، که در نزد پوئبلوها کار می‌کردند، پذیرفت، به انسان‌شناسی رو آورد.

دوزیه، در خشانترین سالهای زندگی‌اش را به عنوان يك انسان‌شناس وقف مطالعه پوئبلوها (به ویژه، سرخ‌پوستان هوپی-تewa Hopi-Tewa) کرد. او همچنین در فیلیپین به تحقیق محلی پرداخت و در آخرین سالهای زندگی‌اش مسایل عملی بشمارای را مطالعه کرد که، سرخ‌پوستان به هنگام سازگاری با دنیای جدید سفیدپوستان-به ویژه در قلمرو تعلیم و تربیت-با آن روبرو بودند. آثار عمده دوزیه به شرح زیر است:

The Hopi-Tewa of Arizona, 1954. The Pueblo Indians of North America, 1970.

→

علوم اجتماعی، ساعت ۶ $\frac{1}{4}$ روز یکشنبه ۱۶ خرداد ۱۳۵۰، برای واذگان «*patrilineaire*» و «*matrilineaire*» به ترتیب اصطلاحات «پدرصلبی» و «مادر بطنی» را پیشنهاد کردند. (م).

droit de seigneur**حق ارباب**

V. jus primae noctis.
(Angl.: *droit de seigneur*.)

سازمان دوتایی (نظام دوبخشی)**dualiste, organisation**

نظامی است که کلیهٔ اعضاء يك اجتماع (روستا، یا قبیله) را به دو بخش تقسیم می‌کند. به‌طوری‌که یکی از آنها بادیگری روابط همبستگی و نیز دشمنیش را حفظ می‌کند. اغلب اوقات این دو بخش که معمولاً «نصفه‌ها *moitiés*» نامیده شده‌اند، بدون همسر هستند، اما، هنگامی که به آنها نصفه گفته شود از قاعده و نظم ازدواج پیروی نمی‌کنند. در این صورت، جامعه مورد نظر، از نو، به دو طبقهٔ نکاحی تقسیم می‌شود. به‌طور کلی این دو شاخه شدن که نوعی تقسیم جامعه شناختی است، در يك ردیف با تقسیم دوگانهٔ کل کائنات قرار می‌گیرد، که مثال بارز آن در اسطوره‌شناسی، شاعیر، قوانین طبقه‌بندی انواع گیاهان و حیوانات و غیره بیان می‌شود. به این ترتیب، به عنوان مثال، اسطوره‌شناسی، در آغاز همهٔ دورانها، دوبرادر را به مثابهٔ «قهرمانان فرهنگی *héros culturels*» قرار خواهد داد؛ و قطار جهان به تضادهای بزرگ کیهان شناختی وابسته خواهد بود، نظیر: روز/شب، آسمان/زمین، یا خورشید/ماه؛ و هر فرد به يك جفت رنگ (قرمز یا سیاه)، به يك جهت (چپ یا راست) نیازمند خواهد بود و جامعه نیز هم رئیس نظامی خواهد داشت و هم رئیس غیر نظامی.

V. Dumézil (1959), Lévi-Strauss (1958).

تذکار:

دربان اقتصاددانان، مکتب دوگانگی یا ثنویت (*dualisme*)، به معنای همزیستی در يك مجموعه فرهنگی بادو نظام اقتصادی است که از منطقه‌های

۱- برای واژه *dualisme* معانی، «دوگرایی»، «دوگانه انگاری» و... به کار رفته است. (م).

متفاوتی پیروی می‌کند، همچنانکه این مورد را اغلب می‌توان در کشورهای «در راه توسعه» ملاحظه کرد. کشورهایی که در آنها يك اقتصاد سنتی «خود-معاش» *autosubsistance* و يك اقتصاد از نوع باز، که ویژه کشورهای صنعتی‌ست، مقابل هم قرار می‌گیرند و باهم به مخالفت برمی‌خیزند.
(Angl. :dual organization; All. :Dualsystem.)

DuBois, Cora

دوبوآ، کورا

(دسال ۱۹۰۳ در ایالت نیویورک به دنیا آمد).

انسان‌شناس آمریکایی که پیش از جنگ جهانی دوم با «کاردینر *Kardiner*»، «لینتون *Linton*» همکاری کرده است. او یکی از نخستین کسانی‌ست که فن «آزمونهای فرافکن *tests* projectifs*» را در يك جامعه ابتدایی به کار برده است.
تحقیقات عمده دوبوآ در محل به شرح زیر است:

Californie (1929-30), Alor (Indes Néerlandaises; 1937-39).

The 1870 Ghost Dance, 1939. *The People Alor*, 1944.

Dumézil, Georges

ژرژ دومزیل

(دسال ۱۸۹۸ در پاریس به دنیا آمد).

دومزیل متخصص فرانسوی علم ادیان است که با استفاده از يك روش مقایسه‌ای، پژوهشهای معتبر و قابل ملاحظه‌ای درباره شناخت اساطیر «هند و اروپایی» ملت‌های عهد عتیق به عمل آورد، که درحقیقت می‌توان گفت، نگرش و طرز تلقی ساخت‌گرا را با اسلوب تاریخی (approche historique) آشتی داده است. او در حال حاضر استاد کلژ دو فرانس است.
آثار عمده دومزیل به شرح زیر است:

Le festin de l'immortalité. Étude de mythologie comparée indo-européenne, 1924. *Études comparatives sur*

les langues caucasiennes du Nord-Ouest (morphologie), 1932. *Jupiter, Mars, Quirinus*, 1941-1948 (4 vol.). *Les Dieux des Indo-Européens*, 1952. *Aspects de la fonction guerrière chez les Indo-Européens*, 1956. *Les Dieux des Germains*, 1959. *La religion romaine archaïque*, 1966. *Heur et Malheur du Guerrier. Aspects mythiques de la fonction guerrière chez les Indo-Européens*, 1969. *Idées romaines*, 1969. *Du Mythe au Roman. La Saga de Hadingus et autres essais*, Paris, 1970. *Mythe et Épopée* I, 1968. II, 1971. III, 1973.

Dumont, Louis

دومون، لویی

مردم‌شناس فرانسوی، که در سال ۱۹۱۱ در تسالونیک - Thessalonique یونان به دنیا آمد. او در سالهای ۵۱-۱۹۵۰، ۱۹۵۴ و ۵۸-۱۹۵۷ در هندوستان نظامهای «کاست» را مطالعه کرده است. دومون وابسته به گرایش ساخت‌گرایی؛ متخصص مطالعات مربوط به خویشاوندی و نیز مدافع «نظریه‌های همبستگی» *théories de l'alliance** است. آثار عمده دومون به شرح زیر است:

La Tarasque, 1951. *Une sous-caste de l'Inde du Sud*, 1957. *Homo Hierarchicus*, 1966. *Introduction à deux Théories d'Anthropologie sociale, groupe de filiation et alliance de mariage*, 1971.

Durkheim, Emile

امیل دورکیم

(در سال ۱۸۵۸ در اپینال به دنیا آمد و در سال ۱۹۲۷ در پاریس مرد).

این جامعه‌شناس مشهور فرانسوی که مؤسس مکتب جامعه‌شناسی فرانسه به‌شمار می‌رود توجه زیادی به شناخت جوامع ابتدایی داشت و از این نظر به‌عنوان يك صاحب‌نظر مکتب تطور و تکامل، ساختهای بنیانی جوامع انسانی را

جستجو می‌کرد. او که مدافع «واقعۀ اجتماعی» بود (*Les Règles de la* 1895) *Méthode Sociologique* نظریۀ مذهب را تدوین کرد (*Les Formes Élémentaires de la Vie Religieuse*, 1912) و با تأکید بر کارکرد اجتماعی آن، به‌مثابۀ طلایه‌دار و پیشقدم مکتب «کارکردگرایی-*fonction-nalisme** تجلی کرده‌است. دورکیم یک تحلیل مردم‌شناختی از زنانی بامحارم (*La prohibition de l'Inceste et ses Origines*), 1898) و نظام خویشاوندی (۱۹۰۰) به‌عمل آورد که در مجلۀ «سال جامعه‌شناختی» (*L'Année Sociologique*)، که خود وی مؤسس آن در سال ۱۸۹۶ بود، منتشر کرده‌است.

آثار دورکیم تأثیر شگرفی، به‌ویژه برخواهر-زاده‌اش «مارسل مس» (*M. Mauss**) و «رادکلیف-براون» (*Radcliffe-Brown**) انگلیسی، (که برخی حتی او را به‌مثابۀ ادامه‌دهندۀ راه دورکیم می‌دانند) داشت. مانند «لوی - برؤل» (*Lévy-Bruhl**) و «مارسل مس»؛ دورکیم نیز هرگز به تحقیق در محل (*sur le terrain**) نپرداخت.

Dyak

دیاک

V. Dayak.

dysnomie

بی‌هنجاری، نابسامانی

V. anomie.

(Angl. :*id*)

* * *

E

مبادله محدود، مبادله عام

échange restreint, échange generalise

اصطلاحات فوق که توسط کلود، لوی-اشترومس متداول شده، برای ترسیم دو نوع ازدواج به کار می‌رود و در جوامعی رایج است که از طریق «ساختارهای بنیانی خودشانندی» * *structures élémentaires de parenté* اداره می‌شوند. در این جوامع، ازدواج به مثابه نوعی مبادله زن‌ها در بین گروه‌هاست. «مبادله محدود» موقعی صورت می‌گیرد که کل جامعه فقط شامل دو گروه باشد («اولادان» * *lignées* یا «نصفه‌ها» * *moitiés*) و همه مردان یک گروه از گروه دیگر زن بگیرند و برعکس. در این حالت، رابطه مبادله نکاحی (matrimonial) یک رابطه دوگانه و دوطرفه است. در «مبادله عام»، مبادله کنندگان از سه گروه یا بیشتر تشکیل شده‌اند و همیشه یک گروه، در مقابل یک گروه معین و مشخص، گیرنده زن است و در مقابل یک گروه دیگر دهنده زن. بنابراین، از این نظر، رابطه مبادله نکاحی یک رابطه ادواری است (cyclique).

(Angl.: *generalized exchange, restricted exchange*.)

فن نمونه برداری (آماري)

échantillonnage (statistique), technique de l'

روشی ست مبتنی بر برداشت یا جمع‌آوری نسبت یکسان از اطلاعات کاملاً معین در باره آن دسته از جوامعی که به «خانواده‌های زبانی» * *familles*

* *linguistiques* و «حوزه‌های فرهنگی * *aires culturelles*» متفاوت و یا به همه قطعات دیگر جهان تعلق دارند و نیز به منظور تدوین نتایج، قوانین یا قواعد معتبر در تمام دنیا. یکی از برتری‌های این فن، که ویژه «تحلیل فرهنگی مقایسه‌ای * *Analyse Culturelle Comparative*» است این است که مؤلفان را مجبور می‌کند تا در پژوهش نظریه‌های عمومی، کاملاً دقیق و درستکار باشند. در واقع، با کار برد روش نمونه برداری، برای مؤلفان مشکل است که رویدادهایی را که در تضاد با فرضیه‌های آنهاست کنار بگذارند. (Angl. : *statistical sampling technique*)

کشاورزی براساس کندن و سوزاندن علف

écobuage, agriculture par

V. agriculture itinérante.

École de Vienne

مکتب وین

V. Vienne, École de.

écologie محیط‌شناسی، بوم‌شناسی (اکولوژی)

(از واژه یونانی *oikos* به معنای مسکن و منزل گرفته شده است).

در مردم‌شناسی، مطالعه محیطی است که در آن جوامع انسانی به زندگی و تولید مثل می‌پردازند و نیز به مطالعه روابط انسان و جوامع با این محیط، محیط‌شناسی (اکولوژی) گفته می‌شود. مثلاً، محیط‌شناسی به مطالعه سازگاری فیزیولوژیک انسان در محیط زیست و اثرات محیط بر ارگانیسم می‌پردازد. همچنین محیط‌شناسی مطالعه تغییراتی است که انسان در محیط، با استفاده از فنون ویژه، به عمل می‌آورد و نیز تأثیر و نقش محیط بر سطوح متفاوت زندگی اجتماعی، محیط‌شناسی نامیده می‌شود.

در ادامه یک عقیده قدیمی جبرگرایی بین‌منطقه‌ای (mésologique)،

که در ایالات متحده معروف به محیط‌گرایی (*environmentalism*) است، امروزه از يك گرایش انسان‌شناسی، معروف به انسان‌شناسی محیطی (*Angl. :ecological anthropol- anthropologie écologique* (یا محیط‌شناسی فرهنگی *Angl. :cul-, écologie culturelle* (*tural ecology*) نام برده می‌شود که تمایل به تشریح تمام سطوح يك جامعه از طریق مفروضات محیط‌شناختی دارد، با این کیفیت که فرهنگها را در حاکم اجزاء سازنده «اکوسیستمها» **écosystèmes* بی‌می‌داند که در بطن آنها، انسان به مثابه يك عنصر طبیعی مطرح شده است. این نظر اغلب در يك ردیف با مفهوم تطورگرایی جدید قرار می‌گیرد (*V. évolution nisme*).

Conklin (1957), Geertz (1963), Rappaport (1963), Sahlins (1969), Vayda (1969).

(*Angl. :ecology یا oecology*.)

انسان‌شناسی اقتصادی *économique, anthropologie*

V. anthropologie économique

اکوسیستم (یا نظام محیط‌شناختی)

écosystème (ou système écologique)

اکوسیستم به مجموعه‌ای گفته می‌شود که از يك «اجتماع زنده» **communauté vivante* و محیط زیست بی‌حرکتی که این جامعه جاندار در آن دیده می‌شود، تشکیل شده است. یا در يك زبان تخصصی‌تر: اکوسیستم مجموعه‌ای است از کلیه موجودات زنده (*biocénose*) در يك محیط معین، که به وسیله مجموعه‌ای از شرایط حاکم بر آن (یا «بیوتوپ» **biotope*) مشخص شده است.

(*Angl. :ecosystem*.)

اکوتیپ

écotype

جمعیتی است (*population**) که صفات محلّیش را، از طریق انواع جاندارانی که توزیع جغرافیایشان وسیع است، توسعه داده است. اکوتیپ از نوعی که از آن مشتق شده است تفکیک می‌یابد و اساساً این تمایز با ظهور يك تغییر جدید در عوامل فیزیکی (درجه حرارت، رطوبت و غیره) همراه است. (Angl.: *ecotype*.)

اگان، فرد آر.

Eggan, Fred R.

(د ۱۹۰۶ در seattle (آمریکا) به دنیا آمد).

به نظر برخی، اگان، ادامه دهنده همان گرایش مردم‌شناختی «دادکلیف - برادن» *Radcliffe - Brown** است. این انسان‌شناس آمریکایی تحقیقات محلی متعددی را در نزد سرخ پوستان آمریکای شمالی («هوپی»: ۱۹۳۲، ۱۹۳۴، ۱۹۴۰، ۱۹۴۲؛ «شوک‌نو»: ۱۹۳۳؛ «شهین» و «آراپاهو»: ۱۹۳۳) و در فیلیپین (۳۵-۱۹۳۴، ۵۰-۱۹۴۹) انجام داده است. او در حال حاضر استاد دانشگاه شیکاگو است. آثار عمده اگان به شرح زیر است:

The Kinship System of the Hopi Indians, 1936. *Social Anthropology of North American Tribes* (Eggan Éd.), 1937, 2^e éd. 1955. *Social organization of the Western Pueblos*, 1950. «Social Anthropology and the Method of Controlled Comparison», in *American Anthropologist*, vol. 56, 1954.

من، خود (اگو)

Ego

(واژه لاتین به معنای: «من Je»).

يك نام قراردادی برای فرد مورد نظر است تا به منزله نقطه عطفی در علامت‌گذاری و توصیف يك «نظام خویشاوندی» *système de parenté**

باشد. به این ترتیب، هر بار که منظور ترسیم خطوط سلسله نیاکان یا تعیین نامهای داده شده به والدین مختلف باشد، مراجعه به این مفهوم آسان به نظر می‌رسد؛ همچنین، در مطالعه گروههای خویشاوندی، که بعضی از طریق Ego، (V. égocentriques, groupes) و برخی دیگر از طریق يك نیا (ancêtre) مشخص می‌شوند، این مسئله حایز اهمیت است. در معرفی يك نظام خویشاوندی، تصریح این مسئله که «اگو Ego» ی مربوط به آن مذکر است یا مؤنث، همیشه لازم می‌باشد.

V. enregistrement généalogique.
(Angl. :Ego.)

گروه خودمدار (خود مرکز) égocentrique, groupe

گروه خودمدار، گروهی است که در اطراف يك فرد زنده که از نظر فنی «اگو* Ego» نامیده می‌شود، تشکیل شده است. بنا بر این، چنین گروهی پاینده بوده و بامر گف فردی که مشخص کننده آن است از بین می‌رود. گروه «خویشان* parentèle» مثال بارزی از گروه خودمدار است.
(Angl. :egocentric group.)

éjido, éjidal

اژیدو، اژیدال

کلمه‌یی است اسپانیایی که از واژه لاتین «exitus» به معنای خروج sortie آمده است.

اژیدو، قطعه زمینی است که در تصرف مشترک آن دسته از ساکنان يك روستاست که با آن مجاور و همسایه هستند. نظام اژیدال یا نظام مالکیت تعاونی یا اشتراکی در «مکزیک» و در چندین کشور آمریکای لاتین و براساس برنامه توزیع زمین بین روستاییان ساکن در اجتماعات سنتی، ایجاد شده است.

۱- گروه والدین «اگو* Ego» را که همخون هستند «parentèle*» یا خویشان می‌گویند. (م).

(Angl. : *ejido, ejidal.*)

élément culturel

عنصر فرهنگی

Syn. : *trait* culturel.*

(Angl. : *culture element.*)

ساختارهای بنیانی خویشاوندی

élémentaires, structures—de parenté

V. structures élémentaires.

Eliade, Mircea

الیاده، میرچا

(در سال ۱۹۰۷ در بوخارست پایتخت رومانی به دنیا آمد).

الیاده، متخصص تاریخ ادیان، فیلسوف و رمان نویس است. از ۱۹۲۸ تا ۱۹۳۰ یعنی سه سال از زندگیش در هندوستان سپری شد و در آنجا بود که مواد تز دکترایش را درباره اصول تصوف هندی و یوگا فراهم آورد. از سال ۱۹۳۰ تا ۱۹۳۱ در دانشگاه بوخارست تدریس کرد. در سال ۱۹۳۸ مجله تاریخ ادیان *Zalmoxis* را بنا نهاد. از ۱۹۴۵ تا ۱۹۵۵ در فرانسه اقامت گزید و به تعلیم پرداخت. در سال ۱۹۵۷ استاد تاریخ ادیان در دانشگاه شیکاگو شد. الیاده به اسطوره‌ها، که از نظر او «تاریخهای عبرت‌انگیز» هستند که در آن تجربه اساسی انسان بیان می‌شود، علاقه وافری یافته است. آثار عمده الیاده به شرح زیر است:

Traité d'Histoire des Religions, 1949. *Le Mythe de l'Éternel Retour. Archétypes et répétitions*, 1949. *Le Chamanisme et les Techniques Archaïques de l'Extase*, 1951. *Images et symboles: essai sur le symbolisme magico-religieux*, 1952. *Forgerons et Alchimistes*

stes, 1956. *Aspects du Mythe* 1963. *Le Sacré et le profane*, 1963. *De Zalmoxis à Gengis -Khan* 1971. *Religions Australiennes*, 1972.

Elkin, Adolphus Peter **الکین، آدولفوس پیتر**
(در سال ۱۸۹۱ در استرالیا به دنیا آمد و در سال ۱۹۱۶ در کلیسای انگلیسی به مقام کشیشی رسید).

انسان‌شناس استرالیایی که از سال ۱۹۲۷ تحقیقات محلی متعددی در استرالیا و در گینه‌نو (در مناطق کوهستانی هیگلند) انجام داد. او در سال ۱۹۳۲ در دانشگاه سیدنی به‌شغل آسیستانتی منصوب شد و در تمام دوره زندگی به این کار اشتغال ورزید.

آثار عمده الکین به شرح زیر است:

Studies in Australian Totemism 1933. *Kinship in South Australia*, 1940. *The Australian Aborigines: how to understand them* 1938 (trad. franç.: *Les Aborigènes Australiens*, 1967).

Elliot-Smith, Grafton **الیات - اسمیث، گرافتون**
(۱۸۷۱ - ۱۹۳۷).

این عالم تشریح و انسان‌شناس انگلیسی، با الهام از اقامت در قاهره و همراه با «پری Perry»، نظریه «اشاعه‌گرایی افراطی»-hyperdiffu (sionnisme) را بنانهاد (V. diffusionnisme) آثار عمده الیات - اسمیث به شرح زیر است:

The Migration of Early Culture, 1915. *In the Beginning; The Origine of Civilization*, 1928. *The Diffusion of Culture*, 1923.

encomienda**انکومیاندا**

(واژه اسپانیایی، به معنای مأموریت *commission*).

در آمریکای لاتین انکومیاندا یک نهاد استعماری بود که سرخ‌پوستان را بین فاتحان (*conquistadores*) تقسیم می‌کرد و انکوماندرو (*encomendero*) به برزگر یا مستعمره‌نشین اسپانیایی گفته می‌شد که تعداد معینی از سرخ‌پوستان را به او می‌دادند تا به فراغت از آنها استفاده کند، به شرطی که به آنان مذهب مسیح را تعلیم دهد و نیز تربیتشان بر طبق قوانین سرخ‌پوستی *Leyes de Indias* باشد. درازاء اینگونه تعلیم و تربیت، سرخ‌پوست یا باید برای اربابش کار می‌کرد و یا به او جزیه می‌پرداخت. به هر حال، در عمل، با او مثل یک برده رفتار می‌شد. نهاد استعماری انکومیاندا در اصل، نباید بیش از سه سال ادامه می‌یافت، اما، در حقیقت، خیلی زود جزء زندگی «انکوماندو» می‌شد و سپس در «دور دوم زندگی» به پسرش و حتی گاهی در «دور سوم زندگی» به نوه‌اش می‌رسید.

این نهاد که در آغاز در هائیتی *Haïti* خلق شده و سپس در تمام کشورهای آمریکای لاتین گسترش یافته بود، رسماً به وسیله شارل پنجم (*Charles Quint*) منسوخ شد. اما، بعضی از انکومیانداها تا قرن هیجدهم ادامه یافتند.

enculturation فرهنگ آموزی، فرآیند پذیرش فرهنگ

فرهنگ آموزی، فرآیند شرطی خود آگاه یا ناخود آگاهی است که بدان وسیله یک فرد در جریان زندگی، سنتهای (*Angl. : patterns of behavior*، گروه خود را همانند می‌سازد و مطابق آنها عمل می‌کند. *Franc. : traditions*)

به کمک این مفهوم، در جستجوی ایجاد یک پیوستگی بین «واقعۀ اجتماعی» (به مثابه چیزی فی نفسه)، و «دقتا فرد» (که در خلال آن فرهنگ متجلی می‌شود) بوده‌اند. این واژه اغلب مترادف واژه اجتماعی شدن *socialisation* یا درونی‌گردانیدن فرهنگ (*internalisation de la culture*) به حساب آمده است و به راستی مؤلفان مختلفی کوشیده‌اند که معنای ویژه‌ای برای هر یک از واژه‌ها تعیین کنند. برخی در مفهوم «فرهنگ آموزی» فرآیندی از انتقال

فرهنگ و پدیده‌های تجدد (innovation) یا ابداع (invention) فرهنگی را گنجانیده‌اند.

Bastide (1971), Benedict (1934), Herskovits (1948), Kroeber (1948), Mead (1964).

V. endoculturation, ethos, personnalité de base, transculturation.

(Angl. :*enculturation*.)

فرآیند انتقال فرهنگ، درون فرهنگ‌پذیری

endoculturation

این واژه توسط بعضی از مؤلفان برای تعیین فرآیند انتقال فرهنگ از نسل‌های قدیمی به نسل‌های جوانتر و از بزرگسالان به کودکان به کار برده شده است. بنا بر این، *endoculturation*، نخستین مرحله فرآیند* *enculturation* خواهد بود.

(Angl. :*endoculturation*.)

endocannibalisme

درون هم‌نوع‌خواری

V. cannibalisme.

(Angl. :*endo – cannibalism*.)

endodème

آندودم

V. dème.

(Angl. :*endodème*.)

endogamie**درون همسری**

قاعده و دستورالعملی است که فرد براساس آن مجبور است همسر خود را از درون گروهی که به آن تعلق دارد انتخاب کند. این گروه می‌تواند يك گروه خویشاوندی، اقلیمی و یا گروهی باشد که افراد آن پایگاه (statut) یکسانی دارند.

Ant. :exogamie.

(Angl. :endogamy.)

endorcisme**اندورسیسم**

يك عمل تشریفاتى، به منظور استرداد «روح» یا اصل زندگی است که از يك فرد در اثر کنش «جادوی سیاه» *magie*noire* یا به دلایل مختلف دیگر جدا شده است.

Ant. :*exorcisme**

environnementalisme**محیط گرایی**

این واژه، شکل فرانسوی کلمه انگلیسی *environmentalism* است

V. *écologie**.

(Angl. :*environmentalism*, یا *environmental determinism*;

All. :*Milieu theorie*.)

Eskimo, یا Esquimau**اسکیمو**

(واژه‌ی ست باریشه «الگونکین» *algonquine* به معنای «خوردنده گوشت خام»؛ اسکیموها خود به آن *Inuit* یعنی انسان (*homme*) می‌گویند).

جمعیتی بوم‌زاد (*indigène*) که در مناطق شمالی ساکنند. این مناطق از گروئنلند و لا برادر (*Labrador*) به شرق و از دریای برینگ (*Bering*)

به طرف غرب ادامه می‌یابد. کشور آنها از نظر سیاسی بین دانمارک، کانادا، ایالات متحده و اتحاد شوروی (سیبری) تقسیم شده است. اسکیموها در سال ۱۹۵۰ در حدود ۵۰۰۰۰ تن تخمین زده شده‌اند (۴۳۰۰۰ تن در گروئنلند و ۱۸۰۰۰ تن در آلاسکا). در این ارزیابی، اله‌اوت (Aléoute) ها که به مثابه مردمی علی‌حده شناخته شده‌اند به حساب نیامده‌اند. اسکیموها به دو گروه زبانی تقسیم شده‌اند؛ در شرق به زبان اینوپیک *inupik* و در غرب به زبان یوپیک *yupik* سخن می‌گویند. فرهنگ آنان وحتى خصایص نژادیشان زیاد همگون نیست. زندگی سنتی اسکیموها که اساساً مبتنی بر شکار و صید (گوزن شمالی، پستانداران دریایی، ماهیها و غیره) است، امروزه به ندرت قابل رؤیت می‌باشد، زیرا آنان از آغاز این قرن بر خوردهای بیش از پیش صمیمانه خود را با تمدن صنعتی حفظ کرده‌اند و در راه «فرهنگ‌پذیری» *acculturation* گام برمی‌دارند. اسکیموهای «لابرادر» و گروئنلند بسیار دور که به نظر می‌رسند.

K. Birket-Smith, *Moeurs et coutumes des Eskimo*, 1937. R. Gessain, *Les Esquimaux du Groenland à l'— Alaska*, 1947. *Ammassalik ou la Civilisation obligatoire*, 1969. M Mauss : *Essai Sur les Variations saisonnières des Sociétés Eskimos*, 1904-1905, dans Mauss (1950). J. Malaurie, *les derniers rois de Thulé*, 1955. F. Mowat, *Moeurs et Coutumes des Esquimaux Caribous*, 1953. G. Holm, «Ethnological Sketch of the Angmagsalik Eskimo», in *Meddelelser om Gronland*, 39, P. 147, 1914. D. Jenness, «The Life of the Copper Eskimos», in *Report of the Canadian Arctic Expedition 1913-18*, 22, A, Pl-277. Ottawa, 1922.

(Angl. : *Eskimo*.)

Eskimo-Aléoute

اسکیمو - اله‌اوت

يك خانوادۀ زبانیست كه زبانهای اسکیموئی و زبانهای ساکنان جزایر اله‌اوت یا اله‌اوتی‌ها را در برمی‌گیرد.

(Angl. : *Eskimo-Aleut.*)

نظام خویشاوندی اسکیمو

Eskime, système de parente

دروازه شناسی مربوط به مودداک در سال ۱۹۴۹، این نظام - که همان نظام جامعه غربی در بین سایر جوامع است - با واژگانی از نوع اسکیمو برای **cousines croisées* و نیز با واژگانی مربوط به خطوط خویشاوندی برای خاله (عمه، زن دایی، زن عمو = tante) ها و دخترهای خواهر یا برادر (nieces) مشخص شده است.

بنا به تعریف، به يك واژگان، آنگاه «واژگان اسکیمو» اطلاق می‌شود که دخترعمه (دخترخواهر پدر Fe Sr Pe) و دختردایی (دختر برادر مادر Fe Fr Me) با همان واژه‌های مربوط به «دخترعمو (خاله) های موازی - **cousines parallèles*» معین شده و نیز در حکم خواهران یکدیگر به حساب آمده باشند.

به طور کلی، همین واژه در مورد دو دختر دایی و دخترعمه عرضی (cousines croisées) به کار برده می‌شود.

(Angl. : *Eskimo kinship system; Eskimo type.*)

esprit, danse de l'

رقص روح

V. Ghost dance.

esprit gardien

روح محافظ

مراد از روح محافظ همان روح یا وجود غیرمادی است که شخصاً از يك فرد محافظت می‌کند و یا در شرایط کاملاً مشخصی به کمکش می‌تابد. این مفهوم در جوامع بیشماری شایع است.

(Angl. : *guardian spirit.*)

اسکیمو

Esquimau

V. Eskimo.

خانواده گسترده

étendue, famille

گروهی ست مرکب از دو خانواده هسته‌ای یا بیشتر که با گسترش روابط والدین - فرزندان، به هم وابسته بوده و يك اقامتگاه مشترك دارند. به این ترتیب، مثال بارز آن مربوط به مشارکت خانواده هسته‌ای يك فرد بالغ متأهل است با خانواده والدین خود.

(Angl. : *extended family*.)

قوم

ethnie

(از واژه یونانی *ethnos* به معنای: «مردم، امت *peuple*»، «ملت *nation*» گرفته شده است).

قوم یا گروه قومی (*groupe ethnique*)، به گروهی از افراد اطلاق می‌شود که به يك فرهنگ (زبان، آداب و رسوم و غیره) تعلق داشته و از این طریق شناخته می‌شوند. این مفهوم که مبنای اصلی مردم‌شناسی ست، از نظر مؤلفان تعاریف متفاوتی را در بر می‌گیرد که به تعداد و نیز به انتخاب عناصر مشخص‌کننده آن بستگی دارد. برخی از انسان‌شناسان به طرز خاصی به این مفهوم وابسته‌اند و مانند «شیروکوگوروف» *Shirokogoroff* روسی یا «مولمان» *Mülhmann* آلمانی، «نظریه‌های قومی» (*théories de l'ethnie*) را فراهم آورده و کوشیده‌اند تا از این طریق به تهیه تدریجی تعاریف دقیق این موجودیت (*entité*) پرداخته و خصیصه پویای آن را نشان دهند. قوم را باید از واحد قومی (*unite ethnique*) تفکیک کرد، زیرا «واحد قومی» می‌تواند یکی از هر گروهی باشد که فرد به آن تعلق دارد مانند: خانواده هسته‌ای، خانواده گسترده، روستا، قبیله و غیره.

اتنو-

ethno-

مردم‌شناسی زیستی (ethnobiologie)، مردم‌شناسی گیاهی (ethnobotanique)، مردم‌شناسی جمعیتی (ethnodémographie)، مردم‌شناسی اقتصادی (ethno-économie) - کاربرد این واژه در مردم‌شناسی کم است. ر.ک. به: *anthropologie* économique* - «مردم‌شناسی تاریخی» *ethnohistoire**، مردم‌شناسی زبانی (زبان‌شناسی قومی ethn-linguistique)، مردم‌شناسی معدن (معدن‌شناسی قومی ethnominérale)، مردم‌شناسی موسیقی (موسیقی‌شناسی قومی ethnomusique)، مردم‌شناسی روانی *ethnopsychiatrie**، روان‌شناسی قومی (مردم‌شناسی روانی ethnopsychologie) جامعه‌شناسی قومی (مردم‌شناسی جامعه ethnosociologie)، مردم‌شناسی حیوانی (ethnozoologie) و غیره.

واژه *ethno*، اصطلاحی است که به تازگی برای تعیین میادین متفاوت تحقیقات تخصصی در قلمرو «مردم‌شناسی علوم» *ethnoscience** ساخته شده است. این واژه به موجب رشته‌های علمی یا (و) بر حسب کشورها و مؤلفان، یکی از این معانی را به خود اختصاص می‌دهد.

قوم‌مداری، قوم‌مرکزی

ethnocentrisme

(این واژه در ۱۹۰۶ توسط سامنر (W. G. Sumner) در *Folkways* دواج یافته است).

قوم‌مداری، طرز تلقی و شیوه رفتار اعضای يك جامعه است. اینان همه وقایع اجتماعی را به کسانی بر می‌گردانند که می‌شناسند یا براساس آن معتقدند که فرهنگشان بهتر و برتر از دیگران است. قوم‌مداری می‌تواند به منزله يك پدیده جهانی شناخته شود، اما، در برخی از جوامع - به ویژه در جامعه غربی - پوشیده از چشم اندازی فعل‌گرا و فاتح است که به يك نظر تنها با برتری فنی این جامعه توجیه شده و در تحت شکل «نژادپرستی» *racisme** به زبان ملت‌های دیگر به کار برده می‌شود. بسیاری از علوم غربی قوم‌مدار هستند و حتی مردم‌شناسی نیز به ندرت می‌تواند از زیر بار این طرز فکر

شانه خالی کند.

V. acculturation, ethnocide, génocide.
(Angl. :ethnocentrism.)

قوم‌کشی، قومیت‌کشی ethnocide

هنگامی که فرهنگ غالب در انهدام ارزشهای اجتماعی و روحیات سنتی جامعه مغلوب و برای گسستگی (désintégration) و سپس نابودی (disparition) آن می‌کوشد، در این صورت، واژه قوم‌کشی را - که به تازگی رایج شده - به کار می‌برند تا بدان وسیله، القاء اجباری فرآیند «فرهنگ‌پذیری acculturation» را از طریق فرهنگ غالب در یک فرهنگ دیگر [= مغلوب] توصیف کنند.

قوم‌کشی، در گذشته، به وسیله جوامعی از نوع جوامع صنعتی و به این منظور که هدف آن؛ همانندسازی، «ایجاد آرامش»، یا تغییر شکل در جوامع «ابتدایی» یا «عقب مانده» است، اجرا شده و بازهم می‌شود. این عمل معمولاً تحت عنوان اخلاق، رسیدن به کمال مطلوب در پیشرفت، یا «تقدیر تطوری و تکاملی» صورت می‌گیرد.

Jaulin (1970, 1972).
(Angl. :ethnocide.)

مردم‌نگاری، قوم‌نگاری ethnographie

مردم‌نگاری، مشاهده در محل («زمین تحقیق * terrain»)، توصیف و تحلیل گروههای انسانی است که به قدر کفایت کوچک بوده و به این علت می‌توانند تماماً توسط تعداد محدودی از پژوهشگران، از طریق روشهای عموماً غیر آماری مطالعه و درک شوند.

توصیف و تحلیل گروههای انسانی به منظور برپایی جنبه‌های مختلف زندگی هر یک از آنهاست (جنبه محیطی، فنی، اقتصادی، سیاسی، حقوقی، مذهبی، خانوادگی و غیره)، که تا حد امکان با دقت و صحت و وفاداری انجام گرفته و به صورت یک تک‌نگاری (monographie) گزارش می‌شود.

به دلایل عملی و نظری، میدان مطالعه مردم‌نگاری زمان‌درازی به‌جوامع موسوم به ابتدایی محدود شده بود، اما، مردم‌نگاری می‌تواند به گروه‌های انسانی متعلق به جوامع غربی کشیده شود (به‌عنوان مثال نگاه کنید به، مردم‌شناسی روستایی؛ فرهنگ مردم (folk, culture de)؛ فرهنگ فقر). تذکاد: در آغاز قرن نوزدهم، واژه مردم‌نگاری مربوط به علم طبقه‌بندی مردم برحسب زبان‌شان بوده است.

Conklin (1968), Griaule (1957), Leiris (1934), Lévi-Strauss (1955, 1958), Panoff et Panoff (1968), Mauss (1947), *Notes*and Queries in Anthropology*.
(Angl. :ethnography.)

ethnohistoire

مردم‌شناسی تاریخی

به‌شاخه‌ای از مردم‌شناسی اطلاق می‌شود که از طریق باستان‌شناسی (پیش از تاریخ)، بایگانیها یا استنتاجاتی که بر تجربه‌های غیرمستقیم استوار است، درصدد بازآفرینی و تشکیل مجدد مردم‌شناسی جوامعی است که در حال حاضر از بین رفته یا فرهنگ‌پذیر (*acculturée) شده‌اند، نظیر: مردم‌شناسی تاریخی جامعه‌اینکا (Inca) یا جامعه‌آزتک (Azteque)، مردم‌شناسی تاریخی استعمار اروپایی در بریتانیای جدید (Nouvelle-Bretagne) از ۱۸۸۵ تا ۱۹۱۴، مردم‌شناسی تاریخی رقابتهای سیاسی بین خانواده‌های ساموآ (V. Samoa) در قرن نوزدهم و غیره.

Lawrence (1964), Maude (1963), Métraux (1951), Salisbury (1970), Shineberg (1967), Wachtel (1971).
(Angl. :ethnohistory.)

ethnologie

مردم‌شناسی، قوم‌شناسی

(این واژه در سال ۱۷۸۲ توسط «شوان Chavannes» از اهالی سوئیس و در اثری به نام: «گزارشی در باب تعلیم و تربیت عقلایی باطرحی از یک علم جدید» وارد شده است).

مردم‌شناسی که از آغاز قرن نوزدهم مترادف با «علم طبقه‌بندی نژادها» (شاخه‌یسی از «انسان‌شناسی جسمانی» **anthropologie physique*) است، در سرتاسر نیمه‌ی اول قرن بیستم - و گاهی هنوز - مجموعه‌ای از علوم اجتماعی را برای مطالعه‌ی جوامع معروف به جوامع «اولیه» و انسان فسیل معین می‌کند؛ اما، امروزه مایل است که جای خود را به انسان‌شناسی (*Anthropologie*) بدهد، یعنی علمی که مردم‌شناسی یک قسمت یا یک مرحله از آن را تشکیل خواهد داد. در واقع، در معنای محدود کنونی خود، مردم‌شناسی فقط مطالعات ترکیبی و نتایج نظری را، که به تدریج از طریق اسناد و مدارک مردم‌نگاری تهیه شده و به‌ویژه بیشتر به سمت مسایل مربوط به اشاعه، برخورد، منشاء، بازآفرینی گذشته‌رو آورده‌است، در خود جای می‌دهد. در این معناست که انگلیسی‌ها از دیر زمان به‌واژه مردم‌شناسی *ethnology* استناد می‌کنند. مطالعه‌ی مسایل عمومی‌تر حوزه «انسان‌شناسی اجتماعی» **anthropologie sociale* و «انسان‌شناسی فرهنگی» **anthropologie culturelle* را تشکیل خواهد داد. اما بعید است که اینگونه تمایزات که از کشورهای انگلو - ساکسون به‌ارث رسیده‌اند، در «فرانسه» نیز به اتفاق آرا پذیرفته شده باشد.

(Angl. : *ethnology*.)

ethnologie appliquée

مردم‌شناسی کاربردی

V. *anthropologie appliquée*.

ethnologie rurale

مردم‌شناسی روستایی

مردم‌شناسی روستایی مطالعه‌ی واحدهای اجتماعی (اجتماعات) روستایی و دهقانی است که در جوامعی از نوع صنعتی جای دارند و برطبق روشهایی صورت می‌گیرد که خاص تحقیقات مردم‌نگاری و مردم‌شناسی است.

V. *folklore, folk (culture de-)*.

Bloch (1931), Bernot et Biancart (1953), Gresswel (1969), Maget (1953), Morin (1967), Redfield (1956),

Wylie (1957).

(Angl. : *ethnology of peasant societies.*)

مردم‌شناسی روانی، روانپزشکی قومی **ethnopsychiatrie**

مراد از آن گسترش روشها و قلمروی روانپزشکی در جوامعی است که به وسیلهٔ مردم‌شناس مورد مطالعه قرار گرفته‌اند (مشاهدهٔ بیماریهای روانی خاص و بیماران روانی، تعریف وضعیت بهنجار و مرضی در فرهنگهای غیر غربی، مطالعهٔ اعمال جادوگری، پدیده‌های توهمی و غیره).

Syn. : *psychiatrie culturelle* · *V. anthropologie psychanalytique.*

Benedict et Irving (1954), Bastide (1950, 1965), Devereux (1970), Laubscher (1937), Linton (1956), Opler (1956, 1959), Ortigues (1966), Paul (1955).

(Angl. : *ethnopsychiatry.*)

ethnoscience

مردم‌شناسی علوم

۱- شاخه‌ای از مردم‌شناسی است که می‌کوشد تا معارف اثباتی جوامع غیربومی را با جوامعی که علوم غربی در چارچوب رشته‌های علمی قوام یافته قالب‌گیری کرده‌اند، مقایسه کند. به این ترتیب، طبقه‌بندیهای ابتدایی مربوط به گیاهان را با طبقه‌بندیهای عناصر گیاه‌شناسی یا جانورشناسی عصر ما (مردم‌شناسی گیاهی و مردم‌شناسی حیوانی) و فهرست تشخیص پاره‌ای از امراض را که یک حکیم بوم‌زاد تدوین کرده با جدول شناخت علایم مرض‌در پزشکی جدید مقایسه می‌کنند. در قلمرو طبقه‌بندیهاست که «مردم‌شناسی علوم» جالبترین و مبتکرترین مطالعات را به تحقق رسانیده است، زیرا آن جذبهٔ عقلانی که به وسیلهٔ مقایلهٔ مقوله‌های مختلف به کار برده شده است - جذبه‌ای که کاملاً آشنا به تفکر اروپایی قرون وسطی است - نفی «قوم‌مداری» (*ethnocentrisme*) لاینفک را از علوم قوام یافتهٔ عصر ما آسان کرده است.

۲- برخی از مؤلفان، به‌ویژه در فرانسه، به‌کل کار برد رشته‌های علمی در پدیده‌های طبیعی، که از طرفی به‌وسیله تفکر بوم‌زاد درک شده‌اند، مردم‌شناسی علوم می‌گویند. این تعریف مسلماً متضمن حاکمیت مطلق علوم غربی است که در آخرین لحظه، قاضی القضاة تمام عیار و کاملی باقی می‌ماند که موجودیتش بین کلام بوم‌زاد و واقعیتی که از آن حرف می‌زند به تحقق رسیده است. نتیجه آنکه در این حالت، علوم غربی و مقوله‌هایی که به خدمت می‌گیرد مورد سؤال نیستند. از این جهت است که اکثر مردم‌شناسان در چشم‌اندازی که با نخستین تعریف «مردم‌شناسی علوم» مطابقت دارد، در خود هیچ‌گونه رضایتی حس نمی‌کنند.

Bulmer (1967), Conklin (1955), Frake (1961), Lévi-Strauss (1962).

(Angl. :ethnoscience.)

ethos

عادات و رسوم

(واژه یونانی به معنای: رفتار *comportement* و رسوم *moeurs*).

مراد از آن خصلت عادی و مشترک کلیه اعضای يك جامعه معین و مشخص است. واژه *ethos* با مجموعه‌ای از ارزشهای اجتماعی مرتبه‌بندی شده، که به هر فرهنگ خصیصه و منش خاص آن را می‌دهد، مطابقت می‌کند. این واژه به‌وسیله آن دسته از مردم‌شناسان آمریکایی که پیرو مکتب فرهنگ و شخصیت (*V. Culture et Personnalité*) هستند رایج شده و اغلب به‌مثابه مترادف «شخصیت اساسی *personnalité de base**» به کار رفته است.

Benedict (1932, 1934), Devereux (1970), Kluckhohn (1943), Kroeber (1948, 1952), Redfield (1953), Sapir (1949).

(Angl. :ethos, یا (areal) culture pattern.)

étiologique, mythe

اسطوره انگیزه

اسطوره یا واقعه فرعی مربوط به آن، که مفروض به توجیه ظهور یا تکوین يك مقوله زیستی، يك پدیده طبیعی یا یکی از صفات ممتاز آنهاست.

(Angl. : *etiological myth.*)

غلایف رجلیت، پوشینه مردانگی **étui pénien**

غلایف ساخته شده‌بیست که عموماً منشاء گیاهی دارد و قسمتی یا تمام آلت تناسلی مرد را، به قصد آرایش یا حفاظت آن، می‌پوشاند. این غلایف اغلب به کمربندی ثابت شده است. آن را در آفریقا، آمریکای حاره‌ای، ملانزی و غیره می‌توان یافت.

(Angl. : *penis sheath.*)

اوانس - پریچارد، ادوارد اوان

Evans-Pritchard, Edward Evan

(در سال ۱۹۰۲ ددسوسکس (Sussex) انگلستان به دنیا آمد).

اوانس - پریچارد، زمانی درازپیشوای مکتب انگلیسی و پژوهشگر بلند آوازه زمین تحقیق بود. او اساساً از ۱۹۲۶ تا ۱۹۳۶ در سودان، کنگوی بلژیک (زئیرفلی)، کنیا و غیره به تحقیقات محلی پرداخت و مدت مدیدی در اکسفورد تدریس کرد. اوانس - پریچارد، به‌ویژه از طریق تک‌نگاری مشهورش دربارهٔ اقوام نوئر (Nuer)، به مفهوم ساختار اجتماعی که توسط مکتب ساخت‌گرایی انگلیس رشد یافته بود (V. Radcliffe-Brown) عمق بیشتری بخشید. او را به این خاطر نیز می‌شناسند که پژوهش‌کار بردی را در خدمت ادارهٔ مستعمرات انگلیس به کار بسته و ستوده است.

آثار عمدهٔ اوانس - پریچارد به شرح زیر است:

Witchcraft, Oracles and Magic among the Azande, 1937 (trad. franç. *Sorcellerie, Oracles et Magie chez les Azandé*, Gallimard, 1972). *The Nuer*, 1940 (trad. franç. *Les Nure*, Gallimard, 1968). *Social Anthropology*, 1951 (trad. franç. *Anthropologie Sociale*, Payot, 1969). *Kinship and Marriage among the Nuer*, 1951 (trad. franç. Payot, 1973). *Nuer Religion*,

1956. *The zande Trickster*, 1967 (Evans – Pritchard edit.).

رابطه پرهیزی، مناسبات خویشاوندی احتراز آمیز évitement, relation d'

رابطه‌ی بی‌ست که در جوامع بیشمار در بین برخی از افراد خویشاوند تجویز شده است. این رابطه می‌تواند به وسیله‌ی یک ممنوعیت ساده، مانند تماس‌های بدنی بین آنها یا برعکس از طریق یک سلسله از تحریمها ابراز شود (پرهیز از تلفظ نام خویشاوند، پرهیز از زیر یک سقف بودن با او، احتراز از تلاقی با او در راه و غیره). در تعداد کثیری از جوامع، دوفرد خویشاوند که موضوع پرهیز قرار می‌گیرند عبارتند از: خواهران و برادران، دامادها و مادرزنها.

(Angl. : *avoidance relationship*.)

تطور و تکامل گرایی، تحول گرایی evolutionnisme

تطورگرایی جامعه‌شناختی، که در شکل جدید خود از نظریه‌های زیستی تطور و تکامل (لامارکیسم، داروینیسم) تأثیر پذیرفته و با وجود این از آنها پیشی گرفته است، نظریه‌ی بی‌ست که معتقد است در بشریت اختیارات و استعدادها های مستمری وجود دارد و به هر مقیاس که جامعه پیشرفت می‌کند، این استعدادها نیز توسعه می‌یابند. بنابراین، فرآیند تطور و تکامل گرایی، که به موازات همه جوامع تحقق پذیرفته است، با گسترش کم و بیش سریع دسته‌ای از نهادها، فنون، اعتقادات و رویدادها مطابقت خواهد داشت. از طرفی، از «توازی- گرایی» **parallélisme* یا تطور و تکامل «یک خطی» **unilinéaire* نیز سخن می‌گویند، زیرا توسعه اساساً به موجب همان یک خط هادی در تمام سطوح فرهنگ صورت خواهد گرفت.

تطور و تکامل گرایی درحالی که قابل مقایسه با فرآیند تباریخیست، مع هذا با آن تفاوت دارد. زیرا، در ارتباط با تسلسل منظم رویدادهای بی‌ست که نه در زمان و نه در مکان قابل شناسایی نیستند. تطورگرایی متکی بر یک تاریخ

فرضی است.

بنابر اهمیتی که سازگار باهریک از سطوح واقعه اجتماعی ست (سطح اقتصادی، فنی، مذهبی و غیره)، تطوورگرایی صور مختلفی به خود گرفته و به طرق گوناگون مراحل را که باید جوامع، پیش از رسیدن به وضعیت «عالی» خود - که گاه معروف به «تمدن» است - از آن بگذرند معین کرده است. مثلاً «مرگان» *Morgan** در کتاب «جامعه کهن» (*Ancient Society*)، سه مرحله شگرف: توحش (*Sauvagerie*)، بربریت (*Barbarie*) و تمدن (*Civilisation*) را معین می‌کند. این مراحل خود به مراحل فرعی دیگری تقسیم شده‌اند؛ و دیگران نیز توالی منظم: شکار، دامداری، کشاورزی یا «جان‌گرایی» *animisme**، شرک (*polythéisme*)، توحید (*mono-théisme*) و غیره را رایج کرده‌اند. «تایلر» *Tylor**، «مکلنن» *McLennan**، «فریزر» *Frazer**، «مارت» *Maret**، «مرگان» *Morgan** و غیره، در بین مشهورترین نامها، به این مکتب وابسته‌اند.

اینکه کلیت تغییر فرهنگی و موجودیت برای جوامع را از یک فرآیند سازگار تشخیص دهیم، در جای خود حایز اهمیت است. اما، تطوور و تکامل‌گرایی بیش از اندازه منظم، به توصیفات جزئی و ناتمام یا هزل آمیز جوامعی منتهی شده است که به زحمت در چارچوب معینی داخل می‌شوند؛ شمار بزرگی از متغیرهای وابسته، و لازم در توصیف یک جامعه، روشی را که با برتری برخی از «خطوط» تمدن مدعی انجام یک مطالعه کلی است، انتقادپذیر می‌کند. با اینهمه، هر اندازه که از زیباترین روزهای فرضیه تطوور و تکامل‌گرایی دور می‌شویم (پایان قرن نوزدهم و آغاز قرن بیستم)، نزد مؤلفانی که به آن وابسته‌اند، بزرگترین فروتنی و نرمش و نیز اطلاعاتی را که اغلب به تردوین شده‌اند مشاهده می‌کنیم. مخصوصاً، در ایالات متحده است که در این اواخر تطوور و تکامل‌گرایی جدیدی (*neo-évolutionnisme*) که کوشش به «چند خطی شدن» (*Steward, 1949, 1955*) یا «کلی و همگانی شدن» (*white, 1949, 1959*) دارد توسعه یافته است. همراه با فرایند (*Fried, 1967*) و هادیس (*Harris, 1969*)، از یک طرف و سالینز (*Sahlins, 1968*) و سرویس (*Service, 1960, 1962, 1966*) از طرف دیگر، دانشگاه‌های کلمبیا و میشیگان در آمریکا این گرایش را که گاهی هم‌ردیف با «محیط‌شناسی فرهنگی» *écologie* culturell* ست

(به‌ویژه نزد سالینز) توسعه داده‌اند. همچنین می‌توان چایلد - (Childe, 1951, 1954) باستان‌شناس را در میان تطوودگرایان جدید جاداد.
 Bachofen (V.), Frazer (V.), Lubbock (V.), Mac Lennan (V.), Morgan (V.), Tylor (V.), etc.
 (Angl.: *evolutionism*.)

اکسیزیون، قطع بخشی از آلت تناسلی **excision**

قطع تشریفاتی بعضی از قسمتهای خارجی آلت تناسلی به‌دلیل مذهبی یا اجتماعی (مناسک رازآموزی، مناسک گذر و غیره).
 قطع کم‌وبیش وسیع لبه‌های فرج (*labiotomie*)، قطع چوچوله یا ختنه زنان (*clitoridectomy*) و ختنه مردان (*circumcision*) انواع متفاوت اکسیزیون هستند،

V. mutilation, infibulation.
 (Angl.: *excision*.)

برون همسری **exogamie**

(این واژه توسط «مک‌لنن Mac Lennan» ساخته شده است).

برون همسری، قاعده و دستورالعملی است که براساس آن فرد نمی‌تواند همسر خود را از درون گروهی که به آن تعلق دارد انتخاب کند. این گروه - که باید کاملاً مشخص شود تا مفهوم فوق معنا پیدا کند - می‌تواند یک گروه خویشاوندی، یک گروه اقلیمی و یا گروهی باشد که افراد آن پایگاه یکسانی دارند.

Ant.: *endogamie*.
 (Angl.: *exogamy*.)

اگزورسیسم، اوراد دفع شیاطین **exorcisme**

اگزورسیسم، یک عمل تشریفاتی است به منظور راندن دیوها یا ارواح خبیث

از جسم يك فرد تسخير شده و شیطان زده .
 در اروپای مسیحی، اگزورسیسم در آغاز مختص طبقة مشخصی از اعضاء
 کلیسا (از مرتبة مادون تا مقام کشیشی) بوده است. برعکس، بعدها، دخالت
 در این امر، در هر مورد، با اجازه اسقف و فقط در محدوده کار کشیشان قرار گرفت.
 اگزورسیسم به وسیله تعداد بیشماری از جوامع اجرا شده است.

V. endorcisme.

(Angl. : *exorcism*.)

F

fä ou fê

فا (یا ، فه)

اشیاء سنگی، به شکل مدور و به وزن بیش از ۱۰۰ کیلو گرم، که ساکنان جزیره یاپ (Yap) در میکرونزی (Micronésie) از آنها به مثابه نمادی از ثروت و رفعت در سلسله مراتب اجتماعی استفاده می کنند. به این سنگها معمولاً نسبت «سکه و پول» *monnaie** داده و برای آنها چنین وظیفه و کار-کردی قایل شده اند، اما، این فکر بسیار مورد اعتراض است.

(Angl. : *Fê – money*; All. : *Fä – Geld*.)

fait social total

واقعه (کنش) اجتماعی تام

این اصطلاح که به وسیله «مادسل هس» *M. Mauss** رواج یافته، بر این تأکید می کند که شمار بزرگی از وقایع زندگی اجتماعی نمی توانند تنها در یک «سطح» *niveau** درک شوند، اما، قادرند در مواردی چند، تمامیت جامعه و نهادهایش را به نوسان در آورند ... (آنها)، در آن واحد، حقوقی، اقتصادی، مذهبی و حتی زیباشناختی، نمادی ... هستند و در مجموع، «وقایع اجتماعی تام» نامیده می شوند (هس ۱۹۵۰). تنها واقعه اجتماعی تام است که واقعیت خواهد داشت. زیرا، زندگی اجتماعی نظامی است که همه جنبه های اجتماعی آن – که در سطوح متفاوت درک شده اند – از حیث سازمان به هم پیوسته اند.

V. holisme, organicisme.

خانوادهٔ زبانی

famille linguistique

A. linguistique, famille.

فنگ یا پهوین

Fang یا Pahouin

نام قومی ست در آفریقای سیاه، ساکن جنوب کامرون، گینه اسپانیا و منطقه‌ای در شمال رودخانهٔ اگوئه (Ogooué) در گابن. فنگ ها اساساً کشاورزند؛ امروزه کشت کاکائو منبع درآمد مهمی برای آنهاست. جمعیت آنان در سال ۱۹۵۸ در حدود ۷۰۰۰۰۰۰ نفر تخمین زده شده است (البته در این ارزیابی، بتی‌ها Les Béti و بولو‌ها Les Bulu نیز به حساب آمده‌اند). اشتها این قوم به خاطر رفتار جنگجویانه و مجسمه سازی آنهاست.

Alexandre P., et Binet J., *Le Groupe dit Pahouin (Fang, Boulou, Beti)*, 1958. G. Balandier, *Afrique Ambiguë*, 1957. *Sociologie Actuelle de l'Afrique Noire*, 1963.

(Angl.: Fang.)

فتیشیسم، بت پرستی

fétichisme

(از واژهٔ پرتغالی *feitico* به معنای: «شیء طلسم شده»، «جادو و افسون» گرفته شده است).

فتیشیسم کاربرد مراسم و شعائر «فتیشها» ست. فتیشها، اشیایی هستند که محبوس فرض شده‌اند، یا به یک نیرو یا یک موجود ماوراء طبیعی وابسته‌اند. بعضی از مؤلفان در فتیشیسم مرحله‌ای از تطور و تکامل پیش از «جان گرایی» **animisme* یا چندخدایی (polythéisme) دیده‌اند؛ برخی دیگر در پی آن بوده‌اند که بدانند موضوع فتیشیسم در رابطه با مذهب است یا جادوگری. امروزه از مفهوم فتیشیسم خیلی کم در مردم‌شناسی استفاده شده است، زیرا، ملتبس شده‌اند که در تحت این واژه پدیده‌های کاملاً متفاوتی بر حسب جوامع به هم پیوسته شده و در حالی که از زمینه‌های فرهنگی‌شان جدا مانده‌اند،

يك مقوله عملی و نتیجه‌دار تشکیل نمی‌دهند.

(Angl.: *fetishism*.)

اشکال طناب‌بازی

ficelle, jeux de

این بازیها که به حد اعلا در هر نقطه از جهان رواج یافته، مبتنی بر اشکال دلخواهی است که بسا روی هم گذاشتن حلقه‌های يك طناب گره خورده، که مچها و انگشتان بازی‌کننده آن را حمل می‌کند، و با اتصال حلقه‌ها در نقاط مختلف ایجاد می‌شوند. در اروپا این بازی فقط خاص اطفال است (مانند: بازی «اره» یا «گهواره»). اینگونه بازیها توجه و ذهن خلاق بزرگسالان را در نقاط دیگر جهان برانگیخته است. فهرست اشکال طناب بازی در نزد برخی از جمعیتها از غنا و تنوع شگفت آوری برخوردار است. از آنجا که هر يك از این اشکال نام مشخصی دارد و مفروض به ارایه عنصر همانندی از فرهنگ مادی یا شخصیتی آشنا در اسطوره‌شناسی است و، چون سرانجام، گستردگی بازی می‌تواند با از برخوانی قواعد سحرانگیز، ضرب المثلها، تقلیدهای کودکان یا شوخیهای تدوین شده همراه باشد بنابراین، مسئله مربوط به واقعیتی است که به هیچ وجه حاشیه‌ای نبوده و مطالعه آن غالباً برای مردم‌شناسی بسیار تابنده است. «دیوژن» *Rivers* و «هدون» *Haddon*، در سال ۱۹۰۲ روشی را پیشنهاد کرده‌اند که به صورت يك روش کلاسیک، برای توصیف و مطالعه اشکال طناب بازی، در آمده است.

(Angl.: *string figures*; All.: *Fadenspiele*.)

خویشاوندی نسبی (پدر فرزندی)

filiation

قاعده و دستورالعملی است که برطبق آن يك فرد در نتیجه تولد خود، هویت اجتماعی و عناصر اصلی پایگاهش را به دست می‌آورد. قاعده خویشاوندی نسبی، به ویژه، گروه خویشاوندانی را که فرد عضو آن می‌شود معین می‌کند. برای اینکه بتوان از خویشاوندی نسبی به معنای کامل آن سخن گفت، باید مکانیسم انتقال پایگاه یا مکانیسم تعلق به گروه خویشاوندان مورد بحث، خود-کار باشد و به فرد اجازه انتخاب وابستگی را ندهد. از این قاعده، بعضی

از نظریه سازان مانند: «لیچ *Leach**» پشتیبانی کرده‌اند. برعکس، سایر نظریه سازان با چنین تعریف محدودی مخالف بوده و آن را رد می‌کنند و معتقدند که آزادی انتخاب که برای فرد در بعضی از نظامها شناخته شده است (مثلاً در نظام «هپو *hapu**»)، نباید کاربرد مردم شناختی مفهوم خویشاوندی نسبی را مورد سؤال قرار دهد. این واژه قابل مقایسه با واژه «اولادان *descendance**» است.

V. cognatique, indifférenciée, matrilineaire, non-unilineaire, patrilineaire, unilineaire.

(Angl. : *descent*.)

Firth, Raymond W.

فرث، ریموند دبلیو.

(متولد ۱۹۰۱ در زلاندنو).

این انسان‌شناس انگلیسی، پیش از پرداختن به مطالعات عمیق و گسترده، ای در نزد «تیکوپیا *Tikopia**» های پولینزی (۲۹ - ۱۹۲۸، ۱۹۵۲)، «مئودی *Maori**» ها را مطالعه کرده است. او یکی از نخستین کسانی بود که نظریه اقتصادی را در انسان‌شناسی به کار برد و در این قلمرو و نیز در قلمرو نظام خویشاوندی مهم‌ترین سهم از آن اوست.

آثار عمده فرث به شرح زیر است:

Primitive Economics of the New Zealand Maori, 1928 (2^e ed. ayant pour titre: *Economics of the New Zealand Maori*, 1959). *Human Types*, 1931 (édition revue et augmentée, 1956). *We, the Tikopia, a sociological study of kinship in primitive Polynesia*, 1936 (trad. franç. *Nous, les Gens de Tikopia*, Payot, 1974).

Primitive Polynesian Economy, 1939. *Work of the Gods in Tikopia*, 1940. *Malay Fishermen: Their Peasant Economy*, 1946. *Elements of Social Organization*, 1951. *Social Change in Tikopia*, 1959. *Work and wealth of*

Primitive Communities, 1958. *History and Traditions of Tikopia*, 1961. *Essay on Social Organization and Values*, 1964. *Capital and Credit in Peasant Societies* (Firth et B. Yamey), 1964. *Tikopia Ritual and Belief* 1967.

folie arctique

جنون شمالی

V. piblokto.

(Angl.: *Arctic hysteria*.)

جامعه یا فرهنگ مردم

folk, société de (ou culture de)

(ترجمه انگلیسی این واژه، «*folk - society*» است.)

این اصطلاح که حوالی سال ۱۹۳۰ توسط «دفیلد **Redfield*» رایج شده، برای اجتماعاتی با بعد کوچک، که نسبتاً منفرد (*isolé*) و همگن بوده و از نظر فنی و اقتصادی ساده هستند، به کار رفته است. این اجتماعات در حالی که به نظام خویشاوندی و به مذهب نقش بزرگی می‌بخشند، در یک جامعه ملی جادارند، اما، گاهی در ضمن همزیستی با جامعه شهری با آن به مخالفت برمی‌خیزند. این واحدهای اجتماعی یا اجتماعات (*Communautés*) که «دفیلد» مطالعه آنها را در آمریکای لاتین توسعه داده است، می‌تواند مثالی از آغاز گسترش میدان مردم‌شناسی باشد، تا آنجا که بعدها به مطالعه جوامع سنتی و معروف به «ابتدایی» محدود شده است.

Redfield (1930, 1955.)

Ant.: culture urbaine.

V. ethnologie rurale. V. pauvreté, culture de.

(Angl.: *folk - society*.)

فولکلور (و مردم‌شناسی) (folklore' (et ethnologie)

امروزه، معمولاً، فولکلوریست (فولکلورشناس) به کسی اطلاق می‌شود که کار بردها، سنن و هنرهای عامیانهٔ جوامع صاحب «خط» را مطالعه می‌کند. تشخیص مطالعه‌ای که «مردم‌شناسی روستایی» (*ethnologie* rurale*) انجام می‌دهد، به وسیلهٔ روشهای استفاده شده صورت می‌گیرد: فولکلوریست عموماً به جمع‌آوری، طبقه‌بندی و به مطالعهٔ تطبیقی وقایع فرهنگی علاقهٔ شدیدتری نشان می‌دهد تا به تفسیر آنها، اما، به ویژه، این امر در رابطه با چشم اندازهای بررسی شده است: فولکلوریست اغلب به گذشته و به تحقیق در بارهٔ بازماندگان و بقاء پس از مرگ نظر دارد، در صورتی که وظیفهٔ فعلی مردم‌شناس تحقیق در بارهٔ جامعهٔ زنده است. مطالعهٔ فولکلور غالباً به «موزه شناسی» مربوط می‌شود.

تذکار: گاهی در قرن گذشته نام «فولکلوریست» را به انسان‌شناسان می‌دادند که دربارهٔ مفروضات و روایات مسافران کار می‌کردند.

Rivière (1967), Saintyves (1906, 1934–36, 1936)
Sébillot (1880, 1901), Van Gennep (1920, 1946),
Varagnac (1938, 1948).
(Angl.: *folklore*.)

fonctionnalisme

کارکردگرایی

این فرضیهٔ روش شناختی که بعداً به صورت آیین شبه فلسفی (para-philosophique) درآمد، عبارت از بررسی هر واقعهٔ اجتماعی (fait-social و هر نهاد (institution) در روابطش با کل هیئت اجتماعی (corps social) است که خود جزو آن به شمار می‌رود.

۱- واژهٔ «folklore» که در زبان فارسی معادل: فرهنگ عامه، فرهنگ قومی، فرهنگ عوام، فرهنگ عامیانه، فرهنگ مردمی، ادبیات قومی، ادبیات توده، دانش عامهٔ مردم، ادبیات عامیانه و غیره ترجمه شده است، يك واژهٔ انگلیسی (folk-lore = lore است که در سال ۱۸۴۶ رایج شده است و ترکیبی است از دو واژهٔ «lore» به معنی، «دانش» و «folk» به معنی: «مردم». (م).

کارکردگرایان تأکید بر این دارند که هر واقعه یا نهاد مورد بحث در صورتی که ارتباطات «کادکردی» آن با وقایع یا نهادهای دیگر قابل درک نشده باشد، مفهوم خود را ظاهر نمی‌سازد. به عنوان مثال: فلان مناسک آیینی در صورتی که طبقه ارتباط آن با مسائل اقتصادی یا سیاسی آشکار نشود، در فهم نخواهد گنجید، به این ترتیب کارکردش در سطوح مختلف معین شده و همچنین دلیل موجودیتش بیان می‌شود.

بنابراین در کادکردگرایی، یک فرضیه «کل‌گرا» *holistique* و یک اصل موضوعه نفع‌گرا (*utilitariste*) وجود دارد. از طرفی این اصل، که به شدت مورد انتقاد قرار گرفته، بر این فرض استوار است که: کارکرد هر چیز در یک نظام اجتماعی صریح و دقیق است و این بدان معناست که جای کمی برای پویایی تغییر فرهنگی باقی می‌ماند.

بانی و مشهورترین سخنگوی کادکردگرایی در انسان‌شناسی، یعنی: «مالینوسکی» *Malinowski* فرضیه کل‌گرایی را متوالیاً در «ادگنوتهای غرب اقیانوس آرام» (*les Argonautes du Pacifique Occidental*) به اشتها رسانده و از اصل موضوعه نفع‌گرا، در نوشته‌های نظری خود دفاع کرده است.

Malinowski (1922, 1944), Radcliff – Brown (1923), Lowie (1937).
(Angl.: *functionalism*.)

Forde, Daryll C.

فورد، دریل سی.

(متولد سال ۱۹۰۲ در انگلستان).

انسان‌شناس انگلیسی که تحقیقات محلی خود را به ویژه در نزد سرخ-پوستان یوما Yuma و هوپی در مکزیک نو و آریزونا (۲۹-۱۹۲۸) و نیز در نیجریه (۴۰-۱۹۳۹، ۱۹۳۵) انجام داد و مطالعاتی در نظام خویشاوندی و سازمانهای سیاسی و اقتصادی به عمل آورد. او در دانشگاه لندن تدریس کرده است.

آثار عمده فورد به شرح زیر است:

Ethnography of the Yuma Indians, 1931. *The Native*

Economies of Nigeria, 1946. «Double Descent among the Yakö», in *African Systems of Kinship and Marriage* (Forde et Radcliffe – Brown, eds.), 1950. *Habitat, Economy and Society: a Geographical Introduction to Ethnology*, 1956 (1^{re} éd. 1934).

foret à arc

مته کمانی

نوعی مته است که با کمان کوچکی کار می‌کند که ریسمانش به دور میله‌ای کشیده شده و آن را می‌چرخانند، این مته عموماً برای سوراخ کردن به کار می‌رود؛ همچنین در نزد بعضی از اقوام، از آن برای تولید آتش استفاده شده است.

V. bâton à feu.

(Angl. : *pump – drill*.)

Fortes, Meyer

فورت، مهیر

(متولد سال ۱۹۰۶ در آفریقای جنوبی).

این انسان‌شناس که هم «محقق در محل» و هم تحلیل‌گیر ساختارهای اجتماعی‌ست، تجسم بسیار بارزی از انسان‌شناسی اجتماعی انگلیسی‌ست. تحقیقات محلی عمده وی در: لندن (جامعه‌شناسی شهری؛ ۳۲-۱۹۲۹)؛ «ساحل طلا» - یا کشور «غنا» - (نزد «تالانسی‌ها» **Tallensi*) (۳۷-۱۹۳۴) و نزد همسایگان نشان یعنی: «آشانتی‌ها» **Ashanti* (۴۶-۱۹۴۵) و در «بشوانالاند» *Bechuanaland* (۱۹۴۸) صورت گرفته است. وی در کمبریج تدریس می‌کند.

آثار عمده «فودت» به شرح زیر است:

The Dynamics of Clanship among the Tallensi, 1945. «kinship and Marriage among the Ashanti», in *African Systems of Kinship and Marriage*, 1950. *Oedipus and Job in West African Religion*, 1959.

Kinship and the Social Order: the Legacy of L. H. Morgan, Rochester, 1969.

Fortune, Reo Franklin

فرتون، رئوفرانکلین

(متولد سال ۱۹۰۳ در زلاندنو).

تحقیقات عمده این مردم‌نگار بزرگ در گینه‌نو (در سالهای ۲۹ - ۱۹۲۷، ۳۳-۱۹۳۲، ۳۶-۱۹۳۵، ۵۲-۱۹۵۱) و نزد قبایل «اوماها» *Omaha صورت گرفته است.

آثار عمده فرتون به شرح زیر است:

Omaha Secret Societies, 1932. *Sorcerers of Dobu*, 1932. *Manus Religion*, Philadelphia, 1935. *Arapesh*, 1942.

fosterage

رضاعی بودن، به شیر گذاشتن

(از واژه انگلیسی *to foster* به معنای، «شیردادن»، «نگهداری کردن»، «پروراندن» گرفته شده است).

عرف و عادت تدوین شده بی‌ست که برای: به دایه سپردن نوزاد، شرایط این به کارگماری، انتخاب والدین رضاعی و طبیعت و سرشت روابط موجود بین والدین رضاعی و والدین حقیقی کودک - که موجودیت آن از پیش به وسیله هنجارها و اصول جامعه تعیین شده است - به کار می‌رود.

رضاعی بودن (le fosterage) یا به یک «فرزند خواندگی» (adoption) به معنای کامل آن، منتهی می‌شود یا بازگشتی است به «خانواده دایه‌پا» *famille d'orientation. در هر یک از این دو مورد، پایگاه کودک، با به دایه سپردن وی، با روابط خویشاوندی ساختگی که با فرزندان

۱- در این حالت، رضاعی بودن هرگز به «فرزند خواندگی» منجر نمی‌شود، بلکه، فرزند رضاعی فقط چند صباحی در دامن یک خانواده زندگی خواهد کرد تا راه جهت خود را پیدا کند. (م).

والدین رضاعی خود برقرار می‌کند و یا با ازوم همبستگی با آنان - که تقریباً همیشه از اینگونه خویشاوندی ناشی می‌شود -، تغییر خواهد کرد.
(Angl. : *fosterage*.)

Four de Terre

تنور زمینی، تنورسنگی

گودال کوچکی است که در خاک حفر کرده و با سنگهایی که از شدت گرما به سرخی گراییده‌اند مفروش می‌کنند، دهانه‌اش را با گل یا با پوششی از برگ‌ها می‌بندند، به این ترتیب از آن برای پختن غذای گیاهی یا حیوانی استفاده می‌شود. این نوع تنور به طرز وسیعی از «اقیانوسیه» تا «آمریکا» رایج شده است.

(Angl. : *earth oven*; All. : *Erdofen*.)

foyer culturel

کانون فرهنگی

V. diffusionnisme.

(Angl. : *culture center*.)

Fox, système de parenté

نظام خویشاوندی فوکس

در سنخ‌شناسی مربوط به «موداک» * *Murdock* (۱۹۴۹)، این اصطلاح به نوعی نظام خویشاوندی اطلاق می‌شود که اسلوب خویشاوندی نسبی آن در حال انتقال بوده و واژگان آن برای «دختر داییهای عرضی» * *cousines croisées*، در انواع نظامهای خویشاوندی: «کرو» * *crow*؛ «وماها» * *Omaha* و «سودانی» * *Soudanais*، بی‌تقارن است. در صورتی که در مورد واژگان مربوط به «عمه‌ها، خاله‌ها، زن عموها، زن داییها» (tantes) و دخترهای برادر یا خواهر (nièces)، از جامعه‌ای به جامعه دیگر تغییر می‌کند.

(Angl. : *Fox type of kinship system*.)

فریزر، سر جیمس جورج

Frazer, James George (Sir)

(۱۸۵۴-۱۹۴۱).

این فولکلوریست، که اصل و نسب اسکاتلندی داشت، به‌ویژه پس از انتشار اثر باشکوه و حماسیش به نام «شاخه زرین *Le Rameau d'Or*» (چاپ نخست ۱۹۸۰)؛ چاپ سوم (۱۵-۱۹۱۱) شامل ۱۲ جلد). که در آن نظریه جادو و مذهب، تحلیل مفهوم «روح**âme*»، مطالعه برخی از مناسک و غیره را عرضه می‌کند، تأثیر شگرفی بر مردم‌شناسی، که تازه به دنیا آمده بود، گذاشت. او در این کتابها، به‌منتهی درجه به شرح و بسط مشرب و سلیقه خود درباره نظام گرای (systématique) و قیاس گرایی (comparatisme) پرداخته و آن را توسعه داده است. فریزر در کتاب: «توتیم و پودن همسری» (که در سال ۱۹۱۰ در چهار جلد منتشر شده است)، نظریات خود را درباره «تبو**tabou*» «زنا با محارم**inceste*» توضیح می‌دهد. به دلیل ظرافت و شکنندگی که در برخی از منابع فریزر به چشم می‌خورد و نیز به خاطر خصلت و منش ادیبانه خود وی، اثر باشکوه و حماسیش زمانی دراز نادیده انگاشته شد. اما، امروزه، بعضی از مردم‌شناسان می‌گویند تا دوباره واجد اعتبارش کنند. فریزر که خود شاگرد و مرید «تایلر**Tylor*» بود، مانند او به یک دانشمند «اطاق کار»^۱ (*de cabinet*) تبدیل شد. او در گلاسکو و سپس در کمبریج تدریس کرده است. آثار عمده فریزر به شرح زیر است:

Totemism, London, 1887. *The Golden Bough*, 1890.
Totemism and Exogamy, 1910. *The Belief in immo-*

۱- برای واژه «*cabinet*»، معادل فارسی «اطاق کار» از این جهت مناسبتر است که پرده از کیفیت تلاش «فریزر» در جمع‌آوری و تحلیل مفروضات مردم‌شناسی برمی‌دارد. زیرا، این پژوهشگر روحیه ادبی اعجاب‌آوری داشت و با نظم شاعرانه‌ای به تحلیل همه داده‌ها، مدارک تاریخی و آمار و اطلاعاتی می‌پرداخت که در طی سالیان بشمارگردآورده بود. از این رو همه روزگارش در کتابخانه‌ها و با دفتر کارش سپری می‌شد و اشتیاق چندانی به زمین تحقیق نداشت. «ه. د. هیس» در این مورد می‌نویسد: «قسمت اعظم زندگی فریزر در کتابخانه گذشته است... وی عالمی نظری بود که هرگز قدم به میدان عمل ننهاد» (تاریخ مردم‌شناسی، نوشته: «ه. د. هیس»، ترجمه: ابوالقاسم طاهری، ص ۱۹۴-۱۹۳). (م).

rtality and the Worship of the Dead, 2vol., 1911-13. *The Magical Origin of kings*, 1920. *Les Origines de la Famille et du Clan*, Paris, 1922. *Myths of the Origin of Fire*, 1930 (trad. franç. *Mythes sur l'Origine du Feu*, Payot, 2e éd. 1969).

Freud, Sigmund

فروید، زیگموند

(د ۱۸۵۶ درپری پر (Pribor) به دنیا آمد و د ۱۹۳۹ در لندن درگذشت).

این طبیب بلندآوازه اطریشی، با فراهم آوردن نظریه مشهورش به نام «نظریه تکوین وجودی فرهنگ *théorie ontogénétique de la culture*» (که برطبق آن تطور و تکامل جوامع انسانی انعکاسی از رشد فردی انسان از بدو تولد تا زمان مرگش خواهد بود)، و با ارائه تفسیرهای روان تحلیلی از تبوها (*tabous*)، شعایر (*rituels*) و مذاهب، به مردم‌شناسی کمک کرده است. فروید بسیار تحت تأثیر تطود و تکامل‌گرایان به‌ویژه «فریزر» *Frazer* بود و کتابهای آنان عملاً تنها منابع اطلاعاتی او را تشکیل می‌دادند. مفاهیم او درباره فرهنگ، اساساً در کتاب «توتم و تبو» توضیح داده شده است. همچنین از آثار دیگر او در این زمینه باید از «آینده یک پندار» (۱۹۲۸) و «موسی و وحدانیت» (۱۹۳۹) نام برد.

Frobenius, Leo

فروبنیوس، لئو

(در سال ۱۸۷۳ در برلن به دنیا آمد و در ۱۹۳۸ در ایتالیا درگذشت). این انسان‌شناس آلمانی و مدافع بزرگ نظریه «اشاعه‌گرایی» *diffusionnisme* که شاگرد «راتزل» *Ratzel* بود، تقریباً دوازده بار به آفریقا سفر کرد و در آنجا کوشید تاجای پای برخوردی‌های فرهنگی کهن را پیدا کند.

فروبنیوس روش مربوط به «دایره‌های فرهنگ و تمدن» *kulturkreise* را بسیار توسعه داده است. او همچنین پژوهشهایی درباره هنر آفریقاییش از تاریخ انجام داد و مجله آلمانی «*Paideuma*» را، که به وسیله

«انجمن فروبنیوس فرانکفورت» منتشر می‌شد، بنانهاد.

آثار عمده فروبنیوس به شرح زیر است:

Der Ursprung der Afrikanischen Kulturen, 1898. *Um Afrika Sprach*, 1912. *Atlas Africanus* (Frobenius et Von wilm), 1922. *Schicksalskunde im Sinne des Kulturwerdens*, 1931 (trad. franç. *Destin des Civilisations*, 1940). *Atlantis*, 1921-1930 (12 volumes, légendes africaines). *kulturgeschichte Afrikas*, 1933. *The Childhood of Man*, 1909 (1^{re} éd. anglaise). *Histoire de la civilisation africaine*, Paris, 1936.

* * *

G

gamelan

گاملان

(واژه اندونزی).

گاملان به ارکسترخانه‌های اشرافی جاوای و بالی اطلاق می‌شود و تقریباً شامل بیست افزا است که سازهای ردیف اول در حکم سازهای رهبر (conducteur) بوده و سازهای دیگر برای همراهی (accompagne-ment) با آن به کار می‌روند و ردیف آخر به سازهای بسم (basse) اختصاص یافته است. سازهای این ارکستر عبارتند از: چند ویلون، يك اگزیلوفن، يك متالوفن، لوله‌های بامبو، سنجهای چینی، طبلها و فلوتها. زنگها و ریتمهای خاص گاملان به وسیله آهنگسازان اروپایی مانند: دجوسی، استراوینسکی، بارتولک و هسیان پذیرفته شده و در نزد اکثر عاشقان موسیقی مأنوس و متداول گشته است.

صفحات موسیقی که بر این اساس تنظیم شده، عبارتند از:

Berthe, L., *Gamelans de Bali*. Microsillon 30cm, Éditions BAM, collection du Musée de l'Homme, No LD 096 M.

(Angl.: gamilan.)

Gé

ژه

يك خانواده زبانی در آمریکای جنوبی است که مشتمل بر اقوام متفاوتی

مانند آپینی نایه APinayé، اکوه Akwê - شامل: شوانت Shvante ها، شرانته Sherenté یا Ghérenté ها -، کایاپو kayapo ها و غیره بوده و در منطقه‌ای از فلاتهای مرکزی برزیل پخش شده‌اند. این منطقه در اطراف رودخانه آراگوايا Araguaya متمرکز بوده و از چشمه‌های پسارانا Parana تا دره‌های مرتفع اکزینگو xingu در شمال غربی واز پارانايا Paranaiba تا شمال شرقی کشیده شده است.

Dreyfus, S. : *Les Kayapo du Nord, contribution à l'étude des Indiens Gê*, 1963. Nimuendaju, c. : «The Apinayé», in *Catholic University of American University Anthropological Series*, VII, PP. 1-189, 1939. Nimuendaju, C. : «The Sherente», in *Publications of the Fredrick Webb Hodge Anniversary Publication*, Fund, 4, PP. 1-106, 1942.

(Angl. : Ge یا Gê.)

ثبت سلسله نیاکان، ثبت دودمانی généalogique, enregistrement

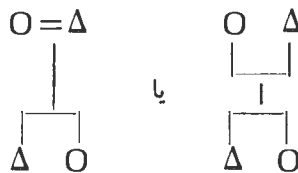
نوعی روش و فن بررسی‌ست که در بین سایر روشها به تعیین هویت نوعی نظام خویشاوندی منجر می‌شود که در یک جامعه مورد نظر معمول است.
(V. *généalogique, méthode*).

ثبت سلسله نیاکان شامل دو مرحله است.

۱- مرحله اول، مرحله‌یی‌ست که در آن مبرس از تعداد معینی از افراد می‌خواهد که تا آنجا که حافظه‌شان اجازه می‌دهد، مجموع فرزندان، خویشاوندان جانبی و نیاکان خود را یک به یک ذکر کنند و احتمالاً روابط خویشاوندی بین افراد وصلت کرده را که به‌هنگام بررسی از قلم افتاده است شرح دهند.

این اطلاعات به کمک نمادهای زیر به راحتی ثبت شده‌اند: برای زن علامت: O؛ برای مرد علامت: Δ؛ برای وصلت (یا ازدواج) علامت: =؛ یا علامت: | برای اولادان علامت: | و برای خویشاوندان جانبی (ارتباط

بین «دوניה» (*germaines**) علامت: $\square$ به کار می‌رود. به این ترتیب بر حسب این قرارداد، يك زن وشوهر و دوفرزند آنها (يك دختر و يك پسر) به صورت زیر نمایش داده می‌شوند:



پهلوی هر دایره یا هر مثلث اسم فرد مورد بحث نوشته می‌شود.
۲- در مرحله دوم (که می‌تواند همزمان با مرحله اول باشد)، بررسی کننده در صدد شناخت واژه‌ها، یعنی اسامی مشترکی است که توسط *Ego** برای نشان دادن هر يك از اعضاء (حقیقی یا فرضی) دودمانش استفاده شده است. برای اینکه خبرها کامل شوند، باید همان بررسی در حالتی که *Ego** يك سخنگوی مذکر یا مؤنث است انجام شود.
برای اینکه اطلاعات به دست آمده به راحتی و با دقت ثبت شود از «علائم اختصاری واژگان خویشاوندی *abréviations des termes de parenté** استفاده می‌کنند.

روش سلسله نیاکان، روش دودمانی

généalogique, méthode

روشی است که به وسیله «ریورز» (*Rivers**) در سال ۱۹۱۰ کاملاً در تحقیقات انسان‌شناختی راه یافته و از آن زمان یکی از وسایل ضروری کار در محل تحقیق شده است.

در اجتماعات کوچک بدون خط، روابط «خویشاوندی *parenté**» و ازدواج به طور وسیع فعالیت اقتصادی، اجتماعی و سیاسی افراد و گروه‌ها را معین می‌کند. از این رو، شناختن این روابط، يك دانش اساسی و ضروری به شمار می‌رود. بنابراین، مردم‌نگار باید همه اطلاعاتی را که به او اجازه جاگیری در جامعه را می‌دهد فراهم کند و جای هر يك از آنها را نسبت به هم و نسبت به اجداد گروه مشخص نماید و در نتیجه، ناگزیر به ثبت و سازمان‌دادن

آنها در يك مجموعه منسجم مفروضات باشد، مجموعه‌ای که مبتنی بر خویشاوندی نسبی و وصلت در نسل‌های مختلف شناخته شده است. برای این کار، آسانترین و عقلانی‌ترین شیوه، همان «ثبت سلسله‌نیاکان - *enregistrement gènea*» * *logique* است. اما باید آنچه را که در زمان درازی از طرف مردم‌شناسان ناشناخته مانده بود با دقت مشاهده کرد. زیرا، کاربرد این روش مفهوم اروپایی خویشاوندی را بادو رویی در يك عالم ذهنی و اجتماعی داخل می‌کند و در نتیجه «خویشاوندی» می‌تواند به‌طور کاملاً متفاوتی در فکر طرح‌ریزی شده و همچنان باقی بماند. به‌منظور آگاهی از يك انتقاد جدید؛ ر.ک. به: Conklin (1964).
(Angl.: *genealogical method*.)

واژگان از طریق نسلها

générations, terminologie par

این واژگان خویشاوندی که معیارهای «جانبی بودن *collatéralité*» و «انشعاب *bi furcation*» را با هم رد می‌کند، اساساً بر معیار نسلها (*générations*) تکیه دارد، یعنی، بر امری که متعلق به هر درجه از «اولادان *descendance*» است (تقسیم و توزیع افراد در نسل‌های متفاوت به‌طور خودکار صورت می‌گیرد، زیرا بر مبنای زیستی استوار است: نسل «آگو» *Ego* شامل برادران، خواهران و «*cousins germains*» های او، و نیز شامل «*cousins germains*» های گروه اخیره است. نخستین نسل فرزندان نسبت به *Ego*، پسران و دختران او، پسران برادر یا خواهر (*neveux*)، دختران برادر یا خواهر (*nièces*) و «*cousins germains*» های آنان و غیره را تشکیل می‌دهد. نخستین نسل نیاکان (*ascendance*)، والدین *Ego*، برادران و خواهرانشان و «*cousins germains*» های آنها و غیره است.)

(Angl.: *generation terminology*.)

genipa

ژنپا

درختی ست آمریکایی از طایفه رونا، (*Genipa Americana*)

Rubiaceae که شیر ودانه‌هایش در تهیه نوعی رنگ سیاه به کار می‌رود و در نزد اقوام متفاوت به عنوان آرایش تن استفاده می‌شود.
به این درخت، گاهی ژدگوا *jugua* نیز گفته شده است.

V. roucou.

(Angl.: *genipa*.)

نسل‌کشی، کشتار قومی *génocide*

ذنوسید، نابودی جسمانی افرادی است که به یک گروه قومی مفروضی تعلق دارند، این نوع هلاکت از روی نقشه منظم و معینی صورت می‌گیرد. تمدن غربی در این نوع فعالیتها خبره و برتر بوده است. توزیع الکلی یا البسه سمی و شکار «انسان وحشی» از وقیحترین اشکال کشتارهای قومی است که تا امروز علیه جوامع معروف به جوامع «ابتدایی» مرتکب شده‌اند.

Génocide culturel. V. *ethnocide*.

(Angl.: *genocide*.)

gens

تیره

(در جمع *gentes* گفته می‌شود).

گروهی از افراد که الزام به یک جد مشترک در خط خویشاوندی مذکر دارند. از نظر تاریخی، این واژه تعیین‌کننده یک نهاد در رم باستان است. اما، چندین مؤلف، تحت تأثیر «هرگان» *Morgan*، این واژه را برای هر گروه «پدر-کلان» *patri-clan* در انگلستان و «پدر-سیب» *patri-sib* در ایالات متحده به کار برده‌اند.

géomancie

ژئومانسی

عملی است مربوط به غیغویی و آن عبارت از ریختن مشی گرد و خاک، خاک یا سنگ بر زمین و نیز ترسیم نقاطی فرضی و اتفاقی بر خاک و سپس مطالعه و تفسیر اشکالی است که به این ترتیب روی زمین تشکیل شده است.

(Angl. :geomancy.)

géophagie**ژئوفاژی (خوردن زمین)**

آداب و رسوم است مربوط به خوردن زمین یا خاکهای رسی. این عمل در مناطق بیشماری از جهان مورد پذیرش قرار گرفته است (مثلاً در آفریقا، آمریکا، چین، اندونزی، گینه نو، در اسپانیا تا قرن هفدهم، در ایالات متحده در مناطق روستایی: آلاباما و جورجیا در قرن بیستم). آنچه مسلم است، توجیه بهداشتی این کار برد - که اغلب همانند شعائر انحرافی یا به منزله دلیلی است بر ابتدایی بودن ملت‌هایی که به آن عمل می‌کردند -، حداقل در برخی موارد، مربوط به فقدان بعضی از نمک‌های معدنی لازم درغذای آنان است. و چون این مواد در خاکها و خاکهای رسی وجود داشتند، بنا براین، افراد آنها را بادقت انتخاب کرده و به طور عادی یا در مراسم آیینی از آن تغذیه می‌کردند.

(Angl. :geophagy.)

germains**ژرمن**

بدون در نظر گرفتن جنسشان به فرزندان يك پدر و مادر «ژرمن germains» می‌گویند.

(Angl. :siblings.)

gérontocratie**حکومت پیران**

يك نظام سیاسی است که در آن قدرت به وسیله پیرترین افراد اجرا می‌شود. این مفهوم اغلب و به طور غیر صریح از همان مفروضات آرمانی (idéologique) که در مفهوم «پدوسری* patriarchat» به چشم می‌خورد، انباشته شده است.

(Angl. :gerontocracy.)

Ghost Dance**رقص ارواح (روح)**

(اصطلاح انگلیسی که گاهی به «قص روح» ترجمه شده است).

جنبشی ست مذهبی که در پایان قرن اخیر (از ۱۸۷۰)، در نزد سرخ پوستان آمریکای شمالی، که شناخته شده ترین پیامبرشان «ووکا» (wovoka) بود، ظاهر شده است.

این جنبش نام خود را از شکل ابتدایی آیین ویژه سرخ پوستان پاویوتسو Paviotso در نوادا گرفته است. اینان بازگشت مردگان و نیز بازگشت زندگی سنتی و ثروتهای نابود شده را تبلیغ می کردند و در ارتباط با ارواح قرار می گرفتند. در نزد برخی از اقوام، مبانی مسیحیت به این جنبش «نهادگرا» **nativiste* وابسته بوده است، در صورتی که در نزد سایرین، شکل جابرا نه و شدیدی به خود گرفته و پیامبران، یاغیگری و سرکشی علیه سفیدپوستان را تبلیغ می کردند. «قص ارواح»، در نزد «سرخ پوستان دشتها **Indiens des Plaines*»، سرخ پوستان جنوب کالیفرنیا، شوشونی Shoshoni ها، اوته Ute ها و غیره، یعنی در منطقه ای که تقریباً تمام غرب ایالات متحده را می پوشاند، مورد پذیرش بوده است.

Dubois, C.: «The 1870 Ghost Dance», in *Anthropological Records, University of California*, 3, no 1, 1939. Lesser, A.: *The Pawnee Ghost Dance, a study of cultural change*, 1933. Mooney, J.: «The Ghost Dance Religion and the Sioux Outbreak of 1890», in *Bureau of American Ethnology*, 14th Annual Report, Pt. 2, 1896. Mühlmann (1961) (يك فصل آن به رقص روح (Danse de l'Esprit) و پیغمبر گرایی سرخ پوستان آمریکای شمالی اختصاص یافته است).

Gitan**کولی، ژیتان**

(هنوز به کولی فالگیر *bohémien*، کولی دلسگرد *romanichel* و غیره، کولی Tzigane اطلاق می شود).

قومیست که به چند گروه - که مشهورترینشان Rom ها و منوش Manouche ها هستند - و گروه‌های فرعی بیشماری تقسیم شده است. دیتانها در حال حاضر در تمام اروپا و در آفریقای شمالی پراکنده‌اند، برخی از آنان زندگی کوچنده دارند (nomade). در صورتی که بقیه در نقاط نامبرده ساکن شده‌اند (sédentaire). دیتانها منتصب به شمال غربی هندوستان هستند. آن‌طور که به نظر می‌رسد پژوهشهای زبان‌شناسی نیز آن‌را ثابت کرده است همه گروه‌های دیتان به زبان‌هایی تکلم می‌کنند که از يك خویشاوندی برخوردار دارند. مهمترین این زبانها عبارتند از : دهانی *romani*، کالو *calo* و سینتو *sinto*.

ارزیابی کنونی تعداد آنها مشکل است.

jules Bloch: *Les Tziganes*, Paris, P. U. F., 1953.
 Martin Block : *Moeurs et Coutumes des Tziganes*, Paris, Payot, 1936. J.P. Clébert: *Les Tziganes*, Paris, Arthaud, 1961. L. de Heusch: *A la découverte des Tziganes*, Université libre de Bruxelles, 1966. G. L'Huillier: *T'es Manouche, mon Frère*, Paris, Scorpion, 1967. J.P. Liégeois: *Les Tziganes*, Paris, Seuil, 1971. Matéo Maximoff: *Les Ursitory*, Paris, Flammarion, 1946. *Le Prix de la Liberté* (ibid., 1955). Savina (ibid., 1957).

globalisme

کل‌گرایی

Syn. : *holisme**.

(Angl. : *holism*.)

glottochronologie

گاه‌شماری واژگانی

(این واژه «آماره واژگانی» *lexicostatistique* نیز نامیده شده است).
 مراد از این واژه، روش بازسازی تاریخ يك خانواده زبانی است.

(*V. linguistique, fam.*)، که به وسیله سوآدش (*Swadesh*) در سال ۱۹۵۲ پیشنهاد شده و عمومیت یافته است. روشی است که خود را به صورت يك اصل عینی جا می‌زند تا سن یا قدمت يك زبان و یا لهجه‌های متفاوت آن را معین کند. این روش متکی بر مشاهده‌ی است که در آن نسبت درصد معینی از ریشه‌های واژگانی در يك مدت زمان مشخص (تقریباً ۲۰ درصد در هزار سال) و به شیوه‌ای منظم حذف شده است. در میان «فهرست - نمونه‌های» کلمات، که اساسی فرض شده‌اند، امکان محاسبه نسبت ریشه‌های قدیمی و ریشه‌های جدید یا تحریف شده وجود دارد و بنا بر این، چنین به نظر می‌رسد که يك زبان معین زمانی چند از این فرآیند سایش پیروی کرده است. مهمترین انتقادات تدوین شده علیه این روش، مربوط به انتخاب «واژه‌های اساسی» و به منظور تشکیل فهرست‌هایی است که به طور مفروض قابل عرضه و بازنمایی باشند و نیز بر این واقعیت استوار است که زبان‌هایی که به عنوان شاهد و نمونه، برای محاسبه نسبت درصد مربوط به حذف و نیز محاسبه عمق بینش زمان‌شناختی مناسب به کار می‌روند، قویاً زبان‌هایی هستند که از طریق «خط» تثبیت شده‌اند و تطورشان همان تطور و تکاملی است که زبان‌های بدون خط نشان داده‌اند. در اینجا مسئله تأثیر و تحریف متقابل مطرح است که به قوت خود در بین چندین زبان که به يك خانواده زبانی تعلق دارند باقی می‌ماند و نتیجه آن ضایع کردن نسبت درصد ریشه‌های حذف شده می‌باشد.

با اینهمه، اصلاحات بزرگی که به ویژه به وسیله گرامس (*Grace*) در سال ۱۹۵۹ در مورد «روش» و «واژه‌های اساسی» به کار رفته بود، برای تشکیل «فهرست‌های قابل عرضه و بازنمایی» حفظ شده و، از آن بی‌بعد نیز، کمتر از گذشته قابل اعتراض بوده‌اند.

Syn.: lexicostatistique.

Dyen (1965), Hymes (1960), Swadesh (1952).

(Angl.: glottochronology, lexicostatistics.)

Gluckman, Max G.

گلوکمن، ماکس جی.

(د ۱۹۱۱ در آفریقای جنوبی به دنیا آمد).

گلوکمن يك انسان‌شناس انگلیسی و آغازگر «روش مواد» (*Méth-*)

(*ode des cas*) است (تحقیقی که در يك میدان اجتماعی که محدودتر از حوزه تمام قوم است انجام شده و خود را از اشکالات تك‌نگاری دور نگه می‌دارد). او همچنین کوشیده است تا جوامع آفریقایی را در تغییری که می‌کنند و به نتیجه‌ای که می‌رسند درك کند.

گلوکمن تحقیقات محلی عمده‌اش را در: زولولند (Zululand, 1936-38) و در رودزیای شمالی نزد باروتس Barotse ها به مدت ۳۰ ماه (از ۱۹۴۰ تا ۱۹۴۷) انجام داده و از سال ۱۹۴۹ استاد انسان‌شناسی درمنچستر است.

آثار عمده گلوکمن به شرح زیر است:

The Judicial Process among the Barotse of Northern Rhodesia, 1955. *Custom and Conflict in Africa*, 1955. *Order and Rebellion in Tribal Africa*, 1963. *The Ideas in Barotse Jurisprudence*, 1965. *Closed Systems and Open Minds; the limits of naivety in social anthropology*, 1964. *Politics, Law and Ritual in Tribal Society*, 1965.

گلدن‌وایزر، الکساندر A. Goldenweiser (در ۱۸۸۰ درکیف (روسیه) به دنیا آمد، در ۱۹۰۰ به آمریکا مهاجرت کرد و در ۱۹۴۰ درگذشت).

انسان‌شناس «اشاعه‌گرایی *diffusionniste*» آمریکایی، که دنیای مردم‌شناسی مطالعات انتقادی بیشماری را، به ویژه در باره مسئله توتیمسم و مذهب، مدیون اوست. او از سال ۱۹۳۰ تاهنگام مرگ در «Oregon» «State System of Higher Education» و در «Portland» به تدریس پرداخت.

آثار عمده گلدن‌وایزر به شرح زیر است:

«Totemism, an Analytic Study», in *Journal of American Folk-lore*, 1910. *Early Civilisation*, 1912. «On Iroquois Work», in *Summary Report of the*

Geological Survey , Department of Mines , 1912 et 1913. Robots or Gods, 1931. Handbuch der Methode der Kulturhistorischen Ethnologie, 1932. History, Psychology and Culture, 1933. Anthropology, an Introduction to Primitive Culture, 1937.

Gouro

گورو

جماعت ساکن در ساحل عاج که در غرب سرزمین بائوله Baoulé زندگی می‌کنند. گورو تقریباً مشتمل بر ۴۰ قبیله است که در سال ۱۹۵۸ مجموعاً نزدیک به ۱۰۰۰۰۰۰ تن بوده و به زبان مانده - فو mandé-fou تکلم می‌کنند. گوروها به‌طور سنتی به کشاورزی، دامداری و شکار اشتغال دارند. امروزه، به آنچه که موجب تغییرات قابل توجهی در جامعه آنهاست، یعنی به یک کشاورزی اساساً تجاری عشق می‌ورزند.

Meillassoux, C.: *Anthropologie Économique des Gouro de Côte-d'Ivoire*, Mouton, 1964. Tauxier, L.: *Negres Gouro et Gagou*, Paris, Geuthner, 1924.

gourou (یا guru)

گوروو

عضو یک فرقه هندیست که به‌مثابه آموزگار روحی (یا guru)، توسط علاقه‌مندان یا طرفداران عامی و غیر روحانی فرقه مزبور، انتخاب شده است. (Angl.: guru.)

Graebner, Fritz R.

گربنر، فریتس ار.

(د ۱۸۷۷ به دنیا آمد و در ۱۹۳۴ در برلن درگذشت).

«گربنر» همراه با «پدر روحانی ویلهلم اشمیت» (*le Père Schmidt*) بدعت-

گذار و بانسی مکتب اشاعه گرایی آلمان (یعنی مکتب تاریخی- فرهنگی
École historico-culturelle یا «مکتب وین» *École de Vienne*)
 است. او اساساً به اقیانوسیه علاقه پیدا کرد؛ اما بعدها مسلم شد که همه
 آنچه را که گرنر با جزم اندیشی بسیار و با کمی از مفروضات مردم‌نگاری،
 در مورد دوره‌ها و طبقه بندیهای مربوط به اشاعه گرایی، به آگاهی رسانده و
 پیش‌بینی کرده بود غلط و اثبات ناپذیر بوده‌اند.
 آثار عمده گرنر به شرح زیر است:

«Kulturkreise und Kulturschichten in Ozeanien»,
 in *Zeitschrift für Ethnologie* 37, 1905 (P. 28-35).
Methode der Ethnologie, Heidelberg, 1911. *Das
 Weltbild der Primitiven*, Munich, 1924.

Granet, Marcel

گرانه، مارسل
 (۱۸۸۴ - ۱۹۴۰).

این تاریخ دان فرانسوی، پژوهشهای مردم‌نگاری جالبی در چین
 انجام داده و چشم انداز جامعه شناختی فرانسه (دودکیم، هس) را در شرق-
 شناسی کلاسیک (سنتی) وارد کرده است.
 آثار عمده مارسل گرانه به شرح زیر است:

Fêtes et Chansons de la Chine, 1919. *La Polygynie
 Sororale et le Sororat dans la Chine Féodale*, 1920. *La
 Religion des Chinois*, 1922. *La Civilisation Chinoise*,
 1929. *La Pensée Chinoise*, 1934. *Catégories Matrimo-
 niales et Relations de Proximité dans la Chine Ancienne*,
 1939.

Griaule, Marcel

گریول، مارسل
 (۱۸۹۸ - ۱۹۵۶).

گریول در سالهای ۳۳ - ۱۹۳۱، مأموریت مطالعاتی داکار جیبوتی

Dakar-Djibouti را که هدف آن پژوهشی جمعی و مختص دوره‌معینی از مردم‌شناسی بود، سازمان داد. این مردم‌شناس فرانسوی ابتداء در اتیوپی (۱۹۲۸-۲۹) و سپس نزد «دگن» *Dogon** ها، که نکات اصلی و مهم تحقیقش را به آنها اختصاص داد، کار کرده است. او می‌کوشید تا فرهنگها را از خلال تفاسیر اعضای آنها مطالعه کند و نشان دهد که سرانجام در سطوح فرهنگی بسیار مختلفی، دوباره همان طرحهای ساده تفهیمی راه خود را باز می‌یابند.

نام ژرمن دیتزلان *Germaine Dieterlen*، پژوهشگری که با گریول تشکیل گروه داد، با نام او عجین شده است. آثار عمده گریول به شرح زیر است:

Jeux Dogons, Inst. Ethno. 1938. *Masques Dogons*, 1938. *Dieu d'Eau, entretiens avec, Ogotemelli*, 1948. *Méthode de l'Ethnographie*, 1957. *Le Renard Pâle* (oeuvre posthume; Criaule et Dieterlen), 1965.

Griot

گریو

(اشتقاق اصلی این کلمه از واژه پرتغالی *criado* به معنای «خدمتگزار» است که در زبان ولف *wolof* به آن «*quewel*» و در زبان «توکولر» (*toucouleur*)، «*gand*» می‌گویند).

در شمال غربی آفریقای سیاه، گریو به کسی اطلاق می‌شود که می‌تواند از وظایف و کارکردهای ظاهراً متناقضی برخوردار بوده و در پایگاه و ویژه‌ای قرار گیرد، یعنی: در ضمن اینکه موضوع تحقیر و ترس قرار می‌گیرد گاهی هم حالت سحرآمیز دارد. در حالی که برای خود در یک روستا کار می‌کند، به یک رئیس یا به یک سلطان نیز وابسته است. بر حسب جوامع مختلف به او: دیوانه، لوده، سرودخوان، مایه تفریح عامه، موسیقی‌دان حرفه‌ای، حافظ سخن و زبان، مالک ادبیات شفاهی جامعه، آوازه‌خوانی که موظف به شرح دودمانها یا تشریح اعمال و شایستگیهای رؤسا و فرمانرواییهای آنان است، نقاد آداب و رسوم و غیره گفته می‌شود. از گریو، این متخصص حقیقی حافظه در حقیقت به جای وقایع‌شناس، سخنگوی قدرت، میانجی و گاهی نیز جادوکننده استفاده

شده است. گریوها، يك كاست «دردن همسر» *endogame* را تشكيل می‌دهند که در جوامع آفریقایی بیشماری با كاست آهنگران قابل مقایسه است. در آفریقای کنونی گریوها نقشی ایفا می‌کنند که اهمیت آن به مراتب کمتر از گذشته است. آنها در فرهنگ پذیر شده ترین مناطق، یا عملاً ناپدیده شده و یا با عشق و علاقه، به کارها و وظایف دیگری پرداخته‌اند. با اینهمه، هنوز در بعضی از شهرها به گریوهایی برمی‌خوریم که زبان به تمجید و تحسین اعمال برجسته کسی می‌کشایند که برای آنها مزد و پاداشی قابل است.

گروه خودمدار، خودمرکز *groupe égocentrique*

V. égocentrique, groupe.

ازدواج گروهی *groupe, mariage de-*

V. mariage de groupe.

شفادهنده، معالج (یا ساحر)

guérisseur (ou medicine - man)

متخصصی که معتقد است شفای بیماران یا تأثیر موفقیت آمیز يك درمان جراحی را به كمك نیروهای ماوراءالطبیعه یا به لطف دانشهای تجربی مثبتی که کاربردش تنها به وسیله حسن نیت ارواح محافظ تسهیل شده است، به دست می‌آورد. پس، وقتی يك شفادهنده ابتدا نیاز به جاگیری در يك حالت خلسه- مانند دارد و سپس در آن حالت ارواح ویژه‌ای را برای تکمیل معالجه اختطار می‌کند، پسندیده است که «شاهان» *chamane* نامیده شود. نقش «ساحر» *medicine-man* (یا شفادهنده) به معنای خاص آن، دارای بزرگترین اهمیت و اعتبار در اکثر جوامع سرخ پوستی آمریکاست.

(Angl. : *medicine-man*; All. : *Medizinmann*.)

گیمبارد

guimbarde

دستگاه موسیقی کوچکی است که از يك جسم سخت مسطحی با يك ساقه خمیده (به شکل بربط یا گلایی و غیره)، که دو انتهای آن به هم نزدیک می‌شوند، تشکیل شده است و نیز زبانه كوچك قابل ارتجاعی دارد که می‌توان آن را در همان قطعه مربوط به جسم، تراش داده یا به آن ثابت کرد.

اجراکننده (عضو ارکستر)، جسم مسطح را بین دندانهایش نگه داشته و زبانه كوچك را با انگشتهایش به لرزه درمی‌آورد. با تغییر شکل دهان، که به جای حفره انعکاس صوت به کار می‌رود، می‌توان آهنگهای متفاوتی به دست آورد.

این ابزار موسیقی در مناطق بیشماری از جهان (آسیای شرقی، اقیانوسیه اروپا و غیره) یافت می‌شود.

(Angl. : *Jew's harp*.)

نظام خویشاوندی گینه‌ای

Guinéen, système de parenté

در واژه‌شناسی مربوط به موددا که در سال ۱۹۴۹ شکل گرفته است، نظام خویشاوندی گینه‌ای، نظامی است با خصلت گذرا و موقتی. این نظام در آفریقای غربی فراوان یافت می‌شود و اسلوب خویشاوندی «پدرتبادی» *patrilineaire** آن شناخته شده است. نظام خویشاوندی گینه‌ای برای تعیین دختردایی (عمو، عمه، خاله)ها (cousines)، دارای واژگانی از نوع «اسکیمو» *Eskimo** یا «هاوایی» *Hawaïen** است.

(Angl. : *Guinea type of kinship system*.)

گوزیند، مارتین

Gusinde, Martin

(۱۸۸۶-۱۹۶۹).

این انسان‌شناس آلمانی به مناسبت مسافرت‌هایی که بین سالهای ۱۹۲۱ و ۱۹۲۹ انجام داد، اقوام انا Ona (یسا «سلک نم Selk' nam») و یاقان

Yaghan (یا «Yamana» های سرزمین آتش (Terre de Feu) را مطالعه کرد و به تحقیق دربارهٔ پیگمه‌های آفریقا پرداخت. نام وی به مکتب تاریخی - فرهنگی *École historico - culturelle* آلمان پیوندخورده است (*V. diffusionnisme*).

Die Feuerland Indianer: I, Die Selk' nam, 1931 II, Die Yamana, M. b. W., 1937. Die Kongo - Pygmäen in Geschichte und Gegenwart, 1942. Die Twa-Pygmaen in Ruanda, 1949. Die Twiden-Pygmaen und Pygmoide in Tropischen Afrika, 1956. Von Gelben und Schwarzen Buschmännern, eine untergehende Altkultur im Süden Afrikas, 1966.

کاربرد مردم‌شناختی مقیاسهای «گوتمن»

Guttman, application ethnologique des échelles de

روش مقیاسهای گوتمن، یاروشی که در مردم‌شناسی به کار برده شده است، پیش از همه برای بازسازی تاریخی مراحل توسعه مورد استفاده قرار می‌گیرد، مرحله‌ای که از طریق آن واحدهای اجتماعی (*communautés*) مختلفی که به همان «حوزه فرهنگی» *aire culturelle** تعلق دارند عبور خواهند کرد. در اینجا مسئله مربوط به اقدام و کوشش جدیدی است که در آن نقطه نظرهای «تطورگرایی» *évolutionnisme** و «کادکردگرایی» *fonction** *nalisme* خود را می‌یابند. شمار معینی از عناصر فرهنگی (*V. éléments culturels*) به مثابهٔ تجسماتی از یک فرهنگ مورد نظر حفظ شده‌اند و اجتماعات مختلف نمونه، در رابطه بایک مقیاس و برحسب تعدادی از این خطوط که به‌طور حقیقی در آنها وجود دارند، طبقه‌بندی شده‌اند. طبقه‌بندی خطوط فرهنگی نیز برحسب شماری از اجتماعات نمونه که آنها را دربر دارند صورت گرفته است.

برخی از مردم‌شناسان این مقیاس‌ها را به مثابهٔ تنظیم‌کنندهٔ ظهور تاریخی خطوط فرهنگی و به نسبت تمرکز آماری این خطوط روی مقیاس‌ها، مورد تفسیر

قرار می‌دهند.

برای بحث در این زمینه، ر. ک. به:

Current Anthropology, Vo. 10, n° 4.

(Angl.: Guttman's scales.)

gynécocratie

حکومت زنان

به سلطنت «ماددسری» *matriarcat* یا حکومت به وسیله زنان اطلاق می‌شود که در آن، خلافت یا قدرت، به طور نظری فقط باید متعلق به زنان باشد و به وسیله خویشاوندی نسبی از زن به زن منتقل شود.

بنابر بعضی از مؤلفان تطور و تکامل گرا، این نوع حکومت، مشخص‌کننده مرحله‌ای از تطور و تکامل سیاسی جوامع است. اما در واقع هیچگونه مثال حقیقی از این نوع حکومت، در جوامعی که توسط مردم‌شناس مورد مطالعه قرار گرفته، در دست نیست.

این واژه گاهی به مثابه مترادف واژه «ماددسری» *matriarcat* به کار رفته است.

(Angl.: gynecocracy.)

H

Haddon, Alfred Cort

هدون، آلفرد کورت.

(۱۸۵۵-۱۹۴۰).

مردم‌شناس انگلیسی که در سال ۱۸۹۸ سرپرستی هیئت اعزامی به تنگه تورز Détroit de Torres را، که مأمور انجام یکی از نخستین تحقیقات دست جمعی محلی بود، بدعهده داشته است. هدون، مطالعات جالبی در بارهٔ فن‌شناسی و هنر «ابتدایی» (به‌ویژه در گینه نو) انجام داد. آثار عمدهٔ هدون به شرح زیر است:

The Decorative Art of British New Guinea, 1894. *Evolution in Art*, 1895. *The Study of Man*, 1898. *Head Hunters, Black, White and Brown*, 1901. *Magic and Fetishism*, 1906. *The Races of Man and their Distribution*, 1909 (trad. franç : *Les Races Humaines et leur Répartition Géographique*, Alcan, 1927). *A History of Anthropology*, 1910 (rééd. 1949). *The Wanderings of Peoples*, 1912. *Migrations of Cultures in British New Guinea*, 1920.

Haida

هیدا

گروه بوم‌زاد indigène، از خانوادهٔ زبانی واکاشان wakashan

که در جزایر «رن‌شارلوت» در کلمبیای انگلیس (ایالت مربوط به کانادا) سکونت دارند. جمعیت هیدا که امروزه در حال نابودی است، در سال ۱۹۵۱ به ۵۰۰ تن تخمین زده شده‌اند. هیداها همراه با تلینیت Tlingit ها (که در شمال وانکوور Vancouver در ساحل اقیانوس آرام زندگی می‌کنند و در سال ۱۹۵۱ تعدادشان در حدود ۴۰۰۰ تن بوده است)، تسیمشیان Tsimshian ها در شمال، کواکیوتل ها در مرکز و سالیش Salish ها در جنوب (که در سال ۱۹۵۰ در حدود ۲۰۰۰۰ تن بوده‌اند)، یک «حوزه فرهنگی *aire culturelle»، که گاهی معروف به حوزه فرهنگی «ساحل شمال غربی» است، تشکیل می‌دهند. این خانواده زبانی از سایرین به وسیله شکار و صید جانوران دریایی و کاربرد نظام «پتلاچ *pottlach» متمایز و مشخص شده است.

G. P. Murdock: «Kinship and Social Behavior among the Haida», in *American Anthropologist*, 36, 1934. Lévi – Strauss (1971).

hamac

هَمَک

(کلمه‌ی مست با ریشه‌کا رانیسی).

هَمَک، اختراع سرخ پوستان آمریکای حاره‌ی است و از کتان یا ریشه‌های پیچ‌دار و به شکل مربع مستطیل ساخته می‌شود. آن را با روش و اسلوبی خاص به جایی بسته و آویزان می‌کنند تا به جای تخت‌خواب مورد استفاده قرار گیرد. همک به این دلیل که ساخت و حمل آن به سهولت صورت می‌گیرد، وسیله‌ی است راحت، دارای استحکام و نیز حافظ امنیت در جنگل و غیره بوده و از امتیازات بیشماری برخوردار است. همین باعث شده که بعد از فتح اسپانیا بیها، استفاده از آن در تعداد زیادی از مناطق و جوامع دنیا گسترش یابد^۱

(Angl. :hammock.)

۱- در واقع، همک hamac نوعی «ننو» است که آن را در جنگلهای آفریقا، آمریکای استوایی و مناطق دیگر بین دو درخت باطناب می‌بندند و به این ترتیب افراد از آن به جای تخت‌خواب استفاده می‌کنند. (م).

hapu**هپو**

(داژه پولینزی).

هپو، يك گروه اقلیمی (territorial) از مئوری Maori های زلاندنوست که تشکیل اعضاء آن در اصل از طریق «همزادی» *cognatique صورت می گیرد، چونکه، هر انسان به همان اندازه عضو هپوست که اجدادش در يك خط مستقیم خویشاوندی. اما، يك فرد فقط می تواند در قلمرو و محدوده يك هپو سکونت کند و اکثر انسانها زندگی در نزد پدران خود را انتخاب می کنند و در هپو ی خود ادغام می شوند، بدقسمتی که در جریان امور، هپو به منزله واحدی تجلی می کند که دارای حق تقدم «پدرتباری» *patrilineal است. این جدایی و اختلاف بین ایدئولوژی گمارش و جلب گروه و عمل واقعی افرادی که عضویت خویشاوندی خود را به طرز دیگری انتخاب می کنند، مبین آن علاقه نظری است که از دیرزمان توسط مردم شناسان نسبت به هپو نشان داده شده است.

(Angl. :hapu.)

هودریکور، آندره ژرژ**Haudricourt, André Georges**

(متولد در سال ۱۹۱۱ در پاریس).

این انسان شناس فرانسوی، اساساً به مسایل تاریخی و اشاعه علاقه مند شد و در قلمروهای بسیار مختلف نظیر: مردم شناسی گیاهی، تکنولوژی و زبان شناسی تحقیق کرد.

آثار عمده هودریکور به شرح زیر است:

Haudricourt, A. G. et Hédin, L. : *L'Homme et les Plantes Cultivées*, Gallimard, 1935 (5^e éd. 1943).
Haudricourt et Bruhnes—Delamarre, M. J. : *L'Homme et la Charrue à travers le monde* (1954), Gallimard, 1955.
Haudricourt et Granai, G. : «Linguistique et Sociologie», in *Cahiers Internationaux de Sociologie*,

XIX, 1955. *La Langue des Nemas et des Nigouma*, Auckland. 1963. Haudricourt et Thomas, J. M.: *La Notation des Langues; phonétique et phonologie*, paris, 1967. (Institut Géog. Nation.)

نظام خویشاوندی هاوایی

Hawaïen, système de parenté

در واژگانی که توسط مودداک در سال ۱۹۴۹ شکل گرفته است، نظام خویشاوندی هاوایی، نظامی است که به وسیله «خویشاوندی نسبی تفکیک ناپذیر» *«filiation indifférenciée*»* و «واژگان از طریق نسلها *«termino logie par générations*»* برای عمدها (خاله‌ها) و دخترهای برادر (خواهر) مشخص شده است. بنابر تعریف. زمانی واژگان را هاوایی می‌گویند که تمام دختر عمه (خاله)ها (cousines)، خواه عرضی (croisées) باشند یا موازی (parallèles) به وسیله همان واژه‌های مربوط بدخواهران (socurs) مشخص شوند.

(Angl.: *Hawaiian type of kinship system*.)

héliolithique, théorie

نظریه خورشید سنگی

V. diffusionnisme.

(Angl.: *heliolithic*.)

hématite

هماتیت

اکسید آهن به رنگ قرمز قهوه‌ای که مخلوط آن با چربی برای بعضی از اقوام همانند آرایش یا حافظی علیه سرما به کار رفته است. اطلاق نام «سرخ پوست» (Angl.: *Red-Skin*) به سرخ‌پوستان آمریکای شمالی از این جهت است که آنان از این خمیر استفاده می‌کردند.

(Angl. :hematite.)

hénouthéisme

توحید نوبتی

این واژه که توسط «ماکس مولر* Max Müller» رواج یافته، برای توصیف مذهبی‌ست که در آن به‌طور متوالی، هر خدایی که مورد توسل است از جمیع صفات هستی برخوردار خواهد شد.

«توحید نوبتی، hénouthéisme» حالتی‌ست بین شرک (polythéisme) و وحدانیت (monothéisme).

(Angl. :henotheism.)

héritage

میراث، ارث‌بری

مراد از میراث، انتقال ثروت‌های مادی یا حقوقی‌ست که خصلت اقتصادی دارد و به مناسبت يك فوت صورت می‌گیرد.

در توصیف‌های مردم‌نگاری، «ارث‌بری» با دقت از «جانشینی succession*» مشخص و متمایز شده است.

(Angl. :inheritance.)

héros culturel

قهرمان فرهنگی

در بیشتر اساطیر، قهرمان فرهنگی، شخصیتی‌ست مفروض که برای انسانها هنر، فنون و قواعد اجتماعی - که تجهیزات فرهنگی آنها را تشکیل می‌دهند - به ارمغان می‌آورد.

روایت است که قهرمان فرهنگی، اغلب جمعیت مفروضی را به سرزمینی که اکنون از آن اوست هدایت کرده است، و یا به این جمعیت چشم‌اندازی نشان داده تا نخستین روستای خود را در آنجا بنا کنند. در سلسلوه مربوط به اساطیر بوم زاد، که از تحقیقات محلی به دست آمده، اغلب تعیین حدود بین قهرمان فرهنگی و خدایان یا اهریمنان مشکل است.

در شمار کثیری از جوامع که از يك «کلان» *clan** یا يك «نصفه» *moitié** برخوردارند، این ادعا که قهرمان فرهنگی را مؤسس و بانی خود بدانند، به چشم می‌خورد، به این ترتیب، رئیس «کلان» یا «نصفه» به منزله اولاد مستقیم قهرمان فرهنگی به حساب می‌آید. بنابراین آیین و کیشی که در رابطه با قهرمان فرهنگی قرار می‌گیرد، در انحصار گروه و یژه‌یی است که متناوباً در دودمان خود دست می‌برند تا آنها را با جزم اندیشی این اجداد مافوق طبیعی سازش داده و حفظ کنند.

(Angl. : *culture hero*.)

هرسکویتس، ملویل ژان **Herskovits, Melville Jean**

(در ۱۸۹۵ در اوهایو به دنیا آمد و در ۱۹۶۳ درگذشت).

این مردم‌شناس آمریکایی و شاگرد بوآس به انسان‌شناسی اقتصادی علاقه داشته است، اما، نام وی به مسایل مربوط به برخورد فرهنگها، فرآیندهای «فرهنگ‌پذیری» *acculturation** و تغییرات فرهنگی وابسته مانده است. او یکی از نخستین کسانی بود که فرهنگهای آفریقایی آمریکا - *afro* (américains را، آنچنان که هستند، مورد مطالعه قرار داد. نام هرسکویتس به عنوان یکی از افراد برجسته و رفیع انسان‌شناسی فرهنگی آمریکا باقی خواهد ماند. تحقیقات عمده محلی او در ۲۹-۱۹۲۸ در گویان هند (Surinam)؛ در ۱۹۳۱ در داهومی، نیجریه، ساحل طلا (غنا)؛ در ۴۲-۱۹۴۱ در برزیل و در ۱۹۵۳ و ۵۷-۱۹۵۶ در آفریقای سیاه صورت گرفت. وی استاد دانشگاه نورث‌وسترن Northwestern آمریکا بود.

آثار عمده هرسکویتس به شرح زیر است:

The American Negro: a Study in Racial Crossing, 1928. *Surinam Folk - lore* (M. J. et F. S. Herskovits), 1936. *Rebel Destiny. Among the Bush Negroes of Dutch Guiana* (M. J. et F. S. Hers.), 1934 (trad. franç. : *Rebel Destiny. Avec les Noirs des Forêts de la Guyane Hollandaise*, 1952. *Dahomey: An Ancient West African Kingdom*, 1938. *The Economic Life*

of Primitive People, 1940. *Acculturation in Seven Indian Tribes* (avec R. Linton), 1940. *The Myth of Negro Past*, 1941 (trad. franç. : *L'Héritage Noir : Mythe et Réalité*, Paris, 1966). *Trinidad Village* (M. J. et F. S. Hers.), 1947. *Man and his Work: the Science of Cultural Anthropology*, 1949 (trad. franç. partielle: *Les Bases de l'Anthropologie Culturelle*, 1952; rééd. Payot, 1967). Éd. abrégée: *Cultural Anthropology*, 1955. *Economic Anthropology: a Study in Comparative Economics*, 1952 (éd. revue de Herskovits (1940)). *The Human Factor in Changing Africa*, 1962 (trad. franç. : *L'Afrique et les Africains, entre Hier et Demain. Le Facteur Humain dans l'Afrique en Marche*, Payot, 1965). *Dahomean Narrative. A cross-cultural narrative* (avec F. S. Hers.), 1958. *The New World Negro*, London, 1966.

hiérophanie

تجلی تقدس

(از واژه یونانی *hieros* به معنای «مقدس» آمده است).

این واژه که توسط برخی از نظریه‌سازان علوم مذهبی، به‌ویژه، «م. الیاده» *M. Eliade*، رایج شده و برای تعیین موجودیت فرهنگی (شیء، اسطوره، مناسک، خدایان و غیره) به کار می‌رود، مفهوم تقدس را متجلی می‌سازد. به عنوان مثال، الیاده، اسطوره «درخت زندگی» (*l'Arbre de Vie*) را متصف به «تقدس گیاهی» (*hiérophanie végétale*) می‌کند.
V. kratophanie.
 (Angl. : *hierophany*.)

مکتب تاریخی - فرهنگی، مکتب تاریخ فرهنگی
historico - culturelle, école

V. Vienne, école de
 (Angl.: *culture historical school*; All.: *Kulturhistorische Schule*.)

Hocart, A. M.

هوکارت، ای. ام.
 (۱۸۸۳-۱۹۳۷)

انسان‌شناس انگلیسی و بلژیکی الاصل که مطالعات کلاسیک خود را در آکسفورد انجام داد و در برلن در علم روانشناسی به آگاهی رسید و شکل گرفت. در ۱۹۰۹ - ۱۹۰۸ در مأموریت مربوط به دیودز در جزایر سالومن Salomon شرکت کرد و در سال ۱۹۱۲ بررسی مهمی در جزایر فی جی Fidji به عمل آورد. در ۱۹۲۱، با زرس کل مطالعات باستانشناسی در سیلان شد و بقیه زندگی شغلش به عنوان محقق در این کشور گذشت. در ۱۹۳۰ در لندن شروع به تدریس کرد و در ۱۹۳۴، به عنوان استاد جامعه‌شناسی، جانشین ایوانس - پریچارد در قاهره شد.
 آثار عمده هوکارت به شرح زیر است:

Kingship, 1927; *Lau Islands*, *Fiji*, 1929. *Les Progrès de l'Homme*, Paris, 1935 (trad. de *The progress of man*, 1933). *Kings and Councillors*, Cairo, 1936. *Les Castes*, Paris, 1938 (*Annales du Musée Guimet*). *The Life - Giving Myth*, London, 1952 (trad. franç.: *Le mythe sorcier*. Payot, Paris, 1973). *Social Origins*, London, 1954 (ouvrage posthume).

hochet musical **جنگنه کدویی، زنگوله خوش آهنگ**

یک نوع افزار موسیقی است که از یک ظرف مسدود که اغلب یک کدوی

قلیانی خشك شده، يك سبد كوچك و يا ظرف سفالي ست، ساخته می‌شود. این افزار دسته‌ای دارد و نیز حاوی سنگریزه‌ها، دانه‌های ریز و یا هر نوع اشیاء دیگری ست. دسته آن را در دست گرفته و به‌طور موزون تکان می‌دهند. در جوامع بیشماري (به‌ویژه در آمریکای جنوبی یا در آفریقا) از این وسیله، برای همراهی با آوازاها یا سایر افزارهای موسیقی استفاده شده است. اما، از طرفی می‌تواند به‌عنوان تك‌ساز نیز به‌کار برده شود. تعدادی چند از این نوع افزارها را می‌توان به‌هم بسته و ثابت نگهداشت. از آن جمله، چند عدد از آنها را به‌همچ دستها یا قوزکهای پای رقاصان می‌بندند. بنابراین، در این حالت، بیشتر از زنگوله‌ها صحبت می‌شود تا از جفجفۀ کدویی.

(Angl.: rattle, rattle gourd.)

holisme, holistique

کل‌گرایی، کل‌گرا

(از واژه یونانی: *holos* به معنای کل و کلیت آمده است).

چشم‌اندازی ست که در زیست‌شناسی و علوم انسانی گرایش به گزارش کارکردیک عضو مشخص یا نهاد معین دارد، در حالی که آن نهاد را در مجموعه‌ای که به آن تعلق دارد ادغام می‌کند. به‌عنوان مثال: «کادکردگرایی - *fonctio*» * *nnalisme* و مفهوم «واقعۀ اجتماعی تام * *fait social total*» چشم-اندازهای کل‌گرایی هستند.

(Angl.: holism, holistic.)

hologénisme

تکوین کامل

نظریه‌یی ست که بر حسب آن يك نوع خاص - در اینجا «انسان خردمند» *Homo sapiens* -، در آن واحد، از نژاد و سلالۀ افرادی خواهد بود که در نقاط مختلف جهان پراکنده‌اند.

این نظر و عقیده که با تحقیق درباره «گهواره» یا مرکز بشریت مخالفت می‌کند * (*V. monogénisme*)، تکیه بر واقعۀای دارد که توزیع و پخش آن تقریباً جهانی بوده و ظاهراً با هر يك از مراحل متوالی زیستی انسان (که توسط باستان‌شناسی پیش از تاریخ مسلم آشکار شده)، همزمان است؛ اما با وجود

بیشرفتهای فنون چینه‌شناسی (در باستان‌شناسی) و روشهای تاریخ‌گذاری که به روشهای مطلق معروف است، اثبات آن مطلقاً مشکل به نظر می‌رسد.
(Angl.: *hologenesis*)

جادوی (معالجه) همانندی **homéopathique, magie**

V. contiguïté, magie par
(Angl.: *homeopathic magic*.)

انسان شدن، به صورت انسان در آمدن **hominisation**

پویشی‌ست فرضی که به انسان اجازه تحقق و صورت پذیری می‌دهد و مبین وضع قایم انسان، آزاد شدن دستها (عدم استفاده از آنها به هنگام راه رفتن)، افزایش حجم مغز و غیره است. نظریه‌های بیشماری کوشش به توجیه این پویش دارند (V. Leroi - Gourhan, 1964). هم اکنون، وسایل لازم برای نمایش «منشاء» انسان (یا حداقل انسان واره‌ها - خانواده نخستینهایی که شامل تمام اشکال سنگواره‌ای، بین انسان نماها تا انسان کنونی، هستند) تا بیش از دو میلیون سال فراهم می‌شود.^۱

V. *homo sapiens*.*

ساحر **homme - médecine**

V. guérisseur.

۱ - لازم به تذکر است که نمایشگاه «منشاء انسان» در سال ۱۹۷۶ در «موزه انسان» (Musée de l'Homme) در پاریس افتتاح گردید که مراحل متوالی تحول زیستی را نشان می‌داد. در برپایی این نمایشگاه، مرکز مطالعات انسان‌شناسی (C.R.A.) «فرانسه» به مدیریت پروفسور «روبرژسن» (R. Gessain) نقش ویژه‌ای داشته و کتابی تحت عنوان «منشاء انسان» (Origines de l'Homme) منتشر کرده است. (م).

(Angl. : *medicine – man*.)

homo sapiens

انسان خردمند

به نوعی از انسان اطلاق می‌شود که در طبقه‌بندیهای حیوان‌شناختی، همهٔ انسانهای کنونی – که نژادهای متفاوتشان تشکیل انواع فرعی را می‌دهند – به آن تعلق دارند. با توجه به این تعریف علمی که مقبولیت جهانی یافته است، ممکن است با به هیچ شمردن مفهوم «نوع فرعی» (sous-espèce) مزورانه به بازآفرینی تبعیضات نژادی پردازند.

V. race*, racism*.

(Angl. : *homo sapiens*.)

Hopi

هوپی

يك قبیلهٔ سرخ‌پوستی در آمریکای شمالی ست که به زبان شوشن Shoshone (زبانسی از خانوادهٔ اتو – ازتك uto-aztèque) تکلم می‌کنند و اساساً در روستاهایی سکونت دارند که در برجستگیهای جدولی شکل (یا mesas) در اطراف فلاگستاف Flagstaff در آریزونا، در يك منطقهٔ اختصاصی که امروزه برای سکونت سرخ‌پوستان سازمان یافته است، واقع‌اند. هوپی‌ها، اساساً کشاورزند و فنونی از کشاورزی را که با آب و هوای بسیار خشک سرزمینشان (dry farming) سازگار شده، توسعه داده‌اند. در سال ۱۹۶۸، جمعیت هوپی به ۵۲۰۰ نفر تخمین زده شده است. مناسب‌مذهبی‌شان – که بسیار به تدریج مهیا می‌گردد، به ویژه، در تشریفات عمومی متجلی می‌شود، تشریفات که در طی آن ماسکهای معروفی به نام «کچینا» *katchina، که باعث اشتهاشان در بین سایر قبایل شده، به میان می‌آیند.

Eggen, F. : *The Kinship system of the Hopi Indians*,

۱ – «mesa»، واژه‌ی ست‌اسپانیایی و مراد از آن فلاتی ست که به وسیلهٔ باقی‌مانده‌های يك جریان آتشفشانی، پس از نشست در زمینهای اطراف، تشکیل می‌شود. به نقل از: petit Robert 1، ص ۱۸۶. (م).

1936. Harry, J.: *The Hopi Indians*, 1956. Hough, walter: *The Hopi Indians*, 1915. Talayesva, Don: *Sun Chief*, 1942 (trad. franç.: *Soleil Hopi*, Plon, 1959). Thompson, Laura: *Culture in Crisis: a Study of the Hopi Indians*, 1950.

borde

هرد

(واژه‌بی‌ست باریشه تاتاری).

گروهی‌ست که به‌وسیله نظر به‌سازان قرن نوزدهم و آغاز قرن بیستم، به‌منزله ابتدایی‌ترین شکل هر سازمان اجتماعی به‌حساب آمده است. بعضی تأکید در کاربرد این واژه روی خصالت وحشی و اغتشاشی چنین تجمعی دارند. این واژه به‌جوامع «شکارچیان - گردآورندگان خوداک - chasseurs» و برای تعیین مجموعه‌ای از چندین «کلان» *clan یا چندین «طایفه» *lignage که در یک سرزمین و در محدوده‌های کاملاً معین به‌کوچندگی مشغولند، تخصیص یافته است. در این معناست که امروزه هنوز این واژه در باره «ساکنان اولیه» *aborigène استرالیا به‌کار می‌رود. دادکلیف برادون سخت می‌کوشید تا به این واژه یک پایگاه علمی بدهد.

(Angl.: horde.)

H. R. A. F.

ا.ج. آر. ای. اف.

این علام اختصاری که به «فهرستهای حوزه روابط انسانی - Human Relations Area Files» تخصیص می‌یابند، کار عظیمی بود که انجام آن را مودداک در «انجمن روابط انسانی» در دانشگاه ییل به‌عهده داشته است. در این ابزار ووسایل تحقیق که به‌صورت مجموعه‌ای از فیشها و یا به شکل میکروفیلم عرضه شده است، اطلاعات مردم‌شناختی بیش از چهارصد

۱ - برای واژه «lignage» می‌توان معادله‌ای: «تبار»، «تبار طایفه»، «تیره»، «دودمان»، «نسب» و غیره را نیز به‌کاربرد. (م).

قوم، که مجموعه قابل عرضه‌ای از فرهنگهای سرشماری شده در دنیاست، به‌طریق همانندی جمع‌آوری و مورد تحلیل قرار گرفته‌اند. تا امروز تقریباً همه ۴۰۰۰ تألیفی را که در این آرایش مربوط به تحقیق مقایسه‌ای جادارند به‌زبان انگلیسی ترجمه کرده‌اند.

«فهرستهای حوزه روابط انسانی H. R. A. F.» اجازه می‌دهند تا زمانی کوتاه به اطلاعات موجود، درباره یکی از جنبه‌های مشخص يك جامعه مورد نظر دست یافت و آنها را با اطلاعات مربوط به جوامع اقوام دیگر مقایسه کرد. از سال ۱۹۶۰، نسخه‌ای از این فهرستها به‌صورت فیشهای منظم در آزمایشگاه انسان‌شناسی اجتماعی در «کلژ دو فرانس» (Collège de France) به‌سرپرستی «کلود، لوی - اشتروس» موجود است و «مرکز اسناد مردم‌شناسی مقایسه‌ای» (C. D. E. C.) را تشکیل می‌دهد.

V. comparative, analyse culturelle.

فهرستهای حوزه روابط انسانی

Human Relations Area Files

V. H. R. A. F.*

هومبولت، الکساندر وان

Humboldt, Alexander von

(در ۱۷۶۹ به دنیا آمد و در ۱۸۵۹ در برلن درگذشت)

جغرافی‌دان و طبیعت‌شناس آلمانی که در تمام جهان به‌مسافرت پرداخت و به‌ویژه در آمریکای حاره‌ای به‌مطالعه بسیار جالبی در باره خصوصیات جسمانی و انسانی دست زد. او به‌طرز خاصی به روابط اقتصادی و سیاسی که فرهنگهای متفاوت سرخ‌پوستان آمریکایی را به هم پیوند می‌داد علاقه‌مند شد:

Essai politique sur le Royaume de la Nouvelle - Espagne, trad. franç., 1811. *Vues de Cordillères et Monuments des Peuples Indigènes de l'Amérique*, 1816.

تذکار: برادرش، شادل-گیوم دو هومبولت (Charles-Guillaume de Humboldt 1767-1835)، که فریفته زبانه‌های غیراروپایی شده بود، مبادرت به تدوین رابطه‌ای بین ساختار زبانه‌ها و ذهنیت خلق‌هایی کرد که به آن زبانه‌ها تکلم می‌کنند:

The Heterogeneity of Language and its influence on the Intellectual Development of Mankind (2 vol.), 1876.

فرا اشاعه‌گرایی، اشاعه‌گرایی زیاد

hyperdiffusionnisme

V. diffusionnisme

hypergamie

فراهمسری، فرادست همسری

قاعده و دستورالعملی از ازدواج است که فردی را، که در يك گروه اجتماعی و در پایگاه معینی (کاست، طبقه اجتماعی و غیره) قرار دارد، از انتخاب همسر خود از گروهی که از نظر اجتماعی پایینتر از اوست منع می‌کند. برعکس، زنه‌ای متعلق به گروه‌هایی که وضعیت اجتماعی آنها بالاتر است محقند و حتی گاهی مکلفند همسرانی در شرایط پایینتر اختیار کنند. اکثراً، در موارد شناخته شده، مردی که متعلق به پایگاه اجتماعی بالاتر است با زنی از پایگاه اجتماعی پایینتر ازدواج می‌کند. اما، در بعضی از جوامع، این قاعده برعکس می‌شود.

این شکل از ازدواج، به ویژه، در جوامع قشر بندی شده‌ای مانند هند که از يك نظام کاستی (*caste**) برخوردارند به چشم می‌خورد و در واقع، نقشش غلبه بر مشکلاتی است که مرتبط بر قاعده و دستورالعمل «دردن همسری» (*endogamie**) بوده و برای حفظ پاکی و خلوص کاست به کار می‌رود. برعکس فراهمسری می‌تواند همچنین، نتیجه ترس از «ذنا با محارم» (*inceste**) باشد.

V. hypogamie.

Ant. :isogamie.

(Angl. : *hypergamy*.)

hypogamie

فروهمسری، فرودست همسری

قاعده و دستورالعملی از ازدواج است که شخص را از انتخاب همسر خود از گروهی که از نظر اجتماعی بالاتر و برتر از اوست منع می‌کند. در واقع، در اینجا مسئله مربوط به نوعی قاعده «فراهمسری*» *hypergamie* است. زیرا، آنچه که برای یکی از همسران «فروهمسری» است، معمولاً برای دیگری «فراهمسری» خواهد بود.

(Angl. : *hypogamy*.)

hystérie arctique

هیستری شمالی

واژه هیستری شمالی در ادبیات مردم‌نگاری و روان‌تحلیلی تعیین مجموعه‌ای از علایم مرضی مشاهده‌شده، به‌ویژه در میان تونگوز *Toungouse* هاست و در نزد بوم‌زدان *indigènes* به‌مثابه نتیجه‌ای از تسخیر به‌وسیله ارواح به حساب آمده است. این علایم معمولاً عبارتند از: ترس از نور، بحرانها (حمله‌ها) و حرکات غیرقابل کنترل، آنچه که کوفنگی و سستی به دنبال دارد و سپس؛ سوء قصد با بلند کردن اجسام، بالا رفتن از درختان یا از تخته سنگها و غیره. غالباً در جوامع سیبری و اسکیمو، اشخاصی را که اینگونه علایم مرضی در آنها ظاهر می‌شود، برای «شامان*» *chamane* شدن تشویق می‌کنند.

Syn. : *piblotko*.

(Angl. : *Arctic hysteria*.)

I

Ibo

ایبو

نام قومی ست از آفریقای سیاه که در دشتهای شرقی نیجریه و منطقه نیجر سفلی ساکن است. ایبوها اساساً کشاورزند (سیب زمینی هندی، ذرت و غیره می کارند). در ۱۹۶۰ تعداد آنان تقریباً به پنج میلیون تن رسیده است و اغلب در روستاهایی که با خلق و خوی آنان سازگار بوده پراکنده شده اند. در این اواخر، بعد از تشکیل جمهوری بیافرا Biafra، تعداد زیادی از آنها در اثر جنگ کشته شده اند. همسایگان و دشمنان سنتی آنان یروبا Yoruba هستند.

Chinwuba Obi, S. N. : *The Ibo Law of Property*, 1963. Forde, D. et Jones G. I. : *The Ibo and Ibibio-speaking Peoples of South - eastern Nigeria*, 1950.

گیاهان مسموم کننده ماهیها

ichtyo - toxiques, plantes

V. nivrée, pêche à la.

ignames

سیب زمینی های هندی

گیاهانی هستند خزننده. باریشه های غده ای خوراکی، از خانواده دیوسکورده آسه *Dioscoréacées* که در تمام منطقه گرسیر نقش بسیار مهمی

بازی می‌کنند و این نقش مربوط به انواع اهلی و وحشی آنهاست که در ارتباط با فعالیت‌های مربوط به گردآوری (خوشه‌چینی) است. انواع دیوسکوره آلاتا *Dioscorea alata*، دیوسکوره آسکولانتا *Dioscorea esculenta* و دیوسکوره بولبی‌فرا *Dioscorea bulbifera* و یژه هند، آسیای جنوب-شرقی و اقیانوسیه هستند. ولی، دیوسکوره آتوندا *Dioscorea rotundata* مختص آفریقا و دیوسکوره آتریفیدا *Dioscorea trifida* مربوط به آمریکاست.

(Angl.: Yams.)

زنا با محارم

inceste

زنا با محارم رابطه جنسی بین افرادی است که از یک سلسله مراتب خویشاوندی برخوردار بوده و محرم یکدیگرند و تا درجه‌ای از ازدواج با یکدیگر منع شده‌اند. همه جوامع انسانی و حتی چندین جامعه «نخستی» زنا با محارم را ممنوع اعلام کرده‌اند و هر یک از آنها، به طرز ویژه‌ای، میدان کاربرد این ممنوعیت را مشخص می‌کنند. تاکنون، بنابر آنچه که می‌دانیم؛ وصلت پدر و دختر، مادر و پسر و تقریباً همه برادران و خواهران ممنوع اعلام شده است. اما، در خصوص خویشاوندانی که در دایره این ممنوعیت قرار می‌گیرند، از یک جامعه به جامعه دیگر تفاوت‌های شگرفی به چشم می‌خورد. بیشتر اوقات آن دسته از خویشاوندان که در یک نظام «طبقه بندی شده **classificatoire*» جای دارند، نمی‌توانند همسران یکدیگر باشند، در صورتی که می‌توانند با خویشاوندانی همسری کنند که رشته‌های زیستی آنها نسبتاً محکم بوده و برای تمام اعضاء واحد اجتماعی (*communauté*) شناخته شده است. از طرفی، این ممنوعیت می‌تواند به طور متفاوت به وصلت جنسی بین دو خویشاوند، بر حسب اینکه این پیوند برای آنها در رابطه با انعقاد ازدواج باشد یا داشتن روابط فوق زناشویی (*extra-conjugale*)، ضرر به وارد سازد.

V. inceste dynastique.

Lévi – Strauss (1949), Murdock (1949).

(Angl.: Incest; All.: Inzest.)

inceste dynastique**زنا با محارم دودمانی**

بعضی از جوامع، ضمن اینکه زنا با محارم را شدیداً نهی می‌کنند، اما، آن را برای اعضای بعضی از طبقات اجتماعی و پاره‌ای از صنفها یا برخی از جمعیتها روا دانسته و حتی امر به انجام این نوع آمیزش داده‌اند. این مسئله بیشتر مربوط به وصلت در درون خانواده‌های شاهزادگان یا خانواده‌های اشرافی است و از شناخته شده ترین موارد آن می‌توان از ازدواج بین برادر و خواهر در دودمان «پتولمه» (Ptolémées) در مصر قدیم، در نزد نجای قدیم هاوایی و در خانواده سلطنتی اینکا نام برد، همان طور که در جامعه «آژنده» *azandé نیز حقوق شناخته شده‌ای برای طبقه نجبا وجود داشت که برطبق آن می‌توانستند با دختران خود ازدواج کنند. مع ذلك، در همه موارد ذکر شده، ازدواج زانی با محارم به همین صورت دیده شده است، یعنی مغایر و مخالف با حقوق مشترکی است که - در ضمن تجلیل از پایگاه استثنایی افرادی که از آن گریخته‌اند - آن را فقط خاص سلطنت می‌دانند. بنابراین، به هیچ وجه، نه نرمشی در قواعد و دستورالعمل عمومی وجود دارد و نه سازشی با آن. بلکه، نوعی سرپیچی مشخص است که حقایق را خارج از جنبه اشتراکی آن توجیه و ایجاب می‌کند.

(Angl. : *dynastic incest*.)

indice céphalique**شاخص سر**

عددی است برای بیان عرض سر انسان (حداکثر فاصله بین دو شقیقه)، در صورتی که طول سر (فاصله بین قاعده پیشانی و برجسته ترین بخش پس سری) برابر ۱۰۰ باشد. به فرد در صورتی دولیکوسفال dolichocéphale یا «دراز سر» می‌گویند که شاخص سرش از ۷۶ کمتر باشد. شاخص سرفرد مزوسفال mésocéphale یا «متوسط سر»، بین ۷۶ و ۸۱ و فرد براکی-سفال brachycéphale یا «گرد سر»، ۸۱ است. از این خصلت، که به- این ترتیب کمیت پذیر می‌شود، در انسان‌شناسی جسمانی برای مشخص کردن انواع نژادها، بسیار استفاده شده است.

(Angl. : *cephalic index*.)

خویشاوندی نسبی تفکیک ناپذیر، نسب همزادی *indifférenciée, filiation*

قاعده و دستورالعملی است که به فرد اجازه می‌دهد تا برای اکتساب عناصر اصلی بایگه خویش با ورود در یک گروه خویشاوندی، خود را وابسته به یکی از چهار تبار: پدر بزرگ پدری (PePe)، مادر بزرگ پدری (MePe)، مادر بزرگ مادری (MeMe) و پدر بزرگ مادری (PeMe) بداند.
V. *filiation*.
(Angl. : *bilateral descent* یا *cognatic descent*.)

سیاست بوم زادی *indigéniste, politique*

واژه‌بی‌ست که در تحت آن حکومت‌های آمریکای لاتین، سیاست «فرهنگ پذیر» *acculturation** منظم و سیاست ادغام یا «نگهداری» را، که برای اقوام سرخ پوست ساکن کشورشان به کار می‌برند، تعیین می‌کنند. «کمیسو-نهای بوم‌زادی» در ونزوئلا، «دفتر امور بوم‌زاد» در کلمبیا، اداره سرپرستی سرخ پوستان در برزیل، که موظف به اجرای این سیاست هستند، وابسته به وزارتخانه‌های مختلف (کشاورزی، دادگستری و غیره) بوده و بیشتر اوقات فاقد صلاحیت یا بی‌بهره از هر قدرتی هستند. از این رو، «امور بوم‌زاد» غالباً به سکوت برگزار شده یا به هیئت‌هایی از مبلغان مسیحی محلی واگذار می‌شود.

(Esp. : *politica indigenista*.)

خانواده مشترک، خانواده تقسیم نشده *indivise, famille*

V. *joint family*.

بچه کشی، کودک کشی *infanticide*

کشتن کودکان نوزاد می‌تواند خواه منحصراً در مرحله بحرانی (مثلاً

به‌هنگام قحطی) انجام شود و خواه در زمان عادی، یعنی در مواردی که نقص مادرزایی کودک، موقعیتهای غیر عادی تولدش، یا پایگاه اجتماعی مادرش معمولاً عوامل تعیین‌کننده‌ای باشند. بچه‌کشی مرسوم در جمعیت تشریفاتی «Arioi»، در پولینزی قدیم، مثال بارزی از بچه‌کشی‌ست که به وسیلهٔ افکار و ملاحظات مربوط به پایگاه یا نقش اجتماعی، تلقین و تحمیل شده است.
(Angl. :infanticide.)

infibulation

ایجاد مانع برای آمیزش جنسی

عملی‌ست که به‌منظور جلوگیری از روابط جنسی انجام می‌شود. مثلاً در نزد مردان این مسئله عبارت از ایجاد سوراخی در پوست ختنه‌گاه است که از آن يك حلقه یا يك قزن قفلی عبور می‌دهند تا خوب بسته شود (به عنوان مثال نزد رومیان قدیم). در نزد زنان این نتیجه با قطع چوچوله (clitoris) به دست می‌آید، به‌طریقی که با قطع و دوختن لبه‌های فرج تقریباً نصف قطر سوراخ مهبل کاهش می‌یابد. این عمل معمولاً پیش از بلوغ صورت گرفته و متعاقباً در موقع ازدواج به باز شدن دوبارهٔ فرج منجر می‌شود (زبان دوخته شدهٔ سومالی، نمونهٔ بارز آنند).

V. discision*, excision,*

(Angl. :infibulation.)

informateur

پاسخگو، آگاهی‌دهنده

کلمهٔ «پاسخگو *informateur*»، که در زبان فرانسه افعال و اعمال پلیسی را به ذهن متبادر می‌سازد، در مردم‌شناسی، تحت نام «وحشی» (که مرجع خوبی‌ست زیرا که حرف می‌زند یا زده‌است)، یا «ابتدایی» (که دیگر به دلیل سروصداهای نژاد پرستانه‌اش، مگر به اشکال پذیرفته نمی‌شود) و یا «میزبان مردم‌نگار در محل» پنهان شده است. در هر حال، گذشته از توجهات و ملاحظات احترام آمیزی که در کاربرد این واژه به چشم می‌خورد، باید گفت که در مجموع، پاسخگو یار و کمک مردم‌نگار، موضوع مطالعه، پدر روحانی و محنت کش اوست. مع ذلك، برخی از مردم‌نگاران موفق می‌شوند

که از او به معنای کامل يك «شريك» بسازند. به دلیل دیگری، این واژه موضوع بی‌نظمی و اختلاط است، زیرا می‌خواهد این فکر را القاء کند که: همه وقایع مورد استفاده در مردم‌شناسی جدید، تنها حاصل اظهارات و یاوه‌گوییهای افراد و پاسخگویان است. در صورتی که، می‌دانیم قسمت اعظم مفروضات جمع‌آوری شده در محل، به وسیله مشاهده مستقیم رفتارها، با شرکت در زندگی گروه مورد مطالعه، با تجارب حاصله، با شمارشهای آماری و غیره به دست آمده است. گاه پیش می‌آید که پاسخگویان خود مردم نگارانی حرفه‌ای می‌شوند، نظیر: «ته رانگی هیروا» (Te Rangi Hiroa) از جمعیت «مئودی» *Maori، «هامپاته‌با» (Hampateba) از آفریقا و «دوژی» *Dozier از سرخ‌پوستان پوئبلو، و این آن چیزی است که مسئله مردم‌شناسی را از درون مطرح می‌کند.

تذکار: انگلیسی زبانها به‌خوبی بین واژه مردم‌شناسی «*informant*» و واژه پلیسی «*informer*»، تفکیک قایلند.

(Angl. : *informant*.)

infrastructure

زیربنا، زیرساخت

این واژه که از واژگان فلسفه مارکسیستی به عاریت گرفته شده، سازمان فنی - اقتصادی يك جامعه (اکولوژی، شیوه تولید و غیره) را معین می‌کند.

V. superstructure.

(Angl. : *infrastructure*.)

initiation

رازآموزی، راز آگاهی، گذرآیینی

واژه «اذآموزی» با وجود کاربرد کافی و نیز رایجش، مختص مناسک و آزمونهایی است که به منظور ورود بعضی از داوطلبان در گروه‌های بسته، مانند: جوامع سری، جمعیت نیکوکاران، مجامع اسرارآمیز و غیره، صورت می‌گیرد و نیز در ارتباط با مناسک‌گذر، هنگامی که مسئله مربوط به تشریفات است که در طی آن تمامیت يك «طبقه سنی» *classe d'âge از يك پایگاه به پایگاه

دیگری انتقاء می‌یابد (مانند هناسکی که فرارسیدن بلوغ را بشارت می‌دهند)، از این واژه سخن می‌گویند. مناسک رازآموزی، در معنای محدودی که در فوق بدان اشاره شد، گمارش يك نخبه یا انتخاب افراد برتر را تضمین کرده و یا با شکوه و جلال خاصی برپانگه می‌دارند و حتی به همین دلیل، شجاعت، شایستگی، معرفت باطنی یا وفاداری و درستکاری داوطلبان را در بوتۀ آزمایش می‌گذارند. اینگونه مناسک، معمولاً، به مناسبت برگزاری جشنهای بزرگ که در آن همه اعضا جامعه شرکت دارند، انجام می‌شود و در آن رازآموزان (initiés) و رازآموزان آینده نقش مهمتری ایفا می‌کنند. چنین به نظر می‌رسد که در اکثر جوامع، مناسک رازآموزی مردان توسعه یافته‌تر از زنان است.

(Angl. : initiation.)

Inuit

اینوی

(نامی ست که «اسکیموها» *Eskimos* به خود می‌دهند).

Iroquois

ایروکوآ

نام قبیله‌بی‌ست که در زمان رسیدن اروپاییان، در درۀ سن-لوران و در کنار دریاچه‌های ادیه *Érie*، هورن *Huron* و انتاریو *Ontario* در کانادا و ایالات متحده زندگی می‌کردند. ایروکوآ یکی از پر قدرت‌ترین قبایل سرخ‌پوستی آمریکای شمالی بوده است. به دلایل نظامی، این قبیله از يك اتحادیه وسیع، مجتمع از ۶ تا ۷ گروه زبانی متفاوت تشکیل شده بوده که با اینهمه به يك خانواده زبانی تعلق داشته است. ایروکوآ ها ساکن بوده و به کشاورزی اشتغال داشته اند و فقط به طور فرعی به شکار و صید می‌پرداختند.

A. A. Goldenweiser. : «on Iroquois work», *Summary report of the geological survey*, Department of Mines, 1912; L. H. Morgan : *League of the Ho-Dé-*

No-Sau- Nee or Iroquois, 1851.

نظام خویشاوندی ایروکوآ

Iroquois, système de parenté

درسرخ‌شناسی که به وسیلهٔ هودداک (۱۹۴۹) و پس از مرگ مرگان تدوین شده است، این اصطلاح نوعی نظام خویشاوندی و سازمان اجتماعی-ست که اسلوبی از خویشاوندی نسبی مادرتباری، واژگانی از نوع ایروکوآ برای دختردایی (عمو، عمه، خاله)ها و واژگان «همسانی از طریق انشعاب» *assimilation par bifurcation* برای خاله (عمه، زن عمو، زن دایی)ها و دخترهای خواهر (برادر) را مشخص می‌کنند. بنا به تعریف هنگامی واژگان را ایروکوآ می‌گویند که دختر خواهر پدر (FeSrPe) یا دختر عمه (دختر برادر مادر (FeFrMe) یا دختر دایی) با يك واژه معین شده باشند (مثل واژه «cousine» برای: دختردایی (عمو، عمه، خاله). (م)، اما از خواهرها (soeurs) و «دخترعمو (خاله)های موازی - *cousines para*» *lles* تمیز داده می‌شوند؛ معمولاً «دخترداییهای موازی» و «خواهرها» دارای يك نام هستند.

(Angl. : *iroquois type*.)

Ishi

ایشی

(در سال ۱۹۱۶، در حدود ۴۰ سالگی درگذشت؛ «ایشی» در زبان «Yana» به معنی «انسان» است).

ایشی *Ishi* نامی ست که «ای. ال. کروب» *A.L. Kroeber* به آخرین سرخ‌پوست قبیلهٔ یانا Yana در شمال کالیفرنیا داده است، قبیله‌ای که در اواخر قرن گذشته به وسیلهٔ پیش قراولان سفیدپوست به کلسی قتل عام شدند. ایشی، پاسخگو (informateur) و دوست کروب شد و توسط وی درموزهٔ سان فرانسیسکو جا گرفت. ایشی به مدت چهار سال در این موزه به سر برد و سپس بر اثر ابتلاء به بیماری سل (یعنی آخرین هدیهٔ سفیدپوستان!) درگذشت.

داستان اندوهبار ایشی، توسط تئودورا کروبر حکایت شده است.
ایشی، همچنین با مردم‌شناسان زبان شناسی چون «سپیر» *Sapir** و «واترمن»
watermann کار کرده است.

Theodora kroeber : «*Ishi , in two worlds* , 1961 ;
trad. française: *Ishi*.»

ایزوگامی، جور همسری، مشابه همسری **isogamie**

این واژه که از واژگان زیست‌شناسی به عاریت گرفته شده است، پیوند
زناشویی دو فرد را، که از یک پایگاه اجتماعی برخوردار بوده یا در یک
جامعه قشر بندی شده به یک طبقه یا کاست تعلق دارند، تعیین می‌کند.

(Angl. : *isogamy*.)

J

Jakobson, R.

ژاکوبسن، آر.

این زبان‌شناس در سال ۱۸۹۶ در مسکو به دنیا آمد و همراه «ان. تردتزنکوآ» *N. Trubetzkoi*، بنیان‌گذار شیوه‌آواشناسی (phonologie) است، یعنی رشته‌ای که می‌رفت تا زبان‌شناسی را به‌طور کامل تغییر شکل دهد و باروری و حاصلخیزی نظری آن می‌بایست در تمام رشته‌های علوم انسانی مورد استفاده قرار گیرد. اصالت عمیق اندیشه‌ی ژاکوبسن و تبحر عظیم و وسیعش در شکل‌گیری مکتب ساخت‌گرایی لوی - اشتروس سهم زیادی داشته‌اند. آثار عمده‌ی ژاکوبسن به شرح زیر است:

Remarques sur l'évolution phonologique du russe, 1929; *Kindersprache*, 1941; *Aphasie und allgemeine Lautgesetze*, 1941.

سلاحهای پرتاب، چوب پرتاب، گرز پرتاب

jet, armes de-, bâton de-, massue de -

انواع سلاحهایی که آنها را به‌طرف شکار یا دشمن پرتاب می‌کنند.
(Angl.: *throwing club, throwing stick*.)

jettatura

طلسم، جادو، افسون

این واژه ایتالیایی اختصاص به نوعی طلسم و جادو دارد که از طرف

شخصی که بدچشم بوده و قادر است با حضور خود و یا با سخنانش حامل بدبختی باشد، اعمال می‌شود.

خانواده مشترک، خانواده چندگانه *joint family*
(*joint family*)، یک اصطلاح انگلیسی است که ترجمه آن می‌تواند «خانواده مشترک» یا «خانواده متکثر» باشد).

چندین «ژرمن» **germains* که هر یک ازدواج کرده و دارای فرزندی هستند، مشترکاً با «خانواده‌های هسته‌ای» **familles nucléaires* خود به ترتیب روی یک زمین و یا در یک منزل زندگی می‌کنند و برای انجام وظایف اقتصادی و تعلیم و تربیت کودکانشان باهم همکاری و تعاون دارند. گروهی که به این ترتیب تشکیل شده است، در ادبیات انگلو - ساکسون غالباً خانواده مشترک نامیده می‌شود. پایه و اساس خانواده مشترک مانند «خانواده گسترده» **famille étendue*، بر روابط خونی و نیز بر اقامتگاه مشترک استوار است، اما، در طی زمان نمی‌تواند آن دوام و استمرار را که خانواده گسترده از آن برخوردار است، داشته باشد.

ژوسلن دوژونگ، ژ. پی. ب. دو
Josselin de Jong, J. P. B. de

دوژوسلن دوژونگ، که در سال ۱۸۸۶ در هلند به دنیا آمد، مردم‌شناس و زبان‌شناسی است که در نظریه خویشاوندی و ازدواج دارای سهم قابل توجه و مهمی است. او نزد سرخ‌پوستان Peigan در مونتانا و نزد سرخ‌پوستان اوجیبوآدر مینه‌سوتا و نیز در اندونزی و جزایر آنتی کار کرده است.

Lévi - Strauss , *theory on kinship and marriage*
(1952).

یونگ، کارل گوستاو
Jung, Carl Gustav

یونگ در ۱۸۷۵ به دنیا آمد و در ۱۹۶۱ از دنیا رفت. این روانشناس

سوئیسی، به‌ویژه، به‌دلیل توسعه مفاهیم «ناخودآگاه جمعی» و «صورت‌نوعی» و تمایل به کشف تظاهرات قاطع آنها در نزد اقوام «ابتدایی» معروف شده است. برای او همه اساطیر در حول و حوش عناصر اصلی تخیل انسانی که صورت‌نوعی هستند تشکیل خواهند شد و شکل‌گیری مذاهب نیز به همین صورت است. در بین سایر موضوعات، «ساخت‌گرایی» *structuralisme** نشان داده است که نظریه یونگی با تعیین معانی دقیق و همگانی صورت‌نوعی، در بیشتر اوقات دچار خطا بوده است، همان‌طور که این خطا در مورد زبان‌شناسی نیز، هنگامی که در آغاز می‌پنداشت می‌تواند «قوانین عمومی پیوستگی معانی» را در اصوات معین پیدا کند، صادق است.

آثار عمده یونگ به شرح زیر است:

Psychologie und Religion, 1939. *Métamorphose de l'âme et ses symboles*, 1953. *Introduction à l'essence de la mythologie* (avec G. Kérényi), 1951.

jus primae noctis

نخستین شیرۀ زفاف

رسم و عادت است که بر طبق آن يك ارباب فئودال. يك مقام مذهبی یا شخصیت دیگری که مکان رفیعی را اشغال کرده، از این حق خصوصی برخوردار است که تازه عروس را پیش از شوهرش در شب زفاف تصاحب کند.

Syn.: droit de cuissage,^۱ droit de seigneur.

(Angl.: *jus primae noctis*.)

* * *

۱- مراد از «*droit de cuissage*» یا «حق‌ران» حقی است که به ارباب فئودال اجازه می‌داد تا در نخستین شب زفاف قدم به رختخواب تازه عروس بگذارد و حتی در برخی از نقاط جهان می‌توانست این نخستین شب را با او سر کند (به نقل از: Robert ۱، ص ۴۳۴). (م).

K

kaftan, cafetan

کافتن

«کافتن» نوعی مانتوست که دولبه آن بدون اینکه یکدیگر را قطع کنند، به هم می‌رسند. آن را از «اروپای مرکزی» تا «چین» می‌توان یافت.
(Angl. : *kaftan*.)

Karaib, Karib

کارایب ، کارایب

V. Carib

Kardiner, Abram

کاردینر، آبرام

کاردینر در سال ۱۸۹۱ در نیویورک متولد شد. این انسان‌شناس و روان‌پزشک آمریکایی با همکاری مردم‌شناسی به نام «آر. لیتون» *R. Linton* مفاهیم «شخصیت اساسی» *personnalité de base* و «الگو» *pattern* را توسعه داده است. نوشته‌های نظری کاردینر نسبت به نوشته‌های لیتون از استحکام بیشتری برخوردار است. این نوشته‌ها تکیه بر تجربه‌ای عملی دارند که به ویژه از جزایر آلور (Iles d'Alor) – محل تحقیق «دوبوا ، کورا» *Du Bois, Cora* – به دست آمده است. سهم او در مردم‌شناسی مخصوص انسان‌شناسی فرهنگی آمریکاست.

آثار عمده کاردینر به شرح زیر است:

The individual and his society, 1939 (trad. franç.

1969), *The psychological frontiers of society*, 1945; *The mark of oppression: a psychological study of the American Negro*, 1951; *Sex and Morality*, 1956; *The studied man*, 1961 (avec E. Prebble.)

Kariera

کار به را

قبیله‌یی ست ساکن در شمال غربی استرالیا، بین رودخانه‌های «دوگری» و «فورتسکو»، که به وسیلهٔ «آی. آد. رادکلیف - براون» *A. R. Radcliff Brown* - مشهور شده است. این قبیله، در موردی خاص، به عنوان تصویری از سازمان ازدواج و خویشاوندی از طریق «بخشها» *sections* به کار می‌رود و موجودیتش، پیش از کشف آن در محل تحقیق، از طریق استنتاجات نظری پیش‌بینی خواهد شد. به این دلیل بعضی ادعا کرده‌اند که این مسئله مربوط به یک گروه تخیلی است که از نظر آنان، تنها در خور قالبی مطبوع و راحت از یک مسئله واقعی سازمان اجتماعی است. مع ذلك، در چندین منطقه از جهان، نظام کادیه‌را دیده شده است.

A. R. Radcliffe - Brown: «Three tribes of western Australia», in *Journal of the Royal Anthropological Institute*, vol. 53, 1913; C. Lévi - Strauss: *Les Structures élémentaires de la parenté* 1949.

Katchin

کاچین

جمعیتی در حدود ۳۰۰۰۰۰ تن که در منطقه‌ای هم‌مرز بین بیرمانی، آسام و یونن Yunnan و به مساحت تقریباً ۱۴۰۰۰۰ کیلومتر مربع پراکنده شده‌اند. از نظر فرهنگی و سیاسی این مجموعه واحد بزرگی را عرضه نمی‌کند. جامعهٔ کاچین که به پدر کلانها (Patri - clans) تقسیم شده، به خاطر نظام ازدواج‌های دورانی به‌اشتهار رسیده است. این جامعه به وسیلهٔ «آی. آد. لیچ» *E. R. Leach* «مورد مطالعه قرار گرفته است» *(Political Systems of Highland Burma, 1954)* لیچ، پس از پرداختن به امور مردم‌نگاری

جمعیت کاپچین، روش و پیامدهای نظری «لوی - اشترویس» *Lévi-Strauss* را در «ساختارهای بنیانی خویشاوندی» مورد انتقاد قرار داده است.

کاچینا

katchina, kadcina

این واژه «هوپی» *hopi* دارای سه معنای مشخص و متمایز به شرح زیر است:

– يك موجود ماوراءالطبیعه است که نقش میانجی را، بین دنیای انسانها و دنیای مهمترین ربوبیتها در مذهب سرخ پوستان «پوئبلو» *Pueblo* بازی می‌کند. تعداد زیادی از کاچینا وجود دارد که هر يك از کارکرد کاملاً معینی (مثلاً نزد هوپی‌ها تقریباً از ۲۵ کارکرد) برخوردار است.

– مردان رقاصی که ماسک بر چهره دارند و ماسکها به این موجودات مافوق طبیعت شخصیت می‌بخشند.

– عروسکهای چوبی رنگ شده با اندازه‌های کوچک که خود تصاویری از رقاصان ماسک‌دار بوده و برای تعلیمات مذهبی کودکان به کار می‌رود و امروزه نظیر آنها به جهانگردان فروخته می‌شود.

کاچیناها در نزد پوئبلوهای قدیمی نقش بسیار مهمی بازی می‌کردند، همان‌طور که نقاشیهای دیواری کشف شده در «کیوا» *kiva* ها و موضوعات مربوط به تزئین ظروف سفالی نیز گواهی بر این مسئله‌اند. امروزه کاچیناها در مراسم و تشریفات اکثر سرخ پوستان پوئبلو، به ویژه در نزهوپی‌ها و ذونی‌ها آشکار می‌شوند. برخی از مؤلفان، قدیسان مذهب مسیح (ع) و کاچیناها را پوئبلو باهم سنجیده‌اند.

L. Sebag (1971).

(Angl. *kachina* یا *kadcina*.)

کاوا

kava

کاوا، يك واژه پولینزیست که اختصاص به گیاهی از خانواده فلفل به نام «پی‌پرمیتیکوم» (*Piper methysticum*) دارد، که ریشه‌اش در پولینزی برای ساختن نوعی نوشیدنی که کمی مخدر است به کار می‌رود. برای

تهیه این نوشیدنی ابتداء گیاه را خوب جویده، با آب مخلوط کرده و تکان می‌دهند و سپس آن را عرضه می‌کنند. مصرف این نوشیدنی توام با رفتارهای تشریفاتی و مناسکی است که به طرزی فوق‌العاده و به تدریج فراهم می‌شود و کار کرد آن در آن واحد مذهبی و اجتماعی است (به‌ویژه در مورد نمایش‌مکانهایی که در سلسله مراتب اجتماعی توسط شرکت‌کنندگان اشغال شده است). در پولینزی قدیم، شورای رؤسا یا اعیان و مقامات عالیه وجود نداشت، مذاکراتی دربارهٔ امور عمومی صورت نمی‌گرفت و نیز جشن بزرگ خانوادگی، بدون مصرف جمعی کاوا توسط همهٔ شرکت‌کنندگان مرد، برپا نمی‌شد. در مناطق دیگر اقیانوس آرام، مثلاً در هیبریدنو، ریشهٔ کاوا مصرف شخصی دیگری هم دارد: کال آن که به وسیلهٔ مردی روحانی جویده و تف شده است در مناسک جادویی به کار برده می‌شود.

(Angl. :kava.)

Keresan

کرزان

V. Athapascan.

kérygme

که ریگم

واژه‌یی است بامنشأ یونانی که از واژگان مربوط به تفسیر تورات به عاریت گرفته شده است. این واژه که در مطالعات اسطوره‌شناسی به وسیلهٔ برخی از مؤلفان مانند «پ. ریکور P. Ricœur» رایج شده، مبین يك اخطار یا وعدهٔ يك رستاخیز و بعثت يك حکمفرمایی الهی در این دنیای دون است، که نخستین معنای آن به «وعدهٔ مسیح (ع)» مربوط می‌شود. به نظر برخی از متخصصان، حضور یا غیبت يك که ریگم یا يك چشم‌انداز که ریگمی، اجازه خواهد داد تا تفکیکی بین اساطیر فرهنگهای «ابتدایی» و اساطیر تمدنهای بزرگ کلاسیک قایل شوند. به این نقطه نظر اعتراضات زیادی وارد شده است.

(Angl. :kerygma.)

خیپو یا کیپو

Khipu ou Kipu

V. Quipu.

خوآسان

Khoïsan

کلمه‌یی است مرکب از «khoï» (نامی که هوتانتوها به خود می‌دهند) و «San» (نامی که بوشیمن‌ها را مشخص می‌کند). در انسان‌شناسی جسمانی *khoïsan* یک نژاد فرعی است که هوتانتوها و بوشیمن‌ها به آن تعلق دارند. (Angl. : *khoïsan*)

کیم بانگیسم

kimbanguisme

کیم بانگیسم نوعی «مذهب تلفیقی»^۱ «*religion synchrétique*» است که در کنگو - کشور پیامبر «سیمون کیم بانگو» (Simon - kimbangu) - زاییده شده و مشتق از مسیحیت گسرای سنی است. کیم بانگیسم در آفریقای مرکزی در حال گسترش است.

Syn. : *Ngunzisme*.(Angl. : *kimbanguism* یا *ngunzism*.)

کیندرید

kindred

واژه‌یی است انگلیسی که از زبان جاری به عاریت گرفته شده و تحت تأثیر «دیودز»^{*} «*Rivers*» و به مثابه واژه‌ای فنی در مطالعات «خویشاوندی»^{*} «*parenté*» مورد پذیرش قرار گرفته است.

V. parentèle.

۱ - برای واژه «*synchrétisme*»، معادله‌ای، «همتایی»، «اعتقاد به توحید عقاید» و «اختلاطی ناموجه» نیز انتخاب شده است. (م).

کی‌چوا

Kitchua

V. Quetchua.

کیوا

kiva

در نزد سرخ‌پوستان پوئبلو در آمریکای شمالی، کیوا، اتاق زیرزمینی وسیعی است که بیشتر اوقات به شکل دایره بود و برای ورود به آن از یک نردبان استفاده می‌شود. این اتاق وسیع می‌تواند محل اجرای مراسم پرستش، کارگاه، اتاق خواب و باشگاه مردان باشد. در حال حاضر در روستاهای پوئبلو، که در زمینهای اختصاصی سرخ‌پوستان قرار دارند، هنوز چندین کیوا مورد استفاده است. معمولاً به غیر از کیواهای زیرزمینی، کیواهای دیگری نیز، به صورت بناهای مدور بدون پنجره، وجود دارند که به کمک نردبانی که از سقفشان آویزان است به درون آنها داخل می‌شوند.

(Angl.: kiva.)

کلوکهن، کلاید

Kluckhohn, Clyde

کلوکهن در سال ۱۹۵۵، در «Iowa» در ایالات متحده به دنیا آمد. این مردم‌شناس آمریکایی پس از آد. بندیکت و به‌دنبال وی، مفاهیم «الگو pattern*»، «پیکربندی» و «مقاطع فرهنگی» را توسعه داده است (Mirror of man, 1944; Personality in Nature, Society and Culture, 1948). او تحقیقات محلی عمده‌ای در نزد سرخ‌پوستان هوپی (۱۹۳۷ و ۱۹۳۸)، ناواهو (۴۶-۱۹۳۶) انجام داده و همراه با «د. لیگتون D. Leighton» در سال ۱۹۴۶ کتاب «The Navaho» را منتشر کرده است.

نظریه کن - تیکی

Kon-Tiki, théorie du

این نظریه که بعد از خلیلیها به وسیله ترویهردال Thor Heyerdahl اهل نروژ

حمایت شده، بیانگر این مسئله است که جمعیت‌های پولینزی ریشه آمریکایی داشته و منطقه شرق اقیانوس آرام را بامهاجرت از دوسو مستعمره خویش کرده‌اند: یکی با آمدن از پرو و سوار بر کلکهای «بالسا» *balsa*، که نخست در جزایر مارکیز اقامت گزیدند و دیگری از سمت ساحل شمال غربی ایالات متحده و سوار بر «ذرقهای یک تکه» *Monoxyle*، که در جزایر هاوایی پیاده شدند. هیردال، سوار بر کلکی قدیمی، از ساحل پرو تا مجمع‌الجزایر توآموتو *Tuamotu* (در پولینزی فرانسه) سفر کرد و به این ترتیب، در سال ۱۹۴۷، امکان انجام اینگونه مهاجرت‌ها را نشان داد. او با استمداد از نظریه خود به ذکر پاره‌ای از شباهت‌های موجود بین پیکر تراشی و مجسمه‌سازی ماقبل کلمبیایی و مجسمه‌سازی جزایر مارکیز و جزیره پاک پرداخت و از منشاء آمریکایی سیب زمینی شیرین (*Ipomaea batatas*) که واقعاً از اهمیت مهمی در پولینزی برخوردار است، براساس یک شباهت اسمی بین فقط یک زبان سرخ پوستی و اکثر زبانهای «استرونزی *Austro*» *nésiennne* پشتیبانی کرد. اما، اینگونه استدلال‌ها که مربوط به برخورد‌های ساده یا همگر است کافی نیستند، زیرا همه وقایع دیگر مردم نگاری، زبان شناختی و باستان‌شناختی نشان می‌دهند که پولینزی‌ها تنها از جانب آسیای جنوب شرقی سرازیر شده‌اند. باوجود این، امروزه تقریباً به طور جزئی و به لطف مباحثه و مجادله‌ای که مسبب آن هیردال بوده است، مسافرت‌هایی به کندی بین آمریکا و منطقه شرق اقیانوس آرام صورت گرفته و به این مناسبت نوعی سیب زمینی شیرین توانسته از آمریکا وارد شود. کل نظریه فوق، که کاملاً غلط و اثبات ناپذیر است، رستاخیزی از نظریه‌های «الیات اسمیت *Elliot-Smith*» را آشکار می‌کند.

Heyerdahl (1950, 1952).

(Angl.: *Kon-Tiki theory*.)

Koppers, W.

کپرس، دبلیو.

(۱۸۸۶-۱۹۶۱).

مبلغ مسیحی و مردم شناس، که با «پدر روحانی، دبلیو. اشمیت *Schmidt, W., le Père*» از مشهورترین نمایندگان «مکتب تاریخی-

فرهنگی» به شمار می‌روند. کپرس، در سال ۱۹۲۸ استاد دانشگاه وین شد. او تحقیقات محلی عمده‌اش را در سال‌های ۲۲-۱۹۲۱ در نزد فوزین‌ها و در سال ۱۹۳۸ در نزد «Bhil» های هندوستان انجام داد. آثار عمده کپرس به شرح زیر است:

Die Feuerland Indianer, 1924; *Die Bhil in Zentralindien*, 1948; *Der Urmensch und sein Weltbild*, 1949.

kratophanie

کراتوفانی

این واژه که توسط برخی از نظریه‌سازان علوم مذهبی، به‌ویژه از طریق هیرچا، الیاده رایج شده است، برای تعیین نوعی موجودیت فرهنگی به کار می‌رود که به منزله تجلی یا تجسمی از مفهوم نیرو یا همانند کارایی و علامت مشخصه چیزی است که عجیب، بیش بینی نشده یا خطرناک به نظر می‌رسد.

V. hiérophanie*.

(Angl.: kratophany.)

Kroeber, Alfred Louis

کروبر، آلفرد لوئیس

کروبر در سال ۱۸۷۶ به دنیا آمد و در سال ۱۹۶۰ درگذشت. این مردم‌شناس آمریکایی که شاگرد «بوآس» *Boas* بود، نظریه‌های اشاعه‌گرایان را توسعه داد و بر نیمه نخستین قرن بیستم تأثیر شگرفی بر جای گذاشت. او را باید به منزله تجسم بارزی از «انسان‌شناسی فرهنگی» *Anthropologie* «culturelle» شمال آمریکا به حساب آورد. کروبر به ویژه سرخ‌پوستان غرب آمریکا را مطالعه کرده و در دانشگاه کالیفرنیا درس داده است. آثار عمده کروبر به شرح زیر است:

The Arapaho, 1902; *Zuni Kin and Clan*, 1917; *Handbook of the Indians of California*, 1925; *Cultural and natural areas of native North America*, 1939; *Configurations of culture growth*, 1940; *Three Centuries of*

Women's Dress Fashions: a Quantitative Analysis, 1940; *Anthropology*, 1948; *The nature of culture*, 1952; *Style and civilizations*, 1957. *A Roster of Civilizations and Cultures*, 1962.

کوکری

kukri

چاقوییست با تیغه خمیده و مخصوص نپال که به عنوان يك سلاح نوك تيز به زحمت قابل استفاده است. کوکری، اساساً می‌تواند به منزله يك وسیله برش به حساب آید.

(Angl.: kukri.)

کولا

kula

کولا، جریان وسیع مبادلات بین قبیله‌ای و مورد توجه تقریباً بیست جزیره ملانزی است که مشهورترین آنها عبارتند از: مجمع الجزایر «تروبریاند» که توسط مالینوسکی مطالعه شده و جزیره «دوبو» (Dobu) که مورد مطالعه فرتون بوده است. مشخصترین معاملات مربوط به کولا تجاری نیستند، زیرا این معاملات شامل کالاها نبوده، بلکه، در مورد اشیایی صورت می‌گیرد که عاری از هرگونه فایده است و همان کار کردی را دارد که جواهرات روی تاج در تشریفات سلطنتی اروپاییان یا جوایز دریافت شده در مسابقات ورزشی. این اشیاء که فقط دونوع هستند (بازوبندها و گردن-بندهایی از صدف)، به هیچ وجه از جریان خارج نشده و در حالی که خط سیر معکوسی را درطی معاملات می‌پیمایند؛ یکی در مقابله دیگری مبادله می‌شوند. هر دور کامل از ۲ تا ۱۰ سال طول می‌کشد تا دوباره به نقطه حرکت خود باز گردد. در پایان يك دور، هريك از مبادله‌کنندگان خود را مالك اشیایی می‌یابد که در آغاز معامله در تصرف داشته است و هر کس در جستجوی آن خواهد بود که بیشتر از آنچه که در آغاز داده، دریافت کند و بالمره صورت ظاهر خود را از دست خواهد داد. در جنب این معاملات «نجیب» و به مناسبت آنها، معاملات دیگری نیز صورت می‌گیرند که به معنای

حقیقی تجاری بوده و دقیقاً از آنها تفکیک شده‌اند. نظام اقتصادی کولا بر دو نوع داد و ستد تکمیلی تکیه دارد: ۱- مرسوله‌های بزرگ دریایی که ناقل شمار بزرگی از اشیاست. ۲- مبادلات بسیار ساده که تنها یکی از اشیاء گرانبها را در فاصله چند کیلومتری یا از منزلی به منزل دیگر به جریان می‌اندازد (مانند مبادله کولا در داخل). نظامهای دیگری که در شکل و کارکرد به قدر کافی همسان هستند در مناطق مختلف جهان (به ویژه در ملانزی) مشاهده شده‌اند. نفع نظری این نهادها قابل ملاحظه است، زیرا در آن پدیده‌های اقتصادی، رفتارهای نمایی و کارکردی از شبکه‌های پیوند سیاسی و غیره به طرز صمیمانه‌ای به هم آمیخته شده‌اند. «انسان‌شناسی اقتصادی *Anthropologie* économique*»، نقطه حرکت و قسمت قابل ملاحظه‌ای از نکات مبهم خود را در این رابطه کشف کرده است.

Malinowski (1922), Mauss (1925), Ubersoi (1962).

دایره فرهنگ یا تمدن

Kulturkreise

kulturkreise واژه‌بی‌ست آلمانی به معنای «دایره فرهنگ یا تمدن» که به وسیله مردم‌شناسان مکتبهای تاریخی آلمان و اطریش (نخست «فروبنیوس *Frobenius** و سپس «گربرنر *Graebner** و «اشمیت *Schmidt**»)، برای توصیف حوزه‌هایی رایج شده که از طریق آنها از مجموعه‌های بزرگ شناختی به بعضی از «ویژگیهای فرهنگی» خاص در قسمت اعظم کره زمین پرتو افکنده است (*V. diffusionnisme**). مدافعان این نظریه از این مسئله حمایت می‌کنند که با ظهور مکانهای متفاوتی که در آنجا بعضی از ویژگیهای تشکیل‌دهنده مجموعه، مشاهده شده‌اند، امکان یافتن راههایی که به وسیله آنها «مجموعه‌های فرهنگی» اشاعه خواهند یافت، وجود دارد.

V. aire culturelle.*

کون

kune

کلمه‌بی‌ست که توسط برخی از مؤلفان برای تعیین «کولا *kula**» به کار رفته است.

کورو

kuru

این واژه مربوط به يك زبان محلی گینه‌نوست و حالتی از ارتباط با ارواح یا تسخیر (possession) را نشان می‌دهد که به طور ارادی با قورت دادن بعضی از قارچهای مخدر و هم آور برانگیخته می‌شود. این امر، در آغاز به وسیله بعضی از مشاهده کنندگان همانند يك بیماری اسرار آمیز و سپس توسط برخی دیگر به منزله اساس «آیین کادگو» *cargo cult به حساب آمده است.

کوآکیوتل

Kwakiutl

کوآکیوتل، يك قوم سرخ‌پوستی است که در جزیره وانکوور، در منطقه‌ای نزدیک ایالت کلمبی بریتانیک در کانادا ساکن بوده است. کوآکیوتل ها که به خانواده‌زبانی «واکاشان» (Wakashan) تعلق داشته‌اند به چندین قبیله تقسیم می‌شده‌اند، مانند قبایل؛ هیشا Haisha، نیم‌کیش Nimkish و غیره. آنان به ویژه مانند اکثریت سرخ‌پوستان دیگر ساحل شمال غربی اقیانوس آرام (تلیتیت Tlingit، هیدا Haida، تسیمشیان Tsimshian و غیره)، صیاد و شکارچی پستانداران دریایی بوده‌اند. امروزه کوآکیوتل ها تقریباً به کلی نابود شده‌اند. این قوم قربانیان برخورد با سفیدپوستانی بودند که بین سایر مصیبت‌ها برای آنان «آبله» را نیز به ارمغان آوردند. جمعیت کوآکیوتل که در يك قرن پیش به بیش از ۲۰۰۰۰ تن تخمین زده می‌شد در سال ۱۹۰۴ فقط ۲۰۰۰ تن بسوده است. مطالعات بیشمار «ف. بوآس * F. Boas در باره کوآکیوتل ها؛ سهم بسیار بزرگی در شناساندن آنها داشته است. بعلاوه، آنان مراسم معروف «پتلاچ» *potlatch را نیز اجرا می‌کردند و دیرکهای توتمی برمی‌افراشتند، که برای همه بازدیدکنندگان موزه‌های مردم‌نگاری شناخته شده است.

Boas, F.: *Ethnology of the Kwakiutl*, 2 vol., 1921.
Codere, H.: *Fighting with property*, 1950; Lévi-Strauss, C.: *L'homme nu*, 1971.

L

لب آویز

labret

labret را برای زینت اندام به کار می‌برند، جنس آن طبیعی بوده و دارای منشاء مختلف است (از شاخه‌های باریک، صفحات مدور، استخوان، چوب، سنگ، فلز و غیره ساخته می‌شود). لب‌آویز را در سوراخی که در لب بالا یا پایین ایجاد شده، ثابت می‌کنند. گاهی این عمل بایک بدشکلی در لب همراه است (مانند: زنان فلات «Sara-Djnji» در کشور چاد).

V. mutilation*.

(Angl.: *labret*.)

لادینو

ladino

۱- لادینو نامی است که در شمال آمریکای لاتین (مکزیک، آمریکای مرکزی)، به دورگه‌هایی که از نژاد سفیدپوستان، سیاه‌پوستان و سرخ‌پوستان هستند داده شده است.

۲- این واژه در آمریکای مرکزی فرد غیر سرخ‌پوستی را مشخص می‌کند که اصل و نسب شهری داشته و به زبان اسپانیایی تکلم می‌کند. بعضی از لادین‌گرایی *ladinisme* یا لادینی شدن *ladinisation* سخن می‌گویند (*angl.: ladinization*)، تا فرآیند گذر از فرهنگ سرخ‌پوستی را به فرهنگ غیر بومی محیط‌های شهری نشان دهند.

لافتو، ژوزف

Lafitau, Joseph

لافتو، يك مبلغ يسوعی بود که در سال ۱۶۸۱ در بر دو به دنیا آمد و در سال ۱۷۴۰ درگذشت. کسی است که باید مدیون توصیفهای بسیار جالبش از سرخ‌پوستان هورنس Hurons و «ایروکوآ» *Iroquois بود. کوششی از عینیت که در این کار لافتو به چشم می‌خورد، او را به مثابه طلایه‌دار مردم‌شناسی به حساب آورده است. (V. Evans-Pritchard, 1951)

لاپنس

Lapons

لاپنس قومی است که در راه فرهنگ پذیری است و در شمال دایره قطبی یعنی در منطقه‌ای زندگی می‌کند که از غرب، از دور ترین منطقه تروندیم Trondheim در نروژ تا انتهای شبه جزیره کلا (kola) امتداد داشته و به این ترتیب از طرف شرق، چهار کشور: نروژ، سوئد، فنلاند و شوروی را کاملاً پوشانده است. لاپنس ها به لهجه‌های متفاوتی که متعلق به خانواده زبانی finno-ougrienne است، تکلم می‌کنند.

در حال حاضر، ۳۰۰۰۰ لاپنس وجود دارند که ۲۲۰۰۰ تن در نروژ و نزدیک ۶۰۰۰ تن در سوئد زندگی می‌کنند. لاپنس ها به طور سنتی، پرورش دهندگان گوزن شمالی هستند و به تدریج با نوع زندگی دولتها و حکومتها، در سرزمینی که در آن به سر می‌بردند، ادغام شده و یا در مناطق و «زمینهای اختصاصی» ثابت مانده‌اند (که مورد قابل ذکر آن کشور سوئد است). به این دلیل گاهی لاپنس ها را «سرخ پوستان اروپا» نامیده‌اند.

Goodenough (1964), Pehrson, R. N.: *The bilateral network of social relations in Konkama Lapp District*, 1957.

لیچ، ادموند رونالد

Leach, Edmund Ronald

لیچ، انسان‌شناس انگلیسی، در سال ۱۹۱۰ به دنیا آمد و در بیرمانی (۴۵-۱۹۳۹)، برنثو (۱۹۴۷) و سیلان کار کرد. این مردم‌نگار زمین تحقیق که

در تحلیل تناقضات موجود بین هنجارها و کار بردها، در جوامع مورد مطالعه خود، کوشیده، نظریه‌ساز درخشانی است که کمکهایش در قلمرو شناخت و نظام خویشاوندی تأثیر شگرفی به جای گذشته است. او با بحث درباره برخی از جنبه‌های آثار «لوی-اشتروسی **Lévi-Strauss*»، به ویژه در مورد اساس امور «کاچین **katchin*» به اشتها رسید است.

آثار عمده لیچ به شرح زیر است:

Political systems of Highland Burma, 1954; *Pul Eliya, a village in Ceylan*, 1961; *Rethinking anthropology*, 1961 (trad. franç. *Critique de l'Anthropologie*, 1968).

Leenhardt, Maurice

لینهارت، موریس

(۱۸۷۸-۱۹۵۴).

لینهارت، فرانسوی و مبلغ مذهب پرستان، به مدت بیست و پنج سال در «کالدونی نو» (*Nouvelle-Calédonie*) به سربردو در آنجا نقش قابل توجهی به نفع جمعیت بومی، که در راه فرهنگ پذیری بود، به عهده گرفت. او که با تأخیر به مردم‌شناسی حرفه‌ای پیوست، در سال ۱۹۴۲ استاد مدرسه مطالعات عالی (*École des Hautes Études*) شد. در آثار بیشمار لینهارت که درباره «کانکها **Canaques*» نوشته شده و به ویژه در اطراف اسطوره‌شناسی بوم‌زاد (*indigène*) و جهان بینی «ملانزی» ها دور می‌زنند، تأثیر «لوی-برول **Lévy-Bruhl*» به خوبی احساس می‌شود.

آثار عمده لینهارت به شرح زیر است:

Notes d'ethnologie néo-calédonienne, 1925; *Gens de la Grande Terre*, 1937; *Do kamo*, 1947.

لیریس، میشل

Leiris, Michel

نویسنده و مردم‌شناس فرانسوی که در سال ۱۹۵۱ به دنیا آمد و پس از پیوستن به جنبش سوررئالیستی در سالهای ۱۹۳۳-۱۹۳۱ در مأموریت «داکار-جیبوتی»، که بدوسیله «مارسل گریول» *Marcel Griaule** سازمان یافته بود شرکت کرد. او همانند یک مبارز ضد استعمار، به ویژه به جمعیت‌های ساکن مجمع‌الجزایر آنتی (Antilles)، و مانند یک شاعر و مردم‌نگار به هنر آفریقایی، علاقه‌مند شد. بررسی‌هایش در زمین تحقیق باعث هدایت وی به چندین منطقه در آفریقا، مارتینیک، گوادلوپ و هائیتی شد.

آثار عمده لیریس به شرح زیر است:

L' Afrique fantôme, 1934; *La langue secrete des Dogons de Sanga*, 1948; *Race et civilisation*, 1951; *La possession et ses aspects théâtraux chez les Éthiopiens de Gondar*, 1958.

لوروآ-گوران، آندره

Leroi-Gourhan, André

انسان‌شناس فرانسوی و متخصص تمدن‌های پیش از تاریخ، در سال ۱۹۱۱ به دنیا آمد. او مطالعه تکنولوژی را با تأکید بر فرآیندهای فنی و شرایط اقتباس و اختراع تجدید کرد و به این ترتیب از معمای سنتی اقتباس یا اختراع دست کشید. بعد از پژوهشهایی که در ژاپن و شمال اقیانوس آرام (۱۹۳۹-۱۹۳۶) انجام داد، اکتشافات پراهمیت باستان‌شناسی را در فرانسه (در «Arcy-sur-Cure»، «Pincevent» و غیره)، با مطالعه شرایط مادی زندگی انسان پیش از تاریخ و هنر نقاشی‌های درون غارها و روی صخره‌ها به تحقق رساند. وی همچنین به سبب کوششی که درباره فرآیند تحولی انسان به عمل آورده، شناخته شده است.

آثار عمده لوروآ-گوران به شرح زیر است:

L' homme et la matière, 1943; *Milieu et techniques*, 1945; *Archéologie du Pacifique Nord*, 1946; *Hommes de la préhistoire*, 1955; *les religions de la préhistoire*,

1964; *Le geste et la parole* (2vol.), 1964 et 1965; *Préhistoire de l'art occidental*, 1966.

Léry, Jean de

لری، ژان دو

لری در سال ۱۵۳۴ به دنیا آمد و در سال ۱۶۱۳ در گذشت. این کشیش پرستان وکالون گرا (calviniste^۱) در ژنو شکل گرفت و در سال ۱۵۵۶ در خلیج ریو (Rio) به دریا سالار ویل گنیون Villegagnon^۲، که یکسال پیش از وی در رأس هیئتی به قصد تأسیس يك مؤسسه فرانسوی به آمریکای جنوبی فرستاده شده بود، پیوست. فعالیت‌هایش به عنوان يك مبلغ باعث شد که مسافرت‌هایی در داخل برزیل انجام دهد و تقریباً ۱۰ ماه در این کشور به سربرد. کتابش به نام «خاطرات سفر در سرزمین برزیل»، که در سال ۱۵۶۳ نوشته شد و در ۱۵۷۸ به چاپ رسید، حاوی مشاهدات و بازتاب‌هایی است که از اعتبار بزرگ‌گی به ویژه در باره سرخ‌پوستان «توپپی» *Tupi** و محیط زیستشان برخوردار است.

lévirat

لویرا، ازدواج با بیوه برادر

قاعده و دستور العملی است که يك زن بیوه را مجبور می‌کند تا ازدواج با برادر همسر فوت شده‌اش را بر دیگر ازدواج‌ها ترجیح دهد. اینگونه انتخاب همسر از يك «قانون موسایی» اقتباس شده است.

Ant. : sororat.*

(Angl. : levirate.)

Lévi- Strauss, Claude

لوی- اشتروس، کلود

این مردم‌شناس و فیلسوف معاصر فرانسوی در سال ۱۹۰۸ در بروکسل

۱- «Jean Cauvin» معروف به «Calvin» (۱۵۶۴-۱۵۰۹)، اصلاح‌طلبی بود که نهضت پرستان‌یسم را در «فرانسه» بنا نهاد. (م).

به دنیا آمد و مکتب «ساخت‌گرایی» *structuralisme** را در انسان‌شناسی توسعه داد. او این روش تحلیل را با موفقیت ویژه‌ای در نظام‌های خویشاوندی و در مطالعه اسطوره‌ها به کار بسته و نیز ثمره آن را در درمان مشکلات دیگر نشان داده است. این مشکلات هم اکنون توجه‌مبکرترین مردم‌شناسان را که در تحت نام «مردم‌شناسی علوم» *ethnoscience** تجمع یافته‌اند، به خود جلب کرده است. لوی-اشتروس در آغاز زندگی شغلش، در ۱۹۳۸ به تحقیقات محلی در برزیل و به ویژه در نزد سرخ‌پوستان «نامبی‌کوآدا» *Nambikwara** پرداخت.

آثار عمده لوی-اشتروس به شرح زیر است:

La vie familiale et sociale des Indiens Nambikwara, 1948; *Les structures élémentaires de la parenté*, 1949; *Anthropologie structurale*, 1958; *Race et histoire*, 1960; *Le totémisme au jourd'hui*, 1962; *La pensée sauvage*, 1962; *Mythologiques 1: Le cru et le cuit*, 1964; *Mythologiques 2: Du miel aux cendres*, 1967; *Mythologique 3: L'origine des manières de table*, 1968; *Mythologiques 4: L'homme nu*, 1971.

Lévy - Bruhl, Lucien

لوی-برول، لوسین
(۱۸۵۷-۱۹۳۹).

فیلسوف و جامعه‌شناس فرانسوی که از طریق مفروضات مردم‌نگاری موجود در عصر خود (به ویژه در جوامع استرالیایی) به تعریف و توصیف «ذهنیت ابتدایی» علاقه‌مند شد و کوشید تا بین «تفکر دکارتی» و تفکر «پیش از منطق» *prélogique** تفکیک قایل شود.

آثار عمده لوی-برول به شرح زیر است:

Les fonctions mentales dans les sociétés inférieures, 1910; *La mentalité primitive*, 1922; *L'âme primitive*, 1927; *Le surnaturel et la nature dans la mentalité*

primitive, 1931; *La mythologie primitive*, 1935; *L'expérience mystique et les symboles chez les primitifs*, 1938.

Lewis, Oscar

لوئیس، اسکار
(۱۹۱۴-۱۹۷۰)

لوئیس از سلالهٔ يك خانوادهٔ یهودی مهاجر لهستانی‌ست. این شاگرد (آر. بندیکت * *R. Benedict*) و «لینتون * *Linton*»، به ویژه، به این دلیل مردمی‌ست که مطالعات مردم‌شناسی مبارزی را به اقلیتهای قومی ایالات متحده اختصاص داد. نخستین بررسیش در محل در سال ۱۹۴۳ در مکزیك (در ته‌پزلان *Tepoztlan*) بنا بر تشویقها و بارای و اندرز «دفیلد * *Redfield*»، که در سال ۱۹۲۶ در همان «واحد اجتماعی» کار کرده بود، صورت گرفت و باعث شد تا انتقادی جدی از چشم‌انداز و نتایج حاصله از کار او به عمل آید. ناهمگرایی و اختلافی که در تفسیر «دفیلد-لوئیس» به چشم می‌خورد، «دلیل مشهور» مردم‌شناسی جدید شد. لوئیس در آغاز مبادرت به تحقیق در راستای «فرهنگ و شخصیت * *Culture et Personnalité*» نمود، اما، با کار خود در بارهٔ «فرهنگ فقر * *culture de pauvreté*» - مفهومی که با رواج آن بسیار مشهور شد - و با بررسیهایش در محیط شهری در مکزیك و در محلات یهودی‌نشین (*ghettos*) پورتوریکوئیهای ایالات متحده، تقریباً خیلی زود، باعث و محرك يك انسان‌شناسی بسیار مبارز تر شد. او می‌خواست به بررسی این مسئله که آیا «فرهنگ فقر» می‌تواند در حکومت سوسیالیستی وجود داشته باشد بپردازد و هنگامی که مرگ غافلگیرش کرد، قاعدهٔ بررسیش را در کوبا شروع کرده بود. امروزه هنوز اسکا (لوئیس)، به عنوان پژوهشگر و يك انسان، بسیار مورد اعتراض است. شاید گاهی دلیل این امر موفقیت بی‌حد و حصری‌ست که او به عنوان مؤلف کتابهای تند و باب روز دارد.

آثار عمدهٔ لوئیس به شرح زیر است:

Lif in a Mexican village: Tepoztlan restudied, 1951;
The children of Sanchez, 1961 (trad. franç.: 1963);
La vida: a puerto-rican family in the culture of poverty,

1966.

lexicostatistique**آمار واژگانی**V. *glottochronologie*.**lignage****طایفه**

گروهی است متشکل از افرادی که براساس قاعده خویشاوندی نسبی «یک خطی» **unilinéaire* مدعی جدمشترکی هستند. در اسلوب خویشاوندی نسبی غیریک خطی، گاهی از «خویشاوندی شاخه‌ای» **ramage* صحبت می‌شود. اعضاء طایفه، قابلیت آن را دارند تا روابط دودمانی خود را با جدمؤسس، که طایفه «کلان» **clan* را مشخص و متمایز می‌کند، برقرار کنند. طایفه به وسیله کل جامعه، به منزله موجودیتی خود مختار شناخته شده است. (Angl.: *lineage*.)

lignée**تبار، اولاد**

مجموعه‌یی است از افراد بایک جدمشترک و با هر قاعده خویشاوندی نسبی و هر خط خویشاوندی (مستقیم یا جانبی) که در آن نظام خویشاوندی تدوین شده است.

(Angl.: *stock of descendants* یا *issue*.)**واژگان از طریق خطوط خویشاوندی****lignes, terminologie par**

واژگانی است که معیار خویشاوندان جانبی (**collateralité*) را به کار می‌برد، اما، نسبت به معیار خویشاوندان انشعابی (**bifurcation*) نا آگاه است، به نحوی که برادر پدر *FrPe* (یا عمو) و برادر مادر *FrMe* (یا دایی)، بایک واژه مشترک (یعنی *oncle*) و خواهر پدر *Srpe* (یا عمه) و

خواهرمادر SrMe (یا خاله)، با واژه مشترك دیگری (یعنی tante) نامیده شده‌اند، در صورتی که «پدر Pe» و «مادر Me» به ترتیب ازدو واژه پیشین (یعنی tante و oncle) متمایز می‌شوند.

(Angl. :lineal terminology.)

لینگا

linga

لینگا واژه‌یی است که ریشهٔ سانسکریتی دارد و مختص يك نماد مردانگی (phallique) ست و به عنوان علامت «خداوند شیوا» (dieu Shiva) محسوب می‌شود. معمولاً لینگا از سنگ ساخته شده و از معماری شکلی برخوردار است و در بعضی از فرقه‌های هندو کاربرد گسترده‌ای دارد. لینگا اغلب در کنار یونی (yoni) یا نماد مربوط به عضو جنسی مؤنث عرضه می‌شود. پناهگاهی از يك لینگای كوچك، به ویژه، اهمیت فرقهٔ «ویراشایی‌تا» (یا شیواگرایان حماسی) را که هنوز به «Lingayat» معروف هستند و در ایالت کنونی «Mysore» زندگی می‌کنند، مشخص می‌کند. به لینگا و یونی مفهومی از باروری که تقریباً مذهبی ست ارتباط پیدا می‌کند.

(Angl. :idem.)

خانوادهٔ زبانی

linguistique, famille

مجموعه‌ای از زبانهاست که هر چند برای افرادی که به آن تکلم می‌کنند نامفهوم به نظر می‌رسند، با اینهمه، به دلیل ساختارهای مشابه و با تشکیل يك گروه می‌توانند به منزلهٔ شاهی باشند که به يك تنه یا يك نیای مشترك تعلق دارند. معیارهای موجود برای تدوین نظام خویشاوندی تکوینی برای زبانها، اساساً آماری بوده و دستکاری آنها مبتنی بر مسایل متعددی ست.

V. glottochronologie.

Meillet et Cohen (1952).

(Angl. :linguistic family.)

Linton, Ralphلینتون، رلف
(۱۸۹۳-۱۹۵۳).

نام این انسان‌شناس آمریکایی مانند همکارش «کاردینر *Kardiner»، وابسته به مفهوم «شخصیت اساسی **personnalité de base*» است، یعنی مطالعه رفتاری که به وسیله گروه به فرد تحمیل شده و اساساً به وسیله محیط اقتصادی - تکنیکی و نوع تعلیم و تربیت مشخص می‌شود. لینتون، به ویژه، فرآیند سازگاری فرد را نسبت به تنگناهای گروه و نیز مسئله تغییرات فردی را مورد مطالعه قرار داده است. وی در جزایر مارکیز (۲۲-۱۹۲۰)، ماداگاسکار (۲۷-۱۹۲۵) و ویسکانسین (۳۳-۱۹۳۲) به تحقیقات محلی پرداخت. آثار عمده لینتون به شرح زیر است:

The study of man, 1936; *The individual and his society*, 1939; *The cultural background of Personality*, 1945; *The tree of culture*, 1955.

littérature orale**ادبیات شفاهی**

به اشکال هنری یا مذهبی سنتی مانند: اسطوره‌ها، ترانه‌ها، افسانه‌ها، ضرب‌المثلها و غیره که نوشته نشده و به طور شفاهی از نسلی به نسلی و از فردی به فردی منتقل می‌شوند، ادبیات شفاهی اطلاق می‌گردد. امروزه، این اصطلاح به سهولت و به طور معمول به وسیله مردم‌شناسان مورد استفاده قرار می‌گیرد تا از تفکیک و تمایزی که، اغلب به طور اختیاری و بیهوده، بین اسطوره، افسانه و قصه در جوامع بی‌خط قایل می‌شوند جلوگیری به عمل آید.
(Angl. :oral literature)

گروه محلی؛ یا گروه براساس سرزمین و اقلیم**local, groupe; ou groupe à base territoriale**

مردم‌شناسانی که به «ماین **Maine*» - که بین «روابط خونی» و «روابط ملکی» تفکیک قایل شده و آن را رایج کرده است - وفادار مانده‌اند، گروه‌های

بررسی شده در محل را به دو مقوله تقسیم می‌کنند که منافعی هم نبوده و در حقیقت دو قطب تشکیل می‌دهند که دارای تعداد زیادی اشکال وسطی است، یعنی: گروه‌هایی براساس سرزمین یا اقامتگاه و گروه‌هایی که پیوستگی و تشکیل آنها متکی بر روابطی است که (به‌ویژه در مورد روابط خویشاوندی) منحصرأ جامعه‌شناختی است. یک دهکده، یک روستا و یک «قبیله» *tribu**، اساساً گروه‌های محلی و اقلیمی هستند. یک «خانواده گسترده» *famille étendue**، یک «کلان» *clan**، گروه‌هایی با خصلت مختلط را تشکیل می‌دهند که روابط خویشاوندیشان به همان اندازه حایز اهمیتند که اقامت مشترکشان.

(Angl. : *local group*.)

Lowie, Robert M.

لوی، ربرت ام.

(۱۸۸۳-۱۹۲۵).

انسان‌شناس آمریکایی اطریشی‌الاصل که شاگرد «اف. بوآس» *F. Boas** بود و در حقیقت، کار او را ادامه داد. لوی که به چشم‌انداز تاریخی اهمیتی منظم‌تر و سنجیده‌تر داده، (*V. diffusionnisme*) به‌برخی از خصایل «ساختاری» همگانی علاقه‌مند شده و به این ترتیب، در یک مقیاس معین از مکتب ساخت‌گرایی پیشی گرفته است. کمک‌های او به قلمرو سازمان اجتماعی شایان توجه است. تحقیقات محلی این انسان‌شناس در مناطق مربوط به سرخ-پوستان «کرو» *crow** (۱۹۰۷، ۱۶ - ۱۹۱۰، ۱۹۳۱) و سرخ‌پوستانی که به زبان «شوشون» *shoshone* تکلم می‌کردند (۱۹۰۶، ۱۶ - ۱۹۱۲)، صورت گرفته است.

آثار عمده لوی به شرح زیر است:

Traité de sociologie primitive, 1935 ; *Social Organization*, 1948.

لوُبک، سرجان (یا لرد آوِبوری)

Lubbock, Sir John, devenu Lord Avebury

(۱۸۳۴ - ۱۹۱۳).

مفاهیم این اشراف‌زاده انگلیسی و مدافع تند و تیز «تطور و تکامل».

گرایشی **évolutionnisme* که «وحشیان» را جز از طریق روابط مسافران و مبلغان مذهبی نمی‌شناخت، امروزه برای خواننده به قدر کفایت فاسد معنای انتقادی‌ست. او به همه جنبه‌های تمدن علاقه پیدا کرد، اما، این جنبه‌ها چیزی جز بازتاب‌های او درباره «پیش از تاریخ» نیستند که از همه جالبتر به حساب آمده‌اند.

آثار عمده لوپسک به شرح زیر است:

The Origin of Civilization and the primitive condition of man, 1870; *Prehistoric times*, 1872.

luso- tropicalisme

لوزو - تروپیکالیسم

واژه جدیدی‌ست که توسط جامعه‌شناس برزیلی «Gilberto Freyre» با استفاده از ریشه *luso* (منشعب از «Lusitanie» نام قدیم پرتغال) ساخته شده است، تا کنش مناطق حاره‌ای را روی سفید پوستان و فرهنگشان نشان دهد.

M

magie blanche

جادوی سفید

هدف این جادو، دور کردن ارواح خبیثه یا شفای اشخاصی است که قربانی آن بوده‌اند. بنابراین به‌عنوان ضد اجتماعی نبوده و در جهت عکس «جادوی سیاه» *magie noire* عمل می‌کنند.

(Angl. : *white magic*.)

magie noire

جادوی سیاه

این جادو مدعی رام کردن ارواح خبیثه و نیروهای ماوراءالطبیعهٔ بدیمن، برای تهیهٔ وسایل بنگاههای آدم‌کشی است. همهٔ جوامع این نوع جادو را از جادوی سفید تفکیک کرده و آن را محکوم می‌کنند.

(Angl. : *black magic*.)

مبین، سر هنری جیمس سمنر

Maine, Sir Henry James Sumner

(۱۸۸۸-۱۸۲۲).

حقوقدان انگلیسی که در کمبریج و اکسفورد تدریس کرده و به‌عنوان مشاور فرماندار، اقامتی موقت در مستعمرات انگلستان در هند داشته است. او که عاشق حقوق مقایسه‌ای بود، حقوق رومی، حقوق اروپایی جدید، حقوق سرخ‌پوستی و نیز اعمال مختلف فقهی را که به آن وابسته‌اند، در یک وضعیت

مبهمی پذیرفت و به کار برد. هر چند او منحصرأ به «جوامع ابتدایی» نپرداخته است، اما، تأثیرش روی «مردم‌شناسی بارداری» قابل ملاحظه بوده است. در واقع، مردم‌شناسان مدیون او هستند، زیرا، به ویژه، دید پر بار وی درباره جدل بین «روابط خونی liens du sang» و «روابط ملکی liens du sol» امروزه هنوز، به ادامه پژوهشها جهت درستی می‌دهد. آثار عمده هین به شرح زیر است:

Ancient law, 1861; Village communities in the East and West, 1871.

«خانه، خاندان»

«maison»

مراد از این واژه، در یک جامعه که دارای سلسله مراتب است مانند جامعه فئودال، «طایفه *lignage» یا «خویشاوندی شاخه‌ای *ramage»، خانه‌یی است که از یک برتری سیاسی یا تشریفاتی بهره‌ور شده و اغلب دارای قلمرو و سرزمین ویژه‌یی است.

(Angl.: house.)

خانه جمعی

maison collective

خانه‌یی است که در آن تعداد زیادی از افراد از دو جنس، پدر و مادر یا وابستگان، ساکن هستند و برای برخی از اقوام، این واژه کل یک روستارا شامل می‌شود. این نوع اقامتگاه در چندین منطقه از جهان دیده شده است: در آسیا این خانه به صورت برخی از انواع یودت‌ها^۱ بوده و مورد استفاده گروه‌های کوچنده قرار می‌گیرد و در نزد اسکیموها به صورت ایگلو و در آمریکای حاره‌ای به صورت بوهیو یا شودآتا یا مالوکاست که از چوب و

۱- «یورت yourte» یا «lourte»؛ چادری از پوست برای کوچندگان آسیای مرکزی است. (م).

۲- «ایگلو igloo»، یک واژه اسکیمو و پناهگاهی به شکل گنبد است که باتکه‌های یخ یا برف ساخته می‌شود. (م).

شاخ و برگ ساخته می‌شود و می‌تواند بسیار بزرگ باشد (به ارتفاع بیش از ۲۰ متر برای اشکال مخروطی) و بیش از ۱۰۰ نفر را در خود جای دهد. در تمام موارد، این منازل ساخت مجللی دارند و شاهی از یک مهارت شگرف در معماری و گواهی بر یک هنر برجسته برای زندگی هستند.
(Angl. :communal house.)

maison des hommes

خانه مردان

بنایی است ویژه تعداد کمی از جوامع «ابتدایی» و یکی از مکانهای رفیع زندگی اجتماعی است. خانه مردان که، معمولاً با ملاحظت و هنر بیشتری ساخته می‌شود، نسبت به خانه‌های زن و شوهری دارای بزرگترین اندازه است و در آن واحد، نقش باشگاه جوانان مجرد، مهمانخانه موقت - برای بازدیدکنندگانی که از روستاهای دیگر آمده‌اند -، معبد برای مناسک و گنجی برای اشیاء متبرک و مقدس که زنان حق دیدن آن را ندارند و مکان گرد همایی برای مذاکرات سیاسی را بازی می‌کند. معادل این نهاد، در اجتماعات سنتی مناطق مدیترانه دیده شده است.

(Angl. :men's house.)

Malayo – Polynésien

مالایو - پولینزی

این نام که به یک «خانواده زبانی» **famille linguistique* وسیعی داده شده، معرف حوزه‌یی است که از جزایر هاوایی تا ماداگاسکار امتداد داشته و از مالزی می‌گذرد. در ملانزی و در گینه نو، زبانهای خانواده هالایو - پولینزی در سرزمینهایی گسترده شده است. این زبانها گاه در مناطقی محدود شده و یا از آن فراتر رفته‌اند. البته در این مناطق، کمی پیش از زبان «پاپو» *papoue*، به زبانهایی سخن می‌گفتند که تابع خانواده زبانی دیگری بوده و امروزه به زبان «غیر استرونزی» معروف است. تحقیقات عمده تاریخی و مقایسه‌ای که درباره خانواده زبانی مالایو - پولینزی انجام شده، مربوط به مجموع آثار «اس. دی S. Ray»، «دمپولف Dempwolff»، «دیپان Dyen» و «گراسی Grace» است. به دنبال آن و برای سهولت امر، برخی

از نظریه‌سازان جدید («گودنوک» *Goodenough* و «مودداک» *Murdock*)، در این باره، از يك «حوزه فرهنگی» *aire* culturelle* مالایو – پولینزی سخن گفته‌اند که با يك همگونی نسبی در اشکال سازمان اجتماعی، نظام‌های خویشاوندی و غیره مشخص شده است و حدود و ثغور آنها یکی بوده یا می‌تواند کمتر از محدوده‌های مربوط به حوزه زبان‌شناختی باشد. این توزیع و گستردگی که مربوط به مفهوم زبان‌شناسی ست معمولاً پذیرفته شده است.

Syn.: *Austronésien**

(Angl.: *malayo – polynesian.*)

malangan ou malagan

مالانگان یا مالانگان

مالانگان نامی ست که در ایرلند نو (سرزمین استرالیا یسی گینه نو) به ماسکها و مجسمه‌های چوبی داده شده است، که تصویری از اجداد مرده‌ای هستند که به مناسبت جشنهای بزرگ از اعمال برجسته‌شان یاد می‌شود. کیفیت زیبا شناختی و خصلت غیر عادی این اشیاء مدتهای مدیدی ست که توجه کلکسیونرها و موزه نگاران اروپایی را به خود جلب کرده است و آنگاه که مالانگان‌ها وارد ویترنهای آنان شدند، نامشان نیز برای قلم شاعران و منتقدان هنری نام آشنایی می‌شود.

(Angl.: *idem.*)

Malinowski, Bronislaw

مالینوسکی، برانیسلاو

(۱۸۸۴-۱۹۴۲).

این مردم‌شناس که در لهستان متولد شده است، بعد از اینکه شکل‌گیری اصلیش درباره علوم، روانشناسی و اقتصاد سیاسی در اتریش و آلمان به پایان رسید به انگلستان مهاجرت کرد و همه فعالیت‌های علمیش را در آنجا انجام داد. ظاهراً مرگش در آمریکا اتفاق افتاد، یعنی جایی که در پایان عمر چندین سنت فکری آن را پذیرفته بود. او را باید به عنوان یکی از بنیان‌گذاران واقعی مردم‌نگاری جدید در محل و به منزله یکی از طلایه‌داران «انسان‌شناسی اقتصادی» *Anthropologie économique** به حساب آورد. مالینوسکی

به‌ویژه، در تاریخ تفکر مردم‌شناختی همانند بدعت‌گذار و سخنگوی پرشور شکل خاصی از «کارکردگرایی» **fonctionnalisme* شناخته شده است. او از ۱۹۱۴ تا ۱۹۱۸ نزد قبایل «Mailu» در جزایر تروپیاند (در گینه‌نو) و در ۱۹۲۶ به مدت چندین ماه نزد سرخپوستان آمریکا به تحقیقات محلی پرداخته است.

آثار عمدهٔ مالینوسکی به شرح زیر است:

The family among the Australian aborigines, 1913;
Argonauts of the Western Pacific, 1922 (trad. franç. 1963);
Crime and Custom in savage society, 1926;
Sex and repression in savage society, 1927 (trad. franç. 1932);
The sexual life of savages in North-western Melanesia, 1929 (trad. franç. 1930);
Coral gardens and their magic, 1935.

Maloca

مالوکا

واژه‌بی‌ست اسپانیایی و مربوط به آمریکای لاتین که برای یک «خانهٔ جمعی» **maison collective* بزرگ به کار می‌رود.

mana

مانا

این واژهٔ پولینزی مبین یک قدرت ماوراالطبیعه بوده و کاربرد آن به وسیلهٔ بنیان‌گذاران مردم‌شناسی دینی (به‌ویژه «مادت» **Marett* و «مسی» **Mauss*) عمومیت یافته است. مانا می‌تواند آغشته به اشیاء بی‌جان باشد، اما، معمولاً واجد کیفیت ویژه‌ای از بعضی از موجودات انسانی (به‌ویژه رؤسا)، ارواح، اشباح و غیره است. این واژه اغلب بایک تقلیل تدریجی در ادبیات علمی به کار رفته است.

(Angl. : *idem.*)

manilla**مانیلا**

مانیلا به نوعی از حلقه‌های چرمی یا حلقه‌های مسی مخلوط با روی اطلاق می‌شود که به عنوان پول، به وسیلهٔ پرتغالی‌ها، در کارهای تجاریشان با بوم زادان ساحل غربی آفریقا، استفاده شده است.

manioc**مانیوک**

این واژه که در قرن شانزدهم به صورت *manihot* نوشته می‌شد، از سرخ‌پوستان «توپی» *Tupi* گرفته شده و به یک گیاه خوراکی از خانوادهٔ فریفون (*Euphorbiacées*) اختصاص دارد که کشت آن در تمام مناطق حاره‌ای و به ویژه در آمریکا رواج یافته است. یک نوع سمی این گیاه، حاوی اسید سیانیدریک و معروف به «مانیوک تلخ» (و به زبان اسپانیایی رایج در آمریکای لاتین *yucca amarga*) است. سرخ‌پوستان حوضهٔ ارنسوک (*Orénoque*) و آمازون با استفاده از «سبوکان» *sebucan* آن را تغییر شکل داده و به صورت یک مادهٔ غذایی درمی‌آورند. هانیوک در برخی از کشور-های آمریکای لاتین *yucca* یا *tapioca* نامیده شده است.

(Angl. : *manioc* یا *cassava*.)

manitou**مانی‌تو**

این واژه، در نزد قبایل «الگونکین» *Algonquin* مفهومی نزدیک به مفهوم «داکان» *wakan* در نزد سرخ‌پوستان «سیو» *Siou* دارد و تقریباً قابل مقایسه با «مانا» *mana* است. نظریه‌سازان قرن نوزدهم گاهی همهٔ این واژه‌ها را به عنوان مترادف هم به کار می‌برند.

(Angl. : *manitou* یا *manito*.)

maoris**منوری‌ها**

به یک جمعیت پولینزی اطلاق می‌شود که به هنگام ورود نخستین

اروپاییان، در زلاندنو سکونت داشته است. وجود این جمعیت و نکته اصلی فرهنگ مئودی احتمالاً به تاریخ یک مهاجرت در قرن چهاردهم مربوط می‌شود. مئودیا به قبایلی چند تقسیم می‌شوند که از چندین «هپو» *hapu تشکیل شده‌اند. سازمان اجتماعی آنان به وسیله یک نظام اشرافی و با «اِسای» به نام ariki از درجات مختلف مشخص شده است. فرهنگ مادیشان به وسیله مسکن در روستاهای مستحکم و با اقتصاد معیشتی بر اساس سیب زمینی شیرین متمایز می‌شود. به هنگام استقرار اروپاییان، مئودیا با سماجت از وطن خود دفاع کردند و نتیجه آنکه جنگی فراموش نشدنی بین آنان و اروپاییان در گرفت که از ۱۸۴۲ تا ۱۸۶۹ طول کشید.

میزان تولید مئودیا که زمانی به طرز اسفناکی راه زوال می‌پیمود، امروزه، بالاتر و برتر از میزان تولید سفیدپوستان زلاندنو است. مئودیا که در سال ۱۸۲۰ تقریباً ۱۵۰۰۰۰ تن و در ۱۸۹۶ فقط ۴۲۰۰۰ تن بودند، در ۱۹۶۰ به ۱۵۸۰۰۰ تن رسیده‌اند، اما، اجتماع آنان، که امروزه کاملاً در ملت زلاندنو ادغام شده، اختلاط نژادی بسیار مهمی را تحمل کرده است.

Best, E. : *The Maori*, 1924; Firth, R. : *Primitive economy of the New - Zealand Maori*, 1929; Te Rangi Hiroa; (P. Buck) : *The coming of the Maori* , 1925.

ماراکا

maraca

واژه‌ی ست اسپانیایی باریشه «آداک» *Arawak، که معمولاً اختصاص به یک نوع اسباب بازی (زنگوله، جفجه کدویی) در آمریکای لاتین دارد. ماراکا به وسیله شاهانها و شفادهندگان (*guérisseurs) در جوامع بیشماري از آمریکای حاره‌ای به کار برده شده است.

مارائه یا مالائه

marae ou malae

این واژه پولینزی در مورد مکانی به کار برده می‌شود که برای زندگی اجتماعی دارای امتیاز بیشتری است. در آنجا، جمعیت دور هم جمع شده و

مهمترین مناسک مذهبی (که در بعضی موارد با انجام قربانیهای انسانی همراه است) جریان می‌یابد و متناوباً با برشمردن اصل و نسب و دودمان خانواده‌های بزرگ اشرافی، برتری سیاسی و تشریفاتی آنان مورد تأکید قرار می‌گیرد. مادائیه، اغلب به‌جای اینکه یک مکان خجالی باشد، شامل مهتابیهای سنگی و چندین ردیف صندلی است که با دقت کامل و به نسبت درجات اجتماعی شرکت کنندگان چیده شده‌اند. همچنین مادائیه، همان‌طور که در تاهیتی دیده می‌شود، می‌تواند هرمی در اندازه‌های بزرگ باشد. هر بخش از پولینزی مستقل بوده و هر رئیس با نفوذ و مهمی مارائیه مربوط به خود را دارد و بنا بر این، علاوه بر نقش کارکردی فوق، هم به‌عنوان نماد (symbole) و هم تضمینی است از صحت و درستی برتریهای سیاسی و حقوق ارضی که به وسیله افراد یا گروهها ادعا شده است. پولینزیها، درحالی که جزیره مادری خود را برای تأسیس قسمت جدیدی ترك می‌کنند، در ضمن، يك یا چند تخته سنگ را که مربوط به مارائیه اجداد آنهاست با خود می‌برند.

(این واژه در قرن هیجدهم «*morai*» دارد و «*marae*» نامیده می‌شود: Angl.)

Marett, Robert Ranulph

مارت، رابرت رانولف

(۱۸۶۶-۱۹۴۳).

مارت اهل انگلیس و يك فرد دانشگاهی بود که در آکسفورد جانشین «تایلر* *Tylor*» شد. او به‌ویژه، به قلمرو «ماوراء الطبیعه» در نزد اقوام «ابتدایی» علاقه وافر یافت و این مسئله را که تفکر «وحشی» چگونه اعتقادات مذهبی و جادویی ساخته و آن را باور می‌کند، مورد مطالعه قرار داد و این همان چیزی است که موجب انتقادات بیشمار «مس* *Mauss*» از وی شد. مارت، نوعی تمایز و تفکیک نظری را بین «جان‌گرایی* *animisme*» و «روح‌گرایی* *animatisme*» رواج داد. او هرگز به تحقیقات محلی نپرداخت و از خود تصویر فیلسوفی را که فاقد جزم‌گرایی است برجای نهاد. اشتیاقش به این مسئله که ظواهر فریبنده‌ای از طبقه روشنفکر اروپایی را به «وحشیان» وام دهد، خیلی کمتر از اسلافش بود.

آثار عمده مارت به شرح زیر است:

The threshold of religion 1909; *Anthropology*, 1912.

mariage avec des morts**ازدواج بامردگان**

عملی است که در چندین جامعه غیر بومی تأیید شده و مبتنی است بر جلو-گیری از رنج يك مرده، به دلیل زیانهای مفروضی که بر مردگان مجرد در آن دنیا وارد می‌شود. بنا بر این، يك ازدواج نمادی (symbolique) بین متوفی و شخصی که دارای پایگاه اجتماعی شایسته‌ای بوده و در نظام خویشاوندی از موقعیت مکانی مناسبی برخوردار است، برپا می‌شود. در بعضی موارد، مثلاً در نزد «نوئرها» **les Nuer* مسئله مربوط به تهیه فرزندان برای مرده مجرد است و بنا بر این، برادر کوچک با زنی که معروف به «زن متوفی» است ازدواج می‌کند و فرزندان این زوج به منزله فرزندان برادر بزرگ یعنی شخص متوفی به حساب خواهند آمد.

(Angl. : *marriage with dead*.)

mariage, chaînon de**زنجیره ازدواج**

در يك دودمان یا در توصیف يك رابطه خویشاوندی پیچیده، رشته وصلت با روابط خونی تشریح می‌شود.

mariage de groupe**ازدواج گروهی**

ازدواج گروهی موضوعی است که خواه تحت همین نام یا تحت نام «کمونیسم جنسی»، در عصر نخستین نظریه‌های بزرگ مردم‌شناسی (به ویژه، نظریه‌های: مرگان، لوبک، فریژر، و غیره موجب بحثهای زیادی شده است. به این دلیل، مردم‌شناسان حرفه‌ای، بی‌اعتمادی شگرفی در برابر این مسئله ابراز کرده‌اند. این نوع ازدواج که به منزله پیوند و وصلت چندین مرد با چندین زن در يك زمان است، در هیچ جا شکل مشترکی از مشارکت جنسی نداشته و به نظر می‌رسد که هرگز چنین نبوده است. در چندین جامعه که چنین پیوندی را مورد تأیید قرار داده‌اند (نظیر قبایل Dieri در استرالیا، kainang در برزیل و Tchouktche در سیبری)، این ازدواج دارای صفتی استثنایی بوده و از ازدواج مرسوم تفکیک می‌شود، یعنی فاقد آن کارکردهای اقتصادی

و تریبیتی‌ست که معمولاً هر ازدواجی سرشار از آن است. اما، عیناً از «فحشا» و موارد مختلف «هرج و مرج جنسی» به وسیله امری متمایز شده و از قواعد دقیقی که توسط جامعه مقرر شده است اطاعت می‌کند. اصطلاح «*pirauru*» که مربوط به قبایل Dieri در استرالیا است. مثالی کلاسیک از این شکل وصلت دست جمعی‌ست.

(Angl.: *group marriage*; All.: *Gruppenehe*.)

ازدواج تعویضی

mariage par échange

نوعی ازدواج است که با مصالحه بین دو مرد صورت پذیرفته و مشخص شده است. در این نوع ازدواج دو مرد با تعویض خواهران یکدیگر با آنها ازدواج می‌کنند یا دختران خود را با هم عوض می‌کنند تا آنها را به عقد پسران یا برادران خود درآورند و یا خود با آنان ازدواج کنند. زمانی که این رسم درون فردی (*interindividuelle*) در تمام جامعه گسترش می‌یابد، به همان اندازه، به بخشهایی که برای به کار انداختن این نظام لازم است تقسیم شده و به صورت یک قاعده زناشویی مشترک درمی‌آید، در این صورت در ارتباط با مسئله‌ای خواهیم بود که لوی - اشتروس آن را تحت نام «مبادله محدود» *échange restreint* و «مبادله عام» *échange généralisé* * *alisé* رواج داده است. ازدواج تعویضی خواهرها یا دخترها، در حقیقت حالتی ویژه از دو اسلوب ازدواج فوق‌الذکر است.

(Angl.: *marriage by exchange*.)

ماریمبا

marimba

ماریمبا، نوعی دهل یا گزیلوفون است که در جنوب آفریقا و در آمریکای مرکزی یافت می‌شود.

(Angl.: *idem*.)

Masaï ou Massai**ماسایی**

به‌جماعتی از چوپانان کوچنده سودان، کنیا و تانزانیا اطلاق می‌شود که در سال ۱۹۶۰ به‌تعداد تقریبی ۲۰۰۰۰۰ تن بوده و به‌زبانی از گروه «نیلوهامیتیک nilo - hamitique» سخن می‌گویند.

Gulliver, P. H.: *Social Control in an African Society*, 1965. Merker: *Die Masai* (1904).

matriarcat**مادرساری، مادرسالاری**

نظامی ست سیاسی - حقوقی که به وسیله نخستین نظریه‌سازان قطور و تکامل‌گرایی تصویر شده است و مبین آن است که قدرت به‌وسیله زنان در جوامع قبضه شده و در آنها روابط دودمانی مگر در يك خط خویشاوندی مادری به‌طور رسمی شناخته نشده‌اند. هیچ جامعه واقعی، اگر هم «ابتدایی» باشد، اسلوب ماددسری را اینگونه معین و مشخص نمی‌شناسد. در اینجا، همان‌طور که در نظریه‌های دیگر در همان عصر مشهود است، نوعی بی‌نظمی یا سرخوردگی بین خویشاوندی نسبی «مادربطنی» **matrilinéaire* (که حقیقه در تعداد بیشماری از جوامع به‌چشم می‌خورد) و اسلوب حاکم (که بر اساس يك فرضیه اختیاری تقاضا شده و مربوط به مرحله نخستین بشریت است) وجود دارد.

Briffault (1927).

(Angl.: *matriarchate*.)

۱ - آقای «دکتر غلامحسین صدیقی»، در دهمین جلسه انجمن لغات و اصطلاحات علوم اجتماعی در ساعت ۶^۱/_۴ روز یکشنبه ۱۶ خرداد ۱۳۵۰، برای وازگان *patriarcat* و *matriarcat* به ترتیب اصطلاحات، «پدسری» و «مادسری» را پیشنهاد کرده است. (م).

matriclan, matrisib**مادر کلانی، مادر سیبی**

مربوط به «کلان» **clan* یا «سیب» **sib* است که تشکیل آن با قاعدهٔ مربوط به خویشاوندی نسبی مادر بطنی تضمین شده و یا اعضاء آن دارای يك «اقامتگاه مادر مکان» **résidence matrilocale* هستند.

matrilinéaire**مادر بطنی، مادر تباری**

نوعی قاعده و دستور العمل «خویشاوندی نسبی» **filiation* است که به يك فرد اختیار می‌دهد تا عمده‌ترین عناصر پایگاه اجتماعی و به‌ویژه تعلقش را با مراجعه به تنها روابط دودمانی که از طریق زنان انتقال داده می‌شود، به‌دست آورد. همچنین، به يك گروه («طایفه»، «کلان» و غیره) — با توجه به گسترش آن —، در صورتی مادر بطن گفته می‌شود که تشکیل آن با کار برد این نوع قاعدهٔ خویشاوندی نسبی مشخص شده باشد.

Syn. :utérin.

(Angl. :matrilineal.)

matrilocale, résidence**اقامتگاه مادر مکان**

قاعده و دستور العملی است که بر طبق آن باید بعد از ازدواج، زن و شوهر جوان در قلمرو و زمین مربوط به «مادر زن» یا با گروه (خویشاوندی) اوزندگی کنند.

Mau – Mau**مئو – مئو**

این آیین مذهبی جدید، که در نزد کیلانگو Kilengu های کنیا توسعه یافته (**V. nativisme*) و وابسته به يك جنبش ملی پراهمیتی است، گاهی دست به اعمال تروریستی می‌زند.

(Angl. :idem.)

Mauss, Marcel**مُس، مارسل**

(د ۱۸۷۲ در Épinial به دنیا آمد و در ۱۹۵۰ در پاریس درگذشت).

مُس که خواهرزاده «دورکیم» *Durkheim* و ادامه دهنده راه او بود بعد از شکل‌گیری برای استاد فلسفه، به سرعت از فلسفه دانشگاهی کناره گرفت و به علم لغات، زبان‌شناسی و تاریخ ادیان رو آورد. از سال ۱۸۹۸ در گروه مربوط به تأسیس مجله «سال جامعه‌شناختی» (*Année sociologique*) وارد شد و در آنجا به صورت کارشناس مردم‌شناسی تجلی کرد. در سال ۱۹۰۱، از طرف مدرسه مطالعات عالی به عنوان استاد کرسی «تاریخ ادیان ملتهای غیرمتمدن» برگزیده شد و با وجود اینکه هرگز به تحقیقات محلی نپرداخت، مع‌هذا به حق به منزله بنیان‌گذار مردم‌شناسی فرانسه به حساب آمده است. مُس با ادخال یک مفهوم «کارکردگرا» *fonctionnaliste* و «ساخت‌گرا» *structuraliste* در مکتب جامعه‌شناختی، یعنی مکتبی که در آن «تطویرگرایی» فرمانروایی داشته است، به مردم‌شناسی پایه‌های استواری از نظر شناخت‌شناسی بخشید و همین مفهوم است که بعداً توسط «لوی-اشتروس» *Lévi-Strauss* به طرز درخشانی از سر گرفته شد و توسعه یافت.

آثار عمده مُس به شرح زیر است:

Esquisse d'une théorie générale de la magie (en collaboration avec H. Hubert), 1904; *Essai sur les variations saisonnières des sociétés esquimo*, 1906; *Essai sur le Don*, 1925 (republié avec d'autres essais dans *Sociologie et Anthropologie*, 1950); *Oeuvres complètes*, 3 vol, 1968 – 69.

McLennan, John Ferguson **مک‌لنن، جان فرگوسن**

(۱۸۲۷ – ۱۸۸۱).

حقوقدان اسکا‌تلندی که در توسعه حقوق مقایسه‌ای، یعنی رشته‌ای که باید پیشرفتهای مردم‌شناسی در حال تکوین را به طرز معتبری تقویت و تحریک بخشد، سهم به‌سزایی داشته است. وی به ویژه به تحقیق در باره «ماددسری

*matriarcat** و خویشاوندی نسبی «مادد بطنی» *matrilinéaire** و اشکال مختلف (ازدواج با بیوه برادر *lévirat**، «چند شوهری» *Polyandrie**، «چند زنی» *polygynie**) و «هرج و مرج در مسایل جنسی ابتدایی» *promiscuité primitive** پرداخته است. دیدگاه ملك‌لنان، همان دیدگاه «تطوّر و تکامل‌گرایی» است که در آن همه نژادهای انسانی از مرحله «توحش» به بعد مسیرهای موازی و مراحل همانندی را طی کرده‌اند. اکثر نظریات ملك‌لنان، که پیش از وقت، مورد انتقاد «مرگان» *Morgan** قرار گرفت، در مقابل با وقایع مردم‌نگاری، که عصری چندان پای‌بند آن نبود، مردود شناخته شدند.

آثار عمده ملك‌لنان به شرح زیر است:

Primitive marriage, 1865; *Studies in Ancient History*, 1876.

Mead, Margaret

مید، مارگارت

(۱۹۰۱-)

مارگارت مید از شناخته‌شده‌ترین مردم‌شناسان آمریکایی و شاگرد «بوآسی *Boas**» و «آد. بندیکت *R. Benedict*» بود. اکثر تحقیقات محلی این مردم‌شناس بین سالهای ۱۹۲۵ و ۱۹۳۹ انجام شده و منطقه مورد علاقه وی اقیانوسیه بوده است. مید در ۲۶ - ۱۹۲۵ در ساموآ *Samoa*^۱، در ۱۹۲۸ در جزایر امیروته *Amirauté*، در ۳۳ - ۱۹۳۱ نزد قبایل «آداپش *Arapesh**»، «موندوگومور» *Mundugumor** و «چامبولی» *Tchambuli** در گینه‌نو، در ۱۹۳۵ نزد سرخ‌پوستان آمریکایی، در ۳۸ - ۱۹۳۶ در بالی (اندونزی) و در ۱۹۳۹ نزد قبایل یاتمول *Iatmul* در گینه‌نو به تحقیقات محلی پرداخته است.

آثار عمده مید به شرح زیر است:

جزایر ساموآ (*îles Samoa*)، يك مجمع‌الجزایر آتشفشانی است که در پولینزی (در اقیانوسیه) واقع است و به ساموآی غربی و «ساموآی شرقی» تقسیم می‌شود. «جزایر ساموآ» در سال ۱۹۷۵ دارای ۱۷۳۷۹۵ تن جمعیت بوده است. (م).

Social organization of Manu' a, 1930 ; *Sex and temperament in three primitive Societies*, 1935; *Coming of Age in Samoa*, 1927; *New lives for old*, 1956.

mécanicisme

ماشین‌گرایی

ماشین‌گرایی يك مفهوم ایدئولوژيك و فلسفی و مبتنی بر طرح پدیده‌های زیستی و اجتماعی‌ست، به‌طوری‌که، این پدیده‌ها به‌منزلهٔ عناصر یا چرخ و دنده‌های يك ماشین به‌حساب آمده و بنابراین، از طریق روابط ساده و سختی به‌هم پیوسته‌اند. برخی از نظریه‌های ماده‌گرایا محیط‌شناختی‌که به‌نوبت از حسن‌نظر مردم‌شناسان بهره‌مند می‌شوند، از يك ماشین‌گرایی خشنی برخاسته‌اند.

(Angl. : *mechanicism*.)

medicine - man

ساحر، شفادهنده

V. *guérisseur*.

mésocéphale

مزوسفال (سرمتوسط)

V. *indice céphalique*.

mésologique, déterminisme

جبر‌گرایی بین‌منطقی

V. *écologie*.

منجی‌گرایی، پرستش مسیح (ع) messianisme

به جنبشی «نهادگرا» *nativiste* اطلاق می‌شود که نمونه‌های متعدد و متنوع آن در چندین منطقه استعمارزده جهان وجود دارد و اروپای غربی اغلب در مراحل بحرانی، هسته تجسمات و اعتقاداتی را شناخته است که در تحت این نام تجمع یافته و در حکم نوعی بازتفسیر محلی از مفهوم مسیحی مسیح موعود (*Messie*) است. همچنین اشکال چندگانه «آیین کادگو» **cargo - cult* که به نوبت در ملانزی گل کرده‌اند، در اکثر موارد جزه جنبشهای مسیح‌گرا به حساب می‌آیند.

Anderson (1936), Balandier (1953), cohn (1957). Mühlmann (1968), Métraux (1957), Worsley (1957).

روش مقایسه‌ای méthode comparative

V. cross - cultural method.

مترو، آلفرد Métraux, Alfred

(۱۹۰۲-۱۹۶۳).

مردم‌شناس فرانسوی سوییسی‌الصل که بعد از تحقیق در اقیانوس آرام (در جزیره پاک *île de Pâques*)، متخصص مطالعه سرح بوسان آمریکای جنوبی و مسایل فرهنگ پذیری در منطقه «کاداییب» **Caraïbe* شد. او، به‌ویژه به خاطر کارهایش در زمینه مردم‌شناسی دینی و اسطوره‌شناسی مشهور شده است.

آثار عمده مترو به شرح زیر است:

Ethnology of Easter Island, 1940; *L'île de Pâques*, 1951; *Le vaudou haïtien*, 1958; *Religions et magies indiennes d'Amérique du Sud* (collection posthume d'articles de revue), 1967.

میکلوشو - مک‌لی، نیکولاس

Miklucho - Maclay, Nicolas

(۱۸۴۶ - ۱۸۸۳).

اشراف زاده روسی که به‌خاطر انجام یکی از نخستین مسافرت‌های اکتشافی در گینه‌نو (۷۲-۱۸۷۱) که به‌درستی از منشی علمی برخوردار بود و نیز به‌خاطر اینکه از این مسافرت حاصلی پر بار به‌ارمغان آورده بود، مشهور شده است (نمونه‌های گیاه‌شناسی که توسط وی جمع‌آوری شده، هنوز پایه و اساس کارهای مربوط به گیاهان بومی گینه‌نو هستند). دلیل دیگر اشتهارش، که قطعیت آن کمتر نیست، کیفیت فوق‌العاده تماشای او با جمعیت‌های بومی است. و فرزندان فعلی این جمعیت‌ها، با تصویری که به‌وسیله جنبش‌های «نهادگرا» **nativiste* برانگیخته شده است، هنوز گاهی، در یک زمان، در انتظار رجعت وی و اجداد ملانزی هستند.

millénarisme

حکومت هزار ساله مسیح (ع)

جنبشی از نوع «نهادگرا» **nativiste*، که به وسیله باز تفسیری از مفهوم حکومت هزار ساله (Millenium) یا به‌وسیله کشف مستقلی از یک دانش کاملاً مشابه مشخص شده است. شمار بسیار بزرگی از این نوع جنبش که به‌صورت‌های مختلف در تمام مناطق جهان ظاهر شده و تابع نوعی تسلط استعماری هستند، در انتظار «سلطنت هزار ساله» مسیح (ع) به‌سر می‌برند. همانند انتظاری که برای نابودی معجزه‌آسای شکنجه‌های سیاسی و فرهنگی کشیده می‌شود، شکنجه‌هایی که توسط «سفیدپوستان» تحمیل شده است.

V. chiliastiques, mouvements.

Cohn, N.: *The Pursuit of the Millenium*, 1975;Thrupp, S. L.: *Millenial dreams in action*, 1962.

(Angl.: millenarism.)

millet**ارزن**

این واژه، بدون يك معنای واقعی در گیاه‌شناسی، برای غلات مختلف به کار برده می‌شود. بنا بر متون مختلف *millet* می‌تواند «ذرت هندی* *sorgho*» گادوس (*panicum*)، *pennisetum*، *éleusine*، *setaria* یا به طور ساده ذرت باشد.

Sauer. : (1952).

(Angl. : *millet*.)

miscégénéation**اختلاط دوزاد، ازدواج نژادها**

miscégénéation فرآیند اختلاط نژادهای متفاوت است.

Syn. : métissage.

(Angl. : *miscegenation*.)

moitié**نصفه، نیمه**

هنگامی که کل جامعه با قاعده خویشاوندی نسبی «يك خطی *unilinéaire**» به دو گروه مخالف هم تقسیم شود، به طوری که هر فرد به موجب خویشاوندی قراردادی، به ناچار در یکی از دو گروه قرار گیرد، در این صورت، معروف به جامعه‌ی ست که از طریق «نصفه‌ها *moitiés*» سازمان یافته است. معمولاً هر نصفه در ارتباط با تجمع چندین «فراتری* *phratry*» یا چندین «کلان* *clan*» یا «سبب* *sib*» است. جوامع نصفه می‌توانند، با تشکیل سازمان تعاونی و رقابت افراد و گروه‌ها در دو «اردوگاه» متقارن، کارکردی منحصرأ تشریفاتی داشته باشند و یا می‌توانند، با طبقه‌بندی همه افراد به صورت همسران احتمالی یا تحریم شده یکدیگر، دارای کارکردی ازدواجی باشند. در این حالت، اینگونه جوامع «پردن همسر* *exogame*» نامیده می‌شوند. وقتی که جوامع نصفه فاقد کارکرد ازدواجی (*matrimoniale*) هستند، در این صورت، به آنها «شبه نصفه *quasi - moitiés*» می‌گویند.

(Angl. : *moiety*.)

مکا

moka

این واژه بوم‌زاد که مربوط به گینه‌نوست، نشان دهنده نهادی است که مربوط به هیگلند^۱ Highlands بوده و می‌توان آن را با «ته» $T\hat{e}^*$ مقایسه کرد.

مکو

moko

این واژه پولینزی که اختصاص به نوعی آرایش جسمانی دارد، مطلقاً از خالکوبی متمایز است. یعنی، عمل نقاشی و دخول رنگدانه‌ها در زیر پوست به وسیله خراش یا نیش زدن صورت نمی‌گیرد، بلکه، شیارهایی در پوست ایجاد می‌کنند و سپس مواد رنگی از طریق مالش جذب می‌شود.
(Angl. :idem.)

پول (سکه) ابتدایی

monnaie primitive

مراد از *monnaie primitive*، اشیاء گرانبهایی است که به‌ویژه در معاملات برجسته و مهم رواج داشته و به منظور مال‌اندوزی فراوان به کار می‌رفته است. بررسی‌کنندگان، این اشیاء گرانبه را در جوامعی که مصرف می‌شده، به عنوان پولی معتبر شناخته‌اند. چنین وضعیتی، به‌ویژه، در مورد اشیایی که در میکرونزی (Micronésie) یافت شده و «فا» $f\hat{a}^*$ نامیده می‌شوند و نیز در مورد اشیاء مربوط به جزیره روسل (l'île Rossel) در ملانزی، که توصیف آرمسترانگ در مورد آنها به صورت توصیف کلاسیک درآمده، برقرار بوده است. در برابر این واقعیت، طرز برخورد مردم‌شناسان مبتنی است بر انکار هر گونه خصلت پولی از اشیاء مورد بحث و یا کشف همه خطوط و کارکردهایی که اقتصاددانان حرفه‌ای به پول جدید نسبت می‌دهند. در دو حالت فوق نهاد بوم‌زادی و نقشی که در زندگی اجتماعی ایفا می‌کند، منحصرأ با

۱ - «Highlands» یا مناطق کوهستانی شمال اسکاتلند، در زبان فرانسه به معنای زمینهای مرتفع (Hautes terres) آمده است. (م).

مراجعه به تنها يك مرحله از تاريخ پول غربی- که يك پدیده خاص محلی است و کاملاً در زمان محدود شده (= پول اروپایی در عصر آزادیخواهی) و به منزله سنگ محک کلی به کار رفته است - تحلیل و معین شده‌اند. فراموش کرده‌ایم که پول خاص و مورد استفاده ما، همیشه دارای خصایل (بی‌نامی، مبادله پذیری) و کارکردهایی که امروزه برای شناختن آن لازم است (پرداخت، مبادله، اندازه و ذخیره ارزشی) نبوده است، هرچند که عطف و ربطش چیزی مربوط به گذشته باشد. به این ترتیب، پول غربی در عصر جدید، دیگر کاملاً آزاد نیست؛ از طرفی تورم پایدار و کاهشهای رسمی ارزش پول، به طور متناوب، از اینکه پول غربی بتواند نقش ذخیره ارزشی را بازی کند جلوگیری می‌کنند. ولی، با اینهمه، پول غربی همواره به عنوان يك پول قانونی و اطمینان بخش به حساب آمده است. به همین ترتیب، پول یونان باستان، برای اینکه شایسته نام پول باشد، اینچنین از تکمیل شرایط طرح شده توسط اقتصاددانان دورمانده بود، مع ذلك امروزه به واسطه اینکه به آن مفهومی بی‌مورد و غیر معمول تعلق نگیرد بدینگونه به وسیله همه متخصصان مطرح شده است. در خارج از چهارچوب نهادی يك فرهنگ ویژه و يك عصر معین، نمی‌توان این مسئله را به يك پدیده اقتصادی قابل درکی مربوط دانست و تنها با مراجعه به این زمینه یگانه و خاص (*sui generis*) است که می‌توان از واحد پول (*monnaie*) سخن گفت. در اینجا، بار دیگر مسئله به لزوم جامعیت طرح اولیه، که مهلم از بهترین کارهای مردم‌شناختی است، برمی‌گردد. در بین صدها ترکیب نهادی که در خلال زمان و مکان به تحقق رسیده است، این مسئله مانع از آن نیست که «*tambu*» را، که واجد همه مختصات پول غربی به معنای سنتی (کلاسیک) آن است، در نزد Tolai‌های برتانی جدید (در کینه نوی استرالیا) بازشناسیم.

Armstrong (1928), Dalton, G. (1965), Einzig (1949), Polanyi (1968), Will (1954).

(Angl.: *primitive money*.)

دارای يك ریشه واصل، وحدت نژاد، يك ریشه‌ای monogénisme یا monogénie

پیش از ظهور نظریه‌های «تطور و تکامل گرایی»، «مونوژنیسم» *mono-génisme* عقیده‌ای بوده است که برطبق آن يك نوع منحصر به فرد انسانی را به نژادهای فرعی تقسیم کرده‌اند.

امروزه نظریه «مونوژنیسم» یا تک‌دودمانی (*monophylétique*) تأکید بر این دارد که همه انسانها از يك منشاء یا راسته (*phylum*) منحصر به فرد ناشی شده‌اند و تمایز آشکار بین نژادها جز به صورت تفاوت‌های ثانوی، که تحت تأثیر عوامل خارجی به دست آمده‌اند، حاصل نمی‌شود.

چند ریشه‌ای Ant. : polygénisme

ریشه واصل چندگانه plurigénisme

چند دودمانی polyphylétisme

(Angl. : *monogenesis*.)

دارای يك دودمان، وحدت دودمان، تک‌دودمانی monophylétisme

این واژه، امروزه مترادف واژه «*monogénisme*» است.

(Angl. : *monophyletism*.)

monoxyle

منوکزیل، زورق يك تکه

قایق كوچك بی بادبانی است که تنها از يك قطعه چوب ساخته شده است. زورق‌های منوکزیل معمولاً تنه درختان گود شده‌ای هستند که لبه‌هایشان را که قبلاً از هم دور شده‌اند، به وسیله چوب‌های عرضی حفاظت می‌کنند تا از تغییر شکل آنها جلوگیری شود.

(Angl. : *dugout canoe*.)

Morgan, Lewis H.

مُورگان، لوئیس، اچ.
(۱۸۱۸ - ۱۸۸۱).

برخلاف «مکلنن» *McLennan* و سایر نظریه‌سازان هم‌عصر خود، مُورگان این مرد نیویورکی که در آغاز به امر دادوستد می‌پرداخت، در محل تحقیق نیز به‌دیدار «وحشیان» و به‌ویژه به ملاقات سرخ‌پوستان «ایروکوآ *Iroquois*» شتافت. بنابراین، در جنب فرضیه‌هایش، که به شدت مورد اعتراض واقع شده، شمار معینی از وقایع پابرجا و پرقوام به چشم می‌خورد که باعث اشتباهاتی در بررسی‌های نظری معاصرینش شده است. نظریه‌های مُورگان برخاسته از مکتب «تطور و تکامل‌گرایی» قرن نوزدهم و به‌ویژه، وابسته به تشکیل دوباره تاریخ خانواده، ازدواج، مالکیت و دولت در خلال زمان و برای مجموعه بشریت است. او به توالی سه مرحله «توحش» *sauvagerie*، «پرویت» *barbarie* و «تمدن» که در پیشرفت بشریت ملحوظ شده‌اند، عمومیت بخشیده است. سرانجام، مُورگان همچنانکه روی مفروضات ساکنان اولیه استرالیا تکیه می‌کرد، در اقدامی که قابل مقایسه در سطح بزرگی‌ست، روی مفروضات (données) یونان باستان تأکید ورزید. در واقع، این‌ها دکس و انگلس بودند که با نوشته‌هایشان درباره جامعه کهن (*Ancient society*) مُورگان به شهرت وی کمک کردند و سپس مارکسیسم رسمی (officiel) در کل جهان و نهادهای دولتی (étatique) در U. R. S. S. از او به عنوان یکی از پدران و بنیان‌گذاران «علم جدید» نام بردند. شهرت مُورگان به عنوان مردم‌شناس، پیش از هر چیز متکی بر تک‌نگاری مشهور وی درباره قبایل ایروکوآست که یکی از بهترین تک‌نگاریها در عصر خود بوده است. مطالعات مُورگان در باره نظام‌های خویشاوندی که در آن نوعی باریک بینی فوق‌العاده و شهود پیامبرگونه‌ای از مسایل اساسی به نمایش گذاشته شده، بعدها رشته علمی غربیان را به تصرف درآورده است.

آثار عمده مُورگان به شرح زیر است:

The league of the Iroquois, 1851; *Systems of consanguinity and affinity of the human family*, 1870; *Ancient society*, 1877 (trad. franç. 1971).

مُسی

Mossi

مُسی قومی ست از آفریقای سیاه که قسمت اعظم ناحیه جنوبی ولتای-علیا را در نزدیکی مرز شمالی غنا اشغال کرده است. این قوم از زمانهای دور به صورت يك کشور پادشاهی سازمان یافته و به چندین «دولت» تقسیم شده است. مُسی‌ها که در سال ۱۹۶۰ تقریباً دو میلیون تن بوده‌اند، اساساً کشاورزند و به کشت «اڊڙن» *millet* و «ڊڊت هندی» *sorgho* اشتغال دارند.

Ilbondo P.: *Croyances et Pratiques Religieuses des Mossi*, 1966. Izard M.: *Problèmes de Chronologie des Royaumes Mossi*, 1961. Marc L.: *Le Pays Mossi*, 1909. Skinner E. P.: *The Mossi of the Upper volta. The political development of a Sudanese People* 1964.

سازندگان خاکریزها (تپه‌ها)

mound-builders

اصطلاح انگلیسی *mound-builders*، مبین يك فرهنگ قدیمی آمریکای شمالی ست که در تمام شرق ایالات متحده (از فلوریدا تا ویسکونسین) گسترش یافته و نقطه اوج آن به قرن دوازدهم می‌رسد. این فرهنگ به وسیله شهرهای کوچکی که برج و باروهای از چوب یا سنگ آنها را احاطه می‌کردند مشخص می‌شد. در مرکز این شهرها، معابد یا بناهایی جهت تشییع جنازه برپا شده بود که بر پایه‌هایی به شکل مخروط یا هرم تراش خورده (*mound*) قرار داشت. این بناها، تحت يك شکل بسیار ابتدایی، تجسمی از معماری تمدنهای شگرف مکزیکي هستند. بارسیدن فاتحان سفیدپوست، تنها سرخ‌پوستان Natchez حافظ این فرهنگ بوده‌اند.

مولر، ماکس

Muller, Max

(۱۸۲۳ - ۱۹۰۰).

شرق‌شناس و متخصص لغت‌شناسی مقایسه‌ای که در سال ۱۸۴۰ از آلمان به انگلستان مهاجرت کرد و همه کارهایش را در این کشور انجام داد. وی

صاحب‌پستهای مختلفی در آکسفورد بود و در آنجا با تجدید مطالعات مربوط به اسطوره‌شناسی مقایسه‌ای و تاریخ ادیان به معروفیت بزرگی دست یافت. پژوهشگران به مطالعه کتابهایش در این دوزمین ادامه می‌دهند، هرچند که متخصصان با ذکر شواهدی آنچه‌را که در این قلمروها موجب شده است تا مؤلف شور و شوق زایدالوصفی برای «مضمون خورشیدی»، همانند اساس تبیین همگانی، به‌کارگیرد، به‌علت فقدان دقت نظر در آن، رد کرده و در این امر به توافق و سازش نیز رسیده‌اند.

آثار عمده مولر به شرح زیر است:

Introduction to the Science of Religion, 1873;
Sacred books of the East.

از سال ۱۸۷۵، زیر نظر هاکس مولر، ۵۰ جلد کتاب منتشر شده است.

خانواده چندگانه، خانواده متعدد multiple, famille

V. joint family.

Mundugumor

موندوگومور

قبیله‌یی ست مرکب از چندین هزار تن که در کناره‌های رودخانه Yuat مصب شط Sepik (در گینه‌نوی استرالیا) زندگی می‌کنند. این قبیله به‌وسیله تحقیقات «مارگارت مید *Margaret Mead» به‌اشتهار رسیده است. موندوگومورها هم‌نوع‌خوار (cannibale)، شکارچیان جمجمه انسان و به‌شدت فردگرا بوده و برای غلبه بر همجنسان خود حریص هستند. موندوگومورها در کتاب «مسایل جنسی و سرشت انسان در سه جامعه ابتدایی» نوشته مارگارت مید، به‌منزله نقطه مقابل «آراپش *Arapesh» ها، قبیله‌ای صلح‌جو که در همان منطقه سکونت دارند، معرفی شده‌اند.

Munsell, échelle de**مقیاس مونسل**

(اسم خاص ثبت شده).

فهرستی است که مجموعه‌های به‌هنجار شده‌ای از رنگها را، در متنوع‌ترین توفیرهای جزیشان - که اساساً برای کاربردهای صنعتی اختصاص یافته‌اند - و نیز در بعضی از انواع پژوهشها (مثلاً در پژوهشهای مربوط به خاک‌شناسی و زمین‌شناسی) عرضه می‌کند. توسعه جدید مطالعات «مردم‌شناسی علوم *ethno - science»، توسل به یک معیار بین‌المللی شناخته شده‌ای را برای تعیین رنگهایی که مشاهده و تعیین‌هویت شده‌اند در تحقیقات محلی لازم‌شمرده است. مقیاس مونسل با وجود عیوب مسلم آن (نظیر طبقه‌بندی رنگهای طبیعی که عموماً به‌عنوان مرجع، تنها رنگهای بوم‌زاد شناخته شده در بین رنگهای صنعتی هستند)، مورد پذیرش مردم‌شناسان متخصصی (مانند Kay، Berlin، Bulmer و غیره) قرار می‌گیرد که در این نوع تحقیق دست دارند. (Angl.: Munsell scale.)

Murdock, George Peter**مورداک، ژرژ پیترو**

این مردم‌شناس آمریکایی، در سال ۱۸۹۷ به دنیا آمد و صرفاً به این دلیل که به مطالعات مقایسه‌ای گسترشی فوق‌العاده و درخششی بین‌المللی عطا کرد، به‌اشتهار رسید، مطالعاتی که بی‌تردید بر اساس مفروضات کمی استوار است. مورداک نظام «فهرستهای حوزه دوا بط انسانسی *H. R. A. F.» را، که به‌وسیله آن تقریباً چندصد جامعه مورد تحلیل قرار گرفته‌اند، بنا نهاده است. این فهرست اجازه می‌دهد تا یک راه علاج آماری گشوده شود، وضعیتی که مورداک را سزاوار انتقادات زنده‌ای از طرف مردم‌شناسان وابسته به مطالعات تک‌نگاری عمیق و نظریه‌سازان طالب محرابهای مختلف ساختاری کرده است. مورداک، بعداً همکاری با «کالر Keller» و «سپیر *Sapir» در ییل (Yale)، دانشگاه پیتسبورگ (Pittsburgh) را مرکز فعالیت‌های خود قرار داد. در آنجا مجله بین‌المللی مردم‌شناسی را بنا نهاد و در آن انتشار منظم اطلس مردم‌نگاری را به‌عهده گرفت.

آثار عمده مورداک به شرح زیر است:

Studies in the science of society, 1935; *Social structure*, 1949 (trad. franç. *De la structure sociale*, 1972).

Murngin

مورنژین

قبیله‌یی ست ساکن در سرزمین آرنهم^۱ (Terre d' Arnhem) واقع در شمال استرالیا. این قبیله درحالی که برای «ال. وارنر» L. Warner به صورت موضوع یک مطالعه کلاسیک درآمد، در ضمن توسط «لوی - اشتروس Lévi - Strauss» نیز در کتاب «ساختارهای بنیانی خویشاوندی» *Structures élémentaires de la parenté* مجدداً مورد مطالعه و بحث قرار گرفت. مودنژین‌ها ازدواج با دختردایی عرضی مادر جانبی (cousine croisée matrilatérale) را تجویز کرده و برای ازدواج با دختردایی عرضی پدر جانبی (cousine croisée patrilatérale) ممنوعیت قایل می‌شوند. سازمان اجتماعی آنها مانند نظام «کادیرا» *kariera شامل چهار طبقه و مانند نظام «آداندا» *aranda دارای هشت بخش فرعی (sous - sections) بوده و فاقد سایر مختصات عملی این دو نظام است. این سازمان اجتماعی در آغاز و به هنگام موجودیت نظام مودنژین و پیش از آنکه تجسمی از یک نظام یگانه (sui generis) باشد، به منزله سازمانی گمراه و منحرف به حساب آمده است.

Lévi - Strauss, C. (1949), Warner, L. (1930, 1937).

۱ - «Terre d'Arnhem»، تقریباً جزیره شمالی «استرالیا» ست که در دریای Timor، دریای «Arafura» و خلیج «Carpentarie» غوطه ور است و از طریق ساحل به سرزمین شمالی تعلق دارد. «مودنژین» ها، یا ساکنان اولیه این جزیره بیش از چند هزار تن نیستند. (م).

mutilation

قطع (تغییر) عضو

علمی‌ست که هدفش تبدیل، تغییر شکل یا حذف بعضی از قسمتهای بدن به دلایل تشریفاتی یا زیباشناختی‌ست. در *mutilation* گوناگونی بسیار زیاد است، نظیر: خرابی شکل جمجمه، گردن و اعضا؛ قطع و تغییر اعضاء جلدی (*V. tatouage* moko*)؛ ایجاد سوراخ در بینی، در لب (*V. labret*) و در گوش؛ قطع و تغییر اعضاء مربوط به دندان و دستگاه تناسلی («ختنه مردان *circumcision*»)، «قطع بخشی از آلت تناسلی - *exci-sion**»، «ایجاد مانع برای آمیزش جنسی *infibulation**»، «ختنه زنان *clitoridectomy**»). دلایل این کاربندیها نیز مختلف بوده و عبارتند از: «مناسک گذر *rites de passage**»، آزمونهای مساعد و استمالی، نقش قبیله‌ای، علامت مشخصه یک مرتبه اجتماعی یا تعلق به یک کاست و غیره.

Hartweg (1959), Bettelheim (1954).

(Angl. :idem.)

mythème

اسطوره‌دار

این واژه توسط لسوی - اشتروس در کتاب انسان‌شناسی ساختاری (*Anthropologie structurale*, P.233)، برای تعیین واحدهای تشکیل‌دهنده یک اسطوره، از روی نمونه کوچکتزین واحد زبانی («ریخت‌دار *morphèmes*»، «صدادار *phonèmes*») ساخته شده است. این واحدها، عناصر بنیانی اندام یک جمله بوده و به وسیله تحلیل ساختاری نمایانده شده‌اند. اغلب تشریح بی‌شبهه اسطوره‌های یک روایت معین که مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌گیرند، دلچسب به نظر می‌رسد.

۱ - «*morphème*» از دو واژه یونانی *morphê* (ریخت، شکل) و *phônê* (صوت، صدا) تشکیل شده و به یک عنصر معنی‌دار جنبه دستوری معینی می‌دهد. در زبان انگلیسی، «*morphème*» واجد کوچکتزین شکلی‌ست که صاحب معنی بوده و به طور مستقل یا وابسته به شکل دیگری ظاهر می‌شود. «*morphème*» دارای «*phonème*»‌هایی‌ست که یک واژه را تشکیل می‌دهند. (م).

mythologie

اسطوره‌شناسی، اساطیر

به مجموعه‌ای از اسطوره‌های خاص يك ملت يا يك فرهنگ معين اساطیر گفته می‌شود. از «فریزر» *Frazer* تا «لوی - اشتروس» *Lévi-Strauss*، طرز تلقی مردم‌شناسان در برابر اساطیر به طرز شگرفی گوناگون بوده است. برای مؤلفانی که تحت تأثیر نظریه‌های قطود و تکامل‌گرایی قرار گرفته‌اند، اسطوره‌ها به منزله شاهد و دلیل يك پژوهش و کوششی از تبیین جهان بوده‌اند که در سطح يك تحلیل، درهم و آشفته باقی مانده و به تدریج به واسطه تفکر غیر عقلایی و خشن «ابتدایی»‌ها فراهم شده‌اند. برعکس، برای «مالینوسکی» *Malinowski* و مکتب کادکردگرایی: نقش و عملکرد اسطوره تشریح‌نشده است، اما به استخراج و القاء باورهای می‌پردازد که اساساً مقصود و منظور - شان جاودانی کردن نظم اجتماعی موجود است. با این مفهوم مصلحت‌گرا، دریافت مکتب فرانسوی، که به وسیله «گریول» *Griaule* به اشتهار رسیده، به مخالفت برمی‌خیزد. گریول در اساطیر يك ملت نظام منسجمی می‌بیند که اکثر جنبه‌های زندگی اجتماعی آن اندیشه شده و به تحقق رسیده‌اند. به اعتقاد وی، جامعه خواهد کوشید تا بر مبنای اساطیر به دنیای عینی و ملموس خود سازمان دهد. از نظر گریول، ساخت‌گرایی در آغاز، اسطوره‌شناسی را به منزله نظام مستقلی به حساب آورده است که، پیش از آنکه برای آن يك عملکرد اجتماعی تعیین کند یا آن را در معرض احکام ارزشی قرار دهد، می‌بایست به جستجوی مالکیت‌های ذاتی آن بپردازد. به این ترتیب، لوی - اشتروس نشان داده است که اساطیر هر فرهنگی منطقاً به شمار معینی از مقوله‌های قضاوت‌پذیر و به تعدادی از اعمال صریح که در اختیار تحلیل‌گر است مربوط می‌شود و بنابراین، يك فرآیند فکری را که در جمع بشریت مشترك است، به کار می‌گیرد.

V. Littérature orale.

Dumézil (1968, 1971), Frazer (1890), Griaule (1948), Griaule et Dieterlen (1965), Leach (1967), Lévi - Strauss (1958, 1971), Sebag (1971), Tylor (1871), Vernant (1965).

N

Nadel, S. F.

نادل، اس. اف.

(۱۱۰۳ - ۱۹۵۴).

انسان‌شناس اطریشی الاصل انگلیسی که پیش از گرایش به سمت مطالعه زبانهای آفریقایی در برلن (۱۹۳۵)، موسیقی‌دان بوده است. او از سال ۱۹۳۲ در سمینارهای مالینوسکی و سلیگمن در «مدرسه اقتصادی لندن» شرکت می‌کرد و از ۱۹۳۳ تا ۱۹۳۵ بررسی بزرگ خود را نزد قبایل نوپ (Nupe) در نیجریه، که بعدها معروفیتش را تضمین کردند، انجام داد. در ۱۹۳۸، به هدیریت انسان‌شناسی سودان انگلیس و مصر منصوب گردید و در فردای جنگ جهانی در «Canberra»، استاد انسان‌شناسی «دانشگاه ملی استرالیا» شد.

آثار عمده نادل به شرح زیر است:

A black Byzantium, 1942 (trad. franç. 1971); *The Nuba*, 1947; *The foundations of social anthropology*, 1951, *The theory of social structure*, 1957 (trad. franç. 1970).

Nambikwara یا Nambicuara

نامبی کوآرا

قبیله سرخ‌پوستی برزیل که در کناره‌های «Guaporé» و مصب «Tapajoz» و «Madeira» زندگی می‌کنند. لوی - اشتروس، با تحقیقات مردم‌نگاری که وقف این قبیله کرده و بعلاوه با یادآوری و تجسم شاعرانه

روزهائی که در آن به سر برده، باعث اشتهارش شده است. ناهمی کوآداها به صورت گروههای کوچک چادر نشین زندگی می کنند و به گردآوری خوراک و شکار می پردازند، اما، از باغبانی اطلاعی ندارند.

Lévi - strauss, C., *La vie familiale et sociale des Indiens Nambikwara*, 1948; *Tristes Tropiques*, 1955; *Anthropologie structurale*, 1958.

Nankanse ou Nankana

نانکانسی یا نانکانا

ملتی در آفریقای سیاه که سازمان اجتماعی آن در ۱۹۴۹ الگوی کار مودداک قرار گرفت تا یکی از انواع طبقه بندیهای خود را بنانهد. در تعریفی که مودداک به دست می دهد؛ این قوم به وسیله اسلوبی از خویشاوندی مادر تباری یا نسب دو گانه و با واژگانی از نوع «هادایی» *hawaiien یا «اسکیمو eskimo» برای دختر داییهها (cousines) مشخص شده است و این عموماً شکلی موقت یا جنبینی است که بین اشکال پایدار تر سازمان دو جانبه (bilatérale) و اشکال آزمون شده سازمان مادر تباری (matrilinéaire) وجود دارد. تعداد کمی از جوامع شناخته شده با این سازمان اجتماعی مطابقت دارند، سازمانی که لاقول در یک چشم انداز تکوینی از آن جوامع بهره شگرفی برده است.

Murdock, G. P.: *Social structure*, 1949 (trad. franç. 1972); Rattray, R. S.: *The tribes of the As-hanti Hinterland*, 1932.

nassa calosa

ناسا کالوزا

ناسا کالوزا صدف دریا های گرمسیر است که بعد از جمع آوری رویش کار می کنند تا به صورت شیئی درآید که دارای برخی از عملکردهای «پول monnaie» است. این صدف، تحت نام «تامبو» tambu، پراهمیت ترین نقش را در زندگی اجتماعی، تشریفاتی و اقتصادی ملانزیهای شبه جزیره «Gazelle» و به ویژه ساکنان «Tolai» (قلمرو استرالیایی گینه نو) بازی می کند. ورود پول اروپایی و توسعه اقتصاد جدید، هنوز این نقش را به طور کامل از اوسلب

نکرده است.

Epstein, T. S. : *Capitalism, primitive and modern: some aspects of Tolai economic growth*, 1968; Salisbury, R. : *Vunamami*, 1970.

نهادگرایی

nativisme^۱

واژه‌ی ست که توسط «لینتون**Linton*» عمومیت یافته و مراد از آن تعیین جنبشهای خلق شده از طریق اعضاء يك جامعه است که بحران سختی را پشت سر گذاشته و با «بازگشت به سرچشمه‌های اصلی» در جستجوی زندگی بهتری هستند، یعنی آنچه که آنان را در آغاز به حذف اشخاص، اشیاء و عرف و عادات بامشاه بیگانه، از فرهنگشان برمی‌انگیزاند. جنبشهای نهادگرا، که توسط مردم شناسی مطالعه شده، تقریباً همیشه از برخورد‌های خشن یا ناسازگار بین جامعه غربی فاتح و جوامع سنتی اسیر حاصل شده‌اند. این جنبشها عموماً به وسیله ظهور پیامبران مشخص شده و از طریق مریدانی چند، در جستجوی قاعده و رسم جدیدی از رفتار و سلوک، ادامه یافته است.

V. cargo – cult, Ghost dance, Kimbanguisme, syn-crétisme.

Syn. : cultes de crise.

La Barre (1971), Lanternari (1962), Muhlm-ann (1961 et 1968).

۱- «nativisme»، که از واژه «nativité» به معنای «عید میلاد مسیح» گرفته شده به نهضت طرفداران مسیحیت اطلاق می‌شود. آقای «دکتر جلال ستادی» مترجم فاضل کتاب «چشم‌اندازهای اسطوره» در این زمینه می‌نویسد: «nativiste» یعنی واکنش سکنه محلی و قبایل بومی در قبال مهاجرین و اشغالگران غربی و فرهنگی که آنان تحمیل می‌کنند و حاکم می‌گردانند. این نهضت خواستار استقرار مجدد فرهنگ محلی و ملی یا بومی و حذف عناصر وارداتی‌اند و معمولاً رنگ آیینی و منجی‌گرایانه (مسیحایی) دارند. به نقل از: «چشم‌اندازهای اسطوره» نوشته: «میرچا الیاده»، ترجمه: «دکتر جلال ستادی»، ص ۷۷. زیر نویس ۴۸. (م).

(*Angl. : nativistic movements*, یا بسیار به ندرت *revivalistic movements*.)

naturisme^۱

طبیعت پرستی، ناتوریسم

نظریه‌ی بی‌ست برخاسته از تاریخ احتمالی و مختص اوایل قرن نوزدهم که مصرأ خواستار این امر بوده که مذهب اصل و منشاء خود را در يك آیین ابتدایی که به اشیاء طبیعی (نظیر: خورشید: تخته سنگها، پدیده‌های آسمانی و هوا- شناختی) برگردانده شده، به دست آورده است.

«هاکس مولر *Max Muller** یکی از معتبرترین نمایندگان نظریه ناتوریسم، به بیان شکلی از اختلافات دقیق و تلطیف شده آن پرداخته است.

(*Angl. : naturism*.)

Navaho, ou Navajo

ناواهو یا ناواخو

ناواهو، پویاترین و متعددترین جماعت سرخ پوست ایالات متحده است که در ۱۶۸۰ به ۸۰۰۰ تن تخمین زده شده‌اند. این تعداد در ۱۹۵۰ بالغ بر ۴۵۰۰۰ تن و در ۱۹۷۰ به بیش از ۱۰۰۰۰۰ تن رسیده است. ناواهوها به زبان گروه «آتاپاسکان *athapaskan**»، که در گذشته زبان «آپاچی»ها بوده، تکلم می‌کنند. از چهار قرن پیش، شیوه زندگی یکجانشینی (*sédentaire*) را با کشاورزی تقریباً ابتدایی که از قبایل چوپلو اخذ کرده‌اند پذیرفته و به کارآمداری اشتغال دارند. سازمان اجتماعی آنان به صورت اقامتگاه «مادر- مکان *matrilocale**» و کلانهای «مادر تباری *matrilinéaire**» مشخص شده است.

Reichard, G. A. : «Social life of the Navajo Indians», in *Columbia University Contributions to*

۱- «*naturisme*»، آیینی است که بر طبق آن پرستش نیروهای طبیعت منشاء مذهبی دارد. (م).

Anthropology, vol. 7, pp. 1-239, 1928. Kluckhohn, C. et Leighton, D. C.: *The Navajo*, 1946.

Nayar

نایر

قومی ست که به صورت يك كاست نظامی سازمان یافته و در ساحل مالابار (Malabar) ساکن است. نایرها در ادبیات مردم‌شناختی به خاطر قاعده و رسمی که مربوط به اقامتگاه آنان است مشهور شده‌اند، قاعده‌ای که بر وظایف و تکالیف نظامی مردان و خدمتکار شدن زنان در نزد برهمنها استوار است. بنا بر چنین قاعده و رسمی، هر يك از دوزوج باید بعد از ازدواج در همان منازل مادری خود سکونت گزیند. دلیل دیگر اشتهاشان، عرف و عادتی ست که به زنانی که قبل از بلوغ نامزد شده یا ازدواج کرده‌اند - با موافقت و تصویب کل جامعه - اجازه می‌دهد تا تعداد زیادی فاسق داشته باشند و این همان چیزی ست که برخی از نظریه‌سازان را تا آنجا هدایت کرده که در این کار بندی به مشاهده مثال روشنی از «چند شوهری» * *polyandrie*، تفسیری که امروزه مورد پذیرش نیست، پیدا کنند. سازمان اجتماعی نایر با موجودیت «کلانهای مادرتباری مکان یافته» مشخص شده است.

Panikkar, K. M.: «Some aspects of Nayar life», in *Journal of the Royal Anthropological Institute*, vol. 48, PP. 254-293, 1918 ; Radcliffe - Brown, A. R.: *Structure and function in Primitive society*, chapitre 2, 1952.

nécromancie

احضار مردگان (ارواح)

به نوعی کار بندی (pratique) مربوط به غیب‌گویی اطلاق می‌شود که که مبتنی بر پرسش از مردگان است که به منزله بحر العلوم به حساب می‌آیند تا از آنان الهاماتی از هر نوع، به ویژه درباره آینده، گرفته شود.
(Angl. : *necromancy*.)

nécrophagie**مرده‌خواری، مردارخواری**V. *cannibalisme*.(Angl. : *burial cannibalism*.)**négrilles^۱****نگری‌ها، تیره‌پوستان**

این واژه مختص «پیگمه* *pygmée*» های آفریقایی است که به صورت شکارچیان کوچنده در جنگل استوا به سر می‌برند. نگری‌ها را می‌توان در منطقه‌ای یافت که بین خلیج گینه و دریاچه‌های بزرگ (Grands Lacs) گسترده شده و بین کشورهای گابن، کامرون، کنگو و زئیر قرار دارد. نگری‌ها شامل چندین قوم مشخص هستند که عبارتند از: «بامبوسی *Bambutis*» ها در زئیر که بالغ بر ۲۵۰۰۰ تن بوده و «با - بینگا *Ba - Binga*» ها در گابن و «با - توآ *Ba - Tua*» ها در انحنای کنگو که ۵۰۰۰۰ تن ارزیابی شده‌اند.

(Angl. : *negrillo*.)**Négritos****نگریتوها**

نامی که غالباً به «پیگمه* *pygmée*» های ساکن در آسیای جنوب شرقی و اقیانوسیه داده شده است.

(Angl. : *idem*.)

۱- لازم به تذکر است که «نگری» ها را نباید با «نگر» ها (*négres*) اشتباه کرد. زیرا نگرها همان سیاه‌پوستان هستند که اصطلاحاً به آنها «*noirs*» می‌گویند و پوستشان به رنگ قهوه‌ای تیره است، در صورتی که «نگری» ها افرادی هستند با پوست بسیار تیره، مانند: پیگمه‌ها. (م).

néo - évolutionnisme**تطور و تکامل گرایی نو**

V. évolutionnisme.

néo - locale, résidence**اقامتگاه نو - مکان**

قاعده و دستورالعملی است که بر طبق آن عروس و داماد اقامتگاه خود را مستقل از اقامتگاهی که والدین هر یک از همسر ها برگزیده‌اند بنامی کنند و این همان چیزی است که بیشتر اوقات در جامعه ویژه‌ما، در آنجا که لاقل بحران مسکن ترتیبات دیگری را تحمیل نمی‌کند، مشاهده می‌شود.
(Angl. : *neolocal residence*.)

néo - mélanésien**ملانزی نو، نئو - ملانزی**

این واژه که تازه انتخاب شده و تمایل به گسترش هر چه بیشتر دارد، به جای اصطلاح **pidgin - english* ساخته شده است و به خاطرات نفرت بارترین مرحله تسلط استعماری در گینه‌نو و جزایر همسایه مربوط می‌شود.

(Angl. : *neo - melanesian*.)**مکان محیط شناختی، مقام اکولوژیک****niche écologique**

نقشی است که به وسیله یک ارگانیسم در یک «اکوسیستم» *écosystème* بازی شده است. به این ترتیب، مثلاً گاوماده، گاو وحشی و کنگورو، هر چند که از نظر رده‌بندی متفاوتند، ولی، می‌توانند در برخی از اکوسیستم‌ها در یک مکان (*niche*) قرار گیرند.

(Angl. : *ecological niche*.)

Nilotes**ساکنان دره نیل، نیلوتها**

نیلوتها به جمعیت‌های سیاه‌پوستی اطلاق می‌شود که در دره‌های «نیل آبی میانه» و «نیل سفید» روزگار می‌گذرانند و شناخته شده‌ترین آنها دینکاها Dinka، نوئرها Nuer و شیلوکها shilluk هستند.
(Angl. : Nilotes.)

nilotique, position**وضعیت نیلوتیکی**

به‌شیوه‌ی راست و بی‌حرکت ایستادن روی یک ساق‌پا اطلاق می‌شود، در حالی که ساق‌پای دیگر، که خم شده و تقریباً در یک وضعیت افقی با پا قرار می‌گیرد، تکیه برزانوی همان ساق‌پایی دارد که وزن بدن را حمل می‌کند. از آنجا که این وضعیت به‌ویژه در نزد «نیلوتها یا ساکنان دره نیل * Nilotes» ملاحظه شده است، به آن «وضعیت نیلوتیکی» می‌گویند.
(All. et Angl. : Nilotenstellung.)

Nimuendaju, Curt**نیموانداجو، کورت**

(۱۸۸۳-۱۹۴۵).

این پژوهشگر آلمانی که نام حقیقی‌اش «Unkel» بود، تمام زندگی‌اش در نزد سرخ‌پوستان گذشت. او یکی از مردم‌شناسان نادری است که مرگش در محل تحقیق (در آمازون) اتفاق افتاده است. شناخت مردم نگاری اکثر قبایل آمازونی را باید فر او ان‌مدیون او بود. نیموانداجو که به «بنگاه حمایت از سرخ-پوستان» و سپس به‌موزه‌های متفاوت مردم‌نگاری و سرانجام به‌مؤسسه «کارنژی» (Carnegie) و دانشگاه کالیفرنیا وابسته بود، به‌ویژه نزد سرخ‌پوستان: Parintintin, Opayé, Kaingang, Guarani, Canella, Apinayé, Sherenté, Urubu و Tukuna, Timbira, Tembê به تحقیقات محلی پرداخته است. اکثر آثار و نوشته‌های او مقالاتی است که در مجله‌ها به‌صورت پراکنده نشر یافته‌اند. با اینهمه، دو کتاب مهم نیز از وی باقی‌مانده است:

The Apinayé, 1939; The Eastern Timbira, 1946.

نیوپو

Niopo

V. yopo.

سطح، مرتبه

niveau

برای تحلیل اکثر پدیده‌های اجتماعی باید از کلیتی پیروی کرد که هر پدیده، در رابطه باضبط و سپس قرائت یا کشف رمز- که از دیدگاه خاصی انجام شده‌اند - تشکیل می‌دهد. با ضرب این پدیده‌ها در یکدیگر از این طرز فکر نیز که بررسی پدیده و تحلیل بعدی آن درد پراهمیتی برجای نمی‌گذارند، جلوگیری می‌شود؛ این دیدگاه‌های مختلف که پیوسته مورد استفاده قرار گرفته‌اند، به همان اندازه، سطوحی از واقعیت‌های مطالعه شده مانند: سطح اقتصادی، سطح فنی، سطح مرامی و غیره را تشکیل می‌دهند. این سطوح که در آغاز به غیر از روش شناختی موجودیت دیگری ندارند می‌توانند با پذیرش یک پایگاه هستی‌شناختی (ontologique)، در نزد برخی از مؤلفان و تقریباً به خاطر عدم آگاهی و بیخبری آنان، به پایان برسند، و نیز می‌توانند با قبول دیدگاهی که به این ترتیب به صورت جزء یکپارچه‌ای از یک واقعیت تحلیل شده درآمده است و به همان دلیل فوق، خاتمه یابند و سطح به دست آمده گاه حضورش چنان فشارآور و مقاومت ناپذیر است که مفهوم جامعیت، کم و بیش از آن زیان می‌بیند. با همه دقت، توسل به یک سطح مربوط به قرائت یا تفسیر، فقط مفهوم جزئی یک پدیده را به دست می‌دهد. به عنوان مثال، توسل در سطح اقتصادی چیزی جز مفهوم اقتصادی یا جنبه اقتصادی یک نهاد مرکب مانند «کولا» (*Kula) نیست. بنابراین، همیشه لازم است که از شناخت مستقل همه این عناصر جزئی، که در «سطوح مختلف» قابل درک‌اند، پشی گرفت و آنها را در مجموعه‌ای از روابط متقابل، که باعث پیوندشان نسبت به یکدیگر است، جاداد. تنها توجه به «واقعۀ اجتماعی تام **fait social total*» است که پدیده مورد مطالعه را واجد معنا می‌کند. کتاب «*La Geste d'Asdiwal*» (۱۹۵۸)، نوشته «لوی - اشتروسی»، مثال بارزیست از کاربرد چند گانه سطوح برای انجام یک قرائت سرشار از یک اسطوره در چند روایت.

V. infrastructure, superstructure.

(Angl. :level.)

nivrée, pêche à la

ماهیگیری به کمک زهر

نوعی فن‌ماهیگیری است که در جوامع بیشماری به کار بسته شده است. مثلاً در آمریکای جنوبی این روش مبتنی بر ریختن ریشه‌های زهر آلود (عموماً *Robinia nicom*) در آب است که باعث خفگی ماهی شده و آن را به سطح آب می‌آورد و در نتیجه طعمه به سادگی شکار می‌شود. گیاهی که به این منظور به کار می‌رود، به زبان اسپانیایی در آمریکای لاتین، بادباسکو *barbasco* یا تیمبو *timbo* نامیده می‌شود. در آفریقا نیز فنون مشابه آن مورد استفاده بوده است، مثلاً در آنجانوئی سبزی به نام *Trepshrosia* به کار می‌رود. در آسیای جنوبی این کار به کمک یک نوع گل صلیبی (*Lepidium*) و یک فریون (*Phyllantus*) صورت می‌گیرد و در اقیانوسیه به ویژه از «*Derris*» استفاده شده است. جوامع سنتی حوضه مدیترانه نیز با این شیوه صید آشنا هستند.

(Angl. :poison fishing.)

تبوی نامها (یا تبوی اسماء خاص)

nomination, tabou de (ou tabou onomastique)

قاعده و رسمی است که در شمار بزرگی از جوامع وجود دارد و به خاطر دلایل مذهبی یا به اقتضای تشریفات، تلفظ بعضی از واژگان رایج را به دلیل همنامی با اسامی انحصاری ربوبیتها یا سلاطین ممنوع می‌داند. گاهی حتی، برای اینکه کاربرد واژه مورد نظر ممنوع شود، کافی است که یک قافیه ناقص بتواند موجبات تداعی اندیشه‌های کفرآمیز را فراهم کند. به این ترتیب در فرآیند نام‌بری (nomination) موجودات یا اشیاء مانعی ایجاد می‌شود و در آن لحظه زبان، وسایل و چاره‌ای برای کمک به سخنگویان فراهم می‌نماید و در نتیجه انسان را در ساختن کلمات یا عبارات جدید معاونت می‌کند. از مدت‌ها پیش این جنبش دوگانه «پس‌زدن» و «آفرینش» توجه زبان‌شناسان و مردم‌شناسان را بخود جلب کرده است، به طوری که آن را موضوع پژوهشهای عمیق

و غالباً بسیار پربار خود قرار داده‌اند. چنین پژوهشی به وسیله «سوسور» *Saussure* شروع شده و نیز دست نوشته‌های چاپ نشده‌ای که به تازگی توسط «لوی - اشتروس» *Lévi - Strauss* مورد تحلیل قرار گرفته مبین این امر است و آن را ثابت و مدلل می‌کند. یک رسم قدیمی پولینزی به نام *pi'i* مثال بارزی از این پدیده است.

(Angl.: *taboo on names*.)

non - unilinear descent

نسب غیریک خطی

این اصطلاح انگلیسی و آمریکایی در زبان فرانسه به «خویشاوندی نسبی تفکیک ناپذیر (نسب همزادی)» *filiation indifférenciée* ترجمه شده است.

Nordenskiöld, Erland

نوردنسکیولد، ارلند

(۱۸۷۲-۱۹۳۲).

مردم‌شناس سوئدی که در مطالعه آمریکای جنوبی تخصص یافته و در آنجا تحقیقات محلی بیشماری، به ویژه در پاتاگونی (۱۸۹۹)، گران شاکو (۱۹۰۱)، پرو (۱۹۰۵-۱۹۰۴) و بولیوی (۱۹۰۹-۱۹۰۸) انجام داده است. آثار عمده نوردنسکیولد به شرح زیر است:

Indianerleben, 1910; *Comparative ethnographical studies*, 9 vol., 1920 - 1921.

یادداشتها و جستارها در انسان‌شناسی

Notes and Queries on Anthropology

کتاب راهنما برای بررسی‌کننده مردم نگاری است که در آغاز به منظور تسهیل جمع‌آوری وقایع، به وسیله افراد غیر متخصص (سر رشته‌داران، پزشکان، مبلغان مذهبی، مستعمره‌نشینان)، که به اقتضای شغلشان در تماس با

جوامع و فرهنگهای در راه تجزیه سریع بودند، به کار برده شده است. این کتاب از طرف «انجمن سلطنتی انسان‌شناسی» در سال ۱۸۷۴ در لندن نشر یافت و به وسیله مردم‌نگاران حرفه‌ای بسیار مورد استفاده قرار گرفت و اگر از آن به عنوان یک راهنما استفاده نمی‌کردند حداقل برای آنان در حکم یک حافظه کمکی بوده است. در واقع، در این کتاب به بسیاری از سئوالات برمی‌خوریم که پژوهشگر باید آنها را، برای مشاهده و تشریح دقیق جوامعی که در آن کار می‌کند، از خود بپرسد.

این اثر که از زمان نخستین چاپ خود توسط کمیسیونی از متخصصان به طور دایم تجدید نظر و اصلاح شده است، بر حسب اتفاق و بامشورتی‌های ساده در چاپهای متوالیش، اجازه می‌دهد تا تاریخ تفکر مردم‌شناختی، دوباره در بریتانیای کبیر ترسیم شود. به این ترتیب نوساناتی که به وسیله برخی از واژگان کلیدی (mots clefs) نظیر کلان و توتیمسم تحمیل و مورد قبول واقع شده‌اند، فوق‌العاده آموزنده هستند. لازم به تذکر است که امروزه در «فرانسه» تألیفی هم ردیف آن وجود ندارد، هر چند که، گاهگاهی دستور-العملهای مختلفی از قبیل «آموزش به مسافران» و «پرسش‌نامه‌های پژوهشی» به تدریج تهیه و چاپ شده‌اند.

به شیر گذاشتن، به دایه سپردن نوزاد nourrice, mise en

V. fosterage.

خانواده هسته‌ای nucléaire, famille

به گروهی مرکب از زن و شوهر و فرزندانشان اطلاق می‌شود. در بسیاری از جوامع انسانی، خانواده‌های هسته‌ای، به صورت تجمعات گسترده‌تر و پیچیده‌تری به هم پیوسته‌اند، مانند: «خانواده چند همسر - *famille pol-ygame*»، «خانواده گسترده **famille étendue*»، «خانواده مشترک **famille indivise*» یا «خانواده چندگانه **famille multiple*». با اینکه کلیت خانواده هسته‌ای توسط «مالینوسکی **Malinowski*» و «موداک

**Murdock*، از میان بسیاری از مؤلفان دیگر، به‌عنوان پایه و اساس یا به‌منزلهٔ مرکز صور مختلف سازمان اجتماعی، که بر نظام خویشاوندی بنا شده‌اند، به‌اثبات رسیده و مورد تصدیق قرار گرفته است، مع‌هذا، هنوز موضوع مباحثات متناوبی است.

(Angl. : *nuclear family*.)

نوئر یا Nouer

نوئر

به‌جامعه‌ای از چوپانان اطلاق می‌شود که به‌عنوان یک فعالیت تکمیلی به‌کارصید نیز می‌پردازند و در شمار جماعتی هستند که در دره‌های نیل سکونت دارند (**nilotiques*). نوئرها به‌وسیلهٔ کارهای «وانس - پریچارد - *Evans*» **Pritchard* مردم‌شناس انگلیسی بسیار مشهور شده‌اند. بجز سازگاری شایان - توجه‌شان نسبت به محیط، که خود می‌تواند مضمون تفکری تمام‌نشده‌ای باشد، نوئرها با مثالی که از یک سازمان اجتماعی بسیار توسعه‌یافتهٔ پدرتباری و عملکرد گروه‌های خویشاوندی، مانند گروه‌های سیاسی، در چهارچوب یک «نظام قطاعی» **systeme segmentaire* به‌دست می‌دهند، همیشه توجه ما را به‌خود جلب می‌کنند.

Evans - Pritchard, E. E. : *The Nuer*, 1940 (trad. franç. *Les Nuer*, 1968).

numineux

نومینو

این واژه توسط برخی از مؤلفان، برای تعیین آنچه که باعث می‌شود تا یک شیء، یک موجود یا یک واقعه واجد صفتی اسرارآمیز شود - که از قرابتش با یک نیروی مافوق طبیعی یا با چیز مقدسی برخاسته است -، به‌کار می‌رود. به‌این ترتیب، در صورت لزوم، می‌توان از آن دسته از ادراکات مذهبی، که بخشی را به‌ادعای علمی بودن به‌زشتی می‌کشانند، جلوگیری به‌عمل آورد. بعضی از لاتین‌دانان در «نومینا»ها (*numina*)، مراکزی از «مانا» **mana*، که ریشه در مذهب رومی دارند، دیده‌اند.

نوپ

Nupe

نوپ جامعه‌یی است از سرزمین نیجریه، در آفریقای سیاه، که به وسیله تحقیقات «امی. اف. نادل * S. F. Nadel» معروف شده است. تعدادشان در حدود ۵۰۰۰۰۰ تن است که بنا بر طبقه بندی «Meillet» و «Cohen»، به زبانی متعلق به گروه «nigéro-camerounais» تکلم می‌کنند. نوپها در منطقه «بیدا» و در سواحل نیجر تا رودخانه بنوئه زندگی می‌کنند.

Nadel, S. F.: *A black Byzantium*, 1942 (trad. franç. *Byzance Noire*, 1971).

O

Ojibwa

اوجیبوا

يك قبیلهٔ سرخ‌پوستی آمریکای شمالی است که به‌زبانی از خانوادهٔ آلتگونکین تکلم می‌کنند و از آغاز در سواحل دریاچهٔ هورن Huron و دریاچهٔ علیا و در منطقه‌ای که از خلال مینه‌سوتا و مانی‌توبامی‌گذرد، روزگار می‌گذرانند. در حال حاضر، اوجیبواها با تعداد ۳۰۰۰۰ تن، تقریباً به‌تساوی، بین کانادا و ایالات متحده تقسیم شده‌اند. سازمان اجتماعی آنها پسر تباری است و در طبقه‌بندی مودداک (۱۹۴۹)، از نوع «داکوتا» *Dakota** به‌شمار می‌رود. در بین سایر ویژگی‌های مشخص، اوجیبواها، به‌خاطر کاربندی «ازدواج ترجیحی *mariage préférentiel** با دختر دایسی (عمه) عرضی دوجانبی *(bilatérale*)* شناخته شده‌اند.

olonisme

الونیسیم

الونیسیم همان «شامانیسم» *Chamanisme** از نوع سیریایی است.

omaha

اوماها

جمعیت سرخ‌پوستی ایالات متحده که به‌زبانی از خانوادهٔ «سیو» *sioux** تکلم می‌کنند و از آغاز قرن نوزدهم در ساحل راست میسوری در زمینهای اختصاصی واقع در این منطقه از نبراسکا منزل اختیار کرده‌اند. در سنخ‌شناسی مودداک که در سال ۱۹۴۹ شکل گرفته، سازمان اجتماعی اوماها

واجد يك نمونه مرجع (modèle de référence) است.

Dorsey, J. O. : «Omaha sociology», in *Annual Reports of the Bureau of American Ethnology*, vol. 3, 1884; Fletcher, A. C. and La Flesche, F. : «The Omaha tribe», in *Annual Reports of the Bureau of American Ethnology*, vol. 27, 1911; Fortune, R. F. : «Omaha secret societies», *Columbia University Contributions to Anthropology*, vol. 15, 1932.

نظام خویشاوندی اَماها

Omaha, système de parenté

این نظام درسرخ‌شناسی «موداک» که در سال ۱۹۴۹ شکل گرفته، به وسیله اسلوب خویشاوندی نسبی «پدرباری» *patrilinéaire** و واژگانی از سنخ اهاها برای دختردایی (عمه، عمو، خاله)ها مشخص شده است. بنا به تعریف، زمانی به يك واژگان، اهاها گفته می‌شود که دخترخواهر پدر (دختر عمه) و دختر برادر مادر (دختر دایی) اسامی متفاوتی دریافت کنند. این دو واژه از نظر واژه شناختی، خواهرها و دختر عمو (خاله)های موازی هستند، با وجود این «دخترخواهر پدر» (FeSrPe) با همان واژه که «دختر خواهر» (FeSr) و «دختر برادر مادر» (FeFrMe) با همان واژه «خواهر مادر» (SrMe) نامیده شده‌اند.

در اکثر جوامعی که از يك نظام اهاها برخوردارند، «اقامتگاه پدر» مکان *résidence patrilocale** معمول و مرسوم است و به این ترتیب، این فکر تقویت می‌شود که؛ این نظام شکل توسعه یافته و پایداری از سازمان پدرتباری را عرضه می‌کند.

V. Crow, système de parenté.

(Angl. : omaha type of kinship system.)

اراندا

orenda

اراندا يك واژه «ایرودکوا» *Iroquois** و نمایانگر يك نیروی حیاتی است که به وسیله طبیعت نامریی و نامشخصی، انسانها، حیوانات و پدیده های طبیعی را آغشته و اشباع می کند. به اراندا، دلاوریهای قهرمانان و حدوث رویدادهای غیرمنتظره نسبت داده شده است. برای «مسی» *Mauss** و بسیاری از نظریه سازان دیگر همان عصر، واژه اراندا مترادف «مانا» *mana** است و به همان مفهوم ارتباط دارد، مفهومی که نقش اساسی در بسیاری از به اصطلاح تبیینات «تفکر ابتدایی» و تجلیات مذهبی آن بازی می کند. (Angl. : idem.)

ارگانیزم گرایی، قیاس ارگانیک

organicisme

يك نظریه علوم اجتماعی است که به تدوین مقایسه بین ساختار و عملکرد ارگانیزمهای زیستی از يك طرف و ساختار و عملکرد جوامع از طرف دیگر می پردازد و به ویژه بر همبستگیهای اجزاء تشکیل دهنده هر يك از نظامها تأکید می ورزد. برای طرفداران این نظریه، هر نظام اجتماعی مجموعه ای کاملاً یگانه و همبسته است. برخی از آنان، با القاء شباهت مربوط به سرشت بین دوسلسله از پدیده ها، از يك ارگانیزم گرایی خارج از اندازه دفاع کرده اند، که از جمله آنان باید از اگوست کنت یا هربرت اسپنسر نام برد؛ اسپنسر، علم فرهنگ (*science de la culture*) را به فوق ارگانیک (*superorganique*) متصف می کند؛ همچنین باید از «هالینوسکی» *Malinowski** نیز، آنگاه که از کارکردهای حیاتی آداب و رسوم، نهادها، اشیاء و غیره و روابط بین جبر گرایی زیستی و جبر گرایی فرهنگی صحبت می کند، در يك مقیاس معین یاد کرد. بعضی دیگر مانند «دورکیم» *Durkeim** تنها شباهت و قیاس بین هیئت انسانی (*corps humain*) و هیئت اجتماعی (*corps social*) را توسعه داده اند تا توصیف و تشریح آنها یا تبیین هیئت اجتماعی، روشنتر و گویاتر صورت گیرد (در این مورد، به ویژه، به مفهوم «بی هنجاری» *anomie** مراجعه شود). برخی از منتقدان بر این باورند که ساخت گرایی «لوی - اشتروس» *Lévi - Strauss*،

آنگاه که وی همانندی طبیعت بین ساختار زیستی مغز و ساختار زیرین وقایع اجتماعی را اقامه می‌کند، گرایش به «دگانیسم‌گرایی» «ظریف» و اقرار نشده‌ای خواهد داشت.

(Angl. *organic analogy* یا *organicism*.)

خانواده راه‌یاب، خانواده جهت‌یاب

orientation, famille d'

یک خانواده هسته‌یی است که در آنجا یک فرد به دنیا آمده و بزرگ می‌شود. هر فرد بزرگسال، آنگاه که حقوق خانوادگیش سلب نشده باشد، لزوماً به دو خانواده هسته‌ای، یعنی به «خانواده راه‌یاب» و «خانواده زادوودی» *famille de procréation* خویش تعلق دارد و این مسئله در هر جامعه انسانی شناخته شده است.

(Angl. *family of orientation*.)

Orokaiva

اوروکیوا

جامعه‌یی است در گینه‌نو که توسط «اف. ا. ویلیامز» مردم‌نگار مطالعه شده است. این جامعه از یک اسلوب خویشاوندی نسبی پدرتباری و یک نظام مربوط به سازمان اجتماعی از سنخ «داکوتا» *dakota** برخوردار است.

Williams, F. E. : *Orokaiva society*. 1930; Crocombe, R. G. : *Communal cash – cropping among the Orokaiva*, 1964; Waddell, E. W. and. P. A. Krinks: *The organization of production and distribution among the Orokaiva*, 1968.

oumiak

اومیاک

کشتی کوچک اسکیمو به شکل قایقی بزرگ با چندین نیمکت، که

روی آن يك پوشش چرمی کشیده شده است. اومياك در رودخانه به وسیلهٔ سگها
کشیده می‌شود .

(Angl.: *umiak*.)

P

پاندانوس

pandanus

در گیاه‌شناسی به نوعی گیاه اطلاق می‌شود که شامل چندین نوع درختچه و درخت بوده و به وسیله ریشه‌های هوایی و میوه‌هایی با عطر تند مشخص شده‌اند. میوه‌های پاندانوس، در تمام حوزه استوایی ماداگاسکار، از تاهیتی تا آسیای جنوب شرقی و هند، به وسیله تعداد کثیری از گروهای بوم‌زاد، حداقل در مرحله خشکسالی و قحطی، مصرف شده است. برگ‌های این گیاه برای بافتن بوریا و سایر اشیاء حصیری به کار می‌رود.

(Angl. : *pandanus*.)

زبانهای پاپو

papoues, langues

زبان‌هایی‌ست که در گینه‌نو و در جزایر همسایه، به ویژه در جزایر «سالومون» تکلم می‌شوند و به خانوادهٔ زبانی *malayo-polynésienne* تعلق دارند. به نظر نمی‌رسد که این زبانها منشأ مشترکی داشته باشند و آموختن این زبانها برای هر کس، و به عنوان يك صفت اصلی مشترك، بزرگترین کوششها را - که برای فراگیری زبانهای ملانزی لازم است -، طلب می‌کند. در این دههٔ اخیر و به لطف گسروه زبان‌شناسان «دانشگاه ملی استرالیا»، پیشرفتهای قابل توجهی، به ویژه، در توصیف طبقه‌بندی زبانهای پاپو صورت گرفته است.

Syn. : non – austronésiennes, langues.

(Angl. : *papuan languages*, یا *non – Austronesian languages*.)

پاپوها

Papous

این واژه که کاربرد آن به‌طور دقیق دشوار به‌نظر می‌رسد، از بین‌چندین معانی دیگر، شامل سه مفهوم عمده زیر است :

۱° ساکنان بوم‌زاد حوزه‌ی اداری پاپوآزی Papouasie (Angl. : Papua) ، مستعمره‌ی پیشین بریتانیا که امروزه به‌وسیله‌ی استرالیا و هم‌زمان با قلمرو گینه‌نو - که در تحت ولایت O. N. U. است - اداره می‌شود.

۲° گروه‌های بوم‌زاد حوزه‌ی ملانزی که به «زبانهای پاپو *langues papoues**» تکلم می‌کنند،

۳° ساکنان گینه‌نو و جزایر اطراف آن که از وضعیت جسمانی معینی برخوردارند و به‌خاطر چنین خصلتی برخی از نظریه‌سازان کوشیده‌اند تا آنها را در گروه نژادی ویژه‌ی دیگانه‌ای ، که ساکنان اولیه‌ی (aborigènes) استرالیا را نیز شامل می‌شود، قرار دهند. این مفهوم که از نظریه‌یایی به‌واژه *papou* بسیار نزدیکتر است (واژه «*pa puwa*» ، احتمالاً ریشه‌ی مالزیایی دارد و به‌معنای موهای کوتاه و مجعد (crépu) آمده‌است) ، امروزه هرچه کمتر مورد استفاده قرار می‌گیرد، زیرا از صحت کافی برخوردار نبوده و نیز واجد مجموعه‌ای از خصلتهای نژادپرستانه است. این واژه برای بسیاری از اروپاییان مترادف مفهوم ماوراء ابتدایی (ultra-primitif) است . با مراجعه به گزارشهای هیئت اعزامی کمبریج به‌تنگه «تودن» در سال ۱۹۵۴ و در عصر نخستین مطالعات علمی جمعیت‌های پاپو، بهتر می‌توان به‌مفهوم این واژه و اینکه به‌چیزی ارتباط داشته است، پی برد.

پسرعموها، دخترعموها، پسرخاله‌ها و دخترخاله‌های موازی
parallèles, cousins

V. cousins parallèles.

خویشاوندی نسبی (نسب) موازی **parallèle, filiation**

نوعی قاعده و دستورالعمل «خویشاوندی نسبی» *filiation** است که اختصاص به تمام مردان در گروه‌های پدرتباری (صلبی) و تمام زنان در گروه‌های مادرتباری (بطنی) دارد. هر يك از این دو خط خویشاوندی نسبی که به موازات هم شناخته شده‌اند، فقط مربوط به يك جنس (*sexe*) هستند. این نظام خویشاوندی که مورد پذیرش سرخ‌پوستان آپی‌نایه *Apinayé* در برزیل قرار گرفته، مربوط به حالت ویژه‌ای از «خویشاوندی دوتباری» *filiation double** یا «دوتباری *bilinéaire*» است.

(Angl.: *parallel descent*.)

parallélisme

توازی‌گرایی

V. *évolutionnisme*.

parentage

خویشان، خویشی، نسب

طبقه‌ای از اشخاص که با «اگو» *Ego** از طریق خونی یا سببی (وصلت)، خویشی کرده‌اند.

(Angl.: *relatives*.)

parenté

خویشاوندی

مطالعه نظام خویشاوندی یکی از مسایل «مقدس» در مردم‌شناسی است که «نمی‌توان به حریم آن دست برد». این مطالعه تا مدت‌ها باعث شد که فرد غیرمتخصص از آن بترسد و گمان برد که مردم‌شناسی علمی کامل و تکمیل شده و دارای واژگانی غیرقابل فهم و حتی واجد مفروضات ریاضی پیچیده‌یی است (یعنی باعلایم اختصاری و جداول ترسیمی که روابط خویشاوندی را نشان می‌دهند). این مطالعه، در توجیه سلسله مراتب و تقسیم مردم‌شناسان حرفه‌ای سهم به‌سزایی داشته است. مثلاً "آنگاه که کسی به عنوان «متخصص مطالعه

خویشاوندی» مطرح می‌شد، در واقع، در این علم از وجهه خاصی برخوردار بود و در مرتبه بالایی قرار می‌گرفت. این مطالعه به ویژه این اجازه را داد تا مردم‌شناسان در برج عاج خود بنشینند و نسبت به واقعیاتی که قادر بودند تا مردم‌شناسی را به عنوان یک علم مورد سؤال قرار دهند بی‌توجه باشند، از این رو مباحثات بی‌نتیجه‌ای جایگزین واقعیات شدند. با اینهمه و علی‌رغم استفاده نارسای طبقه دانشگاهی از آن، مطالعه خویشاوندی برای ما یک مطالعه بنیادی باقی می‌ماند. زیرا، این روابط خویشاوندی است که تمام جنبه‌های زندگی اجتماعی، اقتصادی و سیاسی اکثر جمعیت‌هایی را که مورد مطالعه مردم‌شناسی است ترسیم و تنظیم می‌کند. در جوامع فاقد دولت اگر ندانیم که خویشاوندی چگونه اشخاص و نهادها را به هم پیوسته یا از هم دور می‌کند، در این صورت، به درستی غیرممکن است که، از پرداخت‌های مختلف ثروتها و خدمات، از روابط قدرت بین افراد و گروه‌ها و غیره، چیزی درک کنیم. همین‌مطلب را «ال. اچ. مرگان * *L. H. Morgan*»، که حقاً بنیان‌گذار این نوع تحقیقات است، با آینده‌نگری دریافته بود. افراط و تفریط و ذهن‌بافی‌های «متخصصان مطالعه خویشاوندی» درسی سال اخیر نباید ما را به آنجا بکشاند که به خاطر یک اشتباه همه چیز را نفی کنیم و به قول معروف «نباید بچه را با آب حمام به دور ریخت!». وقتی يك «نظام خویشاوندی *système de parenté*» را فقط به جنبه واژگانی آن خلاصه نکنیم و توجه بیشتری به نظام رفتارهای موجود بین خویشاوندان و به گروه‌هایی که به وسیله روابط خویشاوندی و شیوه‌های «اقامتگاه * *résidence*» ساخته شده‌اند داشته باشیم، در این صورت، از این عکس‌العمل نامطلوب جلوگیری خواهد شد.

Fox. R. (1967, trad. franç. 1972); Lévi-Strauss (1949); Murdock (1949, trad. franç. 1972); schusky (1965).

(Angl. : *kinship and affinity*, یا به اختصار *kinship*; All. : *Verwandschaft*.)

علائم اختصاری واژگان خویشاوندی parenté, abréviations des termes de

نظر به توسعه شگرف مطالعاتی که به‌واژگان خویشاوندی و به‌کارعملی روی این واژه‌ها اختصاص یافته‌اند، برای سهولت امر باید به آن دسته از علائم اختصاری توسل جست که گاهی پنداروتوهمی در اختیار خواننده ناآگاه می‌گذارد که مردم‌شناسان از یک علم ریاضی خاص خود در دست دارند. سادگی و توجه، به‌منظور جلوگیری از اشتباهات و بسی‌نظمیها، دو دلیل عمده برای توصیه علائم اختصاری زیر است:

Aî: aîné (e)	اولاد ارشد
Ep: femme (penser à «épouse»)	زن (همسر)
Fr: frère	برادر
Ho: mari (penser à «homme»)	شوهر (مرد)
Pe: Père	پدر
Ca: cadet (te)	اولاد کهنتر
Fe: fille	دختر
Fs: fils	پسر
Me: mère	مادر
Sr: sœur	خواهر

برای خواندن چندین علامت اختصاری که پهلوی هم قرار می‌گیرند، حرف اضافه (de) را در بین دو گروه متوالی یکدیگر قرار می‌دهند. مسلماً در مورد گروه‌های Aî (اولاد ارشد) و Ca (اولاد کهنتر) باید استثناء قایل شد. مثلاً Fe Aî Fr Me را «دختر ارشد برادر مادر» (fille aînée du-frère de la mère) می‌خوانند.

گاهی، نظام‌های دیگری نیز برای علائم اختصاری پیشنهاد شده‌اند. اما، معمولاً اشتباه و خطای ترکیبی در دستورالعمل‌های ناهمگون حروف و علائم تصویری به چشم می‌خورد و نیز در واژه خلاصه شده، حروف بی‌صدا و مصوتی را انتخاب می‌کنند که در سایر واژگان خویشاوندی نیز پیدا می‌شوند، به نحوی که این ابهام به مشکل دیگری، که مربوط به از بر کردن واژه‌هاست، اضافه می‌شود. در زبان انگلیسی از اینگونه اشکالات به سهولت جلوگیری شده است. زیرا، در این زبان، در بین واژگان خویشاوندی تشابهات نامطلوبی

به چشم نمی‌خورد.

فهرست زیر آن دسته از علائم اختصاری را که مورد استفاده مردم-شناسان انگلیسی و آمریکایی ست نشان می‌دهد:

Br: brother	برادر
Fa: father	پدر
Mo: mother	مادر
So: son	پسر
Da: daughter	دختر
Hu: husband	شوهر
Si: sister	خواهر
Wi: wife	زن

به‌طور قطع، این علائم اختصاری انگلیسی در جهت عکس نظم فرانسه خود قرار دارند. مثلاً "MoBrDa" یعنی «مادر برادر دختر» در زبان فرانسه: «دختر برادر مادر FeFrMe» خوانده می‌شود.

نظام خویشاوندی

parenté, système de

مجموعه ساخت یافته‌ای از نگرش‌هاست که به وسیلهٔ هنجارهای اجتماعی تثبیت شده در افراد خویشاوند نسبت به یکدیگر، در یک رابطهٔ خونی یا ازدواج، مشاهده می‌شود. واژگانی که این افراد برای نامیدن یکدیگر یا برای تشریح روابط خویشاوندیشان و به‌خاطر شخص ثالثی به‌کار می‌برند، به وسیلهٔ کاربردهای جوامع مورد بحث، در شمار همین رفتارهای معین هستند. به‌همین دلیل، نخستین وظیفهٔ مردم‌شناس در محل تحقیق، آنگاه که خواهان مطالعهٔ نظام خویشاوندی افرادی است که در نزدشان ساکن است، مبتنی بر جمع‌آوری فهرست کاملی از این واژه‌هاست (*V. parenté, terminologie de*). در برخی از جوامع فردی نیست که با همهٔ افراد دیگر، به وسیلهٔ رشته‌های واقعی یا نمادی (*symbolique*)، در یک رابطهٔ خویشاوندی نباشد، در این صورت، نظام خویشاوندی در جوار هم و در مجموع گروه گسترده است. (Angl.: *kinship system*; All.: *Verwandtschaftssystem*.)

Parenté, terminologie de واژگان خویشاوندی

واژگان خویشاوندی، یکی از مشخصترین مظاهر يك «نظام خویشاوندی **système de parenté*» است، که به آسانترین وجه مستند به اقدامات و تجارب مربوط به بازسازی تاریخی (**V. Morgan*, **V. Murdock*) و انواع مختلف تحلیل‌های قطعی و صریح است -*anal* (**V. componentielle*). (**yse*; **V. Lévi-Strauss*; **V. structuralisme*) خویشاوندی است که زمانی دراز باعث تغذیه پژوهش و مناظره‌های مربوط به نظام‌های خویشاوندی شده است، با اینهمه، چیزی جز معرفی يك جنبه از آن نیست. این واژگان دارای پایه و اساس يك سنخ‌شناسی نظام‌های خویشاوندی بوده و واجدا شکالی از سازمان‌های اجتماعی است که ابتداء به وسیله «هرگان» پیشنهاد شده و سپس توسط چندین نسل از مردم‌شناسان توسعه یافته و سرانجام به وسیله «مودداک» (**Murdock*, 1949) تکمیل و روبراه شده است. این سنخ‌شناسی به عنوان معیارهای عمده نام‌گذاری‌های خواهران، دخترداییها، عمه‌ها، خواهرزاده‌ها، حفظ و نگهداری شده است و به این ترتیب، یازده نوع بزرگتر را نیز مشخص می‌کند (**V. Crow*, **Dakota*, **Eskimo*, **Fox*, **Guinéen*, **Hawaii*, **Nankanse*, **Omaha*, **Soud-anais*, **Yuma*) برای جمع‌آوری اصطلاحات این واژگان و یسره، پژوهشگر از «روش دودمانی» (**méthode généalogique*) کمک می‌گیرد و از طرف دیگر، به مشاهده مستقیم رفتارهای خویشاوندانی می‌پردازد که خواهان شناخت مظهر زبان شناختی آنهاست.

Conklin (1964), Murdock (1949), *Notes* and Queries*.

(Angl. :*kinship terminology*.)

parentèle

خویشان

در حالی که خط خویشاوندی دودمانی در اکثر جوامع بی تفاوت است، واژه «*parentèle*» برای گروهی از خویشاوندان خونی «اگو» (**Ego*) به کار می‌رود (در این صورت، برای دقت بیشتر از «خویشان دوجانبه» (جانبی) «*parentèle*»

bilatérale صحبت می‌شود). با اینهمه، بعضی از جوامع دارای خویشانی هستند که تشکیل و گمارش آن تنها در يك خط، مثلاً: خط خویشاوندی «هم‌صلبی» *agnatique صورت می‌گیرد. در نهایت، مسئله مهم این‌است که تعیین گروه و موجودیت آن ارتباطی به فرد «اگو» *Ego، که مرکزیتی را تشکیل می‌دهد، ندارد. وانگهی، سایر گروه‌های خویشاوندی نظیر «طایفه‌ها» *lignages و «کلانها» *clans به دنبال يك جد مشترك تشکیل شده‌اند و بنا بر این موجودیت آنها مستقل از افرادی‌ست که آنها را می‌سازند. در مردم‌شناسی، این مفهوم و مشکلات و مبهمات وابسته به آن، به وسیله «ریور» (Rivers، 1924، معین و رایج شده است.

Freeman. D.: «The concept of the kindred»; in *Journal of the Royal Anthropological Institute*, vol. 91, 1961; Murdock (1949); Rivers (1924).
(Angl.: kindred.)

participation mystique

مشارکت عرفانی

این مفهوم که توسط «لوی - برول» *Lévy - Bruhl رایج شده حتی به صورت يك «قانون جامعه‌شناختی»، برای بیان عملکرد «ذهنیت ابتدایی» در آمده است. «ابتدایی»‌ها که هیچ چیز را مثل ما [غریبه‌ها] دریافت و ادراک نمی‌کنند، بنابراین، از اصول علیت و تضاد بی‌خبرند. لوی - برول برای باور است که؛ جنبه‌های مختلف واقعیت برای «ابتدایی» در يك واحد عرفانی یگانه و مجردی بنا نهاده می‌شوند، به قسمتی که، فاصله بین موضوع و شیء [ذهن و عین] از بین می‌رود و ذهنیت ابتدایی به شیء فکر نمی‌کند، بلکه در اتحاد و اتفاق با او آن را می‌بیند. از این‌روست که به آن «پیش‌منطق» *prélogique گفته می‌شود. کلیه تحقیقات محلی و به‌ویژه تحقیقاتی که از «مردم‌شناسی علوم» *ethno - science برمی‌خیزند، در آن واحد، نادرستی این دریافت و خودپسندی بی‌ربط «مردم‌شناسان دراطاق»^۱ این

۱ - اصطلاح «ethnologues en chambre» که در اینجا به معنای «مردم‌شناسان دراطاق» آمده است، برای آن دسته از مردم‌شناسان به کار می‌رود که بدون انجام هیچگونه تحقیقات محلی دراطاق خود نشسته و با وقاحت به نقد آثار مردم‌شناسان

دوره را نشان داده‌اند.

(Angl.: *mystic participation*)

partiel, mariage

ازدواج جزئی

V. *demi - mariage*.

passage, rites de

مناسک گذر

اصطلاحی است که در سال ۱۹۰۹ توسط «وان ژنپ» *Van Gennepe** ساخته شده و عمومیت یافته است. این اصطلاح برای مشخص کردن مراسم و مناسکی است که عبور یک شخص را از حالتی به حالتی یا از پایگاهی به پایگاهی دیگر فراهم کرده یا همراهی می‌کنند. مناسک گذر مختص دفع خطرات مافوق طبیعی از شخص مورد نظر یا کل جامعه است که حالت معلق را بین حالت پیشین و حالت جدید آن به وجود خواهد آورد. همه مراحل بحرانی زندگی انسان (تولد، بلوغ، ازدواج، مرگ و غیره) به وسیله مناسک گذر مشخص شده‌اند. «وان ژنپ»، سه لحظه را در جریان مناسک گذر متمایز می‌کند:

- ۱- لحظه تفکیک با وضعیت، یا زندگی پیشین
- ۲- لحظه حاشیه (*marge*) که به قسمت میانه که پر از خطرات است ارتباط می‌یابد.
- ۳- لحظه تجمع (*agrégation*)، که فرد را، با پایگاه جدیدش، دوباره در اجتماع جا می‌دهد.

(Angl.: *rites de passage* یا *transition rites*)

→ واقعی می‌پردازند. از این رو، به کار آنها «مردم‌شناسی دفتر» و «مردم‌شناسی در اطاق نشیمن» نیز گفته شده است. (م).

پدرسری^۱

patriarcat

پدرسری، نظامی سیاسی - حقوقی است که در آن نفوذ و حقوق مختلف، در باره اشخاص و داراییها، با قاعده و دستورالعمل خویشاوندی نسبی «پدرتباری» **patrilinéaire* منطبق می‌شوند، تا همه آنها در دستهای مردی متمرکز شود که سرسلسله (père fondateur) یا «خانواده گسترده» **famille étendue* است. نظریه آفرینان مکتب قطود و تکامل - گرایبی در پدرسری صورت دیررسی از سازمان اجتماعی و مرحله‌ای ابتدایی را که بنا به عقیده آنان مرحله «مادری سری»^۲ **matriarcat* بوده است، مشاهده کرده‌اند. با اینکه پدرسری خصلت و منش احتمالی مادرسری را ندارد، مع‌هذا، به ندرت واجد آن صافی و خلوص نهادی است که مؤلفان قدیمی به آن نسبت می‌داده‌اند، زیرا، زنان و خویشاوندان مادری مدام خود را در وضعیت تضمین‌شده‌ای در برابر مردان و خویشاوندان پدری احساس می‌کنند. (Angl. : *patriarchate*.)

پدر - کلان، پدر - سیب

patri - clan, patri - sib

این واژگان خواه مربوط به «کلان» **clan* باشد یا مربوط به «سیب» **sib*، نوعی نظام خویشاوندی است که تشکیل و گمارش آن به وسیله قاعده‌ای از خویشاوندی نسبی پدرتباری تضمین شده، یا اعضاء آن دارای «اقامتگاه پدرمکان» می‌باشند.

خویشاوندی نسبی پدرتباری (پدرصلبی)

patrilinéaire, filiation

قاعده و دستورالعملی است که بر طبق آن هر فردی به خودی خود از

۱- واژه «پدرسری» در مقابل «patriarcat» از «استاد دکتر غلامحسین صدیقی» است (م).

۲- واژه «مادرسری» در مقابل «matriarcat» از استاد دکتر غلامحسین صدیقی» است (م).

پدرش، عناصر عمده پایگاهش را کسب خواهد کرد و به ویژه به همان گروه «خویشاوندی نسبی» **filiation* (طایفه، کلان و غیره) پدر یا پدر بزرگ پدری خویش تعلق خواهد داشت.

(Angl.: *patrilineal descent*.)

patrilocale, résidence

اقامتگاه پدرمکان

قاعده و دستورالعملی است که براساس آن باید بعد از ازدواج، يك زن و شوهر در روستا یا در زمینهای «پدر شوهر» اقامت کنند. جوامعی که اقامتگاه پدرمکان در آن مرسوم است، لزوماً به وسیله قاعده خویشاوندی نسبی «پدر» قبادی **patrilinéaire* اداره نمی‌شوند.

(Angl.: *patrilocal residence*.)

pattern

الگو

pattern واژه‌ی سی‌ست انگلیسی که اغلب از ترجمه آن خودداری می‌کنند. زیرا، معادل‌های فرانسه آن مانند: *configuration*, *modèle*, *structure*, *thème*, *patron* و غیره کاملاً قانع‌کننده نیستند. مفهوم *pattern* که توسط «فرهنگ گرایان» **culturalistes* توسعه یافته است، شکل ویژه‌ای را که عناصر مختلف تشکیل‌دهنده يك فرهنگ یا يك جامعه به خود می‌گیرند و نیز نگرشهایی را که اعضاء آن فرهنگ یا جامعه به کار می‌بندند، نشان داده و به این ترتیب طریقه‌ای از زندگی منسجم و ویژه را مشخص و معین می‌کند. بنابراین، واژه *pattern* مفاهیمی از کاربرد (usage)، عرف و عادات (*coutume*) و آداب و رسوم (*moeurs*) را، که اجازه می‌دهند تا اصلیت يك فرهنگ شناخته شود، کاملاً دربرمی‌گیرد.

Benedict (1934).

V. *ethos*.

فرهنگ فقر

pauvreté, culture de

اصطلاحی است که توسط «اسکار لوویس» *Oscar Lewis* برای تعیین اشکال فرهنگی ویژه (یا خرده فرهنگ)، که معمولاً در مناطق شهری جوامع صنعتی تجلی کرده و به تدریج به وسیله محرومترین گروه‌های جمعیتی فراهم شده‌اند، متداول و رایج شده است.

فرهنگ فقر می‌تواند در جای دیگری به غیر از مخیله روشنفکران بود‌و‌و وجود داشته باشد، این جماعت که مشتاق جلوگیری از انقلاب و تمایلات آنند، در نتیجه، گمان می‌برند که «فقر پنهان» دارای ارزشهای ویژه‌ای است که آن را دایمی می‌کند. در یک مبارزه پی‌گیر در ایالات متحده، به این طرز تفکر شدیداً، توسط متعهدترین مردم‌شناسان و جامعه‌شناسان (مانند والانتین Valentine در ۱۹۶۸)، اعتراض شده است.

(Angl.: *culture of Poverty*.)

پاونه

Pawnee

نام یک قبیله سرخ‌پوستی در آمریکای شمالی است که به‌زبانی از خانواده کادوان caddoane تکلم می‌کند. این قبیله که در آغاز در نبراسکا زندگی می‌کرد، در ۱۸۷۴ از سرزمینی که به‌طور سنتی در اختیار داشت جا به جا شده و در قطعه زمینی اختصاصی در اکلاهما به نام اکلاندر Oakland مستقر شده است. جمعیت پاونه که در گذشته از مقتدرترین «سرخ‌پوستان دشت» *Indiens des Plaines* به‌شمار می‌رفت، در ۱۸۴۵ به بیش از ۱۰۰۰۰ تن می‌رسید، اما در ۱۸۶۱ به ۳۵۰۰ و سرانجام در ۱۹۰۶ به ۶۰۰ تن کاهش یافته است.

Morgan (1871); Lounsbury, F. G.: «A Semantic analysis of the Pawnee kinship usage», in *Language*, vol. 32, n°1 1956.

سلسه مراتب نوک‌زدن

pecking order

این اصطلاح انگلیسی که ترجمه کامل آن: «نظم ضربه‌های منقار» است،

يك نظم حضوری یا يك تمايز اجتماعی را برای نخستین بار در گروه‌های ماکیان - که این واژه از آن گرفته شده - یا در نزد سایر حیوانات نشان می‌دهد. این نظم بین حیوانات يك گروه به وسیله سلسله مراتبی متجلی است و همه آنها بر حسب فردی مسلط که «مستبد» نام دارد، رده بندی می‌شوند، به طوری که فرد (حیوان) مسلط به هر فرد دیگری با منقار ضرباتی وارد می‌سازد، ولی چیزی دریافت نمی‌کند. در ضمن به حیوانی که از هر نظر مغلوب است، بدون اینکه قادر به ضربت زدن باشد، از طریق همه حیوانات دیگر ضرباتی وارد می‌شود. در برخی از جوامع انسانی روابطی مشاهده می‌شود که مشابهت به نوعی ارتباط زنجیری دارد (مثلا در جزایر «فی جی» گاه حلقه‌های این زنجیر به روی خودش بسته می‌شود) و این همان چیزی است که در سال ۱۹۴۹ «لوی - اشتروم» را واداشت تا تحلیل درخشانی را به این پدیده اختصاص دهد.

personnalité de base

شخصیت اساسی

مجموعه‌ای از عناصر تشکیل دهنده يك شخصیت است که اعضاء يك جامعه معین به طور مشترك واجد آنند. این اصطلاح توسط «کاردینر *Kardiner» و «لینتون *Linton» رواج یافته است.

Devereux (1970), Dufrenne (1953), kardiner (1939, 1945), Linton (1945).

V. ethos.

(Angl. : *basic personality*, یا *basic type*, یا *basic structure*.)

Peul

پل

زبانی است سودانی که از سنگال تا کامرون و چاد به وسیله شبانان کوچنده یا نیمه کوچنده، که از نژاد سفید و کمابیش دورگه‌اند، و نیز به وسیله تعداد کثیری از سیاهان یکجانشین (نظیر: توکولورها) تکلم می‌شود. از طرفی پل *peul*، نام جمعیت بزرگی از آفریقای غربی است که شامل

۴۵۰۰۰۰ تن بوده و در سنگال، مالی، و لتای علیا و چاد زندگی می‌کنند. پلها که از يك تاريخ سياسی و نظامی ممتدی برخوردارند، خالص يك امپراطوری شدند. ولی، سیاست پیچیده آن، فرصت يك مداخله استعماری را برای قدرتهای بزرگ اروپایی فراهم آورد.

Syn. : Fulani, Fulbé.

Dupire, M. : *Peuls nomades*, 1962.

(Angl. : Fulani.)

پیوتل

peyotl

پیوتل نامی است که به کاکتوس کوچکی به نام «*Echinocactus williamsii*» یا «*Lophophora williamsii*» از کشور مکزیک و جنوب ایالات متحده و نیز به داروی مخدر حواس، که از آن استخراج می‌شود، داده شده است. پیوتل، مانند کاکا (coca)، گاهی به مثابه محرک ساده‌ای که گرسنگی و خستگی را تخفیف می‌دهد به کار رفته یا به عنوان دارو استعمال شده است. اما، به ویژه، به خاطر خواص مشخصه‌اش - که مخدر حواس بوده و در اصل از کارکرد آیینی به هم پیوسته‌ای برخوردار می‌باشد - و در تحت نام «آیین پیوتل» «*culte du peyotel*» (Angl. : *peyotism*) شناخته شده است. این آیین که احتمالاً منشاء آن از آمریکای مرکزی است، از قرن شانزدهم در مکزیک ملاحظه شده و نزد سرخ‌پوستان آمریکای جنوبی و نیز نزد سرخ‌پوستان «کرو» (*Crow) و «سیو» (*Sioux) شیوع یافته است. در آنجا، احتمالاً در پی برخوردهای شدید سرخ‌پوستان با اشغالگران سفیدپوست، وجود این آیین در قرن نوزدهم مورد تأیید قرار می‌گیرد. زیرا، مصرف پیوتل منجر به حالات روانی و بیماریهای دماغی خاصی می‌شود. برخی از قبایل این گیاه را همانند حلول و تجسم يك ربوبیت به حساب آورده‌اند. استفاده از پیوتل متفاوت است و قبایل دريك شکل تشریفاتی و آیینی از آن تغذیه می‌کنند. وانگهی، سرخ‌پوستان آمریکای شمالی آن را در تمام مدتی که تشریفات خاص مردان - یعنی صحنه‌های مربوط به تزکیه، آوازا و ورقصها - ادامه دارد، دود می‌کنند. نظر به نتیجه بسیار مضرى که استفاده از پیوتل به بار می‌آورد، کار برد آن به طور نظری ممنوع اعلام شده است. پیوتل، گاهی

به ناحق با «mescal» گیاه مکزیکی (*Agave americana*) یکی گرفته می‌شود.

V. Ghost dance.
(Angl. : peyote.)

فراتری

phratrie^۱

فراتری *Phratrie* گروهی است متشکل از تجمع چندین «کلان» **clan* یا «سبب» **sib* که اعضاء آن از طریق خویشاوندی نسبی «یک خطی» **unilinéaire* به هم وابسته‌اند. اینگونه ارتباطات خویشاوندی، در موارد بسیاری، کاملاً قراردادی و تقریباً مبهم است. مفهوم این واژه، به صورتی که مورد استفاده مردم‌شناسان قرار می‌گیرد، باید متمایز از معنایی باشد که برخی از روانکاوان برای آن قایل شده‌اند؛ اینان، *phratrie*^۲ (یا *fratrie*) را گروهی می‌دانند که به وسیله برادران و خواهران در مقابل اجدادشان و در چارچوب خانواده اروپایی تشکیل شده است.

(Angl. : phratry.)

- ۱- برای واژگان «phratrie» و «fratrie» مفاهیم زیر مشخص شده است:
۱° *phratrie*: در عهدباستان برای تقسیم قبیله در نزد آتنی‌ها، واژه «phratrie» به کار برده می‌شد. امروزه از نظر جامعه‌شناسی، «phratrie» به گروهی از کلانها در یک قبیله یا به گروهی از قبایل اطلاق می‌شود. معمولاً «فراتریها» بر مبنای برون همسری (*exogamie*) بنا شده‌اند.
- ۲° *fratrie*: واژه «fratrie» از کلمه لاتین «frater» به معنای برادر (*frère*) آمده است. از نظر جمعیت‌شناسی، (*fratrie*) مجموعه‌ای از خواهران و برادران یک خانواده است. به نقل از: *petit Robert 1*، ص ۸۲۵ و ۱۴۲۷. (م.)
- ۲- برای واژه «phratrie»، آقای «دکتر محمود روح‌الامینی» معادله‌ای، مجتمع (فراتری)، «روابط دوتیمه‌ای» و «ترکیبی از دوتیمه» را به کار برده‌اند (مبانی انسان‌شناسی، نوشته: محمود روح‌الامینی، ص ۱۵۹، ۲۵۳، ۳۲۱. (م.)

دعا و طلسم

phylactère

کلمه‌یی است که منشاء آن دارای تعبیری یونانی از يك واژه عبری است و اختصاص به شیئی دارد که انسان آن را با خود حمل می‌کند تا از گزند نیروهای فوق طبیعی در امان بماند، هرچند این شیء می‌تواند غالباً دارای يك کارکرد ثانویه تزیینی باشد.

Syn. : amulette.

(Angl. : *phylacteries*, یا *amulets*.)

انسان‌شناسی جسمانی

physique, anthropologie

V. *anthropologie physique*.

پیاش یا پیاز

piache ou piase

واژه‌یی است با ریشه «کاراییب» **caraïbe*. در بعضی از ممالک آمریکای لاتین، این واژه مختص «شامان» **chamane* یا «معالج» **guérisseur* اقوام سرخ‌پوستی است.

(Angl. : *piase*.)

پیبلوتکو

Piblotko

V. *hystérie arctique*.

پیدژین

Pidgin

پیدژین به زبانی اطلاق می‌شود که از تماس عناصر زبانی اروپایی (آلمانی، پرتغالی و به ویژه انگلیسی)، مالزیایی و ملانزی تشکیل شده و در

آغاز برای ارتباط بین جمعیت‌های بوم‌زاد ملانزی و نمایندگان قدرت حاکم (سرشته داران، ژاندارمها، مبلغان مذهبی، تجار) به کار می‌رفته است و بعداً «زبان ارتباطی» **langue véhiculaire* جمعیت‌های بوم‌زادی شد که به یک زبان تکلم نمی‌کردند. پیدایش در تحت نام «ملانزی نو» **néo-mélanésien* این شانس را خواهد داشت که در حکومت مستقل آینده گینه نو به صورت زبان ملی درآید.

همچنین زبان مختلطی که به این طریق تکوین یافته و توسط سوداگران، بازرگانان و دریانوردان اروپایی مورد استفاده قرار می‌گرفت و درخاوردور به کار می‌رفت، به نام پیدایش نامیده می‌شده است، به قسمتی که برخی از پژوهشگران این واژه را به یک ریشه چینی نسبت می‌دهند.

(Angl. : pidgin.)

pi' i

پی‌ئی

این واژه تائیتی که ترجمه کامل آن «استیضاح یک نفر» یا «پرخاش به یک شخص» است، آداب و رسوم پولینزی قدیم را نشان می‌دهد و مبتنی است بر منع کاربرد برخی از نامهای مشترک. یعنی، وقتی این اسامی با نام شخصی یا تشریفاتی یک رئیس بزرگ و یا به زعمی با نام سلطان «تائیتی» عجین شدند، از آن زمان به بعد، کاربرد این واژه‌ها منسوخ و قدغن خواهد بود. حتی، در این مورد کافی است به اصطلاحات و واژگانی فکر شود که کاربرد روزمره آنها می‌توانست در اثر تداعی معانی نام و شخص رئیس را مجسم کند. به این ترتیب ملاحظه می‌شود که در جلوس هر رئیس مافوق یا «سلطان»، کلماتی از رایجترین اصطلاحات حذف شده و به جای آنها واژه‌سازیهایی یا تعویضهایی صورت گرفته است. حاصل این کار ظهور تدریجی یک فقر زبانی است که به عنوان شاهد می‌توان از آنچه به نام شعر حماسی و ادبیات شفاهی و سنتی این جماعت حفظ شده است نام برد.

هرچند که آداب و رسوم *pi' i* بسیار برجسته و نمایان است، مع هذا اینگونه مرسومات جز حالت ویژه‌ای از کاربندی ظاهراً جهانی در «تبوی نام‌بری» **tabou de nomination* نیست و مردم‌شناسی با مثالهای بیشماری از آن‌آشناست و شایسته است که مطالعه آن تشویق شود. زیرا، این

بررسی به يك اندازه به پدیده‌های زبان شناختی و جامعه شناختی، که کمتر شناخته شده‌اند، روشنی می‌بخشد.

(Angl. :idem.)

piraûru ou pirrauru

پی‌دورو

نام بوم زاد یکی از نادرترین موارد معروف به «ازدواج‌گردهی» *mariage* de groupe* است که در نزد دیری (Dieri) ها، يك قبیله استرالیا، پدیدار شده است.

(Angl. :idem; All. :idem)

Plaines, Indiens des

سرخ‌پوستان دشتها

این واژه مختص اقوام سرخ‌پوست متفاوتی است که در دشتهای مرکزی ایالات متحده بین کوهستانهای صخره‌ای و می‌سی‌سی‌پی و نیز بین تکزاس و کانادا زندگی می‌کنند و مشخص کننده يك «حوزه فرهنگی» *aire* culturelle* هستند. در این گروه به ویژه از جنوب به شمال، کمانش Comanches از خانواده زبانی «او-تو-ازتک» *uto-aztèque*، اوزاژ Osages ها از خانواده زبانی «سیو» *Sioux**، کیو و آ Kiowa ها از خانواده «kiowa»، گرو - وانترو Gros-Ventre ها، شین Cheyennes ها و آراپاهو Arapaho ها از خانواده «الگونکین»، داکوتا Dakota ها یا سیو Sioux* ها، کرو Crow* ها، هیداتسا Hidatsa ها از خانواده «سیو»، بلاک‌فوت Blackfoot ها، پلن کری Plains Cree ها از خانواده «الگونکین» و غیره جا دارند. سرخ‌پوستان دشتها به طور سنتی شکارچیان شکارهای بزرگ (مانند گاو و وحش، گوزنها و غیره) بوده‌اند و بهترین فعالیت‌های آنان اختصاص به تعقیب گاو و وحش داشته است. حیواناتی که سرخ‌پوستان، غذا و جوهر اصلی فرهنگ مادی‌شان (مانند؛ لباس، «تی‌پی» *tipi** و غیره) را از آنها می‌کشیدند. آنان به تربیت اسب پرداختند، یعنی چیزی که از قرن هیجدهم فرهنگ سنتی آنها را عمیقاً تغییر داد. به هنگام افزایش و گسترش جماعت سفیدپوست («پیشرفت به سمت غرب»)،

تقریباً تمام سرخ‌پوستان دشته‌ها نابود و منهدم شده‌اند، امروزه بازمانده‌های آنان و فرزندان این آخرین گروه‌ها، در درون مناطق محدودی روزگار می‌گذرانند.

همچنین، گاهی به جای سرخ‌پوستان دشته‌ها، واژه تقریباً معادل آن را که «سرخ‌پوستان چمن‌زارها» است به کار می‌برند.

Lowie R. H. *Indians of the Plains*, 1954.

(Angl. : *Plains Indians*.)

روابط یا خویشاوندی ریشخندآمیز

plaisanterie, relations de; ou parenté à

جوامع مختلف گاه در انتظار برخی از خویشاوندان هستند که هریک نسبت به دیگری با مسخرگی و شوخی رفتار می‌کنند و این همان چیزی است که روابط یا خویشاوندی ریشخندآمیز نامیده می‌شود. در اکثر موارد کاربرد این رسم اقتضاء می‌کند که همیشه مسئله مربوط به همان فرد خویشاوندی باشد که به خود اجازه این یگانگیها را می‌دهد، در صورتی که خویشاوند دیگر باید اینگونه روابط را بی‌هیچ ضعف و لغزشی یا با لبخند بپذیرد.

V. *relations d' évitement*.

(Angl. : *Joking relationships*.)

ازدواج جمعی

plural, mariage

نوعی ازدواج است که در آن یک فرد در آن واحد دارای چندین همسر است. ازدواج جمعی می‌تواند به صورت «چند زن» **polygyne* یا «چند شوهر» **polyandre* باشد.

Syn. : *mariage polygame*.

(Angl. : *plural marriage*.)

plurigénisme تکوین چندگانه، مختلف‌الاجداد

V. *polygénisme*.

poison de pêche زهر برای صید ماهی

V. *pêche à la nivrée**

pointe اسلحه نوک‌تیز، سرنیزه، نیش

این واژه برای سلاحهای نوک‌تیز یا ابزار نوک‌تیزی به کار می‌رود که متخصصان تکنولوژی آنها را مختص افزارهایی می‌دانند که نوکشان از یک قسمت فعال یا مؤثر تشکیل شده است.

(Angl. : *piercing weapons*.)

politique, anthropologie انسان‌شناسی سیاسی

V. *anthropologie politique*.

polyandrie چند شوهری

قاعده و دستورالعملی است که به موجب آن یک زن در آن واحد با چند مرد وصلت کرده است. جوامعی که به این نوع ازدواج تن در داده‌اند کمیابند و شناخته شده‌ترینشان عبارتند از: تودا Toda های هند، مارکیزی‌های (Marquisiens) پولینزی و برخی از گروههای «تبت».

Prince Pierre de Grèce (1963).

Ant. : *Polygynie*.

(Angl. : *polyandry*.)

polygame, famille**خانواده چند همسر**

گروهی است مرکب از دو خانواده هسته‌ای یا بیشتر از آن، که به وسیله «ازدواج جمعی» *mariage plural** به هم وابسته بوده و بنابراین دارای پدر یا مادر مشترک هستند.

(Angl. : *polygamous family*.)

polygénisme**پولی ژنیسم، تعدد مبادی، چندتکوینی**

پیش از تولد نظریه‌های تطور و تکامل‌گرایی در زیست‌شناسی، پولی-ژنیسم آیینی بوده است که بر طبق آن هر نژاد انسانی یک نوع زیستی مشخصی را تشکیل می‌داده است. امروزه «*polygénisme*» (یا «*plurigénisme*» یا «*polyphylétisme*») نظریه‌یی است که بر طبق آن نژادهای مختلف انسانی به مبادی متفاوتی ارتباط پیدا می‌کنند. این نظریه با الهام از نژادپرستی، به طور کلی دیگر قابل پذیرش نیست، اما برای توجیه موجودیت نژادهای اصلی انسان اندیشه‌ورز و هوشمند (*Homo sapiens*)، حتی، بعضی از مؤلفان به آنجا کشیده شده‌اند که به طرزی عجیب و غیرعادی از «چند نژادی داخلی» (*polyphylétisme interne*) سخن برانند یعنی از-*polyphylétisme* که در داخل خانواده انسان نجاها ظاهر می‌شوند!

Ant. : *monogénisme, monophylétisme.*

(Angl. : *polygenesis*.)

polygynie**چند زنی**

قاعده و دستور العمل مربوط به ازدواج چند همسر است که به موجب آن یک مرد در آن واحد با چند زن وصلت کرده است. ازدواج چند زنی در اکثر جوامع چند همسر به کار بسته می‌شود.

Ant. : *polyandrie*

(Angl. : *polygyny*.)

پلی فیله‌تسیم، چند نژادی، مختلف‌الاجداد
polyphylétisme

امروزه این واژه مترادف واژه «*plurigénisme*» است.

Popol – Vuh

پوپل – ووه

دست‌نویس مایا maya به خط لاتین که به تدریج به وسیلهٔ سرخ-پوستان در سالهای بعد از کشورگشایی (یعنی سالهای ۳۹-۱۵۳۴ یا سالهای ۴۸-۱۵۵۴ بر حسب منابع موجود) از طریق روایات شفاهی فراهم شده است. «Popol – Vuh» در عین حال یک کتاب مذهبی (مخصوصاً شامل اساطیر مربوط به منشاء جهان) و تاریخی است (که به ویژه به شرح مهاجرت‌های کیشدها Quichés و کاکشی‌کتوها Cakchiqueto، یعنی مایاهای سرخ-پوست گواتمالا می‌پردازد).

(Angl.: *idem.*)

Population

جمعیت

در معنای محیط‌شناسی خود، واژه جمعیت به مجموعه‌ای از گروه‌های افراد (اعم از حیوانات یا گیاهان) اطلاق می‌شود که مربوط به یک ارگانیسم *organisme* زنده در یک مکان معین است.

V. *biotope, communauté.*

(Angl.: *idem.*)

postulats, méthode des

روش اصول موضوعه

این روش که مربوط به علوم اجتماعی است. عمدهٔ زیربنایی از روش

واژه «*organisme*» گاهی در نزد مؤلفان و مترجمان معانی مختلفی چون: «ساز-واره»، «اندام‌وارگی»، «سازمان‌آلی» و «اندام» به خود گرفته است. (م).

قیاسی علوم دقیقه دارد و مبتنی است بر طرح يك سلسله از فرضیه‌های عمومی یا «اصول موضوعه» که از آنها پیشنهادات بسیار ویژه‌ای منشعب شده‌اند و یا مبتنی بر «قضایای علمی» است، که در این صورت باید مطابقتشان با امور واقعی مورد بررسی قرار گیرد. متأسفانه مفهوم مطابقت یا تناقض در علوم اجتماعی مانند فیزیک روشن نیست، زیرا موضوعات مطالعه آنها به‌شمار بزرگی از متغیرهای وابسته بستگی دارند و می‌توانند به‌روش چند گانه‌ای معین شوند، یعنی، در نهایت به‌گونه‌ای اختیاری یا مبهم مشخص گردند. همچنین، این موضوعات به‌راحتی از طبقه‌بندی می‌گریزند و کسانی که از این روش استفاده می‌کنند به‌تعیین «ضرایی» می‌پردازند که «مطابق با قاعده» بوده و انتخابشان اساساً اختیاری است. با اینهمه، اگر این میل و اراده ناگزیر در علوم اجتماعی، که به‌ویژه در «انسان‌شناسی» به‌وسیله «مورد» (Murdock, 1949) عمومیت یافته، خود را به‌وسوسه و انگیزش يك شکل‌گرایی باطنی و ظواهر ریاضیات - که خالی از مفهوم یا باروری است - تسلیم نکند، در این صورت، نفع بزرگی را عرضه خواهد کرد.

Murdock (1949).

(Angl. : *postulational method*.)

پتلاچ

Potlatch

این واژه که مربوط به زبان سرخ‌پوستان نوکا (nootka) است به‌معنای «بخشیدن» آمده و مبین يك هبه (don) و در رابطه با رقابت یا تحریک است. واژه پتلاچ در آغاز به‌نهادی مربوط می‌شد که ویژه سرخ‌پوستان سواحل شمال غربی ایالات متحده (اقوام کواکیوتل، تلیئوتیت، قسیمشیان و غیره) بود، سپس، این عمل یا کاربندیهای (pratiques) مشابه آن در بقیه نقاط جهان شناخته شد و بیش از پیش به‌وسیله مردم‌شناسان، همانند واژه‌ای عام و برای سنخ‌معینی از رفتار افراد نسبت به مال و منال، مورد استفاده قرار گرفت. پتلاچ، برای رؤسا و اعضاء طبقات اشرافی عبارت از تقدیم تشریفاتی مال و ثروت به‌يك رقیب در جهت حقیر شمردن، خوار یا ذمه‌دار کردن اوست. گیرنده هدیه در حالی که نمی‌تواند آنچه را که به‌عنوان پیشکش به‌او تقدیم شده رد کند، در مقابل وضعیت دشواری قرار می‌گیرد، یعنی یا باید اقرار به شکست کند و همه

مقام و تمام حیثیت و اعتبارش را - با نشان دادن اینکه بعدها نیز قادر به تهیه همه متقابل مورد انتظار نیست - از دست بدهد و یا اینکه تن به مبارزه داده و همه آنچه را که دریافت کرده بود با تنزیل به رقیب برگرداند.

از وقتی که شرایط اقتصادی و جمعیتی را، که در رابطه با عملکرد پتلاچ است، عوض کرده‌اند، نهاد آن نیز تغییر شکل یافته است. ورود اقتصاد تجاری سفیدپوستان، حتی در لحظه‌ای که در آن جماعات سرخ‌پوستی بر اثر زوال جمعیت مورد خطر قرار می‌گرفت، باعث پدیده‌های تورم شده و به رقابت افراد برای حفظ مقامها و موقعیتهای حیثیتی‌شان خاتمه داده است. با رعایت تمام جهات، پتلاچ به کارکرد خود، که به منزله توزیع نقشهای اجتماعی در بین افراد و بقایی برای «جشن تخریب ثروتهای سنتی» بود، پایان بخشیده است.

Barnett (1938), Boas (1897), Codere (1950), Durcker et Heizer (1967), Mauss (1925), Vayda (1961).

(Angl. :idem.)

غارگران، تغذیه‌کنندگان شکار

prédateurs

V. chasseurs-cueilleurs.

ازدواج ترجیحی

préférentiel, mariage

برخلاف منع «زنا با محارم» *inceste** ازدواج ترجیحی قاعده و دستورالعملی از ازدواج مثبت است که برای برخی از اشخاص به‌عنوان همسر، ارزش قایل می‌شود، بدون اینکه، از آنان همسرانی حتمی و ناگزیر بسازد. متداولترین و مشخصترین شکل ازدواج ترجیحی، ازدواج بین پسر دایی‌ها، دختر دایی‌ها، پسر عمه‌ها و دختر عمه‌های عرضی است، ازدواجی که، سواى دختر عمو، فقط با دختر دایی (دختر برادر مادر Fe Fr Me) یا با دختر عمه (دختر خواهر پدر Fe Sr Pe) ترجیح داده می‌شود. می‌توان «*lévirat**» (ازدواج با بیوه برادر) و «*sororat**» (ازدواج با خواهرزن) را نیز، که در اکثر جوامع

مرسوم بوده‌اند، مواردی از ازدواج ترجیحی دانست، هرچند که در جامعه قدیم عبری، «*lévirat*»، به ویژه، خصلت يك «ازدواج تجویز شده» (*mariage prescrit*) یا تحمیل شده را داشته است.

به طور کلی عرف و عادت ازدواج ترجیحی در بطن يك جامعه مشخص - مگر برای يك طبقه اجتماعی خاص یا برای طبقه‌ای از اشخاص که از پایگاه اجتماعی معینی برخوردارند - واجد ارزش نیست و اعضاء دیگر جامعه بر حسب يك قاعده متفاوت ازدواج می‌کنند.

(Angl.: *preferential marriage*.)

prélogique, mentalité

ذهنیت پیش از منطق

مراد از این اصطلاح، که توسط «لوی-برول» *Lévy-Bruhl* «عمومیت یافته، مشخص کردن پیشرفت عقلی «وحشیان» است. نثر به «مشاکت عرفانی» *participation* mystique* که روح را اداره می‌کند، «وحشیان» هنوز به مرحله‌ای که در آن تشخیص بین روابط منطقی و غیر منطقی پدیده‌ها ممکن خواهد بود نرسیده‌اند. با اینهمه، لوی-برول به درستی خواهان اعطاء چنین مرحله‌ای به آنهاست. «وحشیان» به معنای حقیقی ضد منطق نیستند؛ و از جهتی به خاطر بی تفاوت بودن، در توقعات مربوط به سلوک يك استدلال جامی گیرند. این سنخ از اصول موضوعه نمایانگر يك زمان مشخص در تاریخ «قوم مرکزی» *ethnocentrisme** جامعه‌شناسی اروپایی است.

(Angl.: *praelogical mind*; All.: *Prälogischer Geist*.)

presse à manioc

دستگاه فشار مانیوک

V.: *sebucan*.

(Angl.: *basketry manioc press*.)

primaire, mariage

ازدواج نخستین

نوعی پیوند زناشویی است که برای نخستین بار توسط يك فرد منعقد

شده است، هر وصلت دیگری که بعد از آن صورت گیرد، به نام «ازدواج ثانویه» *mariage secondaire* نامیده می‌شود. این تمایز واجد اهمیت است، زیرا اکثر جوامع برای دو مورد فوق قواعد بسیار متفاوتی دارند.
(Angl.: *primary marriage*.)

خویشاوندان نخستین **primaires, parents**

صورت دیگری از «خویشاوندان نزدیک» *proches parents* است که کمتر رواج دارد.
(Angl.: *primary kin.*)

ابتدایی **primitif**

واژه‌ی است که جانشین کلمهٔ تحقیرآمیز و علناً نامناسب «وحشی» *sauvage* شده و برای توصیف ملت‌های زنده‌ای که در حال حاضر در خارج از تمدن صنعتی هستند به کار می‌رود. این واژه هنگامی که تسلط انسان‌شناسی، توسط نظریه‌های تطور و تکامل گرایان، محرز بوده، در آداب و رسوم شفاهی و زبانی ما داخل شده است، به طوری که برحسب این نظریه‌ها می‌توانند ملت‌های زنده‌ای را، در خارج از جریان اروپایی-آمریکایی نخستین ساکنان زمین، همانند سازند؛ ملت‌هایی که خصالت‌های اصلی و مفروضاتشان به عنوان مترادف‌های مقدماتی، خشن و یا به حد افراط ساده در نظر گرفته شده‌اند. هرچند امروزه دیگر این دیدگاه‌ها به طور کلی مورد پذیرش نیستند، مع‌هذا، همیشه از جوامع «ابتدایی» صحبت می‌شود و این مسئله شاید به علت فقدان انتخاب بیطرفانه‌تری برای اصطلاحات مربوط به جوامع «سنتی»، «بوم‌زاد»، «بدون خط»، «باستانی»، «کوچک» و غیره باشد. این جوامع نسبت به جوامع^۱ ما این اشکال را عرضه می‌کنند که به صورتی محروم و یا نفی شده و بعلاوه

۱- لازم به تذکر است که مراد نویسندگان «فرهنگ مردم‌شناسی» از اصطلاح «جوامع ما» (*nos sociétés*) همان جوامع پیشرفته و احتمالاً جوامع صنعتی و غربی‌ست. (م)،

در وضعیتی بی‌اندازه کلی و خاص تشریح و تعریف شده‌اند.
(Angl.: *primitive*)

شیربها، قیمت نامزد **Prix de la fiancée**

مجموعه‌ای از کالا مانند جواهرات یا پول است که از طرف شوهر آینده یا خویشان او در اختیار عروس آینده یا خویشاوندان او قرار می‌گیرد. مبلغ و ترکیب شیربها به وسیله آداب و رسوم تثبیت شده و عموماً به پایگاه اجتماعی دو عضو متعهد بستگی دارد. غالباً مبلغ پرداخت شده به همان نسبت که شوهر آینده خیلی ثروتمند یا خیلی قدرتمند باشد، زیادتر خواهد بود. نقش ویژه این نهاد می‌تواند به طرز باشکوهی قرارداد ازدواج را مسجل و تثبیت کرده، یا ثبات زناشویی را تضمین نماید و یا با خودنمایی و نظاهر به جبران خسارتی پردازد که به گروه مربوط به زن به خاطر ازدست دادن یکی از اعضایش وارد شده است. در هیچ مورد و با وجود نامی که معمولاً به این عمل داده شده است، این مسئله ارتباطی به یک معامله تجاری که موضوع آن زن باشد ندارد، اما موضوع آن چیزی همانند یک «جهیز* dot» برگردانده شده است.

(Angl.: *bride price* یا *bride wealth*)

خون‌بها، یا گاهی بهاء سر **prix du sang ou, parfois, Prix de la tête**

V. *wergeld*.

(Angl.: *blood money*.)

خویشاوندان نزدیک **proches parents**

به اعضاء يك خانواده «هسته‌ای* *nucléaire*»، یعنی: پدر، مادر، پسر، دختر، برادر و خواهر اطلاق می‌شود.

(Angl.: *primary kin*.)

خانواده زاد و ولدی **procréation, famille de**

این «خانواده هسته‌ای» *famille nucléaire** به وسیله هر فردی که ازدواج می‌کند بنا نهاده می‌شود و شامل همسر و فرزندان آنهاست. خانواده زاد و ولدی یکی از دو خانواده هسته‌ای است که لزوماً به هر فرد بزرگسالی تعلق دارد که از تمامی استعدادهای جسمانی و حقوق اجتماعی خویش بهره‌مند می‌شود و خانواده دیگر «خانواده دایه‌یاب» *famille d'orientation** است.

(Angl.: *family of procreation*.)

هرج و مرج در مسایل جنسی ابتدایی، بی‌بند و باری جنسی **promiscuité primitive**

این اصطلاح که مورد عنایت شگرف طرفداران «تطور و تکامل‌گرایی» *évolutionnisme** است، نشان دهنده نخستین مرحله کاملاً فرضی است که بشریت از آن گذر کرده است. این مرحله به وسیله بی‌تفاوتی کامل روابط جنسی بین مردان و زنان جامعه ابتدایی مشخص می‌شود، یعنی، شریکان این دوره از زندگی ابتدایی هرگز آن علاقه و انس پایداری را که باعث به هم پیوستن و عقد دوستی آنها شده باشد نداشته‌اند و به هیچ وجه دارای ممنوعیت «زنا» با محارم *inceste** نبوده‌اند.

(Angl.: *promiscuity*.)

به جلو حرکت دهنده، دستگاه اعزام **propulseur**

یک صفحه یا تیرکه چوبی ساده‌بی‌ست که به یک قلاب یا سوراخ کوچکی ختم شده است و بازویی دارد که دراز شده و یک نیزه معمولی یا یک نیزه صید از آن خارج می‌شود. با این وسیله که یکی از دو انتهای آن را بادست نگه می‌دارند و روی انتهای دیگرش سلاحی قرار دارد که باید به خارج

۱- برای توضیح بیشتر در باره اصطلاح «*promiscuité primitive*» به زیرنویس واژه «*Bachofen*» مراجعه شود. (م).

فرستاده شود - نیرو و قدرت تیراندازی به طرز جالبی بهتر می‌شود. از «propulseur» در جوامع مختلفی در گینه - نو، استرالیا، آمریکا (به ویژه در پرو و در مکزیک) و در نزد «اسکیمو» *Eskimo ها استفاده شده است. همچنین این وسیله را در «عصر گوزن شمالی» در اروپا نیز یافته‌اند. (Angl.: spearthrower.)

انسان‌شناسی روان تحلیلی

psychanalytique, anthropologie

V. anthropologie psychanalytique.

پوئبلو

Pueblo

در تحت نام پوئبلو، اقوام متفاوتی از سرخ‌پوستان تجمع می‌یابند و در روستاهای ساخته‌شده از «آدوب» *adobe، که در مناطق کویری جنوب غربی ایالات متحده (آریزونا و نئومکزیک) واقع شده‌اند، زندگی می‌کنند. شناخته شده‌ترین این اقوام «هوپی» *Hopi ها، «ذونی» *Zuni ها و «کرس» *Keres ها هستند (دسته اخیر قبایل اکوما را نیز در برمی‌گیرند). به جهت اینکه مسکن این قبایل در روستا قرار دارد، برای همه آنها نام کلی «پوئبلو» را به کار می‌برند، زیرا در زبان اسپانیایی واژه «pueblo» به معنی «روستا» است. پوئبلوها به چندین گروه زبانی تقسیم می‌شوند که عبارتند از: «کرسان» *Keresan، شوشون Shoshone (شامل هوپی ها)، ته‌وا Tewa، ذونی و غیره. فرهنگ مادی این دسته از سرخ‌پوستان آمریکای شمالی توسعه یافته‌ترین فرهنگ‌هاست. مناطقی که امروزه در آن به سر می‌برند قطعات محدودی هستند که در بیشتر اوقات به صورت نوارهای کم عرض روستاهای محل سکونتشان را احاطه کرده‌اند. در سال ۱۹۷۱ تعداد پوئبلوها به ۲۰۰۰۰ تن تخمین زده شده است که از این تعداد، تقریباً ۵۲۰۰ تن هوپی و ۵۰۰۰ تن ذونی بوده‌اند.

Eggan.: *The social organization of the Western Pueblos*, 1950; Dozier: *The Pueblo Indians of North America*, 1971; Sebag (1971).

پولک

pulque

نوعی نوشیدنی تخمیر یافته است که در مرکز يك رایج بوده و از عصارهٔ اگو *agave* یا «مگی» *maguey* (*amaryllacées*) ساخته شده است.
V. bière
 (Angl.: *idem.*)

پیگمه

pygmée

این واژه در یونان مختص مردمی بسیار کوتاه قد بوده است که در منطقهٔ نیل علیا به سر می‌برده‌اند و در «انسان‌شناسی جسمانی» *anthropologie* physique* به عنوان يك واژهٔ کلی برای نامیدن آن دسته از گروه‌های مختلف انسانی به کار می‌رود که میانگین قدشان علی‌القاعده برای مردان ۱/۵ متر است. تعلق پیگمه‌ها به نژاد سیاه، که از نظر بعضی «ابتدایی» ترین شکل آن هستند، موضوع بحث‌های زنده و داغی بوده است. پیگمه‌های آفریقا اغلب به نام «نگری» *négrilles* نامیده شده‌اند. با اینکه پیگمه‌های آسیا و اقیانوسیه و نیز پیگمه‌های جزایر «آندامان» *Andaman** به عنوان «نگریتو» *négritos** مشخص شده‌اند، مع‌هذا همهٔ آنها، بدون اینکه دقت نظر دیگری در کار باشد، می‌توانند «پیگمه» نامیده شوند. «نگری»‌ها و «نگریتو»‌ها هیچ نقطهٔ مشترکی جز قد کوتاهشان ندارند. پیگمه‌ها، به دلیل فرضیه‌های پیشرفتهٔ «پدر روحانی‌اشمیت» *P. Schmidt**، که آنان را به صورت امانت‌داران ابتدایی‌ترین فرهنگ بشری یا نمایندگان يك مرحلهٔ اصلی‌تطور و تکامل فرهنگی می‌دید، نقش تقریباً بزرگی در تاریخ نظریه‌های مردم‌شناختی بازی کرده‌اند. فرهنگ مادی ابتدایی و مسکن طبیعی آنها در جنگل‌های کنگو، در واقع، به مثابهٔ شاخص‌های کافی ابتدایی بودن به حساب آمده‌اند. از شناخته شده‌ترین متخصصان در بارهٔ پیگمه‌ها باید از «پل شبستا» *P. Schebesta** و «هاردن گوزیند» *M. Gusinde** نام برد. (Angl.: *pygmies*; All: *Pygmäen.*)

* * *

Q

که‌شوآ، یا که‌چوآ، یا کی‌شوآ quechua, ou quetchua, ou quichua

این واژه منشأ سرخ‌پوستی داشته و اختصاص به يك خانواده زبانی دارد که حوزه مربوط به آن قسمت بزرگی از منطقه مرکزی آند Andes را در آمریکای جنوبی (اکواتور، بولیوی، پرو) می‌پوشاند. واژه که‌شوآ یا «runa simi» که توسط فاتحان «اینکا» در قرن پانزدهم به اقوامی بازبانهای متفاوت تحمیل شده، امروزه شامل چندین متغیر است که آنها را به دو واحد بزرگ گویشی تقسیم می‌کنند: یکی به نام «که‌شوآ»ی جنوب (که به وسیله متخصصان زبان‌شناسی به گویش A معروف است) که در منطقه فلاتهای علیا، که از شمال شیلی و شمال غربی آرژانتین تا حوضه مانتارو Mantaro امتداد دارد، تکلم می‌شود و دیگری به نام «که‌شوآ»ی شمال (یا گویش B) که در اراضی علیا و از مانتارو تا مرز کلمبیا رایج است. در حال حاضر که‌شوآ به وسیله ۶۰۰۰۰۰۰ تن صحبت می‌شود. همچنین، این واژه نشان‌دهنده گروه‌هایی از سرخ‌پوستان است که به این زبان تکلم می‌کنند.
(Angl.: *Quechua*.)

کرساژ، کرسوآر queursage, queursoir

به عمل پیش از دباغی گفته می‌شود که مبتنی است بر جدا کردن گوشت از پوست و ازاله مو و پشم پوست يك حیوان باستردن و تراشیدن آن. «کرسوآر» یا دستگاهی که برای این کار استفاده می‌شود، اساساً از يك تیغه

عرضی ساخته شده که طبیعت و طریقهٔ دسته انداختن آن بر حسب اقوام تفاوت دارد.

کی‌پو quipu, یا quipo, یا quipou

کی‌پو دستگاهی بود که به وسیلهٔ «اینکا»ها و شاید هم تقریباً پیش از آنها به وسیلهٔ موشیکا Mochicaها برای ثبت اعداد استفاده شده است. این دستگاه، از شبکه‌ای از ریسمانها یا نخهای رنگی به هم پیچیده تشکیل شده و بخشهای متفاوتی داشت که در فواصل نامنظمی روی یک طناب بسیار کلفت ثابت شده بود. در آنجا گره‌هایی به اندازه‌ها و وضعیتهای متفاوت یافت می‌شد که ارزشهای عددی را عرضه می‌کردند و اجازه می‌دادند تا واحدها و مضربها به روش یک چرتکه جمع بسته شوند. عموماً چنین تصور می‌شود که نظام عددی به کار رفته اعشاری است. این دستگاه، به‌ویژه برای اهداف آماری و زمان‌بندی در اختیار «حسابداران» متخصص و «کی‌پوکامایوک»ها (*qui pucamayoc*) بوده است و تنها، این افراد به طرز کار آن آشنایی داشتند. امروزه هنوز چوپانان «آند» از نوعی کی‌پو برای صورت‌برداری از قرارداد چرا و مقررات مشابه استفاده می‌کنند. هرچند که کی‌پوها به‌طور محسوس کمتر تکمیل شده‌اند، ولی، در سایر مناطق جهان مورد استفاده قرار می‌گیرند.

(Angl. : *qui pu* یا *khi pu*.)

* * *

R

race

نژاد

از نظر زیستی، نژاد يك گروه انسانی است که از سایر گروهها به وسیله مجموعه‌ای از صفات جسمانی توارثی متمایز شده است (صفات تشریحی: رنگ پوست، شکل سر و غیره؛ صفات فیزیولوژیک: تقسیم گروههای خونی؛ صفات مرضی: عکس‌العملهای متفاوت نسبت به بیماریها و غیره). دهها نژاد وجود دارند که جزء تقسیمات فرعی چهار گروه بزرگ (یا «نژاد بزرگ») هستند که نژادهای سفید (= قفقازیها یا «لکودرمها» *leucodermes*)، نژادهای زرد (= مغولها یا «گزانتودرمها» *xanthodermes*)، نژادهای سیاه (یا «ملانودرمها» *mélanodermes*) و نژادهای «اولیه» (استرالیایی، تاسمانی و «ودا» *Vedda**) را در برمی‌گیرند. از آنجا که خصیصه‌های نژادی همیشه به‌وضوح مشخص نیستند، از این رو، بنا بر عقیده انسان‌شناسان، طبقه‌بندیهای نژادی می‌توانند متفاوت باشند.

از نظر مردم‌شناسی، واژه نژاد واجد معانی چندانی نیست، زیرا هیچگونه ارتباط آشکاری بین صفات جسمانی - که تنها موضوع يك مطالعه نژادی هستند - و فرهنگهای متفاوت ظاهر نمی‌شود. از این مسئله چنین برمی‌آید که می‌توان از عامل نژادی در برابر پدیده فرهنگی صرف نظر کرد. از طرفی شمار فرهنگها نسبت به نژادها بیشتر است، مثلاً تعداد غیرقابل مقایسه و بسیار بزرگ (مثلاً چندین هزار) از فرهنگ نسبت به نژاد وجود دارد و برخی از فرهنگها که از نژادهای متفاوتند می‌توانند نسبت به هم بسیار نزدیکتر از فرهنگهای دیگری باشند که از يك نژادند.

(Angl.: race; All.: Rasse.)

نژادشناسی

raciologie^۱

این واژه گاه برای نشان دادن يك رشته كه موضوعش مطالعه علمی تفاوت‌های نژادی است به کار رفته است. به نظر می‌رسد كه نژادشناسی چیزی جز يك شبه علم نباشد كه در اثر زیاده‌رویهایش (مانند نظریهٔ جمع‌شناسی به منظور طبقه‌بندی موهوم نژادها برحسب شاخص سر) به يك «نژادپرستی» ظاهراً علمی منجر گردیده و مسلك نازیها به نحو تعجب‌آوری باعث اشتها آن شده است.

V. race, racism.
(Angl.: raciology.)

نژادپرستی

racisme

نژادپرستی باوری است مربوط به عدم تساوی نژادهای انسانی که به نام آن برخی از نژادها یا فرهنگها خود را در تحت استثمار اقتصادی، جدایی اجتماعی و حتی فساد جسمانی یافته‌اند. هر فرد یا هر سیاستی که اعمالش به طور آگاهانه یا غیر آگاهانه از این باور سرمشق گرفته باشد، فرد یاسیاستی-ست نژادپرست. نژادپرستی هیچگونه پایه علمی ندارد و بنا به دلایل اقتصادی، روانشناختی، تاریخی، مذهبی و غیره اقدامات بیشمار برای تبیین تکوین و توسعه آن صورت گرفته است. با احتساب همه جنبه‌های جزئی (اقتصادی، سیاسی و غیره) که می‌تواند بر تراز هر نوع تبیینی باشد، نژادپرستی در ارتباط با پدیدهٔ پیچیدگی است که نمی‌تواند جز به عنوان يك «واقعۀ اجتماعی تام *fait* social total*» به حساب آورده شود. نژادپرستی، در يك شكل فعل‌گرای قوم‌مداری که در همهٔ گروه‌های انسانی مشترك است و نیز در جوامع غربی که دارای آرمان‌کلی یا چندگانه‌ای هستند، با مظاهر ویژه و تندى شناسانده شده است.

۱- «raciologie»، شاخه‌ای از انسان‌شناسی جسمانی‌ست که به مطالعهٔ پدیده‌های نژادی می‌پردازد و معادل آن «انسان‌شناسی نژادی» یا *Anthropologie raciale* است. (م).

V. *ethnocide*.

Fanon (1952), U.N.E.S.C.O. (1960).

(Angl. : *racism*.)

رادکلیف - براون، ا. آر. Radcliffe-Brown, A.R.
(۱۸۸۱-۱۹۵۵).

این انسان‌شناس انگلیسی که عهده‌دار تدریس در همهٔ قسمتهای جهان و به‌ویژه در: استرالیا، آفریقای جنوبی، آمریکا (شیکاگو) و سرانجام انگلستان (اکسفورد) بود، در این کشورها تأثیر پایداری برجای گذاشت. با اینکه مسافر بزرگی بود، اما، مقدم بر همه، یک نظریه‌ساز و پیش از همه، بانی مکتب «ساخت‌گرایی *structuralisme**» در مردم‌شناسی شد. تحقیقات محلی رادکلیف-براون در جزایر «آندامان *Andaman**» (۱۹۰۸-۱۹۰۶)، در تاریخ نظام علمی، مورد توجه قرار نگرفت و نادیده ماند، اما نگرشی که در برابر وقایع اجتماعی داشت باعث اشتهار وی شد. او که سخنگو و مبلغ نظرات «دودکیم *Durkeim**» در انگلستان بود، تحت تشویق وی کوشید تا به انسان‌شناسی نیز طبقه‌بندی دقیقی چون علوم طبیعی بدهد. از طرفی، در آرزوی یک نقطه‌نظر مقایسه‌ای بود تا سرانجام به وسیلهٔ تعمیمات گسترده و وسیعی، استقرار «قوانین» صورت گیرد. بی‌اعتمادی و دشمنی رادکلیف-براون نسبت به بازسازیهای تاریخی مکاتب تطوری و تکاملی (*évolutionnistes**) در آن واحد مربوط به همین جاه‌طلبی دوگانه و هوای روشنفکرانه‌ای بود که از نخستین سالهای شکل‌گیری وی در این زمینه نشأت می‌گرفت. معتبرترین سهم او مربوط به مطالعهٔ عمومی نظامهای خویشاوندی و نظریهٔ جامعه‌شناختی قبایل استرالیایی است. آثار عمدهٔ رادکلیف-براون به شرح زیر است.

The Andaman islanders, 1922; *The social organization of Australian tribes*, 1930; *Structure and function in primitive society*, 1952:

کتاب اخیر جنگی از بهترین مقالات چاپ شدهٔ وی در مجلات است که در سال ۱۹۶۹ به زبان فرانسه ترجمه شده است. به‌منظور سخن‌سنجی از مفاهیم مردم‌شناختی رادکلیف-براون به کتاب

«*Rethinking anthropology*» نوشته «لیچ» *Leach** - به ویژه به فصل اول آن - مراجعه شود. این کتاب نیز در سال ۱۹۶۸ به زبان فرانسه ترجمه شده است.

Radin, Paul

رادن، پل

(متولد د ۱۸۸۳).

مردم‌شناس آمریکایی و متخصص مطالعه سرخ‌پوستان «اوجیبوا» و «وینه باگو *Winnebago*»، که کتابهای تحلیلی قابل توجهی در باره تفکر «ابتدایی» و نیز در مورد روش‌شناسی در مردم‌شناسی منتشر کرده است. آثار عمده رادن به شرح زیر است:

Crashing Thunder: the autobiography of an American Indian, 1926; *The Winnebago tribe*, 1923; *The method and theory of ethnology*, 1933; *The world of primitive man*, 1953 (trad. franç. 1962); *Le fripon divin* (avec Jung et Kérenyi), 1958.

شاخه، شاخه خویشاوندی، خویشاوندی شاخه‌ای

ramage

این واژه که به وسیله «فرت» *Firth** پیشنهاد شده است، اختصاص به گروهی از خویشاوندی دارد که از فرزندان یک جسد مشترک و با اسلوب «خویشاوندی نسبی تفکیک ناپذیر» *filiation indifférenciée** تشکیل شده است. هر فرد در حالی که از این قاعده خویشاوندی نسبی پیروی می‌کند عضو بالقوه چندین شاخه است که در بین آنها کیفیاتی وجود دارد که او را مجبور به انتخاب می‌کند. گروه «هپو» *hapu** که مربوط به «مئودی» *Maori** های زلاندوست - علی‌رغم انحرافی که از نظر خویشاوندی پدر تباری در عمل تحمل می‌کند - تصویر مردم نگاری مشهوری از مفهوم شاخه خویشاوندی است. واژه «ramage»، که مردم‌شناسان حرفه‌ای در پذیرش مفهوم آن از زبان

«فوت» اتفاق آرا ندارند، از این صفت مثبت و خوب برخوردار است که تکمیل‌کننده واژه «*lignage**» به حساب می‌آید، که واژه اخیر نشانگر گروهی از خویشاوندی است که در ارتباط باروش خویشاوندی نسبی يك خطی قرار می‌گیرد

(Angl. :*ramage*.)

Ratzel, Friedrich

راتزل، فردریک

(۱۸۴۴ - ۱۹۰۴).

راتزل که بانی نظریه مربوط به مهاجرتها و جغرافیای انسانی است، تأثیر شگرفی روی مردم‌شناسی زبان آلمانی و به‌ویژه مکتب «دایره فرهنگ یا تمدن» به جای گذاشته است. او که در آغاز طبیعت‌شناس و سپس جغرافی‌دان بود، به‌عنوان روزنامه‌نگار به آمریکای مرکزی مسافرت کرد. راتزل در سال ۱۸۷۶ در دانشکده فنی مونیخ و در سال ۱۸۸۶ در لایپزیک سمت استادی داشته است.

آثار عمده راتزل به شرح زیر است:

Anthropogeographie, 2 vol., 1882—1891; *Völkerkunde*, 3 vol., 1885—1888.

réclusion

گوشه‌نشینی، انزوا

مرحله‌ای است که در طی آن در بسیاری از جوامع، دختران جوان به محض ظهور نخستین علائم بلوغ، باید خود را از دید واز فعالیت‌های اجتماعی دور نگهدارند. تنها تنی‌چند از خویشاوندان، که مسئولیت تغذیه آنها را به عهده گرفته‌و آنان را از راز زن بودنشان در آینده آگاه می‌سازند، می‌توانند به آنها نزدیک شوند. آغاز و انجام مرحله انزوا، که در نزد بعضی از اقوام بیش از يك سال طول می‌کشد، اغلب با تشریفات و جشنهایی متمایز و مشخص شده‌اند.

(Angl. :*seclusion*.)

Redfield, Robert

ردفیلد، رابرت

(۱۸۹۷ - ۱۹۵۸).

این انسان‌شناس آمریکایی، تحقیقاتی در اجتماعات روستایی و شهری آمریکای مرکزی (مکزیک: روستای «Tepoztlan» در ۲۷ - ۱۹۲۶؛ یوکاتان؛ گواتمالا در ۱۹۳۱، ۱۹۳۳ و ۱۹۴۸) انجام داد و آغازگر اینگونه مطالعات شد. (V. *Folk, culture de* -; V. *ethnologie rurale*; V. Lewis) او به‌ویژه کوشیده است تا تأثیر منفی محیط شهری را روی «اجتماعات کوچک»، در خلال تغییرات و تبدیلاتی که بعضی از «ویژگیهای فرهنگی *traits* culturels*» در زمینه‌های متفاوت اجتماعی و در دوره‌های مختلف، تحمل کرده‌اند نشان دهد.

آثار عمده ردفیلد به شرح زیر است:

Tepoztlan, 1930; *Chan Kam, a Maya village* (با همکاری Villa Rojas), 1934; *The folk culture of Yucatan*, 1941; *A village that chose progress: Chan Kam revisited*, 1950; *The primitive world and its transformations*, 1953; *The little community*, 1955; *Peasant society and culture*, 1956.

référence, terme de

واژه عطف، واژه مرجع

وقتی که انسان از يك خویشاوند برای شخص ثالثی حرف می‌زند از این لفظ استفاده می‌شود.

V. adresse, terme d' -

(Angl. : *term of reference*.)

réinterprétation

تفسیر دوباره، بازتفسیر

فرآیندی که به وسیله آن يك فرهنگ عنصر جدیدی را با همانندسازی

باعنا صر ستنی تفسیر می‌کند یا فرآیندی است که به وسیله آن مفهوم فرهنگی صور گذشته به خاطر پذیرش ارزشهای جدید عوض شده است. این عناصر یا ارزشهای جدید می‌توانند از اصل، داخلی (ابداع) یا خارجی (اقتباس) باشند. «آیین تلفیقی» *syncretisme* صورتی از يك تفسیر دوباره است. (Angl.: *reinterpretation*.)

مذهب

religion

از اعتقاد بسیارخشن یا بسیار غیراخلاقی این بشریت بدبخت، برای شناخت آنچه که به اندازه مذهب شریف باشد، گرفته تا آن اصل مسلمی که در آن همه چیز، به دلیل فقدان روح علمی، مذهبی شمرده می‌شد؛ احمقانه‌ترین تفکرات را در باره مذهب «ابتدایی» هادنبال کرده و گاه ادامه می‌دهند. امروزه به طور کلی مواضع، زیروهم بیشتری دارند، زیرا اگر فقط همین مسئله را در نظر داشته باشیم می‌بینیم که مذاهب غربی ما سرشار از بحرانند و نیز این روح علمی که این قدر به آن مغرور شده‌ایم، ضربات شدیدی را، گاه به دلایل معرفت شناختی و گاه به دلایل آرمانی، تحمل می‌کند. بنابراین، در حال حاضر این مسئله مورد تصدیق است که زندگی جوامع غیر اروپایی در بعضی از حالات مذهبی و در سایر موارد غیر مذهبی است و نیز در حوزه‌های معینی سرشار از باورهای غیر عقلانی بوده و در قلمروهای دیگر از توقعات منطقی پیروی می‌کند. در واقع، در اینجا همه چیز همانند جوامع سفیدپوستان و فرهنگ آنان است و باید گفت که این دو جامعه اروپایی و غیراروپایی (*exotique*) عین یکدیگرند. زیرا «ابتدایی» ها مفهوم مربوط به خدا (یعنی آنچه که از خدای مربوط به آنها تفسیر می‌شود) را به همان اندازه احساس و ادراک می‌کنند که مفهوم مربوط به ارواح یا اشباح مردگان را. آنچه از نظریه‌های پیشین «قوم مرکزی» *ethnocentrisme* و مباحثات و مجادلاتی که آنها را احاطه کرده‌اند باقی می‌ماند، تمایزی است بین مذهب و جادو که اغلب کاربرد آن، به منظور تأیید واقعیت موجود در محل تحقیق، مشکل به نظر می‌رسد. اما همین تمایز از لحاظ نظری دارای جنبه‌های مثبت و قابل ملاحظه‌ای است. جادو می‌تواند به مثابه مجموعه‌ای از اعمال مفروض تعریف شود که به طور مستقیم نیروهای مافوق طبیعی را مجبور می‌کند تا برای انسان نتیجه معینی

را از پیش فراهم نماید. اگر چنین نتیجه‌ای حاصل نمی‌شود به دلیل ارتکاب يك اشتباه یا يك شعایر غلط به هنگام انجام مراسم مربوط به جادوست، اما این فقط مربوط به نیروهای مافوق طبیعی است که علیه اجراکننده مراسم، نافرمانی می‌کنند. برعکس، مذهب به طرف موجوداتی می‌رود که از میان آنها انسان می‌کوشد تا جلب ملاحظت و حسن‌نیت کند و این موجودات مدام می‌توانند از اجابت امیال خود امتناع ورزند. نتیجه خواسته شده، مستقیماً به وسیله يك تکنیک به دست نیامده است، اما به طور مستقیم با همکاری یا حمایت موجودی که از اراده مستقل و آزادی برخوردار است حاصل می‌شود. در شمار بسیاری از مذاهب که شامل مذاهب مسیحی نیز می‌شود، این دوجنبه متمایز - حتی اگر تعالیم عالمان علوم لاهوتی در آنجا مخالف هم عمل کنند - باهم وجود دارند و عملاً در رفتار واقعی وفاداران این مذاهب ایجاد می‌شوند. (Angl.: religion.)

résidence, règle de

قاعده اقامتگاه

قاعده دستورالعملی است که بر طبق آن در هر جامعه برای محل سکونت زوجی که تازه ازدواج کرده‌اند تصمیم گرفته می‌شود. این قاعده به سؤال دو گانه‌ای پاسخ می‌دهد: «چه کسی» بعد از ازدواج محل اقامت خود را تغییر می‌دهد؟ و این تغییر برای رفتن به «کجا» است؟ قاعده اقامتگاه، با همان عنوان قاعده «خویشاوندی نسبی» *filiation، در شمار «نظام خویشاوندی *système de parenté» يك جامعه قرار می‌گیرد.

(Angl.: rule of residence.)

rhombe

رُمب

تیغه چوبی نسبتاً ظریف و درازی است که دوران آن به کمک يك طناب صدایی تولید می‌کند که قابل مقایسه با صدای يك سیرن بوده و به مثابه صدای اجداد مردگان یا ارواح خبیثه یا صدای برخی از خدایان به حساب آورده شده است. کاربرد این وسیله در انحصار کشیشان یا محرمان راز (initiés) است و ساخت آن عموماً تشریفات پیچیده‌ای دارد و واجد ممنوعیتهای بیشماری است. ذهب که به ویژه در استراليا مشهور است، مثال و تصویر

بارزی از مفهوم «شودینگا* *churinga*» در آنجاست و در همهٔ قسمت‌های جهان و مخصوصاً در یونان تحت نام «*rhombus*» در مورد اسرار باستانی به کار برده شده است (از اینجاست که مردم‌شناسی در جستجوی يك نام کلی برای آن برآمده تا امروزه بتواند به‌طور معمول مورد استفاده قرار گیرد).

(Angl.: *bull roarer*.)

rites de passage

مناسک گذر

V. *passage*, rites de.

rituel

شعائر، مراسم آیینی و تشریقاتی

مراد از *rituel* مجموعه‌ای از سخنان بر زبان آمده، حرکات انجام یافته و موضوعات و اشیاء دستکاری شده است که دقیقاً مورد جمع‌آوری و تدوین قرار گرفته و به‌باور مربوط به حضور فعال و مؤثر موجودات مافوق طبیعی ارتباط می‌یابد. بدینگونه است که مثلاً "مذهب می‌تواند باتکیه بر اعتقاد به موجودات مافوق طبیعی، باتکیه بر بعضی از رفتارهای تأثیر پذیر و هیجان‌آور در برابر این موجودات و نیز باتکیه بر طریقهٔ معینی برای تماس با آنها تعریف و مشخص شود، و این طریقهٔ تماس همان «شعائر *rituel*» است.

(Angl.: *ritual*.)

Rivers, W. H. R.

ریورز، دبلیو. اچ. آر.

(۱۸۶۴ - ۱۹۲۲).

این انسان‌شناس انگلیسی، نخستین شکل‌گیریش در پزشکی و روانشناسی بوده است. او در نخستین سفر هیئت اعزامی مردم‌نگاری، به معنای جدیدش، که در سال ۱۸۹۸ تحت سرپرستی «هَدن» *Haddon* به «تنگهٔ تورز» صورت گرفت شرکت کرد و حاصل این سفر بررسی‌هایی بود که هنوز به‌صورت نمونهٔ بارزی از دقت علمی و تدبیر و احتیاط باقی مانده است. او در سال‌های

۱۹۰۱-۱۹۰۲ اقوام تودا را در جنوب هند مطالعه کرد. در قسمت دوم کارنامه شغلیش، دیودز تسلیم جذبه تاریخیگری شد و به بازسازیهای گذشته و منشاء ملت‌های بدون خط پرداخت، اما از آنجا که این بازسازیها پایه و اساس درستی ندارند و نیز ساده و جزمی هستند، بنابراین ما را به‌خنده واداشته یا ناراحت می‌کنند. اما، آنچه از دیودز برای آیندگان باقی می‌ماند این است که اولاً؛ مطالعه وقایع اجتماعی را در نخستین ردیف يك بررسی در محل تحقیق قرار داده و ثانیاً؛ به تحلیل خویشاوندی يك روش و ارایه چندین مقوله اساسی پرداخته است.

آثار عمده دیودز به شرح زیر است:

The Todas, 1906; *The history Melanesian society*, 2 vol. , 1914; *Kinship and social organization*, 1914; *Social organization*, 1924.

Rivet, Paul

ریوه، پل

(۱۸۷۶ - ۱۹۵۸).

دیوه، که ابتدا پزشک بود، يك هیئت علمی فرانسوی را در آمریکای جنوبی همراهی کرد و به این ترتیب حرفه‌اش را به عنوان مردم‌شناس متخصص در آمریکای لاتین به دست آورد. در ۱۹۰۸ آسیستان موزه تاریخ طبیعی و در ۱۹۲۶ مدیر موزه مردم‌نگاری «تروکادرو» *Trocadero* شد. این موقعیت شغلی به او اجازه داد تا «موزه انسان» *Musée de l' Homme* را در سال ۱۹۳۷ تأسیس کند. دکتر دیوه در حالی که در سازمانهای ضدفاشیستی علیه فاشیسم مبارزه می‌کرد به عنوان نماینده سوسیالیست برگزیده شده بود، پیش از جنگ ۴۵ - ۱۹۳۹، زندگی در آمریکای لاتین را در طی سالهای اشغال برگزید. او در پایان زندگی از سیاست «ایجاد صلح و آرامش» (pacif-ication) دولت فرانسه در الجزایر، در طی مبارزه‌ای که به رهبری F.L.N.

۱- «تروکادرو *Trocadero*»، یکی از میادین شهر پاریس و محل استقرار «موزه انسان» است. (م).

برای استقلال این کشور شروع شده بود، دفاع کرده است.
آثار عمدهٔ دیوه به شرح زیر است:

Les origines de l'homme américain, 1943; *Métallurgie pré - colombienne*, 1946.

Roheim, Geza

روهیم، ژزا
(۱۸۹۱-۱۹۵۳).

این دانشمند که از يك روح دایرة المعارفی برخوردار بود در بوداپست به دنیا آمد. در آغاز، مطالعات مردم‌شناسی را در برلن و لایپزیک انجام داد و سپس درحالی که مسخورتفکرات فرویدی شده بود، توسط فرنچی در ۱۹۱۵-۱۶ مورد تحلیل قرار گرفت و به ناچار زندگیش را وقف اقدام و کوششی کرد که مربوط به ترکیبی از روانکاوی و انسان‌شناسی بود. او بعد از اقدام برجسته و نمایان فروید در «توتم و تَبو *totem et tabou*»، نخستین کسی بود که مسایل و مفروضات مردم‌نگاری را در روشنایی روانکاوی از سر گرفت. دوهیم که از دشمنی مالینوسکی در حق فروید برانگیخته شده بود، در ۱۹۲۹ در استرالیای مرکزی (آدونتا، لوریتجا)، در ۱۹۳۵ در گینه‌نو (جزیرهٔ نورمانی) و به مدت چندماه در ۱۹۳۱ در زمینهای ویژه سرخ‌پوستان «یوما» *Yuma** در کالیفرنیا به تحقیقات محلی پرداخت. در ۱۹۳۸ نازیسم او را مجبور به مهاجرت به ایالات متحده کرد و در ۱۹۵۳ در نیویورک مرد.
آثار عمدهٔ دوهیم به شرح زیر است:

Australian totemism, 1925; *The riddle of the Sphynx*, 1943; *The origin and function of culture*, 1943 (trad. franç. 1971); *The eternal ones of the dream*, 1945; *Psychoanalysis and Anthropology*, 1950 (trad. franç. *Psychoanalyse et Anthropologie*, 1967).

Rorschach

آزمون لکه‌های جوهر (رورشاخ)

V. tests projectifs.

روكو يا اوروكو

roucou, ou urucu

به ميوه هاى «*Bixa orellana*» (دوكو مى گویند كه پس از خورد كردن
برای ساختن نوعى خمیر قرمز رنگ به كار مى رود. این خمیر در منطقه گرمسیر
آمریکا برای نقاشی روی بدن یا برای تزئین بسیار مورد استفاده قرار گرفته
است. دوكو اغلب كاشته مى شود.

(Angl. :urucu, یا uruku.)

S

قربانی

sacrifice

عملی است که به وسیله آن حیوانات یا موجودات انسانی را از هم‌نوعان‌شان جدا نگه می‌دارند یا آنها را برای تقدیم به پیشگاه يك الوهیت به قتل می‌رسانند.

(Angl. : *sacrifice*.)

درخت نان، نخل آرددار

sagoutier

به نوعی نخل به نام *Metroxylon rumphii* و سایر انواع آن گفته می‌شود که در مناطق باطلای حوزة استوایی، به ویژه در کینه نو رشد می‌کند. ساقه اینگونه نخلها واجد مقدار زیادی نشاسته است که مصرف غذایی دارد. درخت‌نان را گاه می‌کارند و گاه در مناطق گیاهان خودرو، به وسیله گروهای انسانی همسایه شناخته و تصاحب شده و مورد بهره‌برداری قرار می‌گیرد.

(Angl. : *sago palm*.)

سالیش

Salish

V. Haida

salutation larmoyante

سلام اشك آلود

در بعضی جوامع، به ویژه در آمریکای جنوبی، به نوعی سلام و خوش-آمدگویی برمی‌خوریم که مبتنی است بر گریه‌وزاری و تظاهراتی از غم‌واندوه، که یا برای عضوی از گروه، که غیبتش طولانی شده صورت می‌گیرد و یا برای يك فرد خارجی است که برای نخستین بار با او ملاقات می‌کنند.
(Angl.: *Weeping salutation*.)

Samoans

ساموآ (ن)ها

به جمعیت پولینزی که در جزایر ساموآ *samoa* ساکنند اطلاق می‌شود، این مجمع‌الجزایر از نظر سیاسی و اداری بین يك حکومت مستقل (جزایر ساموآ غربی) و يك قلمرو تحت‌الحمايه آمریکا (جزایر ساموآ شرقی) تقسیم شده است. جمعیت ساموآ تقریباً به ۱۲۵۰۰۰ نفر می‌رسد و اختلاط نژادی در آنها خیلی کمتر از گروه‌های پولینزی (مثلاً اهالی هاوایی و تاهیتی) است. این جماعت زمان درازی است که سازمان اجتماعی سنتی خود را حفظ کرده‌اند و به ویژه نظام سیاسی و تشریفاتی آنان با موجودیت يك اشرافیت بر تحرك و يك بازی سیاسی پیچیده و يك برچسب ظریف و آیین تلطیف شده که شعایر تشریفاتی «کاوا» *kava* را به اشتها رسانده حفظ شده است. اهالی ساموآ که به هنگام ورود نخستین دسته از اروپاییان به سرزمینشان، صاحب يك فرهنگ مادی بسیار توسعه یافته بوده‌اند، امروزه از يك «ادبیات شفاهی» **littérature orale* بسیار غنی (یعنی اساطیر و شعر) برخوردارند.

Krämer, A.: *Die Samoa Inseln*, 2 vol., 1902;
Mead M.: *Coming of age in Samoa*, 1928; *The social organization of Manu'a*, 1930.

Samoyède

ساموید

به گروهی از زبانهای اورالی گفته می‌شود که توسط قبایل مختلفی که در سیبری زندگی می‌کنند تکلم می‌شود. اکثر آنها کوچنده هستند و در

منطقه‌ای بین رودخانه‌های «اب Ob» و «ایه‌نیسه‌ای Iénisséi» جا به جا می‌شوند. بعضی از این قبایل «ترك زده» شده‌اند.

sanza

سانزا

نوعی افزار موسیقی‌ست که از چندین زبانه کوچک نرم تشکیل شده که طولهای نامساوی دارند و به وسیله يك خرك كه در حكم جعبه انعكاس صوت است به صورت زه‌هایی درمی‌آیند. سانزا به وسیله بسیاری از اقوام آفریقایی مورد استفاده قرار گرفته است.

(Angl.: idem.)

Sapir, Edward

ساپیر، ادوارد

(۱۸۸۴ - ۱۹۳۹).

زبان‌شناس و مردم‌شناس آمریکایی که اصل و نسب آلمانی داشت و استاد دانشگاه ییل Yale و شیکاگو بود. او که خود را وقف مطالعه سرخ - پوستان آمریکای شمالی کرده بود در قلمرو مردم‌شناسی عمومی سهم مهمی در نظریه نظامهای «خویشاوندی *parenté» داشت و در این پایگاه، به ویژه از این طرز فکر که عوامل جامعه‌شناختی خود به تنهایی قادر به محاسبه خطوط ویژه‌ای از واژگان خویشاوندی نیستند دفاع کرده است. آثار عمده ساپیر به شرح زیر است:

Language, 1922 (trad. franç. 1970); *Wishram ethnography*, 1930 (با Spier); *Nootka texts*, 1939; *Anthropologie*, 1967.

sarbacane

سارباکان

لوله‌بی‌ست که در آن می‌دمند تا گلوله‌های کوچکی (نظیر گلوله‌های کوچک توپ یا پیکانهای کوچک) را پرتاب کنند. این لوله که طولش به ۴ متر هم می‌رسد، می‌تواند با استفاده از نی‌های طبیعی، مانند *Arudinaria* در

آمازونی، تنها از يك قطعه یا از چندین قطعه به دنبال هم که قطر آنها با دقت اندازه‌گیری می‌شود، ساخته شود. گاه این لوله به وسیله يك لوله ثانویه با قطری بیشتر نگهداری شده و می‌تواند به دهانه خاصی ختم شده باشد. سارباکان، به مثابه اسباب بازی در اروپا و در شرق دور و همچون اسلحه در آمریکای استوایی و در ملانزی به کار برده شده است. در این مورد آخر باید گفت که پیکانهای کوچک مورد استفاده که عموماً به قدر کافی کوتاه (تقریباً ۲۰ سانتیمتر) و بسیار نوك تیز (واخیزران تراشیده و غیره) هستند، اغلب به زهر اندوده شده‌اند (مانند زهر «کوداد» *curare**). مفصلی از نسوج گیاهی، که به ته پیکان کوچک بسته و ثابت شده است، باعث می‌شود تا هیچ منفذی بین لوله و پیکان موجود نباشد. سارباکان يك سلاح بسیار کاریست که بردش به راحتی به ۲۰ متر می‌رسد، در این فاصله نیروی نفوذ و رسوخ پیکان آن بسیار زیاد خواهد بود.

(Angl. : blow tube.)

sauvagerie

توحش

بعضی از انسان‌شناسان مکتب تطور و تکامل‌گرایی. به ویژه «مورگان» *Morgan** تاریخ بشریت را به سه دوره عمده یا سه مرحله تقسیم می‌کنند:

مرحله توحش، که با فقدان کوزه‌گری و ظروف سفالی مشخص شده که عصر آن در نهایت با کار برد کمان و پیکان همراه بوده است؛ مرحله بربریت، یا عصر سفالگری و ابزارهای آهنی؛ سرانجام، مرحله تمدن، که در ارتباط با ظهور خط است. عبارات و اصطلاحاتی که در این طبقه‌بندی به کار رفته‌اند و در معانی رایجشان به اندازه معانی اشتقاق یافته‌شان ثقیل به نظر می‌رسند، قوم مرکزی مربوط به علوم انسانی را در اواخر قرن نوزدهم ظاهر می‌سازند. این واژگان همچنین فقدان علنی اطلاعات را در مورد شمار بزرگی از فرهنگها و تمدنهای دیگر آشکار می‌کند و این علی‌رغم حسن نیت مورگان بود. با اینهمه اومی‌کوشید تا تنها درجه تکامل فنی جوامع مورد نظر را منظور نکند، بلکه، توسعه سایر قلمروهای فرهنگ (مانند فعالیت‌های اجتماعی و اقتصادی، نهادهای سیاسی و غیره) را نیز در نظر داشته باشد.

V. primitif, promiscuité.
(Angl. : *salvager*.)

شبستا، پل

Schebesta, Paul

مبلغ مذهبی، که در سال ۱۸۸۷ به دنیا آمد و در سال ۱۹۱۱ حکم کشیشی گرفت. شبستا که شاگرد و مرید «پ. اشمیت *P. Schmidt» بود، نظریه «دایره فرهنگ یا تمدن *Kulturkreise» او را از سر گرفت و از ۱۹۲۰ تا ۱۹۲۳ جزء هیئت نویسندگان مجله «انسان *Anthropos» شد. شبستا را معمولاً يك مردم‌شناس می‌نامند، اما بهتر است که او را يك زبان‌شناس به حساب آوریم. وی به تحقیقات محلی بيشماری دست زده و به‌ویژه نزد سمانگ Semang های مالاکا Malacca (از ۱۹۲۴ تا ۱۹۲۵)، پیگمه‌های آفریقای مرکزی (در ۳۰-۱۹۲۹ و ۳۵-۱۹۳۴)، نگریتوهای فیلیپین (در ۳۹-۱۹۳۸) و پیگمه‌های کنگو (در ۵۰-۱۹۴۹ و ۵۵-۱۹۵۴) به بررسی پرداخته است.

شبستا در مطالعه پیگمه‌نماها (pygmoides) خیلی زود به تخصص رسید، به طوری که در این مورد يك کارشناس معروف بین‌المللی شده است. آثار عمده شبستا به شرح زیر است:

Die Bambuti-Pygmaen von Ituri, 4 vol. 1938-1950;
Les pygmées, 1940; *Die Negrito Asiens*, 3 vol., 1952-1957; *Ursprung der Religion*, 1961.

اشمیت دبلیو.، پدر روحانی
Schmidt, W., Le Père (۱۸۶۸-۱۹۵۴).

اشمیت که يك مبلغ مذهبی و مردم‌شناس بود، «مکتب دین *École de Vienne» و مجله بین‌المللی انسان «*Anthropos*» را بنا نهاد. او به خاطر نظریه‌های بزرگ تباریخ فرهنگی مشهور است و به نظر می‌رسد که با تفکرات و جهت‌گیری پژوهشهایش ادامه‌دهنده راه «گرېنر *Graebner» باشد، با این تفاوت که وسعت مطالعات و موشکافی و تیزبینی اشمیت بیشتر

از گردن است. او به مفهوم «دایره فرهنگ یا تمدن» *Kulturkreise* عمومیت داده و از مفهوم مکتب اشاعه، که از خدایهای مکتب «تطود و تکامل‌گرایی» *évolutionnisme* یک خطی بسیار دور مانده، دفاع کرده است. موضوع اصلی تحقیق وی، تکوین اندیشه خدا و شکل‌گیری مظاهر مذهبی در جوامع ابتدایی است. در کارنامه شغلش دو تاریخ برجسته به چشم می‌خورد: سال ۱۹۲۷، یعنی سالی که به عنوان مدیر موزه مردم‌نگاری کاهنی (pontifical) رم منصوب شد، و سال ۱۹۴۱ که به استادی دانشگاه فربورگ (در سوییس) نایل آمد.

آثار عمده اشچیت به شرح زیر است:

Der Ursprung der Gottesidee, 12 vol., 1912 – 55; *Die Sprachfamilien und Sprachenkreise der Erde*, 1926; *Handbuch der Methode der kulturhistorischen Ethnologie*, 1937.

سبوکان

sebucan

سبوکان نامی است که در بعضی از کشورهای آمریکای لاتین به یک سبد استوانه‌ای بلند (به طول تقریباً ۲ متر و به قطر تقریباً ۲۰ سانتیمتر) داده شده است، که آن را پراز «مانیوک» *manioc* سمی رنده‌شده می‌کنند. این استوانه، به وسیله یکی از انتهایش به تیرک یک کلبه محکم شده و به کمک یک بازوی اهرم، که به انتهای دیگر آن ثابت مانده است، کشیده می‌شود، در نتیجه این کار، شیر سمی مانیوک را خارج کرده و قابل تغذیه می‌کنند (*V. cassave*). امروزه این دستگاه شیر کشی که منشاء سرخ‌پوستی دارد، در بعضی از مناطق روستایی آمریکای حاره‌ای، به ویژه در ونزوئلا و کلمبی، فراوان مورد استفاده قرار می‌گیرد. به سبوکان گاه «هاتاپی» *matapi* گفته می‌شود.

Syn.: presse à manioc. مانیوک شیر کشی

(Angl.: basketry manioc press.)

secondaire, mariage**ازدواج ثانویه**

هر پیوند زناشویی که بعد از نخستین ازدواج فرد، که ازدواج «نخستین *mariage primaire*» نامیده شده است، صورت گیرد، «ازدواج ثانویه» نام دارد. «لویرا *lévirat*» و «سودورا *sororat*» اشکال بارزی از «ازدواج ثانویه» هستند.

(Angl. : *secondary marriage*.)

sections, systèmes à**نظامهای بخشی**

در گذشته، این نظامها، «نظامهای طبقات زناشویی» نیز نامیده شده‌اند. نظامهای بخشی علایم مشخصه قبایل استرالیایی هستند که فقط در این منطقه محبوس نبوده، بلکه در ملانزی نیز دیده شده‌اند. این نظامها در جوامعی که برون همسری به صورت «نصفه‌ها *moitiés*» سازمان یافته و خویشاوندی نسبی پدرتباری و خویشاوندی نسبی مادرتباری باهم مشخص شده‌اند وجود دارند و هر فرد را در يك گروه («بخش») که متمایز از گروه پدری و گروه مادری وی است قرار می‌دهند و او را ملزم به قبول همسر در چهارمین بخش می‌کنند که متمایز از سه بخش پیشین است. برجسته‌ترین ویژگی این نظامها این است که اعضای نسلهای متناوبی که تنها به يك «نصفه *moitié*» مربوطند به همان بخش تعلق داشته و به این ترتیب به عملکرد دستگاه اجتماعی يك خصلت ادواری می‌بخشند. مباحثات مربوط به منشاء ممکن و کارکرد این نظامها، تا مدت‌ها بیداد و قیامت کرده‌اند. درحالی که برخی از مؤلفان از این امر پشتیبانی می‌کنند که این نظامها جز در اواخر زناشویی به کار برده نمی‌شوند و نیز محصول همزیستی يك جفت از «نصفه»های پدرتباری و يك جفت از «نصفه»های مادرتباری هستند، سایرین تأکید بر این دارند که کارکردشان پیش از همه تشریفاتی بوده و منشاء آنها در برون همسری دوطرفه پیدا می‌شود و سرانجام گروهی دیگر نیز خواسته‌اند که در این نظامها شاهد نتیجه‌ای غیرمستقیم از قاعده ازدواج بین «پسردهایی عرضی *cousins*croisés*» و امپراطوری واژگان خویشاوندی باشند.

بعضی از نظامها نه فقط چهاربخش، بلکه شامل هشت بخش هستند.

Fox (1967), Murdock (1949), *Notes and Queries*

(1951).

(Angl.: *section systems* یا *class systems*.)

جامعه یا نظام قطاعی *segmentaire, société ou système*

يك جامعه یا سازمان اجتماعی در صورتی «قطاعی» است که به چند گروه از افراد تقسیم شده باشد (مثال: کلانهای $X, Y, Z, \dots$) و خود این گروهها نیز به واحدهای کوچکتری تقسیم شوند (مثال: کلان فرعی $X, Y, Z, \dots$)، به طوری که این واحدهای کوچک نیز پیوندی از واحدهای بازهم کوچکتر پیوسته باشند (مثال: کلان فرعی X ، طایفه های $X', X'', X''', \dots$ را به هم می پیوندند) و این در صورتی است که تقسیمات جزئی نظمهای متفاوت (مثال: $X, X', X'', \dots$) در هر لحظه به طور همزیست موجود باشند و حقیقه جز در وضعیتهای دقیق ظاهر نشوند. به عنوان مثال، بنا بر يك رویداد شناخته شده، هر فرد از این جهت متعلق به کلان X است که خود را از کلان Y متمایز کند و یا به این دلیل به طایفه X' تعلق دارد که تبارنش را با يك عضو طایفه X'' نشان دهد. به این ترتیب، وضعیت هر فرد در کلان، طایفه و... مشخص و معین می شود.

(Angl.: *segmentary system*.)

Seligman, C.G.

سلیگمن، سی.جی.

(۱۸۷۳-۱۹۴۰).

انسان شناس انگلیسی که در آغاز پزشک بود، ابتدا بساکن نخستین تحقیق محلی خود را در سال ۱۸۹۸، با پیوستن به يك هیئت بزرگ اعزامی به «تنگه تورز» به سرپرستی «هدن» *Haddon**، انجام داد. در سال ۱۹۴۰، به نوبه خود، يك هیئت علمی را در گینه نو سرپرستی کرد. وی در ۱۹۰۷ برای تحقیقات مردم نگاری نزد «ودا» *Vedda** های هند اقامت گزید. این انسان شناس، به ویژه، به خاطر تحقیقاتش در سودان (تحت الحمايه انگلیس و مصر) که در معیت همسرش «براندا» *Brenda*: در ۱۹۱۰-۱۹۰۹، ۱۹۱۱-۱۹۱۲ و ۱۹۲۲-۱۹۲۱ صورت گرفت، شناخته شده است.

آثار عمدهٔ سلیگمن به شرح زیر است:

The Melanesians of British New Guinea 1910;
The Veddas (با همکاری براندا ، سلیگمن) 1911; *Races of Africa* , 1930; *Pagan tribes of the Nilotic Sudan*, 1932.

Semang

سمانگ

سمانگ، جمعیتی از «پیگمه *pygmée» در داخل شبه‌جزیرهٔ «مالاکا»ست که به‌زبانی از خانوادهٔ اندونزی تکلم می‌کنند.

Evans, I. H. N.: *The Negritos of Malaya*, 1937;
 Schebesta, P.: *Among the forest dwarfs of Malaya*, 1927; *Die Negrito Asiens*, 3vol. , 1952-57.

Senoufo

سنوفو

قومی در آفریقای سیاه که سرزمینی را که بین ساحل عاج، ولتای علیا و مالی تقسیم شده است، اشغال کرده‌اند. در سال ۱۹۵۸ سنوفوها تقریباً یک میلیون نفر بوده‌اند، این افراد اساساً کشاورز بوده و به‌خاطر ماسکها و مجسمه‌سازی خود مشهور هستند.

sex-ratio

نسبت جنسی، تناسب جنسی

در یک گروه انسانی معین، رابطهٔ عددی بین عوامل مذکر و عوامل مؤنث را «نسبت جنسی» (*sex - ratio*) می‌گویند. «نسبت جنسی»، هنگامی برابر عدد ۱۰۰ است که شمار عوامل مذکر برابر شمار عوامل مؤنث باشد.
 (Angl.: *idem.*)

شامانیسم

shamanisme

V. chamanisme.

شیروکوگوروف، اس. ام.

Shirokogoroff, S. M.

(مرگ دد ۱۹۳۹).

انسان‌شناس روسی، که از سال ۱۹۲۶ مدیر موزه مردم‌نگاری سلطنتی سن پترزبورگ و استاد دانشگاه ولادی وستوک بود و سپس استاد دانشگاه‌های مختلف چینی شد. او کوشید تا برخی از مسایل نظری (به‌ویژه تعریف مفهوم «قوم» *ethnie و مفهوم «شامانیسم» *chamanisme) را روشن سازد. وی تحقیقات محلی پراهمیتی نزد تونگوزهای سیبری انجام داد. آثار عمده شیروکوگوروف به شرح زیر است:

Ethnos, 1923; *Anthropology of Northern China*, 1923; *Ethnical unit and milieu: a summary of the ethnos*, 1924; *Social organization of the Mandchus*, 1924; *Social organization of the Northern Tungus*, 1929; *Psychomental complex of the Tungus*, 1935.

سیب

sib

کلمه‌ای انگلیسی و مشتق از یک واژه قدیم آلمانی به نام «sippe» است که توسط تعداد بیشماری از مردم شناسان آمریکایی به عنوان یک واژه فنی، برای تعیین یک «کلان» *clan که صاحب سرزمین خاصی نیست، پذیرفته شده است. بنابراین همبستگی نمی‌تواند یک زیربنای محلی یا اقامتگاهی داشته باشد.

سیبلینگ، برادر - خواهر

sibling

کلمه‌ی ست انگلیسی که بهترین معادل فرانسه آن «ژرمن» *germain است.

تجارت خاموش

silencieux commerce

نهادی است که زمانی دراز به عنوان ویژگی مشخصی از مرحله ابتدایی، فعالیت‌های اقتصادی و روابط درون‌ایلی به حساب آمده است. تجارت خاموش تنها وسیله مبادله برای هر گونه اشیاء ضروری بین گروه‌های انسانی است که به دلیل نداشتن زبان مشترک یا به خاطر عدم اعتماد مشترک کسی که در پی کینه‌ورزیها حاصل شده است نمی‌توانند با یکدیگر ارتباط برقرار کنند. در محل مناسبی یکی از دو گروه مبادله کننده، اشیایی نظیر: خوراک، افزار و غیره را، که برای گروه دیگر کمبود ایجاد کرده است، عرضه می‌کند. فردا یا پس فردا آن روز گروه اخیر آنها را تحویل می‌گیرد و در مقابل اشیایی را که گروه اول به آن نیازمند است در اختیارش می‌گذارد، در چنین وضعیتی، جایی برای بحث و گفتگو و نیز احتمال خطر برخورد بین دو طرف معامله، که هرگز با هم ملاقات نمی‌کنند، وجود ندارد. به راستی که موجودیت و سودمندی این نهاد واقعی به نظر می‌رسد و امروزه دیگر دخالت‌ها و درگیری‌های نظری را، که گاه در مورد تفکر «ابتدایی» ابراز شده است، نمی‌توان پذیرفت.

(Angl.: *silent trade*.)

سیو

Sioux, یا Siou

سیو يك خانوادهٔ زبانی بزرگ شامل قبایل سرخ‌پوستی است که در غرب «می‌سی‌سی‌پی» در منطقه‌ای که از ساسکاچewan تا مصب رود آرکانزاس Arkansas گسترده شده است، جایگزین شده‌اند. به نظر می‌رسد که قسمت اعظم گروه‌های سیو، در زمان برخورد نخستین اروپاییان با آنها، فقط زمان کوتاهی در این مسکن طبیعی ساکن بوده‌اند. منشاء احتمالی آنان منطقهٔ «Ohio»، «Illinois» و می‌سی‌سی‌پی علیاست. هنگام رسیدن اروپاییان به این سرزمین، تعداد «سیو»ها، بر طبق ارزیابی «مونی Mooney» حداقل ۸۰۰۰۰ تن بوده است، که اکثراً در روستاها ساکن بوده و به کشاورزی می‌پرداختند. مهمترین زبان‌هایی که به این خانواده تعلق دارند عبارتند از: «dakota*»، «mandan»، «winnebago»، «osage»، «hidatsa» و «crow*».

(Angl. :Siouan.)

Siriono**سیریونو**

يك گروه سرخ‌پوستی ساکن در بولیوی است که به‌زبانسی از خانواده زبانی‌توپی - گوارانی tupi - guarani تکلم می‌کنند و در حال حاضر در منطقه‌ای بین ریو گواپره Rio Guaporé و ریو بلانکو Rio Blanco جایگزین شده‌اند، اما، احتمالاً باید از پاراگوئه و از طریق شاگو Chaco آمده باشند.

فعالیت‌های معیشتی آنان، آنها را در گروه جوامع «شکارچیان - گردآوردندگان خوداك *chasseurs - cueilleurs» طبقه‌بندی می‌کند، اما، اطمینانی نیست که آنها از پیش واجد يك تکنولوژی بسیار توسعه یافته نبوده باشند.

Smith, Elliot G.**اسمیت، الیات گرافتون**

V. Elliot - Smith.

Somali**سمالی**

نام قبایلی است که بیش و کم به اسلام روی آورده و تقریباً دویلمیون عضو دارند و در منطقه‌ای که از جیبوتی Djibouti تا شط Tanana امتداد دارد زندگی می‌کنند. این قبایل به‌زبان مشترکی سخن نمی‌گویند.

Lewis, I. M. : *A Pastoral democracy*, 1961.**sorgho****ذرت هندی**

به‌نوعی ذرت که شامل چندین نوع غلات است اطلاق می‌شود که يك عده از آنها آفریقایی وعده دیگر اروپایی - آسیایی هستند. اشکال وحشی

یا خودروی ذرت هندی از نظر متخصصان نشانه‌ای از نقش پراهمیتی است که به وسیله این گیاه در تاریخ مبادی کشاورزی بازی شده است. در بعضی متون، ذرت هندی به اسامی «نوعی» (دزن *millet)، ارزن mil، کائولیانگ kaoliang یا دورا durra نامیده شده است.

Sauer (1952).

(Angl.: sorghum.)

سورورا، ازدواج با خواهرزن، خواهرزن‌گزینی sororat

قاعده و دستورالعملی است که یک مرد بیوه را مجبور می‌کند تا با خواهر همسر فوت شده‌اش ازدواج کند.

(Angl.: sororate.)

نظام خویشاوندی سودانی

soudanais, système de parenté

این نظام که در طبقه‌بندی مورداک در سال ۱۹۴۹ شکل گرفته است، نوعی نظام خویشاوندی و سازمان اجتماعی است که قاعده خویشاوندی پدرتباری و واژگانی از سنخ سودانی را برای دختردایی (عمه)‌ها مشخص می‌کند. بنا به تعریف، به یک واژگان آنگاه سودانی گفته می‌شود که دخترخواهر پدر (= دختر عمه Fe Sr Pc) و دختر برادر مادر (= دختر دایی Fe Fr Me) نامهای متفاوتی داشته و همچنین متمایز از «خواهرها»، دخترخاله (عمو)‌های موازی، خاله (عمه)‌ها و دخترهای خواهر یا برادر باشند. در جوامعی از این سنخ، واژگان خویشاوندی عموماً «توصیفی descriptive*» هستند. سایر صفات نظام سودانی نظیر صفات نظام «داکوتا dakota*» هستند. به ویژه در یک منطقه آفریقایی است که این سنخ سازمان اجتماعی، که هم در منطقه زبان بانتو و هم در منطقه زبان سودانی یافت می‌شود، ملاحظه شده و از آنجا این نام به آن داده شده است.

(Angl.: Sudanese type of kinship system.)

split representation

تصویر و تجسم دوگانه

V. dédoublement de la représentation.

موسیقی آزاددهنده، صدای گوشخراش، نوعی جیرجیرک،
استری دولاتور
stridulateur

گاه این نام به یک افزار موسیقی ابتدایی داده می‌شود که از یک چوب که آن را بایک حرکت سریع روی قطعه چوب دیگری مالش می‌دهند تشکیل شده است. به این افزار موسیقی، «چوب مالش *bâton* à friction*» هم می‌گویند. این افزار به‌ویژه در آفریقا مورد استعمال دارد.
(Angl. : *musical rasp*.)

structuralisme

ساختارگرایی، ساخت‌گرایی

این روش تحلیل، که بدو در زبان‌شناسی توسط «سوسور *Saussure*» رایج شده و توسعه یافته است، در انسان‌شناسی با شیوه‌ای منظم و معین به وسیله «لوی - اشتروس *Lévi - Strauss**»، تا حدودی به خاطر تأثیر عمیقی که «ژاکوبسن *Jakobson**» بر جای گذاشته، به کار برده شده است.
موضوع تحلیل ساختاری پژوهشیست باروش استقرایی «ساختارها *structures**»، که اساساً ناخودآگاه‌اند و می‌توانند از طریق منابع تجربی مردم‌نگاری نظیر قواعد خویشاوندی، «علم اساطیر *mythologie**» شعایر، هنر، مسلک‌های سیاسی، مراسم و اعمال آشپزی و طبقه‌بندیهای گیاه‌شناسی آشکار شوند. ساختارگرایی این امر را مسلم کرده است که ساختارهایی که به این ترتیب ظاهر شده‌اند، مختصات سطح ویژه‌ای از فرهنگ نیستند، اما آنها را، خواه به‌طور مشابه، خواه با استنتاج از قوانین ساده تغییر شکل، با عمومیت بیشتر «در تمام اعمال و نتایج شناخت از جامعه یا از تمدن مطالعه شده» و در همه جا می‌بینیم (لوی - اشتروس). برخی از منتقدان خصلت علمی ساختارگرایی را مورد تردید قرار داده و آن را متصف به فلسفه یا ایدئولوژی می‌کنند.

(Angl. :structuralism.)

ساختار، ساختار اجتماعی

structure, structure sociale

زمان درازی‌ست که مفهوم ساختار و بدویژه ساختار اجتماعی در انسان‌شناسی مورد استفاده قرار گرفته و تعریف آن، که بسیار مورد بحث و گفتگو بوده، برحسب مؤلفان تغییر می‌یابد. اگر هنوز این مفهوم گاه به‌مثابه مترادف سازمان اجتماعی به‌حساب آمده و عملاً با مفهوم روابط اجتماعی یا با نظام کنشهای متقابل - که درسطوح متفاوت جامعه قابل رؤیت است - مخلوط می‌شود، در عوض در رابطه با «ساختارگرایی» مفهوم دیگری دارد که بسیار دقیق‌تر است. در این مفهوم، ساختار با الگوهای از واقعیت تجربی ساخته شده مربوط می‌شود که در انسان‌شناسی توسط مردم‌نگار ترسیم و تشریح شده است. ساختار فی‌نفسه وجود ندارد، ولی در رابطه با ترکیب عناصر است. برای لوی - اشتروس (۱۹۵۸)، «یک ساخت، خصلتی از نظام را تقدیم می‌کند و مبنی بر عناصری‌ست که هر تغییر شکل در یکی از آنها باعث تغییر شکل در سایر عناصر می‌شود. ثانیاً، هر الگو به گروهی از دیگر گونیه‌ها تعلق دارد که هر یک از آنها در ارتباط با یک الگو از همان خانواده است (...). ثالثاً، خصلتهای مشخص شده در فوق، در صورت تغییر شکل یکی از عناصر خود، اجازه می‌دهند که چگونگی عکس‌العمل الگو را پیش‌بینی کنیم. سرانجام، الگو به‌طریقی ساخته می‌شود که عملکرد آن معرف همه کنشهای بررسی شده است». (Lévi-Strauss (1958), Radcliffe-Brown (1952). (Angl. :social structure.)

ساختارهای پیچیده خویشاوندی

structures complexes de parenté

این اصطلاح که توسط لوی - اشتروس در سال ۱۹۴۹ رواج یافته، نشان می‌دهد که در هر سنخ از سازمان، یک نظام خویشاوندی انتخاب چه همسرانی را ممنوع اعلام می‌کند، مع‌هذا، آن قدر پیش نمی‌رود که ازدواج

افراد را به‌طور خودکار معین کند. بنابراین، انتخاب همسر با ملاحظات خارج از خویشاوندی یعنی: عوامل سیاسی، اقتصادی، روانشناختی و غیره تعیین و تحمیل شده است.

ساختارهای بنیانی خویشاوندی

Structures élémentaires de parenté

این اصطلاح که توسط لوی - اشتروس در سال ۱۹۴۹ رواج یافته، نشان می‌دهد که در هر سازمان اجتماعی، یک نظام خویشاوندی نه تنها انتخاب همسرانی را ممنوع اعلام می‌کند، بلکه، طبقه‌ای از افراد را ملزم به ازدواج می‌نماید. در اینجا انتخاب همسر کاملاً با ملاحظات خویشاوندی تعیین و تحمیل شده است. به عبارت دیگر، جوامعی که دارای ساختارهای بنیانی خویشاوندی اند، هنجارهای مثبتی را با مایه ازدواج به کار می‌بندند، در صورتی که جوامعی با «ساختارهای پیچیده *structures* complexes*» فقط دارای هنجارهای منفی اند. مثال مربوط به نظامی که به وسیله ساختارهای بنیانی مشخص شده است عبارت از: «نظامهای بخشی *systèmes à sections**» جوامع استرالیایی است.

(Angl.: *elementary structures of kinship*.)

گشاد کردن مجرای تناسلی

subincision

یک عمل تشریفاتی و آیینی است که نزد بعضی از اقوام استرالیایی مرکزی به کار بسته شده و مبتنی است بر باز کردن کامل یا جزئی قسمت زیرین مجرای تناسلی، که در این صورت مجرا همچنان گشاد باقی خواهد ماند. بعد از این واقعه، مردان باید همانند زنان به حالت چمباتمه ادرار کنند.

V. mutilation.

(Angl.: *subincision*.)

جانشینی، ارث‌بری

succession

جانشینی، انتقال قدرت سیاسی یا اعمال سیاسی یا اعمال تشریفاتی است که بنا بر قواعدی معین از فردی به فردی دیگر صورت می‌گیرد. مردم‌شناسان فرانسوی همانند مردم‌شناسان انگلیسی زبان کاملاً علاقه‌مندند که به‌طور منظم بین «جانشینی succession» و «میراث *héritage» تمایز قایل شوند و کاربرد هر یک از این دو واژه را دقیقاً به‌طور خاص تعیین کنند؛ که در این صورت از سوء تفاهمات به‌طرز شایسته‌ای جلوگیری خواهد شد.

(Angl. : succession.)

رقص خورشید

Sun dance

V. Danse du soleil.

روبنا، روساخت

superstructure

این واژه که از واژگان مارکسیستی به‌عاریت گرفته شده و تعیین‌کننده همه آن چیزی است که در زندگی یک جامعه وجود دارد، متعلق به سازمان فنی - اقتصادی یا «زیربنا *infrastructure» نیست.

(Angl. : superstructure.)

بقاء زیستی، بقاء (زندگی) پس از مرگ

survivance

survivance به‌عنصری از یک فرهنگ اطلاق می‌شود که به‌منزله شاهدهی از یک حالت قدیمی فرهنگ محسوب شده یا همچون ردپایی از برخوردهای تاریخی بین جوامع متفاوت است. در حالت نخست این مفهوم در اساس اقامه برهان تطور و تکامل‌گرایان و در حالت دوم در شالوده براهین ضد تکاملیون (مثلاً اشاعه‌گرایان) دیسه می‌شود. اندیشه بقاء پس از مرگ کمتر قابل لمس است، زیرا این اندیشه به‌زحمت قابل توصیف خواهد بود؛ و اگر این اندیشه را نوعی «کنجکاو فرهنگی» بنامیم، گاه نا توانی در درک پدیده‌ای

را که مبتنی بر تبیین است پنهان می‌کند.

Syn. :*rétention culturelle.*

(Angl. :*witness of the past, یا survival.*)

suttee ou sati

سوتی یا ساتی

این واژه که ریشهٔ سانسکریت دارد، مبین یک قاعده و دستورالعمل هندیست که بیوهٔ شاهزادگان یا طبقات و مقامات بالا را مجبور می‌کند که همزمان با برخی از بردگان، او نیز خود را روی تل‌هیزی که برای سوزاندن جسد همسر متوفایش آماده شده قربانی کند. این رسم تا اواسط قرن نوزدهم به‌ویژه نزد راجپوت Radjpoute ها که تابع نفوذ بسیار زیاد آیین «برهما» بودند، رواج داشته است. آیین «بودا» از اجرای کامل این مراسم جلوگیری کرده است.

(Angl. :*suttee.*)

sympathique, magie

جادوی مهر و محبت

این مفهوم که توسط «جیمس فریزر» *James Frazer** و «مارسل ماس» *Marcel Mauss** رایج شده و عمومیت یافته است در بین فنون جادویی مختلف برای تشخیص فنی به کار می‌رود که مانند پزشکی قدیم بر تشابه بین هدف و وسیلهٔ معالجه استوار بوده است. یعنی پیروی از این اصل می‌کرده که: «هر چیز نظیر خود را خواهد ساخت» و یا به عبارتی، هر چیزی را بامشابهٔ خودش معالجه می‌کنند و مثلاً باید گفت؛ زهر خورده بازهر درمان می‌شود. تقریباً مترادف آن «جادوی مسری» *magie par contagion** است.

(Angl. :*contagion magic یا magic by contagion.*)

syncrétisme

آیین تلفیقی (اختلاطی)

ترکیب دو عنصر فرهنگی متفاوت یا دو فرهنگ با منشاء متفاوت است که در این صورت در معرض تفسیر مجددی واقع می‌شوند. «*syncrétisme*»

همانند «*assimilation* همسانی» یا «*rejet* طرد»، یکی از نتایج ممکن فرآیند «فرهنگ‌پذیری» *acculturation** است. حالات بیشماری از تلفیق‌های مذهبی وجود دارد، مثلاً در کشورهای مسیحی در آمریکای لاتین به‌طور عادی همسانی قدیسان کلیسا با ربوبیت‌های آفریقایی و تفسیر مجددی از دو منبع الهام مذهبی به‌چشم می‌خورد.

V. vaudou, candomblé.

(Angl. : *syncretism*.)

T

tabou

تبو

تبو واژه‌یی است با منشاء پولینزی به معنای «ممنوع» یا «قلغن» و در ادبیات مردم‌شناختی نوعی «منع» به حساب می‌آید که از يك خصلت جادویی-مذهبی برخوردار است و سرپیچی از آن موجب مجازات از جانب قوای نامریی می‌شود. با اینکه نظریه‌پردازان جامعه‌شناسی ابتدایی و تاریخ‌ادیان به تفصیل در قرن نوزدهم از مفهوم تبو و ازحوزه کاربرد آن سخن‌رانده و به بحث نشسته‌اند و نیز به‌منظور تهیه‌جوهری از تقدس و ریشه‌ای از اندیشه‌های مذهبی و اخلاقی از آن، ماهرانه‌ترین فرضیه‌ها را تصویر کرده‌اند، مع‌هذا، بهتر است که تعریف دقیق و خاصی از تبو داشته باشیم و گر نه هر آنچه که منع شده یا سزاوار تو بیخ و وابسته به نوعی ترس موهوم و خرافاتی باشد (نظیر *fady* در زبان ماداگاسکار) در مقوله تبو قرار می‌گیرد و کاربردی نخواهد داشت.

(*tabu* یا *taboo*: Angl.)

tacca

تاکا، نوعی گیاه نشاسته‌ای

به *Arrow-root* که مربوط به پولینزی است. «تاکا» اطلاق می‌شود، که گیاه مناطق ساحلی است و روی خاک‌های شنی می‌روید. این گیاه حاوی نشاسته

است و به مصرف تغذیه می‌رسد.

(Angl. :idem.)

tache mongolique

علامت (لکه) مغولی

این لکه خاکستری یا آبی که مربوط به توزیع خاصی از رنگدانه پوستی است، در قسمت تحتانی پشت بعضی از نوزادان دیده می‌شود، و بین دوتا پنج سالگی از بین می‌رود. این نوع لکه، به ویژه نزد زردپوستان فراوان است.

Talayesva, Don

تالایه‌وا، دُن

تالایه‌وا، سرخ‌پوستی از قبیله «هوپی» *Hopi** است که در سال ۱۸۹۰ متولد شد و به‌اصرار مردم‌شناسی به نام «سیمونسی» *L.W. Simmons* به نگارش شرح حال خود، زمانی که پنجاه سال داشت و رییس يك کلان سنتی بود، پرداخت. این گزارش که یکی از بهترین شاهدان ادبیات مردم‌نگاری به حساب می‌آید، در عین حال که ما را با فرهنگ هوپی از درون آشنا می‌کند، همچنین، در حکم دفاعیه پرشور انسانی است که ناشدنی فوق‌العاده و در کشاکش بین تمدن سنتی و شیوه زندگی یانکی *Yankee* زیسته است. او که در آغاز با محیط اصلی خود انطباق بدی داشت، به مدرسه استعمارگران فرستاده شد و برگ ادغام در دنیای جدید را بازی کرد. اما، بر اثر يك بیماری ناگهانی به تفحص در احوال خود پرداخت. بعد از اینکه شفا یافت به روستای زادگاهش بازگشت و در آنجا مدافع کاربردهای رسوم قدیم شد و علیه نفوذ آداب و رسوم جدید برخاست و مخالف آن دسته از هوپی‌هایی شد که می‌کوشیدند تا با ادارات «یانکی» همکاری کنند. از این رو، در برابر نوگرایان، به صورت آدمی «مقاوم» و «محافظ» سنت قدیم درآمد. به این ترتیب، باید گفت که شرح حال وی دارای جنبه‌های روانشناختی و سیاسی جالبی است.

Sun Chief, 1942 (trad. franç. *Soleil Hopi*, Plon, 1959).

طلسم و دعا

talisman

V. phylactère.

تالانسی

Tallensi

جمعیتیست در آفریقای سیاه که بدویژه در سرحدات ساحل طلا (کشور غنا) و در حوضه ولتا volta زندگی می کند. این جمعیت که تعداد آن در ۱۹۳۱ به ۱۳۴۰۰۰ تن رسیده از ۱۹۳۴ تا ۱۹۳۷ بدوسیله مردم شناس انگلیسی «میرفورت» * *Meyer Fortes* مورد مطالعه قرار گرفته و مشهور شده است. تالانسی ها به گویشی از زبان «مسی» * *mossi* تکلم می کنند. جامعه آنها مثال بارز و برجسته ای از تحرك و پویایی را که خاص «نظامهای قطاعی» * *systèmes segmentaires* است عرضه می کند.

Fortes, M.: *The dynamics of clanship among the Talensi*, 1945.

تاپا

tapa

این واژه که منشاء پولینزی دارد مشخص کننده نوعی پارچه است که از پوسته داخلی بعضی گیاهان نظیر درخت نان، درخت قوت کاغذی *Broussonetia papyrifera*، انواع مختلف «فیکوس» ساخته شده است، که آن را بایک رختکوب مخصوص کوبیده و سپس به هم چسبانده و رنگ می کنند. این پارچه، به تناسب نوع گیاهی که مورد استفاده قرار می گیرد و شیوه ساختی که مورد پذیرش است، کیفیت و ضخامت متفاوتی خواهد داشت. تاپا برای ساختن کیفهای دستی، لباس، ماسکهای رقص و غیره به کار می رود. منطقه ای که در آن تاپا ساخته می شود به طرز وسیعی گسترده بوده و شامل مالانزی و اندونزی است. در این منطقه، دقیقاً زبانهای پولینزی تکلم می شود. بعلاوه، در آفریقا در منطقه دریاهای بزرگ، مواد و مصالحی یافت می شود که شباهت زیادی به تاپا دارند.

(Angl. : bark cloth یا tapa.)

تارانتیسم

tarentisme

مجموعه‌ای از پدیده‌های مربوط به جن‌زدگی جمعی است که در قرن پانزده به اوج خود رسیده است، اما تارانتیسم، با اینکه از روش و سبک آن کاسته شده، امروزه هنوز هم در دورترین روستاهای جنوب ایتالیا وجود دارد. در گذشته برای این باور بودند که جن‌زدگی در اثر نیش رتیل یا عنکبوت زهردار حادث می‌شود. از این رو، در دوره‌ای که در آن تارانتیسم به صورت یک بیماری همه‌گیر شگرفی در آمده بود، قربانیان آن، که اکثراً زن‌ها بودند، دورهم جمع شده و با هیاهو و سرخوشی می‌رقصیدند. تصور چنین بوده است که صدای نی‌ل‌بک‌ها و طبل‌ها، این جن‌زده‌ها را با آهنگ و نوای زنده‌ای به رقص وای می‌دارد و بیماری آنها بسا خروج زهر رتیل به صورت عرق، شفا می‌یابد.

(Angl. : tarentism.)

تارو

taro

این واژه پولینزی مختص نوعی گیاه تک‌لپه‌ای خوراکی (*Colocasia esculenta*) است، که در سرتاسر خاک اقیانوسیه کاشته می‌شود. بسا خروج بلورهای سمی اکسالات این گیاهان، می‌تواند از ریشه‌های آنها که به‌ویژه از نظر مقدار پروتئین در سطح بالایی قرار دارند غذایی با کیفیت مطلوب تهیه کرد. به‌وسیله بوم‌زادان اقیانوس آرام، چندصد نوع مشخص از این گیاهان شناخته شده و کشت می‌شوند.

(Angl. : idem.)

آزمون ت. آ. ت.

T. A. T.

این علام اختصاری که توسط «Murray» رایج شده، برای اصطلاح «آزمون ادداک موضوعی» «*Test d' Aperception Thématique*» به‌کار می‌رود.

V. testes projectifs.

(Angl.: *Thematic Aperception Test*.)

tatouage

خالکوبی

خالکوبی نوعی آرایش جسمانی است. به وسیله خراشهای خیلی کوچک، نقاشی انتخاب شده را در پوست چاپ کرده و سپس رنگدانه‌های مناسب را در محل آن داخل می‌کنند. بی‌هیچ تردید باید گفت که نمی‌توان سایر روشهای آرایش جسمانی نظیر «*moko**» و «*incision*» را به‌مثابه خالکوبی به حساب آورد. زیرا این روشها سطح پوست را سالم و دست‌نخورده باقی نمی‌گذارند. در الگوهای جمع‌آوری شده، خالکوبیها از گوناگونی بیشماری برخوردارند که در هر جامعه فهرست خاص آن به وسیله کارشناسان خبره حفظ و غنی شده است. پولینزیها، که واژه «*tatouage*» از زبان آنها گرفته شده، و ژاپونیه‌ها به‌خاطر ظرافت هنرمندانه خالکوبیهایشان مشهور هستند.

V. mutilation.

(Angl.: *tatoo*. All.: *Tatowierung* یا *Tatouierung*.)

Tchambuli (ou Chambuli) (یا شامبولی)

چامبولی نام قبیله کوچکی در گینه‌نوست که در کنار دریاچه چامبولی و در دره سبک زندگی می‌کنند. این قبیله به‌خاطر مطالعه هارگاردت، مید* *Margaret, Mead* شناخته شده است. مید در سال ۱۹۳۱ افراد قبیله چامبولی را تقریباً ۵۰۰ تن به حساب آورده است.

Mead, M.: *Sex and temperament in three primitive societies*, 1935.

Tê

ته

این واژه بوم‌زاد که مر بوط به گینه‌نوست معرف نظام مبادلات تشریفاتی

و جشن و سروری است که در سرزمین هیگلند^۱ *Highlands*، اجرا می‌شود. این نظام تشریفاتی در مقیاسی به‌کار می‌رود که در آن دهها هزارتن از قبایل متفاوت شرکت دارند و ثروتهای بیشماری دست به‌دست می‌شود. سرانجام ضیافت‌هایی برپا می‌کنند که در جریان آن صدها و حتی هزاران خوک ذبح‌شده را در بین مدعوین تقسیم می‌نمایند. نظام ته در زندگی اجتماعی گروه‌های شرکت‌کننده اهمیت خاصی دارد و این اهمیت از آنجا ناشی می‌شود که عملکرد پدیده‌هایی که این نظام را همراهی می‌کنند در ارتباط با نوعی خودنمایی و تظاهر به‌داشتن ثروت و نیز به برپادادن آن قرارداد. از این رو این نظام می‌تواند از نظر اقتصادی نقش نظری و عملی مهمی در زندگی گروه‌ها ایفا کند. به این ترتیب، از خیلی جهات می‌توان گفت که این نظام به نظام «پتلچ **pottlach*» و نظام «کولا **kula*» نزدیکتر است.

(Angl. : *idem.*)

فنون استفاده از بدن techniques du corps

مجموعه‌ای از شیوه‌های خاص هر جامعه است که به کودک، در دلچسب‌ترین سنی که دارد، منتقل می‌شود و به این ترتیب کودک طرز استفاده از جسمش را در ارتباط با هنجارهای فرهنگی یاد می‌گیرد. یک مادر ملانزی فرزندش را به‌طرزی غیر از مادر اروپایی حمل می‌کند. وضعیت و حالتی که یک مرد تروبریا^۲ به‌هنگام جماع دارد با مرد غربی یکی نیست. طرز نشستن یک فرانسوی سرمیز غذا با یک انگلیسی متفاوت بوده و همه این عادات جسمانی از فنون ویژه‌ای سرچشمه می‌گیرند. اصطلاح فوق که توسط «مادسل هس **Marcel Mauss*» رواج یافته، اهمیت این موضوع تحقیقاتی را، در مردم‌شناسی نشان می‌دهد.

Mauss, M. : «Les techniques du corps», in *Journal de Psychologie*, vol. 32, 1936.

۱ - «Highlands» که در زبان فرانسه به معنی «زمین‌های مرتفع» (*Hautes terres*) است، به قسمت شمالی سرزمین اسکاتلند اطلاق می‌شود که یکی از نقاط دیدنی و توریستی است. (م).

این کتاب در مجموعه آثار مسی در سال ۱۹۵۰، تجدید چاپ شده است.

تکنونیمی

teknonymie

تکنونیمی کار بردی است که در آن نام یک فرد با توجه به نام فرزندش مشخص می شود؛ مثلاً بجای اینکه فردی را با نام واقعی یا با یک واژه خویشاوندی که ارتباطش را با شخص مورد نظر معین می کنند صدا کنند، می گویند: «پدر یا مادر فلانی».

(Angl. : *teknonymy*.)

تی پی

tepee

V. tipi.

محل یا زمین تحقیق

terrain

هر چند برای بعضی فرستادن مردم شناسان مبتدی به «محل» در حکم نوعی «تنبيه^۱» و برای برخی دیگر به منزله آزمایشگاه واقعی مردم شناسی به حساب می آید، مع هذا، زمین تحقیق مکانی است که در آن پژوهشگر با موضوع تحقیق خود آشنا می شود و اگر به وسیله نوعی مردم شناسی مبارز (بررسی مسایل «حاشیه ای» محیط شهری یا مطالعه درباره «فرهنگ فقر») جذب شده

۱ - در واقع، فرستادن مردم شناس به «محل»، خود در حکم نوعی کارآموزی بود که جنبه «تنبيه» و «تبعید» هم داشت و وقتی می خواستند به شخص وی تفهیم کنند که هنوز مبتدی است و به آگاهی کامل نرسیده او را برای انجام تحقیق به محل *terrain* می فرستادند! در حقیقت چنین طرزفکری در گذشته با آمیزه ای از طنز و شوخی همراه بوده است و مثلاً به طعنه می گفتند: «فلانی را به محل فرستاده ایم!» یعنی هنوز خام است و باید یاد بگیرد. (م).

باشد، در این صورت، همین تحقیق، میدان يك كنش سیاسی آنی است. مردم‌شناسی تجربی که مقدماتش توسط «لوئیس. اچ. مرگان * *Lewis. H. Morgan*» نزد سرخ‌پوستان «ایروکوآ * *Iroquois*» فراهم شده، در عمل سخت مدیون «بوآس * *Boas*» است، که در ضمن شکل عملی جدید خود را به لطف «مالینوسکی * *Malinowski*»، مردم‌شناسی که باید او را به خاطر کارهای نمونه و تأثیر عمیق آنها، پدر و بانی «تحقیق محلی» دانست، به دست آورده است. از زمان مالینوسکی کار در محل، به طور دایم تجدید و پر بار شده و مردم‌شناسی را از فلسفه باقیها و حدسیات باستان‌شناختی «فریزر * *Frazer*»، «لوی-برول * *Lévy-Bruhl*» و حتی «مسی * *Mauss*» متمایز می‌کند. از طرفی، همین کار در محل، مردم‌شناسی را در آینده نزدیک از جهانگردی «خردمندان» یا از رمانتسم پیشین (که بیشتر جنبه تخیلی داشته و با حدس و گمان توأم بوده) تفکیک خواهد کرد؛ به عنوان مثال، افرادی چون «اسکار لوئیس * *Oscar Lewis*» و «والانتین» (۱۹۶۸) به قدر کافی نشان می‌دهند که انسان در آرزوی رو آوردن به سوی چه چیزی است.

(Angl. : *fieldwork*.)

آزمونهای فرافکن

tests projectifs

این آزمونها به افشاء خطوط برجسته خصلت یا شخصیت اختصاص یافته‌اند. مشهورترینشان عبارتند از: آزمون *Rorschach* (یا آزمون لکه‌های جوهر) و آزمون *Murray* (یا *T.A.T.*: «آزمون ادراك موضوعی *Test*»). *d'Asperception Thématique* استفاده از این آزمونها، که در چهار چوب فرهنگ و ویژه غربی ما تدوین شده‌اند، در جوامع غیر غربی، در تمام دفعات به شدت توسط مردم‌شناسان مورد انتقاد قرار گرفته است. البته، این مسئله، امروزه مانع از توسعه کافی کاربرد آن در انسان‌شناسی آمریکایی نشده است و نمونه‌هایی از آن در مردم‌شناسی فرانسه نیز به چشم می‌خورد.

Lindzey (1961).

(Angl. : *projective tests*.)

Thevet, André**ته‌و، آندره**

(۱۵۰۳ یا ۱۵۰۴-۱۵۹۲)

آندره ته‌و، راهب زناربند^۱ (cordelier) و مسافر بزرگی بود که به ایتالیا، آسیای صغیر، یونان، فلسطین و غیره مسافرت کرد و در ۱۵۵۵ جزء هیئت دریاسالار «ویلہ‌گنیون» در آمد (ر. ک. به: Léry, Jean de). با اینکه مریض شد و قرار بود بعد از سه‌ماه به فرانسه برگردد، اما، به وسیله یک مترجم (سربازی از یک جوخه فراری که در میان سرخ‌پوستان می‌زیست و به زبان‌شان آشنا بود) اطلاعات جالبی درباره سرخ‌پوستان تاموئو (Tamoio یا Tamoio)، توپی نامبا Tupinamba، توپی‌نی‌کین Tupi-nikin و غیره، که در قرن شانزدهم در محل اطراف فعلی ریودوژانیرو زندگی می‌کردند، به دست آورد. ته‌و با تألیفاتش سهم به‌سزایی در ترویج اندیشه «وحشی نجیب Bon Sauvage» داشته است.

آثار عمده ته‌و به شرح زیر است:

Cosmographie du Levant, 1554; *Les singularités de la France antarctique*, 1557; *La Cosmographie universelle*, 1575:

خلاصه این اثر در مجموعه «فرانسویها در آمریکا: برزیل و پرویلیها» توسط «آندره ته‌و» در انتشارات P. U. F. فرانسه در ۱۹۵۳ به چاپ رسیده است.

Thurnwald, Richard**تورنوالد، ریچارد**

(در ۱۸۶۹ در وین به دنیا آمد و در ۱۹۵۴ در برلین مرد).

تورنوالد، معمولاً به عنوان سخنگوی «کاردگرایی-fonctionnali-

۱- «کردلیه cordelier-ère» یک فرد مذهبی بود که از حکم و دستور قدیس فرانسوا پیروی می‌کرد و زناری با سه‌گره بر کمر داشت. از نظر تاریخی باشگاه کردلیه‌ها (Club des Cordoliers) توسط دانتون، ما را Marat و دمولن Desmoulins در دیر قدیمی کردلیه‌ها در پاریس در ۱۷۹۵ تأسیس شد. به نقل از: Robert 1، ص ۳۹۳. (م).

*sme به حساب آمده است، اما، کادکردگرایی وی نسبت به کادکردگرایی مالینوسکی از زیربوم بیشتر و جزمیت کمتری برخوردار است. او یکی از نخستین مردم‌شناسانی است که به‌طور جدی به پدیده‌های اقتصادی توجه داشت. بنابراین، می‌تواند یکی از پیشگامان انسان‌شناسی اقتصادی امروز به‌شمار آید. تودنوالد تحقیقات محلی زیر را انجام داده است: تحقیق در میکرونیزی و ملانزی در سالهای ۱۹۰۹-۱۹۰۶ و ۱۹۳۲؛ در گینه‌نو در سالهای ۱۹۱۲-۱۹۱۵ و در تانگانیکا در سال ۱۹۳۰. وی در سال ۱۹۳۷ به استادی دانشگاه برلن رسید.

آثار عمده تودنوالد به شرح زیر است:

Forschungen auf den Salomo-Inseln und dem Bismarck-Archipel, 1912; *Forschungen zur Völkerpsychologie und Soziologie*, 14 vol., 1925 – 1935; *Economics in primitive communities*, Oxford, 1932.

Tikopia

تیکوپیا

جزیره‌یی است در ملانزی و در امتداد جزایر سالومون Salomon. ساکنان این جزیره، مردمی با یک زبان و یک سازمان اجتماعی و سیاسی مشخص، از نوع پولینزی هستند. این مسئله آنان را به منزله طایفه‌داران دور دست پولینزی (Angl. : *Polynesian outlier*) به حساب آورده است. اشتباه این جزیره به‌خاطر مطالعه کامل و جامع «فرث* Firth» در ۱۹۲۹ بوده و سپس مطالعه مجدد آن در ۱۹۵۲ یعنی تقریباً بعد از ربع قرن صورت گرفته است. در سال ۱۹۳۳، تعداد ۱۳۲۳ تن در آن ساکن بوده‌اند.

Firth, R. : *We, the Tikopia*, 1936 (trad. franç. *Nous, les gens de Tikopia*, 1974, Payot); *Social change in Tikopia*, 1959.

timbo

تیمبو

V. nivrée, pêche à la-

تی‌پی

tipi

این واژه داکوتایی (*dakota**)، مختص کلبه‌ای کوچک به شکل مخروط یا هرم است که سرخ‌پوستان دشتهای آمریکای شمالی، ابتدا آن را از پوست گاو وحشی و سپس از کتان می‌پوشانند.
(Angl. : *teepee* یا *teepee* یا *tipi*.)

تلینژیت

Tlingit

V. Haida.

توتمیسم

totémisme

این واژه بر مبنای یک اصطلاح «الگونکین» *Algonkin** (زبان سرخ‌پوستی آمریکای شمالی) یعنی *ototeman* بد معنای «آواز خویشان من است» ساخته شده و اختصاص به نظامی دارد که در آن واحد مذهبی و جامعه‌شناختی است؛ نظامی که مدتها آن را جوهر ابتدایی بودن می‌پنداشتند. در یک جامعه‌قطاعی، نظام توتمیسم مبتنی بر رابطه‌یی است که بین مجموعه‌ای از حیوانات یا به‌طور بسیار نادر بین مجموعه‌ای از گیاهان یا پدیده‌های طبیعی و مجموعه‌ای از گروه‌های انسانی برقرار است (مثال: مجموعه‌ای از کلانها، طبقات سنی و «فراقری» *phratry** های جامعه). حیوان یا گیاه وابسته به هر گروه «توتم» *totem* نامیده می‌شود. غالباً، اما نه همیشه، توتم از طرف اعضاء گروه مورد بحث، موضوع یک آیین، یک نیایش یا موضوع قبوه‌است. گاه توتم بدعنوان جد گروه نیز به حساب آمده است. چندین نسل از نظریه‌پردازان، از این نهاد پیچیده، ابتدایی‌ترین شکل «مذهب» *religion** و منشاء عادات مختلفی را ساخته‌اند که گویا از ویژگیهای جوامع ابتدایی-ست، نظیر: برون همسری، قربانی، پرستش اجداد و غیره. بهترین مثال برای

۱ - برای توضیح بیشتر درباره «*phratry*» به زیر نویس این واژه در همین کتاب مراجعه شود. (م).

کاربرد این نوع توتمیسم همان تشریح جامع و واحدی است که به وسیله «فرید» *Freud** در «توتم و تیبو» داده شده است. اما، از ۱۹۲۰، مردم‌شناسان به موجودیت توتمیسم به مثابه یک نهاد مستقل و مشخص شک کردند. زیرا هر قدر ناهمگنی عناصر فرهنگی تحت لوای توتمیسم بیشتر می‌شد، در همان زمان نیز حضور یا غیبت آنها از جامعه‌ای به جامعه دیگر بیش از پیش و به طور اتفاقی آشکار می‌گردید. سرانجام در سال ۱۹۶۲، «لوی-اشتروس» *Lévi-Strauss** نشان داد که توتمیسم توهم مربوط به پیشداوریهای دانشمندان پایان قرن نوزدهم است («توتمیسم در آغاز، تصویری خارج از جهان ما و به مثابه یک «آگزودسیسم» *exorcisme** است، رفتارهای روانی سازش‌ناپذیری-ست که با الزامی از ناپیوستگی بین انسان و طبیعت همراه است و تفکر مسیحی آنرا اصلی و ماهوی می‌شمارد»، توتمیسم امروز، ص ۴). تنها واقعیتی که هنوز در این شبه نهاد به چشم می‌خورد، روشی از طبقه‌بندی است که از علوم «ابتدایی» نشأت می‌گیرد و عناصر مختلفی از حاکمیت فرهنگ را با موجودیتهای مختلفی از حاکمیت طبیعت مرتبط می‌کند.

Durkheim, E.: *Les Formes élémentaires de la vie religieuse*, 1925; Lévi - Strauss, C.: *Le totémisme aujourd' hui* 1962; Van Gennep, A.: *L' état actuel du problème totémique*, 1920; Frazer, J. G.: *Totemism and Exogamy*, 4 vol., 1910.

ویژگی فرهنگی، خطوط فرهنگی **trait culturel.**

V. *élément culturel.*

فرآیندگذار فرهنگ، انتقال فرهنگ **transculturation**

این واژه که در حوالی ۱۹۴۰ خلق شده، به منظور تصریح یکی از اندیشه‌هایی است که در اصطلاح بسیار عمومی «فرهنگ‌پذیری» *acculturation** وجود دارد و مراد از آن آگاهی از این امر است که فرآیندگذار از یک فرهنگ به فرهنگ دیگر، از مراحل متفاوتی می‌گذرد که با افول یا

حذف فرهنگ سنتی (یا *déculturation**) و اقتباس فرهنگ جدید (یا *enculturation**) همراه است.

V. acculturation.

(Angl. : *transculturation.*)

مناسک انتقال، مناسک گذر **transition rites**

این اصطلاح انگلیسی متناسب اصطلاح فرانسوی «*rites de passage**» است.

قبیله، عشیره **tribu**

قبیله گروه همگنی است که از لحاظ سیاسی و اجتماعی مستقل بوده و مرز مینی را که ویژه اوست در اختیار دارد. به طور کلی، قبیله گسترده ترین واحدی است که می توان رد آن را در جمعیت هایی یافت که مردم نگاری به طور سنتی به آن می پردازد. یک قبیله مرکب از گروه های کوچکتری نظیر «کلانها» *clans** است و می تواند به طور موقت یا دائم، برای تشکیل اتحادیه ای با اهداف نظامی یا مذهبی، با سایر قبایل شریک و متحد شود؛ اتحادیه ای که تقریباً هرگز دارای نظام تمرکز یافته ای از قدرت سیاسی یا قضایی نیست.
(Angl. : *tribe*; All. : *Stamm.*)

شیاد **trickster**

این واژه انگلیسی اختصاص به شخصیتی دارد که با ویژگی های یک آدم محیل یا گول زن یا یک نامرد کامل یا شیطانی دوست داشتنی، در شمار معینی از اساطیر ظاهر می شود و یک نقش اصلی در اسطوره های پولینزی (*Maui*) و آمریکای شمالی (نظیر کلاغ و نوعی گرگ *coyote*) که اغلب واجد این نقش هستند، در داستانها و افسانه های اروپایی (مانند: داستان روباه حیل گر و داستان «تیل» شیطان) بازی می کند.

(Angl. : *idem.*)

تروبریاند

Trobriand

تروبریاند، مجمع الجزایر کوچکی است متعلق به ملانزی و در حوالی گینه نو که بدوسیله آثار «مالینوسکی» **Malinowski* شهرت جهانی یافته است. ساکنانش احتمالاً گروهی از انسانها هستند که بدکرات در تمامیت تاریخ مردم‌شناسی از آنها یاد شده است و این بسدان معنی نیست که نکات مربوط به سازمان اجتماعی و نظام شناختی (*Systeme cognitif*) آنان، دیگر نیاز بیشتری به روشنتر شدن نداشته باشد.

برخی از آثار مالینوسکی در این زمینه به شرح زیر است:

Malinowski, B.: *Argonauts of the Western Pacific*, 1922 (trad. franç. *Les argonautes du Pacifique occidental*, 1963); *The sexual life of savages in North-Western Melanesia*, 1929 (trad. franç. *La vie sexuelle des sauvages du Nord-Ouest de la Mélanésie*, réédit. 1970); *Coral gardens*, 1935; Singh Uberoi: *The politics of the kula ring*, 1962.

تسمشیان

Tsimshian

V. Haida.

توپی-گوارانی

Tupi - Guarani

یک خانواده زبانی آمریکای جنوبی است که مرکز احتمالی انتشارش بین پارانا parana و پاراگوئه است. «گوارانی *guarani*» زبان سرخ پوستی غالبی در جمهوری پاراگوئه است. عمده ترین قبایلی که به این زبان تکلم می کنند عبارتند از: گویاکی Guayaki ها و کایین گوا *kaiingua* ها. جماعتی که به زبان توپی - گوارانی تکلم کرده و در مناطق ساحلی برزیل زندگی می کردند، تقریباً ناپدید شده اند، اما در عصر پیش از ورود اروپاییان جنبشهای مهاجرتی توپی-گوارانی در آنجا وجود داشته و از ساحل جنوب

تا شمال امتداد یافته است و هنوز گروهی چند از این خانواده زبانی در دره تحتانی آمازون یعنی در دره ریو مادیرا Rio Madeira، به نام: پاران-تین تین Parentintin ها (که توسط نیموآنداجو Nimuendaju مطالعه شده) و کاواهییب Kawahib ها باقی مانده اند. به این ترتیب باید از شیر-گوانو Ghiriguano ها که در دامنه «آند» در بولیوی زندگی می کنند نام برد که سرنوشتهی مشابه دارند و نیز از «سیریونو *Siriono» ها که از گروه «توپی Tupi» هستند.

(Angl. : idem.)

Tylor, Edward Burnett

تایلر، ادوارد بارنت

(در سال ۱۸۳۲ در لندن به دنیا آمد و در سال ۱۹۱۷ در Sommerset وفات یافت).

انسان‌شناس انگلیسی که در سال ۱۸۹۶ در اکسفورد به درجه استادی رسید. تایلر را می توان بانسی «فرهنگ شناسی *culturologie»، در سال ۱۸۷۱، دانست. وی بدویژه ازدیدگاه تطوّر و تکامل گرایی به تحقیق درباره اساطیر، جادو و مذهب «ابتدایی» ها پرداخت. آثار عمده تایلر بدشرح زیر است:

Primitive culture, 2 vol., 1871; *Anthropology*. 1881.

U

خویشاوندی نسبی یک تباری (یک خطی) **unilinéaire, filiation**

شیوه‌ای از خویشاوندی نسبی است که از «خویشاوندی دو نسبی» *filiation double** یا «خویشاوندی نسبی دوتباری (دو خطی)» و نیز از «خویشاوندی نسبی تفکیک ناپذیر (نسب همزادی)» *filiation indiff-érenciée** متمایز می‌شود. جوامعی که از اینگونه اسلوب خویشاوندی برخوردارند، تنها با یک خط خویشاوندی پدری یا مادری آشنا هستند و به فرد اجازه نمی‌دهند تا خط خویشاوندی دیگری را که موردعلاقه اوست انتخاب کنند. دو نوع خویشاوندی نسبی یک تباری وجود دارد: «خویشاوندی نسبی مادرتباری (مادر بطنی)» *filiation matrilineaire** و «خویشاوندی نسبی پدرتباری (پدر بطنی)» *filiation patrilineaire**.
(Angl.: unilinear descent.)

urucu

اوروکو

V. roucou.

utérins

بطنی‌ها

افرادی هستند که نسبت به یکدیگر از طریق زنهایشان از یک خویشاوندی برخوردارند. گاهی نیز به جای «خویشاوندی نسبی مادر بطنی (مادرتباری)

**filiation matrilineaire*، به آن «خویشاوندی نسبی بطنی» می‌گویند.
filiation, utérine

اقامتگاه زن مکان **uxorilocale, résidence**

يك نوع قاعده و دستورالعمل مربوط به محل سکونت است که بر طبق آن باید زوجین بعد از ازدواج در زمینهای گروه متعلق به زن یا درجوار آن زندگی کنند.

(Angl.: *uxorilocal residence*.)

* * *

V

واژینا دانتاتا، فرج دندان دار *vagina dentata*

این واژه که ریشه در اسطوره‌ها دارد و در چندین نقطه از جهان به‌ویژه در آمریکای لاتین و اقیانوسیه شناخته شده است، مبتنی بر این باور بوده است که در روزگار آغازین، زن به‌عنوان موجودی معرفی می‌شد که فرجش مجهز به دندانهاست. با این طرز فکر، جماع و تولید مثل را عملی ناممکن یا به‌حد اعلا خطرناک می‌دانستند.

(Angl. :idem.)

وان ژنت، آرنولد *Van Gennep, Arnold* (۱۸۸۳ - ۱۹۵۲).

این دانشمند فرانسوی که قربانی یک تبعید محترمانه دانشگاهی شد، امروزه شاید هنوز اندیشه‌اش در محافل انگلو ساکسون بهتر از کشورش فرانسه شناخته شده باشد... او به‌ویژه به «فولکلور» *folklore*، به «علم اساطیر» *mythologie* و به تاریخ ادیان علاقه‌مند شد. اثر عمده‌اش به‌نام «مناسک‌گذر» *rites* de passage*، به‌عنوان یک اثر بزرگ کلاسیک باقی مانده است و حتی کتاب دیگرش به‌نام «شرایط کنونی مسئله توتم»، با اینکه امروزه زمانش سپری شده، مع‌هذا، درباره‌ی عامل توتم، تاریخ پراهمیتی را در سرگذشت اندیشه‌ها نشان می‌دهد (*V. totémisme*). وی همچنین در سال ۱۹۱۱، یک اثر هجایی به‌نام «نیمه - دانشمندان»، که گاه پربار و درخشان و گاه به‌قدر کفایت سنگین به‌نظر آمده است، علیه «ماندارنهای» علوم انسانی عصر خود نگاشته است.

آثار عمده وان دُنب به شرح زیر است :

Les rites de passage 1909 ; *La formation des légendes*, 1910; *L'état actuel du problème totémique*, 1920; *Manuel de folklore français contemporain*, 1937.

varna

وارنا

این واژه سانسکریتی مشخص کننده چهار «وضعیت» یا طبقه یا «رنگ» است که جامعه بشری هند بین آنها تقسیم می شود و عبارتند از: کشیشان (یا برهمن ها)، جنگجویان (یا *kshatriyas*)، بازرگانان (یا *vaishyas*) و خدمتگذاران و مردم عادی (یا *shuchas*). طبقه پنجمی هم به نام «*Intouch-ables*» یا «غیر قابل لمس» وجود دارد که همچنان به طور سنتی بی نام مانده است. تفاوت بین این نظام و نظام «کاستها» *castes* یا «ژاتی *jati*»، بسیار ظریف و دقیق است، به طوری که نظریه سازان، همانند برخی از هندوها، آنها را با هم یکی می گیرند.

Dumont (1966).

(Angl. : *idem.*)

vaudou

وُودو

وُودو، نوعی مذهب «تلفیقی (اختلاطی)» *synchrétique* سیاهان هاییتی Haiti است که عناصر مسیحی را با عناصر آفریقایی - به ویژه با منشاء داهومی - ترکیب می کند. این عناصر به وسیله بردگانی رواج یافته که جمعیت کنونی منطقه «کاردایب» *Caraïbe* از آنها زائیده شده است. پدیده های تسخیر و تصرف (جن زدگی) ویژگی مشخص و پراهمیتی از تشریفات وُودو را تشکیل می دهند.

Métraux (1958).

(Angl. : *Voodoo*.)

۱۵۱

Vedda

جمعیتی در جنوب شرقی سیلان و معروف به «ابتدایی» ست. مشخصات افراد آن، قد کوتاه، پوست سیاه، بینی پهن، موهای سیاه بلند و غیرمجداست. آنها به‌ویژه از طریق شکار، صید و جمع‌آوری عسل وحشی زندگی می‌کنند. وداها به‌خاطر بررسی فاضلانته‌ای که «سلینگمن»ها **C.G. و B.Z. Seligman* در سالهای ۱۹۰۸ - ۱۹۰۷ در بین آنان انجام داده‌اند شناخته شده‌اند. Seligman و Seligman: *The Veddas*, 1911.

زبان انتقالی، زبان ارتباطی véhiculaire, langue

زبان انتقالی، زبانی است که در یک ارتباط منطقه‌ای بین گروه‌های زبان‌شناختی که زبانهای متفاوتی دارند به کار می‌رود.

Vienne, École de-

مکتب وین

مکتب وین، مکتب تاریخی - فرهنگی مردم‌شناسی است که توسط «پدر» روحانی ویلهلم اشمیت **le Père Wilhelm Schmidt* بنانهاد شده و سپس توسط «دبلیو. کپرس» **W. koppers* توسعه یافته است. این مکتب مفهوم «دایره فرهنگ یا تمدن» **kulturkreise* را که میراث «فروبنیوس» **Frobenius* است از بین چندین الهام دیگر گرفته و توسعه داده است. (All.: *Wiener Schule*.)

virilocale, résidence

اقامتگاه شوهرمکان

یک نوع قاعده و دستورالعمل مربوط به محل سکونت است که زوجین را مجبور می‌کند تا بعد از ازدواج در زمینهای گروه متعلق به شوهر یا در نزدیکی آن زندگی کنند.

(Angl.: *virilocale residence*.)

W

wakan ou wakonda

واکان یا واکوندا

این واژه در نزد سرخ پوستان داکوتا (از خانوادهٔ زبانی «سیو» *Siou) نشانگر یک نیروی مافوق طبیعی و اسرارآمیزی است که در نزد بعضی از اشیاء عجیب یا در شخصیت‌های غیرعادی یافت می‌شود. همچنین، واکان در نزد داکوتاهای، متصف به «شامان» *chamane است و مفهوم آن به مفهوم «مانا» *mana نزدیک می‌شود.

(Angl. : *idem.*)

wergeld, wergild

ورگلد، ورگیلد، خون بها

wergeld واژه‌ای از زبان «ساکسون قدیم» است و اختصاص به مبلغی دارد که باید فردی که «بر اثر جنگ، انتقام، قتل» آدم کشته است آن را به والدین قربانی یا به گروه وی بپردازد تا از وی یا از گروهش قصاص به عمل نیاید. تسلیم و واگذاری «ورگلد» بعد از مذاکرات بسیار دشوار، تنها وسیله‌ی است که از یک عمل فردی قهرآمیز، که به یک انتقام نامحدود تغییر ماهیت می‌دهد، جلوگیری می‌کند. فراوان اتفاق می‌افتد که مبلغ خون بها را در یک جامعهٔ مورد نظر، به نسبت پایگاه اجتماعی قربانی و نیز به نسبت پایگاه آدم کش، نرخ گذاری می‌کنند.

(Angl. : *blood money.*)

وسترمارک، ادوارد (۱۸۶۲ - ۱۹۳۹).

Westermarck, Edward

فیلسوف هلندی که در هلسینکی و لندن به تدریس پرداخت و بر اثر يك پيش آمد مطلوب به مردم‌شناسی رو آورد. اما، شهرتش به خاطر نظریه‌هایی است که دربارهٔ منشاء ازدواج و تحریم «ذنا با محارم» *inceste** ابراز کرده است. او با حمله به جزم اندیشی مربوط به «هرج و مرج در مسایل جنسی ابتدایی» *promiscuité* primitive* و تقدم خویشاوندی نسبی مادر تباری در تاریخ خانوادهٔ انسانی نقش مثبتی بازی کرد. تبیین وی دربارهٔ تحریم زنا با محارم به دلیل تناقضی که اساس کار او قرار می‌گیرد، کاملاً شناخته شده است. به نظر وسترمارک، خصوصیت و صمیمت ادامه داری که بین اشخاصی از جنسهای متفاوت وجود دارد، نظیر صمیمیتی که در درون دایرهٔ خانوادگی به چشم می‌خورد، در نهایت همهٔ کشش شهوانی را از بین می‌برد و منجر به تولید نوعی انزجار و تنفر برای عمل جنسی می‌شود. او تأکید می‌کند که همین انزجار و تنفر منتهی به منع زنا با محارم می‌شود. انتقادات وسترمارک، ایرادات و اعتراضات را برانگیخت. چنانکه گفته شد؛ هیچ دلیلی برای تحریم يك عمل، که کسی را وسوسه نمی‌کند و نیز در همه انزجار و نفرت می‌آفریند، وجود ندارد. آثار عمدهٔ وسترمارک به شرح زیر است:

The history of human marriage, 1891; Ritual and belief in Morocco, 1626.

وایت، لسلی

(د ۱۹۰۰ به دنیا آمد).

White, Leslie

مردم‌شناس آمریکایی که نزد سرخ پوستان اکوما Acoma و «پوئبلو» *Pueblo** در مکزیک نو کار کرده است. وی در سال ۱۹۳۵ وارد دانشگاه میشیگان شد و همهٔ کارها و فعالیت‌های علمی‌اش را در آنجا انجام داد. لسلی وایت را به منزلهٔ سخنگوی جدید «فرهنگ‌شناسی» می‌شناسند، گرایشی که توسط «تایلر» *Tylor** در سال ۱۸۷۱ در انسان‌شناسی داخل شده است. آثار عمدهٔ وایت به شرح زیر است:

The Pueblo of Santa Ana , New Mexico, 1942;
The science of culture, 1949; The evolution of culture,
 1959.

Wissler, Clark

ویسلر، کلارک
 (۱۸۷۰ - ۱۹۴۷).

انسان‌شناس آمریکایی که اندیشه‌های «اشاعه‌گراییان - *diffusion- nistes** را، به ویژه با داخل کردن مفهوم «حوزهٔ بینش زمین‌شناختی *aire* chronologique*»، نظام بخشید. او یکی از نخستین کسانی است که از «الگو *pattern**» سخن رانده‌اند. ویسلر مسئول هدایت تحقیقات مهمی دربارهٔ سرخ‌پوستان آمریکای شمالی بود. در تألیفاتش تأثیر تعالیم «بوآس *Boas**» به چشم می‌خورد. در سالهای ۱۹۴۱ - ۱۹۵۶ حافظ و مباشر بخش «انسان‌شناسی» موزهٔ تاریخ طبیعی شد و در سالهای ۱۹۴۵ - ۱۹۲۴ بدسمت استاد انسان‌شناسی در دانشگاه ییل (yale) منصوب گردید.

آثار عمدهٔ ویسلر به شرح زیر است:

North American Indians of the Plains, 1912;
The American Indians, 1917; Man and culture, 1923;
The relation of nature to man in aboriginal America,
 1926; *Indian cavalcade, 1938; The Indians of the*
United States, 1940.

Y

یاگوئه

yagué

یاگوئه، نام نوشیدنی وهم آوری ست که از ساقه‌های گیاهانی از تیره «بادیس تردیوپسیس» (*Baristeriopsis*) تهیه می‌شود، که غالباً آن را با خواب آورهایسی از نوع داتودا (*Datura*) (که به زبان محلی *chamico*، *huantuc*، *tinga* نامیده می‌شوند) قاطی می‌کنند. این نوشیدنی در غرب آمریکای جنوبی (پرو، اکواتور، کلمبیا) مصرف می‌شده است.

یونی

yoni

V. lingam.

یوپو، یا نیوپو

yopo, ou niopo

نامی ست که به یک گرد وهم آور که از خاکستر بعضی از سبزیجات (*Biptadenia peregrina*, *Anadenanthera peregrina*) تهیه شده، داده شده است. این گرد از راه دماغ و به کمک یک دستگاه استنشاق که دارای یک یا دوشاخه استخوانی یا چوبی ست جذب دستگاه تنفس می‌شود. یوپو در میان شمار بزرگی از اقوام منطقه گرمسیر آمریکا به طور عادی مصرف می‌شود، همچنین در نزد یانوآما *yanoama* های ونزوئلا معروف به *epena* یا *ebena* است.

(Angl. :idem.)

yourte**یورت**

V. maison collective.
(Angl. :yurt.)

yucca**یوکا**

یوکا گیاهی است با برگهای طویل فیبردار، از خانوادهٔ سوسن که ۳۰ نوع آن در مکزیک، آمریکای مرکزی و ایالات متحده یافت می‌شود. در کشورهای مختلف آمریکای لاتین به «مانیوک» **manioc* یا محصولاتی که از آن به دست می‌آیند نیز یوکا می‌گویند.

yuma, système de parenté **نظام خویشاوندی یوما**

در طبقه‌بندی مورداک در سال ۱۹۴۹، یوما نوعی نظام خویشاوندی و سازمان اجتماعی است که به وسیلهٔ واژگانی از نوع «ایروکوآ» **iroquois* و درغیاب گروه‌های خویشاوندی یک تباری (خطی) و خویشاوندی پرون همسری، برای دختردایه‌ها (عمه‌ها، عموها، خاله‌ها) مشخص شده است. این نوع نظام خویشاوندی درجوامعی که در حال گذر از یک شیوه خویشاوندی نسبی تفکیک‌ناپذیر به یک شیوهٔ خویشاوندی نسبی یک تباری (یک خطی) هستند دیده می‌شوند. در اینجا مسئله مربوط به نوعی خویشاوندی ناپایدار و یک خصالت گذرا و موقتی است.

(Angl. :yuman type of kinship system.)

Z

Zadruga

زادرگا

يك واحد اجتماعي (اجتماع) كشاورزی است كه مالكيت زمين و محصول آن مشترك است و مركب از خانواده‌هایی است كه به ميل و اراده خود باهم مجتمع شده‌اند (*V. famille multiple*)؛ چنين اجتماعي را می‌توان به راحتی در قسمت سفلاي زمینهای دشت «پانونی» *pannonie* دریو گسلاوی - بین دانوب و کوههای ایلیری *Illyrie* - پیدا کرد.
(Angl. : *idem.*)

Zande

زاندِه

V. Azandé

Zar, culte des -

زار، آیین (پرستش) زارها

آیینی است كه به وسیله پدیده‌های تسخیر (جن‌زدگی) كه مختص زنان است مشخص شده و دامنه گسترش آن به اتیوپی، سودان، مصر و سومالی

۱- «پانونی» *Pannonie*، منطقه‌ای از اروپای مرکزی است كه بین نوریك *Norique* در غرب، ایلیری در جنوب، دانوب در شمال و نین در غرب مجارستان كنونی و در يك قسمت از یوگسلاوی قرار دارد؛ دشتهای پانونی، مجموعه‌ای از دشتهای است كه در غرب و جنوب به كوههای آلپ شرقی و دیناریك *Dinarique* و در شمال و شرق به كوههای كارپات *Carpathes* محدود می‌شود. (به نقل از: Robert 2: م).

می‌رسد. برحسب مناطق و گروه‌های انسانی و به‌منظور تصریح و تحقق حضور و عمل ارواح (مانند zar یا sar)، گاه از قرآن و گاه از روایتی محلی که مربوط به مسیحیت است استفاده می‌شود. از دیدگاه جامعه‌شناختی، این آیین — که گاهی شالوده انجمن‌های حقیقی تسخیر شدگان است — می‌تواند به منزله وسیله‌ای در اختیار زنان باشد تا نوعی جنگ جنسی را علیه شوهرانشان، که متناوباً تسلیم فشارهای مفروض مافوق طبیعی هستند، رهبری کنند.

Leiris (1958), Lewis (1971).

(Angl.: Zar cult.)

Zuni

زونی

زونی‌ها شاخه‌ای از اقوام «پوئبلو» *Pueblo هستند که موضوع آثار کلاسیک «کروبر» *Kroeber قرار گرفته‌اند.

Benedict, R.: *Zuni mythology*, 1935. Bunzel, R.: «Introduction to Zuni ceremonialism», in *47 th Ann. Rep. Bur. Amer. Ethn.*, 1932. Sebag (1971), Stevenson, M. C.: «The Zuni Indians», in *Annual Report n° 23, Bureau of American Ethnology*, 1904.

فهرست واژگان

بر حسب الفبای فارسی
(فارسی ، انگلیسی ، فرانسه)

فرانسه	انگلیسی	فارسی
		آ
bière	beer	آبجو
apollonien	apollonian	آپولونی
Athapaskan	Athapaskan	آتا پاسکان
adat	adat law	آدا
adelphique	adelphic	آدلفیک
adobe	adobe	آدوب
Azandé	Azande یا Zande	آزاندِه
Arapesh	Arapesh	آراپش
Aranda	Arunta	آراندَا ، آرونْتا
Arawak	Arawak	آراواک
arec	areca	آرک
Araucan	Araucanian	آروکان
Test d'Aperception Thématique	Thematic Apercep- tion Test	آزمون ت.آ.ت.
tests projectifs	projective tests	آزمونهای فرافکن
Achanti	Ashanti	آشانتی
Altaïque	Altaic	آلتائیک
ambil-anak	ambil-anak	آمیل آناک
amitat	amitate	آمیتا

فرانسه	انگلیسی	فارسی
amok	amok یا amuck	آموک
andaman	andamanese	آندامان یا آندامانی
endodème	endodeme	آندودم
Aymara	Aymara	آیمارا
cult de crise	crisis cult	آیین بحران
syncretisme	syncretism	آیین تلفیقی (اختلاطی)
Aïnou	Ainu	آیی‌نو
الف		
primitif	primitive	ابتدایی
communauté	community	اجتماع (واحد اجتماعی)
nécromancie	necromancy	احضار مردگان (ارواح)
littérature orale	oral literature	ادبیات شفاهی
organicisme	organicism	ارگانیسم گرایی، قیاس ارگانیك
millet	millet	ارزن
mariage avec des morts	marriage with dead	ازدواج با مردگان
préférentiel, mariage	preferential marriage	ازدواج ترجیحی
capture, mariage par	marriage by capture	ازدواج تسخیری
mariage par échange	marriage by exchange	ازدواج تعویضی
secondaire, mariage	secondary marriage	ازدواج ثانویه
plural, mariage	plural marriage	ازدواج جمعی
mariage de groupe	group marriage	ازدواج گروهی
primaire, mariage	primary marriage	ازدواج نخستین
éjido, éjidal	ejido, ejidal	اژیدو، اژیدال
Austronésien	Austronesian	استرونزی
Stridulateur	musical rasp	استری دولاتور، موسیقی آزاردهنده
étologique, mythe	etiological myth	اسطوره انگیزه
mythologie	mythology	اسطوره‌شناسی، اساطیر
Eskimo, یا Esquimau	Eskimo	اسکیمو

فرانسه	انگلیسی	فارسی
Eskimo-Aléoute	Eskimo-Aleut	اسکیمو - آله‌اوت
pointe	piercing weapons	اسلحه نوک‌تیز، سر نیزه، نیش
diffusion	diffusion	اشاعه (انتشار)
diffusionnisme	diffusionism	اشاعه گرایی
ficelle, jeux de	String figures	اشکال طناب بازی
Schmidt, W., le Père	Schmidt, W., le P.	اشمیت، دبلیو، پدر روحانی
patrilocale, résidence	patrilocal residence	اقامتگاه پدرمکان
avunculocale, résidence	avunculocal residence	اقامتگاه دایی مکان
bilocale, résidence	bilocal residence	اقامتگاه دومکان
uxorilocale, résidence	uxorilocal residence	اقامتگاه زن مکان
virilocale, résidence	virilocal residence	اقامتگاه شوهرمکان
alternée, résidence	alternating residence	اقامتگاه متناوب
néo-locale, résidence	neolocal residence	اقامتگاه نو-مکان
excision	excision	اکسیزیون، قطع بخشی از آلت تناسلی
écotype	ecotype	اکوتیپ
écosystème (یا système écologique)	ecosystem	اکوسیستم (یا نظام محیط شناختی)
Eggan, Fred R.	Eggan, F. R.	اگان، فرد آر.
aigri (eygris)	accory	اگری
exorcisme	exorcism	اکزورسیسم، اوراد دفع شیاطین
Elkin, Adolphus Peter	Elkin, A. P.	الکین، آدولفوس پیتر
pattern	pattern	الگو
Algonquin	Algonkin	الگونکین
Elliot-Smith, Grafton	Elliot-Smith, G.	الیات، اسمیت، گرافتون
Eliade, Mircea	Eliade, M.	الیاده، میرچا
endorcisme	endorcism	اندورسیسم
homo sapiens	homo sapiens	انسان خردمند
anthropophagie	anthropophagy	انسان‌خواری (آدم‌خواری)

فرانسه	انگلیسی	فارسی
anthropologie	anthropology	انسان‌شناسی
anthropologie sociale	Social anthropology	انسان‌شناسی اجتماعی
anthropologie économique	economie anthropology	انسان‌شناسی اقتصادی
anthropologie physique	physical anthropology	انسان‌شناسی جسمانی
anthropologie psychanalytique	psychoanalytical anthropology	انسان‌شناسی روان‌تحلیلی
anthropologie politique	political anthropology	انسان‌شناسی سیاسی
anthropologie culturelle	cultural anthropology	انسان‌شناسی فرهنگی
anthropologie appliquée	applied anthropology	انسان‌شناسی کاربردی
Evans-Pritchard, Edward Evan	Evans-Pritchard, E.E.	اوانس، پریچارد، ادوارد، اوان
descendance	filiation	اولادان
oumiak	umiak	اومیاک
infibulation	infibulation	ایجاد مانع برای آمیزش جنسی
Ishi	Ishi	ایشی
ب		
Baoulé	Baoule	باوله
batik ۛ batikage	batik	باتیک، باتیکاژ
Bachofen (Johann Jakob)	Bachofen, J. J.	باخوفن، یوهان ژاکوب
Bastian, Adolf	Bastian, A.	باستیان، آدولف
Bastide, Roger	Bastide, R.	باستید، روژه
balsa	balsa	بالسا
Bambara ۛ Banmana	Bambara	بامبارا

فرانسه	انگلیسی	فارسی
Bamiléké یا Bamilike	Bamileke	بامی لکه
Bantou	Bantu	بانتو
bétel	betel	بتل (لفل هندی)
infanticide	infanticide	بچه کشی کودک‌کشی
berdache	berdache	برداش
barbarie	barbary	بربریت، وحشیگری
exogamie	exogamy	برون همسری
Benedict, Ruth	Benedict, R.	بندیکت، روت
Boas, Franz	boas, F.	بواس، فرانز
Bororo	Bororoan	بورورو
Bochiman, Bochimán	Bushman	بوشیمن
bola	bola	بولا
boléadores	bolas	بوله آدورس
boumerang	boomerang	بومرانژ
cultigène	cultigen	بومی شده (کولتیژن)
propulseur	spearthrower	به‌جلو حرکت دهنده، دستگاه اعزام
dysnomie, anomie	dysnomie, anomy, anomie	بی‌هنجاری، ناپسامانی
پ		
informateur	informant	پاسخگو، آگاه‌دهنده
pandanus	pandanus	پاندانوس
potlatch	potlatch	پتلاچ
patriarcat	patriarchate	پدرسری
cousins croisés	cross cousins	پسر داییها، دختر داییها، پسر عمه‌ها و دختر عمه‌های عرضی (مقاطع)
cousins parallèles	parallel cousins	پسر عموها، دختر عموها، پسر خاله‌ها و دختر خاله‌ها های موازی

فرانسه	انگلیسی	فارسی
Peul	Fulani	پل
Pueblo	Pueblo	پوئبلو
Popol-Vuh	Popol-Vuh	پوپل-وو
monnaie primitive	primitive money	پول (سکه) ابتدایی
pulque	pulque	پولک
polygénisme	polygenesis	پولی‌ژنیسم، تعددمبادی، چندتکوینی
piache یا piase	piase	پیاش، پیاز
pidgin	pidgin	پیدژین
piraûru یا pirrauru	pirauru	پی‌رورو
pi'i	pi'i	پی‌عی
pygmée	pygmies	پیگمه
peyotl	peyote	پیوتل
ت		
décalage culturel	cultural lag	تاخر فرهنگی
tapa	tapa یا bark cloth	تاپا
tarentisme	tarentism	تارانتیسم
taro	taro	تارو
tacca	tacca	تاکا
Tallensi	Tallensi	تالانسی
Talayesva, Don	Talayesva, D.	تالایه‌وا، دن
Tylor, Edward Bur- nett	Tylor, E. B.	تایلر، ادوارد بارنت
lignée	issue یا stock of des- cendants	تبار، اولاد (افراد یک تبار، اولادان یک تبار)
tabou	taboo یا tabu	تبو
nomination, tabou de (یا tabou onomastiques)	taboo on names	تبوی نامها (یا تبوی اسماء خاص)
silencieux, commerce	silent trade	تجارت خاموش
hiérophanie	hierophany	تجلی تقدس

فارسی	انگلیسی	فرانسه
تحلیل ترکیبی (عاملی ، جزء به جزء)	componential analysis	componentielle, analyse
تحلیل فرهنگی مقایسه‌ای	cross-cultural survey	analyse culturelle comparative
تروبیاند	Trobriand	Trobriand
تسیمشیان	Tsimshian	Tsimshian
تطور و تکامل گرایی، تحول گرایی	evolutionism	évolutionnisme
تکنونیمی	teknonymy	teknonymie
تکوین کامل	hologenesis	hologénisme
تلینژیت	Tlingit	Tlingit
تمدن	civilization	civilisation
تنور زمینی، تنور سنگی	earth oven	four de terre
توبی-گوارانی	Tupi-Guarani	Tupi-Guarani
توتمیسم، توتم آیینی	totemism	totémisme
توحش	salvagerie	sauvagerie
توحید نوبتی	henotheism	hénothéisme
تورنوالد، ریچارد	Thurnwald, R.	Thurnwald, Richard
تولید مثل یا آبستنی غیرجنسی	clone	clone
ته	Tê	Tê
تهو، آندره	Thevet, A.	Thevet, André
تی‌پی	teepee یا tipi	tipi
تیره تاج خروسان	amaranths	amarantes
تیکوپیا	Tikopia	Tikopia
تیم‌بو	timbo	timbo
ج		
جادو بوسیله سرایت یا جادوی مسری	contagion magic یا magic by contagion	contagion, magie par (یا magie contagieuse)
جادوی سفید	white magic	magie blanche
جادوی سیاه	black magic	magie noire

فرانسه	انگلیسی	فارسی
sympathique, magie	با contagion magic magic by contagion	جادوی مهر و محبت، جادوی مسری
homéopathique, magie	homeopathic magic	جادوی (معالجهٔ همانندی)
folk, société (یا culture de)	folk-society	جامعه یا فرهنگ مردم
segmentaire, société ou système	segmentary system	جامعه یا نظام قطاعی
succession	succession	جانشینی، ارث‌بری
animisme	animis	جان‌گرایی، همزادگرایی
hochet musical	rattle, rattle gourd	جنگهٔ کدوبی، زنگولهٔ خوش‌آهنگ
collecteurs (یا cueilleurs)	food-gatherers	جمع‌کنندگان (یا گردآورندگان) خوراک
population	population	جمعیت
chiliastique, mouvements	chiliastic movements	جنبشهای شیلیاستیک
folie arctique	arctic hysterie	جنون شمالی
dot	dowry	جهیز

چ

polygynie	polygyny	چندزنی
polyandrie	polyandry	چند شوهری
coépouses	plural wives	چند همسرها
bâton à feu	fire-drille, fire-stick	چوب‌آتش‌زنه
hâton à fouir	digging stick	چوب حفر (یا چوب‌دستی حفاری)

ح

aire chronologique (ou aire temporelle)	age area	حوزهٔ بینش زمان‌شناختی
aire culturelle	culture area	یا حوزهٔ زمانی حوزهٔ فرهنگی

فرانسه	انگلیسی	فارسی
droit de seigneur	droit de seigneur	حق‌ارباب
gérontocratie	gerontocracy	حکومت پیران
millénarisme	millenarism	حکومت هزارساله مسیح (ع)
خ		
tatouage	tatoo	خال‌کوبی
multiple, famille	joint family	خانواده چندگانه، خانواده متعدد
polygame, famille	polygamous family	خانواده چند همسری
orientation, famille d'	family of orientation	خانواده راه‌یاب، خانواده جهت‌یاب
procréation, famille de	family of procreation	خانواده زادوودی
linguistique, famille	linguistic family	خانواده زبانی
étendue, famille	extended family	خانواده گسترده
joint family	joint family	خانواده مشترک، خانواده چندگانه
nucléaire, famille	nuclear family	خانواده هسته‌ای
«maison»	house	خانه، خاندان
maison collective	comunal house	خانه جمعی
maison des hommes	men's house	خانه مردان
Khoïsan	khoisan	خوآسان
prix du sang, ou parfois, prix de la tête	blood money	خون بها یا گاهی بهاء سر
parentèle	Kindred	خویشان
parentage	relatives	خویشان، خویشی، نسب
primaires, parents	primary kin	خویشاوندان نخستین
proches, parents	primary kin	خویشاوندان نزدیک
parenté	kinship and affinity یا kinship	خویشاوندی

۲۸۶	فرهنگ مردم‌شناسی	
فرانسه	انگلیسی	فارسی
double, filiation	double descent	خویشاوندی دونسی (نسب دوگانه)
filiation	descent	خویشاوندی نسبی (پدر فرزندی)
patrilineaire, filiation	patrilineal family	خویشاوندی نسبی پدرتباری (پدرصلبی)
indifférenciée, filia- tion	bilateral descent یا cognatic descent	خویشاوندی نسبی تفکیک- ناپذیر، نسب همزادی
parallèle, filiation	parallel descent	خویشاوندی نسبی (نسب موازی)
unilinéaire, filiation	unilinear descent	خویشاوندی نسبی یک‌تباری (یک‌خطی)
cognatique, filiation (à système—)	cognatic descent	خویشاوندی همزادی (یا نظام خویشاوندی)
د		
monophylétisme	monophyletism	دارای یک دودمان، تک دودمانی، وحدت دودمانی
monogénisme یا mono- génie	monogenesis	دارای یک ریشه و اصل، یک ریشه‌ای، وحدت‌نژاد
Dakota	Dakota	داکوتا
Dayak	Dayak یا Dyak	دایاک (یا دیاک)
avunculat	avunculate	دایی یا دایی‌سالاری
Dobu	Dobu, Dobuan	دبو
arbre à pain	bread fruit tree	درخت نان
endogamie	endogamy	درون همسری
endocannibalisme	endo-cannibalism	درون هم‌نوع‌خواری
phylactère	phylacteries یا amulets	دعا و طلسم
Dogon	Dogon	دگن
dème	deme	دم
DuBois, Cora	DuBois, C.	دوبوآ، کورا

فرانسه	انگلیسی	فارسی
Durkheim, Émile	Durkheim, E.	دورکیم، امیل
Dozier, Edward	Dozier, E.	دوزیه، ادوار
dolicocephale	dolicocephalic	دولیکوسفال (سردراز)
Dumézil, Georges	Dumézil, G.	دومزیل، ژرژ
ambilocal	ambilocal	دومکان
Dumont, Louis	Dumont, L.	دومون، لویی
dionysien (یا dionysia- que)	dionysian	دیونیزی (یا دیونیزیایی)
ذ		
Zadruga	Zadruga	زادروگاه
Zar, culte des	Zar cult	زار، آیین‌زارها
Zandé	Zande	زاندِه
sorgho	sorghum	ذرت هندی
ر		
évitement, relation d'	avoidance relation- ship	رابطهٔ پرهیزی، مناسبات خویشاوندی احترام‌آمیز
Ratzel, Friedrich	Ratzel, F.	راتزل، فردریک
Radcliffe-Brown, A.R.	Radcliffe-Brown, A.R.	رادکلیف-براون، ا.آر.
Radin, Paul	Radin, P.	رادن، پل
initiation	initiation	رازآموزی، رازآگاهی، گذرآیینی
Redfield, Robert	Redfield, R.	ردفیلد، رابرت
fosterage	fosterage	رضاعی بودن، به‌شیر گذاشتن
Danse du Soleil	Sun Dance	رقص خورشید
Danse de l'Esprit	Ghost Dance	رقص روح (ارواح)
Rhombe	bull roarer	رمب
plaisanterie, relation de: یا parenté à	joking relationships	روابط یا خویشاوندی ریشخند‌آمیز
superstructure	superstructure	روبنّا، روساخت

فارسی	انگلیسی	فرانسه
روح	soul	âme
روح‌گرایی	animatism	animatisme
روح‌محافظ	guardian spirit	esprit gardien
روش‌اصول‌موضوعه	postulational method	postulats, méthode des
روش‌سلسله‌نیاکان، روش دودمانی	genealogical method	généalogique, méthode
روش‌مقایسه‌ای	comparative method	comparative, méthode
روکو یا اوروکو	urucu یا uruku	roucou, یا urucu
روهیم، ژ	Roheim, G.	Roheim, G.
ریورز	Rivers, W. H. R.	Rivers, W. H. R.
ریوه، پل	Rivet, P.	Rivet, Paul
رییس‌سالاری (شفری)	chieftainship	chefferie
ز		
زایش‌انسان، نسل‌انسان	anthropogeny یا anthropogenesis	anthropogonie
زبانهای پاپو	papuan languages	papoues langues
زبانهای کرئول	creole languages	créoles langues
زنا با محارم	incest	inceste
زنا با محارم دودمانی	dynastic incest	inceste dynastique
زونی	Zuni	Zuni
زیربنا، زیرساخت	infrastructure	infrastructure
ژ		
ژئوفاژی (خوردن زمین)	geophagy	géophagie
ژئومانسی	geomancy	géomancie
ژاکوبسن، آر.	Jakobson, R.	Jakobson, R.
ژرمنها	siblings	germains
ژنیپا	genipa	genipa
ژوسلن دو ژونگ،	Josselin de Jong, J.P.B.	Josselin de jong, J.P.B.
ژی.پ.ب. دو	de	de

فرانسه	انگلیسی	فارسی
Gé	Ge یا Gê	ژه
		س
Sapir, Edward	Sapir, E.	سایپر، ادوارد
homme-médecine	medicine-man	ساحر
structure, structure sociale	social structure	ساختار، ساختار اجتماعی
structuralisme	structuralism	ساختارگرایی، ساخت‌گرایی
structures élémentaires de parenté	elementary structures of kinship	ساختارهای بنیانی خویشاوندی
sarbacane	blow, tube	سارباکان
dualiste, organisation	dual organization	سازمان دوتایی (نظام دوبخشی)
aborigène	aborigine	ساکنان اولیه
Nilotes	Nilotes	ساکنان دره نیل، نیلوتها
Samoans	Samoa	ساموآ (ن)ها
sanza	sanza	سانزا
sebucan	basketry manioc press	سبوکان
Plaines, Indiens des	Plains Indians	سرخ‌پوستان دشتها
niveau	level	سطح، مرتبه
jet, armes de—, bâton de—, massue de—	throwing club, throwing stick	سلاحهای پرتاب، چوب پرتاب، گرز پرتاب
salutation larmoyante	weeping salutation	سلام اشک‌آلود
Seligman, C. G.	Seligman, C. G.	سلیگمن، سی. جی.
suttee, یا sati	suttee	سوتی یا ساتی
sororat	sororate	سورورا، ازدواج با خواهر زن، خواهر زن گزینی
sib	sib	سیب
ignames	yams	سیب‌زمینی هندی

فرانسه	انگلیسی	فارسی
sibling, یا germain	sibling	سیبلینگ یا ژرمن، برادر-خواهر
Sioux, یا Siou	Siouan	سیو
ش		
indice céphalique	cephalic index	شاخص سر
ramage	ramage	شاخه، شاخه‌خویشاوندی، خویشاوندی شاخه‌ای
charivari	charivari	شاری واری (آهنگ ناموزون)
chamanisme یا shamanisme	shamanism	شامانیسم
Schebesta, Paul	Schebesta, P.	شستا، پل
personnalité de base	basic personality یا basic type یا basic structure	شخصیت اساسی
rituel	ritual	شعائر، مراسم آیینی و تشریفاتی
guérisseur (یا medicine-man)	medicine-man	شفادهنده، معالج (یا ساحر)
chasseurs-collecteurs (یا chasseurs-cueilleurs)	food-gatherers and hunters	شکارچیان-جمع‌کنندگان خوردک (یا شکارچیان- گردآورندگان خوردک)
churinga	tjurunga	شورینگا
Chombart de Lauwe, Paul-Henri	Chombart de Lauwe, P-H.	شومباردو لوو، پل-هانری
trickster	trickster	شیاد
chibcha	chibchan	شیبشا
prix de la fiancée	bride price یا bride wealth	شیربها، قیمت نامزد

فرانسه	انگلیسی	فارسی
		ط
lignage	lineage	طایفه
classes matrimoniales (à classe de mariage)	marriage classes	طبقات زناشویی (طبقات ازدواج)
âge, classe d'	age set	طبقه سنی
naturisme	naturism	طبیعت پرستی، ناتوریسم
amulette (à talisman)	amulet à talisman	طلسم، دعا
		ع
ethos	ethos, à (areal) cul- ture pattern	عادات و رسوم
élément culturel	culture element	عنصر فرهنگی
		غ
étui pénien	penis sheath	غلاف رجلیت، پوشینه مردانگی
		ف
fâ (à fê)	fê-money	فا (یا فه)
fétichisme	fetishism	فتیشیسم، بت پرستی
endoculturation	endoculturation	فرآیند انتقال فرهنگ، درون فرهنگ پذیری
transculturation	transculturation	فرآیند گذار فرهنگ، انتقال فرهنگ
phratrie	phratry	فراتری
hypergamie	hypergamy	فراهمسری، فرادست همسری
Firth, Raymond W.	Firth, R. W.	فرث، ریموند. دلبیو.
Frobenius, Léo	Frobenius	فروبنیوس، لئو
hypogamie	hypogamy	فروهمسری، فرودست همسری

فارسی	انگلیسی	فرانسه
فروید، زیگموند	Freud, S.	Freud, Sigmund
فرهنگ	culture	culture
فرهنگ آموزی، فرآیند پذیرش فرهنگ	enculturation	enculturation
فرهنگ پذیری	acculturation	acculturation
فرهنگ شناسی	culturology	culturologie
فرهنگ فقر	culture of poverty	pauvreté, culture de
فرهنگ و شخصیت	Culture and Personality	Culture et Personnalité
فریزر، سر جیمس جورج	Frazer, J. G. S.	Frazer, James George (Sir)
فندک پیستونی	fire pump	briquet à piston
فنگ یا پهوین	Fang	Fang (۴ Pahouin)
فورت، مهیر	Fortes, M.	Fortes, Meyer
فورتون، رتو فرانکلین	Fortune, R. F.	Fortune, Reo Franklin
فورد، دریل سی.	Forde, D. C.	Forde, Daryll C.
فولکلور و مردم‌شناسی	folklore	folklore et ethnologie

ق

قاعده اقامتگاه	rule of residence	résidence, règle de
قبیله	tribe	tribu
قطع چوچوله یا ختنه زنان	clitoridectomy	clitoridectomie
قطع (تغییر) عضو	mutilation	mutilation
قوم کشی، قومیت کشی	ethnocide	ethnocide
قوم مداری، قوم مرکزی	ethnocentrism	ethnocentrisme
قوم نگاری، مردم نگاری	ethnography	ethnographie
قهرمان اشاعه تمدن و فرهنگ	culture hero	civilisateur, héros
قهرمان فرهنگی	culture hero	héros culturel

فرانسه	انگلیسی	فارسی
		ك
Katchina, Katcina	Kachina یا Katcina	کاچینا
Caraïbe	Carib	کاراییب (یا کاریب)
Guttman, application ethnologique des échelles, de	Guttman's scales	کاربرد مردم‌شناختی مقیاسهای «گوتمن»
Kardiner, Abram	Kardiner, A.	کاردینر، آبرام
fonctionnalisme	functionalism	کارکردگرایی
Casas, Bartholomé de las—	Casas, B. de. las	کاساس (کازاس)، بارتولومه دولاس
cassave	cassava	کاساو
caste	caste	کاست
kaftan, cafetan	kaftan	کافتن
candomblé	candomble	کاندومبله
Canaque	Kanka	کانک
foyer culturel	culture center	کانون فرهنگی
kava	kava	کاوا
Koppers, W.	Koppers, w.	کپرس، دبلیو.
chthonien	chthonian	کتونین (ختونین)، زمینی
calabasse	calabash	کدوی قلیانی
kratophanie	kratophany	کراتوفانی
Crow	Crow	کرو
Krøber, Alfred Louis	Krøber, A. L.	کروبر، آلفرد لوئیس
agriculture itinérante	shifting cultivation	کشاورزی متحرک
clan	clan, sib	کلان
globalisme, holisme, holistique	holism, holistic	کل‌گرایی، کل‌گرا
Kluckhohn, Clyde	Kluckhohn, C.	کلوهکن. کلاید
Cliffdwellers	Cliffdwellers	کلیفدولرز (صخره‌نشینان)
arc réflexe/rétroflexe	reversed bow	کمان انعکاسی

فرانسه	انگلیسی	فارسی
arc à carder	cotton-cleaning bow	کمان کتانی و اخیده
arc à balles	pellet bow	کمان گلوله انداز
arc composite	composite bow, یا compound bow	کمان مرکب
arc musical	musical bow	کمان موسیقی
communisme primitif	primitive communism	کمونیسم ابتدایی
communisme sexuel	sexual communism	کمونیسم جنسی
Kivakiutl	Kivakiutl	کواکیوتل
curare	curare	کورار
cordyline	cordyline	کوردیلین
corroboree	corroboree	کوروبوره
cauri	cowrie	کوری
colombin, poterie au	pottery by coiling	کوزه‌گری به روش مارپیچ
kukri	kukri	کوکری
cultivar	cultivar	کولتیوار (تغییر کشت)
couvade	couvade	کوواد (زایمان دروغی مردان)
kérygme	kerygma	که‌ر یگم
quechua, یا quetchua, یا quichua	quechua	که شوآ، یا کت شوآ، یا کی شوآ
quipu, یا quipo, یا quipou	quipu یا khipu	کی‌پو
kiva	kiva	کیوا
kimbanguisme	kimbanguism	کیم بانگیسم
گی		
gamelan	gamlan	گاملان
glottochronologie	glottochronology	گاه‌شماری واژگانی
Granet, Marcel	Granet, M.	گرانه، مارسل
Graebner, Frits R.	Graebner, F. R.	گرینر، فریتس آر.

فارسی	انگلیسی	فرانسه
گروه خود مدار (خود مرکز)	egocentric group	égocentrique, groupe
گروه محلی، یا گروه بر اساس سرزمین و اقلیم	local group	local, groupe; یا groupe à base territoriale
گریول، مارسل	Griaule, M.	Griaule, Marcel
گشاد کردن مجرای تناسلی	subincision	subincision
گلدن وایزر، الکساندر ا.	Goldenweiser, A. A.	Goldenweiser, Alex- ander A.
گلوکمن، ماکس جی.	Gluckman, M. G.	Gluckman, Max G.
گورو	guru	gourou (یا guru)
گوزیند، مارتین	Gusinde, M.	Gusinde, Martin
گوشه‌نشینی، انزوا	reclusion	réclusion
گیمبارد	jew's harp	guimbarde

ل

لافیتو، ژوزف	Lafitau, J.	Lafitau, Joseph
لب آویز	labret	labret
لری، ژان دو	Léry, J. de	Léry, Jean de
لنگر آبی	water-powered pestle	balancier hydraulique
لوبک، سرجان (یا لرد آوبوری)	Lubbock, Sir John (یا Lord Avebury)	Lubbock, Sir John, devenu Avebury
لوروآ-گوران، آندره	Leroi-Gourhan, A.	Leroi-Gourhan, André
لوئیس، اسکار	Lewis, O.	Lewis, Oscar
لوی، دبرت ام.	Lowie, R. M.	Lowie, Robert M.
لوی - اشتروس، کلود.	Lévi-Strauss, C.	Lévi-Strauss, Claude
لوی-برول، لوسین	Lévy-Bruhl, L.	Lévy-Bruhl, Lucien
لویرا، ازدواج با بیوه برادر	levirate	lévirat
لیچ. ادموند رونالد	Leach, E. R.	Leach, Edmund Ro- nald
لیریس، میشل	Leiris, M.	Leiris, Michel

فرانسه	انگلیسی	فارسی
Linton, Ralph	Linton, R.	لینتون، رلف
linga	linga	لینگا
Leenhardt, Maurice	Leenhardt, M.	لینهارت، موریس
م		
Maori	Maori	مئوری
Mau-Mau	Mau-Mau	مئو - مئو
matrilineaire	matrilineal	مادر بطنی، مادر تباری
matriarcat	matriarchate	مادر سری، مادر سالاری
marae ۽ malae	marae	مارائه یا مالائه
Marett, R. R.	Marett, R. R.	مارت، رابرت رانولف
marimba	marimba	ماریمبا
mécanicisme	mechanicism	ماشین‌گرایی
malangan ۽ malagan	malangan, malagan	مالانگان یا مالانگان
Malayo-polynésien	Malayo-polynesian	مالایو - پولینزی
Malinowski, Bronislaw	Malinowski, B.	مالینوسکی، برانیسلاو
mana	mana	مانا
manitou	manito ۽ manito	مانی‌تو
manioc	manioc ۽ cassava	مانیوک
nivrée, pêche à la	poison fishing	ماه‌یگیری به کمک زهر
échange restreint,	generalized exchange,	مبادله محدود، مبادله عام
échange généralisé	restricted exchange	
Métraux, Alfred	Metraux, A.	مترو، آلفرد
foret à arc	pump-drill	مته‌کمانی
terrain	fieldwork	محل یا زمین تحقیق
écologie	ecology ۽ œcology	محیط‌شناسی، بوم‌شناسی (اکولوژی)
environnementalisme	environmentalism	محیط‌گرایی
religion	religion	مذهب

فرانسé	انگلیسی	فارسی
ethnologie	ethnology	مردم‌شناسی
ethnohistoire	ethnohistory	مردم‌شناسی تاریخی
ethnopsychiatrie	ethnopsychiatry	مردم‌شناسی روانی، روانپزشکی قومی
ethnologie rurale	ethnology of peasant societies	مردم‌شناسی روستایی
ethnoscience	ethnoscience	مردم‌شناسی علوم
Morgan, Lewis H.	Morgan, L. H.	مرگان، لوئیس اچ.
Mauss, Marcel	Mauss, M.	مس، مارسل
participation mystique	mystic participation	مشارکت عرفانی
collatéralité, critère de	criterion of collaterality	معیار جانبی بودن، معیار خویشاوندان جانبی
bifurcation, critère de	forking, یا criterion of bifurcation	معیار خویشاوندان انشعابی
Munsell, échelle de niche écologique	Munsell scale ecological niche	مقیاس مونسل مکان محیط‌شناختی، مقام اکولوژیک
historico-culturelle, école	culture historical school	مکتب تاریخی- فرهنگی، مکتب تاریخ فرهنگی
Mc Lennan, John Fer- guson	Mc Lennan, J. F.	مک‌لنن، جان فرگوسن
moko	moko	مکو
néo-mélanésien	neo-melanesian	ملانزی نو، نئو ملانزی
Ego	Ego	من، خود (اگو)
passage, rites de	rites de passage یا transition rites	مناسک گذر، مناسک انتقال
monoxyle	dugout canoe	منوکزیل، زورق یک‌تکه
Murdock, George Peter	Murdock, G. P.	مورداک، ژرژ پیتر
Muller, Max	Muller, M.	مولر، ماکس

فارسی	انگلیسی	فرانسه
مید، مارگارت	Mead, M.	Mead, Margaret
میراث، ارث بری	inheritance	héritage
میکلوشو-مک‌لی، نیکولاس	Miklucho-Maclay, N.	Miklucho-Maclay, Nicolas
مین، سر هنری جیمس سمتر	Maine, H. J. S.	Maine, H. J. S.
ن		
نادل، اس اف	Nadel, S. F.	Nadel, S. F.
نخستین شیرۀ زفاف	jus primae noctis	jus primae noctis
نخل آرد دار، درخت‌نان	sago palm	sagoutier
نژاد	race	race
نژاد پرستی	racism	racisme
نژادشناسی	raciology	raciologie
نژاد قفقازی	caucasoid race	caucasoid, race
نسبت جنسی، تناسب جنسی	sex-ratio	sex-ratio
نسب دوجانبه	bilateral	bilateral descent
نسل‌کشی، کشتار قومی	genocide	génocide
نصفه، نیمه	moiety	moitié
نظام خویشاوندی	kinship system	parenté, système de
نظام خویشاوندی اسکیمو	Eskimo kinship system; Eskimo type	Eskimo, système de parenté
نظام خویشاوندی اماها	Omaha type of kinship system	Omaha, système de parenté
نظام خویشاوندی ایروکوآ	Iroquois type	Iroquois, système de parenté
نظام خویشاوندی توصیفی (باواژگان خویشاوندی توصیفی)	descriptive kinship systems	descriptif, système de parenté (à terminologie de parenté descriptive)
نظام خویشاوندی داکوتا	Dakota type of kinship	Dakota, système de parenté

فارسی	انگلیسی	فرانسه
نظام خویشاوندی سودانی	Sudanese type of kinship system	Soudanais, système de parenté
نظام خویشاوندی فوکس	Fox type of kinship system	Fox, système de parenté
نظام خویشاوندی کرو	Crow type	Crow, système de parenté
نظام خویشاوندی گینه‌ای	Guinea type of kinship system	Guinéen, système de parenté
نظام خویشاوندی هاوایی	Hawaiian type of kinship system	Hawaïen système de panenté
نظام خویشاوندی یوما	yuma type of kinship system	yuma, système de parenté
نظام‌های بخشی	section systems یا class systems	sections, systèmes à
نظریه خورشیدسنگی	heliolithic	héliolithique, théorie
نظریه کن-تیکي	Kon-Tiki theory	Kon-Tiki, théorie du
نگریتو	Negrito	Négrito
نگریها، تیره بوستان	negrillo	négrilles
نوئر	Nuer	Nuer و Nouer
نورد نسکیولد، ارلند	Nordenskiöld, E.	Nordenskiöld, Erland
نهادگرایی	nativistic movements	nativisme
نیموانداجو، کورت	Nimuendaju, C.	Nimuendaju, Curt
نیمه ازدواج (ازدواج نصفه)	half marriage	demi-mariage
و		
وارنا	varna	varna
واژگان از طریق نسلها	generation terminology	génération, terminologie par
واژگان خطاب	terms of address	adresse, terme d'

فرانسه	انگلیسی	فارسی
bifurcation et à ligne, terminologie à	bifurcate collateral term	واژگان خویشاوندان انشعابی و خویشاوندان خطی
parenté, terminolo- gie de	kinship terminology	واژگان خویشاوندی
classificatoire, termi- nologie de parenté (یا classificatoire, sys- tème de parenté)	classificatory kinship terminology	واژگان خویشاوندی طبقه‌بندی شده (یا نظام خویشاوندی طبقه‌بندی شده)
assimilation par bi- furcation, terminolo- gie à	bifurcate merging term	واژگان همسانی از طریق انشعاب
dénotatif, terme	denotative term	واژه تعینی
descriptif, terme	descriptive kinship term	واژه توصیفی
classificatoire, terme de parenté (یا termi- nologie—)	classificatory kinship term	واژه خویشاوندی طبقه‌بندی شده (یا واژگان طبقه‌بندی شده)
référence, terme de vagina dentata	term of reference vagina dentata	واژه مرجع، واژه عطف واژینا دانتاتا، فرج دندان‌دار
wakan یا wakonda	wakan یا wakonda	واکان یا واکوندا
Van Gennep, Arnold	Van Gennep, A.	وان ژنپ، آرنولد
white Leslie	white, L.	وایت، لسلای
Vedda	Vedda	ودا
vaudou	voodoo	ودو
wergeld, wergild	blood money	ورگلد، ورگیلد، خون‌بها
Westermarck, Edward	Westermarck, E.	وسترمارک، ادوارد
nilotique, position	nilotenstellung	وضعیت نیلوتیکی
trait culturel	culture element	ویژگی فرهنگی، خطوط فرهنگی

فرانسه	انگلیسی	فارسی
Wissler, Clark	Wissler, C.	ویسلر، کلارک
		ه
hapu	hapu	هپو
Haddon, Alfred Cort	Haddon, A. C.	هدون، آلفرد کورت
promiscuité primitive	promiscuity	هرج و مرج در مسایل جنسی ابتدایی، بی بند و باری جنسی
horde	horde	هرد
Herskovits, Melville	Herkovits, M. J.	هرسکوویس، ملویل ژان
Jean		
hématite	hematite	هماتیت
alliés	affines	همبسته‌ها، وصلت کرده‌ها
compérage	compaternity	همدستی در (شرکت در)...
cognats	cognates	همزادها
assimilation	assimilation	همسانی، همانندگردی
assimilation par bifurcation	bifurcate merging	همسانی از طریق انشعاب
agnats	agnates	هم‌صلبها
hamac	hammock	همک
convergence	convergence	همگرایی
cannibalisme	cannibalism	همنوع خواری
Haudricourt, André	Haudricourt, A. G.	هودریکور، آندره ژرژ
Georges		
Hocart, A. M.	Hocart, A. M.	هوکارث، ا. م.
Humboldt, Alexander	Humboldt, A. V.	هومبولت، الکساندر وان
Von		
hystérie arctique	arctic hysteria	هیستری شمالی

فرانسه	انگلیسی	فارسی
		ی
Notes and Queries On Anthropology	Notes and Queries On Anthropology	یادداشتها و جستارها در انسان‌شناسی
yopo, یا niopo	yopo یا niopo	یوپو یا نیوپو
yourte	yurt	یورت
yucca	yucca	یوکا
Jung, Carl Gustav	Jung, C. G.	یونگ، کارل گوستاو
yonī	yonī	یونی

بر حسب الفبای فرانسه

(فرانسه، انگلیسی، فارسی)

فرانسه	انگلیسی	فارسی
A		
aborigène	aborigine	ساکنان اولیه
acculturation	acculturation	فرهنگ پذیری
Achanti	Ashanti	آشانتی
adat	adat law	آدا
adelphique	adelphic	آدلفیک
adobe	adobe	آدوب
adresse, terme d'	terms of address	واژگان خطاب
âge, classe d'	age set	طبقه سنی
agnats	agnates	هم‌صلبها
agriculture itinérante	shifting cultivation	کشاورزی متحرک
aigri (eygris)	accory	اگری
Aïnou	Ainu	آیی‌نو
aire chronologique	age area	حوزه بینش زمان‌شناختی
aire culturelle	culture area	حوزه فرهنگی
Algonquin	Algonkin	الگونکین
alliance, théories de l'	alliance theories	نظریه‌های همبستگی
alliés	affines	همبسته‌ها، وصلت کرده‌ها
Altaïque	Altaic	آلتائیک
alternée, résidence	alternating residence	اقامتگاه متناوب

فارسی	انگلیسی	فرانسé
تیرهٔ تاج‌خروسان	amaranths	amarantes
آمبیل‌آناك	ambil-anak	ambil-anak
دومكان	ambilocal	ambilocale
روح	soul	âme
آمیتا	amitate	amitat
آموك	amok یا amuck	amok
طلم، دعا	amulet یا talisman	amulette (یا talisman)
تحليل فرهنگى مقابسه‌ای	cross-cultural survey	analyse culturelle comparative
آندامان یا آندامانى	andamanese	andaman
روح‌گرایی	animatism	animatisme
جان‌گرایی، همزادگرایی	animism	animisme
بی‌هنجاری، نابسامانی	anomy یا anomie	anomie
زایش انسان، نسل‌انسان	anthropogeny یا anthropogenesis	anthropogonie
انسان‌شناسی	anthropology	anthropologie
انسان‌شناسی کاربردی	applied anthropology	anthropologie appliquée
انسان‌شناسی فرهنگی	cultural anthropology	anthropologie culturelle
انسان‌شناسی اقتصادی	economie anthropology	anthropologie économique
انسان‌شناسی جسمانی	physical anthropology	anthropologie physique
انسان‌شناسی سیاسی	political anthropology	anthropologie politique
انسان‌شناسی روان‌تحلیلی	psychoanalytical anthropology	anthropologie psychanalytique
انسان‌شناسی اجتماعی	Social anthropology	anthropologie sociale
انسان‌خواری (آدم‌خواری)	anthropophagy	anthropophagie
آپولونی	apollonian	apollonien

فرانسé	انگلیسی	فارسی
Aranda	Arunta	آراندای، آرونتا
Arapesh	Arapesh	آراپش
Araucan	Araucanian	آروکان
Arawak	Arawak	آراواک
arbre à pain	bread fruit tree	درخت نان
arc à balles	pellet bow	کمان گلوله‌انداز
arc à carder	cotton-cleaning bow	کمان کنانی واخیده
arc composite	composite bow, یا compound bow	کمان مرکب
arc musical	musical bow	کمان موسیقی
arc réflexe et rétroflexe	reversed bow	کمان انعکاسی
arec	areca	آرک
assimilation	assimilation	همسانی، همانند‌گردی همانند‌سازی
assimilation par bifurcation	bifurcate merging	همسانی از طریق انشعاب
assimilation par bi- furcation, terminolo- gie à	bifurcate merging term	واژگان همسانی از طریق انشعاب
Athapascan	Athapascan	آتا پاسکان
Austronésien	Austronesian	استرونزی
avunculat	avunculate	دایی یا دایی‌سالاری
avunculocale, résidence	avunculocal residence	اقامتگاه دایی‌مکان
Aymara	Aymara	آیمارا
Azandé	Azande یا Zande	آزاندé

B

Bachofen (Johann Jakob)	Bachofen, J. J.	باخوفن، یوهان ژاکوب
balancier hydraulique	water-powered pestle	لنگر آبی
balsa	balsa	بالسا

فارسی	انگلیسی	فرانسه
بامبارا	Bambara	Bambara یا Banmana
بامی لکه	Bamileke	Bamiléké یا Bamilike
بانتو	Bantu	Bantou
باوله	Baoule	Baoulé
بربریت، وحشیگری	barbary	barbarie
باستیان، آدولف	Bastian, A.	Bastian, Adolf
باستید، روژه	Bastide, R.	Bastide, Roger
باتیک، باتیکاژ	batik	batik یا batikage
چوب آتش‌زنه	fire-drille, fire-stick	bâton à feu
چوب حفر (یا چوب‌دستی حفاری)	digging stick, یا digging stock	bâton à fouir (ou bâton fouiller)
بندیکت، روت	Benedict, R.	Benedict, Ruth
برداش	berdache	berdache
بتل (لفل هندی)	betel	bétel
آبجو	beer	bière
واژگان خویشاوندان انشعابی و خویشاوندان خطی	bifurcate collateral term	bifurcation et à ligne, terminologie a
معیار خویشاوندان انشعابی	forking, یا criterion of bifurcation	bifurcation, critère de
نسب دوجانبه	bilateral descent	bilateral descent
اقامتگاه دومکان	bilocal residence	bilocale, résidence
اجتماع مبتنی بر موجودات زنده	biotic community	biotique, communauté
بیوتوپ (محیط زیستی گیاهان و حیوانات)	biotope	biotope
بواس، فرانسیس	boas, F.	Boas, Franz
بوشیمن	Bushman	Bochiman, Boschiman
بولا	bola	bola
بوله آدورس	bolas	boléadores
بورورو	Bororoan	Bororo
بومرانژ	boomerang	boumerang

فرانسه	انگلیسی	فارسی
briquet à piston	fire pump	فندك پیستونی
C		
calebasse	calabash	كدوی قلیانی
Canaque	Kanaka	كانك
candomblé	candomble	كاندومبله
cannibalisme	cannibalism	همنوع خواری
capture, mariage par	marriage by capture	ازدواج تسخیری
Caraïbe	Carib	کاراییب (یا کاریب)
cargo cult, ۛulte de cargo	cargo cult	آیین کارگو
Casas, Bartholomé de las—	Casas, B. de las	کاساس (کازاس)، بارتولومه دولاس
cassave	cassava	کاساو
caste	caste	کاست
caucasoid, race	caucasoid race	نژاد قفقازی
cauri	cowrie	کوروی
chamanisme ۛ shamanisme	shamanism	شامانیسم
charivari	charivari	شاری واری (آهنگ ناموزون)
chasseurs-collecteurs (ۛ chasseurs-cueilleurs)	food-gatherers and hunters	شکارچیان-جمع‌کنندگان خوردك (یا شکارچیان- گردآورندگان خوردك)
chefferie	chieftainship	رییس‌سالاری (شفری)
chibcha	chibchan	شیبشا
chiliastiques, mouve- ments	chiliastic movements	جنبشهای شیلیاستیک
Chombart de Lauwe, Paul-Henri	Chombart de Lauwe, P-H.	شومباردو لوو، پل-هانری
chthonien	chthonian	کتونین (ختونین)، زمینی
churinga	tjurunga	شورینگا

فرانسé	انگلیسی	فارسی
civilisateur, héros	culture hero	قهرمان اشاعۀ تمدن و فرهنگ
civilisation	civilization	تمدن
clan	clan, sib	کلان
classes matrimoniales (à classe de mariage)	marriage classes	طبقات زناشویی (یا طبقات ازدواج)
classificatoire, terme de parenté (à terminologie—)	classificatory kinship term	واژه خویشاوندی طبقه‌بندی شده (یا واژگان طبقه‌بندی شده)
classificatoire, terminologie de parenté (à classificatoire, système de parenté)	classificatory kinship terminology	واژگان خویشاوندی طبقه‌بندی شده (یا نظام خویشاوندی طبقه‌بندی شده)
Cliffdwellers	Cliffdwellers	کلیف‌دولرز (صخره‌نشینان)
clitoridectomy	clitoridectomy	قطع چوچوله یا ختنۀ زنان
clone	clone	تولید مثل یا آبستنی غیر جنسی
coépouses	plural wives	چندهمسرها
cognatique, filiation (à système—)	cognatic descent	خویشاوندی همزادی (یا نظام خویشاوندی)
cognats	cognates	همزادها
collatéralité, critère de	criterion of collaterality	معیار جانبی بودن، معیار خویشاوندان جانبی
collecteurs (à cueilleurs)	food-gatherers	جمع‌کنندگان (یا گردآورندگان) خوراک
colombin, poterie au communaut�	pottery by coiling community	کوزه‌گری به روش مارپیچ اجتماع (واحد اجتماعی)
communisme primitif	primitive communism	کمونیسم ابتدایی (جامعۀ اشتراکی اولیه)
communisme sexuel	sexual communism	کمونیسم جنسی
comparative, m�thode	comparative method	روش مقایسه‌ای

فارسی	انگلیسی	فرانسه
همدستی در (شرکت در)...	compaternity	compérage
تحلیل ترکیبی (عاملی، جزء به جزء)	componential analysis	componentielle, analyse
جادو به وسیلهٔ سرائیت (یا جادوی مسری)	contagion magic (یا magic by contagion)	contagion, magie par (یا magie contagieuse)
قانون مجاورت (قانون همجواری)	contiguity, law of	contiguïté, loi de
همگرایی	convergence	convergence
کور دیلین	cordyline	cordyline
کوروبوره	corroboree	corroboree
پسر داییه‌ها، دختر داییه‌ها، پسر عمه‌ها و دختر عمه‌های عرضی (مقاطع)	cross cousins	cousins croisés
ازدواج پسر داییه‌ها، دختر داییه‌ها، پسر عمه‌ها و دختر عمه‌های عرضی (مقاطع)	cross cousins marriage	cousins croisés, mariage de
پسر عموها، دختر عموها، پسر خاله‌ها و دختر خاله‌های موازی	parallel cousins	cousins parallèles
کوواد (زایمان دروغی مردان)	couvade	couvade
زبانهای کرئول	creole languages	créoles, langues
کرو	Crow	Crow
نظام خویشاوندی کرو	Crow type	Crow, système de parenté
آیین بحران	crisis cult	cult de crise
بومی شده (کولتی‌ژن)	cultigen	cultigène
کولتی‌وار (تغییر کشت)	cultivar	cultivar
فرهنگ	culture	culture
فرهنگ و شخصیت	Culture and Personality	Culture et Personnalité

فرانسه	انگلیسی	فارسی
culturologie	culturology	فرهنگ‌شناسی
curare	curare	کورار
D		
Dakota	Dakota	داکوتا
Dakota, système de parenté	Dakota type of kinship system	نظام خویشاوندی داکوتا
Danse de l'Esprit	Ghost Dance	رقص روح (ارواح)
Danse du Soleil	Sun Dance	رقص خورشید
Dayak	Dayak یا Dyak	دایاک (یا دیاک)
décalage culturel	cultural lag	تاخر فرهنگی
dème	deme	دم
demi-mariage	half marriage	نیمه ازدواج (ازدواج نصفه)
dénotatif, terme	denotative term	واژه تعینی
descendance	filiation	اولادان
descriptif, système de parenté (۲ terminologie de parenté descriptif	descriptive kinship systems	نظام خویشاوندی توصیفی (یا واژگان خویشاوندی توصیفی)
descriptif, terme	descriptive kinship term	واژه توصیفی
diffusion	diffusion	اشاعه (انتشار)
diffusionnisme	diffusionism	اشاعه گرایی
dionysien (۲ dionysiaque)	dionysian	دیونیزی (یا دیونیزیایی)
Dobu	Dobu, Dobuan	دبو
Dogon	Dogon	دگن
dolicocéphale	dolicocephalic	دولیکوسفال (سردراز)
dot	dowry	جهیز
double, filiation	double descent	خویشاوندی دونسبی (نسب دوگانه)

فرانسه	انگلیسی	فارسی
Dozier, Edward	Dozier, E.	دوزیه، ادوار
droit de seigneur	droit de seigneur	حق‌ارباب
dualiste, organisation	dual organization	سازمان دوتایی (نظام دویخشی)
DuBois, Cora	DuBois, C.	دوبوآ، کورا
Dumézil, Georges	Dumézil, G.	دومزیل، ژرژ
Dumont, Louis	Dumont, L.	دومون، لویی
Durkheim, Émile	Durkheim, E.	دورکیم، امیل
dysnomie	dysnomie	بی‌هنجاری، نابسامانی

E

échange restreint,	generalized exchange,	مبادله محدود، مبادله عام
échange généralisé	restricted exchange	
échantillonnage	statistical sampling	فن نمونه برداری (آماري)
(statistique), techni-	technique	
que de l'		
écologie	ecology یا œcology	محیط‌شناسی، بوم‌شناسی (اکولوژی)
écosystème (یا système	ecosystem	اکوسیستم (یا نظام محیط‌شناختی)
écologique)		
écotype	ecotype	اکوتیپ
Eggan, Fred R.	Eggan, F. R.	اگان، فرد آر.
Ego	Ego	من، خود (اگو)
égocentrique, groupe	egocentric group	گروه خود مدار (خود مرکز)
ejido, ejidal	ejido, ejidal	اژیدو، اژیدال
élément culturel	culture element	عنصر فرهنگی
Eliade, Mircea	Eliade, M.	الیاده، میرچا
Elkin, Adolphus Peter	Elkin, A. P.	الکین، آدولفوس پیتر
Elliot-Smith, Grafton	Elliot-Smith, G.	الیات، اسمیت، گرافتون
enculturation	enculturation	فرهنگ‌آموزی، فرآیند پذیرش فرهنگ

فرانسه	انگلیسی	فارسی
endoculturation	endoculturation	فرآیند انتقال فرهنگ، درون فرهنگ‌پذیری
endocannibalisme	endo-cannibalism	درون هم‌نوع‌خواری
endodème	endodemic	آندودم
endogamie	endogamy	درون هم‌سری
endorcisme	endorcism	اندورسیسم
environnementalisme	environmentalism	محیط‌گرایی
Eskimo, ۱ Esquimaux	Eskimo	اسکیمو
Eskimo-Aléoute	Eskimo-Aleut	اسکیمو - آله‌اوت
Eskimo, système de parenté	Eskimo kinship system; Eskimo type	نظام خویشاوندی اسکیمو
esprit gardien	guardian spirit	روح محافظ
étendue, famille	extended family	خانواده گسترده
ethnocentrisme	ethnocentrism	قوم‌مداری، قوم‌مرکزی
ethnocide	ethnocide	قوم‌کشی، قومیت‌کشی
ethnographie	ethnography	قوم‌نگاری، مردم‌نگاری
ethnohistoire	ethnohistory	مردم‌شناسی تاریخی
ethnologie	ethnology	مردم‌شناسی
ethnologie rurale	ethnology of peasant societies	مردم‌شناسی روستایی
ethnopsychiatrie	ethnopsychiatry	مردم‌شناسی روانی، روانپزشکی قومی
ethnoscience	ethnoscience	مردم‌شناسی علوم
ethos	ethos, ۱ (areal) culture pattern	عادات و رسوم
étiologique, mythe	etiological myth	اسطوره انگیزه
étui pénien	penis sheath	غلاف رجلیت، پوشینه مردانگی
Evans-Pritchard, Edward Evan	Evans-Pritchard, E.E.	اوانس - پریچارد، ادوارد اوان
évitement, relation d'	avoidance relationship	رابطه پرهیزی، مناسبات خویشاوندی احترام‌آمیز

فارسی	انگلیسی	فرانسه
تطور و تکامل‌گرایی، تحول‌گرایی	evolutionism	évolutionnisme
اکسیزیون، قطع بخشی از آلت تناسلی	excision	excision
برون همسری	exogamy	exogamie
اگزورسیسم، اوراد دفع شیاطین	exorcism	exorcisme
F		
فا (یا فه)	fê-money	fâ (یا fê)
فنگ یا پهوین	Fang	Fang (یا Pahouin)
فتیشیسم، بت‌پرستی	fetishism	fétichisme
اشکال طناب بازی	string figures	ficelle, jeux de
خویشاوندی نسبی (پدر فرزندی)	descent	filiation
فرث، ریموند دبلیو.	Firth, R. W.	Firth, Raymond W.
جنون شمالی	arctic hysterie	folie arctique
جامعه یا فرهنگ مردم	folk-society	folk, société de (یا culture de)
فولکلور و مردم‌شناسی	folklore	folklore et ethno- logie
کارکردگرایی	functionalism	fonctionnalisme gie à
فورد، دریل سی.	Forde, D. C.	Forde, Daryll C.
مته‌کمانی	pump-drill	foret à arc
فورت، مهیر	Fortes, M.	Fortes, Meyer
فورتون، رتو فرانکلین	Fortune, R. F.	Fortune, Reo Franklin
رضاعی بودن، به‌شیر گذاشتن	fosterage	fosterage
تنورزمینی، تنورسنگی	earth oven	four de terre
کانون فرهنگی	culture center	foyer culturel

فارسی	انگلیسی	فرانس
نظام خویشاوندی فوکس	Fox type of kinship system	Fox, système de parenté
فریزر، سر جیمس جورج	Frazer, J. G. S.	Frazer, James George (Sir)
فروید، زیگموند	Freud, S.	Freud, Sigmund
فروبونیوس، لئو	Frobenius	Frobenius, Léo
G		
گاملان	gamelan	gamelan
ده	Ge یا Gê	Gé
روش سلسله‌نیاکان، روش دودمانی	genealogical method	généalogique, méthode
واژگان از طریق نسلها	generation terminology	génération, terminologie par
ژنیپا	genipa	genipa
نسل‌کشی، کشتار قومی	genocide	génocide
ژئومانسی	geomancy	géomancie
ژئوفاژی (خوردن زمین)	geophagy	géophagie
ژرمنها	siblings	germaines
حکومت پیران	gerontocracy	gérontocratie
کل‌گرایی	holism,	globalisme
گاه‌شماری واژگانی	glottochronology	glottochronologie
گلوکمن، ماکس جی.	Gluckman, M. G.	Gluckman, Max G.
گلدن وایزر، الکساندر ا.	Goldenweiser, A. A.	Goldenweiser, Alexander A.
گورو	guru	gourou (یا guru)
گرینر، فریتس ار.	Graebner, F. R.	Graebner, Fritz R.
گران، مارسل	Granet, M.	Granet, Marcel
شفادهنده، معالج (یا ساحر)	medicine-man	guérisseur (یا medicine-man)
گیمبارد	jew's harp	guimbarde

فرانسه	انگلیسی	فارسی
Guinéen, système de parenté	Guinea type of kinship system	نظام خویشاوندی گینه‌ای
Gusinde, Martin	Gusinde, M.	گوزیند، مارتین
Guttman, application ethnologique des échelles de gynécocratie	Guttman's scales gynecocracy	کاربرد مردم‌شناختی مقیاسهای «گوتمن» حکومت زنان
H		
Haddon, Alfred Cort	Haddon, A. C.	هدون، آلفرد کورت
hamac	hammock	همک
hapu	hapu	هپو
Haudricourt, André Georges	Haudricourt, A. G.	هودریکور، آندره ژرژ
Hawaïen, système de panenté	Hawaian type of kinship system	نظام خویشاوندی هاوایی
héliolithique, théorie	heliolithic	نظریه خورشیدسنگی
hématite	hematite	هماتیت
hénotherisme	henotherism	توحید نوبتی
héritage	inheritance	میراث، ارث بری
héros culturel	culture hero	قهرمان فرهنگی
Herskovits, Melville Jean	Herkovits, M. J.	هرسکوویس، ملویل ژان
hiérophanie	hierophany	تجلی تقدس
historico-culturelle, école	culture historical school	مکتب تاریخی-فرهنگی، مکتب تاریخ فرهنگی
Hocart, A. M.	Hocart, A. M.	هوکارت، ا. ا. م.
hochet musical	rattle, rattle gourd	جنگجه کدویی، زنگوله خوش آهنگ
holisme, holistique	holism, holistic	کل‌گرا، کل‌گرایی
hologénisme	hologenesis	تکوین کامل
homéopathique, magie	homeopathic magic	جادوی (معالجه) همانندی

فارسی	انگلیسی	فرانسه
ساحر	medicine-man	homme-médecine
انسان خردمند	homo sapiens	homo sapiens
هرد	horde	horde
هومبولت، الکساندر وان	Humboldt, A. V.	Humboldt, Alexander Von
فراهمسری، فرادست همسری	hypergamy	hypergamie
فروهمسری، فرودست همسری	hypogamy	hypogamie
هیستری شمالی	arctic hysteria	hystérie arctique
I		
سیب‌زمینی هندی	yams	ignames
زنا با محارم	incest	inceste
زنا با محارم دودمانی	dynastic incest	inceste dynastique
شاخص سر	cephalic index	indice céphalique
خویشاوندی نسبی تفکیک- ناپذیر، نسب همزادی	bilateral descent یا cognatic descent	indifférenciée, filia- tion
بچه کشی، کودک‌کشی	infanticide	infanticide
ایجاد مانع برای آمیزش جنسی	infibulation	infibulation
پاسخگو، آگاهی‌دهنده	informant	informateur
زیر بنا، زیر ساخت	infrastructure	infrastructure
راز آموزی، راز آگاهی، گذر آیینی	initiation	initiation
نظام خویشاوندی ایروکوآ	Iroquois type	Iroquois, système de parenté
ایشی	Ishi	Ishi
جور همسری، مشا به همسری ایزوگامی	isogamy	isogamie

فرانسه	انگلیسی	فارسی
J		
Jakobson, R.	Jakobson, R.	ژاکوبسن، آر.
jet, armes de—, bâton	throwing club, throw- ing stick	سلاح‌های پرتاب، چوب پرتاب، گرز پرتاب
de—, massue de—		خانواده مشترک، خانواده چندگانه
joint family	joint family	
Josselin de jong, J.P.B.	Josselin de Jong, J.P.B.	ژوسلن دو ژونگ، ژی.پ.ب. دو
de	de	
Jung, Carl Gustav	Jung, C. G.	یونگ، کارل گوستاو
jus primae noctis	jus primae noctis	نخستین شیرۀ زفاف
K		
kaftan, cafetan	kaftan	کافتن
Kardiner, Abram	Kardiner, A.	کاردینر، آبرام
Katchina, Katcina	Kachina یا Katcina	کاچینا
kava	kava	کاوا
kérygme	kerygma	که‌ریگم
Khoïsan	khoisan	خواسان
kimbanguisme	kimbanguism یا ngunzism	کیم بانگیم
kiva	kiva	کیوا
Kluckhohn, Clyde	Kluckhohn, C.	کلوکهن، کلاید
Kon-Tiki, théorie du	Kon-Tiki theory	نظریه کن-تیکي
Koppers, W.	Koppers, w.	کپرس، دبلیو.
kratophanie	kratophany	کراتوفانی
Kræber, Alfred Louis	Kræber, A. L.	کروبر، آلفرد لوئیس
kukri	kukri	کوکری
Kwakiutl	Kwakiutl	کواکیوتل
L		
labret	labret	لب آویز

فرانسه	انگلیسی	فارسی
Lafitau, Joseph	Lafitau, J.	لافیتو، ژوزف
Leach, Edmund Ronald	Leach, E. R.	لیچ، ادmond رونالد
Leenhardt, Maurice	Leenhardt, M.	لینهارت، موریس
Leiris, Michel	Leiris, M.	لیریس، میشل
Leroi-Gourhan, André	Leroi-Gourhan, A.	لوروآ-گوران، آندره
Léry, Jean de	Léry, J. de	لری، ژان دو
lévirat	levirate	لویرا، ازدواج با ییوه برادر
Lévi-Strauss, Claude	Lévi-Strauss, C.	لوی - اشتروس، کلود
Lévy-Bruhl, Lucien	Lévy-Bruhl, L.	لوی-برول، لوسین
Lewis, Oscar	Lewis, O.	لویس، اسکار
lignage	lineage	طایفه
lignée	issue یا stock of descendants	تبار، اولاد
lignes, terminologie	lineal terminology	واژگان از طریق خطوط خویشاوندی
linga	linga	لینگا
linguistique, famille	linguistic family	خانواده زبانی
Linton, Ralph	Linton, R.	لینتون، رلف
littérature orale	oral literature	ادبیات شفاهی
local, groupe; یا groupe à base territoriale	local group	گروه محلی؛ یا گروه براساس سرزمین و اقلیم
Lowie, Robert M.	Lowie, R. M.	لوی، ربرت ام.
Lubbock, Sir John, devenu Lord Avebury	Lubbock, Sir John (یا Lord Avebury)	لوبک، سر جان (یا لرد آوبوری)

M

magie blanche	white magic	جادوی سفید
magie noire	black magic	جادوی سیاه
Maine, H. J. S.	Maine, H. J. S.	مین، سر هنری جیمس سمنر
«maison»	house	خانه، خاندان

فرانسه	انگلیسی	فارسی
maison collective	comunal house	خانهٔ جمعی
maison des hommes	men's house	خانهٔ مردان
Malayo-polynésien	Malayo-polynesian	مالایو - پولینزی
malangan یا malagan	malangan, malagan	مالانگان یا مالانگان
Malinowski, Bronislaw	Malinowski, B.	مالینوسکی، برانیسلاو
mana	mana	مانا
manioc	manioc یا cassava	مانیوک
manitou	manito یا manito	مانی‌تو
Maori	Maori	مئوری
marac یا malac	marac	مارائه یا مالائه
Marett, R. R.	Marett, R. R.	مارت، رابرت رانولف
mariage avec des morts	marriage with dead	ازدواج با مردگان
mariage de groupe	group marriage	ازدواج گروهی
mariage par échange	marriage by exchange	ازدواج تعویضی
marimba	marimba	ماریمبا
matriarcat	matriarchate	مادرسری، مادرسالاری
matrilinéaire	matrilineal	مادرخطی، مادرتباری
Mau-Mau	Mau-Mau	مئو - مئو
Mauss, Marcel	Mauss, M.	مس، مارسل
Mc Lennan, John Ferguson	Mc Lennan, J. F.	مکلنن، جان فرگوسن
Mead, Margaret	Mead, M.	مید، مارجارت
mécanisme	mechanicism	ماشین‌گرایی
Métraux, Alfred	Metraux, A.	مترو، آلفرد
Miklucho-Maclay, Nicolas	Mikluchó-Maclay, N.	میکلوشو-مک‌لی، نیکولاس
millénarisme	millenarism	حکومت هزارسالهٔ مسیح (ع)
millet	millet	ارزن
miscogénéation	miscegenation	اختلاط دوزاد، ازدواج نژادها

فرانسé	انگلیسی	فارسی
moitie	moiety	نصفه، نیمه
moko	moko	مکو
monnaie primitive	primitive money	پول (سکه) ابتدایی
monogénisme یا mono-génie	monogenesis	دارای يك ریشه و اصل، وحدت نژاد، يك ریشه‌ای
monophylétisme	monophyletism	دارای يك دودمان، وحدت دودمانی، تك دودمانی
monoxyle	dugout canoe	منوکزیل، زورق يك تکه
Morgan, Lewis H.	Morgan, L. H.	مرگان، لويس اچ.
Muller, Max	Muller, M.	مولر، ماکس
multiple, famille	joint family	خانواده چندگانه، خانواده متعدد
Munsell, échelle de	Munsell scale	مقیاس مونسل
Murdock, George Peter	Murdock, G. P.	مورداک، ژرژ پيتر
mutilation	mutilation	قطع (تغییر) عضو
mythologie	mythology	اسطوره شناسی، اساطیر
N		
Nadel, S. F.	Nadel, S. F.	نادل، اس. اف
nativisme	nativistic movements	نهادگرایی
naturisme	naturism	طبیعت پرستی، ناتوریسم
nécromancie	necromancy	احضار مردگان (ارواح)
négrilles	negrillo	نگریها، تیره پوستان
Négrito	Negrito	نگریتو
néo-locale, résidence	neolocal residence	اقامتگاه نو-مکان
néo-mélanésien	neo-melanesian	ملانزی نو، نشو-ملانزی
niche écologique	ecological niche	مکان محیط شناختی، مقام اکولوژیک
Nilotes	Nilotes	ساکنان دره نیل، نیلوتها
nilotique, position	nilotenstellung	وضعیت نیلوتیکی

فرانسه	انگلیسی	فارسی
Nimuendaju, Curt niveau	Nimuendaju, C. level	نیموانداجو، کورت سطح، مرتبه
nivrée, pêche à la nomination, tabou de (یا tabou onomastique)	poison fishing taboo on names	ماهیگیری به کمک زهر تبوی نامها (یا تبوی اسماء خاص)
Nordenskiöld, Erland Notes and Queries on Anthropology nucléaire, famille Nuer یا Nouer	Nordenskiöld, E. Notes and Queries on Anthropology nuclear family Nuer	نورد نسکیولد، ارلند یادداشتها و جستارها در انسان شناسی خانواده هسته‌ای نوئر
O		
Omaha, système de parenté organicisme	Omaha type of kin- ship system organicism	نظام خویشاوندی اماها ارگانیکسم گرای، قیاس ارگانیک
orientation, famille d'	family of orientation	خانواده راه‌یاب، خانواده جهت‌یاب
oumiak	umiak	اومیاک
P		
pandanus	pandanus	پاندانوس
papoues langues	papuan languages	زبانهای پاپو
parallèle, filiation	parallel descent	خویشاوندی نسبی (نسب) موازی
parentage	relatives	خویشان، خویشی، نسب
parenté	kinship and affinity یا kinship	خویشاوندی
parenté, système de parenté, terminolo- gie de parentèle	kinship system kinship terminology kindred	نظام خویشاوندی واژگان خویشاوندی خویشان

فرانسه	انگلیسی	فارسی
participation mystique	mystic participation	مشارکت عرفانی
passage, rites de	rites de passage یا transition rites	مناسک گذر،
patriarcat	patriarchate	پدرسری
patrilinéaire, filiation	patrilineal descent	خویشاوندی نسبی پدرتباری (پدرصلبی)
patrilocal, résidence pattern	patrilocal residence pattern	اقامتگاه پدرمکان الگو
pauvreté, culture de	culture of poverty	فرهنگ فقر
personnalité de base	basic personality یا basic type یا basic structure	شخصیت اساسی
Peul	Fulani	پل
peyotl	peyote	پیوتل
phratrie	phratry	فراتری
phylactère	phylacteries یا amulets	دعا و طلسم
piache, یا piase	piase	پیاش یا پیاز
pidgin	pidgin	پیدژین
pi'i	pi'i	پی‌عی
piraûru یا pirrauru	pirauru	پی‌رورو
Plaines, Indiens des	Plains Indians	سرخ‌پوستان دشتها
plaisanterie, relations de; یا parenté à plural, mariage	joking relationships	روابط یا خویشاوندی ریشخند آمیز
plural, mariage	plural marriage	ازدواج جمعی
pointe	piercing weapons	اسلحه‌نوک‌تیز، سر نیزه، نیش
polyandrie	polyandry	چند شوهری
polygame, famille	polygamous family	خانواده چند همسری
polygénisme	polygenesis	پولی‌ژنیسم، تعددمبادی، چندتکوینی
polygynie	polygyny	چندزنی

فرانسه	انگلیسی	فارسی
Popol-Vuh	Popol-Vuh	پوپل-ووه
population	population	جمعیت
postulats, méthode des	postulational method	روش اصول موضوعه
potlatch	potlatch	پتلاچ
préférentiel, mariage	preferential marriage	ازدواج ترجیحی
prélogique, mentalité	praelogical mind	ذهنیت پیش ازمنطق
primaire, mariage	primary marriage	ازدواج نخستین
primaires, parents	primary kin	خویشاوندان نخستین
primitif	primitive	ابتدایی
prix de la fiancée	bride price یا bride wealth	شیر بها، قیمت نامزد
prix du sang, ou parfois, prix de la tête	blood money	خون بها، یا گاهی، بهاء سر
proches, parents	primary kin	خویشاوندان نزدیک
procréation, famille de	family of procreation	خانواده زاد و ولدی
promiscuité primitive	promiscuity	هرج و مرج در مسایل جنسی ابتدایی، بی بند و باری جنسی
propulseur	spearthrower	به جلو حرکت دهنده، دستگاه اعزام
Pueblo	Pueblo	پوئبلو
pulque	pulque	پولک
pygmée	pygmies	پیگمه

Q

quechua, یا quetchua,	quechua	که شوآ، یا کت شوآ،
یا quichua		یا کی شوآ
quipu, یا quipo, یا quipou	quipu یا khipu	کی بو

فارسی	انگلیسی	فرانسه
R		
نژاد	race	race
نژادشناسی	raciology	raciologie
نژاد پرستی	racism	racisme
رادکلیف-براون، ا.آر.	Radcliffe-Brown, A.R.	Radcliffe-Brown, A.R.
رادن، پل	Radin, P.	Radin, Paul
شاخه، شاخه‌خویشاوندی، خویشاوندی شاخه‌ای	ramage	ramage
راتزل، فردریک	Ratzel, F.	Ratzel, Friedrich
گوشه‌نشینی، انزوا	reclusion	réclusion
ردفیلد، رابرت	Redfield, R.	Redfield, Robert
واژه مرجع، واژه عطف	term of reference	référence, terme de
تفسیر دوباره، بازتفسیر	reinterpretation	réinterprétation
مذهب	religion	religion
قاعده اقامتگاه	rule of residence	résidence, règle de
رمب	bull roarer	rhombe
شعائر، مراسم آیینی و تشریفات	ritual	rituel
ریورز دلیو. اچ.آر.	Rivers, W. H. R.	Rivers, W. H. R.
ریوه، پل	Rivet, P.	Rivet, Paul
روهیم، ژ	Roheim, G.	Roheim, G.
روکو یا اوروکو	urucu یا uruku	roucou, یا urucu
S		
قربانی	sacrifice	sacrifice
نخل آرد دار، درخت نان	sago palm	sagoutier
سلام اشک آلود	weeping salutation	salutation larmoyante
ساموآ (ن)ها	Samoa	Samoans
سانزا	sanza	sanza
ساپیر، ادوارد	Sapir, E.	Sapir, Edward

فارسی	انگلیسی	فرانسه
سارباکان	blow tube	sarbacane
توحش	salvager	sauvagerie
شبستا، پل	Schebesta, P.	Schebesta, Paul
اشمیت، دبلیو. پدرروحانی	Schmidt, W., le P.	Schmidt, W., le Père
سبوکان	basketry manioc press	sebucan
ازدواج ثانویه	secondary marriage	secondaire, mariage
نظامهای بخشی	section systems یا class systems	sections, systèmes à
جامعه یا نظام قطعی	segmentary system	segmentaire, société ou système
سلیگمن، سی. جی.	Seligman, C. G.	Seligman, C. G.
نسبت جنسی، تناسب جنسی	sex-ratio	sex-ratio
شیروکوگورف، اس. ام.	Shirokogoroff, S.M.	Shirokogoroff, S. M.
سبب	sib	sib
سیلینگک یا ژرمن، برادر-خواهر	sibling	sibling, یا germain
تجارت خاموش	silent trade	silencieux, commerce
سیو	Siouan	Sioux, یا Siou
ذرت هندی	sorghum	sorgho
سورورا، ازدواج با خواهر زن، خواهر زن گزینی	sororate	sororat
نظام خویشاوندی سودانی	Sudanese type of kin- ship system	Soudanais, système de parenté
استری دولاتور، موسیقی آزار دهنده، نوعی جیر- جیرك، صدای گوشخراش	musical rasp	Stridulateur
ساختارگرایی، ساخت گرای	structuralism	structuralisme
ساختار، ساختار اجتماعی	social structure	structure, structure sociale

فرانسه	انگلیسی	فارسی
structures élémentaires de parenté	elementary structures of kinship	ساختارهای بنیانی خویشاوندی
subincision	subincision	گشاد کردن مجرای تناسلی
succession	succession	جانشینی، ارث‌بری
superstructure	superstructure	رو بنا، روساخت
survivance	witness of the past, یا survival	بقاء زیستی، بقا (یا زندگی) پس از مرگ
suttee, یا sati	suttee	سوتی یا ساتی
sympathique, magie	contagion magic یا magic by contagion	جادوی مهر و محبت، جادوی مسری
synchrétisme	syncretism	آیین تلفیقی (اختلاطی)

T

tabou	taboo یا tabu	تبو
tacca	tacca	تاکا
Talayesva, Don	Talayesva, D.	تالایه‌وا، دن
talisman	talisman	طلسم و دعا
Tallensi	Tallensi	تالانسی
tapa	tapa یا bark cloth	تاپا
tarentisme	tarentism	تارانتیسم
taro	taro	تارو
Test d'Aperception	Thematic Aperception Test	آزمون ت.آ.ت.
Thématique		
tatouage	tattoo	خالکوبی
Tê	Tê	ته
teknonymie	teknonymy	تکنونیمی
terrain	fieldwork	محل یا زمین تحقیق
tests projectifs	projective tests	آزمونهای فرافکن
Thevet, André	Thevet, A.	تهو، آندره
Thurnwald, Richard	Thurnwald, R.	تورنوالد، ریچارد
Tikopia	Tikopia	تیکوپیا

فرانسه	انگلیسی	فارسی
timbo	timbo	تیم‌بو
tipi	tepee یا teepee یا tipi	تی‌بی
Tlingit	Tlingit	تلینگیت
totémisme	totemism	توتمیسم، توتم‌آیینی، توتم‌گرایی
trait culturel	culture element	ویژگی فرهنگی، خطوط فرهنگی
transculturation	transculturation	فرآیند‌گذار فرهنگ، انتقال فرهنگ
tribu	tribe	قبیله
trickster	trickster	شیاد
Trobriand	Trobriand	تروبریاند
Tsimshian	Tsimshian	تسیمشیان
Tupi-Guarani	Tupi-Guarani	تویی-گوارانی
Tylor, Edward Bur- nett	Tylor, E. B.	تایلور، ادوارد بارنت
U		
unilinéaire, filiation	unilinear descent	خویشاوندی نسبی یک‌نباری (یک‌خطی)
utérins	uterine	بطنی‌ها
uxorilocale, résidence	uxorilocal residence	اقامتگاه زن‌مکان
V		
vagina dentata	vagina dentata	واژینا دانتاتا، فرج دندان‌دار
Van Gennep, Arnold	Van Gennep, A.	وان ژنپ، آرنولد
varna	varna	وارنا
vaudou	voodoo	ودو
Vedda	Vedda	ودا
Vienne, École de—	wiener Schule	مکتب وین
virilocale, résidence	virilocal residence	اقامتگاه شوهرمکان

فرانسه	انگلیسی	فارسی
W		
wakan یا wakonda	wakan یا wakonda	واکان یا واکوندا
wergeld, wergild	blood money	ورگلد، ورگیلد، خون‌بها
Westermarck, Edward	Westermarck, E.	وسترمارک، ادوارد
white, Leslie	white, L.	وایت، لسلِی
Wissler, Clark	Wissler, C.	ویسلر، کلارک
Y		
yoni	yoni	یونی
yopo, یا niopo	yopo یا niopo	یوپو یا نیوپو
yourte	yurt	یورت
yucca	yucca	یوکا
yuma, système de parenté	yuman type of kinship system	نظام خویشاوندی یوما
Z		
Zadruga	Zadruga	زادروگاه
Zandé	Zande	زاندِه
Zar, culte des-	Zar cult	زار، آیین‌زارها
Zuni	Zuni	زونی

بر حسب الفبای انگلیسی*

(انگلیسی، فرانسه، فارسی)

انگلیسی	فرانسه	فارسی
A		
accory	aigri	اگری
action anthropology	anthropologie appli- quée	انسان‌شناسی کاربردی
affine	allié	همبسته‌ها، وصلت کرده‌ها
age area	aire chronologique	حوزه بینش زمان‌شناختی یا حوزه زمانی
age set	classe d' âge	طبقه سنی
aggry	aigri	اگری
amuck	amok	آموک
arctic hysteria	folie arctique	جنون شمالی
avoidance relation- ship	évitement, relation d'—	رابطه پرهیزی، مناسبات خویشاوندی احترام‌آمیز
B		
Bantu	Bantou	بانتو
bark cloth	tapa	تاپا
beer	bière	آبجو

* در اینجا از ذکر آن دسته از واژگان و اصطلاحات انگلیسی که بسیار نزدیک به معادل‌های فرانسه خود هستند خودداری شده است. نظیر: *Social anthrope* ، *polygamie* ، *polygamy* ، *anthropologie sociale* و غیره.

فارسی	فرانسه	انگلیسی
واژگان خویشاوندان	bifurcation et à lignes,	bifurcate collateral
انشعابی و خویشاوندان	terminologie à—	terminology
خطی		
همسانی از طریق انشعاب	assimilation par	bifurcate merging
	bifurcation	
خویشاوندی نسبی تفکیک-	indifférenciée, filia-	bilateral descent
ناپذیر، نسب همزادی	tion	
جادوی سیاه	magie noire	black magic
خون بها	prix du sang, wergeld	blood-money
سارباکان	sarbacane	blow tube
درخت نان	arbre à pain	bread fruit tree
شیر بها، قیمت نامزد	prix de la fiancée	bride-price
شیر بها، قیمت نامزد	prix de la fiancée	bride-wealth
رمب	rhombe	bull roarer
بوشیمن	Bochiman	Bushman
C		
کالباس	calebasse	calabash
مانیوک	manioc	cassava
رئیس سالاری (شفری)	chefferie	chieftainship
نظام‌های بخشی	sections, système a—	class system
خویشاوندی نسبی تفکیک-	indifférenciée, filia-	cognatic descent
ناپذیر، نسب همزادی	tion	
بومرانژ	boumerang	comeback club
خانه جمعی	maison collective	communal house
همدستی در (شرکت در)...	comperage	compaternity
کمان مرکب	arc composite	compound bow
کمان کتانی واخیده	arc à carder	cotton-cleaning bow
چند همسر ها	coépouses	cowives
کوری	cauri	cowrie
آیین بحران	culte de crise	crisis cult
پسر دایی ها، دختر دایی ها،	cousins croisés	cross cousins
پسر عمه ها و دختر عمه های		
عرضی (مقاطع)		

فارسی	فرانسه	انگلیسی
تحلیل فرهنگی مقایسه‌ای	comparative, analyse culturelle	cross cultural analy- sis
کانون فرهنگی	foyer culturel	culture center
مکتب تاریخی - فرهنگی، مکتب تاریخ فرهنگی	historico-culturelle, école—	culture historical school
D		
خویشاوندی نسبی (پدر فرزندی)	filiation	descent
چوب‌حفر (یا چوب‌دستی حفاری)	bâton à fouir	digging stick
چوب‌حفر (یا چوب‌دستی حفاری)	baton à fouir	digging stock
جهیز	dot	dowry
سازمان دوتایی (نظام دوبخشی)	dualiste, organisation-	dual organization
منوکزیل، زورق یک‌تکه	monoxyle, pirogue-	dugout canoe
E		
تنور زمینی، تنور سنگی	four de terre	earth-oven
خانواده گسترده	étendue, famille	extended family
F		
محل یا زمین تحقیق	terrain	field work
چوب آتش‌زنه	bâton à feu	fire-drill
فندک پیستونی	briquet à piston	fire pump
چوب آتش‌زنه	bâton à feu	fire-stick
جمع‌کنندگان (یا گردآورندگان) خوراک	collecteurs	food-gatherers
شکارچیان - جمع کنندگان خوراک (یا شکارچیان - گرد- آورندگان خوراک)	chasseurs-collecteurs	food-gatherers and hunters

فارسی	فرانسه	انگلیسی
انشعاب، انشعابی	bifurcation	forking
گاملان	gamelan	G gamilan
روح محافظ	esprit gardien	guardian spirit
گوروو	gourou	guru
همک	hamac	H hammock
خانه، خاندان	maison	house
میراث، ارث‌بری	héritage	I inheritance
نبار، اولاد	lignée	issue
گیمبارد	guimbarde	J jew's harp
خویشان	parentèle	K kindred
خویشاوندی	parenté	kinship
فرهنگ‌پذیری	acculturation	kulturfall
سطح، مرتبه	niveau	L level
طایفه	lignage	lineage
ازدواج تسخیری	capture, mariage par	M marriage by capture
طبقه زناشویی، طبقه ازدواج	classe matrimoniale	marriage class
ماشین‌گرایی	mécanicisme	mechanicism
شفادهنده، معالج (یا ساحر)	guérisseur	medicine-man
خانه مردان	maison des hommes	men's house
نصفه، نیمه	moitié	moiety
کمان موسیقی	arc musical	musical bow

انگلیسی	فرانسه	فارسی
musical rasp	stridulateur	استری دولاتور، موسیقی آزاردهنده
P		
pellet bow	arc à balles	کمان گلوله‌انداز
penis sheath	étui pénien	غلاف رجلیت، پوشینه مردانگی
plural wives	coépouses	چند همسرها
pottery by colling	colombin, poterie au-	کوزه‌گری به روش مارپیچ
primary kin	proches parents	خویشاوندان نزدیک
pump-drill	foret à arc	منه‌کمانی
R		
rattle	hochet	جفجه کدویی، زنگوله خوش آهنگ
relatives	parentage	خویشان، خویشی، نسب
reversed bow	arc réflexe	کمان انعکاسی
ritual	rituel	شعائر، مراسم آیینی و تشریفاتی
rule of residence	résidence, règle de—	قاعده اقامتگاه
S		
sago palm	sagoutier	نخل آرددار، درخت نان
salvager	sauvagerie	توحش
shamanism	chamanisme	شامانیسم
shifting cultivation	agriculture itinérante	کشاورزی متحرک
sib	clan	کلان
siblings	germains	سیبلینگ یا ژرمن، برادر-خواهر
somatic anthropology	anthropologie physi-	انسان‌شناسی جسمانی
	que	
sorghum	sorgo	ذرت هندی
soul	âme	روح

انگلیسی	فرانسه	فارسی
spear thrower	propulseur	به جلو حرکت دهنده، دستگاه اعزام
statistical sampling	échantillonnage statistique	نمونه برداری آماری
stock of descendants	lignée	تبار، اولاد (افراد یک تبار، اولادان یک تبار)
string figures	jeux de ficelle	اشکال طناب بازی
swidden agriculture	agriculture itinérante	کشاورزی متحرک
T		
taboo on names	nomination, tabou de-	تبوی نامها
tabu	tabou	تبو
tattoo	tatouage	خالکوبی
throwing	jet	سلاح پرتاب
tjurunga	churinga	شورینگا
transition rite	rite de transition	مناسک انتقال، مناسک گذر
tribe	tribu	قبیله
U		
umiak	oumiak	امیاک
urucu	roucou	اوروکو، روکو
V		
voodoo	vaudou	ودو
W		
water-powered pestle	balancier hydraulique	لنگرآبی
weeping salutation	salutation larmoyante	سلام اشک آلود
white magic	magie blanche	جادوی سفید
Y		
yam	igname	میپ زمینی هندی
yurt	yourte	یورت

واژگان تکمیلی

فهرست واژگانی که در متن
معادل انگلیسی آنها نیامده است

برحسب الفبای فارسی

(فارسی، فرانسه)

فرانسه	فارسی
Rorschach	آزمون لکه‌های جوهر (رورشاخ)
lexicostatistiques	آمار واژگانی
ethno—	الف
atome de parenté	اتنو
partiel, mariage	اجزاء خویشاوندی
mythème	ازدواج جزئی
olonisme	اسطوره‌دار
hominisation	الونیسیم
Omaha	انسان شدن، به صورت انسان درآمدن
endorcisme	اماها
encomienda	اندورسیسم
Ojibwa	انکومیاندا
Orokaiva	اوجیبوا
Ibo	اوروکوا
Iroquois	ایبو
Inuit	ایروکوآ
	اینویی

فرانسه	فارسی
	ب
barbasco	بار باسکو
Basket-makers	باسکت - میکرز
Brachycéphale	یراکی سفال (سر گرد)
	بریدن مجرای خارجی (با پاره کردن مصنوعی)
discision de l'urèthre (ou hypopadias artificiel)	
boubou	بو بو
Bohio	بو هیو
Biocenose	بیوسنوز
nourrice, mise en	به شیر گذاشتن، به دایه سپردن
	پ
Papou	پا پو
Pawnee	پاونه
patri-clan, patrisib	پدر کلان، پدرسیب
piplotko	پیپلو تکو
	ت
plurigénisme	تکوین چندگانه، مختلف الاجداد
split representation	تصویر و تجسم دوگانه
néo-évolutionnisme	تطور و تکامل گرایی نو
parallélisme	توازی گرایی
gens	تیره
	ث
généalogique, enregistrement	ثبت سلسله نیاکان، ثبت دودمانی
	ج
jettatura	جادو، افسون، طلسم
mésologique, déterminisme	جبر گرایی بین منطقی
	چ
Tchambuli (ou Chambuli)	چامبولی (یا شامبولی)

فرانسé	فارسی
polyphylétisme	چندنژادی، مختلف‌الاجداد، پلی‌فیله‌تسم
batôn de jet	چوب‌پرتاب
batôn à friction	چوب مالش
	خ
multiple, famille	خانواده متعدد، خانواده چندگانه، خانواده مرکب
indivise, famille	خانواده مشترک، خانواده تقسیم نشده
bilinéaire, filiation	خویشاوندی نسبی دوتباری (دوخطی)
	د
kulturkreise	دایره فرهنگ یا تمدن
	ز
véhiculaire, langue	زبان انتقالی، زبان ارتباطی
mariage, chaînon de	زنجیره ازدواج
poison de pêche	زهر برای صید
	ژ
Gitan	ژیتان، کولی
	س
structures complexes de parenté	ساختارهای پیچیده خویشاوندی
mound-builders	سازندگان خاکریزها (تپه‌ها)
Salish	سالیش
Samoyède	ساموید
pecking order	سلسله مراتب نوک‌زدن
Somali	سمالی
Semang	سمانگ
Senoufo	سنوفو
indigéniste, politique	سیاست بوم‌زادی
Siriono	سیریونو
	ش
churuata	شوروآتا

فرانسه	فارسی
chicha	شیشا
Chicano	شیکانو
tache mongolique	ع علامت (لکه) مغولی
parenté, abréviation des termes de	علایم اختصاری واژگان خویشاوندی
prédateurs	غ غارتگران، تغذیه‌کنندگان شکار
hyperdiffusionnisme	ف فرا اشاعه‌گرایی، اشاعه‌گرایی زیاد
culturalisme	فرهنگ‌گرایی (فرهنگ‌طلبی)
techniques du corps	فنون استفاده از بدن، تکنیک‌های جسم
ethnie	ق قوم
caboclo	کابو کلو
Katchin	کاجین
Kariera	کاریه‌را
cacique	کاسیک
Keresan	کرزان
queursage, queursoir	کرساژ، کرسوآر
écoubage, agriculture par	کشاوری براساس کندن و سوزاندن علف
brûlis, culture sur—	کشاوری (یا کشت) روی زمین سوخته
compadrazgo	کمپادرازگو
kuru	کورو
kola	کولا
kunc	کون
Kitchua	کی‌چوآ
kindred	کیندرید

فرهنگ مردم‌شناسی	۴۴۱
فرانسه	فارسی
	ک
cucilleurs	گردآورندگان
corporate group	گروه اخلاقی (روحی، عقلی)
griot	گریو
gouro	گورو
ichtyo-toxiques, plantes	گیاهان مسموم‌کننده ماهیها
	ل
ladino	لادینو
Lapons	لاپنس
lusu-tropicalisme	لوزو-تروپیکا لیسم
	م
matriclan, matrisib	مادرکلانی، مادرسیبی
maraca	ماراکا
Masaï, ٬ Massaï	ماسایی
Maloca	مالوکا
manila	مانیلا
mésocéphale	مزوسفال (متوسط سر)
mossi	مسی
moka	مکا
messianisme	منجی‌گرایی، پرستش مسیح (ع)
Murngin	مورنژین
Mundugumor	موندوگومور
	ن
Nassa calosa	ناساکالوزا
Nambikwara, ٬ Nambicuara	نامبی‌کوآرا
Nankanse, ٬ Nankana	نانکانس یا نانکانا
Navaho, ٬ Navajo	ناواهو یا ناواخو
Nayar	نایر
non-unilinear descent	نسب غیر یک‌خطی

فارسی	فرانسه
نظام اقتصادی خودمعاش (یا جامعه خودمعاش)	
	auto-subsistance, système économique d' (ou société d')
نوپ	Nupe
نومینو	numineux
و	
واقعہ (کنش) اجتماعی تام	fait social total
ه	
هدا	Haida
همسرگزینی	connubium
ی	
یاگوته	yagué

فهرست واژگانی که در متن
معادل انگلیسی آنها نیامده است

بر حسب الفبای فرانسه

(فرانسه ، فارسی)

فرانسه

فارسی

A

atome de parenté

اجزاء خویشاوندی

نظام اقتصادی خودمعاش (یا جامعه خودمعاش)

auto-subsistance, système économique d' (ou société d')

B

barbasco

بار باسکو

Basket-makers

باسکت - میکرز (سازندگان سبد)

batôn à friction

چوب مالش

batôn de jet

چوب پرتاب

bilinéaire, filiation

خویشاوندی نسبی دوتباری (دوخطی)

Biocénose

بیوسنوز (مجموعه‌ای از جوامع گیاهی و حیوانی)

Bohio

بوهیو

boubou

بو بو

Brachycéphale

براکسی سفال (سرگرد)

brûlis, culture sur—

کشاوری (یا کشت) روی زمین سوخته

C

caboclo

کابو کلو

cacique

کاسیک

فرانسه	فارسی
Chicano	شیکانو
chicha	شیشا
churuata	شوروآتا
compadrazgo	کمپادرازگو
connubium	همسرگزینی
corporate group	گروه اخلاقی (روحی، عقلی)
cueilleurs	گردآورندگان
culturalisme	فرهنگ‌گرایی (فرهنگ‌طلبی)

D

بریدن مجرای خارجی ادرار (با پاره کردن مصنوعی)

discision de l'urèthre (ou hypospadias artificiel)

E

écoubage, agriculture par	کشاورزی براساس کندن و سوزاندن علف
encomienda	انکومیاندا
endorcisme	اندورسیسم
ethnie	قوم
ethno—	اتنو

F

fait social total	واقعه (کنش) اجتماعی تام
-------------------	-------------------------

G

généalogique, enregistrement	ثبت سلسله نیاکان، ثبت دودمانی
gens	تیره
Gitan	ژیتان، کولی
gouro	گورو
griot	گریو

H

Haida	هدا
hominisation	انسان شدن، به صورت انسان درآمدن

فرانسé	فارسی
hyperdiffusionnisme	فرا اشاعه‌گرایی، اشاعه‌گرایی زیاد
I	
Ibo	ایبو
ichtyo-toxiques, plantes	گیاهان مسموم‌کننده ماهیها
indigéniste, politique	سیاست بوم‌زادی
indivise, famille	خانواده مشترک، خانواده تقسیم‌نشده
Inuit	اینوی
Iroquois	ایروکوآ
J	
jettatura	جادو، افسون، طلسم
K	
Kariera	کاریه‌را
Katchin	کاچین
Keresan	کرزان
kindred	کیندرید
Kitchua	کی‌چوآ
kula	کولا
Kulturkreise	دایرة فرهنگ یا تمدن
kune	کون
kuru	کورو
L	
ladino	لادینو
Lapons	لاپنس
lexicostatistiques	آمار واژگانی
luso-tropicalisme	لوزو-تروپیکالیسم
M	
Maloca	مالوکا
manila	مانیلا

فرانسه	فارسی
maraca	ماراکا
mariage, chaîne de	زنجیره ازدواج
Masaï, یا Massaï	ماسایی
matriclan, matrisib	مادر کلانی، مادر سببی
mésocéphale	مزوسفال (متوسط سر)
mésologique, déterminisme	جبر گرایی بین‌منطقی
messianisme	منجی گرایی، پرستش مسیح (ع)
moka	مکا
mossi	مسی
mound-builders	سازندگان خاکریزها (تپه‌ها)
multiple, famille	خانواده متعدد، خانواده چندگانه، خانواده مرکب
Mundugumor	موندوگومور
Murngin	مورنژین
mythème	اسطوره‌دار

N

Nambikwara, یا Nambicuara	نامبی کوآرا
Nankanse, یا Nankana	نانکانس یا نانکانا
Nassa calosa	ناساکالوزا
Navaho. یا Navajo	ناواهو یا ناواخو
Nayar	نایر
néo-évolutionnisme	تطور و تکامل گرایی نو
non-unilinear descent	نسب غیر یک خطی
nourrice, mise en	به شیر گذاشتن، به دایه سپردن
numineux	نومینو
Nupe	نوپ

O

Ojibwa	اوجیوا
olonisme	الونیسیم
Omaha	اماها
Orokaiva	اوروکوا

فرانسه	فارسی
P	
Papou	پاپو
parallélisme	توازی‌گرایی
parenté, abréviation des termes de	علامه اختصاری واژگان خویشاوندی
partiel, mariage	ازدواج جزئی
patri-clan, patrisib	پدرکلان، پدرسیب
Pawnee	پاونه
pecking order	سلسله مراتب نوک‌زدن
piblotko	پیبلو تکو
plurigénisme	تکون چندگانه، مختلف‌الاجداد
poison de pêche	زهر برای صید ماهی
polyphylétisme	چندنژادی، مختلف‌الاجداد، پلی‌فیله تیسم
prédateurs	غارتگران، تغذیه‌کنندگان شکار
Q	
queursage, queursoir	کرساژ، کرسوآر
R	
Rorschach	آزمون لکه‌های جوهر (رورشاخ)
S	
Salish	سالیش
Samoyède	ساموید
Semang	سمانگ
Senoufo	سنوفو
Siriono	سیریونو
Somali	صمالی
split representation	تصویر وتجسم دوگانه
structures complexes de parenté	ساختارهای پیچیده خویشاوندی
T	
tache mongolique	علامت (لکه) منولی

فرانسه	فارسی
Tchambuli (ou Chambuli)	چامبولی (یا شامبولی)
techniques du corps	فنون استفاده از بدن، تکنیکهای جسم
V	
véhiculaire, langue	زبان انتقالی، زبان ارتباطی
Y	
yagué	یاگوئه

BIBLIOGRAPHIE

- ANDERSON (E.)
 1936, « Messianic Popular Movements in the Lower Congo », in *Ethnographia Upsalensia*, vol. XIV, Upsala.
- ARENSBERG (E. M.) & NIEHOFF (A. H.)
 1964, *Introducing Social Change*, Chicago.
- ARMSTRONG (W. E.)
 1928, *Rossel Island*.
- BALANDIER (Georges)
 1953, « Messianisme et Nationalisme en Afrique Noire », in *Cahiers Internationaux de Sociologie*, vol. XIV, pp. 41-65.
 1955, *Sociologie Actuelle de l'Afrique Noire*, Paris.
 1955, *L'Anthropologie Appliquée aux Problèmes des Pays sous-développés*, Université de Paris.
 1956, *Le Tiers-Monde, sous-développement et développement*, Presses Universitaires de France, Paris (2^e éd. 1962).
 1962, *Afrique Ambiguë* (2^e éd.), 1^{re} éd. 1957.
 1962, *Les Implications Sociales du Développement Économique*, Paris.
 1968, *Anthropologie Politique*, Paris.
- BARNETT (H. G.)
 1938, « The Nature of the Potlatch », in *American Anthropologist*, vol. XL.
- BASTIDE (Roger)
 1950, *Sociologie et Psychanalyse*, Paris.
 1958, *Le Candomblé de Bahia*, Paris.
 1965, *Sociologie des Maladies Mentales*, Paris.
 1971, *Anthropologie Appliquée*, Payot, Paris.
- BENEDICT (R.)
 1934, *Patterns of Culture*, New York (trad. française : *Échantillons de Civilisations*, 1950).
- BENEDICT (R.) & IRVING (J.)
 1954, « Mental Illness in Primitive Societies », in *Psychiatry*, 17.

- BERNOT (L.) & BLANCART (R.)
1953, *Nouville, un village français*, Paris, Institut d'Ethnologie.
- BETTELHEIM, (B.)
1954, *Symbolic wounds* (trad. franc. *Blessures symboliques*, 1971).
- BLOCH (M.)
1931, *Les Caractères Originaux de l'Histoire Rurale Française*, 2^e éd. ; 2 vol., 1952 et 1961.
- BOAS (F.)
1897, *The Social Organization and the Secret Societies of the Kwakiutl Indians*, Washington.
1896, « The limitation of the Comparative Method », in *Boas*, 1940.
1940, *Race Language and Culture*, New York.
- BONAPARTE (Princesse Marie)
1952, *Psychanalyse et Anthropologie*, Presses Universitaires de France, Paris.
- BOUGLÉ (Célestin)
1908, *Essais sur le Régime des Castes*, Paris, Alcan (2^e édition 1927).
- BRIFFAULT (R.)
1927, *The Mothers*, New York (2 vol.).
- BULMER (R. N. H.)
1967, « Why is the cassowary not a bird? A problem of zoological taxonomy among the Karam of the New Guinea Highlands », in *Man*, vol. 2.
- CHILDE (Gordon)
1951, *Social Evolution*, New York, Schuman.
1954, *What Happened in History* (trad. franç. : *De la Pré-histoire à l'Histoire*, Paris, 1961).
- CODERE (H.)
1950, *Fighting with Property*.
- COHN (Norman)
1957, *The Pursuit of Millenium*, London (traduc. franç. *Les fanatiques de l'Apocalypse*).
- COMAS (Juan)
1957, *Manual de Antropologica Física*, Fondo de Cultura Económica, Mexico (trad. angl. : *Manual of Physical Anthropology*, 1960).
- CONKLIN (H. C.)
1955, « Hanunoo color categories », in *South-western Journal of Anthropology*, vol. XI, n° 1.
1957, *Hanunoo agriculture*, Rome, FAO.
1964, « Ethnogenealogical method », in Goodenough, W. (editor), *Explorations in Cultural Anthropology*.
1969, Ethnography, in *Encyclopaedia of the Social Sciences*.
- COX (C. Oliver)
1948, *Caste, Class and Race*, a study in Social Dynamics, New York.

- CRESSWELL (Robert)
1969, *Une Communauté Rurale de l'Irlande*, Paris, Institut d'Ethnologie.
- DALTON (G.)
1961, « Economic Theory and Primitive Society », in *American Anthropologist*, vol. 63, pp. 1-25.
1965, « Primitive Money », in *American Anthropologist*, vol. 67, pp. 44-65.
- DENIKER (J.)
1926, *Les Races et les Peuples de la Terre*, Paris.
- DEVEREUX (George)
1970, *Essais d'Ethnopsychiatrie Générale*, Paris (traduction de 16 articles écrits entre 1939 et 66).
- DOUGLAS (Mary)
1966, *Purity and Danger*, London.
- DRUCKER (P.) & HEIZER (R. F.)
1967, *To make my name good, A re-examination of the Southern Kwakiutl pollatch*, Berkeley.
- DUFRENNE (M.)
1953, *La personnalité de base*, Paris.
- DUMÉZIL (Georges)
1959, *Les dieux des Germains*, Paris, P. U. F.
1968, *Mythe et Épopée I*, Paris, Gallimard.
1971, *Mythe et Épopée II*, Paris, Gallimard.
- DUMONT (Louis)
1966, *Homo Hierarchicus*, Paris, Gallimard.
- DURKHEIM (Émile)
1893, *De la Division du Travail Social*, Paris.
1897, *Le Suicide*, Paris.
1912, *Les Formes Élémentaires de la Religion : le Système Totémique en Australie*, Paris.
- DYEN (Isidore)
1965, *A Lexicostatistical classification of the Austronesian Languages*, Baltimore.
- EINZIG (Paul)
1949, *Primitive Money in its Ethnological, Historical and Economical Aspects*, Londres.
- ELIADE (Mircea)
1949, *Le Mythe de l'Éternel Retour*, Paris.
1951, *Le Chamanisme et les Techniques Archaïques de l'Extase*, Payot, Paris.
- EVANS-PRITCHARD (E. E.)
1940, *The Nuer* (trad. franç. *Les Nuers*, 1968, Gallimard, Paris).
1946, *Applied Anthropology*, in *Africa*.
1951, *Social Anthropology* (trad. franç. *Anthropologie Sociale*, 1969, Payot, Paris).
- FANON (Frantz)
1952, *Peau noire, Masques blancs*.

- FIRTH (Raymond)
 1936, *We, The Tikopia* (trad. franç. : *Nous, les gens de Tikopia*, 1974, Payot, Paris).
 1939, *Primitive Polynesian Economy*.
 1959, *Social Change in Tikopia*.
 1967, (Édit.), Themes, in *Economic Anthropology*.
- FORDE (Darryl)
 1956, (Édit.), *Social Implications of Industrialisation and Urbanization in Africa South of the Sahara*, UNESCO.
- FORTES (Meyer)
 1936, « Culture Contact as a Dynamic Process », in *Africa*, 9 and in Mair : *Methods of Study of Culture contact in Africa*, London, 1939.
- FORTES (Meyer) & EVANS-PRITCHARD (E. E.)
 1940, (Éd.) *African Political Systems* (trad. franç. : *Systèmes Politiques Africains*, 1960).
- FOX (Robin)
 1967, *Kinship and Marriage* (trad. franç. : *Anthropologie de la Parenté*, Gallimard, 1972).
- FRAKE (Charles)
 1961, The Diagnosis of Disease among the Subanun of Mindanao, in *American Anthropologist*, vol. 63, n° 1.
- FRAZER (J. G.)
 1890, *The Golden Bough: a study on Magic and Religion*, (3^e édition élargie, 13 vol.). Éd. abrégée 1922. (Éd. franç. *Le Rameau d'Or*, 1920-1930, 12 vol.).
- FREUD (Sigmund)
 1912, *Totem und Tabu* (trad. franç. : *Totem et Tabou: interprétation par la Psychanalyse de la vie sociale des Peuples primitifs*, Paris, Payot).
- FRIED (M. H.)
 1967, *The evolution of political society*.
- GEERTZ (Clifford)
 1963, *Agricultural involution. The processus of ecological change in Indonesia*, University of California Press.
- GLUCKMAN (M.)
 1965, *Politics, Law and Rituals in Tribal Society*, Oxford.
 1964, *Closed Systems and Open Minds*, Édimbourg.
- GOLDENWEISER (A. A.)
 1933, *History, Psychology and Culture*.
- GOODENOUGH (W. H.)
 1956, « Componential analysis and the study of meaning », in *Language*, vol. 32, n° 1.
 1964, « Componential analysis of Konkama Lapp Kinship terminology », in GOODENOUGH (W. H.) (Édit.), *Explorations in Cultural Anthropology*.
- GRACE (George-William)
 1959, *The Position of the Polynesian Languages within the Austronesian (Malayo-Polynesian) Language Family*, Bloomington.

- GRAEBNER (F.)
1911, *Method der Ethnologie*.
- GRIAULE (Marcel)
1937, *Méthode de l'Ethnographie*, Paris.
1948, *Dieu d'eau*.
- GRIAULE (M.) et DIETERLEN (G.)
1965, *Le Renard pâle*.
- HARRIS (M.)
1969, *The rise of anthropological theory*.
- HARTWEG (Raoul)
1959, *Cours d'Anthropologie et de Paléontologie humaine de l'Institut d'Ethnologie*, 1958-1959.
- HERSKOVITS (J. M.)
1949, *Man and his Work* (éd. franç. abrégée : *Les Bases de l'Anthropologie culturelle*, Paris, Payot, 1952).
1952, *Economic Anthropology: a study in comparative Economics*.
- HERSKOVITS & LINTON
1940, *Acculturation in Seven Indian Tribes*.
- HEUSCH (Luc de)
1962, *Le Pouvoir et le Sacré*.
- HEYERDAHL (T.)
1950, *Kon-Tiki*, Londres.
1952, *American Indians in the South Pacific*, Londres.
- HOBSBAWN (E. J.)
1959, *Primitive Rebels* (trad. franç. : *Les primitifs de la révolte*, Fayard).
- HOCART (A. M.)
1927, *Kinship*, London (rééd. 1957).
1932, *Kings and Councillors*, Le Caire 1932 ; rééd. London, 1970.
1938, *Les Castes*, Paris, Geuthner (Annales du Musée Guimet).
- HOLMBERG (Allan R.)
1950, *Nomads of the Long Bow, the Siriono of Eastern Bolivia* (2^e éd. 1964).
- HYMES (D. H.)
1960, « Lexicostatistics so far », in *Current Anthropology* vol. I, pp. 3-44, Chicago.
- JAULIN (Robert)
1970, *La Paix Blanche*, Paris.
1972, (Éd.) *De l'Ethnocide*, Paris.
- JOSSELYN DE JONG (P. E. de)
1951, *Minangkabau and Negri Sembilan. Socio-Political Structure in Indonesia*, Leyden.
- KARDINER (Abram)
1939, *The Individual and his society. The psychodynamics of primitive social organization*, New York.
- KRAEMER (Augustin)
1902, *Die Samoa-Inseln*, 2 vol., Stuttgart.

- KROEBER (A. L.)
 1948, *Anthropology*, New York.
 1952, *The Nature of Culture*, Chicago.
 1953, *Anthropology today : an Encyclopedic Inventory*, Chicago.
- LA BARRE (Weston)
 1971, « Materials for a History of Studies of Crisis Cults : a bibliographic essay », in *Current Anthropology*, vol. 12, n° 1, February.
- LANTERNARI (Vittorio)
 1962, *Mouvements religieux de liberté et de salut des peuples opprimés*, Paris.
- LAUBSCHER (J. F.)
 1937, *Sex, Custom and Psychopathology, A study of South African Pagan Natives*, London.
- LAWRENCE (Peter)
 1964, *Road belong cargo : a study of the cargo Movement in the southern Madang district, New Guinea*.
- LEACH (E. R.)
 1954, *Political system of Highland Burma*, Londres (trad. franç. : *Les systèmes politiques des Hautes Terres de Birmanie*, Paris, Maspero, 1972).
 1960, (Éd.), *Aspects of Caste in South India, Ceylan and North-west Pakistan*, Cambridge.
 1961, *Pul Elya, a village in Ceylon*.
 1961, *Rethinking Anthropology* (trad. franç. : *Critique de l'Anthropologie*, Paris, 1968).
- LEACOCK (Seth)
 1964, « Fun loving deities in an Afro-Brazilian cult », in *Anthropological Quarterly*, 37.
- LEESON
 1952, « Bibliography of Cargo Cults and Other Nativistic Movements in the south Pacific », *South Pacific Commission Technical Papers*, n° 30.
- LEIRIS (Michel)
 1934, *L'Afrique Fantôme (de Dakar à Djibouti, 1931-1933)*, Gallimard.
 1958, *La possession et ses aspects théâtraux chez les Éthiopiens de Gondar*, Plon, Paris.
- LÉVI-STRAUSS (Claude)
 1949, *Les Structures élémentaires de la Parenté* (2^e édition, Mouton, 1967).
 1955, *Tristes Tropiques*, Plon, Paris.
 1958, *Anthropologie Structurale* (recueil d'articles écrits entre 1945 et 1956), Plon, Paris.
 1962, *La Pensée Sauvage*, Plon, Paris.
 1971, *L'Homme Nu*, Plon, Paris.
- LEWIS (I. M.)
 1971, *Ecstasic Religion*, Londres.

- LEWIS (Oscar)
1961, *The Children of Sanchez* (trad. franç. : *Les enfants de Sanchez*, Paris, 1963).
- LINDZEY (Gardner)
1961, *Projective Techniques and Cross-cultural Research*, New York.
- LINTON (R.)
1936, *The Study of Man* (trad. franç. : *De l'Homme*, Minuit, Paris, 1968).
1945, *Cultural Background of personality*.
1947, *The science of Man in the world of crisis*.
1956, *Culture and Mental Disorders*.
- LOUNSBURY (F. G.)
1956, « A semantic analysis of the Pawnee Kinship usage », in *Language*, vol. 32, n° 1.
- LOWIE (H.)
1924, *Primitive Religion*.
1937, *The History of Ethnological Theory* (trad. franç. : *Histoire de l'ethnologie classique, des origines à la deuxième guerre mondiale*, Payot, Paris, 1971).
- MAGET (Marcel)
1953, *Guide d'Étude Directe des Comportements culturels*, Paris.
- MAIR (Lucy)
1962, *Primitive Government*.
- MALINOWSKI (B.)
1916, « Baloma : the spirits of the dead in the Trobriand Islands », in *Journal of the Royal Anthropological Institute*, vol. 46.
1922, *Argonauts of the Western Pacific* (trad. franç. : *Les Argonautes du Pacifique Occidental*, 1963).
1927, *Sex and Repression in Savage Society* (trad. franç. : *La Sexualité et sa répression dans les Sociétés Primitives*, Payot, 1932).
- MARTIN (R.) & SALLER (K.)
1959, *Lehrbuch der Anthropologie* (3 vol.).
- MAUDE (Harry E.)
1963, *The Evolution of the Gilbertse Boti, an ethnohistorical interpretation*, Wellington, The Polynesian Society.
- MAUSS (Marcel)
1925, « Essai sur le Don », *Année Sociologique*, vol. I ; republié dans MAUSS, 1950.
1947, *Manuel d'Ethnographie*, Payot, Paris.
1950, *Sociologie et Anthropologie* (préface de C. Lévi-Strauss), 4^e éd. 1968 (recueils d'articles écrits entre 1902 et 1934).
1968-69, *Œuvres Complètes*, 3 vol.

- MEILLASSOUX (C.)
1964, *Anthropologie économique des Gouro de Côte-d'Ivoire*, Paris, Mouton.
- MEILLET & COHEN (éd.)
1952, *Les Langues du Monde*, Paris.
- MÉTRAUX (Alfred)
1940, *Ethnology of Easter Island*.
1951, *L'Ile de Pâques*, Gallimard.
1957, « Les Messies de l'Amérique du Sud », in *A. S. R.*, n° 4, pp. 108-112.
1958, *Le Vaudou Haïtien*, Gallimard.
1960, *Resistances à Madanca* (en collaboration), Rio de Janeiro.
1967, *Religions et Magies Indiennes de l'Amérique du Sud*, (recueil d'articles, édition posthume), Gallimard.
- MONTANDON (Georges)
1933, *La Race, les races*, Payot, Paris.
- MORGAN (L. H.)
1851, *The League of the Iroquois*.
1870, *Systems of Consanguinity and affinity of the human family*.
1877, *Ancient Society* (trad. franç. : *La Société Archaïque*, Anthropos, 1970).
- MORIN (Edgar)
1967, *Commune en France, La Métamorphose de Plodemet*, Fayard, Paris.
- MÜHLMANN & al. (éd.)
1968, *Messianismes révolutionnaires du Tiers Monde* (trad. franç., Gallimard, Paris).
1961, *Chiliasmus und Nativismus : Studien zur Psychologie, Soziologie und historischen Kasuistik der Umsturzbewegungen*, Berlin.
- MURDOCK (George Peter)
1949, *Social Structure* (trad. franç. : *De la Structure Sociale*, Payot, Paris, 1972).
- NADEL (S. F.)
1953, *Anthropology and Modern Life*, Canberra.
- NEEDHAM (Rodney)
1962, *Structure and Sentiment*, Chicago.
- OLIVIER (Georges)
1960, *Pratique Anthropologique*, Vigot, Paris.
- OPLER (Marwin K.)
1956, *Culture, Psychiatry and Human Values, The Methods and Values of a social Psychiatry*, Springfield, Illinois.
1959, *Culture and Mental Health*, New York.
- ORTIGUES (M. C. & E.)
1966, *Edipe Africain*, Plon, Paris.

- PANOFF (Michel)
 1965, « La Terminologie de la Parenté en Polynésie : essai d'Analyse formelle », in *L'Homme*, vol. 5, pp. 60-87.
- PANOFF (Michel) & PANOFF (Françoise)
 1968, *L'Ethnologue et son ombre*, Payot, Paris.
- PARSONS (Talcott)
 1949, *The Structure of Social Action*, Glencoe, Illinois.
- PAUL (Benjamin P.) (éd.)
 1955, *Health, Culture and Community*, New York.
- PIERRE DE GRÈCE (Prince)
 1963, *A Study of Polyandry*, Mouton, La Haye.
- POLANYI (Karl)
 1968, *Primitive, Archaic and Modern Economies* (essays edited by G. Dalton), New York, Anchor Books.
- RADCLIFFE-BROWN (A. R.)
 1952, *Structure and Function in Primitive Society*, Glencoe, Illinois.
- RAPPAPORT (R. A.)
 1968, *Pigs for the Ancestors : Ritual in the Ecology of a New Guinea People*, Yale University Press, New Haven.
- REDFIELD (Robert)
 1930, *Tepotzlan*.
 1953, *The Primitive World and its Transformations*.
 1955, *The Little Community*.
 1956, *Peasant Society and Culture. An Anthropological Approach to Civilization*, University of Chicago Press.
- REDFIELD (Linton) & HERSKOVITS (J. M.)
 1936, Memorandum on the study of acculturation, in *American Anthropologist*, 38.
- REIK (Theodor)
 1931, *Ritual, Psycho-analytic studies*, Wolf, Hogarth Press.
 1946, *The Psychological Problems of Religions*, New York.
- RIVERS (W. H.)
 1910, *The Genealogical method of anthropological Inquiry*.
 1914, *Kinship and Social Organization*, Londres.
 1924, *Social Organization*, New York.
- RIVERS & HADDON
 1902, « A Method of Recording String Figures and Tricks », in *Man*, vol. II, p. 109.
- ROHEIM (Geza)
 1950, *Psychoanalysis and Anthropology* (trad. franç. : *Psychanalyse et Anthropologie*, Gallimard, 1967).
- SAHLINS (Marshall D.)
 1965, « On the Sociology of Primitive Exchange », in Banton, M. (éd.), *The Relevance of Models in Anthropology*, Londres.
 1968, *Tribesmen*, Prentice Hall, New York.
- SAHLINS (M. D.) & SERVICE (E.)
 1960, *Evolution and Culture*, University of Michigan Press.

- SAINTYVES (P.)
 1934-36, *Corpus du Folklore Préhistorique en France et dans les Colonies Françaises*, 3 vol., Paris.
 1936, *Manuel de Folklore*, Paris.
- SAINTYVES (P.) & SÉBILLOT (P.)
 1906, *Le Folklore en France*, Paris.
- SALISBURY (R. F.)
 1970, *Vunamami*.
- SAUER (Carl O.)
 1952, *Agricultural Origins and Dispersals : The domestication of Animals and Foodstuffs*, American Geographical Society (réédition M. I. T. Press, 1969).
- SCHAPERA (I.)
 1956, *Government and Politics in Tribal Societies*, Londres.
- SCHNEIDER (D.)
 1961, « The Distinctive Features of Matrilineal Descent Groups », in SCHNEIDER (D.) & GOUGH (K.) (éd.), *Matrilineal Kinship*.
- SCHUSKY (A.)
 1965, *Manual for Kinship Analysis*.
- SEBAG (Lucien)
 1971, *L'invention du monde chez les Indiens Pueblo*.
- SÉBILLOT (Paul)
 1880-83, *Contes Populaires de la Haute Bretagne*.
 1901, *Le Folklore des Pêcheurs*.
- SEGALEN (Victor)
 1907, *Les Immémoriaux* (rééd. 1956).
- SERVICE (Elman R.)
 1966, *The Hunters*, Prentice Hall, New York.
- SHINEBERG (D.)
 1967, *They Came for Sandalwood*, Melbourne.
- SRINIVAS (N. M.)
 1962, *Caste in Modern India and Other Essays*, Bombay, Asia Publishing House.
- STEWART (Julian H.)
 1949, *Cultural Causality and Law*, in *American Anthropologist*, 51.
 1955, *Theory of Culture Change*, Urbana.
- SWADESH (Morris)
 1952, Lexicostatistics dating of prehistoric ethnic contacts, in *Proceedings of the American Philosophical Society*, vol. 96, Philadelphie.
- TAX (Sol)
 1945, « Anthropology and Administration », *America Indigene* 5.
 1952, *Acculturation in the Americas*.
- THRUPP (S. L.) (éd.)
 1962, *Millennial Dreams in Action*, La Haye.
- THURNWALD (R.)
 1932, *Economics in Primitive Communities*, Oxford.

- TYLOR (E. B.)
1871, *Primitive Culture : Researches into the Development of Mythology, Philosophy, Religion, Art and Customs*, 2 vol. (trad. franç. : *La Civilisation Primitive*, Paris, 1876).
- UBEROI (S.)
1962, *The Politics of the Kula ring*.
- U. N. E. S. C. O.
1960, *Le Racisme devant la Science*.
- VALENTINE (Charles)
1968, *Culture and Poverty*, Chicago.
- VALLOIS (Henri V.)
1944, *Les Races Humaines*, P. U. F., Paris, coll. Que Sais-je ? (7^e édition, 1967).
- VAN GENNEP (Arnold)
1909, *Les Rites de Passage*.
1910, *La Fonction des Légendes*.
1911, *Les Demi-Savants*.
1920, *L'État Actuel du Problème totémique*.
1937, *Manuel de Folklore français contemporain*.
- VAN WOUDEN (F.)
1935, *Types of Social Structure in Eastern Indonesia*, La Haye,
1968 (traduit de : *Sociale Structuurtypen in de Grootste Oost*, Leyde, 1935).
- VARAGNAC (André)
1938, *Définition du Folklore*, Paris.
1948, *Civilisations Traditionnelles et Genres de vie*, Albin Michel, Paris.
- VAYDA (A. P.)
1961, « A reexamination of Northwest Coast Economic Systems », *Transactions of the New York Academy of Sciences*, ser. 2, vol. 23, n° 7.
1967, « On the anthropological study of Economics », in *Journal of Economic Issues*, vol. I, pp. 86-90.
1969, *Environment and Cultural Behavior : Ecological Studies in Cultural Anthropology*, New York, the Natural History Press.
- VERNANT (J. P.)
1965, *Mythe et pensée chez les Grecs*, Paris.
- WACHTEL (N.)
1971, *La Vision des Vaincus. Les Indiens du Pérou devant la conquête espagnole, 1530-1570*, Gallimard, Paris.
- WALLES (A.)
1960, « Revitalisation movements », in *American Anthropologist*, vol. 58, n° 2.
- WARNER, L.
1937, *A black civilization*, New York.
- WHITE (Leslie A.)
1949, *The Science of Culture*, New York.
1959, *The Evolution of Culture*, New York.

WILL (Édouard)

1954, « De l'aspect éthique des origines grecques de la monnaie », in *Revue Historique*, vol. 112, 1954.

WILSON (G.) & WILSON (M.)

1954, *The analysis of social change*, Cambridge.

WORSLEY (Peter)

1957, *The Trumpet shall Sound : A study of « Cargo » Cults in Melanesia*, Londres.

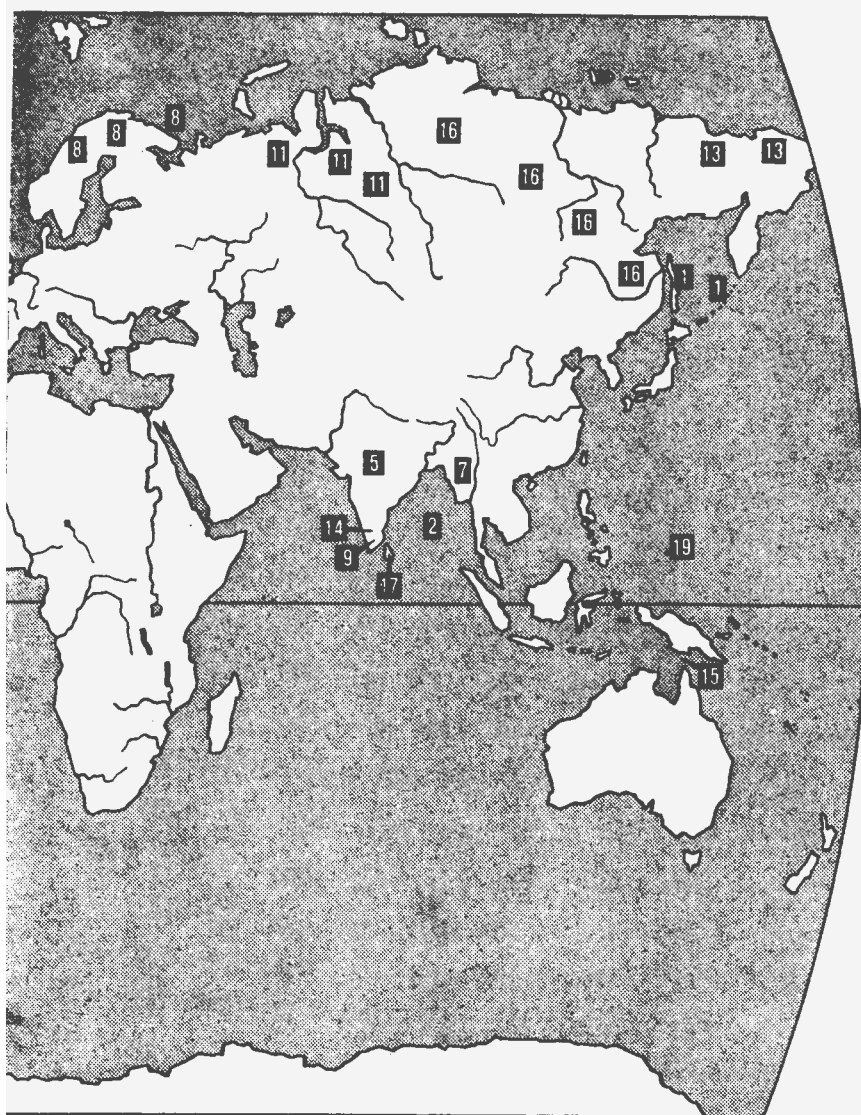
WYLIE (Laurence L.)

1957, *Village in the Vaucluse*, Cambridge (trad. franç. : *Un Village du Vaucluse*, Paris, Gallimard, 1968).

CARTES



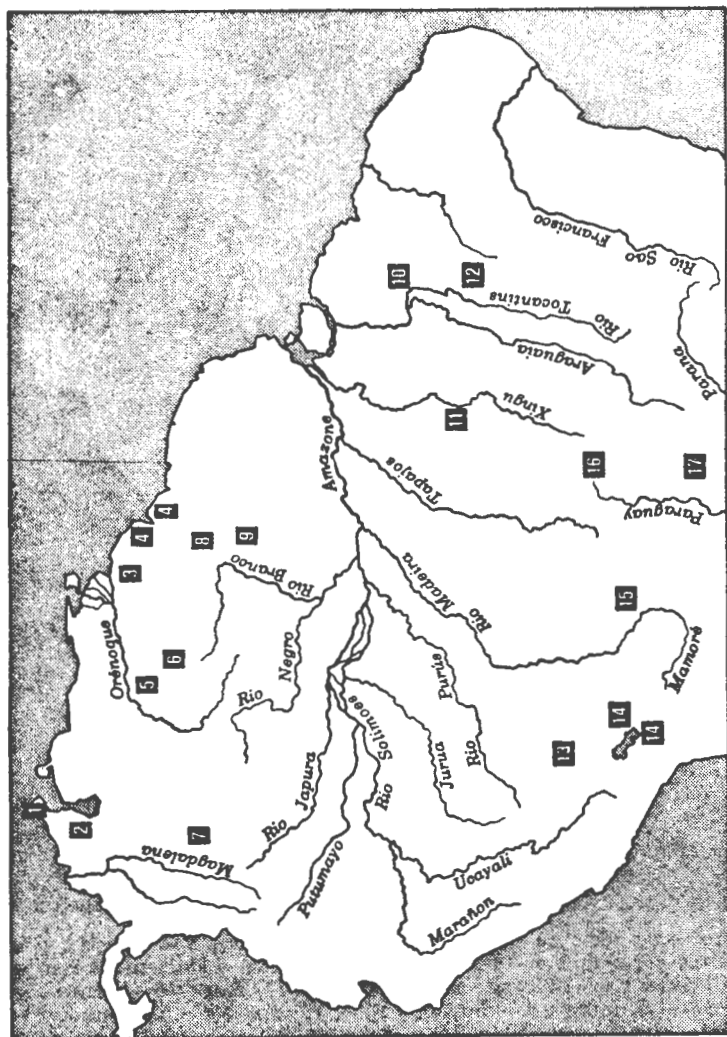
Aïnou : 1 - Andaman : 2 - Alakalouf : 3 - Araucans : 4 - Bhil : 5 -
 Samoyèdes : 11 - Selknam : 12 - Tchouktches : 13 - Todas : 14 - Torrès



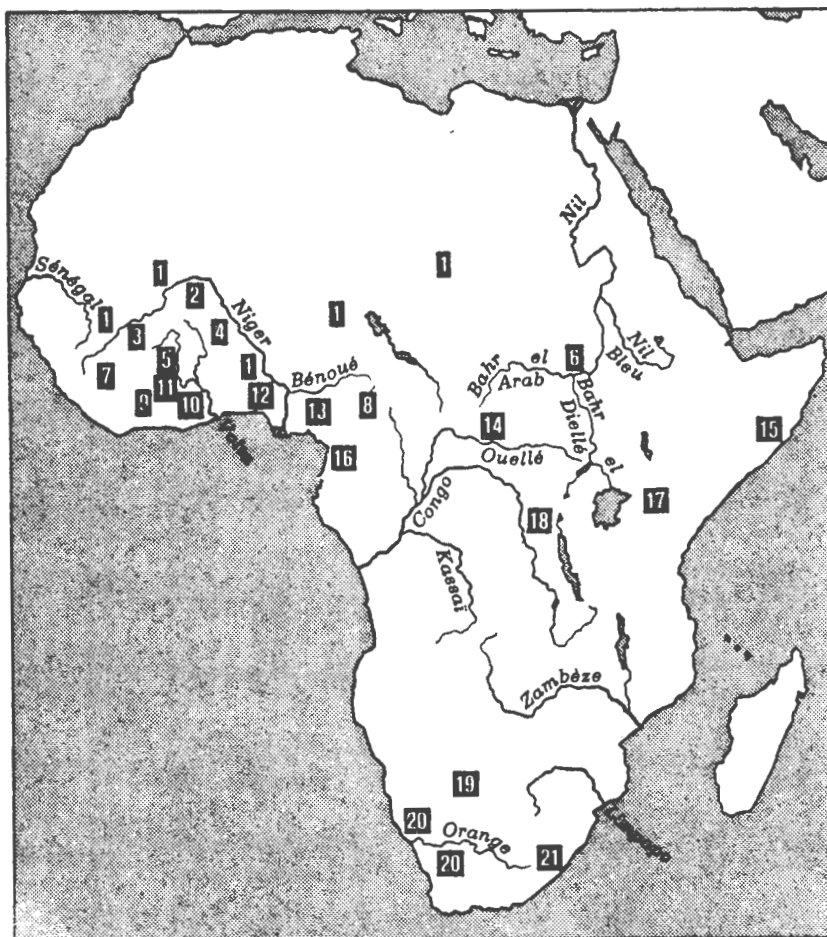
Hawaïens : 6 - Katchin : 7 - Lapons : 8 - Nayars : 9 - Pâques, I. de : 10 -
 Détroit de : 15 - Toungouses : 16 - Vedda : 17 - Yamana : 18 - Yap : 19 -



Algonkin (du nord-est) : 8 - Athapaskan (du nord) : 4 - Crow : 10 -
 Eskimo : 1 - Haida : 6 - Hopi : 15 - Iroquois : 9 - Kwakiutl : 5 -
 Maya : 18 - Natchez : 17 - Navajo : 14 - Ojibwa : 7 - Omaha : 12 -
 Pawnee : 13 - Sioux : 11 - Tlingit : 2 - Tsimshian : 3 - Zuni : 16 -



Apinave (Gé) : 10 - Arawak : 4 - Aymara : 14 - Bororo : 17 - Campas : 13 - Carib : 3 - Cherente (Gé) : 12 - Chibcha : 7 - Goajiro (Arawak) : 1 - Kayapo (Gé) : 11 - Makiritare (Caraiibe) : 6 - Makusi : 8 - Nambikuara : 16 - Panare (Caraiibe) : 5 - Siriono : 15 - Waiwai (Caraiibe) : 9 - Yukpa (Caraiibe) : 2 -



Ashanti : 10 - Azandé : 14 - Bambara : 3 - Bamileké : 8 - Baoulé : 9 -
 Bochiman : 19 - Dogon : 2 - Fang : 16 - Gouro : 11 - Hottentots : 20 -
 Ibo : 13 - Massai : 17 - Mossi : 4 - Nankanse : 9 - Nuer : 6 - Peul : 1 -
 Pygmées : 18 - Senoufo : 7 - Somali : 15 - Tallensi : 5 - Yoruba : 12 -
 Zoulou : 21 -



Alor : 5 - Arapesh : 22 - Arunta : 10 - Bali : 4 - Canaques : 12 - Chimbu : 26 -
 Dayak : 2 - Dieri : 11 - Dobu : 16 - Fidji : 13 - Iatmul : 2 - Java : 3 - Karadjeri : 7 -
 Kariera : 8 - Mailu : 19 - Manus : 21 - Mundugumor : 25 - Murngin : 6 - Normanby :
 15 - Orokaiva : 18 - Pitjanjara : 9 - Rossel : 14 - Semang : 1 - Tchambuli : 23 -
 Tolai : 20 - Trobriand : 17 -

